دار السعاده آغاسی قوللرندن

الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

قد وقف هذا المصحف الجميل والكتاب العزيز الجليل سلطاننا الاعظم وخاقاننا المعظم الاكرم

خلاصة الطاف رب العالمين معز الدولة والدين خادم الحرمين الشريفين

المغازي المجاهد السلطان ابن السلطان السلطان الغازي محمود خان

لا زالت دولته باقية الى آخر الزمان وقفا صحيحا شرعيا كاملا

لمن تلاه بالتحصيل وقرأه بالتعظيم والترتيل حرره الفقير

احمد شيخ زاده المفتش باوقاف الحرمين الشريفين

عفي عنهما

الاجوبة

١٢

سورة الفاتحة الكتاب

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشاینده مهربان

الحمد لله رب العالمين الرحمن الرحيم
سپاس مر خدایرا که پروردگار جهانیان است پادشاه مهربان بخشاینده

مالك يوم الدين اياك نعبد واياك
پادشاه روز جزا و حساب ترا می پرستیم و ترا

نستعين اهدنا الصراط المستقيم صراط
بیاری میخواهیم بنمای ما را راه راست راه

الذين انعمت عليهم غير المغضوب عليهم ولا الضالين
آنها که نعمت دادی و منت نهادی بر ایشان جز آنکسها که خشم گرفتی بر ایشان و نه گمراهان

مكية وهي سبع آيات

سورة البقرة مدنية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشاینده مهربان

الم ذلك الكتاب لا ريب فيه
منم خدای این نامه که نیست شک در آن

هدى للمتقين الذين يؤمنون بالغيب
راه نماینده مر پرهیزکاران آنها که گرویدند به پنهانی

ويقيمون الصلوة ومما رزقناهم
و بپای دارند نماز و از آنچه روزی دادیم ایشان را

ينفقون والذين يؤمنون بما انزل
زکوة بدهند و آنان که ایمان آوردند بآنچه بفرستادند

وهي مائتان وست وثمانون آية

إليك وما أنزل من قبلك وبالآخرة هم يوقنون ۝ أولئك على هدى
سوای محمد و بتوریة و زبور که پیش از تو وبقیامت ایشان یقین دارند ایشان باشند براه راست

من ربهم وأولئك هم المفلحون ۝ إن الذين كفروا
از پروردگار ایشان وآن گروه باشند ایشان رستگاران بدرستی آنان که کافر شدند

سواء عليهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لا يؤمنون ۝ ختم
یکسانست برایشان اگر بیم کنی ایشانرا یا بیم نکنی ایشانرا نگروند مهر کرد

الله على قلوبهم وعلى سمعهم وعلى أبصارهم غشاوة ولهم
خدای بر دلهای ایشان و بر گوشهای ایشان و بر چشمهای ایشان پوششی کرد و مر ایشانراست

عذاب عظيم ۝ ومن الناس من يقول آمنا بالله وباليوم
عذابی بزرگ واز مردمان کس هست که گویند بگرویدم بخدای و بروز

الآخر وما هم بمؤمنين ۝ يخادعون الله والذين آمنوا وما
قیامت ونباشند ایشان گروندگان فریب نمایند خدای را وآنان که بگرویدند و نه

يخدعون إلا أنفسهم وما يشعرون ۝ في قلوبهم مرض
فریبند مگر تنهای ایشان و ندانند در دلهای ایشان بیماریست

فزادهم الله مرضا ولهم عذاب أليم بما كانوا يكذبون ۝ وإذا قيل
بیفزودشان خدای بیماری و مر ایشانراست عذاب دردناک بانچه بودند که بدروغ گرفتند وچون گویند

لهم لا تفسدوا في الأرض قالوا إنما نحن مصلحون ۝ ألا إنهم هم
مر ایشانرا که مکنید فساد در زمین گویند مایم نیکوکاران بدان که ایشان ایشان

المفسدون ولكن لا يشعرون ۝ وإذا قيل لهم آمنوا كما آمن الناس
تباه‌کاران ولیکن نمیدانند وچون گویند مر ایشانرا که بگروید همچنان که بگرویدند مردمان

قالوا أنؤمن كما آمن السفهاء ألا إنهم هم السفهاء
گویند همی بگرویم ما همچنانکه بگرویدند نادانان بدانکه ایشانند نادانان

ولكن لا يعلمون ۝ وإذا لقوا الذين آمنوا قالوا آمنا وإذا خلوا
ولیکن نمیدانند وچون بینند آنکسان که بگرویدند گویند بگرویدیم وچون تنها شوند

إلى شياطينهم قالوا إنا معكم إنما نحن مستهزءون ۝
سوی دیو مردم ایشان گویند ما با شمائیم مائیم با افسوس کنندگان مؤمنان

الله يستهزئ بهم ويمدهم في طغيانهم يعمهون ۝ أولئك
خدا افسوس کند باایشان و همی کشد ایشانرا در بیراهی ایشان چون کوران ایشانند

الذين اشتروا الضلالة بالهدى فما ربحت تجارتهم وما
آنهاکه بخریدند گمراهی براه راست نکرد سود بازرگانی ایشان و نه

كانوا مهتدين ۝ مثلهم كمثل الذي استوقد نارا فلما
بودند راه یافتگان مثل ایشان چون مثل کسی است که برافروخت آتشی پس چون

أضاءت ما حوله ذهب الله بنورهم وتركهم في ظلمات
روشن شد آنچه گرداگرد او بود ببرد خدای روشنایی [illegible] و بماند در تاریکیها

لا يبصرون ۝ صم بكم عمي فهم لا يرجعون ۝ أو كصيب من السماء
نبینند کرانند گنگانند کورانند پس ایشان بحق باز نگردند یا [illegible] ایشان چون باران سخت از آسمان

فيه ظلمات ورعد وبرق يجعلون أصابعهم في آذانهم
اندران تاریکیها و رعد و برق همی کنند انگشتهاشان در گوشهاشان

من الصواعق حذر الموت والله محيط بالكافرين ۝ يكاد البرق
از ترس صاعقها بیم مرگ وخدای اندر رسیده است بکافران خواهد برق

يخطف أبصارهم كلما أضاء لهم مشوا فيه وإذا أظلم
برباید چشمهاشان هران هنگام که روشن شود ایشانرا بروند اندران وچون تاریک گردد

عليهم قاموا ولو شاء الله لذهب بسمعهم وأبصارهم إن الله
برایشان بایستند متحیر واگر خواهد خدای ببرد شنوائیها ایشان و بینائیها ایشان بدرستی که خدای

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ
بر همه چیز تواناست ای مردمان بپرستید پروردگار شما آنکه بیافرید شما

وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ۝ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ
و آنانکه از پیش شما بودند مگر شما بترسید آنکه کرد مر شما را زمین

فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ
بستری و آسمان بنیادی و فرو فرستاد از آسمان آبی پس بیرون آورد بآن آب از میوها

رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ
روزی شما را پس مکنید خدای را همتایان و شما میدانید و اگر هستید شما اندر شکی

مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَى عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِنْ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ
از آنچه فرو فرستادیم بر بنده خویش پس بیارید سوره از مثل او یکی و بخوانید حاضران مجلس خود

مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا
بجز خدای اگر هستید راست گویان پس اگر معارضه نکردید هرگز معارضه نتوانید کردن

فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ ۝
پس بپرهیزید از آتش دوزخ آن آتشی که آتش انگیزان مردمانند و سنگ و کبریت آماده کرده شده برای ناگروندگان

وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ
و بشارت ده آنان که گرویدند و کردند کارهای شایسته آنکه مر ایشان راست بوستانها که میرود از

تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي
زیر درختان آن جویها هر گاه که روزی داده شوند از آن درختان میوه روزی ساخته آن این میوه ایست

رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ
که روزی داده ام ... بیارند پیش مومنان از میوه بهشت مانند میوها و اهل بهشت راست ... زنان پاکیزه و بوستانهای بهشت

فِيهَا خَالِدُونَ ۝ إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَا بَعُوضَةً فَمَا
در آن بوستان جاویدان ... که خدای باک ندارد آنکه بیان کند مثلی هرچه باشد پشه خود بس آنچه

فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا
بزرگتر از آن پس آنکسان که گرویدند پس یقین میدانند که مثل درست است از پروردگار ایشان و اما آنها که کافر شدند

فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ
پس میگویند چه چیز خواست خدای بابن مثل گمراه گرداند بآن مثل بسیاری و راه نماید بهمان مثل

كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ ۝ الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ
بسیاری و گمراه نکند خدای بآن مثل کرده مگر گمراهان آنها که گمراهان اند می شکنند پیمانهای

اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ
خدای از پس استواری آن و میبرند آن پیوند را آنچه خدای فرموده بآن چیز که آنرا پیوندند و فساد میکنند

فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ۝ كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا
در زمین آن گروه ایشانند زیانکاران چگونه کافر میشوید بخدای و حال آنکه شما بودید مردگان

فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۝ هُوَ الَّذِي
پس زنده گردانید شما را پس بمیراند شما را پس زنده کند شما را پس بسوی او باز گردانیده شوید او آن خدای است

خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ
که بیافرید برای انتفاع شما آنچه در زمین است همه آن پس قصد کرد بسوی آسمان پس راست کرد آنها

سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۝ وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ
هفت آسمان و او بهمه چیز داناست یاد کن ای محمد چون گفت پروردگار فرشتگان

إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا
من آفریننده ام در زمین بدل از قوم پریان تا خلیفه باشد گفتند آیا می آفرینی در زمین کسی که فساد کند در زمین

وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ
و بریزد خون و ما تسبیح میکنیم بحمد و ثنای تو خداوند و تقدیس میکنیم ترا گفت خدای که من دانم

مَا لَا تَعْلَمُونَ ۝ وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ
شما نمیدانید و در آموخت آدم نامها جمله پس عرض داد بر ملائکه

فقال انبئونى باسماء هؤلاء ان كنتم صادقين ۝ قالوا سبحانك

پس گفت خبر دهید مارا بنامهای این گروه اگر شما هستید از راستگویان گفتند پاکی ترا است که

لا علم لنا الا ما علمتنا انك انت العليم الحكيم ۝ قال يا آدم

هیچ علمی نیست مارا مگر آنچه درآموختی مارا بدرستی که توی دانا بحقیقت و حکیم درست کار گفت خدای ای آدم

انبئهم باسمائهم فلما انبأهم باسمائهم قال الم اقل

خبر ده ایشانرا بنامهای ایشان چون خبر داد ایشانرا بنامها ایشان گفت آیا نگفتم

لكم انى اعلم غيب السموات والارض واعلم ما تبدون وما

شمارا که من دانم غیب آسمانها و زمین و دانم آنچه شما ظاهر میکنید و آنچه

كنتم تكتمون ۝ واذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم فسجدوا

شما پنهان کنید و چون گفتیم فرشتگانرا که سجود کنید مر آدم پس سجده کردند

الا ابليس ابى واستكبر وكان من الكافرين ۝ وقلنا يا آدم

مگر ابلیس که سرکشی کرد و تکبر کرد و بود از کافران و گفتیم ای آدم

اسكن انت وزوجك الجنة وكلا منها رغدا حيث

ساکن شو تو و زن تو در بهشت و بخورید از آن فراخ هرجا که

شئتما ولا تقربا هذه الشجرة فتكونا من الظالمين ۝ فازلهما

خواهید و نزدیک مگردید این درخت پس شوید از ستمکاران پس لغزانید آدم و حوا

الشيطان عنها فاخرجهما مما كانا فيه وقلنا اهبطوا بعضكم

شیطان از بهشت پس بیرون کرد ایشانرا از آنچه بودند دران و گفتیم فرو آیید برخی شما

لبعض عدو ولكم فى الارض مستقر ومتاع الى حين ۝ فتلقى آدم

برخی را دشمن اند و شمارا است در زمین جایگاه و برخورداری تا روزگاری فراگرفت آدم

من ربه كلمات فتاب عليه انه هو التواب الرحيم ۝

از پروردگار خود کلماتی چند توبه داد پس توبه کرد که او است توبه دهنده بندگان و رحمت کننده

قلنا اهبطوا منها جميعا فاما ياتينكم منى هدى فمن تبع هداى

گفتیم فرو آیید از بهشت جمله پس اگر بیاید شمارا از من راه راستی پس هر که متبع شود راه مرا

فلا خوف عليهم ولا هم يحزنون ۝ والذين كفروا وكذبوا

نیست بیم بر ایشان و نه ایشان اندوهگین اند و کسانی که کافر شدند و دروغ داشتند

باياتنا اولئك اصحاب النار هم فيها خالدون ۝ يا بنى اسرائيل

آیات کلام مارا ایشانند ملازم دوزخ ایشان در آتش جاویدند ای فرزندان یعقوب

اذكروا نعمتى التى انعمت عليكم واوفوا بعهدى اوف

یاد کنید نعمت من آنچه انعام کردم بر شما و بوفا کنید بعهد من تا وفا کنم

بعهدكم واياى فارهبون ۝ وامنوا بما انزلت مصدقا لما معكم

بعهد شما و از من بترسید و ایمان آورید بآنچه فرو فرستادم براست دارید آنچه با شما است

ولا تكونوا اول كافر به ولا تشتروا باياتى ثمنا قليلا واياى فاتقون

و مباشید اول کسی که کافر شود بدان و مخرید بآیات من بهای اندک و از من بترسید

ولا تلبسوا الحق بالباطل وتكتموا الحق وانتم تعلمون ۝ واقيموا

و میامیزید حق را به ناحق و مپوشید حق یعنی صفت پیغمبر و شما میدانید که پیغمبر و بپای دارید

الصلوة واتوا الزكوة واركعوا مع الراكعين ۝ اتامرون

نماز را و بدهید زکوة و نماز کنید با نمازکنندگان آیا میفرمایید

الناس بالبر وتنسون انفسكم وانتم تتلون الكتاب افلا

مردمانرا به نیکی و فراموش میکنید تنهای خود و شما میخوانید کتاب ای

تعقلون ۝ واستعينوا بالصبر والصلوة وانها لكبيرة الا على

عقل ندارید و یاری گیرید بصبر و نماز و بدرستی که بزرگ است مگر بر

الخاشعين ۝ الذين يظنون انهم ملاقوا ربهم وانهم اليه

خشوع کنندگان آنکسانی که گمان دارند که ایشان بینند خدای خویش و ایشان بازوی

راجعون ۝ يا بني اسرائيل اذكروا نعمتي التي انعمت عليكم
همیگردند ای فرزندان یعقوب یاد کنید نعمت من انچه نعمت کردم بر شما

واني فضلتكم على العالمين ۝ واتقوا يوما لا تجزي نفس عن
و بدرستی که فضل کردم شما بر عالمیان و بترسید از ان که بس نکند نفسی از

نفس شيئا ولا يقبل منها شفاعة ولا يؤخذ منها عدل ولا هم
نفسی چیزی و قبول نکنند از ان شفاعت و نگیرند از ان نفس فدای و نه ایشان را

ينصرون ۝ واذ نجيناكم من آل فرعون يسومونكم سوء العذاب
نصرت دهند و چون نجات دادیم از اهل فرعون میچشانیدند شما را سخت ترین عذاب

يذبحون ابناءكم ويستحيون نساءكم وفي ذلكم بلاء
همی کشتید پسران شما و همی زنده داشتید زنان شما و درین ذبح پسران بلائی بود

من ربكم عظيم ۝ واذ فرقنا بكم البحر فانجيناكم واغرقنا
از پروردگار شما بزرگ و چون باز شکافتیم شما را دریا پس برهانیدیم شما را و غرق کردیم

آل فرعون وانتم تنظرون ۝ واذ واعدنا موسى اربعين ليلة
آل فرعون و شما می نگرستید بدریا و یاد کنید آنرا که وعده دادیم موسی را چهل شبانروز

ثم اتخذتم العجل من بعده وانتم ظالمون ۝ ثم عفونا عنكم من بعد
پس فرا گرفتند شما گوساله بخدائی از پس آن و شما ظالمان می بودید دیگر عفو کردیم از شما از پس آن حال

ذلك لعلكم تشكرون ۝ واذ آتينا موسى الكتاب والفرقان
تا باشد که شما شکر کنند و چون بدادیم موسی را کتاب توریة و قرآن

لعلكم تهتدون ۝ واذ قال موسى لقومه يا قوم انكم ظلمتم
تا باشد راه یابندگان و چون گفت موسی قوم خود را ای قوم بدرستی که ظلم کردیم

انفسكم باتخاذكم العجل فتوبوا الى بارئكم فاقتلوا انفسكم
بر تن خویش گرفتن شما را گوساله توبه کنید سوی پروردگار شما بکشید تنها خود

ذلكم خير لكم عند بارئكم فتاب عليكم انه هو التواب الرحيم ۝
این توبه بهتر باشد شما را نزد خداوند شما توبه دهد شما را که اوست توبه دهنده و رحمت کننده

واذ قلتم يا موسى لن نؤمن لك حتى نرى الله جهرة فاخذتكم
و چون گفتید شما که ای موسی ایمان نیاوریم تا انکه که ببینیم خدا را ببینیم پس گرفت

الصاعقة وانتم تنظرون ۝ ثم بعثناكم من بعد موتكم لعلكم
صاعقه یعنی آتش و شما همی دیدید پس زنده کردیم شما را از پس مرگ شما تا باشد که شما

تشكرون ۝ وظللنا عليكم الغمام وانزلنا عليكم المن والسلوى
شکر کنید و سایه کردیم بر شما ابر و فرو فرستادیم بر شما ترنجبین مرغ بریان کرده

كلوا من طيبات ما رزقناكم وما ظلمونا ولكن كانوا انفسهم
بخورید از پاکتر چیزی انچه روزی کردیم شما را و ستم نکردند ما را و لیکن بودند که بر نفسهای خود

يظلمون ۝ واذ قلنا ادخلوا هذه القرية فكلوا منها حيث شئتم
ستم میکردند و یاد آرید چون گفتیم شما را که در آیید درین دیه پس بخورید ازین ده هر چه خواهید

رغدا وادخلوا الباب سجدا وقولوا حطة نغفر لكم خطاياكم
خوردنی و در آیید بدر ازین درها سجده کنندگان تا بیامرزیم شما را گناهان شما گوارنده

وسنزيد المحسنين ۝ فبدل الذين ظلموا قولا غير الذي قيل لهم
و زود زیادت کنیم محسنان بدل کردند آنکسانی که ظلم کردند گفتاری جز آنکه گفتند ایشان را

فانزلنا على الذين ظلموا رجزا من السماء بما كانوا يفسقون ۝
فرو فرستادیم بر آنکسانی که ظلم کردند عذابی از آسمان بدان که فسق کردند و نافرمانی

واذ استسقى موسى لقومه فقلنا اضرب بعصاك الحجر فانفجرت
و چون باران طلب کرد موسی قوم خود را ما گفتیم بزن عصای تو بر سنگ تا بیرون آید

منه اثنتا عشرة عينا قد علم كل اناس مشربهم كلوا
از ان دوازده چشمه آب بدرستی بدانستند هر مردمی آبخورگاه خویش بخورید

واشربوا من رزق الله ولا تعثوا في الأرض مفسدين ۝ واذ قلتم
و بیاشامید از روزی خدای و فساد مکنید در زمین فساد کنندگان و چون گفتید

یا موسی لن نصبر علی طعام واحد فادع لنا ربك يخرج لنا
ای موسی ما صبر نکنیم بر یک طعام راست برخوان مارا پروردگار تو بیرون آرد مارا

مما تنبت الأرض من بقلها وقثائها وفومها وعدسها وبصلها
از آنچه برویاند زمین از بقل آن و خیاران و گندم آن و عدس آن و پیاز آن

قال أتستبدلون الذي هو أدنى بالذي هو خير اهبطوا مصرا
گفت ای بدل کنید شما آنچه آن خوارتر به آنچه او بهتر فرو آیند بمصر

فإن لكم ما سألتم وضربت عليهم الذلة والمسكنة
پس بدرستی که شمارا است آنچه خواستید و لازم گردند بر ایشان خواری و درویشی

وباءوا بغضب من الله ذلك بأنهم كانوا يكفرون بآيات الله
و بازگشتند به خشمی از خدای آن خواری بسبب آنکه ایشان بودند کافران بنشانهای خدای

ويقتلون النبيين بغير الحق ذلك بما عصوا وكانوا يعتدون ۝
و میکشتند پیغامبران بغیر حق این بسبب عصیان ایشان و بودند از حد درگذشتگان

إن الذين آمنوا والذين هادوا والنصارى والصابئين من آمن
بدرستی که آنکسانی که مومن شدند و آنکسانی که جهود شدند و ترسایان و آنکسانی که از دینی بدینی دیگر شدند هر که ایمان آورده است

بالله واليوم الآخر وعمل صالحا فلهم أجرهم عند ربهم ولا خوف
بخدای و بروز قیامت و عمل صالح کند پس ایشان راست مزد ایشان نزد خدای ایشان و نیست هیچ ترسی

عليهم ولا هم يحزنون ۝ وإذ أخذنا ميثاقكم ورفعنا فوقكم
بر ایشان و نه ایشان اندوهگین باشند و چون گرفتیم میثاق و عهد شما و برداشتیم بالای شما

الطور خذوا ما آتيناكم بقوة واذكروا ما فيه لعلكم تتقون ۝
کوه بستانید آنچه ما دادیم شمارا بقوة و یاد کنید آنچه در وست تا باشد که شما بپرهیزید

ثم توليتم من بعد ذلك فلولا فضل الله عليكم ورحمته لكنتم
پس برگشتید شما از پس آن اگر نه فضل خدای بودی بر شما و رحمت وی بودید

من الخاسرين ۝ ولقد علمتم الذين اعتدوا منكم في السبت
از زیانکاران و بدرستی دانستید آنکسانی که از حد درگذشتند از شما در روز شنبه

فقلنا لهم كونوا قردة خاسئين ۝ فجعلناها نكالا لما بين
پس گفتیم ایشان را که باشید بوزینه رانده پس کردیم ایشان را زشتی آنچه پیش ایشان

يديها وما خلفها وموعظة للمتقين ۝ وإذ قال موسى لقومه
ایشان و آنچه از پس ایشان و گردانیدیم آنرا پندی برای پرهیزکاران و یاد کن چون گفت موسی مر گروه خود

إن الله يأمركم أن تذبحوا بقرة قالوا أتتخذنا هزوا قال
بدرستی که خدای همی فرماید شمارا که بکشید ماده گاوی همه گفتند همی گیرید مارا باستهزا گفت

أعوذ بالله أن أكون من الجاهلين ۝ قالوا ادع لنا ربك يبين
پناه میگیرم بخدای از آن که باشم از جاهلان گفتند برخوان مارا خداوند تو تا پیدا کند

لنا ما هي قال إنه يقول إنها بقرة لا فارض ولا بكر عوان
مارا که چیست گفت بدرستی میگوید که این گاوی است نه پیر و نه جوان میانه است

بين ذلك فافعلوا ما تؤمرون ۝ قالوا ادع لنا ربك يبين لنا
میان این و آن پس بکنید آنچه همی فرمایند شمارا همه گفتند بخواه مارا از خدای تو تا پیدا کند مارا

ما لونها قال إنه يقول إنها بقرة صفراء فاقع لونها تسر
که چیست رنگ آن گفت بدرستی میگوید که آن گاوی است زردی زرد خالص رنگ آن شاد کند

الناظرين ۝ قالوا ادع لنا ربك يبين لنا ما هي إن البقر تشابه
ناظران گفتند برخوان مارا خداوند تو تا روشن شود مارا که چیست آن بدرستی که این گاو با ما ماند

علينا وإنا إن شاء الله لمهتدون ۝ قال إنه يقول إنها بقرة
بمشابهت و ما اگر خواهد خدای از راه یابندگانیم گفت بدرستی همی گوید که این گاوی است

لا ذلول تثير الارض ولا تسقى الحرث مسلمة لا شية فيها

که نه رام کرده بزمین خراشیدن و نه تر آب بر وکشیده کشت سالم است هیچ نشان نیست درو

قالوا الان جئت بالحق فذبحوها وما كادوا يفعلون ۞ واذ قتلتم

کفتند اکنون آمدی بحق بکشتند کاو را و نبودند که خواستند کردن و یاد کنید آنگه کشتید

نفسا فادّارءتم فيها والله مخرج ما كنتم تكتمون ۞ فقلنا اضربوه

تنی پس اختلاف کردید در آن و خدای ظاهر کننده است آن چیز را که شما پنهان میکنید پس کفتیم بزنید آن کشته را

ببعضها كذلك يحيى الله الموتى ويريكم آياته لعلكم

ببرخی از آن همچنین زنده کند خدای مردکان را و مینماید شما را نشانهای خویش تا مکر شما

تعقلون ۞ ثم قست قلوبكم من بعد ذلك فهي كالحجارة او اشد

بعقل دریابید پس سخت شد دلهاء شما از پس آن پس آن همچون سنک است یا سخت تر

قسوة وان من الحجارة لما يتفجر منه الانهار وان منها لما

بسیاری و هر آینه از سنک آنست که بشکافد و بیرون آید از آن انهار و هر آینه از آن هست که

يشقق فيخرج منه الماء وان منها لما يهبط من خشية الله

بشکافد و بیرون آید از آن آب و هر آینه از آن هست که فرو آید از ترس خدای

وما الله بغافل عما تعملون ۞ افتطمعون ان يؤمنوا لكم وقد

و خدای نه غافل است از آنچه شما میکنید آیا همی طمع دارید که ایمان آورند شما را و بدرستی

كان فريق منهم يسمعون كلام الله ثم يحرفونه من بعد ما عقلوه

که بود گروهی از ایشان که همی شنیدند کلام خدای پس همی گردانیدند آنرا از پس آنکه دانستند

وهم يعلمون ۞ واذا لقوا الذين امنوا قالوا امنا واذا خلا بعضهم

و ایشان میدانستند و چون ملاقات کنند آن کسانی را که مومن شدند گویند ایمان آوردیم و چون خالی شود برخی

الى بعض قالوا اتحدثونهم بما فتح الله عليكم ليحاجوكم به

با برخی گویند حدیث میکنید با ایشان بآنچه خدای گشاد بر شما تا حجت آرند بدان

نصف الحزب

عند ربكم افلا تعقلون ۞ اولا يعلمون ان الله يعلم ما يسرون

نزد پروردگار شما ای هیچ عقل ندارید یا همی دانند بدرستی که خدای همی داند آنچه نهان میکنند

وما يعلنون ۞ ومنهم اميون لا يعلمون الكتاب الا اماني

و آنچه آشکارا میکنند و از ایشان هستند امیان که همی ندانند کتاب را مگر خواندنی

وان هم الا يظنون ۞ فويل للذين يكتبون الكتاب بايديهم

و نیستند ایشان مگر گمان میکنند وای بر آن کسانی که همی نویسند کتاب را بدستهای ایشان

ثم يقولون هذا من عند الله ليشتروا به ثمنا قليلا فويل لهم

پس همیگویند این از نزد خدای تا بفروشند بآن بهای اندک وای دوزخ ایشانرا

مما كتبت ايديهم وويل لهم مما يكسبون ۞ وقالوا لن تمسنا

از آنچه نوشت دستهای ایشان و وای دوزخ ایشانرا از آنچه همی کسب کنند و گفتند با

النار الا اياما معدودة قل اتخذتم عند الله عهدا فلن

آتش دوزخ مگر روزکاری چند شمرده بگو یا گرفته اید نزد خدای عهدی تا

يخلف الله عهده ام تقولون على الله ما لا تعلمون ۞ بلى من كسب

خلاف نکند خدای عهد خود یا همی گویید بر خدای آنچه نمیدانید آری هر که کند

سيئة واحاطت به خطيئته فاولئك اصحاب النار هم

کناهی و توانا شود بوی خطاهای وی پس آن جماعت ملازمان دوزخ ایشان

فيها خالدون ۞ والذين امنوا وعملوا الصالحات اولئك

در آن جاوید باشند و آن کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح کنند ایشان اهل

اصحاب الجنة هم فيها خالدون ۞ واذ اخذنا ميثاق بني اسرائيل

ملازمان بهشت اند ایشان در آن جاویدان و چون بستدیم عهدی از بنی اسرائیل

لا تعبدون الا الله وبالوالدين احسانا وذي القربى واليتامى

نه پرستید بجز خدای و با مادر و پدر نیکویی کنید و بخویشان و با یتیمان

وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلٰوةَ وَآتُوا الزَّكٰوةَ
و مسکینان و گویید مر مردمان سخن نیکو و بر پای دارید نمازها و بدهید زکوة مال

ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُعْرِضُونَ ۝ وَإِذْ أَخَذْنَا
پس برگشتید شما مگر اندکی از شما و شما روی همی گردانید و چون بستدیم ما

مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ
میثاق و عهد شما نریزید خونها شما و بیرون مکنید تنها شما را از خانها شما

ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ ۝ ثُمَّ أَنْتُمْ هٰؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ
دیگر اقرار آورید و شما گواهی میدادید دیگر شما جماعتی همی کشتید تنها خود

وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِنْكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِمْ بِالْإِثْمِ
و بیرون همیکردید گروهی از شما از سراهای شما یاری همی دهید برایشان به گناه

وَالْعُدْوَانِ وَإِنْ يَأْتُوكُمْ أُسَارٰى تُفَادُوهُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ
و بیداد کردن و اگر بیایند گروگان بفدا دهید ایشانرا و او حرامست بر شما

إِخْرَاجُهُمْ أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ
بیرون کردن ایشانرا ای همی ایمان آورید به برخی از کتاب و کافر شوید به برخی چیست پاداش

مَنْ يَفْعَلُ ذٰلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيٰمَةِ
آنکسی که بکند این از شما مگر خواری در زندگانی دنیا و روز قیامت

يُرَدُّونَ إِلٰى أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اللّٰهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ۝ أُولٰئِكَ
باز گردانند ایشانرا سوی سخت‌ترین عذاب و نه خدای غافل است از آنچه همی کنید ایشان این جماعت

الَّذِينَ اشْتَرَوُا الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ
آنکسانی اند که بخریدند زندگانی دنیا با آخرت و نه سبک کرداند از ایشان

الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ ۝ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا
عذاب و نه ایشان یاری کنند و بدرستی که بدادیم موسی را کتاب و تورات و از پس او فرستادیم

مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ
از پس وی پیغمبران و بدادیم ما عیسی را پسر مریم معجزاتها و وی را قوة دادیم

بِرُوحِ الْقُدُسِ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوٰى أَنْفُسُكُمُ
بجبریل علیه السلام ای هرگاهی که آید رسولی بدانچه نخواهد تنهاء شما

اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ ۝ وَقَالُوا قُلُوبُنَا
تکبر کردید شما گروهی را بدروغ داشتید و گروهی را همی کشتید و گفتند همه دلهاء ما

غُلْفٌ بَلْ لَعَنَهُمُ اللّٰهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَا يُؤْمِنُونَ ۝ وَلَمَّا
در غلافست بلکه لعنت کرد ایشانرا خدای بکفر ایشان پس اندکی اند که ایمان آوردند و چون

جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ
بیامد برایشان کتابی از نزد خدای راست گوی دارنده با ایشانست و بودند از پیش ازین

يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ
نصرت همی خواستند بر آنکسانی که کافر شدند چون آمد بایشان آنچه بشناختند کافر شدند بدان

فَلَعْنَةُ اللّٰهِ عَلَى الْكَافِرِينَ ۝ بِئْسَمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ
پس لعنت کرد خدای بر کافران بد بود که بفروختند بدان تنها ایشان که

يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللّٰهُ بَغْيًا أَنْ يُنَزِّلَ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلٰى مَنْ يَشَاءُ
کافر شدند بدانچه فرو فرستاد خدای از حسد و بی راهی که فرو فرستاد خدای از فضل خویش بر آنکس که خواهد

مِنْ عِبَادِهِ فَبَاءُوا بِغَضَبٍ عَلٰى غَضَبٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ ۝
از بندگان خود بازگشتند به خشمی بر خشمی دیگر و کافرانراست عذابی خوار کننده

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللّٰهُ قَالُوا نُؤْمِنُ بِمَا أُنْزِلَ عَلَيْنَا
و چون گویند مر ایشانرا ایمان آورید بدانچه فرو فرستاد خدای گویند ایمان آوریم ما بدانچه فرو فرستادی بر ما

وَيَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ وَهُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ
و کافر شدند بدانچه از پس اوست و او حق است راست گوی دارنده بدانچه با ایشانست بگوی ای محمد چرا همی کشتند

انبیاء الله من قبل ان کنتم مؤمنین ۝ ولقد جاءکم موسی
پیغمبران خدای از پیش آن چون بودید شما مؤمنان ودرستی که آمد بشما موسی

بالبینات ثم اتخذتم العجل من بعده وانتم ظالمون ۝ واذ اخذنا
بمعجزها دیگر بگرفتید شما گوساله پرستیدن از پس وی وشما ظالمان بودید وچون بستدیم ما

میثاقکم ورفعنا فوقکم الطور خذوا ما اتیناکم بقوة
میثاق شما وبرداشتیم بالا سر شما کوه بگیرید چون بدادیم شما را بقوة

واسمعوا قالوا سمعنا وعصینا واشربوا فی قلوبهم العجل
وبشنوید گفتند شنیدیم وعاصی شدیم وبخورانیدند ایشان دوستی عبادت گوساله

بکفرهم قل بئسما یأمرکم به ایمانکم ان کنتم مؤمنین ۝
بکفر ایشان بگوای محمد بدست آنچه همی فرماید شما را بدانچه ایمان شما اگر هستید مؤمنان

قل ان کانت لکم الدار الاخرة عند الله خالصة من دون الناس
بگوای محمد اگر است شما را سرای آخرة نزد خدای خالص است از دون مردمان

فتمنوا الموت ان کنتم صادقین ۝ ولن یتمنوه ابدا بما قدمت
تمنا کنید مرگ را اگر هستید راست گویان وخود تمنا نکنند مرگ را هرگز بدان که از پیش فرستاده‌اند

ایدیهم والله علیم بالظالمین ۝ ولتجدنهم احرص الناس
فرستاده‌اند وخدای داناست بظالمان وهر آینه یابی ایشان را حریصترین مردمان جمله

علی حیوة ومن الذین اشرکوا یود احدهم لو یعمر الف سنة
بر زندگانی واز آنکسانی که شرک گرفتند دوست همی دارد یکی از ایشان اگر بزیستی هزار سال

وما هو بمزحزحه من العذاب ان یعمر والله بصیر بما
ونیست او دور شده از عذاب گر زیستی بعمر وخدای بیناست بدانچه

یعملون ۝ قل من کان عدوا لجبریل فانه نزله علی قلبک باذن
همی‌کنند بگوای محمد هر که هست دشمن جبرئیل پس بدرستی که او را فرستاد خدای بر دل او ای محمد بفرمان

الله مصدقا لما بین یدیه وهدی وبشری للمؤمنین ۝ من کان عدوا
خدای راست دارنده بدان پیش او است راه نمودنی وبشارت دهنده مؤمنان را هر که باشد دشمن

لله وملائکته ورسله وجبریل ومیکال فان الله عدو للکافرین
خدای وفریشتگان او ورسولان وی وجبرئیل ومیکاییل بدرستی که خدای دشمن کافران است

ولقد انزلنا الیک ایات بینات وما یکفر بها الا الفاسقون
وبدرستی که فرو فرستادیم بتوای محمد نشانی چند روشن کننده وکافر نشدند بدان مگر فاسقان

اوکلما عاهدوا عهدا نبذه فریق منهم بل اکثرهم
یا هر وقتی که عهد کنند عهدی بیندازند آنرا گروهی از ایشان بلکه بیشترین ایشان

لا یؤمنون ۝ ولما جاءهم رسول من عند الله مصدق لما معهم
ایمان نیاورند وچون آمد بدیشان رسولی از نزد خدای راست گوی دارنده آنچه با ایشان است

نبذ فریق من الذین اوتوا الکتاب کتاب الله وراء ظهورهم
بینداختند گروهی از آنکسانی که داده‌اند ایشان را کتاب کتاب خدای واز پس پشت ایشان

کانهم لا یعلمون ۝ واتبعوا ما تتلوا الشیاطین علی ملک
پنداری که ایشان نمیدانند وپی گرفتند آنچه بر خواند شیاطین در پادشاهی

سلیمن وما کفر سلیمن ولکن الشیاطین کفروا یعلمون
سلیمان وهرگز کافر نشد سلیمان ولیکن شیاطین کافر شدند که همی آموختند

الناس السحر وما انزل علی الملکین ببابل هاروت وماروت
مردمان را سحر وآنچه فرو فرستاده شد بر دو فرشته بشهر بابل هاروت وماروت از سحر

وما یعلمان من احد حتی یقولا انما نحن فتنة فلا تکفر
ونیاموختند از هیچ کس تا همی گویند که ما فتنه ایم تا کافر نشوی

فیتعلمون منهما ما یفرقون به بین المرء وزوجه وما هم بضارین
همی آموختند از ایشان هر دو آنچه جدایی افکنند بدان میان مرد وزن وی ونیستند ایشان زیان کاران

بِهِ مِنْ اَحَدٍ اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ

بدان از هیچکس مگر بفرمان خدای و همی آموزند آنچه زیان کند ایشانرا و سود نکند ایشانرا و بدرستی

عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرٰیهُ مَا لَهُ فِي الْاٰخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا

که دانستند آنچه خریدند نیست اورا در آخرة از هیچ نصیب و بدست آنچه بفروختند

بِهِ اَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ۝ وَلَوْ اَنَّهُمْ اٰمَنُوا وَاتَّقَوْا لَمَثُوبَةٌ

بآن تنهاء ایشان اگر بودند دانایان و اگر ایشان ایمان آورند و بترسند ایشانرا ثواب باشد

مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ خَيْرٌ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ۝ يَا اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا لَا تَقُولُوا

از نزد خدای بهتر اگر باشندی داننده ای کسانی که ایمان آورده اید مگوئید

رَاعِنَا وَقُولُوا انْظُرْنَا وَاسْمَعُوا وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ اَلِيمٌ ۝

گوش دار و بگوئید ببین مارا و بشنوید و کافرانراست عذابی دردناک

مَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ اَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ اَنْ يُنَزَّلَ

دوست ندارند آنکسانی که کافر شدند از اهل کتاب و نه نیز کافران شرک گیرنده فرو فرستند

عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَاللّٰهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللّٰهُ

بر شما جماعت از بهتر از پروردگار شما و خدای خاص می کند برحمت خویش هر که خواهد و خدای

ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ۝ مَا نَنْسَخْ مِنْ اٰيَةٍ اَوْ نُنْسِهَا نَاْتِ بِخَيْرٍ

خداوند فضل عظیم است آنچه نسخ کنیم از آیتی یا فراموش گردانیم بیاوریم بهتر

مِنْهَا اَوْ مِثْلِهَا اَلَمْ تَعْلَمْ اَنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ اَلَمْ تَعْلَمْ

ازان یا مثل آن همی ندانی بدرستی که خدای بر همه چیز تواناست آیا ندانستی

اَنَّ اللّٰهَ لَهُ مُلْكُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللّٰهِ مِنْ

که خدای اوراست پادشاهی آسمانها و زمینها و نیست شمارا از جز خدای از

وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ۝ اَمْ تُرِيدُونَ اَنْ تَسْئَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سُئِلَ

دوستی و نه نیز نصرت دهنده یا همی خواهید که بخواهید رسول شما همچنان که خواسته شد

مُوسٰى مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَتَبَدَّلِ الْكُفْرَ بِالْاِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ

از موسی از پیش و هر که بدل کند کفر با ایمان بدرستی گم راه شده

السَّبِيلِ ۝ وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ اَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ

از راه راست دوست دارند از اهل کتاب یعنی جهودان اگر شمارا باز گردانند از پس

اِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِنْ عِنْدِ اَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا

ایمان آوردن شما در حالت کفر از بهر حسدی از نزد تن ایشان از پس آن

تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتّٰى يَاْتِيَ اللّٰهُ بِاَمْرِهِ اِنَّ اللّٰهَ

روشن کند ایشانرا حق پس عفو کنید و باز ایستید تا بیاید خدای بفرمان خود بدرستی که خدای

عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ وَاَقِيمُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتُوا الزَّكٰوةَ وَمَا تُقَدِّمُوا

بر همه چیزی تواناست و بپای دارید نمازها و بگزارید زکوة و آنچه پیش فرستادید

لِاَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝

از نیکی بیابید آنرا نزد خدای بدرستی که خدای بدانچه همی کنید بیناست

وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ اِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا اَوْ نَصَارٰى تِلْكَ

و گفتند در بهشت نرود هیچکس مگر آنکسی که باشد جهود یا ترسایان

اَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝ بَلٰى مَنْ اَسْلَمَ

آرزوی ایشان بگوای محمد بیاورید حجت شما اگر هستید راست گویان حق است هر که تسلیم کرد

وَجْهَهُ لِلّٰهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ اَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ

همه خود را برای طاعت خدای و او نیکوکار است پس مر اوراست مزد او از نزد پروردگار وی و نه نیز ترسی بر ایشان

وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۝ وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارٰى عَلٰى شَيْءٍ

و نه نیز اندوهگین باشند و گفتند یهودیان نیستند نصرانیان بر هیچ چیز

وَقَالَتِ النَّصَارٰى لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلٰى شَيْءٍ وَهُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ

و گفتند نصرانیان نیستند یهودیان بر هیچ چیز و ایشان همی خوانند کتاب

كذلك قال الذين لا يعلمون مثل قولهم فالله يحكم بينهم
همچنين گفت الكسانى كه نميدانستند مانند قول ايشان وخداى حكم كند ميان ايشان

يوم القيمة فيما كانوا فيه يختلفون ۝ ومن اظلم ممن منع
روز قيامت در انچه بودند درو خلاف كنان وكيست ظالمتر ازانكه باز دارد

مساجد الله ان يذكر فيها اسمه وسعى فى خرابها
از مسجدها خداى كه ياد كنند درآن حق تعالى وانچه سعى كنند در خرابى آن

اولئك ما كان لهم ان يدخلوها الا خائفين ۝ لهم فى الدنيا
اين جماعت كه نبود ايشانرا انكه درآيند درآن مگر ترسناكان ايشانراست در دنيا

خزى ولهم فى الاخرة عذاب عظيم ۝ ولله المشرق والمغرب
خوارى وايشانراست در آخرة عذابى بزرگ وخدا راست مشرق ومغرب

فاينما تولوا فثم وجه الله ان الله واسع عليم ۝ وقالوا اتخذ
هر كجا باشيد روى آرند آنجا وجه خداى است بدرستى كه خداى فراخ عطا داناست وگفتند بگرفت

الله ولدا سبحانه بل له ما فى السموات والارض كل له
خداى فرزندى منزه است خداى بيچاناست بلكه اوراست آنچه در آسمانها و زمين است همه اورا

قانتون ۝ بديع السموات والارض واذا قضى امرا فانما يقول له
مطيع اند آفريننده آسمانها وزمين وچون قضا كرد كارى بدرستى كه چون گويد اورا

كن فيكون ۝ وقال الذين لا يعلمون لولا يكلمنا الله او تأتينا
باش پس باشد وگفت الكسانى كه نمى دانستند چرا با ما سخن نگويد خداى يا بيايد بما

اية كذلك قال الذين من قبلهم مثل قولهم تشابهت
نشانى همچنين گفتند الكسانى كه پيش از ايشان بودند مانند قول ايشان متشابه گشت

قلوبهم قد بينا الايات لقوم يوقنون ۝ انا ارسلناك
دلها ايشان بدرستى كه روشن كرديم نشانها قومى را كه يقين باشند بدرستى كه ما ترا فرستاديم

بالحق بشيرا ونذيرا ولا تسئل عن اصحاب الجحيم ۝ ولن
براستى مژده دهنده وبيم دهنده ونمى پرسند ترا از احوال دوزخ و دوزخيان ونيز

ترضى عنك اليهود ولا النصارى حتى تتبع ملتهم قل ان
راضى نشود از تو يهوديان ونه نيز نصرانيان تا متبع شوى ملت ايشان بگوى اى محمد بدرستى

هدى الله هو الهدى ولئن اتبعت اهواءهم بعد الذى جاءك
راه خدا اين است راه راست واگر متبع گردى هواهاى ايشان پس آن كه بتو آمد

من العلم ما لك من الله من ولى ولا نصير ۝ الذين اتيناهم
از علم نباشد ترا از خداى از دوستى ونه نيز نصرة دهنده الكسانى كه بديشان داديم

الكتاب يتلونه حق تلاوته اولئك يؤمنون به ومن يكفر
كتاب همى خوانند آنرا بحق تلاوة آن ايشان آنند كه ايمان آورده اند بدان وهر كه كافر شود

به فاولئك هم الخاسرون ۝ يا بنى اسرائيل اذكروا نعمتى التى
بدان پس ايشان از جمله خاسران باشند اى فرزندان يعقوب ياد كنيد نعمت من انچه

انعمت عليكم وانى فضلتكم على العالمين ۝ واتقوا يوما
نعمت دادم بر شما ومن تفضيل كردم شمارا بر عالميان آن زمان وبترسيد از روزى

لا تجزى نفس عن نفس شيئا ولا يقبل منها عدل ولا تنفعها
كه پاداش نكند نفسى از نفسى هيچ چيز وقبول كرده نشود از هيچ نفسى فداى او ونه نيز سود دارد

شفاعة ولا هم ينصرون ۝ واذ ابتلى ابرهيم ربه بكلمات فاتمهن
شفاعتى ونه نيز نصرة دهنده ايشانرا واگه بيازمود ابرهيم پروردگار خود بكلمه چند تمام كرد آنرا

قال انى جاعلك للناس اماما قال ومن ذريتى قال لا ينال
گفت من كه خداوندم ترا خواهم كرد آدمى را امامى گفت از ذريه من گفت نيابد

عهدى الظالمين ۝ واذ جعلنا البيت مثابة للناس وامنا
رحمت من ظالمان را وچون بگرد خانه كعبه را بشرفى مردمانرا وجاى امنى

واتخذوا من مقام ابرهيم مصلى وعهدنا الى ابرهيم واسمعيل

وبگیرید از مقام ابرهیم نمازگاه وعهد کردیم به ابرهیم واسمعیل

ان طهرا بيتي للطائفين والعاكفين والركع السجود

که پاک گردانند خانهٔ من طواف کنندگان ومعتکفان ورکوع کنندگان وسجود کنندگان

واذ قال ابرهيم رب اجعل هذا بلدا امنا وارزق اهله من

وچون گفت ابرهیم پروردگار بکن این شهر که را ایمن وروزی کن اهل آنرا از

الثمرات من امن منهم بالله واليوم الاخر قال ومن كفر

ثمرات آنکس که ایمان آورد از ایشان بخدای وبروز قیامت گفت هر که کافر شد

فامتعه قليلا ثم اضطره الى عذاب النار وبئس المصير

من او را برخورداری کنم اندکی دیگر محتاج گردانم بسوی عذاب دوزخ وبد جایگاهی است دوزخ

واذ يرفع ابرهيم القواعد من البيت واسمعيل ربنا تقبل منا

وچون بلند کرد ابرهیم اصل خانه از خانه واسمعیل پروردگارا قبول کن از ما

انك انت السميع العليم ربنا واجعلنا مسلمين لك

که توی شنوا وداناء بارخدایا بکن ما را مسلمان ترا

ومن ذريتنا امة مسلمة لك وارنا مناسكنا وتب علينا

واز ذریت ما امتی مسلمان ترا ونمای ما را جایگاهها طاعت وتوبه ده بر ما

انك انت التواب الرحيم ربنا وابعث فيهم رسولا منهم

بدرستی که توی توبه دهنده رحمت کننده پروردگارا بفرست درمیان رسولی از ایشان

يتلوا عليهم اياتك ويعلمهم الكتاب والحكمة ويزكيهم

تا همیخواند بر ایشان آیات تو ودر آموزد ایشانرا کتاب وحکمت وپاک گرداند ایشانرا

انك انت العزيز الحكيم ومن يرغب عن ملة ابرهيم الا

بدرستی که تو عزیزی بی همتا وهر که رغبت بکند در کیش ابرهیم مگر

من سفه نفسه ولقد اصطفيناه في الدنيا وانه في الاخرة

یکی نادان بود بنفس خود وبدرستی برگزیدیم ویرا در دنیا واوست در آخرة

لمن الصالحين اذ قال له ربه اسلم قال اسلمت لرب

از جمله صالحان آنگاه که گفت ویرا پروردگاری تسلیم کن گفت تسلیم کردم پروردگار

العالمين ووصى بها ابرهيم بنيه ويعقوب يا بني ان الله

عالمیان ووصیت کرد بآن ابرهیم پسران خود را ویعقوب ای پسران بدرستی که خدای

اصطفى لكم الدين فلا تموتن الا وانتم مسلمون ام كنتم

برگزید شما را دین مسلمانی پس تا میرید مگر که مسلمان باشید یا که بودید

شهداء اذ حضر يعقوب الموت اذ قال لبنيه ما تعبدون

گواهان چون حاضر شد یعقوب را مرگ چون گفت فرزندان خود را چه خواهید پرستیدن

من بعدي قالوا نعبد الهك واله ابائك ابرهيم واسمعيل

از پس من گفتند میپرستیم خدای تو وخدای پدران تو ابرهیم واسمعیل

واسحق الها واحدا ونحن له مسلمون تلك امة قد خلت لها

واسحق عبادت میکنیم خدای یگانه وما او را منقادیم این جماعت امتی بودند که گذشتند وایشانرا

ما كسبت ولكم ما كسبتم ولا تسئلون عما كانوا يعملون

آنچه کسب کرد وشما راست آنچه شما کسب کردید ونه سوال بکنند ازان که همی کردند

وقالوا كونوا هودا او نصارى تهتدوا قل بل ملة ابرهيم

وگفتند باشید جهودان یا نصرانیان تا راه یابند بگو بلکه ملة ابرهیم

حنيفا وما كان من المشركين قولوا امنا بالله وما

حنیف یعنی ترک دینها گفته ونبود او از بت پرستان بگوید که ایمان آوردیم بخدای وآنچه

انزل الينا وما انزل الى ابرهيم واسمعيل واسحق ويعقوب

فرو فرستادند با ما وآنچه فرو فرستادند به ابرهیم واسمعیل واسحق ویعقوب

وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَى وَعِيسَى وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ

و فرزند فرزندان و آنچه بدادند موسی را و عیسی را و آنچه بداد پیغمبران دیگر

مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ۝ فَإِنْ آمَنُوا

از پروردگار ایشان جدا نکنیم میان یکی از ایشان و ما او را مسلمانانیم اگر ایشان آورند

بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ

مثل آنچه ایمان آوردید بدان بدرستی که راه یافتند و اگر برگردند بدرستی که ایشان در خلاف اند

فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۝ صِبْغَةَ

بزودی کفایه کند شر ایشان خدای و او شنوا دانا دین

اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ ۝ قُلْ أَتُحَاجُّونَنَا

خدای و کیست نیکوتر از خدای در دین و ما او را عابدانیم بگوای محمد حجت همیکنید

فِي اللَّهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ وَلَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ

در خدای و اوست پروردگار ما و پروردگار شما و ما راست عمل ما و شما راست عمل شما

وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ ۝ أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ

و ماایم او را اخلاص کنان یا همی گویید بدرستی که ابرهیم و اسمعیل و اسحق

وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى قُلْ أَأَنْتُمْ أَعْلَمُ أَمِ

و یعقوب و فرزندان بودند یهودیان یا نصرانیان بگو شما داناترید یا

اللَّهُ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ

خدای و کیست ظالمتر از آنکس که پنهان کند گواهی نزد وی از خدای و نیست خدای غافل

عَمَّا تَعْمَلُونَ ۝ تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ

از آنچه شما میکنید آن امة گذشته آن را آنچه کسب کردند و شما راست آنچه کسب کنید

وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ

و نپرسند شما را از آنچه همی کنند زود باشد که گویند نادانان از مردمان

مَا وَلَّاهُمْ عَنْ قِبْلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ

چه چیز بگردانید ایشان را از قبله ایشان آنچه بودند بران بگو خدای راست مشرق و مغرب

يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۝ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً

راه نماید آنرا که خود خواهد سوی راه راست راه مسلمانی و همچنین بکردیم شما را امتی

وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ

عدل برگزیده تا باشید گواهان بر مردمان و باشید رسول بر شما

شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ

گواهان و نگردیم قبله آنچ تو هستی بر او مگر تا بدانیم

مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقِبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً

آنکه پی روی کند رسول از آن همی گردی بر پاشنه وی و اگر باشد بزرگ و گران

إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ

مگر بر آنکسانی که راه نماید خدای ایشان را و نه خدای ضایع کند نماز شما

إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ ۝ قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ

بدرستی که خدای بر مردمان مهربانست مهربان و آمرزنده است بدرستی همی بینم گردانیدن روی تو

فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ

در آسمان زود باشد که بگردانیم قبله که ترا رضای آن باشد بگردان روی خود سوی

الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ

مسجد حرام و هرکجا باشید شما گردانید روی شما سوی و بدرستی

الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ

که آنکسانی که بدادند ایشان را توریة همیدانند که آن حق است از پروردگار ایشان و نه خدای

بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ ۝ وَلَئِنْ أَتَيْتَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ

غافل است از آنچه شما همی کنید و اگر بیاری بر آنکسانی که بدادند ایشان را کتاب

بكلّ آيةٍ ما تبعوا قبلتك وما أنت بتابعٍ قبلتهم وما بعضهم
بهر آیتی اتباع نکنند قبلهٔ ترا و نه نیز تو تابع قبلهٔ ایشان و نه بعضی از ایشان

بتابعٍ قبلة بعضٍ ولئن اتّبعت أهواءهم من بعد ما جاءك من
متابع قبلهٔ برخی و اگر اتباع کنی هواهای ایشان از پس آنکه بتو آمد از

العلم إنّك إذًا لمن الظّالمين الّذين آتيناهم الكتاب يعرفونه
علم بدرستی که تو آنجا از ظالمان باشی آنکسان که بدادیم ایشانرا کتاب همی‌شناسند او را

كما يعرفون أبناءهم وإنّ فريقًا منهم ليكتمون الحقّ وهم يعلمون
همچنانکه همی دانند پسران خود را و بدرستی که گروهی از ایشان نهان همی کنند حق را و ایشان همی دانند

الحقّ من ربّك فلا تكوننّ من الممترين ولكلٍّ وجهةٌ هو مولّيها
حق را از خدای تو و نباشی از شک آورندگان و هر کسی را روی که فرا او روی آرند

فاستبقوا الخيرات أين ما تكونوا يأت بكم الله جميعًا إنّ الله
پیشی گیرید بنیکوییها هر کجا باشید شما بیارد شما را خدای جمله بدرستی که خدای

على كلّ شيءٍ قدير ومن حيث خرجت فولّ وجهك شطر
بهمه چیزی تواناست و از هر کجا که بیرون گردی تو باز گردان روی تو سوی

المسجد الحرام وإنّه للحقّ من ربّك وما الله بغافلٍ عمّا تعملون
مسجد حرام بدرستی که حق است از پروردگار تو و نیست خدای غافل از آن که همی کنید شما

ومن حيث خرجت فولّ وجهك شطر المسجد الحرام وحيث
و از هر کجا که بیرون گشتی تو باز گردان روی خویش سوی مسجد حرام و هر کجا

ما كنتم فولّوا وجوهكم شطره لئلّا يكون للنّاس عليكم
که باشید پس بگردانید رویهای خویش سوی مسجد تا نباشد مر مردمانرا بر شما

حجّةٌ إلّا الّذين ظلموا منهم فلا تخشوهم واخشوني ولأتمّ
حجت گرفتن لیکن آنان که ظلم کردند از ایشان مترسید از ایشان و بترسید از من و تا تمام کنم

نعمتي عليكم ولعلّكم تهتدون كما أرسلنا فيكم
نعمت من بر شما و تا باشد که شما راه یابید همچنان که فرستادیم در میان شما

رسولًا منكم يتلو عليكم آياتنا ويزكّيكم ويعلّمكم
رسولی از شما برخواند بر شما آیات ما و پاکیزه گرداند شما را و درآموزد شما را

الكتاب والحكمة ويعلّمكم ما لم تكونوا تعلمون فاذكروني
کتاب و حکمت و درآموزد شما را آنچه نباشید شما دانندگان آنرا یاد کنید مرا

أذكركم واشكروا لي ولا تكفرون يا أيّها الّذين
یاد کنم شما را و سپاس کنید مرا و ناسپاسی مکنید ای آنان که گرا

آمنوا استعينوا بالصّبر والصّلوة إنّ الله مع الصّابرين ولا
گرایان آوردید یاری جویید بشکیبایی و نماز بدرستی که خدای با صبر کنندگانست و

تقولوا لمن يقتل في سبيل الله أمواتٌ بل أحياءٌ ولكن
مگویید مر آنکس را که کشته شود در راه خدای مردگان اند بلکه زندگان اند و لیکن

لا تشعرون ولنبلونّكم بشيءٍ من الخوف والجوع ونقصٍ من الأموال
نمیدانید شما و بیازماییم شما را بچیزی از ترس و گرسنگی و کاهش از مالها

والأنفس والثّمرات وبشّر الصّابرين الّذين إذا أصابتهم
و تنها و بر و فرزندان و بشارت ده صابرانرا آنکسانی که چون بایشان رسد

مصيبةٌ قالوا إنّا لله وإنّا إليه راجعون أولئك عليهم
مصیبتی گویند که ما خدای را ایم و ما باز بخدای خواهیم گشتن این جماعت بر ایشانست

صلواتٌ من ربّهم ورحمةٌ وأولئك هم المهتدون إنّ الصّفا
رحمتها از پروردگار ایشان و رحمت و این جماعت ایشان راه یابندگان اند بدرستی که صفا

والمروة من شعائر الله فمن حجّ البيت أو اعتمر فلا جناح عليه
و مروه از نشانهای طاعت خدای هر که حج کند یا عمره کند هیچ بزه نباشد برو

أن يطوف بهما ومن تطوع خيرا فإن الله شاكر عليم

که طواف کند بدان هر دو و هر که بطوع خواهد نیکی بدرستی که خدای شکر کننده داناست

إن الذين يكتمون ما أنزلنا من البينات والهدى من بعد

بدرستی آنکسانی که پنهان میکنند آنچه را فرو فرستادیم از حجتها و راه راستی از پس

ما بيناه للناس في الكتاب أولئك يلعنهم الله ويلعنهم

آنکه پیدا کردیم آنرا مردمانرا در کتاب این جماعت آنند که لعنت میکند خدای ایشانرا و لعنت میکنند ایشانرا

اللاعنون إلا الذين تابوا وأصلحوا وبينوا فأولئك أتوب

لعنت کنندگان مگر آنان که بازگردند [illegible]

عليهم وأنا التواب الرحيم إن الذين كفروا وماتوا وهم

برایشان [illegible] بدرستی آنان که کافر شدند و مردند و ایشان

كفار أولئك عليهم لعنة الله والملائكة والناس

کافرند آن گروه برایشان است لعنت خدای و فرشتگان و مردمان

أجمعين خالدين فيها لا يخفف عنهم العذاب ولا هم

همه جاوید باشند در آن کم سبک کرده نشود از ایشان عذاب و نه ایشانرا مهلت

ينظرون وإلهكم إله واحد لا إله إلا هو الرحمن الرحيم

مهلت دهند و خدای شما خدای یکیست نیست هیچ خدای مگر او بخشاینده است و مهربان

إن في خلق السماوات والأرض واختلاف الليل والنهار

بدرستی که در آفرینش آسمانها و زمین و بگردانیدن شب و روز

والفلك التي تجري في البحر بما ينفع الناس وما أنزل الله

و کشتی که همی رود در دریا بدان منفعت یابد آدمی و آنچه فرو فرستاد خدای

من السماء من ماء فأحيا به الأرض بعد موتها وبث فيها من

از آسمان از آب باران پس زنده کرد بدان زمین را پس از مرگ آن و پراکنده کرد در آن از

كل دابة وتصريف الرياح والسحاب المسخر بين السماء والأرض

هر جنبنده و بگردانیدن بادها و ابر مسخر کرده میان آسمان و زمین

لآيات لقوم يعقلون ومن الناس من يتخذ من دون الله

نشانهاست گروهی را که عقل بکار دارند و از مردمان هست که میگیرد از دون خدای

أندادا يحبونهم كحب الله والذين آمنوا أشد حبا لله ولو

[illegible]

يرى الذين ظلموا إذ يرون العذاب أن القوة لله جميعا

[illegible]

وأن الله شديد العذاب إذ تبرأ الذين اتبعوا من الذين اتبعوا

[illegible]

ورأوا العذاب وتقطعت بهم الأسباب وقال الذين

و ببینند عذاب و بریده شود بدیشان سببها و گویند آن کسانی

اتبعوا لو أن لنا كرة فنتبرأ منهم كما تبرءوا منا

[illegible]

كذلك يريهم الله أعمالهم حسرات عليهم وما هم بخارجين

[illegible]

من النار يا أيها الناس كلوا مما في الأرض حلالا طيبا

از دوزخ ای مردمان بخورید از آنچه در زمین است حلال پاک

ولا تتبعوا خطوات الشيطان إنه لكم عدو مبين إنما

و متبع مباشید گامهای شیطان را که وی شما را دشمنی پیدا است بدرستی

يأمركم بالسوء والفحشاء وأن تقولوا على الله ما لا تعلمون

همی فرماید [illegible] بدی و زشتی [illegible] بر خدای آنچه ندانید

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا
عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ
وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً
وَنِدَاءً صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ
تَعْبُدُونَ ۝ إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ
وَمَا أُهِلَّ بِهِ لِغَيْرِ اللهِ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ
إِنَّ اللهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللهُ مِنَ
الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ
إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ
عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَى وَالْعَذَابَ

بِالْمَغْفِرَةِ فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ ۝ ذَلِكَ بِأَنَّ اللهَ نَزَّلَ
الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ لَفِي شِقَاقٍ
بَعِيدٍ ۝ لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ
وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ
وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى
وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ
الصَّلَوٰةَ وَآتَى الزَّكَوٰةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ
فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا
وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ
الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَى الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنْثَى
بِالْأُنْثَى فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتِّبَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ

إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَٰلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ
بروی به نیکی اینست آسانی و رحمتی از پروردگار شما و بخششی پس هر که از حد بگذرد بعد از

ذَٰلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَوٰةٌ يَا أُولِي
آنکه عفو کرده باشد پس او راست عذابی دردناک و مر شماراست در قصاص بقا و زندگی ای خداوندان

الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ۝ كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ
عقل تا باشد که شما پرهیز کنید از ... نوشته شد بر شما چون حاضر شود یکی از شما

الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ
اسباب مرگ اگر بگذارد مالی وصیت کردن برای مادر و پدر و برای خویشان بانصاف نوشته شده

حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ ۝ فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ
براستی بر پرهیزکنندگان پس هر که تبدیل کند امر وصیت بعد از آنکه شنیده باشد بدرستی که گناه آن بر آنکسانی است

يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝ فَمَنْ خَافَ مِنْ مُوصٍ جَنَفًا أَوْ
که بدل گردند بدرستی که خدای شنواست دانا ... بترسد از وصیت کننده میلی یا حیفی

إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝
نیک کند میان ایشان هیچ گناهی نیست برو بدرستی که خدا آمرزنده است رحمت کننده

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ
ای آنکسانی ایمان آوردید نوشته شد بر شما روزه داشتن چنانکه واجب کردند بر آن کسانی

مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ۝ أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ
که پیش شما بودند تا باشد که شما پرهیز کنید روزی چند شمرده بعدد هر که باشد

مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ
از شما بیماری یا به سفری باشید از روزگاری دیگر و بر آنکسانی که طاقت ندارند

فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَنْ تَصُومُوا
فدیه دادن هر روزی بطعام درویش است هر که خواهد نیکی او را بهتر باشد و اگر روزه گیرد

خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ
بهترست شما را اگر شما همی دانید ماه رمضان آن ماه که فرو فرستادند در آن قرآن

هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ
راه نماینده است مردمان را و روشن گردانی است از راه راستی و قرآن پس هر که حاضر باشد

الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ
ماه تا روزه دارد و هر که باشد بیمار یا در سفر باشد پس بر اوست قضای آن روزه

أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ
از روزها دیگر میخواهد خدای بشما آسانی و نمیخواهد بشما دشواری تا تمام کنید عده

وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۝ وَإِذَا
تا تکبیر گویند خدای را بر آنچه راه نمود شما را و تا باشد شکر کنید و چون

سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ
بخواهند از تو بندگان من از من که خداوندم بگو که من نزدیکم اجابت میکنم خواندن خواننده چون مرا بخواند

فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ ۝ أُحِلَّ لَكُمْ
تا جواب کنند مرا تا ایمان آورند بمن تا باشد که براه راست بمانند حلال گردند شما را

لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَىٰ نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ
شب روزه جماع کردن با زنان شما که ایشان پوشش شما اند و شما لباس

لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ
ایشان اید میداند خدای که شما بودید که خیانت بر تن خود توبه داد بر شما خدای

وَعَفَا عَنْكُمْ فَالْآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ
و عفو کرد از شما اکنون مباشرت کنید و بجویید آنچه نوشته است خدای شما را

وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ
و بخورید و بیاشامید تا آنگه روشن شود شما را رشته سپید از ریسمان سیاه

من الفجر ثم اتموا الصيام الى الليل ولا تباشروهن وانتم

از صبح دیگر تمام کنید روزه تا بشب وشما مباشرت مکنید وجون شما

عاكفون في المساجد تلك حدود الله فلا تقربوها كذلك يبين

معتکف باشید در مسجدها این است حدها خدای و نزدیکی مکنید بدان همچنین روشن

الله اياته للناس لعلهم يتقون ولا تاكلوا اموالكم

خدای نشانها خود مردمانرا شاید که ایشان پرهیزند و مخورید مالهای

بينكم بالباطل وتدلوا بها الى الحكام لتاكلوا فريقا من

[illegible] بان مالها بسوی قاضیان تا بخورید گروهی از

اموال الناس بالاثم وانتم تعلمون يسئلونك عن الاهلة

مالها مردمان ببزه وشما میدانید همی پرسند ترا ای محمد از ماهها

قل هي مواقيت للناس والحج وليس البر بان تاتوا البيوت من

بگو آن وقتهاست مردمانرا و حج ونباشد نیکوی ان که بیایند بخانها از

ظهورها ولكن البر من اتقى واتوا البيوت من ابوابها واتقوا

پشتهای آن ولکن نیکوی آنکه بپرهیزد وبیایید بخانها از درها ان و بترسید

الله لعلكم تفلحون وقاتلوا في سبيل الله الذين يقاتلونكم

از خدای تا باشد که شما فلاح یابید وکارزار کنید در راه خدای آن کسانی که کارزار میکنند با شما

ولا تعتدوا ان الله لا يحب المعتدين واقتلوهم حيث ثقفتموهم

و در حد مگذرید بدرستی که خدای دوست ندارد از حد گذران وبکشید ایشانرا آنجا که بیابید ایشانرا

واخرجوهم من حيث اخرجوكم والفتنة اشد من القتل ولا

وبیرون کنید ایشانرا از آنجا که بیرون کنند شما را و فتنه سختتر از قتل و

تقاتلوهم عند المسجد الحرام حتى يقاتلوكم فيه فان قاتلوكم

کارزار مکنید با ایشان نزد مسجد حرام تا ایشان با شما کارزار کنند در ان اگر [illegible]

فاقتلوهم كذلك جزاء الكافرين فان انتهوا فان الله

بکشید ایشانرا است جزاء کافران اگر بازایستند بدرستی که خدا

غفور رحيم وقاتلوهم حتى لا تكون فتنة ويكون الدين لله

غفور رحیم است کارزار کنید با ایشان تا نباشد فتنه و باشد دین مسلمانی خدایرا

فان انتهوا فلا عدوان الا على الظالمين الشهر الحرام بالشهر

اگر مشرکان بازایستند از کفر نیست ستمکاری مگر بر ستمکاران ماه حرام بماه

الحرام والحرمات قصاص فمن اعتدى عليكم فاعتدوا عليه

حرام وحرامها قصاص است هر که ظلم کند برشما ظلم کنید بروی

بمثل ما اعتدى عليكم واتقوا الله واعلموا ان الله مع المتقين

همچنان که ظلم کند برشما وبترسید از خدا وبدانید که بدرستی که خدای با متقیان است

وانفقوا في سبيل الله ولا تلقوا بايديكم الى التهلكة واحسنوا

وانفاق کنید در راه خدای و میندازید بدستها خود در تهلکه و نیکوی کنید

ان الله يحب المحسنين واتموا الحج والعمرة لله فان احصرتم

بدرستی که خدای دوست دارد نیکوکارانرا و تمام کنید حج و عمره را خدایرا اگر بازداشته شوید

فما استيسر من الهدي ولا تحلقوا رءوسكم حتى يبلغ الهدي

آنچه سهلتر باشد از قربانی و مسترید سرها شما تا آنکه برسد قربانی

محله فمن كان منكم مريضا او به اذى من راسه ففدية من صيام

بجایگاه خود هر که باشد از شما بیمار یا باوی باشد [illegible] از سروی فدیه باید از روزه

او صدقة او نسك فاذا امنتم فمن تمتع بالعمرة الى الحج فما

یا صدقه یا عبادت [illegible] ایمن شدید هر که تمتع کند بعمره بسوی حج آنچه

استيسر من الهدي فمن لم يجد فصيام ثلاثة ايام في الحج

آسانتر باشد از قربانی هر که نیابد [illegible] روزه سه روز در حج

وسبعة اذا رجعتم تلك عشرة كاملة ذلك لمن لم يكن

ومفت روز چون بازگردید این باشد ده عدد تمام است آن حال کسی را باشد که خاص بود

اهله حاضري المسجد الحرام واتقوا الله واعلموا ان الله شديد

اهل او حاضر مسجد حرام وبترسید از خدای وبدانید بدرستی که خدا سخت

العقاب الحج اشهر معلومات فمن فرض فيهن الحج فلا

عقوبت حج کردن ماهها معلوم است هرکه فرض شود دران حج کردن تا

رفث ولا فسوق ولا جدال في الحج وما تفعلوا من خير يعلمه الله

فحش نگوید وفسق نکند ونیز جنگ وخصومت نکند در حج وانچه کنید از خیر همی داند خدای

وتزودوا فان خير الزاد التقوى واتقون يا اولي الالباب ليس

وزاد سازید که بدرستی که بهترین زاد تقوی است وازمن بترسید ای خردمندان نیست

عليكم جناح ان تبتغوا فضلا من ربكم فاذا افضتم من عرفات

برشما بزه اگر طلب کنید فضلی ونعمتی از پروردگار شما چون بازگشتید از عرفات

فاذكروا الله عند المشعر الحرام واذكروه كما هديكم

یاد کنید خدایرا نزد مشعر حرام ویاد کنید اورا چنان که ره نمود شما را

وان كنتم من قبله لمن الضالين ثم افيضوا من حيث افاض

واگرچه بودید شما ازپیش آن از گمراهان دیگر بازگردید از آنجا که بازگردند

الناس واستغفروا الله ان الله غفور رحيم فاذا قضيتم

مردمان وآمرزش خواهید از خدای بدرستی که خدای آمرزنده است رحمت کننده چون گزارده باشید

مناسككم فاذكروا الله كذكركم اباءكم

آنچه بر ایشان بود از مناسک یاد کنید خدایرا چون یاد کردند شما را پدران شما

او اشد ذكرا فمن الناس من يقول ربنا اتنا في الدنيا وما له

یا سخت تر یاد کردنی از مردمان هستند هرکه گوید پروردگارا بده مارا در دنیا نیکی ونباشد ویرا

20

نصف الحزب

في الاخرة من خلاق ومنهم من يقول ربنا اتنا في الدنيا

در آخرة از نصیبی وهستند از ایشان که همی گویند پروردگارا بده مارا در دنیا

حسنة وفي الاخرة حسنة وقنا عذاب النار اولئك

نیکی و در آخرة هم نیکی وبگردان عذاب النار دوزخ ایشانند که باشد

لهم نصيب مما كسبوا والله سريع الحساب واذكروا الله في

ایشانرا نصیبی از آنکه کسب کردند وخدای زود حساب است ویاد کنید خدایرا در

ايام معدودات فمن تعجل في يومين فلا اثم عليه ومن تاخر

روزها شمرده شده هرکه تعجیل کند در دو روز نباشد بزه بروی وهرکه تاخیر کند

فلا اثم عليه لمن اتقى واتقوا الله واعلموا انكم اليه تحشرون

نباشد بزه بروی آنکس را که بترسد وبترسید از خدای وبدانید که شما بازحق حشر کنند

ومن الناس من يعجبك قوله في الحيوة الدنيا ويشهد الله على

واز مردمان هستند هرکه او را عجب داری گفتار او در زندگانی دنیا وگواه باشد خدای بر

ما في قلبه وهو الد الخصام واذا تولى سعى في الارض

آنچه در دل وی است واو سخت خصومت است وچون برگردد برود در زمین

ليفسد فيها ويهلك الحرث والنسل والله لا يحب الفساد

تا فساد کند دران وهلاک کند حرث ونسل وخدای دوست ندارد فساد

واذا قيل له اتق الله اخذته العزة بالاثم فحسبه جهنم ولبئس

وچون گویند او را بترس از خدا بگیرد اورا عزة بگناه بس کند اورا دوزخ وبد جایگاهی است

المهاد ومن الناس من يشري نفسه ابتغاء مرضات الله

دوزخ واز مردمان هست که همی بخرد تن خود را از بهر طلب ثواب رضا خدای

والله رءوف بالعباد يا ايها الذين امنوا ادخلوا في السلم

وخدای مهربانست بر بندگان ای کسانی که ایمان آوردید درشوید در مسلمانی

كافة ولا تتبعوا خطوات الشيطان انه لكم عدو مبين

جمله واتباع مکنید گامهاء شیطان که اوست شمارا دشمن روشن است

فان زللتم من بعد ما جاءتكم البينات فاعلموا ان الله عزيز

بزله افتید پس از آن که بشما آمد پیانها بدانید بدرستی که خدای بی همتای

حكيم هل ينظرون الا ان ياتيهم الله في ظلل من الغمام والملائكة

درست کارست همی انتظار می کنند مگر آن آمدن خدای در سایهها از ابر و فرشتگان

وقضي الامر والى الله ترجع الامور سل بني اسرائيل كم

و قضا کردند کار و با خداست بازگشتن کارها بپرس ای محمد از بنی اسرائیل که چند شما

اتيناهم من اية بينة ومن يبدل نعمة الله من بعد ما جاءته

بدادیم ایشانرا از نشانی روشن کرده و هر که بدل کند نعمت خدا از پس از آن که بوی آمد

فان الله شديد العقاب زين للذين كفروا الحيوة الدنيا

بدرستی که خدا سخت عقوبه است بیاراسته شد آنکسانی که کافر شدند زندگانی دنیا

ويسخرون من الذين امنوا والذين اتقوا فوقهم يوم القيمة

و تسخر همیکنند از آنکسانی ایمان آوردند و آنکسانی که بترسند بالا ایشان روز قیامت

والله يرزق من يشاء بغير حساب كان الناس امة واحدة

و خدای روزی دهنده است آنکس که خواهد بی حساب بودند مردمان [illegible] راست

فبعث الله النبيين مبشرين ومنذرين وانزل معهم الكتاب

بفرستاد خدای پیغمبران مژده دهنده و بیم دهندگان و فرو فرستاد با ایشان کتاب

بالحق ليحكم بين الناس فيما اختلفوا فيه وما اختلف فيه

بحق تا حکم کند میان خلایق در آنچه خلاف کردند و خلاف نکردند دران

الا الذين اوتوه من بعد ما جاءتهم البينات بغيا بينهم

مگر آنکسانی که بدادند او را از پس آنکه بیامد بایشان حجتها یاغی شدن ایشان

فیه
دران

فهدى الله الذين امنوا لما اختلفوا فيه من الحق باذنه والله يهدي

راه نمود خدای آنکسانی چون خلاف کردند دران از حق بفرمان حق و خدای راه نماید

آمنوا
گروهی ایمان آوردند

من يشاء الى صراط مستقيم ام حسبتم ان تدخلوا الجنة

هر کرا خواهد سوی راه راست تا پندارید شما که در بهشت روید

ولما ياتكم مثل الذين خلوا من قبلكم مستهم الباساء

و چون نیامد بشما مثل آنکسانی که گذشته اند از پیش شما بایشان رسیده رنجها

والضراء وزلزلوا حتى يقول الرسول والذين امنوا معه متى

و زیانها و بجنبانیدند ایشانرا تا که گفتند رسول و آنکسانی که ایمان آوردند با وی که باشد

نصر الله الا ان نصر الله قريب يسئلونك ماذا ينفقون

نصرة خدای بدانند که نصرة خدای نزدیک همی پرسند ترا که چه نفقه کنند

قل ما انفقتم من خير فللوالدين والاقربين واليتامى والمساكين

بگوای محمد آنچه نفقه کردید از نیکی مادر و پدر راست و خویشاوندانرا و یتیمانرا و مسکینانرا

وابن السبيل وما تفعلوا من خير فان الله به عليم كتب

و راه گذری و آنچه بکنید از نیکی بدرستی که خدا بدان داناست واجب کردند

عليكم القتال وهو كره لكم وعسى ان تكرهوا شيئا وهو خير

بر شما کارزار و آن دشمن است شمارا و باشد که مکروه دارید چیزی و آن بهتر است

لكم وعسى ان تحبوا شيئا وهو شر لكم والله يعلم وانتم

شمارا و باشد که دوست دارید و آن بدترست شمارا و خدای همیداند و شما

لا تعلمون يسئلونك عن الشهر الحرام قتال فيه قل قتال

نمیدانید همی پرسند ترا از ماه حرام کارزار کردن دران بگو کارزار کردن

فيه كبير وصد عن سبيل الله وكفر به والمسجد الحرام واخراج

دران بزرگست و باز داشتن از راه خدای و کافر شدن بدان و مسجد حرام و بیرون کردن

اهله منه اکبر عند الله والفتنة اکبر من القتل ولا یزالون

اهل آن از آن بزرگوارتر نزد خدای فتنه بزرگترست از قتل و پیوسته

یقاتلونکم حتی یردوکم عن دینکم ان استطاعوا ومن یرتدد

کارزار کنند با شما تا بازگردانند شما را از دین شما اگر توانا می باشند شما را و هر که بازگردد

منکم عن دینه فیمت وهو کافر فاولئک حبطت اعمالهم

از دین شما از دین وی پس بمیرد و او کافر باشد پس آن گروه باطل شد اعمال ایشان

فی الدنیا والآخرة واولئک اصحاب النار هم فیها خالدون ۝

در دنیا و آخرة و ایشان ملازمان دوزخ اند ایشان در آن جاودان باشند

ان الذین آمنوا والذین هاجروا وجاهدوا فی سبیل الله اولئک

بدرستی که آنکسانی که ایمان آوردند و آنکسانی که هجرت کردند و جهاد کردند در راه خدای ایشانند

یرجون رحمت الله والله غفور رحیم ۝ یسئلونک عن الخمر

که امید همیدارند رحمت خدای و خدای آمرزنده است رحم کننده همی پرسند ترا از خمر

والمیسر قل فیهما اثم کبیر ومنافع للناس واثمهما

و قمار بگو در آن هر دو است بزه بسیار و منفعت مردمان را و گناه آن هر دو

اکبر من نفعهما ویسئلونک ماذا ینفقون قل العفو کذلک

بزرگترست از سود آن و همی پرسند ترا که چه چیز نفقه کنند بگو عفو کردن همچنین

یبین الله لکم الآیات لعلکم تتفکرون ۝ فی الدنیا والآخرة

روشن کرد خدای شما را آیات روشن کرده تا باشد که شما تفکر کنید در دنیا و آخرة

ویسئلونک عن الیتامی قل اصلاح لهم خیر وان تخالطوهم

و همی پرسند ترا از یتیمان بگوی محمد با صلاح ایشان بهتر و اگر بیامیزی با ایشان

فاخوانکم والله یعلم المفسد من المصلح ولو شاء الله لاعنتکم

پس برادران شمااند و خدای میداند مفسد را از مصلح و اگر خواهد خدای که شما را هلاک کند

ان الله عزیز حکیم ۝ ولا تنکحوا المشرکات حتی یؤمن ولأمة

بدرستی که خدای بی همتایست دانا و نکاح مشرکان مکنید تا ایمان بیاورند و پرستار

مؤمنة
مومنه

خیر من مشرکة ولو اعجبتکم ولا تنکحوا المشرکین حتی یؤمنوا

بهترست از زنان مشرکه و اگر عجب آید شما را و بزنی مدهید مشرکان را تا ایمان آورند

ولعبد مؤمن خیر من مشرک ولو اعجبکم اولئک یدعون الی

مؤمن
مومن

و بندهٔ بهترست از مشرک و اگرچه عجب دارد شما ایشانند که همی خوانند بسوی

النار والله یدعوا الی الجنة والمغفرة باذنه ویبین آیاته

دوزخ و خدا میخواند بسوی بهشت و آمرزش بفرمان خود و روشن کرد حجتها

للناس لعلهم یتذکرون ۝ ویسئلونک عن المحیض قل هو اذی

مردمان را تا مگر ایشان را یاد کردنی باشد و همی پرسند ترا از حیض زنان بگو آن رنجی است

فاعتزلوا النساء فی المحیض ولا تقربوهن حتی یطهرن فاذا

که معزول شوند زنان در حیض و نزدیکی مکنید ایشان را تا غسل کنند پاک شوند پس چون

تطهرن فأتوهن من حیث امرکم الله ان الله یحب التوابین

غسل کردند پاک شدند بیایید پیش ایشان از آنجا که بفرماید خدای بدرستی که خدای دوست دارد توبه کنندگان

ویحب المتطهرین ۝ نساؤکم حرث لکم فأتوا حرثکم

و دوست دارد پاکیزگان را زنان شما کشت شمااند بیایید بکشت شما

انی شئتم وقدموا لانفسکم واتقوا الله واعلموا انکم ملاقوه

هرگاه که خواهید و در پیش دارید مر تنها خود چیزی و بترسید از خدای و بدانید که شما او را ببینید

وبشر المؤمنین ۝ ولا تجعلوا الله عرضة لایمانکم ان تبروا

و بشارت ده مؤمنان را و مکنید شما خدای را اسپر سوگندها شما را تا راست کنید

وتتقوا وتصلحوا بین الناس والله سمیع علیم ۝ لا یؤاخذکم الله

و بترسید و نیک کنید میان مردمان و خدای شنوا است دانا نگیرد شما را خدای

باللغو فى ايمانكم ولكن يؤاخذكم بما كسبت قلوبكم والله
بلغو در سوگند هاشما وليكن بگيرد شما به آنچه كسب دل شماست وخداى
غفور حليم ۝ للذين يؤلون من نسائهم تربص اربعة اشهر
آمرزنده است حليم آنكسانى كه سوگند خورند از زنان ايشان صبر كردن چهار ماه
فان فاءو فان الله غفور رحيم ۝ وان عزموا الطلاق فان الله
بدرستى بدرستى كه خداى آمرزنده است رحمت كننده واگر عزم كنيد به طلاق دادن بدرستى كه خدا
سميع عليم ۝ والمطلقات يتربصن بانفسهن ثلثة قروء
شنواست دانا وآن زنان كه ايشان طلاق دهند باصبورى كنند بتنها خود سه ماه پاكى
ولا يحل لهن ان يكتمن ما خلق الله فى ارحامهن ان كن يؤمن
ونه حلال باشد ايشانرا ونهان كنند آنچه خدا آفريده است در رحم ايشان اگر هستند كه ايمان آورداند
بالله واليوم الاخر وبعولتهن احق بردهن فى ذلك
بخداى و روز آخر وشوهر ايشان سزاوارتر بردكردن ايشان در اين
ان ارادوا اصلاحا ولهن مثل الذى عليهن بالمعروف وللرجال
اگر خواهند اصلاح كردنى وايشانراست مثل آنچه برايشانست بجامله ومردانراست
عليهن درجة والله عزيز حكيم ۝ الطلاق مرتان فامساك
برايشان درجتها وخداى بى همتاست درست كار طلاق دو بارست يا باز خود گرفتن
بمعروف او تسريح باحسان ولا يحل لكم ان تاخذوا مما اتيتموهن
بمعروف به نكويى يعنى وحلال نيست شمارا كه بگيريد از آن كه بشما دادند
شيئا الا ان يخافا الا يقيما حدود الله فان خفتم الا يقيما
چيزى مگر اگه بترسند كه اقامت نتوانند كردن حدها خداى اگر بترسند كه اقامت نتوانند كردن
حدود الله فلا جناح عليهما فيما افتدت به تلك حدود الله
حدها خداى هيچ بزه نباشد برايشان در آنچه فدا كنيد بدان اين حدها خداست

فلا تعتدوها ومن يتعد حدود الله فاولئك هم الظالمون ۝
بازمگذريد در آن وهركه باز گذرد از حدها خداى ايشانند از ظالمان
فان طلقها فلا تحل له من بعد حتى تنكح زوجا غيره فان طلقها
اگر طلاق دهد اورا نه حلال باشد اورا از پس طلاق تا نكاح كند با شوهرى ديگر اگر طلاق دهد آن زنرا
فلا جناح عليهما ان يتراجعا ان ظنا ان يقيما حدود
نباشد بزه برايشان هردو كه رجعت كنند با يكديگر اگر يقين دانند كه اقامت نتوانند كردن حدها
الله وتلك حدود الله يبينها لقوم يعلمون ۝ واذا طلقتم
خداى واينست حدها خداى كه بيان همكند قومى راكه دانند وچون طلاق دهيد
النساء فبلغن اجلهن فامسكوهن بمعروف او سرحوهن بمعروف
زنانرا پس برسد اجل ايشان يعنى عده بازگيريد ايشانرا بمعروف يا دست بازداريد ايشانرا بمجامله رضا
ولا تمسكوهن ضرارا لتعتدوا ومن يفعل ذلك فقد ظلم نفسه
فرامگيريد ايشانرا بزيان كردن تا از حد بگذريد وهركه بكند اين بدرستى كه ظلم كرده باشد برتن خويش
ولا تتخذوا ايات الله هزوا واذكروا نعمت الله عليكم
وفرا مگيريد آيات خداى باستهزا ويادكنيد نعمت خداى برشما
وما انزل عليكم من الكتاب والحكمة يعظكم به واتقوا الله
وآنچه فرو فرستاد برشما از كتاب وحكمت تا پند دهد شمارا بدان وبترسيد از خدا
واعلموا ان الله بكل شىء عليم ۝ واذا طلقتم النساء فبلغن
وبدانيد كه خداى بر همه چيزى داناست وچون طلاق دهيد زنانرا برسد
اجلهن فلا تعضلوهن ان ينكحن ازواجهن اذا تراضوا بينهم
اجل ايشان پس ايشانرا منع مكنيد از نكاح كردن شوهران ديگر چون راضى شوند ميان ايشان
بالمعروف ذلك يوعظ به من كان منكم يؤمن بالله واليوم الاخر
بمعروف اينست كه پند دهد بدان هركه باشد از شما ايمان آورد بخدا و بروز آخر

ذَٰلِكُمْ أَزْكَىٰ لَكُمْ وَأَطْهَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ۝ وَالْوَالِدَاتُ

اینست پاکیزه تر شما و پاکتر شما و خدای داناست و شما ندانید و مادران

يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَن يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ

تا شیر دهند فرزندان ایشان دو سال تمام آنکس که خواهد که تمام کند شیر دادن

وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا

و بر کودکی که زاده است وی را روزی ایشان و جامه ایشان بمعروف تکلیف نکنند هیچ تن را مگر

وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَّهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ

اندازه توانائی او زیان نکند مادر بفرزند خود و نه پدر کودک بفرزند خود و بر وارث است

مِثْلُ ذَٰلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَن تَرَاضٍ مِّنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ

هم مثل آن اگر خواهند مادر و پدر از شیر بازگرفتن از رضا مگر از ایشان و مشوره کردن نباشد بزه

عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدتُّمْ أَن تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ

بر ایشان و اگر خواهید مادر و پدر که شیر دهند فرزندان خود را نباشد بزه بر ایشان

إِذَا سَلَّمْتُم مَّا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ

چون تسلیم کردند آنچه بمقدار قاعده و بترسید از خدا و بدانید که خدای

بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝ وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا

بدانچه شما میکنید بیناست و آنان که بمیرند از شما و بگذارند زنان

يَتَرَبَّصْنَ بِأَنفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا

تا انتظار کنند تن خویش چهار ماه و ده روز پس چون برسد اجل ایشان هیچ

جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ

بزه نباشد بر شما در آنچه بکنند در تن خویش بنکاح حلال و خدای بآنچه شما میکنید

خَبِيرٌ ۝ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُم بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ

آگاهست و نه نیز بزه باشد بر شما در آنچه تعرض کنید بدان از زن خواستن بسیار

أَوْ أَكْنَنتُمْ فِي أَنفُسِكُمْ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ وَلَٰكِن لَّا

یا پنهان کنید در تن خویش میداند خدای که شما ایشان را طلب کنید بنکاح ولیکن بر

تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَن تَقُولُوا قَوْلًا مَّعْرُوفًا وَلَا تَعْزِمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ

صریح مگوئید ایشان را بنکاح مگر که بگوئید قولی نیکو و محال و عزم مکنید عقد نکاح را

حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنفُسِكُمْ

تا برسد کتاب اجل آن و بدانید که خدا میداند آنچه در دل شماست

فَاحْذَرُوهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ ۝ لَّا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِن طَلَّقْتُمُ

پس حذر کنید و بدانید که خدای آمرزنده است حلیم هیچ بزه نیست بر شما اگر طلاق دهید

النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمَسُّوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَمَتِّعُوهُنَّ عَلَى

زنان را آنچه ایشان را مس نکرده اید یا فرض نکرده ایشان را فریضه کابین و متعه دهید ایشان را

الْمُوسِعِ قَدَرُهُ وَعَلَى الْمُقْتِرِ قَدَرُهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ

مال خویش توانگر را بمقدار خویش و بر مفلس و درویش قدر وی برخورداری بمعروف حقا بر نیکوکاران

وَإِن طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِن قَبْلِ أَن تَمَسُّوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً

و اگر طلاق دهید ایشان را از پیش آن که جماعت کنید ایشان را و بدرستی که فرض کردید ایشان را فریضه

فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَن يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوَ الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ

پس شما را نیمه آنچه فرض کرده اید مگر که عفو کنند آن زنان یا عفو کند آنکس که بدست وی است عقده

النِّكَاحِ وَأَن تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَلَا تَنسَوُا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ

نکاح و اگر درگذارید شما نزدیکترست بپرهیزکاری و فراموش مکنید فضل میان شما

إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝ حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ

که خدای بدانچه میکنید بیناست محافظت کنید بر نمازها بیگانه و نماز

الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ ۝ فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا

میانه یعنی پسین و برپای دارید خدا را مطیع وار اگر بترسید پیاده نماز کنید یا سواران

فاذا امنتم فاذكروا الله كما علمكم ما لم تكونوا تعلمون
چون امن شد یاد کنید خدای را چنان که در آموخت آنچه ندانستید
والذين يتوفون منكم ويذرون ازواجا وصية لازواجهم
و آنکسانی که وفات کنند از شما و بگذارند زنان وصیت کردنی شوهران خود را
متاعا الى الحول غير اخراج فان خرجن فلا جناح عليكم
برخورداری تا سال بی آنکه بیرون کنند ایشان را اگر بیرون شوند هیچ بزه نباشد بر شما
فيما فعلن في انفسهن من معروف والله عزيز حكيم
در آن که بکنند در نفس خود در آن که خدای فرموده است و خدای عزیز حکیم است
وللمطلقات متاع بالمعروف حقا على المتقين كذلك
و زنان طلاق داده را هست برخورداری بمعروف حقی بر پرهیزکاران همچنین
يبين الله لكم اياته لعلكم تعقلون الم تر الى الذين خرجوا
روشن میکند خدای شما آیات تا مگر شما بعقل کار کنید ای نمی بینی سوی آنکسانی که شدند
من ديارهم وهم الوف حذر الموت فقال لهم الله موتوا
از سرای ایشان و ایشان هزاران بودند از حذر مرگ گفت ایشان را خدای بمیرید
ثم احياهم ان الله لذو فضل على الناس ولكن اكثر
اگر زنده کردانیم ایشان را که خدای تو خداوند فضل است بر مردمان ولیکن بیشتر
الناس لا يشكرون وقاتلوا في سبيل الله واعلموا ان الله سميع
مردمان شکر نمیکنند و کارزار کنید در راه خدای و بدانید که خدا شنوا است
عليم من ذا الذي يقرض الله قرضا حسنا فيضاعفه له
دانا کیست که قرضی دهد بخدا قرضی نیکو تا وی را دوباره دهد
اضعافا كثيرة والله يقبض ويبسط واليه ترجعون الم تر الى
دوباره دادنی بسیار و خدای تنگ کننده و فراخ کننده روزی و بوی است بازگشت خلایق ای نمی بینی سوی

الملا من بني اسرائيل من بعد موسى اذ قالوا لنبي لهم ابعث
این گروه از بنی اسرائیل از پس موسی چون گفتند پیغمبر ایشان را برانگیز
لنا ملكا نقاتل في سبيل الله قال هل عسيتم ان كتب عليكم
ما را پادشاهی تا با وی کارزار کنیم در راه خدای گفت هست خواستید کردن اگر نوشته شد بر شما
القتال الا تقاتلوا قالوا وما لنا الا نقاتل في سبيل الله
کارزار که تا کارزار نکنید گفتند همه وجه بود ما را که کارزار نکنیم در راه خدای
وقد اخرجنا من ديارنا وابنائنا فلما كتب عليهم القتال
و بدرستی که بیرون کردند از سراهای ما و پسران ما چون نوشته شد بر ایشان قتال
تولوا الا قليلا منهم والله عليم بالظالمين وقال لهم نبيهم
برگشتند مگر اندکی از ایشان و خدای داناست بظالمان و گفت ایشان را پیغمبر ایشان
ان الله قد بعث لكم طالوت ملكا قالوا انى يكون له الملك
بدرستی که خدا برانگیخت شما را طالوت پادشاهی گفتند چگونه باشد وی را پادشاهی
علينا ونحن احق بالملك منه ولم يؤت سعة من المال قال
بر ما و ما سزاوارتریم بپادشاهی از وی و نداده اند وی را فراخی از مال و نعمت گفت
ان الله اصطفيه عليكم وزاده بسطة في العلم والجسم والله
بدرستی که خدا برگزید او را بر شما در علم و تن و خدای
يؤتي ملكه من يشاء والله واسع عليم وقال لهم نبيهم
میدهد پادشاهی هر که خواهد و خدای فراخ عطاست دانا و گفت ایشان را پیغمبر ایشان
ان اية ملكه ان ياتيكم التابوت فيه سكينة من ربكم وبقية
که نشان ملک وی است که بیارد تابوتی در آن بادی بود از خداوند ایشان و باز مانده
مما ترك ال موسى وال هرون تحمله الملائكة ان في
از آنچه بگذاشتند آل موسی و آل هرون که برگرفتند فرشتگان بدرستی که در

ذلك لآية لكم ان كنتم مؤمنين ۝ فلما فصل طالوت بالجنود

قال ان الله مبتليكم بنهر فمن شرب منه فليس مني ومن لم

يطعمه فانه مني الا من اغترف غرفة بيده فشربوا منه الا

قليلا منهم فلما جاوزه هو والذين امنوا معه قالوا لا طاقة لنا

اليوم بجالوت وجنوده قال الذين يظنون انهم ملاقوا الله

كم من فئة قليلة غلبت فئة كثيرة باذن الله والله مع الصابرين

ولما برزوا لجالوت وجنوده قالوا ربنا افرغ علينا صبرا وثبت

اقدامنا وانصرنا على القوم الكافرين ۝ فهزموهم باذن الله

وقتل داود جالوت واتيه الله الملك والحكمة وعلمه مما يشاء

ولولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لفسدت الارض ولكن

الله ذو فضل على العالمين ۝ تلك ايات الله نتلوها عليك بالحق

وانك لمن المرسلين ۝ تلك الرسل فضلنا بعضهم على بعض

منهم من كلم الله ورفع بعضهم درجات واتينا عيسى

ابن مريم البينات وايدناه بروح القدس ولو شاء الله ما اقتتل

الذين من بعدهم من بعد ما جاءتهم البينات ولكن اختلفوا

فمنهم من امن ومنهم من كفر ولو شاء الله ما اقتتلوا ولكن

الله يفعل ما يريد ۝ يا ايها الذين امنوا انفقوا مما رزقناكم

من قبل ان ياتي يوم لا بيع فيه ولا خلة ولا شفاعة والكافرون

هم الظالمون ۝ الله لا اله الا هو الحي القيوم ۝ لا تاخذه سنة

ولا نوم له ما في السموات وما في الارض من ذا الذي يشفع عنده

الا باذنه يعلم ما بين ايديهم وما خلفهم ولا يحيطون بشيء

من علمه الا بما شاء وسع كرسيه السموات والارض ولا يؤده

حفظهما وهو العلي العظيم ۝ لا اكراه في الدين قد تبين الرشد
نگاه داشتن آنرا و اوست برتر و بزرگوار بزرگ نیست اکراه در دین مسلمانی بدرستی که روشن شد راه راست

من الغي فمن يكفر بالطاغوت ويؤمن بالله فقد استمسك
از گمراهی هرکه کافر شود بطاغوت و ایمان آورد بخدای پس بدرستی که دست زد

بالعروة الوثقى لا انفصام لها والله سميع عليم ۝ الله ولي
استوار که منقطع آنرا و خدای شنواست دانا خدای دوست

الذين امنوا يخرجهم من الظلمات الى النور والذين كفروا
آنکسانی است که ایمان آوردند بیرون می آورد ایشانرا از تاریکی بسوی نور ایمان و آنکسانی که کافر شدند

اولياؤهم الطاغوت يخرجونهم من النور الى الظلمات
دوستان ایشان طاغوت اند که بیرون آورد ایشانرا از نور ایمان بسوی تاریکی کفر

اولئك اصحاب النار هم فيها خالدون ۝ الم تر الى الذي
ایشان ملازم دوزخند ایشان در آن جاودان باشند همی ننبینی سوی آنکسانی

حاج ابرهيم في ربه ان اتيه الله الملك اذ قال ابرهيم ربي
که حجت کرد با ابرهیم علیه السلام در خدای وی که بداد خدای ویرا پادشاهی چون گفت ابرهیم خدای من

الذي يحيي ويميت قال انا احيي واميت قال ابرهيم فان الله
آنست که زنده کند مرده را و زنده را بمیراند گفت نمرود من نیز زنده کنم و بمیرانم گفت ابرهیم بدرستی که خدا

ياتي بالشمس من المشرق فات بها من المغرب فبهت الذي
بیاورد آفتاب را از مشرق تو بیاور آفتاب را از مغرب ماند نمرود

كفر والله لا يهدي القوم الظالمين ۝ او كالذي مر على قرية
که کافر شد و خدای راه ننماید قوم ظالمان را یا چون آنکسی که بگذشت بر دیه

وهي خاوية على عروشها قال انى يحيي هذه الله بعد موتها
و آن خالی بود از سقفها و درختها گفت چگونه زنده کند این دیه را خدای پس از مرگ آن

فاماته الله مائة عام ثم بعثه قال كم لبثت قال لبثت يوما
پس بمیرانید خدای آنرا صد سال دیگر زنده کردانید گفت جبرئیل چند خفتی گفت درنگ کردم روزی

او بعض يوم قال بل لبثت مائة عام فانظر الى طعامك وشرابك
یا بعضی از روز گفت بلکه درنگ کردی صد سال بنگر سوی طعام تو یعنی انجیر و شراب تو

لم يتسنه وانظر الى حمارك ولنجعلك اية للناس وانظر الى
که بوی ناگشته و بنگر بسوی خر تو که زنده میشود تا بکنیم ترا نشانی مر مردمان و بنگر بسوی

العظام كيف ننشزها ثم نكسوها لحما فلما تبين له قال
استخوانها که چون زنده میکنیم دیگر بپوشانیم او را بگوشت چون روشن شد او را گفت

اعلم ان الله على كل شيء قدير ۝ واذ قال ابرهيم رب ارني كيف
میدانم بدرستی که خدای بر همه چیزی تواناست و چون گفت ابرهیم بار خدایا بنما مرا که چون

تحيي الموتى قال اولم تؤمن قال بلى ولكن ليطمئن قلبي قال فخذ
زنده گردانی مرده را گفت که ای نه مومنی گفت بلی ولیکن تا ساکن بشود دل من گفت بگیر

اربعة من الطير فصرهن اليك ثم اجعل على كل جبل منهن جزءا
چهار پاره از مرغان پاره پاره کن بتو دیگر بکن بر هر کوهی پاره از آن مرغان
کرکس و کبوتر و طاوس و خروس

ثم ادعهن ياتينك سعيا واعلم ان الله عزيز حكيم ۝ مثل
دیگر برخوان ایشانرا تا بیایند بر تو بشتاب و بدان بدرستی که خدای عزیز است محکم کار مثل

الذين ينفقون اموالهم في سبيل الله كمثل حبة انبتت سبع
آنکسانی که نفقه کنند مالهای خود در راه خدای همچون مثل یکدانه است که برویدازان هفت

سنابل في كل سنبلة مائة حبة والله يضاعف لمن يشاء والله
خوشه در هر خوشه صد دانه و خدای زیاده دهد آنرا که خواهد و خدای

واسع عليم ۝ الذين ينفقون اموالهم في سبيل الله ثم لا يتبعون
فراخ عطاء داناست آنکسانی که نفقه میکنند مالهای خود در راه خدا دیگر پی نگیرند

مَآ اَنْفَقُوا مَنًّا وَلَآ اَذًى لَهُمْ اَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ

آنچه خرج کنند منتی و نه نیز رنجی ایشانراست مزدی بسیار نزد پروردگار ایشان و نیست ترسی

عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۝ قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ

بر ایشان و نه نیز اندوهگین باشند قولی معروف و آمرزش بهتر از صدقه

يَتْبَعُهَآ اَذًى وَاللّٰهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ ۝ يَآ اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا لَا تُبْطِلُوا

که از پی آن بود رنجی و خدا توانگر حلیم است ای آنکسانی که ایمان آوردید باطل کنید

صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْاَذٰى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَآءَ النَّاسِ

صدقهای خود بمنت و رنج نهادن همچون آنکسانی که نفقه میکنند مال خود بریای مردمان

وَلَا يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ

و ایمان ندارند بخدای و روز قیامت مثل وی همچون مثل صفوان یعنی سنگ بزرگ بران خاک باشد

فَاَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلٰى شَيْءٍ مِمَّا كَسَبُوا

پس بوی رسد باران بزرگ بگذارد او را سخت که نتوانند بر هیچ چیز از آنچه کسب کنند

وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ۝ وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ اَمْوَالَهُمُ

و خدا راه نماید قوم کافرانرا و مثل آنکسانی که نفقه میکنند اموال ایشان

ابْتِغَآءَ مَرْضَاتِ اللّٰهِ وَتَثْبِيتًا مِنْ اَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ

طلب کردن رضاء خدا را و ثابت کردن از تن ایشان همچون مثل بهشتی بر بالا

اَصَابَهَا وَابِلٌ فَاٰتَتْ اُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَاِنْ لَمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ

که بروی رسد باران سخت بدهد بران دوباره اگر نرسد بروی باران سخت باران خردک

وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝ اَيَوَدُّ اَحَدُكُمْ اَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ

و خدای بانچه میکنند بیناست ای همی دوست دارد یکی از شما که باشد ویرا بستانی

مِنْ نَخِيلٍ وَاَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ

از نخلها خرمابن و عنبها که میرود از زیر آن جویها آب او راست در آن از همه

الثَّمَرَاتِ وَاَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَآءُ فَاَصَابَهَآ اِعْصَارٌ

میوها آنچه باید و بدان رسد بزرگی و او را باشد ذریتی ضعیفان بدان رسد گرد و خاک

فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمُ الْاٰيَاتِ لَعَلَّكُمْ

که دران باشد آتش بسوزاند همچنین روشن میکند خدای شما را نشانها تا مگر شما

تَتَفَكَّرُونَ ۝ يَآ اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا كُلُوا (اَنْفِقُوا) مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّآ

در آن تفکر کنید ای آنکسانی که ایمان آوردید نفقه کنید از پاکیزها آنچه پیش شما است کسب و از آنچه

اَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْاَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ

بیرون آوردیم شما را از زمین و قصد مکنید بکیدی یعنی مال حرام از آن نفقه همیکنند

وَلَسْتُمْ بِاٰخِذِيهِ اِلَّآ اَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوٓا اَنَّ اللّٰهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ

و نیستید بها گرفتن آن مگر که چشم فرو گیرید دران و بدانید هر آینه که خدای بی نیاز ستوده

الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَاْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَآءِ وَاللّٰهُ يَعِدُكُمْ

شیطان وعده میدهد شما را بدرویشی و میفرماید شما را به فحشا و خدای وعده میدهد

مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللّٰهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ۝ يُؤْتِي الْحِكْمَةَ

آمرزش از و وفضل و نعمت و خدای فراخ عطاء داناست میدهد حکمت

مَنْ يَشَآءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ اُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا

بدانکس که خواهد و هر که بدهد ویرا حکمت بدرستی که بداده اند ویرا خیری بسیار و

يَذَّكَّرُ اِلَّآ اُولُوا الْاَلْبَابِ ۝ وَمَآ اَنْفَقْتُمْ مِنْ نَفَقَةٍ اَوْ نَذَرْتُمْ مِنْ

یاد نکنند این مگر خداوندان خرد و آنچه نفقه کنید از نفقه یا نذر کنید از

نَذْرٍ فَاِنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ اَنْصَارٍ ۝ اِنْ تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ

نذر بدرستی که خدا میداند و نیست ظالمانرا نصرة دهنده اگر آشکارا کنید صدقات دادن

فَنِعِمَّا هِيَ وَاِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَآءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ

پس نیکست و اگر پنهان کنید و بدهید آنرا بدرویشان پس او بهتر باشد شما را

با خلاص
حركة العين
صح

وَيُكَفِّرُ عَنكُم مِّن سَيِّـَٔاتِكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

وكفارت كنيم از شما از بديهاء شما وخداى بدانچه شما ميكنيد آگاه است

لَّيْسَ عَلَيْكَ هُدَىٰهُمْ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ يَهْدِى مَن يَشَآءُ وَمَا تُنفِقُوا

نيست بر تو هدايت ايشان ولكن خداى راه نمايد آنرا كه خواهد وآنچه نفقه كنيد

مِنْ خَيْرٍ فَلِأَنفُسِكُمْ وَمَا تُنفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَآءَ وَجْهِ اللَّهِ وَمَا تُنفِقُوا

از نيكى پس [illegible] ونفقه نكنيد مگر طلب كردن رضاء خدا وآنچه نفقه كنيد

مِنْ خَيْرٍ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنتُمْ لَا تُظْلَمُونَ لِلْفُقَرَآءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا

از نيكى وفا كنند بشما وشما را ظلم نكنند درويشانرا آنكسانى كه باز داشته شدند

فِى سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِى الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ

در راه خدا [illegible] كه سفر كنند در زمين مى‌پندارند جاهلان

أَغْنِيَآءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُم بِسِيمَٰهُمْ لَا يَسْـَٔلُونَ النَّاسَ

توانگران [illegible] بشناسى ايشانرا بسيما يعنى روى ايشان كه نه خواهند از مردمان

إِلْحَافًا وَمَا تُنفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِۦ عَلِيمٌ الَّذِينَ يُنفِقُونَ

[illegible] وآنچه نفقه كنيد از نيكى پس خداى بدان داناست آنكسانى كه نفقه كنند

أَمْوَٰلَهُم بِالَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ

مالهاء ايشان بشب وروز بسر وآشكارا ايشانراست مزد بسيار نزد

رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ

پروردگار ايشان ونه ترسى بر ايشان ونه نيز اندوهگين باشند آنكسانى كه ميخورند

الرِّبَوٰا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِى يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَٰنُ

ربا [illegible] مگر چنان كه برخيزد آنكسى كه شوريده باشد از شيطان

مِنَ الْمَسِّ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَوٰا وَأَحَلَّ اللَّهُ

از ديوانگى اين بسبب آنكه گفتند كه بيع مثل رباست وحلال كرده است خداى

الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَوٰا فَمَن جَآءَهُۥ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّهِۦ فَانتَهَىٰ فَلَهُۥ مَا سَلَفَ

بيع وحرام كرده است ربا هر كه بوى آيد پندى از خداى خويش [illegible]

وَأَمْرُهُۥٓ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَٰٓئِكَ أَصْحَٰبُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَٰلِدُونَ

وكار وى با خداى است وهر كه باز آيد [illegible] ايشان در آن جاودان اند

يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَوٰا وَيُرْبِى الصَّدَقَٰتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ

محو كند خداى ربا وزيادت كند صدقه را وخداى دوست ندارد هر ناسپاسى گناه كار

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّٰلِحَٰتِ وَأَقَامُوا الصَّلَوٰةَ وَءَاتَوُا

بدرستى كه آنكسانى كه ايمان آوردند وكار نيك كردند ونماز را [illegible] ودادند

الزَّكَوٰةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ

زكوة ايشانراست مزد بسيار نزد پروردگار ايشان ونه ترسى بر ايشان ونه نيز

يَحْزَنُونَ يَٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِىَ مِنَ

اندوهگين باشند اى آنكسانى كه ايمان آورده‌ايد بترسيد از خداى وبگذاريد آنچه مانده است از

الرِّبَوٰٓا إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ

ربا چون هستيد مؤمنان پس اگر نكنيد پس آگاه شويد بكارزار كردن از خداى

وَرَسُولِهِۦ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَٰلِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا

ورسول وى واگر توبه كنيد شما را باشد سرمايه مالهاى شما [illegible]

تُظْلَمُونَ وَإِن كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَن تَصَدَّقُوا خَيْرٌ

ظلم كنند بر شما واگر باشد خداوند درويشى مهلت دهيد تا وقت توانگرى واگر صدقه دهيد بهتر است

لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّىٰ

شما را اگر هستيد شما ميدانيد وبترسيد از روزى كه بازگرديد در آن بسوى خداى [illegible]

كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ يَٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوٓا إِذَا تَدَايَنتُم

هر تنى آنچه كسب كرده است وايشان [illegible] اى آنكسانى كه ايمان آورده‌ايد [illegible]

بدین الی اجل مسمی فاکتبوه ولیکتب بینکم کاتب
یا وامی با اجلی مسمّی بنویسید قباله و تا بنویسد میان شما دبیری

بالعدل ولا یاب کاتب ان یکتب کما علمه الله فلیکتب ولیملل
بعدل و تا سر نزند دبیر از نوشتن چنان که خدا وی را آموخته است تا بنویسد قباله یا املا

الذی علیه الحق ولیتق الله ربه ولا یبخس منه شیئا فان کان
آنکس را که بروی است حق تا بترسید از خدای خویش و تا نه آگاهاند از ان چیزی پس اگر باشد

الذی علیه الحق سفیها او ضعیفا او لا یستطیع ان یمل هو
آنکس که بروی باشد حق نادانی یا ضعیفی یا نتواند او که املا کند او

فلیملل ولیه بالعدل واستشهدوا شهیدین من رجالکم
تا املا کند ولی وی بعدل و گواه گیرد دو گواه از مردان شما

فان لم یکونا رجلین فرجل وامراتان ممن ترضون من الشهداء
پس اگر نباشند دو مرد پس مردی و دو زن از ان راضی شوید از گواهان

ان تضل احدیهما فتذکر احدیهما الاخری ولا یاب
اگر غایب شود یکی از ایشان تا یاد کند وی را یکی دیگر دیگر و تا ابا نکند

الشهداء اذا ما دعوا ولا تسئموا ان تکتبوه صغیرا او کبیرا
گواهان چون برخوانند و تا ملالت نیاید از نوشتن کوچک یا بزرگ

الی اجله ذلکم اقسط عند الله واقوم للشهادة وادنی الا ترتابوا
تا اجل قباله امنست شما راست تر نزد خدای و راست تر گواهی دادن را و نزدیکترست که در شک نیفتید

الا ان تکون تجارة حاضرة تدیرونها بینکم فلیس علیکم
مگر باشد تجارتی حاضر که همی گردد میان شما پس نیست بروی

جناح الا تکتبوها واشهدوا اذا تبایعتم ولا یضار کاتب ولا
هیچ بزه اگر ننویسید آنرا و گواه گیرید چون مبایعت کنید و تا زیان نکند دبیر و نه نیز

شهید وان تفعلوا فانه فسوق بکم واتقوا الله ویعلمکم الله
گواه و اگر چنین کنید بدرستی که فسق باشد بر شما و بترسید از خدا و در آموخت شما را خدای

والله بکل شیء علیم وان کنتم علی سفر ولم تجدوا کاتبا
و خدای بهمه چیز داناست و اگر باشید شما در سفر و نیابید دبیری

فرهان مقبوضة فان امن بعضکم بعضا فلیؤد الذی اؤتمن
گرو کافی ستده اگر ایمن کند برخی از شما برخی را آنکس [illegible]

امانته ولیتق الله ربه ولا تکتموا الشهادة ومن یکتمها فانه
امانت وی و تا بترسد از خدای خویش و پنهان مکنید گواهی و هر که پنهان کند گواهی را بدرستی

اثم قلبه والله بما تعملون علیم لله ما فی السموات وما فی
که بزه کار شود بدل و خدای بانچه شما میکنید داناست مر خدای راست انچه در آسمانها و آنچه در

الارض وان تبدوا ما فی انفسکم او تخفوه یحاسبکم به الله
زمین و اگر بدانید آنچه در تنهاست شما یا پنهان کنید حساب کند بدان شما را خدای

فیغفر لمن یشاء ویعذب من یشاء والله علی کل شیء قدیر
بیامرزد آنرا که خواهد و عذاب کند آنرا که خواهد و خدای بر همه چیزی تواناست

امن الرسول بما انزل الیه من ربه والمؤمنون کل امن بالله
ایمان آورد رسول بانچه فرو فرستادند بروی از خداوند وی و مؤمنان نیز همه ایمان آوردند بخدای

وملئکته وکتبه ورسله لا نفرق بین احد من رسله
و فریشتگان او و کتابهاء وی و رسولان وی که جدا نکنیم میان یکی رسولان

وقالوا سمعنا واطعنا غفرانک ربنا والیک المصیر
و گفتند شنیدیم و فرمان بردیم بیامرز ما را پروردگار ما و با تو است بازگشتن

لا یکلف الله نفسا الا وسعها لها ما کسبت وعلیها ما اکتسبت
تکلیف نکند خدای تنی را مگر آنچه در طاقت وی باشد آنراست انچه کسب کند و بروی است انچه [illegible] کند از گناه

ربنا لا تؤاخذنا إن نسينا أو أخطأنا ربنا ولا تحمل علينا إصرا
كما حملته على الذين من قبلنا ربنا ولا تحملنا ما لا طاقة
لنا به واعف عنا واغفر لنا وارحمنا أنت مولانا فانصرنا على القوم الكافرين

سورة آل عمران مائتان آية مدنية

بسم الله الرحمن الرحيم

الم الله لا إله إلا هو الحي القيوم نزل عليك الكتاب
بالحق مصدقا لما بين يديه وأنزل التوراة والإنجيل من قبل هدى
للناس وأنزل الفرقان إن الذين كفروا بآيات الله لهم عذاب
شديد والله عزيز ذو انتقام إن الله لا يخفى عليه شيء في
الأرض ولا في السماء هو الذي يصوركم في الأرحام كيف
يشاء لا إله إلا هو العزيز الحكيم هو الذي أنزل عليك

الكتاب منه آيات محكمات هن أم الكتاب وأخر متشابهات
فأما الذين في قلوبهم زيغ فيتبعون ما تشابه منه ابتغاء
الفتنة وابتغاء تأويله وما يعلم تأويله إلا الله والراسخون في
العلم يقولون آمنا به كل من عند ربنا وما يذكر إلا أولوا
الألباب ربنا لا تزغ قلوبنا بعد إذ هديتنا وهب لنا
من لدنك رحمة إنك أنت الوهاب ربنا إنك جامع الناس
ليوم لا ريب فيه إن الله لا يخلف الميعاد إن الذين كفروا
لن تغني عنهم أموالهم ولا أولادهم من الله شيئا وأولئك
هم وقود النار كدأب آل فرعون والذين من قبلهم كذبوا
بآياتنا فأخذهم الله بذنوبهم والله شديد العقاب قل
للذين كفروا ستغلبون وتحشرون إلى جهنم وبئس المهاد

قد كان لكم آية في فئتين التقتا فئة تقاتل في سبيل الله

وأخرى كافرة يرونهم مثليهم رأي العين والله يؤيد بنصره

من يشاء إن في ذلك لعبرة لأولي الأبصار زين للناس حب

الشهوات من النساء والبنين والقناطير المقنطرة من الذهب

والفضة والخيل المسومة والأنعام والحرث ذلك متاع

الحيوة الدنيا والله عنده حسن المآب قل أؤنبئكم بخير

من ذلكم للذين اتقوا عند ربهم جنات تجري من تحتها الأنهار

خالدين فيها وأزواج مطهرة ورضوان من الله والله بصير بالعباد

الذين يقولون ربنا إننا آمنا فاغفر لنا ذنوبنا وقنا عذاب

النار الصابرين والصادقين والقانتين والمنفقين والمستغفرين

بالأسحار شهد الله أنه لا إله إلا هو والملائكة وأولوا

نصف الجزو

العلم قائما بالقسط لا إله إلا هو العزيز الحكيم إن الدين

عند الله الإسلام وما اختلف الذين أوتوا الكتاب

إلا من بعد ما جاءهم العلم بغيا بينهم ومن يكفر بآيات

الله فإن الله سريع الحساب فإن حاجوك فقل أسلمت وجهي لله

ومن اتبعن وقل للذين أوتوا الكتاب والأميين أأسلمتم فإن

أسلموا فقد اهتدوا وإن تولوا فإنما عليك البلاغ والله بصير

بالعباد إن الذين يكفرون بآيات الله ويقتلون النبيين

بغير حق ويقتلون الذين يأمرون بالقسط من الناس فبشرهم

بعذاب أليم أولئك الذين حبطت أعمالهم في الدنيا والآخرة

وما لهم من ناصرين ألم تر إلى الذين أوتوا نصيبا من الكتاب

يدعون إلى كتاب الله ليحكم بينهم ثم يتولى فريق

منهم وهم معرضون ۝ ذلك بانهم قالوا لن تمسنا النار
الا اياما معدودات وغرهم في دينهم ما كانوا يفترون ۝
فكيف اذا جمعناهم ليوم لا ريب فيه ووفيت كل نفس ما كسبت
وهم لا يظلمون ۝ قل اللهم مالك الملك تؤتي الملك من تشاء
وتنزع الملك ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء
بيدك الخير انك على كل شيء قدير ۝ تولج الليل في النهار
وتولج النهار في الليل وتخرج الحي من الميت وتخرج الميت من
الحي وترزق من تشاء بغير حساب ۝ لا يتخذ المؤمنون الكافرين
اولياء من دون المؤمنين ومن يفعل ذلك فليس من الله في
شيء الا ان تتقوا منهم تقاة ويحذركم الله نفسه
والى الله المصير ۝ قل ان تخفوا ما في صدوركم او تبدوه يعلمه

الله ويعلم ما في السموات وما في الارض والله على كل شيء
قدير ۝ يوم تجد كل نفس ما عملت من خير محضرا وما عملت
من سوء تود لو ان بينها وبينه امدا بعيدا ويحذركم
الله نفسه والله رءوف بالعباد ۝ قل ان كنتم تحبون الله فاتبعوني
يحببكم الله ويغفر لكم ذنوبكم والله غفور رحيم ۝ قل
اطيعوا الله والرسول فان تولوا فان الله لا يحب الكافرين ۝
ان الله اصطفى آدم ونوحا وآل ابرهيم وآل عمران على العالمين
ذرية بعضها من بعض والله سميع عليم ۝ اذ قالت امرات
عمران رب اني نذرت لك ما في بطني محررا فتقبل مني انك
انت السميع العليم ۝ فلما وضعتها قالت رب اني وضعتها
انثى والله اعلم بما وضعت وليس الذكر كالانثى واني سميتها

مريم واني اعيذها بك وذريتها من الشيطان الرجيم

مريم و بدرستي كه من پناه ميدهم اورا به تو و فرزندان اورا از شر شيطان رانده ملعون

فتقبلها ربها بقبول حسن وانبتها نباتا حسنا وكفلها

پس پذيرفت اورا پروردگار او بپذيرفتني نيكو و برويانيد اورا رويانيدني نيكو و پاينده اي گردانيد اورا

زكريا كلما دخل عليها زكريا المحراب وجد عندها رزقا

زكريا هرگاه كه در رفتي بر او زكريا در محراب يافتي نزد او ميوه

قال يا مريم انى لك هذا قالت هو من عند الله ان الله يرزق

گفتي اي مريم از كجاست ترا اين گفتي مريم اين از نزد خداي است بدرستي كه خداي روزي

من يشاء بغير حساب هنالك دعا زكريا ربه قال رب

دهد آنرا كه خواهد بي حساب آنجا بخواند زكريا پروردگار خويش را گفت اي پروردگار

هب لي من لدنك ذرية طيبة انك سميع الدعاء فنادته الملائكة

ببخش مرا از نزد تو فرزندي پاك بدرستي كه تو اجابت كننده دعائي پس آواز كردند اورا فرشتگان

وهو قائم يصلي في المحراب ان الله يبشرك بيحيى مصدقا بكلمة

و او ايستاده بود نماز ميگزارد در محراب كه خداي بشارت ميدهد ترا بيحيي باور دارنده به سخن

من الله وسيدا وحصورا ونبيا من الصالحين قال رب انى

كه از خداي است و مهتري و پارسا و پيغامبري از جمله نيكوكاران گفت اي پروردگار از كجا

يكون لي غلام وقد بلغني الكبر وامراتي عاقر قال كذلك الله

باشد مرا فرزندي و بدرستي كه رسيده است مرا پيري و زن من نازاينده است گفت جبرئيل همچنين خداي

يفعل ما يشاء قال رب اجعل لي آية قال آيتك الا تكلم

كند آنچه خواهد گفت اي پروردگار بكن از براي من نشاني گفت نشان تو آنست كه سخن نگوئي

الناس ثلثة ايام الا رمزا واذكر ربك كثيرا وسبح بالعشي والابكار

با مردمان سه روز مگر اشارتي و ياد كن پروردگار را بسيار و تسبيح كن بامداد و شبانگاه

واذ قالت الملائكة يا مريم ان الله اصطفاك وطهرك واصطفاك

و چون گفتند فرشتگان اي مريم بدرستي كه خداي برگزيد ترا و پاكيزه گردانيد ترا و برگزيد ترا

على نساء العالمين يا مريم اقنتي لربك واسجدي واركعي مع

بر زنان عالميان اي مريم طاعت دار پروردگار را و سجود كن و ركوع كن با

الراكعين ذلك من انباء الغيب نوحيه اليك وما كنت

ركوع كنندگان اين از خبرهاي غيب است كه وحي ميكنيم آنرا به تو و نبودي تو اي محمد

لديهم اذ يلقون اقلامهم ايهم يكفل مريم وما كنت

نزد ايشان چون مي انداختند تيرهاي خويش را كه كدام ايشان پاينده كار مريم باشد و نبودي تو

لديهم اذ يختصمون اذ قالت الملائكة يا مريم ان الله يبشرك

نزد ايشان چون خصومت ميكردند چون گفتند فرشتگان اي مريم بدرستي كه خداي بشارت ميدهد ترا

بكلمة منه اسمه المسيح عيسى ابن مريم وجيها في الدنيا والآخرة

به سخني از او نام او مسيح عيسي پسر مريم با قدر و منزلت در دنيا و آخرت

ومن المقربين ويكلم الناس في المهد وكهلا ومن الصالحين

و از جمله نزديكان و سخن گويد با مردمان در گهواره و از جمله نيكوكاران

قالت رب انى يكون لي ولد ولم يمسسني بشر قال كذلك

گفت مريم اي پروردگار از كجا باشد مرا فرزند و نرسيده است بمن هيچ آدمي گفت جبرئيل همچنين

الله يخلق ما يشاء اذا قضى امرا فانما يقول له كن فيكون

خداي آفريند آنچه خواهد چون حكم كند كاري را پس بدرستي كه گويد آنرا كه باش پس مي باشد

ويعلمه الكتاب والحكمة والتورية والانجيل ورسولا الى بني

و در آموزد او را كتاب و حكمت و توريه و انجيل و رسولي به بني

اسرائيل اني قد جئتكم بآية من ربكم اني اخلق لكم من الطين

اسرائيل كه آورده ام شما را نشاني از پروردگار شما كه بسازم

كهيئة الطير فانفخ فيه فيكون طيرا باذن الله وابرئ الاكمه
چون شکل مرغی پس باد و میدم در آن پس گردد مرغی بفرمان خدای و درست گردانم نابینای مادرزاد را
والابرص واحيي الموتى باذن الله وانبئكم بما تاكلون وما تدخرون
و پیس را و زنده کنم مردگان را بفرمان خدای و آگاه کنم شما را بآنچه خورید و آنچه ذخیره نهید
في بيوتكم ان في ذلك لاية لكم ان كنتم مؤمنين ● ومصدقا
در خانهای خویش بدرستی که در آن نشانه‌ایست شما را اگر هستید مؤمنان و باور دارنده
لما بين يدي من التورية ولاحل لكم بعض الذي حرم عليكم
آنچه از پیش است از توریة و تا حلال کنم از برای شما بعضی از آنکه حرام کردند بر شما
وجئتكم باية من ربكم فاتقوا الله واطيعون ● ان الله ربي
و آمدم بشما بنشانی از پروردگار شما پس بترسید از خدای و فرمان برید مرا بدرستی که خدای پروردگار منست
وربكم فاعبدوه هذا صراط مستقيم ● فلما احس عيسى منهم
و پروردگار شما پس بپرستید او را اینست راه راست پس چون دانست عیسی از ایشان
الكفر قال من انصاري الى الله قال الحواريون نحن انصار الله
کفر را قال کیست از یاری دهندگان من با دین خدای گفتند حواریان ما هستیم یاری دهندگان دین خدای
امنا بالله واشهد بانا مسلمون ● ربنا امنا بما انزلت واتبعنا
بگرویدیم بخدای و گواه باش ای عیسی که ما منقادانیم ای پروردگار ما بگرویدیم بآنچه فرو فرستادی و پیروی کردیم
الرسول فاكتبنا مع الشاهدين ● ومكروا ومكر الله
پیغامبر را پس بنویس ما را با گواهی دهندگان بر توحید و سعی کردند قتل عیسی و جزا داد ایشان را خدای
والله خير الماكرين ● اذ قال الله يا عيسى اني متوفيك
و خدا بهترین جزا دهندگانست چون گفت خدای ای عیسی بدرستی که من جان ستاننده توام
ورافعك الي ومطهرك من الذين كفروا وجاعل الذين
و بردارنده توام تا بآسمان و پاک و خلاص کننده توام از آنها که کافر شدند و کننده ام آنها را

حزب

اتبعوك فوق الذين كفروا الى يوم القيمة ثم الي مرجعكم
که پی روی کنند تو را بالای آنها که کافر شدند بحجت و غلبه تا روز قیامت پس با منست بازگشت شما
فاحكم بينكم فيما كنتم فيه تختلفون ● فاما الذين كفروا
پس حکم کنم میان شما در آنچه هستید در آن خلاف کردید پس اما آنها که کافر شدند
فاعذبهم عذابا شديدا في الدنيا والاخرة وما لهم من ناصرين
پس عذاب کنم ایشان را عذابی سخت در دنیا و آخرة و نباشد ایشان را هیچ از یاری کنندگان
واما الذين امنوا وعملوا الصالحات فيوفيهم اجورهم
و اما آنها که بگرویدند و کردند نیکوییها را پس تمام بدهیم ایشان را مزدهای ایشان
والله لا يحب الظالمين ● ذلك نتلوه عليك من الايات
و خدای دوست نمیدارد ظالمان را آن خبر عیسی هم میخوانیم بر تو ای محمد از نشانهای صدق رسالة تو
والذكر الحكيم ● ان مثل عيسى عند الله كمثل ادم خلقه
و قرآن محکم مانع از کفر و فساد بدرستی که مثل عیسی نزد خدای همچون مثل آفرینش آدم است آفرید آدم را
من تراب ثم قال له كن فيكون ● الحق من ربك فلا تكن من
از خاک قالبی پس گفت او را که بشو بشری پس شد فی الحال آنچه خبر دادیم ترا از پروردگار پس مباش تو از
الممترين ● فمن حاجك فيه من بعد ما جاءك من العلم فقل
جمله شک کنندگان پس هرکه خصومت کند با تو در شان عیسی بعد از آنکه آمد بتو ای محمد از دانش پس بگو
تعالوا ندع ابناءنا وابناءكم ونساءنا ونساءكم وانفسنا
بیایید تا بخوانیم پسران ما را و پسران شما را و زنان ما را و زنان شما را و پسرعمان ما را که نفس ماند
وانفسكم ثم نبتهل فنجعل لعنت الله على الكاذبين ● ان
و پسرعمان شما را پس تضرع کنیم در دعا پس بکنیم لعنت خدای بر دروغ گویان بدرستی
هذا لهو القصص الحق وما من اله الا الله وان الله لهو العزيز
که این که وحی کردیم بتو هر آینه آن چیزی حق است و نیست هیچ خدایی مگر الله و بدرستی که خدای هر آینه اوست غالب

الحکیم فان تولوا فان الله علیم بالمفسدین قل یا اهل الکتاب

محکم کار پس اگر اعراض کنند پس بدرستی که خدای داناست به تباهی کنندگان بگو ای محمد ای اهل کتاب

تعالوا الی کلمة سواء بیننا وبینکم الا نعبد الا الله

بیایید به سخنی راست که یکسانست میان ما و میان شما و آن سخن آنست که نپرستیم مگر خدای

ولا نشرک به شیئا ولا یتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله

و انباز نداریم با او چیزی را و فرا نگیرد بعضی از ما بعضی را خدایان از غیر خدای

فان تولوا فقولوا اشهدوا بانا مسلمون یا اهل الکتاب لم

پس اگر اعراض کنند پس گویید گواه باشید بانکه ما اقرار کنندگانیم موحد ای اهل کتاب چرا

تحاجون فی ابرهیم وما انزلت التورىة والانجیل الا من بعده

خصومت میکنید در شان ابرهیم و فرو نفرستادند توریه و انجیل مگر از بعد ابرهیم

افلا تعقلون ها انتم هؤلاء حاججتم فیما لکم به علم فلم

ای پس استعمال عقل کنید این کسانید شما ای گروه خصومت کردید در انچه هست شما را آن دانش پس چرا

تحاجون فیما لیس لکم به علم والله یعلم وانتم لا تعلمون

خصومت میکنید در انچه نیست شما را بآن دانش و خدای داند حال ابرهیم و شما ندانید

ماکان ابرهیم یهودیا ولا نصرانیا ولکن کان حنیفا

نبود هرگز ابرهیم یهودی و نه ترسایی ولیکن بود ابرهیم مایل از باطل بحق

مسلما وماکان من المشرکین ان اولی الناس بابرهیم للذین

منقادی و نبود از جمله مشرکان بدرستی که سزاوارترین مردمان بابرهیم هر آینه آنانند

اتبعوه وهذا النبی والذین امنوا والله ولی المؤمنین ودت

که پیروی کردند او را و این پیغمبر که محمدست و آنها که بگرویدند باو و خدای دوست مومنانست آرزو کردند

طائفة من اهل الکتاب لو یضلونکم وما یضلون الا انفسهم

گروهی از اهل کتاب که گمراه کنند شما را و گمراه نشوند مگر نفسهای خود را

ومایشعرون یا اهل الکتاب لم تکفرون بایات الله وانتم

و نمیدانند ای اهل کتاب چرا کافر میشوید بنشانهای خدای و شما

تشهدون یا اهل الکتاب لم تلبسون الحق بالباطل

گواهی میدهید بصحت در کتاب شما ای اهل کتاب چرا می آمیزید حق را به باطل

وتکتمون الحق وانتم تعلمون وقالت طائفة من اهل الکتاب

وی پوشانید حق را و شما میدانید که محمد و دین او حق و گفتند گروهی از اهل کتاب

امنوا بالذی انزل علی الذین امنوا وجه النهار واکفروا

بگروید بانچه فرو فرستادند بر آنها که بگرویدند در اول روز و کافر شوید باز گردید

اخره لعلهم یرجعون ولا تؤمنوا الا لمن تبع دینکم قل ان

در آخر روز تا باشد که ایشان باز گردند از دین او و براست مدارید مگر آنکس را که پیروی کند دین شما را بگوای محمد بدرستی

الهدی هدی الله ان یؤتی احد مثل ما اوتیتم او یحاجوکم

که راه راست راه خدایست و گفتند یهود باید کرد که اقرار کنید که بدهند یکی را انچه دادند شما را از دانش و اقرار کنید که خلاف کنند مسلمانان با شما

عند ربکم قل ان الفضل بید الله یؤتیه من یشاء والله

و حجت گیرند نزد پروردگار شما بگوای محمد بدرستی که فضل بدست قدرت خدایست بدهد او را آنکس که خواهد و خدای

واسع علیم یختص برحمته من یشاء والله ذو الفضل العظیم

فراخ رحمتست دانا مخصوص کند برحمت خود آنکس را که خواهد و خدای خداوند فضل عظیم است

ومن اهل الکتاب من ان تامنه بقنطار یؤده الیک ومنهم

و از اهل کتاب کسی که اگر امین سازی او را بمالی بسیار ادا کند آنرا و باز رساند و از ایشان

من ان تامنه بدینار لا یؤده الیک الا مادمت علیه قائما

کسی هست که اگر امین سازی او را بدیناری ادا نکند آنرا باتو مگر که همیشه تو باشی بروی ایستاده

ذلک بانهم قالوا لیس علینا فی الامیین سبیل ویقولون

این بسبب آنست که ایشان گفتند نیست بر ما در کند مال عرب راهی و میگویند

عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ۝ بَلَى مَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ وَاتَّقَى

بر خداى دروغ وايشان كه دروغ ميگويند بلى هر كه وفا كند بعهد خداى و بپرهيزد از نقض عهد

فَإِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللّٰهِ وَ

پس بدرستى كه خداى دوست دارد پرهيزكارانرا بدرستى آنها كه فرا گيرند بعهد خداى و

أَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ

سوگندهاى خويش بهاى اندك آن گروه هيچ نصيبى نباشد ايشانرا در آخرة و سخن نگويد با ايشان سخنى كه شاد كند ايشانرا

اللّٰهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ

خداى و نظر رحمت نكند بايشان روز قيامت و پاك نگرداند ايشانرا و ايشانرا باشد عذابى

أَلِيمٌ ۝ وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلْوُونَ أَلْسِنَتَهُمْ بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ

دردناك و بدرستى كه از يهود هستند هرآينه گروهى كه بپيچانند زبانهاى خويش را به تحريف و تغيير تا پنداريد آنرا كتاب

مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ

از كتاب و نيست آن از كتاب و ميگويند آن از نزد

اللّٰهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ

خداست و نيست آن از نزد خداى و ميگويند بر خداى دروغ و ايشان ميدانند

مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللّٰهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ

سزاوار نباشد هيچ آدمى كه بدهد اورا خداى كتاب و حكمت و پيغامبرى پس بگويد

لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللّٰهِ وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّانِيِّينَ

مردمانرا كه باشيد بندگانى مرا از غير خداى وليكن گويد باشيد معلمان مردمانرا

بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ ۝ وَلَا يَأْمُرَكُمْ

بانچه شما مى آموزيد از كتاب و بانچه شما ميخوانيد و نفرمايد شمارا

أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكُفْرِ بَعْدَ

كه فرا گيريد فرشتگان را و پيغامبرانرا بخدايان اى فرمايد شمارا بكفر بعد

إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ۝ وَإِذْ أَخَذَ اللّٰهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ

از آنكه شما مسلمان شده باشيد و چون فرا گرفت خداى عهد از پيغامبران كه هر آنچه بدهم شمارا

مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ

از كتاب و حكمت پس بيايد بشما پيغامبرى يعنى محمد براست دارنده آنچه باشماست هرآينه ايمان آوريد

بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ ءَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَى ذَلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا

باو و چون نصرت كنيد گفت خداى اى اقرار كرديد و فرا گرفتيد بر ايشان عهد مرا گفتند پيغامبران اورا با پيغمبران بايمان محمد و نصرت

أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ ۝ فَمَنْ تَوَلَّى

اقرار كرديم گفت خداى پس گواه باشيد و من با شما از جمله گواهانم پس هر كه اعراض كند

بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ۝ أَفَغَيْرَ دِينِ اللّٰهِ يَبْغُونَ

بعد ازين پس آن گروه ايشانند نافرمان برداران اى پس غير دين خداى مى جويند

وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ

و آنرا منقاد شدند آنكه در آسمانها و زمين اند بطوع و كره و بسوى او باز گردانند شمارا

قُلْ آمَنَّا بِاللّٰهِ وَمَا أُنْزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ عَلَى إِبْرٰهِيمَ وَإِسْمٰعِيلَ

بگواى محمد بگرويديم بخداى و آنچه فرو فرستاده شد بر ما و آنچه فرو فرستاده شد به ابراهيم و اسمعيل

وَإِسْحٰقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَى وَعِيسَى وَالنَّبِيُّونَ

و اسحق و يعقوب و فرزندان يعقوب و آنچه دادند موسى را و عيسى را و پيغامبرانرا

مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ۝ وَمَنْ يَبْتَغِ

از پروردگار ايشان جدا نميكنيم ميان هيچ يكى از ايشان و ما خداى را منقاديم و هر كه جويد

غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ

غير از اسلام دينى را پس هرگز قبول نكنند از و و او در آخرة از جمله زيانكاران باشد

كَيْفَ يَهْدِي اللّٰهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَشَهِدُوا أَنَّ

چگونه راه نمايد خداى قومى را كه كافر شدند يعنى يهود بعد از آنكه ايمان بمحمد آوردند پيش از بعثت او و گواهى دادند كه

الرسول حق وجاءهم البينات والله لا يهدي القوم الظالمين

اولئك جزاؤهم ان عليهم لعنة الله والملائكة والناس

اجمعين خالدين فيها لا يخفف عنهم العذاب ولا هم

ينظرون الا الذين تابوا من بعد ذلك واصلحوا فان الله غفور

رحيم ان الذين كفروا بعد ايمانهم ثم ازدادوا كفرا لن

تقبل توبتهم واولئك هم الضالون ان الذين كفروا

وماتوا وهم كفار فلن يقبل من احدهم ملء الارض ذهبا

ولو افتدى به اولئك لهم عذاب اليم وما لهم من ناصرين

لن تنالوا البر حتى تنفقوا مما تحبون وما تنفقوا من شيء

فان الله به عليم كل الطعام كان حلا لبني اسرائيل

الا ما حرم اسرائيل على نفسه من قبل ان تنزل التورية قل فاتوا

بالتورية فاتلوها ان كنتم صادقين فمن افترى على الله

الكذب من بعد ذلك فاولئك هم الظالمون قل صدق

الله فاتبعوا ملة ابرهيم حنيفا وما كان من المشركين

ان اول بيت وضع للناس للذي ببكة مباركا وهدى

للعالمين فيه ايات بينات مقام ابرهيم ومن دخله

كان امنا ولله على الناس حج البيت من استطاع اليه سبيلا

ومن كفر فان الله غني عن العالمين قل يا اهل الكتاب

لم تكفرون بايات الله والله شهيد على ما تعملون قل يا اهل

الكتاب لم تصدون عن سبيل الله من امن تبغونها عوجا

وانتم شهداء وما الله بغافل عما تعملون يا ايها الذين

امنوا ان تطيعوا فريقا من الذين اوتوا الكتاب يردوكم بعد

إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ ۝ وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتُ

ایمان شما وکرداننده شما را کافران ۝ وچگونه کافر شوید ومیخوانند بر شما نشانهای

اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ وَمَن يَعْتَصِم بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ

خدای را ودرمیان شما ورسول او که وهرکه دست زند بدین خدای پس بتحقیق که راه نموده شد براهی

مُّسْتَقِيمٍ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا

راست ای آنها که بگروید بترسید از خدای حق ترسیدن ازو ونباید که

تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ ۝ وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا

بمیرید بهیچ حالی مگر که باشید مسلمانان ودست زنید بقرآن ودین خدای همه وپراکنده مشوید

وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ

ویاد کنید نعمت خدای را بر شما چو بودید دشمنان پس الفت داد میان دلهای شما

فَأَصْبَحْتُم بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ

پس گشتید بنعمت او برادران وبودید بر کناره گوی از آتش

فَأَنقَذَكُم مِّنْهَا كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

پس برهانید شما را ازان همچنین روشن میکند خدای شما را آیتهای خویش تا بود که شما راه یابید براه راست

وَلْتَكُن مِّنكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ

و باید که باشد از شما گروهی که خوانند مردمان را بخیر وفرمایند بنیکوئی وباز دارند

عَنِ الْمُنكَرِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ

از بدی وآن گروه ایشانند رستگاران ومباشید همچون آنها که

تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِن بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ

پراکنده شدند وخلاف کردند بعد ازانکه آمد بایشان حجتهای روشن وآن گروه ایشانراست

عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝ يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ

عذابی بزرگ روزی که سفید شود رویها وسیاه شود رویها پس اما آنها

اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكَفَرْتُم بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ

که سیاه شود رویهای ایشان ای کافر شدید بعد از ایمان شما پس بچشید عذاب را

بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ ۝ وَأَمَّا الَّذِينَ ابْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَتِ

بسبب آنکه بودید کافران واما آنها که سفید شد رویهای ایشان پس در رحمت

اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۝ تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ

خدای وبهشت وباشند ایشان جاودان آن آیتهای خدا میخوانیم آنرا بر تو ای محمد براستی

وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعَالَمِينَ ۝ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي

ونمیخواهد خدای که ظلم کند بعالمیان وخدای راست آنچه در آسمانها وآنچه در

الْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ۝ كُنتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ

زمین است وبسوی خدا گردانیده شود کارها بودید شما بهترین امتی که بیرون آورده شد از برای مردمان

تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ

میفرمایید به نیکی ونهی میکنید از بدی وایمان می آورید بخدای واگر بگرویدی

أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُم مِّنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ

اهل کتاب هرآینه بودی بهتر ایشانرا بعضی از ایشان هستند مؤمنان وبیشترین ایشان

الْفَاسِقُونَ ۝ لَن يَضُرُّوكُمْ إِلَّا أَذًى وَإِن يُقَاتِلُوكُمْ يُوَلُّوكُمُ

نافرمانانند زیان نرسانند شما را مگر اندکی آزاری واگر کارزار کنند شما را برگردانند بر شما

الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ ۝ ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ أَيْنَ مَا ثُقِفُوا

پشتها یعنی پس یاری داده نشوند ایشان نهاده شد بر ایشان خواری هرکجا یافته شوند

إِلَّا بِحَبْلٍ مِّنَ اللَّهِ وَحَبْلٍ مِّنَ النَّاسِ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ

مگر بعهدی از خدای وعهدی از مردمان وبازگشتند بخشمی از خدای

وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةُ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ

ونهاده شد بر ایشان درماندگی آن بسبب آنکه ایشان کافر می شدند

بآيات الله ويقتلون الأنبياء بغير حق ذلك بما عصوا وكانوا
يعتدون ۝ ليسوا سواء من أهل الكتاب أمة قائمة يتلون
آيات الله آناء الليل وهم يسجدون ۝ يؤمنون بالله واليوم
الآخر ويأمرون بالمعروف وينهون عن المنكر ويسارعون
في الخيرات وأولئك من الصالحين ۝ وما يفعلوا من خير فلن
يكفروه والله عليم بالمتقين ۝ إن الذين كفروا لن تغني
عنهم أموالهم ولا أولادهم من الله شيئا وأولئك أصحاب
النار هم فيها خالدون ۝ مثل ما ينفقون في هذه الحيوة الدنيا
كمثل ريح فيها صر أصابت حرث قوم ظلموا أنفسهم فأهلكته
وما ظلمهم الله ولكن أنفسهم يظلمون ۝ يا أيها الذين آمنوا
لا تتخذوا بطانة من دونكم لا يألونكم خبالا ودوا ما عنتم

قد بدت البغضاء من أفواههم وما تخفي صدورهم أكبر
قد بينا لكم الآيات إن كنتم تعقلون ۝ ها أنتم أولاء تحبونهم
ولا يحبونكم وتؤمنون بالكتاب كله وإذا لقوكم قالوا آمنا
وإذا خلوا عضوا عليكم الأنامل من الغيظ قل موتوا بغيظكم
إن الله عليم بذات الصدور ۝ إن تمسسكم حسنة تسؤهم
وإن تصبكم سيئة يفرحوا بها وإن تصبروا وتتقوا لا يضركم
كيدهم شيئا إن الله بما يعملون محيط ۝ وإذ غدوت من
أهلك تبوئ المؤمنين مقاعد للقتال والله سميع عليم ۝
إذ همت طائفتان منكم أن تفشلا والله وليهما وعلى الله
فليتوكل المؤمنون ۝ ولقد نصركم الله ببدر وأنتم أذلة فاتقوا
الله لعلكم تشكرون ۝ إذ تقول للمؤمنين ألن يكفيكم

إن يمدكم ربكم بثلثة الاف من الملائكة منزلين ۝ بلى إن

که مدد کند شما را پروردگار شما به سه هزار از فرشتگان فرو فرستادگان آری اگر

تصبروا وتتقوا ويأتوكم من فورهم هذا يمددكم ربكم

[illegible]

بخمسة الاف من الملائكة مسومين ۝ وما جعله الله الا

[illegible]

بشرى لكم ولتطمئن قلوبكم به وما النصر الا من عند الله

[illegible]

العزيز الحكيم ۝ ليقطع طرفا من الذين كفروا او يكبتهم

[illegible]

فينقلبوا خائبين ۝ ليس لك من الامر شيء او يتوب عليهم

[illegible]

او يعذبهم فانهم ظالمون ۝ ولله ما في السموات وما في

[illegible]

الارض يغفر لمن يشاء ويعذب من يشاء والله غفور رحيم ۝

[illegible]

يا ايها الذين امنوا لا تاكلوا الربوا اضعافا مضاعفة واتقوا

[illegible]

الله لعلكم تفلحون ۝ واتقوا النار التي اعدت للكافرين ۝ واطيعوا

[illegible]

الله والرسول لعلكم ترحمون ۝ وسارعوا الى مغفرة من ربكم

[illegible]

وجنة عرضها السموات والارض اعدت للمتقين ۝

[illegible]

الذين ينفقون في السراء والضراء والكاظمين الغيظ والعافين

[illegible]

عن الناس والله يحب المحسنين ۝ والذين اذا فعلوا فاحشة

[illegible]

او ظلموا انفسهم ذكروا الله فاستغفروا لذنوبهم ومن

[illegible]

يغفر الذنوب الا الله ولم يصروا على ما فعلوا وهم يعلمون ۝

[illegible]

اولئك جزاؤهم مغفرة من ربهم وجنات تجري من تحتها

[illegible]

الانهار خالدين فيها ونعم اجر العاملين ۝ قد خلت من قبلكم

[illegible]

سنن فسيروا في الارض فانظروا كيف كان عاقبة المكذبين ۝

[illegible]

هذا بيان للناس وهدى وموعظة للمتقين ۝ ولا تهنوا ولا

[illegible]

تحزنوا وانتم الاعلون ان كنتم مؤمنين ۝ ان يمسسكم قرح

[illegible]

فقد مس القوم قرح مثله وتلك الايام نداولها بين الناس

[illegible]

وليعلم الله الذين امنوا ويتخذ منكم شهداء والله لا يحب

وتا جدا باز کند خدای آنها که بگرویدند باخلاص وگرامی گرداند از شما جماعتی بدرجه شهدا وخدای دوست نمیدارد

الظالمين ۝ وليمحص الله الذين امنوا ويمحق الكافرين ۝ ام حسبتم

ظالمانرا وتا پاک گرداند خدای آنهاکه ایمان آوردند از گناه بعلل وجرح وادی واستیصال کند کافرانرا ای پنداشتید

ان تدخلوا الجنة ولما يعلم الله الذين جاهدوا منكم ويعلم

که در روید در بهشت ونموده باشد خدای آنهارا که جهاد کردند از شما بدیگران ونموده باشد

الصابرين ۝ ولقد كنتم تمنون الموت من قبل ان تلقوه فقد

صابرانرا از غیر صابر وبدرستی که شما آرزو کردید مرگ را پیش از آنکه بدیدبان اسباب آنرا پس بدیدینی

رايتموه وانتم تنظرون ۝ وما محمد الا رسول قد خلت

که دیدید آنرا وحال آن بود که شما می نگریستید ونیست محمد مگر رسولی بدرستی که گذشتند

من قبله الرسل افان مات او قتل انقلبتم على اعقابكم ومن

از پیش او رسولان ای پس اگر بمیرد محمد یا کشته شود برگردید شما بر عقبهای شما یعنی بار سرکفر زدید وهرکه

ينقلب على عقبيه فلن يضر الله شيئا وسيجزي الله الشاكرين ۝

برگردد بر عقبهای خویش ومرتد شود پس هیچ مضرة نرساند خدای را بچیزی وزود باشد که جزا دهد خدای شکر کنندگانرا

وما كان لنفس ان تموت الا باذن الله كتابا مؤجلا ومن

ونباشد هرگز هیچ نفسی را که بمیرد مگر بخواست خدای نوشته اجل بدید کرده شده وهرکه

يرد ثواب الدنيا نؤته منها ومن يرد ثواب الاخرة نؤته منها

خواهد ثواب دنیا را بدهیم اورا از آن وهرکه خواهد ثواب آخرت را بدهیم اورا از آن

وسنجزي الشاكرين ۝ وكاين من نبي قاتل معه ربيون كثير

وزود باشد که جزا دهیم شکر کنندگانرا وبسا از پیغامبری که کارزار کرده با تفاق او خداشناسان بسیار

فما وهنوا لما اصابهم في سبيل الله وما ضعفوا وما استكانوا

پس سست نشدند از جهه آنچه رسید باشان در راه خدای وضعیف نشدند وتن نزادند بر کافر

والله يحب الصابرين ۝ وما كان قولهم الا ان قالوا ربنا اغفر

وخدای دوست دارد صابرانرا وبود در آن حال گفتار ایشان بجز آنکه گفتند پروردگارا بیامرز

لنا ذنوبنا واسرافنا في امرنا وثبت اقدامنا وانصرنا على

مارا گناهان ما واز حد گذشتن ما در کار ما وثابت دار قدمهای مارا بعوث ونصرت خویش وباری کن مارا بر

القوم الكافرين ۝ فاتهم الله ثواب الدنيا وحسن ثواب

قوم کافران پس بداد ایشانرا خدای ثواب دنیا ونیکوئی ثواب

الاخرة والله يحب المحسنين ۝ يا ايها الذين امنوا ان تطيعوا

آخرة وخدای دوست دارد نیکوکارانرا ای آنها که بگرویدند اگر فرمان برید آنهارا

الذين كفروا يردوكم على اعقابكم فتنقلبوا خاسرين ۝

که کافر شدند برگردانند شمارا بر عقبهای شما پس بازگردید زیانکاران

بل الله مولاكم وهو خير الناصرين ۝ سنلقي في قلوب الذين

بلکه خدای یاری دهنده شماست واو بهترین یاری دهندگانست زود باشد که پیندازیم در دلهای آنها

كفروا الرعب بما اشركوا بالله ما لم ينزل به سلطانا وماويهم النار

که کافر شدند ترس بسبب آنکه شرک آوردند بخدای چیزی که نفرستاد بآن حجتی را وبازگشت ایشان آتش دوزخست

وبئس مثوى الظالمين ۝ ولقد صدقكم الله وعده اذ تحسونهم

وبدست جای ظالمان دوزخ وبدرستی که راست کرد شمارا خدای وعده خویش چون استیصال میکردید

باذنه حتى اذا فشلتم وتنازعتم في الامر وعصيتم من بعد ما اريكم

بفرمان او تا چون بد دل شدید ونزاع کردید در فرمان پیغمبر وعاصی شدید از پس آنکه بنمود شمارا

ما تحبون منكم من يريد الدنيا ومنكم من يريد الاخرة

آنچه دوست میداشتند از نصرت از شما آنکه میخواهد دنیا را واز شما هست آنکه میخواهد آخرة را

ثم صرفكم عنهم ليبتليكم ولقد عفا عنكم والله ذو فضل

پس بگردانید شمارا از ایشان تا بیازماید شمارا وبدرستی که عفو کرد از شما وخداوند فضلیست بزرگ

علی المؤمنین ۝ اذ تصعدون ولا تلوون علی احد والرسول یدعوکم

فی اخریکم فاثابکم غما بغم لکیلا تحزنوا علی ما فاتکم

ولا ما اصابکم والله خبیر بما تعملون ۝ ثم انزل علیکم من بعد

الغم امنة نعاسا یغشی طائفة منکم وطائفة قد اهمتهم

انفسهم یظنون بالله غیر الحق ظن الجاهلیة یقولون هل لنا

من الامر من شیء قل ان الامر کله لله یخفون فی انفسهم ما لا

یبدون لک یقولون لو کان لنا من الامر شیء ما قتلنا ههنا

قل لو کنتم فی بیوتکم لبرز الذین کتب علیهم القتل الی

مضاجعهم ولیبتلی الله ما فی صدورکم ولیمحص ما فی قلوبکم

والله علیم بذات الصدور ۝ ان الذین تولوا منکم یوم التقی

الجمعان انما استزلهم الشیطان ببعض ما کسبوا ولقد عفا الله

عنهم ان الله غفور حلیم ۝ یا ایها الذین امنوا لا تکونوا کا

لذین کفروا وقالوا لاخوانهم اذا ضربوا فی الارض او کانوا

غزی لو کانوا عندنا ما ماتوا وما قتلوا لیجعل الله ذلک حسرة

فی قلوبهم والله یحیی ویمیت والله بما تعملون بصیر ۝ ولئن

قتلتم فی سبیل الله او متم لمغفرة من الله ورحمة خیر مما

یجمعون ۝ ولئن متم او قتلتم لالی الله تحشرون ۝ فبما

رحمة من الله لنت لهم ولو کنت فظا غلیظ القلب

لانفضوا من حولک فاعف عنهم واستغفر لهم وشاورهم

فی الامر فاذا عزمت فتوکل علی الله ان الله یحب المتوکلین ۝

ان ینصرکم الله فلا غالب لکم وان یخذلکم فمن ذا الذی

ینصرکم من بعده وعلی الله فلیتوکل المؤمنون ۝ وما کان لنبی

أَنْ يَغُلَّ وَمَنْ يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ثُمَّ تُوَفّٰى كُلُّ

که خیانت کند و هرکه خیانت کند آید بانچه خیانت کرده باشد روز قیامت پس تمام بدهند هر

نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ۝ أَفَمَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللّٰهِ كَمَنْ بَآءَ

نفسی را انچه کرده باشد و ایشان ظلم نکنند ای پس انکس که پیروی خشنودی خدایرا کرد چون انکس باشد که بازگشت

بِسَخَطٍ مِنَ اللّٰهِ وَمَأْوٰيهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ۝ هُمْ دَرَجٰتٌ عِنْدَ

بخشمی از خدای وجای او دوزخ است و بد مرجعیست دوزخ آنهاکه متابعت رضای خدای کردند ایشان اهل درجاتند نزد

اللّٰهِ وَاللّٰهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ۝ لَقَدْ مَنَّ اللّٰهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ

خدای وخدای بیناست بانچه ایشان میکنند بدرستی که منت نهاد خدای بر مومنان چون بفرستاد

فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ اٰيٰتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ

درمیان ایشان رسولی از جنس ایشان که خواند برایشان ایتهای اورا وپاک گرداند ایشانرا

وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتٰبَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلٰلٍ

ودرآموزد ایشانرا کتاب وحکمت وبدرستی که بودند از پیش بعثت او هرآینه در گمراهی

مُبِينٍ ۝ أَوَلَمَّا أَصٰبَتْكُمْ مُصِيبَةٌ قَدْ أَصَبْتُمْ مِثْلَيْهَا

روشن ای چون رسید بشما روز احد مصیبتی که رسانیده بودید بکفار دوچندان روز بدر

قُلْتُمْ أَنّٰى هٰذَا قُلْ هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِكُمْ إِنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ

گفتید از کجاست این بگو ای محمد آن از نزد نفسهای شماست که نافرمانی کردید رسول را ترک مقام کردید بدرستی که خدای بر همه

شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ وَمَا أَصٰبَكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعٰنِ فَبِإِذْنِ اللّٰهِ

چیزی تواناست وآنچه رسید بشما روز بهم رسیدن دولشکر پس بخواست خدای بود

وَلِيَعْلَمَ الْمُؤْمِنِينَ ۝ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قٰتِلُوا

وتاجدا کند مومنانرا بصبر وثبوت وتاجدا کند آنهارا نفاق داشتند وگفتند مومنان منافقانرا که بیایید کارزار کنید

فِي سَبِيلِ اللّٰهِ أَوِ ادْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَاتَّبَعْنٰكُمْ

در راه خدای یا دفع کنید کفار را گفتند اگر دانستمانی که کارزار خواهد بود هرآینه پیروی کردمانی شمارا بلشکر

هُمْ لِلْكُفْرِ يَوْمَئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمٰنِ يَقُولُونَ بِأَفْوٰهِهِمْ

ایشان بکفر درآن روز نزدیکترند ازایشان بایمان میگویند بزبانهاشان

مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللّٰهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ ۝ الَّذِينَ قَالُوا لِإِخْوٰنِهِمْ

آنچه نیست در دلهاشان وخدای داناترست بانچه پنهان میدارند آنهاکه گفتند امثال خویشرا در نفاق

وَقَعَدُوا لَوْ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُوا قُلْ فَادْرَءُوا عَنْ أَنْفُسِكُمُ

وحال آنکه نشستند اگر فرمان بردندی کشته نشدندی بگو پس دفع کنید از نفسهای خویش خود از غزا کردن مومنان

الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِينَ ۝ وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ

مرگ را اگر هستید راست گویان ومپندار آنهارا که کشته شدند در راه

اللّٰهِ أَمْوٰتًا بَلْ أَحْيَآءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ ۝ فَرِحِينَ بِمَا اٰتٰيهُمُ اللّٰهُ

خدای که مردگانند بلکه زندگانند نزد پروردگار خویش روزی داده میشوند از نعمتهای بهشت شادانند بانچه داد ایشانرا خدای

مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا

از فضل خویش وشادی کنند بانها که هنوز نرسیده اند بایشان از پی ایشان بانکه

خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۝ يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِنَ اللّٰهِ

ترسی نباشد برایشان ونه ایشان غمگین شوند شادی کنند بنعمتی از خدای

وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللّٰهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ ۝ الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلّٰهِ

وفضلی وآنکه خدای ضایع نکند مزد مومنانرا آنها که اجابت کردند خدایرا

وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصٰبَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ

ورسول را از پی آنکه رسیده بود بایشان جراحة والم آنها که نیکی کردند ازایشان

وَاتَّقَوْا أَجْرٌ عَظِيمٌ ۝ الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا

وپرهیز کردند از مخالفت ایشانرا مزدی باشد بزرگ آنها که گفتند ایشانرا مردمان که بدرستی که کفار جمع شده اند

لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمٰنًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ۝

از بهر قتال شما پس بترسید ازیشان پس زیاده شد ایشانرا ازین سخن ایمان وگفتند بسنده است مارا خدای ونیکو کارگزاریست خدای

نصف حزب

فانقلبوا بنعمة من الله وفضل لم يمسسهم سوء واتبعوا

پس بازگشتند بنعمتی از خدای وفضلی نرسید باایشان هیچ بدی وپیروی کردند

رضوان الله والله ذو فضل عظيم ۝ انما ذلكم الشيطان يخوف

خشنودی خدای وخدای خداوند فضلی بزرگست بدرستی که آنان شیطانست میترساند شمارا

اولياءه فلا تخافوهم وخافون ان كنتم مؤمنين ۝ ولا يحزنك

بدوستان خویش پس مترسید از ایشان وبترسید از من اگر هستید مؤمنان وباید که اندهگین نکنند ترا

الذين يسارعون في الكفر انهم لن يضروا الله شيئا يريد

آنها که می شتابند در کافری بدرستی که ایشان مضرت نتوانند رسانند خدایرا چیزی میخواهد

الله الا يجعل لهم حظا في الاخرة ولهم عذاب عظيم ۝ ان

خدای که نکند ایشانرا بهره در آخرت وایشانرا باشد عذابی بزرگ بدرستی

الذين اشتروا الكفر بالايمان لن يضروا الله شيئا ولهم

آنها که خریدند کفررا ببدل ایمان زیان نتوانند کرد خدایرا چیزی وایشانرا باشد

عذاب اليم ۝ ولا يحسبن الذين كفروا انما نملي لهم خير

عذابی دردناک وباید که نپندارند آنها که کافر شدند که مهلت ما ایشانرا بهترست

لانفسهم انما نملي لهم ليزدادوا اثما ولهم عذاب مهين ۝

بحال ایشان بدرستی که مهلت میدهیم ایشانرا تا زیاده کنند گناه را وایشانرا باشد عذابی خوار کننده

ما كان الله ليذر المؤمنين على ما انتم عليه حتى يميز الخبيث

نگذارد خدای مومنانرا برآنچه شما از التباس برآنید تا جدا کند پلید را

من الطيب وما كان الله ليطلعكم على الغيب ولكن الله

از پاک یعنی منافق را از مخلص و خدای مطلع نکند شمارا برغیب ولیکن خدای

يجتبي من رسله من يشاء فامنوا بالله ورسله وان تؤمنوا وتتقوا

برمیگزیند از رسولان خویش آنرا که خواهد پس ایمان آرید بخدای ورسولان او واگر ایمان آورید وپرهیزگاری پیشه گیرید

فلكم اجر عظيم ۝ ولا يحسبن الذين يبخلون بما اتاهم الله

پس شمارا باشد مزدی بزرگ وباید که نپندارند آنها که بخیلی میکنند بآنچه داده ایشانرا خدای

من فضله هو خيرا لهم بل هو شر لهم سيطوقون ما بخلوا

از فضل خویش آن بخیلی را خیر خویش بلکه آن شرست ایشانرا زود که طوق گردن سازند آنچه بخیلی کرده

به يوم القيمة ولله ميراث السموات والارض والله بما تعملون

بآن روز قیامت وخدایراست میراث آسمانها وزمین وخدای بآنچه میکنید در دنیا

خبير ۝ لقد سمع الله قول الذين قالوا ان الله فقير ونحن اغنياء

آگاهست بدرستی که شنفت خدای گفتار آنها که گفتند از جهودان بدرستی که خدای درویش است وما توانگرانیم

سنكتب ما قالوا وقتلهم الانبياء بغير حق ونقول ذوقوا

زود که بنویسیم آنچه گفتند وبنویسیم کشتن ایشان پیغمبرانرا بغیر حق وگوییم بچشید

عذاب الحريق ۝ ذلك بما قدمت ايديكم وان الله ليس بظلام

عذاب آتش سوزنده را آن عذاب بسبب آنست که از پیش کرد دستهای شما واینکه خدای نیست ظلم کننده

للعبيد ۝ الذين قالوا ان الله عهد الينا الا نؤمن لرسول

بر بندگان آنها که گفتند بدرستی که خدای عهد کرده با ما که براست نداریم هیچ پیغامبری را

حتى ياتينا بقربان تاكله النار قل قد جاءكم رسل من قبلي

تا وقتی که بیاورد با قربانی که بخورد آنرا آتش بگوی ای محمد که آمدند بشما پیغمبرانی از پیش من

بالبينات وبالذي قلتم فلم قتلتموهم ان كنتم صادقين ۝

بحجتها وبآنچه گفتید از قربان پس چرا کشتید ایشانرا اگر هستید راست گویان

فان كذبوك فقد كذب رسل من قبلك جاءوا بالبينات والزبر

پس اگر بدروغ داشتند ترا ای محمد پس اندوه مخور که بدرستی که بدروغ داشته شده اند رسولانی از پیش تو که آمدند به حجتها وکتابها

والكتاب المنير ۝ كل نفس ذائقة الموت وانما توفون

وبکتاب راه نماینده بحق هر نفسی چشنده مرگست وبدرستی که تمام داده شوید

اجورکم یوم القیمة فمن زحزح عن النار وادخل الجنة
مزدهای شما را روز قیامت پس هرکه دور کنندش از آتش و درآورندش بهشت

فقد فاز وما الحیوة الدنیا الا متاع الغرور ۝ لتبلون فی اموالکم
پس بدرستی که رستگاری یافت ونیست زندگانی دنیا فانی را مگر برخورداری فریب دهنده هرآینه آزموده میشوید در مالهای شما به فرایض در آن بمومنان

وانفسکم ولتسمعن من الذین اوتوا الکتاب من قبلکم
ونفسهای شما بنماز وروزه وحج وجهاد وهرآینه میشنوید از آنها که دادندشان کتاب از پیش شما

ومن الذین اشرکوا اذی کثیرا وان تصبروا وتتقوا فان ذلک
واز آنها که شرک آوردند رنجی بسیار واگر صبر کنید وراه تقوی پیش گیرید پس بدرستی که این

من عزم الامور ۝ واذ اخذ الله میثاق الذین اوتوا الکتاب
از قوی ترین کارهاست وچون فرا گرفت خدای عهد از آنها دادندشان کتاب

لتبیننه للناس ولا تکتمونه فنبذوه وراء ظهورهم واشتروا
که هرآینه روشن وبیان کنند آنرا از برای مردمان وپنهان نکنند آنرا پس انداختند آنرا پس پشتهای خویش وفرا گرفتند

به ثمنا قلیلا فبئس ما یشترون ۝ لا تحسبن الذین یفرحون بما
بآن بهای اندک پس بدست آنچه فرا میگیرند مپندار آنها که شاد میشوند بآنچه

اتوا ویحبون ان یحمدوا بما لم یفعلوا فلا تحسبنهم بمفازة
کردند ودوست میدارند که حمدشان کنند بآنچه نکرده باشند پس مپندار ایشانرا برستن جایی

من العذاب ولهم عذاب الیم ۝ ولله ملک السموات والارض
از عذاب وایشانرا عذابی دردناک باشد وخدایراست پادشاهی آسمانها وزمین

والله علی کل شیء قدیر ۝ ان فی خلق السموات والارض
وخدای بر همه چیزی تواناست بدرستی که در آفرینش آسمانها وزمین

واختلاف اللیل والنهار لایات لاولی الالباب ۝ الذین یذکرون
وآمد شد وکم وبیش شب وروز هرآینه نشانهایی است خداوندان عقلها را آنها که یاد میکنند

الله قیاما وقعودا وعلی جنوبهم ویتفکرون فی خلق السموات
خدا را در حال ایستادن ونشستن وبر پهلوها خسپیدن ایشان وتفکر واندیشه میکنند در آفرینش آسمانها

والارض ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانک فقنا عذاب
وزمین ای پروردگار ما نیافریدی این را باطل پاک ومنزهی تو از همه پس نگهدار ما را از عذاب

النار ۝ ربنا انک من تدخل النار فقد اخزیته وما للظالمین
آتش ای پروردگار ما بدرستی که تو هرکرا آوردی در آتش پس بدرستی که خوار کرده باشی اورا ونیست ظالمان را

من انصار ۝ ربنا اننا سمعنا منادیا ینادی للایمان
هیچ یارانی ای پروردگار ما بدرستی که ما شنیدیم ندای ندا کننده که ندا میکرد ودعوت میکرد بایمان

ان امنوا بربکم فامنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وکفر عنا
که ایمان آورید بپروردگار خویش پس ایمان آوردیم ای پروردگار ما پس بیامرز ما را گناهان ما وبپوشان ودرگذار از ما

سیاتنا وتوفنا مع الابرار ۝ ربنا واتنا ما وعدتنا علی رسلک
بدیهای ما را وبمیران ما را با نیک مردان ای پروردگار ما وبده ما را آنچه وعده دادی ما را بر زبان رسولان خویش

ولا تخزنا یوم القیمة انک لا تخلف المیعاد ۝ فاستجاب
ورسوا مکن ما را روز قیامت بدرستی که تو خلاف نکنی وعده را پس مستجاب گردانید

لهم ربهم انی لا اضیع عمل عامل منکم من ذکر
دعای ایشانرا پروردگار ایشان که من ضایع نکنم عمل هیچ عمل کننده از شما ای مومنان از مرد

او انثی بعضکم من بعض فالذین هاجروا واخرجوا من دیارهم
یا زن بعضی شما از بعضی اید پس آنها که هجرت کردند در طلب دین وبیرون کردندشان از سرایهای خویش

واوذوا فی سبیلی وقاتلوا وقتلوا لاکفرن عنهم سیاتهم
ورنجانیده شدند در راه من وکارزار کردند وکشته شدند هرآینه بپوشانم از ایشان بدیهای ایشان

ولادخلنهم جنات تجری من تحتها الانهار ثوابا من عند الله
وهرآینه درآورم ایشانرا در بهشتهایی که رود از زیر درختهای آن جویها ثوابی از نزد خدای

وَاللّٰهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ ۝ لَا يَغُرَّنَّكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا

وخدای نزد اوست نیکوی ثواب مغرور نا دیتا کردین آنها که کافر شدند

فِي الْبِلَادِ ۝ مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ ۝

در شهرها بتجارت که آن برخورداری اندکست پس ماوای ایشان دوزخ است و بد گهواره ایست دوزخ

لَكِنِ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا

لیکن آنها که بپرهیزند از پروردگار خویش ایشانرا باشد بستانهایی که رود از زیر درختهای آن

الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نُزُلًا مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ وَمَا عِنْدَ اللّٰهِ خَيْرٌ

جویها جاویدان در آن جرایی معدّ و مهیا از نزد خدای و آنچه نزد خدای است بهتر

لِلْأَبْرَارِ ۝ وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ

نیکوکارانرا و بدرستی که از اهل کتاب مسلّم کسانی که ایمان آورده اند بخدای و بآنچه فرو فرستاده بر شما

وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ خَاشِعِينَ لِلّٰهِ لَا يَشْتَرُونَ بِآيَاتِ اللّٰهِ ثَمَنًا قَلِيلًا

و بآنچه فرو فرستاده شده بایشان خاضعان خدایرا فرا نمیگیرند به نشانهای خدای بهایی اندک دنیا

أُولَئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِنَّ اللّٰهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ۝

آن گروه ایشانراست مزد ایشان نزد پروردگارشان بدرستی که خدای زود حسابست

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللّٰهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝

ای آنها که بگرویده اید صبر کنید بر دین خویش و صبر کنید بر دشمنان در غزا و مقیم شوید بر جهاد و بترسید از خدای تا باشد که شما رستگاری یابید

سورة النساء مائة وست وسبعون آية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای روزی دهنده رحمت کننده

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ

ای مردمان بترسید از پروردگار خویش آن خدایی که آفرید شما را از یک تن که آدم است

وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا

و آفرید از آن تن جفت آنرا که حواست و پراکند از ایشان مردان بسیار و زنان بسیار و بترسید

اللّٰهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا ۝

از آن خدایی که میخواهید از یکدیگر حوایج را بنام او و بترسید از قطع رحمها بدرستی که خدای هست بر شما نگهبانی

وَآتُوا الْيَتَامَى أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَلَا

و بدهید بی پدرانرا اموال ایشان و بدل مکنید مال پلیدرا پلید را به پاک و

تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَى أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا ۝

مخورید اموال ایشانرا با مالهای خویش بدرستی که آن هست بزه بزرگ

وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَى فَانْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ

و اگر ترسید که راستی نتوانید کرد در حق یتیمان پس نکاح کنید آنچه حلالست و طیب شما را از

النِّسَاءِ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً

زنان دو دو و سه سه و چهار چهار پس اگر ترسید که راست نتوانید میان زنان پس یکی زن کنید

أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَى أَلَّا تَعُولُوا ۝ وَآتُوا النِّسَاءَ

یا آنچه ملک شما شود از کنیزکان آن نزدیکترست بآن که جور نکنید و بدهید زنانرا

صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ

کاوینهای ایشان فریضه پس اگر بخوش دلی بدهید شما را از مال کاوین چیزی از آن بتن خویش پس بخورید آنرا

هَنِيئًا مَرِيئًا ۝ وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللّٰهُ لَكُمْ

نوشین و گوارنده و مدهید بی عقلانرا از زنان و طفلان شما مالهای خویش آن مال که کرد خدای شما را

قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا ۝

قوام زندگانی و بکنید ایشانرا روزی در آن و جامه بپوشانید ایشانرا و بگویید ایشانرا گفتی نیکو

وَابْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّى إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا

و بیازمایید یتیمانرا در عقل و دین تا چون برسند بحد بلوغ پس اگر ببینید از ایشان صلاحی

فادفعوا اليهم اموالهم ولا تاكلوها اسرافا وبدارا ان يكبروا
پس بدهید بایشان مالهای ایشانرا ومخورید آنرا باسراف وشتاب از ترس آنکه بزرگ شوند

ومن كان غنيا فليستعفف ومن كان فقيرا فلياكل بالمعروف
وهرکه باشد از اوصیا توانگر پس باید که دست بدارد از مال ایشان وهرکه باشد درویش پس باید که خورد به نیکویی نه باسراف

فاذا دفعتم اليهم اموالهم فاشهدوا عليهم وكفى
پس چون باز رسانید به یتیمان مالهای ایشانرا پس گواه بگیرید برایشان وکفایت

بالله حسيبا ۝ للرجال نصيب مما ترك الوالدان والاقربون
خدای حساب کننده مردانرا باشد نصیبی ازانچه بگذارند مادر وپدر وخویشاوندان

وللنساء نصيب مما ترك الوالدان والاقربون مما قل منه او كثر
وزنانرا باشد نصیبی ازانچه بگذارند مادر وپدر وخویشاوندان ازانچه اندک باشد ازان یا بسیار

نصيبا مفروضا ۝ واذا حضر القسمة اولوا القربى واليتامى
نصیبی باز برید ه وچون حاضر شوند در قسمت مال میان ورثه خداوندان خویشی ویتیمان

والمساكين فارزقوهم منه وقولوا لهم قولا معروفا ۝ وليخش
ومسکینان پس روزی دهید ایشانرا ازان وبگویید ایشانرا گفتاری نیکو وباید که بترسند

الذين لو تركوا من خلفهم ذرية ضعافا خافوا عليهم فليتقوا
آنها که اگر بگذارند از پس مرگ ایشان فرزندانی ضعیف ترسند برایشان پس باید که بترسند

الله وليقولوا قولا سديدا ۝ ان الذين ياكلون اموال اليتامى
از خدای وباید که بگویند گفتاری بارشاد وصواب با محتضر در وصیت براستی که آنها که میخورند مالهای یتیمان

ظلما انما ياكلون في بطونهم نارا وسيصلون سعيرا ۝
بظلم وناحق بدرستی که میخورند در شکمهای خویش آتشی وزود که درروند با آتشی افروخته

يوصيكم الله في اولادكم للذكر مثل حظ الانثيين فان
فرض میکند خدای برشما در حق فرزندان شما نرینه را مانند نصیب دو مادینه پس اگر

كن نساء فوق اثنتين فلهن ثلثا ما ترك وان كانت واحدة
باشند فرزندان دو یا بالای دو مادینه پس ایشانرا چهار دانگ انچه بگذارد میت باشد واگر باشد دختر یکی

فلها النصف ولابويه لكل واحد منهما السدس مما ترك
پس اورا باشد نیمه مال وما در وپدر را باشد مر یکی را از ایشان شش یکی ازانچه گذارد میت

ان كان له ولد فان لم يكن له ولد وورثه ابواه فلامه الثلث
اگر باشد میت را فرزندی پس اگر نباشد اورا فرزندی ومیراث گیرند ازو مادر وپدر او پس مادر اورا باشد سه یکی

فان كان له اخوة فلامه السدس من بعد وصية يوصي بها او دين
پس اگر باشد میت برادرانی وخواهرانی پس مادر اورا باشد دانگی این نصیبها بعد از وصیتی باشد که وصیت کند بآن یا قرضی که داشته باشد

اباؤكم وابناؤكم لا تدرون ايهم اقرب لكم نفعا
پدران شما وپسران شما نمیدانید که کدامین از ایشان نزدیکترند شمارا بنفع فراگیرید

فريضة من الله ان الله كان عليما حكيما ۝ ولكم نصف
باز بریدنی در قسمت میراث از خدای بدرستی که خدای هست دانای محکم کار در انچه فرموده از میراث وشمارا باشد نیمی

ما ترك ازواجكم ان لم يكن لهن ولد فان كان لهن ولد فلكم الربع
ازانچه بگذارند زنان شما اگر نباشد ایشانرا فرزندی پس اگر باشد ایشانرا فرزندی پس شمارا باشد چهار یکی

مما تركن من بعد وصية يوصين بها او دين ولهن الربع
ازانچه بگذارند از پس وصیتی که فرموده باشند بآن یا قرضی وزنان شمارا باشد چهار یکی

مما تركتم ان لم يكن لكم ولد فان كان لكم ولد
ازانچه بگذارید شما اگر نباشد شمارا فرزندی پس اگر باشد شمارا فرزندی

فلهن الثمن مما تركتم من بعد وصية توصون بها او دين
پس زنان شمارا هشت یکی ازانچه بگذارید از پس وصیتی که فرموده باشید بآن یا قرضی

وان كان رجل يورث كلالة او امراة وله اخ او اخت فلكل
واگر باشد مردی که میراث ازو یابند نه فرع ونه اصل یا زنی باین صفت واورا برادری یا خواهری باشد پس مر

واحد منهما السدس فان كانوا اكثر من ذلك فهم شركاء

في الثلث من بعد وصية يوصى بها او دين غير مضار وصية

من الله والله عليم حليم تلك حدود الله ومن يطع الله ورسوله

يدخله جنات تجري من تحتها الانهار خالدين فيها وذلك

الفوز العظيم ومن يعص الله ورسوله يدخله نارا

ويتعد حدوده

خالدا فيها وله عذاب مهين واللاتي يأتين الفاحشة من

نسائكم فاستشهدوا عليهن اربعة منكم فان شهدوا

فامسكوهن في البيوت حتى يتوفاهن الموت او يجعل الله لهن

سبيلا واللذان يأتيانها منكم فآذوهما فان تابا واصلحا

فاعرضوا عنهما ان الله كان توابا رحيما انما التوبة على

الله للذين يعملون السوء بجهالة ثم يتوبون من قريب فاولئك

للذين

يتوب الله عليهم وكان الله عليما حكيما وليست التوبة

للذين يعملون السيئات حتى اذا حضر احدهم الموت قال اني

تبت الآن ولا الذين يموتون وهم كفار اولئك اعتدنا لهم عذابا

اليما يا ايها الذين آمنوا لا يحل لكم ان ترثوا النساء

كرها ولا تعضلوهن لتذهبوا ببعض ما آتيتموهن الا ان يأتين

بفاحشة مبينة وعاشروهن بالمعروف فان كرهتموهن

فعسى ان تكرهوا شيئا ويجعل الله فيه خيرا كثيرا وان اردتم

استبدال زوج مكان زوج وآتيتم احداهن قنطارا

فلا تأخذوا منه شيئا أتأخذونه بهتانا واثما مبينا وكيف

تأخذونه وقد افضى بعضكم الى بعض واخذن منكم ميثاقا

غليظا ولا تنكحوا ما نكح آباؤكم من النساء الا ما قد سلف

50

إنه كان فاحشة ومقتا وساء سبيلا ۝ حرمت عليكم
بدرستی که هست ناشایستی و دشمنی و بد راهی حرام گردانیده بر شما

أمهاتكم وبناتكم وأخواتكم وعماتكم وخالاتكم
مادران شما و دختران شما و خواهران شما و خواهران پدران و خواهران مادران شما

وبنات الأخ وبنات الأخت وأمهاتكم اللاتي أرضعنكم
و دختران برادر و دختران خواهر و مادران شما آن مادرانی که شیر داده باشند شما را

وأخواتكم من الرضاعة وأمهات نسائكم وربائبكم
و خواهران شما از شیر خوردن و مادران زنان شما و دختران زنان شما

اللاتي في حجوركم من نسائكم اللاتي دخلتم بهن فإن لم
آن دختران که در کنارهای شما از زنان شما آن زنانی که دخول کرده باشید بایشان پس اگر

تكونوا دخلتم بهن فلا جناح عليكم وحلائل أبنائكم
دخول نکرده باشید بایشان پس بزه نبود بر شما و زنان پسران شما

الذين من أصلابكم وأن تجمعوا بين الأختين إلا ما قد سلف
آنها که از صلبهای شما باشند و اگر جمع کنید میان دو خواهر مگر آنچه گذشت

إن الله كان غفورا رحيما ۝ والمحصنات من النساء إلا
بدرستی که خدای هست آمرزنده رحمت کننده و زنان پارسا از زنان مگر

ما ملكت أيمانكم كتاب الله عليكم وأحل لكم
آنچه مالک شد دستهای شما نوشت خدای بر شما و حلال کرد شما را

ما وراء ذلكم أن تبتغوا بأموالكم محصنين غير مسافحين
آنچه جز آن است که بجویید بمالهای خویش زن کننده گان نه زنا کننده گان

فما استمتعتم به منهن فآتوهن أجورهن فريضة ولا جناح
پس هرآنچه برخوردار شدید ازان بدهید ایشان را مهرهای ایشان بازبریده و بزه نبود

الجزو الخامس

عليكم فيما تراضيتم به من بعد الفريضة إن الله كان عليما
بر شما در آنچه راضی شده باشید شما بدان از پس بازبریده بدرستی که خدای هست دانای

حكيما ۝ ومن لم يستطع منكم طولا أن ينكح المحصنات
حکم کنان و هرکه توانایی ندارد از شما توانگری که زنی کند زنان پارسا

المؤمنات فمن ما ملكت أيمانكم من فتياتكم المؤمنات
مومنه را پس از آنچه مالک دستهای شما از کنیزکان شما مومنه

والله أعلم بإيمانكم بعضكم من بعض فانكحوهن بإذن أهلهن
و خدای داناتر بایمان شما بعضی شما از بعضی اند پس زنی کنید ایشان را بدستوری اهل ایشان

وآتوهن أجورهن بالمعروف محصنات غير مسافحات ولا
و بدهید ایشان را مهرهای ایشان بنیکویی شوی کرده گان نه زنا کننده گان و نه

متخذات أخدان فإذا أحصن فإن أتين بفاحشة فعليهن
فراگیرندگان دوستان پس چون شوی دار شوند پس اگر آیند بناشایستی پس بر ایشان

نصف ما على المحصنات من العذاب ذلك لمن خشي العنت
نیمی آنچه بر زنان پارسا بود از عذاب آن مر آنرا که بترسد در بزه افتد

منكم وأن تصبروا خير لكم والله غفور رحيم ۝
از شما و اگر صبر کنید بهتر شما را و خدای آمرزنده است رحمت کننده

يريد الله ليبين لكم ويهديكم سنن الذين من قبلكم
میخواهد خدای تا روشن کند شما را و راه نماید شما را طریقت آنها که از پیش شما بوده اند

ويتوب عليكم والله عليم حكيم ۝ والله يريد أن يتوب
و بپذیرد توبه بر شما و خدای داناست حکم کننده و خدای میخواهد که بپذیرد توبه

عليكم ويريد الذين يتبعون الشهوات أن تميلوا ميلا عظيما
بر شما و میخواهند آنها که پس روی میکنند شهوتها را که میل کنید میلی بزرگ

يريد الله ان يخفف عنكم وخلق الانسان ضعيفا ۝ يا ايها
ميخواهد خداي كه سبك گرداند از شما و آفريده شد است آدمي ضعيف اي

الذين امنوا لا تاكلوا اموالكم بينكم بالباطل الا
آنها كه بگرويده ايد مخوريد مالهاي يكديگر را ميان شما به باطل مگر

ان تكون تجارة عن تراض منكم ولا تقتلوا انفسكم ان الله كان
كه باشد تجارتي از سر خشنودي از شما و مكشيد تنهاي يكديگر كه بدرستي كه خداي هست

بكم رحيما ۝ ومن يفعل ذلك عدوانا وظلما فسوف نصليه
بشما رحم كننده و هر كه كند آن از سر دشمني و ظلمي پس زود در آوريم اورا

نارا وكان ذلك على الله يسيرا ۝ ان تجتنبوا كبائر ما تنهون
در آتش و هست آن بر خداي آسان اگر بپرهيزيد از گناهان بزرگ آنچه نهي كرده شد شمارا

عنه نكفر عنكم سيئاتكم وندخلكم مدخلا كريما ۝
از آن بپوشانيم از شما بديهاي شما و در آوريم شما در آوردني نيكو

ولا تتمنوا ما فضل الله به بعضكم على بعض للرجال نصيب مما
و آرزو مكنيد آنچه تفضيل نهاد خداي بدان بعضي شمارا بر بعضي مردانرا باشد نصيبي از آنچه

اكتسبوا وللنساء نصيب مما اكتسبن واسئلوا الله من فضله
اندوخته باشند و زنانرا باشد نصيبي از آنچه اندوخته اند و در خواهيد از خداي از فضل او

ان الله كان بكل شيء عليما ۝ ولكل جعلنا موالي مما ترك
بدرستي كه خداي هست بهمه چيزي دانا و هر يكي را كرديم ميراث خوارگان از آنچه [illegible]

الوالدان والاقربون والذين عقدت ايمانكم فاتوهم
مادران و پدران و خويشاوندان و آنها كه بسته شده باشند پيمانهاي شما پس بدهيد [illegible]

نصيبهم ان الله كان على كل شيء شهيدا ۝ الرجال قوامون
نصيب ايشانرا [illegible] بدرستي كه خداي هست بر همه چيزي گواه مردان ايستادگانند

على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض وبما انفقوا
بر زنان بآنچه افزوني نهاد خداي بعضي ايشانرا بر بعضي و بآنچه نفقه كنند

من اموالهم فالصالحات قانتات حافظات للغيب بما
از مالهاي خويش پس نيك زنان [illegible] نگهدارندگان در غيبت بآنچه

حفظ الله واللاتي تخافون نشوزهن فعظوهن واهجروهن
نگاه داشت خداي و آن زنان كه ميترسيد ناسازگاري ايشان پس پند دهيد ايشانرا و دوري گيريد از ايشان

في المضاجع واضربوهن فان اطعنكم فلا تبغوا عليهن
در بسترها و بزنيد ايشانرا پس اگر فرمان بردار شوند شمارا پس مجوييد بر ايشان

سبيلا ان الله كان عليا كبيرا ۝ وان خفتم شقاق بينهما
راهي بدرستي كه خداي هست بلند بزرگوار و اگر دانيد مخالفتي ميان زن و شوهر

فابعثوا حكما من اهله وحكما من اهلها ان يريدا اصلاحا
پس بفرستيد حكمي از خويشان مرد و حكمي از خويشان زن اگر خواهند آن با صلاح آوردن

يوفق الله بينهما ان الله كان عليما خبيرا ۝ واعبدوا
توفيق كند خداي ميان زن و شوهر بدرستي كه خداي هست داناي آگاه و بپرستيد

الله ولا تشركوا به شيئا وبالوالدين احسانا وبذي القربى
خدايرا و انباز مداريد باو چيزي را و با مادر و پدر نيكويي كنيد و با خداوندان خويشي

واليتامى والمساكين والجار ذي القربى والجار الجنب والصاحب
و با يتيمان و با مسكينان و همسايه خداوند خويشي و همسايه بيگانه و با رفيق

بالجنب وابن السبيل وما ملكت ايمانكم ان الله لا يحب
در سفر و با رهگذري و با آنچه مالك است دستهاي شما [illegible] بدرستي كه خداي دوست ندارد

من كان مختالا فخورا ۝ الذين يبخلون ويامرون الناس بالبخل
آنكه باشد [illegible] و فخر آورنده آنها كه بخيلي ميكنند و ميفرمايند مردمانرا به بخيلي

ويكتمون ما آتاهم الله من فضله واعتدنا للكافرين عذابا

مهينا ۝ والذين ينفقون اموالهم رئاء الناس ولا يؤمنون

بالله ولا باليوم الآخر ومن يكن الشيطان له قرينا فساء

قرينا ۝ وماذا عليهم لو آمنوا بالله واليوم الآخر وانفقوا

مما رزقهم الله وكان الله بهم عليما ۝ ان الله لا يظلم مثقال

ذرة وان تك حسنة يضاعفها ويؤت من لدنه اجرا

عظيما ۝ فكيف اذا جئنا من كل امة بشهيد وجئنا بك

على هؤلاء شهيدا ۝ يومئذ يود الذين كفروا وعصوا الرسول

لو تسوى بهم الارض ولا يكتمون الله حديثا ۝ يا ايها الذين

آمنوا لا تقربوا الصلوة وانتم سكارى حتى تعلموا

ما تقولون ولا جنبا الا عابري سبيل حتى تغتسلوا وان كنتم

مرضى او على سفر او جاء احد منكم من الغائط او لامستم

النساء فلم تجدوا ماء فتيمموا صعيدا طيبا فامسحوا

بوجوهكم وايديكم ان الله كان عفوا غفورا ۝ الم تر

الى الذين اوتوا نصيبا من الكتاب يشترون الضلالة ويريدون

ان تضلوا السبيل والله اعلم باعدائكم وكفى بالله وليا

وكفى بالله نصيرا ۝ من الذين هادوا يحرفون الكلم عن مواضعه

ويقولون سمعنا وعصينا واسمع غير مسمع وراعنا

ليا بالسنتهم وطعنا في الدين ولو انهم قالوا سمعنا واطعنا

واسمع وانظرنا لكان خيرا لهم واقوم ولكن لعنهم الله

بكفرهم فلا يؤمنون الا قليلا ۝ يا ايها الذين اوتوا الكتاب

آمنوا بما نزلنا مصدقا لما معكم من قبل ان نطمس وجوها

فنردها على أدبارها أو نلعنهم كما لعنا أصحاب السبت

وكان أمر الله مفعولا ۝ إن الله لا يغفر أن يشرك به ويغفر

ما دون ذلك لمن يشاء ومن يشرك بالله فقد افترى إثما عظيما

ألم تر إلى الذين يزكون أنفسهم بل الله يزكي من يشاء

ولا يظلمون فتيلا ۝ انظر كيف يفترون على الله الكذب

وكفى به إثما مبينا ۝ ألم تر إلى الذين أوتوا نصيبا

من الكتاب يؤمنون بالجبت والطاغوت ويقولون للذين

كفروا هؤلاء أهدى من الذين آمنوا سبيلا ۝ أولئك الذين

لعنهم الله ومن يلعن الله فلن تجد له نصيرا ۝ أم لهم

نصيب من الملك فإذا لا يؤتون الناس نقيرا ۝ أم يحسدون

الناس على ما آتاهم الله من فضله فقد آتينا آل إبراهيم

الكتاب والحكمة وآتيناهم ملكا عظيما ۝ فمنهم من

آمن به ومنهم من صد عنه وكفى بجهنم سعيرا ۝ إن

الذين كفروا بآياتنا سوف نصليهم نارا كلما نضجت جلودهم

بدلناهم جلودا غيرها ليذوقوا العذاب إن الله كان

عزيزا حكيما ۝ والذين آمنوا وعملوا الصالحات سندخلهم

جنات تجري من تحتها الأنهار خالدين فيها أبدا لهم فيها

أزواج مطهرة وندخلهم ظلا ظليلا ۝ إن الله يأمركم

أن تؤدوا الأمانات إلى أهلها وإذا حكمتم بين الناس

أن تحكموا بالعدل إن الله نعما يعظكم به إن الله كان

سميعا بصيرا ۝ يا أيها الذين آمنوا أطيعوا الله وأطيعوا

الرسول وأولي الأمر منكم فإن تنازعتم في شيء فردوه

إلى الله والرسول إن كنتم تؤمنون بالله واليوم الآخر ذلك
خير وأحسن تأويلا ۝ ألم تر إلى الذين يزعمون أنهم آمنوا
بما أنزل إليك وما أنزل من قبلك يريدون أن يتحاكموا
إلى الطاغوت وقد أمروا أن يكفروا به ويريد الشيطان
أن يضلهم ضلالا بعيدا ۝ وإذا قيل لهم تعالوا إلى ما
أنزل الله وإلى الرسول رأيت المنافقين يصدون عنك
صدودا ۝ فكيف إذا أصابتهم مصيبة بما قدمت أيديهم
ثم جاءوك يحلفون بالله إن أردنا إلا إحسانا وتوفيقا ۝
أولئك الذين يعلم الله ما في قلوبهم فأعرض عنهم وعظهم
وقل لهم في أنفسهم قولا بليغا ۝ وما أرسلنا من رسول
إلا ليطاع بإذن الله ولو أنهم إذ ظلموا أنفسهم جاءوك

ربع

و رضا دادن بحكم رسول

فاستغفروا الله واستغفر لهم الرسول لوجدوا الله توابا
رحيما ۝ فلا وربك لا يؤمنون حتى يحكموك فيما شجر
بينهم ثم لا يجدوا في أنفسهم حرجا مما قضيت ويسلموا
تسليما ۝ ولو أنا كتبنا عليهم أن اقتلوا أنفسكم أو اخرجوا
من دياركم ما فعلوه إلا قليل منهم ولو أنهم فعلوا ما
يوعظون به لكان خيرا لهم وأشد تثبيتا ۝ وإذا لآتيناهم
من لدنا أجرا عظيما ۝ ولهديناهم صراطا مستقيما ۝
ومن يطع الله والرسول فأولئك مع الذين أنعم الله عليهم
من النبيين والصديقين والشهداء والصالحين وحسن
أولئك رفيقا ۝ ذلك الفضل من الله وكفى بالله عليما ۝
يا أيها الذين آمنوا خذوا حذركم فانفروا ثبات أو انفروا

جميعًا ○ وإنّ منكم لمن ليبطّئنّ فإن أصابتكم مصيبة

قال قد أنعم الله عليّ إذ لم أكن معهم شهيدًا ○ ولئن

أصابكم فضل من الله ليقولنّ كأن لم تكن بينكم وبينه

مودّة يا ليتني كنت معهم فأفوز فوزًا عظيمًا ○ فليقاتل

في سبيل الله الذين يشرون الحيوة الدنيا بالآخرة ومن يقاتل

في سبيل الله فيقتل أو يغلب فسوف نؤتيه أجرًا عظيمًا ○

وما لكم لا تقاتلون في سبيل الله والمستضعفين من الرجال

والنساء والولدان الذين يقولون ربّنا أخرجنا من هذه القرية

الظالم أهلها واجعل لنا من لدنك وليًّا واجعل لنا من

لدنك نصيرًا ○ الذين آمنوا يقاتلون في سبيل الله والذين كفروا

يقاتلون في سبيل الطاغوت فقاتلوا أولياء الشيطان

إنّ كيد الشيطان كان ضعيفًا ○ ألم تر إلى الذين قيل لهم

كفّوا أيديكم وأقيموا الصلوة وآتوا الزكوة فلمّا كتب عليهم

القتال إذا فريق منهم يخشون الناس كخشية الله أو أشدّ

خشية وقالوا ربّنا لم كتبت علينا القتال لولا أخّرتنا إلى

أجل قريب قل متاع الدنيا قليل والآخرة خير لمن اتّقى

ولا تظلمون فتيلًا ○ أينما تكونوا يدرككم الموت ولو

كنتم في بروج مشيّدة وإن تصبهم حسنة يقولوا هذه

من عند الله وإن تصبهم سيّئة يقولوا هذه من عندك

قل كلّ من عند الله فمال هؤلاء القوم لا يكادون يفقهون

حديثًا ○ ما أصابك من حسنة فمن الله وما أصابك من

سيّئة فمن نفسك وأرسلناك للناس رسولًا وكفى بالله

شهيدا ۝ من يطع الرسول فقد اطاع الله ومن تولى فما
بگواهی هرکه فرمان برد رسول را بدرستی که فرمان برده باشد خدا را و هرکه اعراض کند پس

ارسلناك عليهم حفيظا ۝ ويقولون طاعة فاذا برزوا
نفرستادیم ترا بایشان نگهبانی ومیگویند منافقان کار ما فرمان بردن توایست پس چون بیرون می آیند

من عندك بيت طائفة منهم غير الذى تقول والله يكتب
از نزد تو بشب اندیشه کنند گروهی وسازند از ایشان غیر آنچه تو میگویی وخدای می نویسد

ما يبيتون فاعرض عنهم وتوكل على الله وكفى بالله وكيلا ۝
آنچه بشب اندیشه کنند وسازند پس اعراض کن از ایشان وتوکل کن بر خدای وکفایتست خدای بوکیلی

افلا يتدبرون القران ولو كان من عند غير الله لوجدوا فيه
ای پس اندیشه نمیکنند درین قرآن ای منافقان واگر بودی این قرآن از نزد غیر خدای هرآینه یافتندی در آن

اختلافا كثيرا ۝ واذا جاءهم امر من الامن او الخوف اذاعوا
خلاف بسیار بعض یکدیگر ودروغ وبهتان وچون بیاید بایشان حدیثی از امن یا ترس افشا کنند یعنی منافقان

به ولو ردوه الى الرسول والى اولى الامر منهم لعلمه الذين
آنرا واگر بازگذاشتندی آنرا به پیغمبر وبا خداوندان فرمان از ایشان هرآینه دانستندی آنرا آنها

يستنبطونه منهم ولولا فضل الله عليكم ورحمته لاتبعتم
که استنباط توانند کرد از ایشان واگر نه فضل خدای بودی بر شما ورحمت او که واجبست هرآینه پیروی کردی شما

الشيطان الا قليلا ۝ فقاتل فى سبيل الله لا تكلف الا
شیطان را مگر اندکی پس کارزار کن ای محمد در راه خدای تکلیف نفرمایند ترا مگر

نفسك وحرض المؤمنين عسى الله ان يكف بأس الذين كفروا
از آن نفس تو تنها وترغیب کن بر قتال مؤمنان را شاید بود که خدای بازدارد صولت وقتال آنها که کافر شدند یعنی قریش

والله اشد بأسا واشد تنكيلا ۝ من يشفع شفاعة
وخدای سخت ترست بصولت وسخت ترست بعقوبت هرکه شفاعت کند شفاعتی

حسنة يكن له نصيب منها ومن يشفع شفاعة سيئة يكن
نیکو یعنی مشروع باشد اورا نصیبی از آن وهرکه شفاعت کند شفاعتی بد نامشروع بیش باشد

له كفل منها وكان الله على كل شىء مقيتا ۝ واذا حييتم
اورا نصیبی از آن وهست خدای بر همه چیزی گواه ونگهبان وچون تحیه کنند شما را

بتحية فحيوا باحسن منها او ردوها ان الله على كل شىء
بتحیتی پس تحیه کنید بتحیتی بهتر از آن یا رد کنید همان تحیت را بدرستی که خدای بر همه چیزی

حسيبا ۝ الله لا اله الا هو ليجمعنكم الى يوم القيمة
حسابکننده خدای هیچ خدایی نیست مگر او هرآینه حشر کند او شما را در روز قیامت

لا ريب فيه ومن اصدق من الله حديثا ۝ فما لكم فى
هیچ شکی نیست در آن وکیست راست گوتر از خدای به سخن پس چیست شما را در شان

المنافقين فئتين والله اركسهم بما كسبوا اتريدون ان
منافقان که دو گروه شده اید وخدای سرنگون کند ایشان را بسبب آنچه کردند ای میخواهید که

تهدوا من اضل الله ومن يضلل الله فلن تجد له سبيلا ۝
راه نمایید آنکس را که گمراه کرد اورا خدای وهرکه گمراه کند اورا خدای پس نیابی تو اورا راهی

ودوا لو تكفرون كما كفروا فتكونون سواء فلا تتخذوا منهم
آرزو کردند منافقان که کافر شوید شما چنانکه کافر شدند ایشان پس باشید با ایشان یکسان پس فرا مگیرید از ایشان

اولياء حتى يهاجروا فى سبيل الله فان تولوا فخذوهم
دوستان تا هجرت کنند در راه خدای پس اگر اعراض کنند پس بگیرید ایشان را

واقتلوهم حيث وجدتموهم ولا تتخذوا منهم وليا
وبکشید شان هرجا که بیابید ایشان را وفرا مگیرید از ایشان دوستی

ولا نصيرا ۝ الا الذين يصلون الى قوم بينكم وبينهم
ونه یاری دهنده مگر آنها که پیوندند به قومی که میان شما ومیان ایشان

مِيثَاقٌ أَوْ جَاءُوكُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَنْ يُقَاتِلُوكُمْ

عهدی باشد یا آیند بشما در حالتی که تنگ شده باشد سینهای ایشان که کارزار کنند با شما

أَوْ يُقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَاتَلُوكُمْ

یا کارزار با قوم خویش واگر خواستی خدای هرآینه مسلط کردی ایشانرا برشما پس هرآینه کارزار کردندی با شما

فَإِنِ اعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَأَلْقَوْا إِلَيْكُمُ السَّلَمَ

پس اگر عزلت گیرند شما پس کارزار نکنند با شما وطلب کنند از شما صلح را

فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا ۞ سَتَجِدُونَ آخَرِينَ يُرِيدُونَ

پس نکرده باشد خدای شمارا برایشان راهی زود که بیابید دیگرانی که خواهند

أَنْ يَأْمَنُوكُمْ وَيَأْمَنُوا قَوْمَهُمْ كُلَّمَا رُدُّوا إِلَى الْفِتْنَةِ أُرْكِسُوا

که ایمن شوند از شما وایمن شوند از قوم خویش هرگاه که رد کرده شوند بسوی فتنه سرنگون کرده شوند

فِيهَا فَإِنْ لَمْ يَعْتَزِلُوكُمْ وَيُلْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلَمَ وَيَكُفُّوا

در آن پس اگر عزلت نگیرند از شما وطلب نکنند از شما صلح را وباز ندارند

أَيْدِيَهُمْ فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأُولَٰئِكُمْ

دستهای خویش پس بگیرید ایشانرا وبکشید ایشانرا هرجا بیابیدشان وآن گروه تان

جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُبِينًا ۞ وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ

کردیم ما شمارا برایشان حجتی روشن وروا نباشد هیچ مومنی را که بکشد

مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَأً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَأً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ

مومنی را لیکن کشتن بخطا وهرکه بکشد مومنی بخطا پس بر او باشد آزاد کردن بنده مومن

وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَّدَّقُوا فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ

وخونبهایی تسلیم کرده شده به اهل مقتول مگر که درگذارند خونبها را پس اگر باشد مقتول از قومی که دشمن باشند

لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ

شمارا واو مومن باشد پس برکشنده باشد آزاد کردن بنده مومن واگر باشد مقتول از قومی که میان شما

وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ

ومیان ایشان عهدی پس واجب خونبهایی باشد تسلیم کرده شده با اهل مقتول وآزاد کردن بنده مومن

فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِنَ اللَّهِ

پس هرکه نیابد بر او باشد روزه داشتن دو ماه پیاپی توبتی از خدای

وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ۞ وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا

وهست خدای دانای باحکمت وهرکه بکشد مومنی را بعمد

فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ

پس جزای او باشد دوزخ جاویدان در آن وخشم گرفتن خدای بر او ولعنت کرد اورا ومعد و مهیا داشت

لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا ۞ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

اورا عذابی بزرگ ای آنها که بگرویده اید چون سیر کنید در راه خدای

فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَىٰ إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا

پس روشن بازکنید و مگویید مرآنکس راکه اندازد به شما سلام یا صلاح راکه نیستی مومن

تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمُ كَثِيرَةٌ

میجویید کالای زندگانی دنیا را پس نزد خدای است غنیمتهای بسیار

كَذَٰلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ

همچنین بودندی شما از پیش پس منت کرد خدای بر شما پس روشن بازکنید بدرستی که خدای هست

بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ۞ لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

بانچه شما میکنید آگاه یکسان نیستند نشستگان از مومنان

غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ

که غیر خداوندان علتها و بیماریها باشند وجهاد کنندگان در راه خدای بمالهای خویش

وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى

ونفسهای خویش فزونی نهاد خدای جهاد کنندگان را بمالهای خویش ونفسهای خویش بر

القاعدين درجة وكلا وعد الله الحسنى وفضل الله
نشستگان درجهٔ و همه را وعده داد خدای بهشت و افزونی داد خدای

المجاهدين على القاعدين اجرا عظيما ۝ درجات منه
جهاد کنندگان را بر نشستگان بمزدی بزرگ درجتهای از نزد خویش

ومغفرة ورحمة وكان الله غفورا رحيما ۝ ان الذين
و آمرزشی و رحمتی و هست خدای آمرزنده رحمت کننده بدرستی که آنها

توفاهم الملائكة ظالمي انفسهم قالوا فيم كنتم قالوا
که جان بستانند ایشانرا فرشتگان در آن حال که ستم کننده بودند بر تنهای خویش گفتند فرشتگان در چه بودید شما گفتند

كنا مستضعفين في الارض قالوا الم تكن ارض الله واسعة
بودیم در شمار ضعیفان در زمین گفتند فرشتگان ای نبود زمین خدای فراخ

فتهاجروا فيها فاولئك ماواهم جهنم وساءت مصيرا ۝
تا هجرت کردیتان در آن پس آن گروه جای ایشان دوزخ باشد و بد جعیت دوزخ

الا المستضعفين من الرجال والنساء والولدان لا يستطيعون
لیکن ضعیف داشتگان از مردان و زنان و کودکان که توانایی ندارند

حيلة ولا يهتدون سبيلا ۝ فاولئك عسى الله ان يعفو
چارهٔ و نتوانند رفتن را سیمی پس آن گروه شاید بود که خدای عفو کند

عنهم وكان الله عفوا غفورا ۝ ومن يهاجر في سبيل الله
از ایشان و هست خدای درگذارنده آمرزنده و هر که هجرت کند در راه خدای

يجد في الارض مراغما كثيرا وسعة ومن يخرج من بيته مهاجرا
یابد در زمین غنیمت جایهای بسیار و فراخی و هر که بیرون کند از خانه خویش هجرت کننده

الى الله ورسوله ثم يدركه الموت فقد وقع اجره على الله
به خدای و رسول او پس دریابد او را مرگ پس بدرستی که ثابت و درست شده مزد او به خدای

وكان الله غفورا رحيما ۝ واذا ضربتم في الارض فليس عليكم
و هست خدای آمرزنده رحمت کننده و چون مسافرت کنید شما در زمین پس نیست بر شما

جناح ان تقصروا من الصلوة ان خفتم ان يفتنكم
بزه که قصر کنید از نماز اگر ترسید که بکشند شمارا

الذين كفروا ان الكافرين كانوا لكم عدوا مبينا ۝ واذا كنت
آنها که کافر شدند بدرستی که کافران هستند شمارا دشمنی روشن و چون باشی تو ای محمد

فيهم فاقمت لهم الصلوة فلتقم طائفة منهم معك
در میان ایشان پس گزاری ایشانرا نماز بامامت پس باید که باشند طایفهٔ از ایشان با تو

وليأخذوا اسلحتهم فاذا سجدوا فليكونوا من ورائكم
و باید که فراگیرند در نماز سلاحهای خویشتن را پس چون کنند سجده پس باید که باشند از پس پشت شما

ولتأت طائفة اخرى لم يصلوا فليصلوا معك وليأخذوا
و باید که بیایند گروهی دیگر که نماز نکرده باشند پس باید که نماز می کنند با تو و باید که فراگرفته باشند

حذرهم واسلحتهم ود الذين كفروا لو تغفلون عن اسلحتكم
پرهیز خویش و سلاحهای خویش را آرزو کردند آنها که کافر شدند که غافل شوید شما از سلاحهای خویش

وامتعتكم فيميلون عليكم ميلة واحدة ولا جناح
و متاعهای شما پس حمله برند بر شما یک حمله بردنی و بزه نباشد

عليكم ان كان بكم اذى من مطر او كنتم مرضى ان تضعوا
بر شما اگر باشد شمارا مضرتی از باران یا باشید شما بیماران که بنهند

اسلحتكم وخذوا حذركم ان الله اعد للكافرين عذابا
سلاحهای خویش را و فراگیرید پرهیز خویش را بدرستی که خدای معد داشته از برای کافران عذابی

مهينا ۝ فاذا قضيتم الصلوة فاذكروا الله قياما
خوار کننده پس چون گزارده باشند نماز را پس یاد کنید خدایرا در آن حال که ایستاده باشند

وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَوٰةَ إِنَّ
و درآن حال که و درآن حال که بر پهلو خفته پس چون کیزید از خوف و قتال پس بپای دارید نماز را بتمام بدرستی
نشسته باشید باشید

الصَّلَوٰةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا ۝ وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ
نماز هست بر مؤمنان نوشته وقت بدید کرده و سست مشوید در جستن

الْقَوْمِ إِن تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ
قوم دشمن اگر شما را الم میرسد و جراحتی پس بدرستی که ایشان را الم میرسد همچنانکه شما را میرسد

وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ۝ إِنَّا
و امید دارید شما از خدای آنچه امید ندارند ندارند و هست خدای دانای محکم کار بدرستی که ما
ایشان از اجر و نصرت

أَنزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ
فرو فرستادیم بتو ای محمد قرآن را بحق تا حکم کنی میان مردمان بانچه بازنمود ترا
بتو ای محمد

اللَّهُ وَلَا تَكُن لِّلْخَائِنِينَ خَصِيمًا ۝ وَاسْتَغْفِرِ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ
خدای و مباش تو از برای خیانت خصومت کنندگان و آمرزش خواه از خدای بدرستی که خدای هست
کنندگان

غَفُورًا رَّحِيمًا ۝ وَلَا تُجَادِلْ عَنِ الَّذِينَ يَخْتَانُونَ أَنفُسَهُمْ
آمرزنده رحمت کننده و خصومت مکن ای محمد از قبل آنها که خیانت میکنند بر نفسهای خویش

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ خَوَّانًا أَثِيمًا ۝ يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ
بدرستی که خدای دوست ندارد آنرا که باشد خیانت کننده بزه کار پنهان میکنند خیانات از مردمان

وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّتُونَ مَا لَا يَرْضَىٰ مِنَ
و پنهان نتوانند کرد از خدای و او با ایشان بود چون بشب می ساختند آنچه نمی پسندید از

الْقَوْلِ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا ۝ هَا أَنتُمْ هَٰؤُلَاءِ جَادَلْتُمْ
گفتار و هست خدای بانچه میکنند آگاه اینکه شما ای این گروه خصومت کردید

عَنْهُمْ فِي الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا فَمَن يُجَادِلُ اللَّهَ عَنْهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
از بهر ایشان در زندگانی دنیا پس آن کیست که خصومت کند خدای از بهر ایشان در روز قیامت

أَمْ مَّن يَكُونُ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا ۝ وَمَن يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ
یا کیست که باشد بر ایشان کفیلی کارساز و هر که کند بدی یا ستم کند بر نفس خویش

ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَّحِيمًا ۝ وَمَن يَكْسِبْ
پس آمرزش خواهد از خدای یابد خدای را آمرزنده رحمت کننده و هر که اندوزد

إِثْمًا فَإِنَّمَا يَكْسِبُهُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا
گناهی را پس بدرستی که اندوخته باشد آنرا بر نفس خویش و هست خدای دانای محکم کار

وَمَن يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ احْتَمَلَ
و هر که اندوزد گناهی را یا بزه پس اندازد آنرا بی گناهی را پس بدرستی که برداشته باشد

بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا ۝ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ لَهَمَّت
بهتانی و بزه روشن و اگر نه فضل خدای بودی بر تو ای محمد و رحمت او هرآینه قصد کردندی

طَّائِفَةٌ مِّنْهُمْ أَن يُضِلُّوكَ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا
گروهی از ایشان که بخطا اندازند ترا و بخطا نمی اندازند مگر نفسهای خویش را و
در حکم

يَضُرُّونَكَ مِن شَيْءٍ وَأَنزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ
مضرت نتوانند رسانید از هیچ چیزی بلکه مضرت ایشان [illegible] فرو فرستاد خدای بتو کتاب و حکمت

وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا
و درآموخت ترا آنچه ندانستی تو ای محمد و هست فضل خدای بر تو بزرگ

لَّا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّن نَّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ
نیست خیری در بسیاری از راز گفت ایشان مگر آنکس که فرماید بصدقه یا نیکویی و قرضی

أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَن يَفْعَلْ ذَٰلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ
یا باصلاح آوردن میان مردمان و هر که کند آن صدقه و قرض و اصلاح را از بهر جستن رضای

اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ۝ وَمَن يُشَاقِقِ الرَّسُولَ
خدای پس زود است که بدهیم او را مزدی بزرگ و هر که مخالفت کند رسول را

حزب

من بعد ما تبين له الهدى ويتبع غير سبيل المؤمنين

از پس آنچه روشن کند او را راه و پیروی کند غیر راه مؤمنان را

نوله ما تولى ونصله جهنم وساءت مصيرا ۝ ان الله

لا يغفر ان يشرك به ويغفر ما دون ذلك لمن يشاء ومن

يشرك بالله فقد ضل ضلالا بعيدا ۝ ان يدعون من دونه

الا اناثا وان يدعون الا شيطانا مريدا ۝ لعنه الله وقال

لاتخذن من عبادك نصيبا مفروضا ۝ ولاضلنهم ولامنينهم

فليبتكن اذان الانعام ولامرنهم فليغيرن خلق الله ومن

يتخذ الشيطان وليا من دون الله فقد خسر خسرانا مبينا ۝

يعدهم ويمنيهم وما يعدهم الشيطان الا غرورا ۝ اولئك

ماويهم جهنم ولا يجدون عنها محيصا ۝ والذين امنوا

وعملوا الصالحات سندخلهم جنات تجري من تحتها

الانهار خالدين فيها ابدا وعد الله حقا ومن اصدق من الله

قيلا ۝ ليس بامانيكم ولا اماني اهل الكتاب من يعمل

سوءا يجز به ولا يجد له من دون الله وليا ولا نصيرا ۝

ومن يعمل من الصالحات من ذكر او انثى وهو مؤمن فاولئك

يدخلون الجنة ولا يظلمون نقيرا ۝ ومن احسن دينا ممن

اسلم وجهه لله وهو محسن واتبع ملة ابرهيم حنيفا

واتخذ الله ابرهيم خليلا ۝ ولله ما في السموات وما في

الارض وكان الله بكل شيء محيطا ۝ ويستفتونك في النساء

قل الله يفتيكم فيهن وما يتلى عليكم في الكتاب في يتامى

النساء اللاتي لا تؤتونهن ما كتب لهن وترغبون ان تنكحوهن

والمستضعفين من الولدان وان تقوموا لليتامى بالقسط وما

تفعلوا من خير فان الله كان به عليما ۝ وان امرأة خافت من
كنيد از نيكويي پس بدرستي كه خداي هست بآن دانا واگر زني داند از

بعلها نشوزا او اعراضا فلا جناح عليهما ان يصلحا
شوهر خويش ناسازكاري يا بر گرديدني پس نباشد بزه بر ايشان كه صلح كنند

بينهما صلحا والصلح خير واحضرت الانفس الشح وان
ميان يكديگر صلح كردني وصلح كردن بهتر وحاضر كرده شده نفسها را بخيلي واگر

تحسنوا وتتقوا فان الله كان بما تعملون خبيرا ۝ ولن
نيكويي كنيد و پرهيزيد از جور پس بدرستي كه خداي هست بانچه شما ميكنيد آگاه و

تستطيعوا ان تعدلوا بين النساء ولو حرصتم فلا تميلوا كل
توانايي نداريد كه راستي كنيد در محبت ميان زنان و اگرچه حريص باشيد بعدل پس ميل مكنيد در نفقه و گشت و قسم با كه دوست داريد همه

الميل فتذروها كالمعلقة وان تصلحوا وتتقوا فان الله
ميل كردني كه بگذاريد آن ديگر را همچون معلقه نه باشوي و نه بي شوي و اگر با صلاح آوريد و پرهيزيد از حيف پس بدرستي كه خداي

كان غفورا رحيما ۝ وان يتفرقا يغن الله كلا من سعته
هست آمرزنده رحمت كننده و اگر بطلاق از يكديگر جدا شوند توانگر گرداند خداي هر يك را از فراخي عطاي خويش

وكان الله واسعا حكيما ۝ ولله ما في السموات وما في
و هست خداي فراخ بخشش تمام حكمت در عطا و خداي راست انچه در آسمانها و آنچه در

الارض ولقد وصينا الذين اوتوا الكتاب من قبلكم واياكم
زمين است و بدرستي كه فرموديم ما آنها را كه داده شدند شان كتاب از پيش شما و شما را هم فرموديم

ان اتقوا الله وان تكفروا فان لله ما في السموات وما في
كه بترسيد از خداي و اگر كافر شويد پس بدرستي كه خداي راست انچه در آسمانها و آنچه در

الارض وكان الله غنيا حميدا ۝ ولله ما في السموات وما
زمين است و هست خداي بي نياز ستوده و خداي راست انچه در آسمانها و آنچه

في الارض وكفى بالله وكيلا ۝ ان يشأ يذهبكم ايها الناس
در زمين است و كفايتست خداي بوكيلي اگر خواهد ببرد شما را يعني نيست گرداند اي مردمان شما را

ويأت بآخرين وكان الله على ذلك قديرا ۝ من كان يريد ثواب
و بيارد ديگراني و هست خداي بر اين توانا هر كه خواهد ثواب

الدنيا فعند الله ثواب الدنيا والآخرة وكان الله سميعا
دنيا را پس نزد خدايست ثواب دنيا و آخرة و هست خداي شنواي

بصيرا ۝ يا ايها الذين آمنوا كونوا قوامين بالقسط شهداء
بينا اي آنها كه بگرويده ايد باشيد ايستادگان براستي گواهان

لله ولو على انفسكم او الوالدين والاقربين ان يكن غنيا
خداي را و اگرچه باشد آن گواهي بر نفس شما يا بر مادر و پدر و خويشاوندان اگر باشد مشهود عليه توانگر

او فقيرا فالله اولى بهما فلا تتبعوا الهوى ان تعدلوا
يا فقير پس خداي سزاوارتر بايشان پس پيروي مكنيد هوا را كه عدل بكنيد

وان تلووا او تعرضوا فان الله كان بما تعملون خبيرا ۝
و اگر بپيچانيد زبانهاي خويشتن را در گواهي يا انكار كنيد پس بدرستي كه خداي هست بانچه شما مي كنيد آگاه

يا ايها الذين آمنوا آمنوا بالله ورسوله والكتاب الذي
اي آنها كه بگرويده ايد بگرويد بخداي و رسول او و كتاب آن كتابي

نزل على رسوله والكتاب الذي انزل من قبل ومن يكفر
كه فرو فرستاد بر رسول خويش و بكتاب آن كتابي كه فرو فرستاد از پيش و هر كه كافر شود

بالله وملائكته وكتبه ورسله واليوم الآخر فقد ضل
بخداي و فرشتگان او و كتابهاي او و پيغمبران او و روز قيامت پس بدرستي كه گمراه شد

ضلالا بعيدا ۝ ان الذين آمنوا ثم كفروا ثم آمنوا ثم
گمراه شدني دور از حق بدرستي كه آنها كه بگرويدند بموسي پس كافر شدند بعيسي پس بگرويدند به

كفروا ثم ازدادوا كفرا لم يكن الله ليغفر لهم ولا ليهديهم
کافر شدند پس زیاده کردند کافری را نباشد که خدای بیامرزد ایشانرا و نه تا بنماید ایشانرا

سبيلا ۝ بشر المنافقين بأن لهم عذابا أليما ۝ الذين
راهی مژده ده منافقانرا بآنکه باشد ایشانرا عذابی دردناک آنها

يتخذون الكافرين أولياء من دون المؤمنين أيبتغون عندهم
که فرا گیرند کافرانرا بدوستی از غیر مؤمنان ای میجویند نزد ایشان

العزة فإن العزة لله جميعا ۝ وقد نزل عليكم في الكتاب
بزرگواری پس بتحقیق بزرگواری خدایراست همه و بتحقیق فرو فرستاده بر شما ای محمدیان در کتاب قرآن

أن إذا سمعتم آيات الله يكفر بها ويستهزأ بها فلا تقعدوا
چون بشنوید شما آیتهای خدایرا کافر شوند بآن و استهزا کنند بآن پس منشینید

معهم حتى يخوضوا في حديث غيره إنكم إذا مثلهم إن الله
با ایشان تا شروع کنند در سخنی جز آن

جامع المنافقين والكافرين في جهنم جميعا ۝ الذين يتربصون
جمع کننده منافقانست و کافران در دوزخ جمله آنها که چشم میدارند

بكم فإن كان لكم فتح من الله قالوا ألم نكن معكم وإن كان
بشما پس اگر باشد شمارا فتحی از خدای گویند ای نه با شما بودیم و اگر باشد

للكافرين نصيب قالوا ألم نستحوذ عليكم ونمنعكم
کافرانرا نصیبی گویند ای نه دست یافتیم بر شما و نگاه داشتیم شمارا

من المؤمنين فالله يحكم بينكم يوم القيامة ولن يجعل الله
از مؤمنان پس خدای حکم کند میان شما روز قیامت و نکند خدای

للكافرين على المؤمنين سبيلا ۝ إن المنافقين يخادعون
کافرانرا بر مؤمنان راهی بدرستی که منافقان می فریبند

الله وهو خادعهم وإذا قاموا إلى الصلوة قاموا كسالى
خدایرا و حال آنکه او فریبنده ایشانست و چون برخیزند به نماز برخیزند در حالتی که کاهلان باشند

يراءون الناس ولا يذكرون الله إلا قليلا ۝ مذبذبين بين
و بروی ریا کنند مردمانرا و یاد نکنند خدایرا مگر اندکی مترددان میان

ذلك لا إلى هؤلاء ولا إلى هؤلاء ومن يضلل الله فلن تجد له
این و آن نه ازین گروه باشند و نه از آن گروه و هر که گمراه کند او را خدای پس نیابی اورا

سبيلا ۝ يا أيها الذين آمنوا لا تتخذوا الكافرين أولياء من دون
راهی ای آنهاکه گرویده اید فرا مگیرید کافرانرا بدوستی از بیرون

المؤمنين أتريدون أن تجعلوا لله عليكم سلطانا مبينا
مؤمنان ای میخواهید که ثابت کنید خدایرا بر شما حجتی روشن

إن المنافقين في الدرك الأسفل من النار ولن تجد لهم نصيرا
بدرستی که منافقان در طبقه زیرین باشند از طبقهای آتش و نیابی ایشانرا هیچ یاری دهنده

إلا الذين تابوا وأصلحوا واعتصموا بالله وأخلصوا دينهم
مگر آنها که توبه کنند و کار باصلاح آورند و دست زنند بدین خدای و خالص کنند دین خودرا

لله فأولئك مع المؤمنين وسوف يؤت الله المؤمنين أجرا
از برای خدای پس آن گروه با مؤمنان باشند و زود باشد که بدهد خدای مؤمنانرا مزدی

عظيما ۝ ما يفعل الله بعذابكم إن شكرتم وآمنتم
چه کند خدای بعذاب کردن شما اگر شکر گذارید شما و بگروید شما

وكان الله شاكرا عليما ۝ لا يحب الله الجهر بالسوء من القول
و هست خدای شکر پذیر دانا دوست ندارد خدای آواز بلند برداشتن به بدی گفتار

إلا من ظلم وكان الله سميعا عليما ۝ إن تبدوا خيرا أو تخفوه
مگر کسیکه ستم کرده شد و هست خدای شنوای دانا اگر آشکارا کنید نیکی یا پنهان کنید آنرا

الجزء السادس

أَوْ تَعْفُوا عَنْ سُوٓءٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا قَدِيرًا ۝ إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ

یا درگذارید از بدی بس بدرستی که خدای هست درگذارنده توانا بدرستی که آنها که کافر میشوند

بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ

بخدای و رسولان او و میخواهند که جدایی افکنند میان خدای و رسولان او و میگویند

نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَٰلِكَ

ایمان داریم بیعضی و کافریم بیعضی و میخواهند که فراگیرند میان این و آن

سَبِيلًا ۝ أُولَٰٓئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا

راهی آن گروه ایشانند کافران حقا و معدداشتیم ما کافرانرا عذابی

مُهِينًا ۝ وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ

خوارکننده و آنها که بگرویدند بخدای و رسولان او و جدایی نمیکنند میان یکی

مِنْهُمْ أُولَٰٓئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أُجُورَهُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا

از ایشان آن گروه زود که بدهیم مزدهای ایشان و هست خدای آمرزنده

رَحِيمًا ۝ يَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَنْ تُنَزِّلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِنَ

رحمت کننده درمیخواهند از تو اهل تورات که فرود آوری برایشان کتابی نوشته از
ای محمد

السَّمَآءِ فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَىٰٓ أَكْبَرَ مِنْ ذَٰلِكَ فَقَالُوا أَرِنَا اللَّهَ

آسمان بس بدرستی که خواستند از موسی بزرگتر از این درخواست بس گفتند بنمای ما را خدای

جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ ثُمَّ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِ

بمعاینه بس بگرفت ایشانرا صاعقه بسبب ظلم ایشان بس فراگرفتند گوساله را از پس
بمعبودی

مَا جَآءَتْهُمُ الْبَيِّنَاتُ فَعَفَوْنَا عَنْ ذَٰلِكَ وَآتَيْنَا مُوسَىٰ سُلْطَانًا

آنکه آمد بایشان حجتها بس درگذشتیم ما از آن و دادیم موسی را حجتی

مُبِينًا ۝ وَرَفَعْنَا فَوْقَهُمُ الطُّورَ بِمِيثَاقِهِمْ وَقُلْنَا لَهُمُ ادْخُلُوا

روشن و برآوردیم ما بربالای ایشان کوه طور بسبب عهد ایشان و گفتیم ایشانرا درروید

الْبَابَ سُجَّدًا وَقُلْنَا لَهُمْ لَا تَعْدُوا فِي السَّبْتِ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ

در دیر سجودکنان و گفتیم ایشانرا از حد درمگذرید در صیدهای روز شنبه و فراگرفتیم از ایشان

مِيثَاقًا غَلِيظًا ۝ فَبِمَا نَقْضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ وَكُفْرِهِمْ بِآيَاتِ

عهدی استوار بس بسبب شکستن ایشان عهد ایشانرا و کافرشدن ایشان بایتهای

اللَّهِ وَقَتْلِهِمُ الْأَنْبِيَآءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَقَوْلِهِمْ قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ طَبَعَ

خدای و کشتن ایشان پیغمبرانرا به ناحق و گفتن ایشان در دلهای ما درغلافهای اند بلکه مهرنهاد

اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا ۝ وَبِكُفْرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ

خدای بر آن بسبب کفر ایشان پس نمی گروند مگر اندکی و بسبب کافرشدن ایشان و گفتن ایشان

عَلَىٰ مَرْيَمَ بُهْتَانًا عَظِيمًا ۝ وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ

بر مریم بهتانی بزرگ و گفتار ایشان بدرستی ما کشتیم مسیح را که عیسی پسر

مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَٰكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ

مریم است رسول خدای و حال آنکه نکشتند اورا و بر دار نکردند اورا ولیکن مانند ایشانرا

وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا

و بدرستی که آنها که اختلاف کردند در آن هر آینه در شک اند از آن نیست ایشانرا بآن هیچ دانشی مگر

اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا ۝ بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ

پیروی گمانی و نکشتند عیسی را به یقین بلکه بالا برد اورا خدای بآسمان خویش و هست خدای

عَزِيزًا حَكِيمًا ۝ وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ

غالب تمام حکمت و نباشد هیچ یک از اهل کتاب مگر که ایمان آورد بعیسی پیش از مرگ آن کتابی

وَيَوْمَ الْقِيَٰمَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا ۝ فَبِظُلْمٍ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا

و روز قیامت باشد عیسی برایشان گواهی بس بسبب ظلمی از آنها که یهود شدند

حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ

حرام کردیم برایشان پاکیهایی که حلال کرده شده بود ایشانرا و بسبب منع کردن مردم از راه خدای

كثيرا ۝ وأخذهم الربوا وقد نهوا عنه وأكلهم أموال الناس

بالباطل وأعتدنا للكافرين منهم عذابا أليما ۝ لكن

الراسخون في العلم منهم والمؤمنون يؤمنون بما أنزل إليك

وما أنزل من قبلك والمقيمين الصلوة والمؤتون الزكوة

والمؤمنون بالله واليوم الآخر أولئك سنؤتيهم أجرا عظيما ۝

إنا أوحينا إليك كما أوحينا إلى نوح والنبيين من بعده

وأوحينا إلى إبرهيم وإسمعيل وإسحق ويعقوب والأسباط

وعيسى وأيوب ويونس وهرون وسليمن ۝ وآتينا داود زبورا ۝

ورسلا قد قصصناهم عليك من قبل ورسلا لم نقصصهم

عليك وكلم الله موسى تكليما ۝ رسلا مبشرين

ومنذرين لئلا يكون للناس على الله حجة بعد الرسل وكان الله

عزيزا حكيما ۝ لكن الله يشهد بما أنزل إليك أنزله بعلمه

والملائكة يشهدون وكفى بالله شهيدا ۝ إن الذين كفروا

وصدوا عن سبيل الله قد ضلوا ضلالا بعيدا ۝ إن الذين

كفروا وظلموا لم يكن الله ليغفر لهم ولا ليهديهم

طريقا ۝ إلا طريق جهنم خالدين فيها أبدا وكان ذلك على الله

يسيرا ۝ يا أيها الناس قد جاءكم الرسول بالحق من ربكم

فآمنوا خيرا لكم وإن تكفروا فإن لله ما في السموات والأرض

وكان الله عليما حكيما ۝ يا أهل الكتاب لا تغلوا

في دينكم ولا تقولوا على الله إلا الحق إنما المسيح عيسى ابن مريم

رسول الله وكلمته ألقاها إلى مريم وروح منه فآمنوا

بالله ورسله ولا تقولوا ثلثة انتهوا خيرا لكم إنما الله إله واحد

سبحانه ان يكون له ولد له ما في السموات وما في الارض

وكفى بالله وكيلا ۝ لن يستنكف المسيح ان يكون عبدا

لله ولا الملائكة المقربون ومن يستنكف عن عبادته

ويستكبر فسيحشرهم اليه جميعا ۝ فاما الذين امنوا

وعملوا الصالحات فيوفيهم اجورهم ويزيدهم من فضله

واما الذين استنكفوا واستكبروا فيعذبهم عذابا

اليما ولا يجدون لهم من دون الله وليا ولا نصيرا ۝

يا ايها الناس قد جاءكم برهان من ربكم وانزلنا اليكم

نورا مبينا ۝ فاما الذين امنوا بالله واعتصموا به فسيدخلهم

في رحمة منه وفضل ويهديهم اليه صراطا مستقيما ۝

يستفتونك قل الله يفتيكم في الكلالة ان امرؤ هلك ليس

له ولد وله اخت فلها نصف ما ترك وهو يرثها ان لم يكن

لها ولد فان كانتا اثنتين فلهما الثلثان مما ترك

وان كانوا اخوة رجالا ونساء فللذكر مثل حظ

الانثيين يبين الله لكم ان تضلوا والله بكل شيء عليم ۝

سورة العقود مائة وعشرون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

يا ايها الذين امنوا اوفوا بالعقود احلت لكم بهيمة الانعام

الا ما يتلى عليكم غير محلي الصيد وانتم حرم ان الله يحكم

ما يريد ۝ يا ايها الذين امنوا لا تحلوا شعائر الله ولا الشهر

الحرام ولا الهدي ولا القلائد ولا آمين البيت الحرام يبتغون

فضلا من ربهم ورضوانا واذا حللتم فاصطادوا ولا

يجرمنكم شنآن قوم ان صدوكم عن المسجد الحرام ان تعتدوا

وتعاونوا على البر والتقوى ولا تعاونوا على الاثم والعدوان

واتقوا الله ان الله شديد العقاب ۝ حرمت عليكم

الميتة والدم ولحم الخنزير وما اهل لغير الله به والمنخنقة

والموقوذة والمتردية والنطيحة وما اكل السبع

الا ما ذكيتم وما ذبح على النصب وان تستقسموا بالازلام

ذلكم فسق اليوم يئس الذين كفروا من دينكم فلا تخشوهم

واخشون اليوم اكملت لكم دينكم واتممت عليكم

نعمتي ورضيت لكم الاسلام دينا فمن اضطر في مخمصة

غير متجانف لاثم فان الله غفور رحيم ۝ يسئلونك ماذا

احل لهم قل احل لكم الطيبات وما علمتم من الجوارح

مكلبين تعلمونهن مما علمكم الله فكلوا مما امسكن

عليكم واذكروا اسم الله عليه واتقوا الله ان الله سريع

الحساب ۝ اليوم احل لكم الطيبات وطعام الذين اوتوا

الكتاب حل لكم وطعامكم حل لهم والمحصنات من

المؤمنات والمحصنات من الذين اوتوا الكتاب من قبلكم

اذا آتيتموهن اجورهن محصنين غير مسافحين ولا

متخذي اخدان ومن يكفر بالايمان فقد حبط عمله

وهو في الآخرة من الخاسرين ۝ يا ايها الذين آمنوا اذا

قمتم الى الصلوة فاغسلوا وجوهكم وايديكم الى المرافق

وامسحوا برؤسكم وارجلكم الى الكعبين وان كنتم

جنبا فاطهروا وان كنتم مرضى او على سفر او جاء احد

منكم من الغائط او لامستم النساء فلم تجدوا ماء فتيمموا
از شما از زمین پست بحدث یا رسیده باشید بزنان بس نیابید آبی را پس تیمم کنید

صعيدا طيبا فامسحوا بوجوهكم وايديكم منه
بخاکی پاک پس مسح کنید رویهای خویشرا و دستهای خویشرا ازآن

ما يريد الله ليجعل عليكم من حرج ولكن يريد ليطهركم
نمی خواهد خدای تا بکند برشما هیچ تنگی ولکن میخواهد تا پاک گرداند شمارا

وليتم نعمته عليكم لعلكم تشكرون واذكروا
وتا تمام کند نعمت خویشرا برشما تا باشد که شما شکر کنید ویاد کنید

نعمت الله عليكم وميثاقه الذي واثقكم به اذ قلتم
نعمت خدایرا برشما وعهد او آن عهدی استوار کرد شمارا بآن چون گفتیم

سمعنا واطعنا واتقوا الله ان الله عليم بذات الصدور
شنیدیم وفرمان برداریم وبترسید ازخدای بدرستی که خدای داناست ببتر سینها

يا ايها الذين امنوا كونوا قوامين لله شهداء بالقسط
ای آنهاکه بگرویده باشید ایستادگان خدایرا گواهان بعدل وانصاف

ولا يجرمنكم شنان قوم على الا تعدلوا اعدلوا هو
وبایدکه ندارد شمارا بعداوت قومی برآنکه راستی نکنید راستی کنید که راستی

اقرب للتقوى واتقوا الله ان الله خبير بما تعملون
نزدیکترست بپرهیزکاری وبترسید ازخدای بدرستی که خدای آگاهست بانچه شما میکنید

وعد الله الذين امنوا وعملوا الصالحات لهم مغفرة
وعده کرد خدای آنهاکه بگرویدند وکردند نیکوییهارا که باشد ایشانرا آمرزشی

واجر عظيم والذين كفروا وكذبوا باياتنا اولئك
ومزدی بزرگ وآنهاکه کافرشدند وبدروغ داشتند آیتهای مارا آن گروه

اصحاب الجحيم يا ايها الذين امنوا اذكروا نعمت الله
اهل دوزخ باشند ای آنهاکه بگرویده اید یاد کنید نعمت خدایرا

عليكم اذ هم قوم ان يبسطوا اليكم ايديهم فكف
برشما چون کردند قومی ازیهود مطرود که بگسترانند بشما دستهای خویشرا پس بازداشت

ايديهم عنكم واتقوا الله وعلى الله فليتوكل المؤمنون
دستهای ایشان ازشما وبترسید ازخدای وبرخدای بایدکه توکل کنند مؤمنان

ولقد اخذ الله ميثاق بني اسرائيل وبعثنا منهم اثني عشر
وبدرستی که فراگرفت خدای عهد ازبنی اسرائیل وعمل بتوریه وبدانستیم ازایشان ووفا لعهد قوم شان دوازده

نقيبا وقال الله اني معكم لئن اقمتم الصلوة واتيتم
سالار وگفت خدای بدرستی که من باشما ام هرآینه اگر بپای داری نمازرا وبدهید

الزكوة وامنتم برسلي وعزرتموهم واقرضتم الله قرضا
زکوةرا وبگروید برسولان من ویاری کنید ایشانرا وقرض دهید خدایرا قرضی

حسنا لاكفرن عنكم سياتكم ولادخلنكم جنات
نیکو هرآینه درگذارم ازشما بدیهای شمارا وهرآینه درآورم شمارا دربهشتهای

تجري من تحتها الانهار فمن كفر بعد ذلك منكم فقد
که رود از زیر درختهای آن جویها پس هرکه کافرشود پس ازین ازشما پس بدرستی

ضل سواء السبيل فبما نقضهم ميثاقهم لعناهم
که گمراه شده از راه راست باشد پس بسبب شکستن ایشان عهد خویش را بلعنت کردیم ایشانرا

وجعلنا قلوبهم قاسية يحرفون الكلم عن مواضعه ونسوا
وگردانیدیم دلهای ایشانرا سخت تغییر میکنند کلمهارا ازنهادن آن بجایگاه خویش وفراموش کردند

حظا مما ذكروا به ولا تزال تطلع على خائنة منهم الا
بهره ازآنچه پند داده شدند بآن وهمیشه مطلع شوای محمد بر خیانتی ازایشان مگر

قليلا منهم فاعف عنهم واصفح ان الله يحب المحسنين
اندکی ازایشان پس عفو کن ازایشان ودرگذار بدرستی که خدای دوست دارد نیکوکارانرا

ومن الذين قالوا انا نصارى اخذنا ميثاقهم فنسوا حظا
واز آنها که گفتند بدرستی که ما ترسایانیم گرفتیم عهد ایشانرا پس فراموش کردند بهره

مما ذكروا به فاغرينا بينهم العداوة والبغضاء الى يوم
ازانچه پند داده شدند بآن پس انداختیم میان ایشان دشمنی وخشم را تا روز

القيمة وسوف ينبئهم الله بما كانوا يصنعون ۝ يا اهل
قیامت وزود که بیاگاهاند ایشانرا خدای بانچه ایشان کرده باشند ای اهل

الكتاب قد جاءكم رسولنا يبين لكم كثيرا مما كنتم
کتاب بدرستی که آمد بشما رسول ما محمد که روشن کند شمارا بسیاری ازانچه شما

تخفون من الكتاب ويعفوا عن كثير قد جاءكم من الله
پنهان میکردید ازکتاب مثل آیه رجم و ودرگذرد از بسیاری بدرستی که آمد بشما از خدای
صفت محمد صلعم

نور وكتاب مبين ۝ يهدي به الله من اتبع رضوانه سبل
نوری که وکتابی روشن که قرآنست که راه نماید بآن خدای آنکس را که پیروی کند خشنودی اورا راههای

السلام ويخرجهم من الظلمات الى النور باذنه ويهديهم
سلامت وبیرون آورد ایشانرا از تاریکیهای کفر بنور ایمان بخواست خویش وراه نماید ایشانرا

الى صراط مستقيم ۝ لقد كفر الذين قالوا ان الله هو المسيح
براهی راست بدرستی که کافر شدند آنها که گفتند بدرستی که خدای اوست مسیح

ابن مريم قل فمن يملك من الله شيئا ان اراد ان يهلك المسيح
پسر مریم بگوای محمد پس کیست قادر ازخدای بچیزی اگر خواهد که هلاک کند مسیح

ابن مريم وامه ومن في الارض جميعا ولله ملك السموات
پسر مریم را ومادر اورا وهرکه در زمین اند همه وخدایراست پادشاهی آسمانها

والارض وما بينهما يخلق ما يشاء والله على كل شيء قدير
وزمین وانچه میان این وآنست آفریند آنچه خواهد وخدای بر همه چیزی تواناست

وقالت اليهود والنصارى نحن ابناء الله واحباؤه
وگفتند جهودان وترسایان که ما پسران خدا ودوستان اوایم

قل فلم يعذبكم بذنوبكم بل انتم بشر ممن خلق يغفر لمن يشاء
بگوای محمد پس چرا عذاب میکند شمارا بگناهان شما بلکه شما آدمی اید ازجمله آنکه بیافریدشان آمرزد آنرا که خواهد

ويعذب من يشاء ولله ملك السموات والارض وما بينهما
وعذاب کند آنرا که خواهد وخدایراست پادشاهی آنچه در آسمانها وزمین است وانچه میان این وآنست

واليه المصير ۝ يا اهل الكتاب قد جاءكم رسولنا
وبسوی اوست بازگشت ای اهل کتاب بدرستی که آمد بشما رسول ما محمد

يبين لكم على فترة من الرسل ان تقولوا ما جاءنا
تا روشن کند شمارا بر انقطاعی ازرسولان تا نگویید که نیامد بما

من بشير ولا نذير فقد جاءكم بشير ونذير والله على كل
هیچ بشارت دهنده ونه بیم کننده پس بدرستی که آمد بشما بشارت کننده وبیم کننده وخدای بر همه

شيء قدير ۝ واذ قال موسى لقومه يا قوم اذكروا نعمة الله
چیزی تواناست وچون گفت موسی قوم خویشرا ای قوم من یاد کنید نعمت خدای را

عليكم اذ جعل فيكم انبياء وجعلكم ملوكا واتاكم ما لم
برشما چون بکرد درمیان شما پیغمبرانی وبکرد شمارا پادشاهانی وبداد شمارا آنچه نه

يؤت احدا من العالمين ۝ يا قوم ادخلوا الارض المقدسة
داد هیچ یکی را ازعالمیان ای قوم من درروید درآن زمین پاکی که

التي كتب الله لكم ولا ترتدوا على ادباركم فتنقلبوا
که امر فرمود خدای شمارا وبه پس مگردید برپشتهای شما تا بگردید زیانکاران

خاسرين ۝ قالوا يا موسى إن فيها قوما جبارين وإنا لن
زیان کاران گفتند ای موسی بدرستی که درانجا هستند قومی گردن کشان و بدرستی که ما

ندخلها حتى يخرجوا منها فإن يخرجوا منها فإنا داخلون ۝
در نرویم درانجا تا بیرون آیند از انجا ایشان پس اگر بیرون آیند ایشان از آن پس بدرستی که ما در روندگان باشیم

قال رجلان من الذين يخافون أنعم الله عليهما ادخلوا
گفتند دو مرد از آنها که میترسیدند و نعمت کرده بود خدای بر ایشان در روید

عليهم الباب فإذا دخلتموه فإنكم غالبون ۝ وعلى الله
بآن زمین که چون در رفته باشید درانجا پس بدرستی که شما غالبان باشید و بر خدای

فتوكلوا إن كنتم مؤمنين ۝ قالوا يا موسى إنا لن ندخلها
توکل کنید اگر هستید شما مؤمنان گفتند ای موسی بدرستی که ما در نرویم آنجا

أبدا ما داموا فيها فاذهب أنت وربك فقاتلا إنا هاهنا
هرگز مادام که ایشان درانجا باشند پس برو ای موسی تو و پروردگار تو پس کارزار کنید که ما اینجا

قاعدون ۝ قال رب إني لا أملك إلا نفسي وأخي فافرق بيننا
نشستگانیم گفت موسی ای پروردگار بدرستی که من فرمان ندارم مگر بر خود و برادر خویش پس جدایی افگن میان ما

وبين القوم الفاسقين ۝ قال فإنها محرمة عليهم أربعين سنة
و میان این قوم فاسقان گفت خدای بدرستی که آن زمین حرام کرده شد بر ایشان چهل سال

يتيهون في الأرض فلا تأس على القوم الفاسقين ۝ واتل عليهم
حیران روید در زمین پس اندوه مخور ای موسی بر این قوم فرمان بنر داران و بخوان ای محمد بر ایشان

نبأ ابني آدم بالحق إذ قربا قربانا فتقبل من أحدهما ولم يتقبل
خبر پسر آدم هابیل و قابیل بحق چون کردند قربانی را پس قبول کردند یکی از ایشان و قبول نکردند

من الآخر قال لأقتلنك قال إنما يتقبل الله من المتقين ۝
از آن دیگر گفت قابیل هر آینه بکشم ترا گفت هابیل بدرستی که قبول کند خدای از پرهیزکاران

نصف الحزب

لئن بسطت إلي يدك لتقتلني ما أنا بباسط يدي إليك لأقتلك
هر آینه اگر بگشایی دست خویش تا بکشی مرا من نیستم گشاینده دستهای خود بسوی تو که بکشم ترا

إني أخاف الله رب العالمين ۝ إني أريد أن تبوء بإثمي وإثمك
که من میترسم از خدای پروردگار عالمیان بدرستی که من میخواهم باز گردی از بزه کشتن من و بزه کفر تو

فتكون من أصحاب النار وذلك جزاء الظالمين ۝ فطوعت له
پس باشی از اصحاب آتش و آن آتش جزای ستمکاران پس فرمان بردار شد او را

نفسه قتل أخيه فقتله فأصبح من الخاسرين ۝ فبعث الله غرابا
نفس او در کشتن برادر خود پس کشت او را پس گشت از زیان کاران پس فرستاد خدای کلاغی

يبحث في الأرض ليريه كيف يواري سوأة أخيه قال يا ويلتى أعجزت أن
تا پنهان شود در زمین تا بنماید او را که چگونه پنهان می کند عورة برادر خود گفت قابیل وای بر من که عاجز شوم که

أكون مثل هذا الغراب فأواري سوأة أخي فأصبح من النادمين ۝
باشم مثل این غراب تا پنهان کنم عورت برادر خود پس گشت از پشیمانان

من أجل ذلك كتبنا على بني إسرائيل أنه من قتل نفسا بغير نفس أو فساد
از بهر این احوال بنوشتیم بر بنی اسرائیل که هر که بکشد نفسی را بی آنکه نفسی کشته باشد یا بی تباه کاری

في الأرض فكأنما قتل الناس جميعا ومن أحياها فكأنما أحيا الناس جميعا
در زمین پس گویا که کشت مردمان را همه و هر که زنده بگذاشت نفسی را پس گویا که زنده گذاشت مردمان همه

ولقد جاءتهم رسلنا بالبينات ثم إن كثيرا منهم بعد ذلك في الأرض
و بدرستی که آمدند ایشان را رسولان ما با حجتهای روشن پس بسیاری از ایشان بعد از آن در زمین

لمسرفون ۝ إنما جزاء الذين يحاربون الله ورسوله ويسعون في الأرض فسادا
تباه کاران بودند بدرستی که جزای آنها که محاربه می کنند با خدا و رسول او و می شتابند در زمین به تباه کاری

أن يقتلوا أو يصلبوا أو تقطع أيديهم وأرجلهم من خلاف أو ينفوا
بکشند ایشان یا بردار کنند شان یا ببرند دستهای ایشان و پاهای شان از خلاف یکدیگر یا حبس کنند

مِنَ الْأَرْضِ ذٰلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ
و از زمین آن ایشانرا رسوایی در دنیا و ایشانرا باشد در آخرت عذابی

عَظِيمٌ ۝ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَاعْلَمُوا أَنَّ
بزرگ مگر آنهاکه توبه کنند پیش از آنکه دست یابید بر ایشان پس بدانید که

اللّٰهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ
خدای آمرزنده و مهربانست ای آنها که گرویدید بترسید از خدا و بجویید تقرب باو

الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝ إِنَّ
بوسیلهٔ طاعت و جهاد کنید در راه او مگر شما راه یابید بدرستی

الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لِيَفْتَدُوا
آنها که کافر شدند اگر باشد ایشانرا آنچه در زمین است همه و مانند آن با آن و خواهند که خود

بِهِ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَا تُقُبِّلَ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ
باز خرند به آن از عذاب روز قیامت قبول نکنند آنرا از ایشان و ایشانرا باشد عذابی دردناک

يُرِيدُونَ أَنْ يَخْرُجُوا مِنَ النَّارِ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنْهَا وَلَهُمْ عَذَابٌ
خواهند که بیرون آیند از آتش و نباشند ایشان بیرون آینده‌گان از آن و ایشانرا باشد عذابی

مُقِيمٌ ۝ وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا
دایمی مردی که دزدی کند و زنی که دزدی کند ببرید دستهای ایشان برای جزای فعل ایشان

نَكَالًا مِنَ اللّٰهِ وَاللّٰهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝ فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ
عقوبتی از خدای و خدای غالبست و محکم کار پس هر که توبه کند از ظلم خویش و باصلاح آرد کار

فَإِنَّ اللّٰهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللّٰهَ لَهُ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ
بدرستی که خدای رحمت خود باو باز آرد بدرستی که خدای آمرزنده و مهربانست ای ندانستی که خدای اوراست پادشاهی آسمانها

وَالْأَرْضِ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللّٰهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
و زمین عذاب کند هر که خواهد و بیامرزد هر که خواهد و خدای بر همه چیز تواناست

70

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنْكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ
ای پیغمبر واجب التعظیم باید که اندهگین نکند ترا آنها که میشتابند در کفر از

الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ
آنهایی که گفتند ایمان آوردیم بزبانهای ایشان و ایمان نیاورده اند دلهای ایشان و از آنکسانی که

هَادُوا سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَّاعُونَ لِقَوْمٍ آخَرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ
جهود شدند شنوندگان گروهی سخن ترا تا دروغ گویند بر تو بخبری که نشنیده باشند از و بجاسوسی شنوندگانند از برای قومی دیگر یعنی جهود خیبر که نیامدند بتو

يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هٰذَا
میگردانند کلمهای رجم را بعد از نهادن خدای آنها را در موضع آن میگویند جهودان خیبر یا بنی قریظه اگر فتوی داده شوید از قبل محمد بجلد را این محصنین

فَخُذُوهُ وَإِنْ لَمْ تُؤْتَوْهُ فَاحْذَرُوا وَمَنْ يُرِدِ اللّٰهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ
پس قبول کنید آنرا و اگر فتوی داده نشوید بآن پس پرهیز از قبول و هر که خواهد خدای گمراهی او را پس قادر نباشی تو او را

لَهُ مِنَ اللّٰهِ شَيْئًا أُولٰئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللّٰهُ أَنْ يُطَهِّرَ قُلُوبَهُمْ
او را از عذاب خدای چیزی که دفع کنی از و آن گروه آنهااند که نخواست خدای که پاک گرداند دلهای ایشانرا

لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝ سَمَّاعُونَ
ایشانرا در دنیا باشد آشکار شدن سر ایشان و رسوایی و ایشانرا باشد در آخرة عذابی بزرگ شنوندگان سخن ترا

لِلْكَذِبِ أَكَّالُونَ لِلسُّحْتِ فَإِنْ جَاءُوكَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ
از برای دروغ باز گفتن خورندگانند رشوه را در حکم باطل علما بس اگر بیایند بتو جهة حکم کردن پس اگر خواهی حکم کن میان ایشان

أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ شَيْئًا
و اگر خواهی اعراض کن از ایشان و اگر اعراض کنی از ایشان پس هیچ مضرت نتوانند رسانید بتو چیزی

وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ
و اگر حکم کنی پس حکم کن میان ایشان براستی بدرستی که خدای دوست میدارد عدل کنندگانرا

وَكَيْفَ يُحَكِّمُونَكَ وَعِنْدَهُمُ التَّوْرَاةُ فِيهَا حُكْمُ اللّٰهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ
و چگونه حکم میسازند ترا و نزد ایشانست توریة که در آن حکم خدایست پس اعراض میکنند

مِن بَعدِ ذٰلِكَ وَمَا اُولٰئِكَ بِالمُؤمِنِينَ ۝ اِنَّا اَنزَلنَا التَّورٰيةَ

از پس آن ونيستند آن گروه مؤمنان بدرستى كه ما فرو فرستاديم تورة را

فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ اَسلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا

درانست راهى راست ونورى حكم كردند بآن پيغمبرانرا آنهاكه منقاد شدند حكم ازا آنهاراكه توبه كردند از كفر

وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالاَحبَارُ بِمَا استُحفِظُوا مِن كِتَابِ اللّٰهِ وَكَانُوا

وخداى شناسان از ودانشمندان باىچه سپرده بايشان از كتاب خداى وبودند

عَلَيهِ شُهَدَآءَ فَلَا تَخشَوُا النَّاسَ وَاخشَونِ وَلَا تَشتَرُوا بِاٰيَاتِى

بران گواهان بس مترسيد اى يهود از مردمان در اظهار وبترسيد از من كه خدايم وفرا مگيريد بآيتهاى من

صفت محمد وحكم رجم

ثَمَنًا قَلِيلًا وَمَن لَم يَحكُم بِمَا اَنزَلَ اللّٰهُ فَاُولٰئِكَ هُمُ

بهاى اندك كه متاع دنياست وهركه حكم نكند باىچه فرو فرستاد خداى بس آن گروه ايشانند

الكَافِرُونَ ۝ وَكَتَبنَا عَلَيهِم فِيهَا اَنَّ النَّفسَ بِالنَّفسِ وَالعَينَ

كافران وفرض كرديم ما وايشان در توريه كه نفس را بكشند بدل نفس وقصاص كنند چشم را

بِالعَينِ وَالاَنفَ بِالاَنفِ وَالاُذُنَ بِالاُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ

بيدل چشم وبينى به بينى وگوش بگوش ودندان بدندان

وَالجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَن تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَن لَم

وجراحتهاى سر بسر پس هركه عفو كند وترك كند قصاص را پس آن مغفرتى باشد اورا از خداى وثوابى عظيم وهركه

يَحكُم بِمَا اَنزَلَ اللّٰهُ فَاُولٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ۝ وَقَفَّينَا عَلٰى

حكم نكند باىچه فرو فرستاد خداى پس آن گروه ايشانند ظالمان واز پى فرستاديم بر

اٰثَارِهِم بِعِيسَى ابنِ مَريَمَ مُصَدِّقًا لِمَا بَينَ يَدَيهِ مِنَ التَّورٰيةِ

اثرهاى ايشان عيسى پسر مريم را براست دارنده مرانچه از پيش او بود از توريه

وَاٰتَينَاهُ الاِنجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِمَا بَينَ يَدَيهِ

ودادیم عيسى را كتاب انجيل درانست راهى راست ونورى وبراست دارنده مرانچه از پيش آنست

مِنَ التَّورٰيةِ وَهُدًى وَمَوعِظَةً لِلمُتَّقِينَ ۝ وَليَحكُم اَهلُ

از توريه وراهى راست وپندى مر پرهيزكارانرا وبايدكه حكم كنند اهل

الاِنجِيلِ بِمَا اَنزَلَ اللّٰهُ فِيهِ وَمَن لَم يَحكُم بِمَا اَنزَلَ اللّٰهُ فَاُولٰئِكَ

انجيل باىچه فرو فرستاد خداى در آن وهركه حكم نكند باىچه فرو فرستاد خداى بس آن گروه

هُمُ الفَاسِقُونَ ۝ وَاَنزَلنَا اِلَيكَ الكِتَابَ بِالحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا

ايشانند فاسقان وفرو فرستاديم به تو اى محمد قرآنرا بحق براست دارنده مرآنچه

بَينَ يَدَيهِ مِنَ الكِتَابِ وَمُهَيمِنًا عَلَيهِ فَاحكُم بَينَهُم بِمَا

از پيش اوست از كتاب وگواهى راست بر آن پس حكم كن ميان يهود باىچه

اَنزَلَ اللّٰهُ وَلَا تَتَّبِع اَهوَآءَهُم عَمَّا جَآءَكَ مِنَ الحَقِّ لِكُلٍّ جَعَلنَا

فرو فرستاد خداى وپى روى مكن مرادهاى ايشانرا كه ترك كنى آنچه آمد بتو از حق همه را مقرر كرديم

مِنكُم شِرعَةً وَمِنهَاجًا وَلَو شَآءَ اللّٰهُ لَجَعَلَكُم اُمَّةً وَاحِدَةً

از شما اى امة موسى و عيسى و محمد راهى وسنتى واگر خواستى خداى هر آينه بگردى شما را بريك دين كه اسلام است

وَلٰكِن لِيَبلُوَكُم فِى مَا اٰتٰيكُم فَاستَبِقُوا الخَيرَاتِ اِلَى اللّٰهِ

وليكن تا بيازمايد شما را در آنچه بشما از كتاب وسنن بس پيشى گيريد بر يكديگر بخيرات با خداىيست

مَرجِعُكُم جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُم فِيهِ تَختَلِفُونَ ۝ وَاَنِ احكُم

بازگشت شما بس آگاه كند شما را باىچه شما دران خلاف مىكنيد واكه حكم كن

بَينَهُم بِمَا اَنزَلَ اللّٰهُ وَلَا تَتَّبِع اَهوَآءَهُم وَاحذَرهُم اَن يَفتِنُوكَ

ميان ايشان باىچه فرو فرستاد خداى وپى روى مكن مرادهاى ايشانرا وپرهيز از ايشان كه بگردانند ترا

عَن بَعضِ مَا اَنزَلَ اللّٰهُ اِلَيكَ فَاِن تَوَلَّوا فَاعلَم اَنَّمَا يُرِيدُ اللّٰهُ

از بعضى از آنچه فرو فرستاد خداى بتو پس اگر اعراض كنند از ايمان وحكم قرآن پس بدان كه ميخواهد خداى

اَن يُصِيبَهُم بِبَعضِ ذُنُوبِهِم وَاِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ ۝

كه بمصيبت افكند ايشانرا بسبب بعضى گناهان ايشان وبدرستى كه بسيارى از مردمان هر آينه فاسقانند يعنى يهود

أفحكم الجاهلية يبغون ومن أحسن من الله حكما لقوم

ای پس حکم جاهلیة در ایام راسن طلب میکنند وکیست نیکوتر از خدای بحکم قومی قومی

يوقنون ۝ يا أيها الذين آمنوا لا تتخذوا اليهود والنصارى

که یقین شوند ای آنها که بگرویده اید فرا مگیرید یهود و نصاری را

أولياء بعضهم أولياء بعض ومن يتولهم منكم فإنه

بدوستان بعضی از ایشان دوستان بعضی اند و هر که دوستی کند با ایشان از شما بدرستی که او

منهم إن الله لا يهدي القوم الظالمين ۝ فترى الذين في

از ایشان باشد بدرستی که خدای راه ننماید قوم ستمکاران را پس بینی تو ای محمد آنها که در

قلوبهم مرض يسارعون فيهم يقولون نخشى أن تصيبنا

دلهای ایشان است شکی و نفاقی که عبد الله که میشتابند در دوستی ایشان میگویند میترسیم که برسد با

ابن ابی ابن سلول و اصحاب او لعنهم الله

دائرة فعسى الله أن يأتي بالفتح أو أمر من عنده فيصبحوا على

حادثه پس شاید که خدای آورد فتحی یا کاری از نزد خویش پس شوند منافقان بر

ما أسروا في أنفسهم نادمين ۝ ويقول الذين آمنوا

آنچه پنهان داشتند در ضمیرهای خویش از دوستی یهود پشیمانان و میگویند آنها که بگرویدند

أهؤلاء الذين أقسموا بالله جهد أيمانهم إنهم لمعكم

ای آن گروه آنها اند که سوگند خوردند بخدای مغلظه ترین سوگندهای ایشان که ایشان هر آینه با شما اند

حبطت أعمالهم فأصبحوا خاسرين ۝ يا أيها الذين آمنوا

باطل شد عملهای ایشان پس گشتند زیان کاران ای آنها که بگرویده اید

من يرتد منكم عن دينه فسوف يأتي الله بقوم يحبهم

هر کس از شما که برگردد از دین خویش از دین خویش پس زود که بیارد خدای قومی را که دوست دارد ایشان را

ويحبونه أذلة على المؤمنين أعزة على الكافرين يجاهدون

و دوست دارند ایشان او را نرم دلان بر مؤمنان سخت دلان بر کافران جهاد کنند

في سبيل الله ولا يخافون لومة لائم ذلك فضل الله يؤتيه من

در راه خدای و نترسند از ملامت هیچ ملامت کننده آن فضل خدایست بدهد آنرا بآنکه

يشاء والله واسع عليم ۝ إنما وليكم الله ورسوله والذين

خواهد و خدای فراخ رحمت دانا بدرستی که دوست شما خدایست و رسول او و آنها

ای عبد الله بن سلام

آمنوا الذين يقيمون الصلوة ويؤتون الزكوة وهم

که بگرویدند آنها که بپای میدارند نماز را و میدهند زکوة را و ایشان

راكعون ۝ ومن يتول الله ورسوله والذين آمنوا فإن حزب

نماز تطوع کنانند و هر که دوستی کند با خدای و رسول او و با آنها که بگرویده اند پس بدرستی که لشکر

الله هم الغالبون ۝ يا أيها الذين آمنوا لا تتخذوا الذين

خدای ایشانند غالبان ای آنها که بگرویده اید فرا مگیرید آنها را

اتخذوا دينكم هزوا ولعبا من الذين أوتوا الكتاب من قبلكم

که فرا گرفتند دین شما را باستهزا و بازی از آنها که داده شدند شان کتاب از پیش شما

والكفار أولياء واتقوا الله إن كنتم مؤمنين ۝ وإذا ناديتم

و فرا مگیرید کافران را بدوستی و بترسید از خدای اگر هستید مؤمنان و چون ندا کنید شما

إلى الصلوة اتخذوها هزوا ولعبا ذلك بأنهم قوم لا

به نماز فرا گیرند آنرا باستهزا و بازی آن بسبب آنست که ایشان قومی اند که

يعقلون ۝ قل يا أهل الكتاب هل تنقمون منا إلا أن آمنا

استعمال عقل نمیکنند بگوی ای محمد ای اهل کتاب کراهت نمیدارید شما از ما مگر آنکه ایمان آوردیم

بالله وما أنزل إلينا وما أنزل من قبل وأن أكثركم

بخدای و بآنچه فرو فرستاده شد با و بآنچه فرو فرستاده شد از پیش و از برای آنکه بیشتر شما

فاسقون ۝ قل هل أنبئكم بشر من ذلك مثوبة عند الله

فاسقانند بگوی ای محمد ای یا کافران شما را ای یهود به بدتر از آنکه نسبت میکنند جزای نزد خدای

با اهل اسلام

من لعنه الله وغضب عليه وجعل منهم القردة والخنازير
آنکس که بلعنت کرد او را خدای و خشم گرفت براو و بکرد از ایشان کپیان و خوکان

وعبد الطاغوت اولئك شر مكانا واضل عن سواء السبيل
و آنکس که پرستید طاغوت را آن گروه بدترند بجایگاه و گمراه ترند از راستی راه

واذا جاءوكم قالوا امنا وقد دخلوا بالكفر وهم قد خرجوا به
و چون آیند بشما یعنی منافقان گویند بگرویدیم و بدرستی که درآمدند ملتبس بکفر و از ایشان بیرون آمدند از نزد محمد با کفر

والله اعلم بما كانوا يكتمون ۝ وترى كثيرا منهم يسارعون
و خدای داناترست بانچه ایشان پنهان میدارند و بینی تو بسیاری از ایشان که می شتابند

في الاثم والعدوان واكلهم السحت لبئس ما كانوا يعملون
در گناه و دشمنی و خوردن ایشان حرام را برشوه هرآینه بدست انچه ایشان میکنند

لولا ينهاهم الربانيون والاحبار عن قولهم الاثم واكلهم
چرا باز نمیدارند ایشان را خداشناسان و دانشمندان از گفتار ایشان بزه را و خوردن ایشان

السحت لبئس ما كانوا يصنعون ۝ وقالت اليهود يد الله مغلولة
حرام را هرآینه بدست انچه ایشان میکنند و گفتند یهودان دست خدای در غل است

غلت ايديهم ولعنوا بما قالوا بل يداه مبسوطتان ينفق
با گردن باد دستهای ایشان و ملعون شدند بانچه گفتند بلکه دستهای او گسترده است نفقه کند

كيف يشاء وليزيدن كثيرا منهم ما انزل اليك من ربك
چنانکه خواهد و هرآینه زیاده کند بسیاری را از ایشان انچه فرو فرستاده شد بتو از پروردگار تو

طغيانا وكفرا والقينا بينهم العداوة والبغضاء
زیاده کند شان بی راهی و کافری و انداختیم میان ایشان دشمنی و خشم

الى يوم القيامة كلما اوقدوا نارا للحرب اطفاها الله ويسعون
تا روز قیامت هرگاه که برافروزند آتشی را از برای جنگ باز نشاند آنرا خدای و میشتابند

في الارض فسادا والله لا يحب المفسدين ۝ ولو ان اهل الكتاب
در زمین به تباهی کردن و خدای دوست نمیدارد تباهی کنندگان را و اگر آنکه اهل کتاب

امنوا واتقوا لكفرنا عنهم سيئاتهم ولادخلناهم جنات
بگرویدندی بمحمد و پرهیزیدی هرآینه درگذاشتمی از ایشان گناهان ایشان را و هرآینه درآوردمانی ایشانرا در بهشتهای
از یهود و نصاری

النعيم ۝ ولو انهم اقاموا التوراة والانجيل وما انزل
پرنعمت و اگر آنکه ایشان عمل کردندی به توریة و انجیل و انچه فرو فرستاده شد

اليهم من ربهم لاكلوا من فوقهم ومن تحت ارجلهم
با ایشان از پروردگار ایشان هرآینه بخوردندی از بالای ایشان یعنی باران و از زیر پایهای ایشان از نبات زمین

منهم امة مقتصدة وكثير منهم ساء ما يعملون ۝
از ایشان هستند گروهی ایمان آورنده و بسیاری از ایشان بدست ایشان میکنند

يا ايها الرسول بلغ ما انزل اليك من ربك وان لم تفعل
ای رسول محترم برسان انچه فرو فرستاده شد بتو از پروردگار تو و اگر نه کنی

فما بلغت رسالته والله يعصمك من الناس ان الله لا
پس نرسانیده باشی رسالت او را و خدای نگه دارد ترا از مردمان بدرستی که خدای

رسالاته

يهدي القوم الكافرين ۝ قل يا اهل الكتاب لستم على شيء
راه ننماید قوم کافران بگوای محمد ای اهل کتاب نیستید شما بر چیزی از دین

حتى تقيموا التوراة والانجيل وما انزل اليكم من ربكم
تا عمل کنید بر انچه در توریة است و انجیل از ایمان بمحمد و بیان وصفت او و انچه فرو فرستاده شده بشما از پروردگار شما

وليزيدن كثيرا منهم ما انزل اليك من ربك طغيانا وكفرا
و هرآینه زیاده میکند بسیاری از ایشان انچه فرو فرستاده شده بتو از پروردگار تو زیاده کند شان بی راهی و کفر

فلا تاس على القوم الكافرين ۝ ان الذين امنوا والذين هادوا
پس اندوه مخور بر قوم کافران اگر ترا بدروغ نسبت کنند بدرستی که آنها که بگرویده اند و آنها که جهود شدند

والصابئون والنصارى من امن بالله واليوم الاخر وعمل صالحا
واز دینی بدینی شوندگان وترسایان هرکس که بگرود بخدای وروز قیامت وکند کار نیکو

فلا خوف عليهم ولا هم يحزنون ۝ لقد اخذنا ميثاق بني
پس نباشد ترسی برایشان ونه ایشان اندوهگین شوند بدرستی که فرا گرفتیم عهد از فرزندان

اسرائيل وارسلنا اليهم رسلا كلما جاءهم رسول
یعقوب وفرستادیم بایشان رسولانی هرگاه که آمدی بایشان رسولی

بما لا تهوى انفسهم فريقا كذبوا وفريقا يقتلون ۝
بانچه دوست نداشتی ازنفسهای ایشان گروهی را بپیغمبران دروغ وگروهی را کشتندی

وحسبوا الا تكون فتنة فعموا وصموا ثم تاب الله عليهم
وپنداشتند که نباشد در اصرار بر کفر وقتل وتکذیب پس کور شدند وکر شدند پس در توبه بگشود خدای برایشان

ثم عموا وصموا كثير منهم والله بصير بما يعملون ۝ لقد
بعد از آن کور وکر شدند از قبول حق بسیاری از ایشان وخدای بیناست بانچه میکنند بدرستی

كفر الذين قالوا ان الله هو المسيح ابن مريم وقال المسيح يا بني
که کافر شدند آنها که گفتند بدرستی که خدای اوست مسیح پسر مریم وگفت مسیح ای فرزندان

اسرائيل اعبدوا الله ربي وربكم انه من يشرك بالله فقد حرم
یعقوب بپاکی پرستید خدایرا که پروردگار من وپروردگار شما بدرستی که هرکه انباز گیرد بخدای پس بدرستی که حرام کرد

الله عليه الجنة ومأواه النار وما للظالمين من انصار ۝
خدای بر او بهشت وجای او آتش است ونباشد ستمکارانرا هیچ یاری دهندگانی

لقد كفر الذين قالوا ان الله ثالث ثلاثة وما من اله الا
بدرستی که کافر شدند آنها که گفتند بدرستی که خدای سوم سه خداست ونیست هیچ خدایی مگر

اله واحد وان لم ينتهوا عما يقولون ليمسن الذين كفروا
خدای یکتای بی همتای واگر باز نایستند از آنچه میگویند از تثلیث هر آینه برسانند بانها که کافر شدند

منهم عذاب اليم ۝ افلا يتوبون الى الله ويستغفرونه والله
از ایشان عذابی دردناک ایا پس باز نمیگردند با خدای وآمرزش خواهند از او وخدای

غفور رحيم ۝ ما المسيح ابن مريم الا رسول قد خلت من
آمرزنده است رحمت کننده نیست هیچ مسیح پسر مریم مگر رسولی بدرستی که گذشت از

قبله الرسل وامه صديقة كانا ياكلان الطعام
پیش او رسولان ومادر او سخت راست گوی بوده ایشان دو پسر بودند که میخوردند خوردنی

انظر كيف نبين لهم الايات ثم انظر انى يؤفكون ۝
بنگر ای محمد که چگونه روشن میکنیم از برای ایشان نشانهای پس بنگر که چگونه گردیده میشوند

قل اتعبدون من دون الله ما لا يملك لكم ضرا ولا نفعا
بگوی ای محمد پرستش میکنید از غیر خدای آنچه نمیتواند رسانید شمارا زیانی ونه سودی

والله هو السميع العليم ۝ قل يا اهل الكتاب لا تغلوا في
وخدای اوست شنوای دانا بگوی ای محمد ای اهل کتاب غلو مکنید واز حد در

دينكم غير الحق ولا تتبعوا اهواء قوم قد ضلوا من قبل واضلوا
دین خویش بنا حق وپی روی مکنید مرادهای قومی را از که گمراه شدند از پیش وگمراه کردند

كثيرا وضلوا عن سواء السبيل ۝ لعن الذين كفروا
بسیاری وگمراه شدند از راستی راه ملعون گشتند آنها که کافر شدند

من بني اسرائيل على لسان داود وعيسى ابن مريم ذلك بما
از بنی اسرائیل که اصحاب سبت اند بزبان داود وعیسی پسر مریم آن بسبب آن بود

عصوا وكانوا يعتدون ۝ كانوا لا يتناهون عن منكر فعلوه
که عاصی شدند وبودند که از حد میگذشتند ایشان که باز نمی ایستادند از ناشایستی که میکردند

لبئس ما كانوا يفعلون ۝ ترى كثيرا منهم يتولون الذين
هر آینه بد است آنچه ایشان میکردند بینی تو بسیاری را از ایشان یعنی که دوستی کنند با آنها

كفروا لبئس ما قدمت لهم انفسهم ان سخط الله عليهم

که کافر شدند هرآینه بدست انچه ازپیش فرستاد ایشان را نفسهای ایشان که خشم گرفت خدای برایشان

ازاهل مکه

وفي العذاب هم خالدون ۝ ولو كانوا يؤمنون بالله والنبي

و در عذاب ایشان جاویدان باشند واگرایشان بگرویدندی بخدای و پیغمبر که محمد است

وما انزل اليه ما اتخذوهم اولياء ولكن كثيرا منهم

وآنچه فروفرستاده شد به او فرا نگرفتندی ایشان را بدوستی ولیکن بسیاری از ایشان

فاسقون ۝ لتجدن اشد الناس عداوة للذين امنوا اليهود

فاسقانند هرآینه یابی تو سخت‌ترین مردمان بدشمنی مرآنهارا که بگرویدند جهودان را

والذين اشركوا ولتجدن اقربهم مودة للذين امنوا الذين

وآنها که مشرک شدند و هرآینه یابی تو نزدیکترین ایشان بدوستی مرآنهارا که بگرویدند آنهارا

قالوا انا نصارى ذلك بان منهم قسيسين ورهبانا وانهم

که گفتند بدرستی که ما ترسایانیم آن بسبب آنست که از ترسایان دانشمندان و زاهدان واکه ایشان

لا يستكبرون ۝ واذا سمعوا ما انزل الى الرسول ترى اعينهم

گردن کشی نمیکنند وچون شنوند انچه فروفرستاده شد برسول که قرآنست بینی تو چشمهای ایشان

تفيض من الدمع مما عرفوا من الحق يقولون ربنا امنا فاكتبنا

که باران میشود از اشک باری از انچه شناختند از حق میگویند ای پروردگار تصدیق کردیم پس بنویس مارا

مع الشاهدين ۝ وما لنا لا نؤمن بالله وما جاءنا من الحق

با گواهی دهندگان بحق که امت وچیست مارا که نگرویم بخدای وبانچه آمد بما از حق که قرآنست

ونطمع ان يدخلنا ربنا مع القوم الصالحين ۝ فاثابهم الله

وحال آنکه ما طمع داریم که درآورد مارا پروردگار ما با قوم نیکوکاران که امت محمدند در بهشت پس جزا داد ایشان را خدای

بما قالوا جنات تجري من تحتها الانهار خالدين فيها وذلك

بانچه گفتند بهشتهایی که میرود زیر آن قصرها ودرختها جویها جاویدان درآن وآنست

الجزء السابع

جزاء المحسنين ۝ والذين كفروا وكذبوا باياتنا اولئك

جزاء نیکوکاران وآنها که کافر شدند وبدروغ داشتند نشانهای مارا آن گروه

اصحاب الجحيم ۝ يا ايها الذين امنوا لا تحرموا طيبات

اهل دوزخ باشند ای آنها که بگرویده اید حرام مکردانید پاکیهای

ما احل الله لكم ولا تعتدوا ان الله لا يحب المعتدين ۝

انچه حلال کرده خدای شمارا از مطاعم طیبه وخواب ونکاح وازحد درمگذرید بدرستی که خدای دوست نمیدارد ازحد درگذرندگان

وكلوا مما رزقكم الله حلالا طيبا واتقوا الله الذي انتم به

وبخورید از انچه روزی داد خدای شمارا حلالی طیب پاک وبترسید از آن خدایی که شما باو

مؤمنون ۝ لا يؤاخذكم الله باللغو في ايمانكم ولكن

ایمان آورندگانید نگیرد شمارا خدای بلغو در سوگندهای شما ولیکن

يؤاخذكم بما عقدتم الايمان فكفارته اطعام عشرة

بگیرد شمارا بانچه بسته باشید بدل سوگندهارا پس کفاره آن چون حانث شوید طعام دادنست ده

مساكين من اوسط ما تطعمون اهليكم او كسوتهم

مسکین را سیر کردنی از میانه انچه طعام دهید اهلهای خویش را یا جامه پوشانیدن ایشان

او تحرير رقبة فمن لم يجد فصيام ثلاثة ايام ذلك

یا آزاد کردن بنده مومن پس هرکه نیابد پس برو باشد روزه سه روز داشتن آنست

كفارة ايمانكم اذا حلفتم واحفظوا ايمانكم كذلك

کفاره سوگندان شما چون سوگند وخشم خورید وبدروغ ونگه دارید سوگندان خویش را همچنین

يبين الله لكم اياته لعلكم تشكرون ۝ يا ايها الذين

روشن میکند خدای شمارا نشانهای خویش تا مگر شما شکر کنید ای آنها

امنوا انما الخمر والميسر والانصاب والازلام رجس من

که بگرویده اید بدرستی که خمر وقمار وبتان وتیرهای قمار پلیدی هست از

عمل الشيطان فاجتنبوه لعلكم تفلحون ۝ انما يريد الشيطان

عمل شیطان پس دور شوید از آن تا مگر شما رستگاری یابید بدرستی که میخواهد شیطان

ان يوقع بينكم العداوة والبغضاء في الخمر والميسر

که بر اندازد میان شما دشمنی و خشم در خمر و قمار

ويصدكم عن ذكر الله وعن الصلوة فهل انتم منتهون ۝

و باز دارد شما را از یاد خدای کردن و از نماز پس ای هستید شما باز ایستادگان یعنی باز ایستید

واطيعوا الله واطيعوا الرسول واحذروا فان توليتم فاعلموا انما

على رسولنا البلاغ المبين ۝ ليس على الذين امنوا وعملوا

الصالحات جناح فيما طعموا اذا ما اتقوا وامنوا وعملوا

الصالحات ثم اتقوا وامنوا ثم اتقوا واحسنوا والله يحب

المحسنين ۝ يا ايها الذين امنوا ليبلونكم الله بشيء من الصيد

تناله ايديكم ورماحكم ليعلم الله من يخافه بالغيب فمن

اعتدى بعد ذلك فله عذاب اليم ۝ يا ايها الذين امنوا

لا تقتلوا الصيد وانتم حرم ومن قتله منكم متعمدا فجزاء

مثل ما قتل من النعم يحكم به ذوا عدل منكم هديا بالغ

الكعبة او كفارة طعام مساكين او عدل ذلك صياما

ليذوق وبال امره عفا الله عما سلف ومن عاد فينتقم الله

منه والله عزيز ذو انتقام ۝ احل لكم صيد البحر وطعامه

متاعا لكم وللسيارة وحرم عليكم صيد البر ما دمتم

حرما واتقوا الله الذي اليه تحشرون ۝ جعل الله الكعبة

البيت الحرام قياما للناس والشهر الحرام والهدي والقلائد

ذلك لتعلموا ان الله يعلم ما في السموات وما في الارض وان

الله بكل شيء عليم ۝ اعلموا ان الله شديد العقاب وان

الله غفور رحيم ۝ ما على الرسول الا البلاغ والله يعلم

ما تبدون وما تكتمون ۝ قل لا يستوي الخبيث والطيب ولو

أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللّٰهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ
بعجب آورد ترا بسیاری پلید پس بترسید از خدای ای خداوندان خردها تا باشد که شما

تُفْلِحُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءَ إِنْ تُبْدَ
رستگار شوید ای آنها که بگرویده اید مپرسید از چیزهایی که اگر آشکارا کرده شود

لَكُمْ تَسُؤْكُمْ وَإِنْ تَسْأَلُوا عَنْهَا حِينَ يُنَزَّلُ الْقُرْآنُ تُبْدَ لَكُمْ
شما را بیخ آورد شما را و اگر بپرسید از آن هنگام که فرو فرستاده شود قرآن آشکارا کرده شود شما را

عَفَا اللّٰهُ عَنْهَا وَاللّٰهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ ۝ قَدْ سَأَلَهَا قَوْمٌ مِنْ قَبْلِكُمْ
درگذشت خدای از آن و خدای آمرزنده است تاخیر کننده عقوبت بدرستی که پرسیدند از آن قومی از پیش شما

ثُمَّ أَصْبَحُوا بِهَا كَافِرِينَ ۝ مَا جَعَلَ اللّٰهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ
پس گشتند بآن کافران واجب نکرد خدای هیچ از این مخترعات کفره و نه سائبه یعنی انعام

وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ وَلَٰكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللّٰهِ
و نه وصیله و نه حامی ولیکن آنها که کافر شدند افترا میکنند بر خدای

الْكَذِبَ وَأَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ۝ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا
دروغ را در تحریم این انعام و بیشتر ایشان استعمال عقل نمی کنند و چون گویند ایشان را بیایید

إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللّٰهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ
با آنچه فرو فرستاد خدای و بیایید برسول گویند بس است ما را آنچه یافتیم بر آن
از تحلیل این انعام

آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ ۝
پدران خویش را ای اگرچه پدران ایشان ندانستند چیزی را و راه راست نیافتندی

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ
ای آنها که بگرویده اید نگاه دارید از معاصی نفسهای خویش را که زیان نکند شما را آنکس که گمراه شود

إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللّٰهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝
چون راه یابید شما را با خدای است بازگشت شما همه پس آگاه کند شما را و جزا دهد تان با آنچه شما کرده باشید

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةُ بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ
ای آنها که بگرویده اید باید که حاضر شوید شما بگواهی چون برسد به یکی از شما قرینه مرگ

حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ أَوْ آخَرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ
گاهی که خواهد وصیت را باید که گواه شوید دو عدل از دین شما یا دو گواه از غیر دین شما
چون غیر ایشان

إِنْ أَنْتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةُ الْمَوْتِ
اگر شما سیر کنید در زمین یعنی در سفری که پس برسد شما در رسیدن مرگ
گواه از مسلمانان نباشد گواه ذمی شاید

تَحْبِسُونَهُمَا مِنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيُقْسِمَانِ بِاللّٰهِ إِنِ ارْتَبْتُمْ
باز دارید گواهان را بعد از نماز پس سوگند بخدای اگر شک کنند در امانت و عدالت ایشان سوگند یاد کنند

لَا نَشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَلَا نَكْتُمُ شَهَادَةَ
که نمیفروشیم دین خدای بمال دنیا و اگرچه باشد مشهود له خداوند خویشی و باز نمی پوشانیم گواهی که با جامت این
بنا و نمی یا نمیکنیم در گواهی

اللّٰهِ إِنَّا إِذًا لَمِنَ الْآثِمِينَ ۝ فَإِنْ عُثِرَ عَلَىٰ أَنَّهُمَا اسْتَحَقَّا إِثْمًا
امر فرمود که اگر باز پوشانیم بدرستی که ما آنگاه از جمله گناهکاران باشیم پس اگر وقوف حاصل شود بر آنکه آن دو گواه مرتکب گناهی شدند از خیانت

فَآخَرَانِ يَقُومَانِ مَقَامَهُمَا مِنَ الَّذِينَ اسْتَحَقَّ عَلَيْهِمُ
پس دو گواه دیگر بایستند بجای ایشان از آنها که ورثه اند که مستحق شدند بر ایشان

الْأَوْلَيَانِ فَيُقْسِمَانِ بِاللّٰهِ لَشَهَادَتُنَا أَحَقُّ مِنْ شَهَادَتِهِمَا
آن دو گواه اول پس سوگند خورند آن بخدای که هر آینه گواهی ما راست است از گواهی آن دو ی اول
دو گواه از ورثه

وَمَا اعْتَدَيْنَا إِنَّا إِذًا لَمِنَ الظَّالِمِينَ ۝ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يَأْتُوا
و از حد نگذشتیم در آنچه گفتیم که اگر در گذریم بدرستی که ما آنگاه از جمله ستمکاران باشیم این حکم نزدیکتر است با آنکه بیارند

بِالشَّهَادَةِ عَلَىٰ وَجْهِهَا أَوْ يَخَافُوا أَنْ تُرَدَّ أَيْمَانٌ بَعْدَ أَيْمَانِهِمْ
بگواهی حق بر وجهی که بوده باشد و نزدیکتر است با آنکه یا بترسند از آنکه رد کنند سوگندهای اولیای میت بعد از سوگندهای اوصیا

وَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاسْمَعُوا وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ۝
و بترسید از خدای و بشنوید پندها و خدا راه ننماید قوم فاسقان

يَوْمَ يَجْمَعُ اللّٰهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَا أُجِبْتُمْ قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا

إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ ۝ إِذْ قَالَ اللّٰهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ

اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ إِذْ أَيَّدْتُكَ بِرُوحِ

الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ

وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَاةَ وَالْإِنْجِيلَ وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ

الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنْفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي وَتُبْرِئُ الْأَكْمَهَ

وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِي وَإِذْ كَفَفْتُ

بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا

مِنْهُمْ إِنْ هَٰذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ ۝ وَإِذْ أَوْحَيْتُ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ

أَنْ آمِنُوا بِي وَبِرَسُولِي قَالُوا آمَنَّا وَاشْهَدْ بِأَنَّنَا مُسْلِمُونَ

إِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَنْ

يُنَزِّلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ قَالَ اتَّقُوا اللّٰهَ إِنْ كُنْتُمْ

مُؤْمِنِينَ ۝ قَالُوا نُرِيدُ أَنْ نَأْكُلَ مِنْهَا وَتَطْمَئِنَّ قُلُوبُنَا وَنَعْلَمَ

أَنْ قَدْ صَدَقْتَنَا وَنَكُونَ عَلَيْهَا مِنَ الشَّاهِدِينَ ۝ قَالَ عِيسَى

ابْنُ مَرْيَمَ اللّٰهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ

تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ

خَيْرُ الرَّازِقِينَ ۝ قَالَ اللّٰهُ إِنِّي مُنَزِّلُهَا عَلَيْكُمْ فَمَنْ يَكْفُرْ

بَعْدُ مِنْكُمْ فَإِنِّي أُعَذِّبُهُ عَذَابًا لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ

وَإِذْ قَالَ اللّٰهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ أَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي

وَأُمِّيَ إِلَٰهَيْنِ مِنْ دُونِ اللّٰهِ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ

مَا لَيْسَ لِي بِحَقٍّ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعْلَمُ مَا فِي

نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ

مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ

وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتَ

أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ إِنْ تُعَذِّبْهُمْ

فَإِنَّهُمْ عِبَادُكَ وَإِنْ تَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

قَالَ اللَّهُ هَٰذَا يَوْمُ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي

مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا

عَنْهُ ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

وَمَا فِيهِنَّ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

سورة الانعام مائة وخمس وستون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ

وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ هُوَ الَّذِي

خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُسَمًّى عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ

تَمْتَرُونَ وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ

وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ

مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ فَقَدْ كَذَّبُوا

بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ

أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّنَّاهُمْ فِي

الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمَكِّنْ لَكُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا

وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ

وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا

فِي قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَٰذَا إِلَّا

سِحْرٌ مُبِينٌ ۝ وَقَالُوا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ وَلَوْ أَنْزَلْنَا مَلَكًا

لَقُضِيَ الْأَمْرُ ثُمَّ لَا يُنْظَرُونَ ۝ وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا لَجَعَلْنَاهُ

رَجُلًا وَلَلَبَسْنَا عَلَيْهِمْ مَا يَلْبِسُونَ ۝ وَلَقَدِ اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ

مِنْ قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ ۝

قُلْ لِمَنْ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ لِلّٰهِ كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ

الرَّحْمَةَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ الَّذِينَ

خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ وَلَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ

وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۝ قُلْ أَغَيْرَ اللّٰهِ أَتَّخِذُ وَلِيًّا فَاطِرِ

السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ

أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ۝ قُلْ إِنِّي

80

أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ۝ مَنْ يُصْرَفْ

عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ وَذٰلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ ۝ وَإِنْ يَمْسَسْكَ

اللّٰهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَى

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ

الْخَبِيرُ ۝ قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللّٰهُ شَهِيدٌ بَيْنِي

وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هٰذَا الْقُرْآنُ لِأُنْذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ أَئِنَّكُمْ

لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللّٰهِ آلِهَةً أُخْرَى قُلْ لَا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ

إِلٰهٌ وَاحِدٌ وَإِنَّنِي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ ۝ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ

يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمُ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ

فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا

أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ۝ وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا

بخير

ثم نقول للذين اشركوا اين شركاؤكم الذين كنتم
تزعمون ۝ ثم لم تكن فتنتهم الا ان قالوا والله ربنا ما كنا
مشركين ۝ انظر كيف كذبوا على انفسهم وضل عنهم
ما كانوا يفترون ۝ ومنهم من يستمع اليك وجعلنا
على قلوبهم اكنة ان يفقهوه وفي اذانهم وقرا
وان يروا كل اية لا يؤمنوا بها حتى اذا جاؤك يجادلونك
يقول الذين كفروا ان هذا الا اساطير الاولين ۝ وهم
ينهون عنه وينأون عنه وان يهلكون الا انفسهم وما
يشعرون ۝ ولو ترى اذ وقفوا على النار فقالوا يا ليتنا
نرد ولا نكذب بايات ربنا ونكون من المؤمنين ۝ بل بدا لهم
ما كانوا يخفون من قبل ولو ردوا لعادوا لما نهوا عنه

وانهم لكاذبون ۝ وقالوا ان هي الا حيوتنا الدنيا وما نحن
بمبعوثين ۝ ولو ترى اذ وقفوا على ربهم قال اليس هذا بالحق
قالوا بلى وربنا قال فذوقوا العذاب بما كنتم تكفرون ۝
قد خسر الذين كذبوا بلقاء الله حتى اذا جاءتهم الساعة
بغتة قالوا يا حسرتنا على ما فرطنا فيها وهم يحملون
اوزارهم على ظهورهم الا ساء ما يزرون ۝ وما الحيوة
الدنيا الا لعب ولهو وللدار الاخرة خير للذين يتقون
افلا تعقلون ۝ قد نعلم انه ليحزنك الذي يقولون فانهم
لا يكذبونك ولكن الظالمين بايات الله يجحدون ۝ ولقد
كذبت رسل من قبلك فصبروا على ما كذبوا واوذوا
حتى اتيهم نصرنا ولا مبدل لكلمات الله ولقد جاءك

مِن نَّبَإِ الْمُرْسَلِينَ ۝ وَإِن كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنِ
از خبر رسولان ۝ واگر چنانچه بزرگست بر تو اعراض ایشان از ایمان پس اگر

اسْتَطَعْتَ أَن تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ سُلَّمًا فِي السَّمَاءِ
می توانی که بجویی سوراخی در زمین یا نردبانی در آسمان

فَتَأْتِيَهُم بِآيَةٍ ۚ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَىٰ ۚ فَلَا تَكُونَنَّ
پس بیاوری بایشان نشانی واگر خواستی خدای هر آینه جمع کردی ایشان را بر راه راست پس مباش

مِنَ الْجَاهِلِينَ ۝ إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ ۘ وَالْمَوْتَىٰ
از جمله نادانان ۝ بدرستی که اجابت میکنند دعوت ترا آنها که میشنوند [illegible]

يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ ۝ وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ
برانگیزد ایشان را خدای در قیامت پس باو بازگردانند ایشان را ۝ وگفتند [illegible] چرا فرو نفرستادند بر محمد نشانی

مِّن رَّبِّهِ ۚ قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَن يُنَزِّلَ آيَةً وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ
[illegible] بگو بدرستی که خدای تواناست بر آنکه فرو فرستد نشانی ولیکن بیشتر ایشان [illegible]

لَا يَعْلَمُونَ ۝ وَمَا مِن دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ
[illegible] ۝ ونیست هیچ جنبنده در زمین و نه پرنده که می پرد به پر و بال خویش

إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُم ۚ مَّا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِن شَيْءٍ ۚ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ
مگر امتهایی مانند شما [illegible] تقصیر نکردیم در قرآن [illegible]

يُحْشَرُونَ ۝ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا صُمٌّ وَبُكْمٌ فِي الظُّلُمَاتِ ۗ
حشر کرده شوند ۝ وآنها که دروغ داشتند آیتهای ما را کرانند و گنگانند [illegible]

مَن يَشَإِ اللَّهُ يُضْلِلْهُ وَمَن يَشَأْ يَجْعَلْهُ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ۝
هر که خواهد خدای گمراه کند و هر که خواهد ثابت دارد او را بر راهی راست

قُلْ أَرَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمُ
بگوی ای محمد [illegible] مرا اگر بیاید عذاب خدای [illegible] بیاید بشما

السَّاعَةُ أَغَيْرَ اللَّهِ تَدْعُونَ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ۝ بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ
قیامت ای غیر خدای خوانید خبر دهید که گرا خوانید [illegible] اگر هستند راست گویان ۝ بلکه او را خوانید

فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِن شَاءَ وَتَنسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ ۝
پس بردارد بلایی که از بهر آن او را می خوانید اگر خواهد و فراموش میکنید [illegible]

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُم بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ
وبدرستی که فرستادیم رسولانی با متی چند از پیش تو پس [illegible] گرفتیم [illegible]

لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ ۝ فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُم بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَٰكِن
تا مگر ایشان تضرع [illegible] ۝ پس [illegible] چون بایشان عذاب ما تضرع نکردند ولیکن

قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝
[illegible] دلهای ایشان و آراسته کرد ایشان را شیطان بدیهایی که ایشان میکردند

فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ
پس چون فراموش کردند آنچه پند داده شده بودند بآن بگشودیم بر ایشان درهای هر چیزی از نعمت

حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُم بَغْتَةً فَإِذَا هُم مُّبْلِسُونَ ۝
تا چون شاد شدند بآنچه داده شده بودند بگرفتیم ایشان را در آن شادی ناگاه ۝ پس آنگاه ایشان ناامید شوندگان بودند

فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا ۚ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝
پس بریده شد آخر قومی که ظالم بودند [illegible] وثنا وستایش خدای را که پروردگار عالمیانست

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَارَكُمْ وَخَتَمَ عَلَىٰ
بگوی ای محمد که خبر دهید مرا که اگر فرا گیرد خدای شنوایی های شما و بینایی های شما [illegible] و مهر نهد بر

قُلُوبِكُم مَّنْ إِلَٰهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُم بِهِ ۗ انظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ
دلهای شما کیست خدایی غیر خدای که آورد شما را [illegible] بنگر که چگونه بیان می کنیم در قرآن آیتها را

ثُمَّ هُمْ يَصْدِفُونَ ۝ قُلْ أَرَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ بَغْتَةً
پس ایشان اعراض میکنند ۝ بگوی ای محمد خبر دهید مرا که اگر آید بشما عذاب خدای ناگاه [illegible]

اَوْ جَهْرَةً هَلْ يُهْلَكُ اِلَّا الْقَوْمُ الظَّالِمُونَ ۝ وَمَا نُرْسِلُ

یا معاینه بروز هیچ هلاک شود کسی مگر قوم ستمکاران که شرک آورده باشند و نفرستادیم پیغامبران را

الْمُرْسَلِينَ اِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ فَمَنْ اٰمَنَ وَاَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ

پیغامبران را مگر بشارت دهندگان و بیم کنندگان پس هر که بگرود و کار به اصلاح آورد پس نباشد ترسی

عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۝ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِاٰيَاتِنَا يَمَسُّهُمُ

بر ایشان و نه ایشان اندوهگین شوند و آنها که بدروغ داشتند آیتهای ما را برسد بایشان

الْعَذَابُ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ۝ قُلْ لَا اَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي

عذاب پس آنکه ایشان نافرمانی کردند بگوای محمد نمیگویم شما را که نزد منست

خَزَائِنُ اللّٰهِ وَلَا اَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا اَقُولُ لَكُمْ اِنِّي مَلَكٌ اِنْ اَتَّبِعُ

خزینهای خدای و نمیدانم غیب را و نمیگویم شما را که من فرشته‌ام پی روی نمیکنم

اِلَّا مَا يُوحٰى اِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْاَعْمٰى وَالْبَصِيرُ اَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ

مگر آنچه وحی کرده میشود بمن بگوای یکسان می باشد نابینا و بینا ای پس اندیشه نمیکنید

وَاَنْذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ اَنْ يُحْشَرُوا اِلٰى رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُمْ مِنْ

و بیم کن بقرآن آنهارا که میترسند از آن روز که حشر کنندشان بپروردگار نباشد ایشانرا از (ایشان)

دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ۝ وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ

غیر او هیچ دوستی و نه شفیعی تا مگر ایشان پرهیز کنند در دنیا از منهیات و مران از مجلس خود آن درویشان ای محمد

يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ مَا عَلَيْكَ

که میخوانند پروردگار خویش را در بامداد و شبانگاه می خواهند ثواب و رضای او نیست بر تو

مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ

از حساب ایشان هیچ چیزی و نیست از حساب تو بر ایشان هیچ چیزی که

فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ ۝ وَكَذٰلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُمْ

تا برانی ایشانرا پس باشی از جمله ستمکاران و همچنین آزمودیم بعضی را از ایشان

بِبَعْضٍ لِيَقُولُوا اَهٰؤُلَاءِ مَنَّ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْنِنَا اَلَيْسَ اللّٰهُ

بعضی را تا گویند سرداران ای این که منت نهاده بر ایشان خدای بفضله و عنایت از میان ما ای نیست خدای
بفقیر و سرخ و ابو صبیح گروه فقرا اند

بِاَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ ۝ وَاِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاٰيَاتِنَا

داناتر بشکر کنندگان یعنی راه نماید کسی را که داند که شکر گذارد او وچون آیند بتو ای محمد آنها که میگروند آیتهای ما یعنی صحابه

فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلٰى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ اَنَّهُ مَنْ عَمِلَ

پس بگو سلام بر شما باد نوشت پروردگار شما بر ذات پاک خویش رحمت را که هر کرا از شما آن است که مرتکب شود

مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَاَصْلَحَ فَاَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

از شما بدی بنادانی پس توبه کند بعد از ان و کار با صلاح آورد پس بدرستی که او آمرزنده است رحمت کننده

وَكَذٰلِكَ نُفَصِّلُ الْاٰيَاتِ وَلِتَسْتَبِينَ سَبِيلُ الْمُجْرِمِينَ ۝

و همچنین روشن میکنیم حجتها تا ظاهر شود حق و تا روشن شود راه گناهکاران

قُلْ اِنِّي نُهِيتُ اَنْ اَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ قُلْ لَا اَتَّبِعُ

بگو بدرستی که مرا نهی کرده اند که پرستش کنم آنهارا که می خوانید و پرستش میکنید از غیر خدای بگو پیروی نمیکنم

اَهْوَاءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُ اِذًا وَمَا اَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ ۝ قُلْ اِنِّي

آرزوهای شمارا که اگر پیروی کنم بدرستی که گمراه [illegible] شده باشم آن زمان و نبوده باشم از جمله راه یافتگان بگوای محمد بدرستی

عَلٰى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَكَذَّبْتُمْ بِهِ مَا عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ

بر حجتی ام از پروردگار خویش و بدروغ داشتید شما آنرا نیست نزد من آنچه بتعجیل میطلبید آنرا از عذاب و آیات

اِنِ الْحُكْمُ اِلَّا لِلّٰهِ يَقُصُّ الْحَقَّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ ۝ قُلْ لَوْ اَنَّ

نیست فرمان مگر خدایرا میگوید گفتار حق و او بهترین جدا کنندگانست میان حق و باطل بگوای محمد اگر بودی

عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ لَقُضِيَ الْاَمْرُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَاللّٰهُ اَعْلَمُ

نزد من آنچه بشتاب میخواهید [illegible] هر آینه گزارده شدی کار میان من و شما و فرود آمدی عذاب و خدای داناتر است

بِالظَّالِمِينَ ۝ وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا اِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ

بوقت عذاب ظالمان و نزد اوست کلیدهای علم غیب نداند هیچکس آنرا مگر او و داند

ما في البرّ والبحر وما تسقط من ورقةٍ الّا يعلمها ولا حبّةٍ

في ظلمات الارض ولا رطبٍ ولا يابسٍ الّا في كتابٍ مبينٍ

وهو الّذي يتوفّيكم باللّيل ويعلم ما جرحتم بالنّهار ثمّ

يبعثكم فيه ليقضى اجلٌ مسمًّى ثمّ اليه مرجعكم

ثمّ ينبّئكم بما كنتم تعملون وهو القاهر فوق عباده ويرسل

عليكم حفظةً حتّى اذا جاء احدكم الموت توفّته رسلنا

وهم لا يفرّطون ثمّ ردّوا الى الله موليهم الحقّ الا له الحكم

وهو اسرع الحاسبين قل من ينجّيكم من ظلمات

البرّ والبحر تدعونه تضرّعًا وخفيةً لئن انجينا من هذه

لنكوننّ من الشّاكرين قل الله ينجّيكم منها ومن كلّ كربٍ

ثمّ انتم تشركون قل هو القادر على ان يبعث عليكم عذابًا

من فوقكم او من تحت ارجلكم او يلبسكم شيعًا ويذيق

بعضكم بأس بعضٍ انظر كيف نصرّف الآيات لعلّهم يفقهون

وكذّب به قومك وهو الحقّ قل لست عليكم بوكيلٍ

لكلّ نبإٍ مستقرٌّ وسوف تعلمون واذا رأيت الّذين

يخوضون في آياتنا فاعرض عنهم حتّى يخوضوا في حديثٍ

غيره وامّا ينسينّك الشّيطان فلا تقعد مع القوم الظّالمين

بعد الذكرى

وما على الّذين يتّقون من حسابهم من شيءٍ ولكن ذكرى

لعلّهم يتّقون وذر الّذين اتّخذوا دينهم لعبًا ولهوًا

وغرّتهم الحيوة الدّنيا وذكّر به ان تبسل نفسٌ بما كسبت

ليس لها من دون الله وليٌّ ولا شفيعٌ وان تعدل كلّ

عدلٍ لا يؤخذ منها اولئك الّذين ابسلوا بما كسبوا لهم شرابٌ

من حميم وعذاب اليم بما كانوا يكفرون ۝ قل اندعوا
من دون الله ما لا ينفعنا ولا يضرنا ونرد على اعقابنا
بعد اذ هدىنا الله كالذي استهوته الشياطين
في الارض حيران له اصحاب يدعونه الى الهدى ائتنا قل
ان هدى الله هو الهدى وامرنا لنسلم لرب العالمين ۝
وان اقيموا الصلوة واتقوه وهو الذي اليه تحشرون ۝
وهو الذي خلق السموات والارض بالحق ويوم يقول كن
فيكون ۝ قوله الحق وله الملك يوم ينفخ في الصور عالم الغيب
والشهادة وهو الحكيم الخبير ۝ واذ قال ابرهيم لابيه
ازر اتتخذ اصناما الهة اني اريك وقومك في ضلال
مبين ۝ وكذلك نري ابرهيم ملكوت السموات والارض

وليكون من الموقنين ۝ فلما جن عليه الليل راى كوكبا
قال هذا ربي فلما افل قال لا احب الافلين ۝ فلما راى القمر
بازغا قال هذا ربي فلما افل قال لئن لم يهدني ربي لاكونن
من القوم الضالين ۝ فلما راى الشمس بازغة قال هذا ربي
هذا اكبر فلما افلت قال يا قوم اني بريء مما تشركون ۝
اني وجهت وجهي للذي فطر السموات والارض حنيفا
وما انا من المشركين ۝ وحاجه قومه قال اتحاجوني في الله
وقد هدىن ولا اخاف ما تشركون به الا ان يشاء ربي شيئا
وسع ربي كل شيء علما افلا تتذكرون ۝ وكيف اخاف ما
اشركتم ولا تخافون انكم اشركتم بالله ما لم ينزل
به عليكم سلطانا فاي الفريقين احق بالامن ان كنتم تعلمون

الذين آمنوا ولم يلبسوا إيمانهم بظلم أولئك لهم الأمن

وهم مهتدون ۝ وتلك حجتنا آتيناها إبرهيم على قومه

نرفع درجات من نشاء إن ربك حكيم عليم ۝ ووهبنا

له إسحق ويعقوب كلا هدينا ونوحا هدينا من قبل ومن

ذريته داود وسليمن وأيوب ويوسف وموسى وهرون وكذلك

نجزي المحسنين ۝ وزكريا ويحيى وعيسى وإلياس كل من

الصالحين ۝ وإسمعيل واليسع ويونس ولوطا وكلا

فضلنا على العالمين ۝ ومن آبائهم وذرياتهم وإخوانهم

واجتبيناهم وهديناهم إلى صراط مستقيم ۝ ذلك هدى

الله يهدي به من يشاء من عباده ولو أشركوا لحبط عنهم

ما كانوا يعملون ۝ أولئك الذين آتيناهم الكتاب والحكم

والنبوة فإن يكفر بها هؤلاء فقد وكلنا بها قوما ليسوا

بها بكافرين ۝ أولئك الذين هدى الله فبهداهم اقتده

قل لا أسئلكم عليه أجرا إن هو إلا ذكرى للعالمين ۝

وما قدروا الله حق قدره إذ قالوا ما أنزل الله على بشر من شيء

قل من أنزل الكتاب الذي جاء به موسى نورا وهدى للناس

تجعلونه قراطيس تبدونها وتخفون كثيرا وعلمتم ما لم تعلموا

أنتم ولا آباؤكم قل الله ثم ذرهم في خوضهم يلعبون

وهذا كتاب أنزلناه مبارك مصدق الذي بين يديه

ولتنذر أم القرى ومن حولها والذين يؤمنون بالآخرة

يؤمنون به وهم على صلاتهم يحافظون ۝ ومن أظلم ممن افترى

على الله كذبا أو قال أوحي إلي ولم يوح إليه شيء ومن قال

سأنزل مثل ما أنزل الله ولو ترى إذ الظالمون في غمرات
زود آنکه فرو فرستم مانند آنچه فرو فرستاد خدای و اگر ببینی تو ای چون این ظالمان در سختیهای مرگ

الموت والملائكة باسطوا أيديهم أخرجوا أنفسكم اليوم
مرگ باشند و فریشتگان گسترندگان باشند دستهای خویش و گویند ایشان را بیرون کنید جانها از تنهای خویش که امروز

تجزون عذاب الهون بما كنتم تقولون على الله غير الحق
جزا داده شوید شما را عذاب خواری سبب آنکه شما گفته اید بر خدای ناحق

وكنتم عن آياته تستكبرون ولقد جئتمونا فرادى كما
و بوده اید از آیتهای او گردن کشان و گویند کفار در قیامت بدرستی که آمده اید بما تنها و تهی دست همچنانکه

خلقناكم أول مرة وتركتم ما خولناكم وراء ظهوركم
آفریدیم شما را اول بار بهمین صفت و بگذاشتید آنچه داده بودیم شما را در دنیا واپس پشتهای خویش

وما نرى معكم شفعاءكم الذين زعمتم أنهم فيكم
و نمی بینیم با شما شفیعان شما آنها که دعوی کردید که ایشان در میان شما

شركاء لقد تقطع بينكم وضل عنكم ما كنتم
انباز اند بدرستی که بریده شد پیوند و دوستی شما و گم شد از شما آنچه شما در دنیا

تزعمون إن الله فالق الحب والنوى يخرج الحي من الميت
دعوی میکردید بدرستی که خدای شکافنده دانه است و استه خرما از بهر رستن بیرون آورد زنده را از مرده

ومخرج الميت من الحي ذلكم الله فأنى تؤفكون فالق
و بیرون آورنده مرده از زنده آن تان خدایست پس چگونه برگردانیده میشوید از حق او است شکافنده

الإصباح وجعل الليل سكنا والشمس والقمر حسبانا ذلك
صبح و کرده شب را سبب آرامی و روان کرده آفتاب و ماه را بحسابی که از آن آنست تجارت میکنند

تقدير العزيز العليم وهو الذي جعل لكم النجوم لتهتدوا
تقدیر خدای غالب دانا و اوست خدایی که کرد از برای شما ستارگان را تا راه یابید

بها في ظلمات البر والبحر قد فصلنا الآيات لقوم يعلمون
بآن در تاریکیهای بیابان و دریا بدرستی که روشن کردیم نشانها را از برای قومی که بدانند

وهو الذي أنشأكم من نفس واحدة فمستقر ومستودع
و اوست آن خدایی که آورد شما را از یک نفس که آدم است پس شما راست قرارگاه و ودیعه جایی در ارحام اصلاب

قد فصلنا الآيات لقوم يفقهون وهو الذي أنزل من
بدرستی که روشن کردیم آیتها را از برای قومی که دریابند و اوست آن خدایی که فرو فرستاد از

السماء ماء فأخرجنا به نبات كل شيء فأخرجنا منه خضرا
آسمان آبی پس بیرون آوردیم از آن رستنی هر چیزی که رستنی است پس بیرون آوردیم از آن رسته سبزی

نخرج منه حبا متراكبا ومن النخل من طلعها قنوان
که بیرون آریم از آن سبزی دانه چند بر هم نشانده در بر و از درختهای خرما از شکوفهای آن خوشهای بهم نزدیک

دانية وجنات من أعناب والزيتون والرمان مشتبها
و بیرون آوردیم بآب بستانهایی از انگورستانها و درخت زیتون و درخت انار بهم مانند برگهای آن

وغير متشابه انظروا إلى ثمره إذا أثمر وينعه إن في ذلكم
و بهم نامانند میوه های آن نظر کنید بمیوه آن درخت چون میوه دار شود و برسیدن آن بدرستی که در آن روشنی هاست

لآيات لقوم يؤمنون وجعلوا لله شركاء الجن وخلقهم
مر آینه نشانهاست قومی را که بگروند بحشر و بگروند خدای را شریکان از دیوان و حال آنکه خدای آفرید ایشان را

وخرقوا له بنين وبنات بغير علم سبحانه وتعالى عما
و به بافتند او را پسران و دختران به بی دانشی پاک و منزه است و بلند و دور از آنچه

يصفون بديع السموات والأرض أنى يكون له ولد ولم تكن
ایشان صفت میکنند او را اوست نو آفریننده آسمانها و زمین چگونه باشد او را فرزندی و هرگز نبود و نباشد

له صاحبة وخلق كل شيء وهو بكل شيء عليم ذلكم الله
او را زنی و آفرید هر چیزی را و او بهمه چیزی داناست آنتان خدای است

رَبُّكُمْ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ

پروردکار که هیچ نیست بکراو آفریدکار هر چیزی پس پرستش کنید اورا و او بر همه چیزی
شما خدای
نگاهبانی

وَكِيلٌ لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ

وکیل است در نیابند حقیقت اورا چشمها و او دریابد حقیقت چشمها و اوست

اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ ۝ قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ

مهربان بدوستان و اوست بدرستی که آمد بشما حجتهایی که از پروردکار پس هرکه راه یابد آن بس سود
آگاه
آن نفس او را باشد
قرآنست

وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ ۝ وَكَذَٰلِكَ نُصَرِّفُ

و هرکه راه نیابد زیان بس زیان آن و نیستم من که محمدم بر عملهای شما نگهبانی و همچنین بیان میکنیم
بر خودش باشد

الْآيَاتِ وَلِيَقُولُوا دَرَسْتَ وَلِنُبَيِّنَهُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۝ اتَّبِعْ مَا

حجتها تا بیان و تا نگویند تو درس کرده و تا روشن کنیم آنرا از برای قومی که بدانند پیروی کن آنچه
آموخته
ای محمد

۝ أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ

وحی کرده بتو از پروردکار تو هیچ خدای نیست بکراو و اعراض کن از مشرکان

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا وَمَا أَنْتَ

و اکر خواستی خدای شرک نیاوردندی و نکردیم ترا ای محمد بر ایشان نگهبان و نیستی تو

عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ ۝ وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا

بر ایشان وکیلی و دشنام مدهید بتان آنهارا که می پرستند از غیر خدای که دشنام دهند

اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَٰلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ

خدایرا از سر دشمنی و ظلم و بی دانشی همچنین آراسته کردیم هر امتی را عمل ایشان پس با

رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ

پروردکار بازکشت ایشان پس جزا دهید ایشانرا بانچه ایشان کرده باشند و سوکند خوردند بخدای
ایشانست
تمامترین سوکندها

جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَتْهُمْ آيَةٌ لَيُؤْمِنُنَّ بِهَا قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ

بمبالغه بر جهد در سوکندهاشان که هر آینه اکر آید بایشان نشانه هر آینه بکروند بان بکوای محمد بدرستی که نشانها نزد
تمامتر

اللَّهِ وَمَا يُشْعِرُكُمْ أَنَّهَا إِذَا جَاءَتْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ وَنُقَلِّبُ

خدای است و چه چیز آگاه کرد شمارا ایمان که کمر نشانها چون بیاید ایمان نیاورند و میکردانیم
ایشان

أَفْئِدَتَهُمْ وَأَبْصَارَهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَنَذَرُهُمْ

دلهای ایشانرا و چشمهای ایشان همچنانکه نکرویدند بآن اول بار و بکذاریم ایشانرا

فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ۝ وَلَوْ أَنَّنَا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةَ

تا در کمراهی خویش سرکشته میشوند و اکر آنکه ما فرو فرستادمانی بایشان فرشتکان را باشکارا

وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتَىٰ وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبُلًا مَا كَانُوا

و سخن کفتندی با ایشان مردکان و کرد کردمانی بر ایشان هر چیزی که در دنیاست
روی باروی

لِيُؤْمِنُوا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ ۝ وَكَذَٰلِكَ

بکرویدندی مکر که خواستی خدای ولیکن بیشترین ایشان نادانی میکنند و همچنین

جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ

بکاشتیم از برای هر پیغمبری دشمنانی شیطانان انسی و جنی می اندازند بعضی ایشان
دفع درجات

إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ

بعضی آرایش کفتار فریبتی و اکر خواستی پروردکار تو نکردندی آنرا بس بکذار ایشانرا

وَمَا يَفْتَرُونَ ۝ وَلِتَصْغَىٰ إِلَيْهِ أَفْئِدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ

و آنچه بر می بافند و تا میل کند آن آرایش دلهای آنها که نمیکروند بقیامت
وفریب

وَلِيَرْضَوْهُ وَلِيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُقْتَرِفُونَ ۝ أَفَغَيْرَ اللَّهِ أَبْتَغِي حَكَمًا

و تا پسندند آنرا و تا کسب کنند آنچه ایشان کسب کنندکان اند بکوای محمد بس غیر خدای جویم حکمی میان من و شما

وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ

و اوست آن خدایی که فرو فرستاد بشما قرآنرا روشن کرده امر و نهی آن و آنها که دادیم ایشانرا

الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ

کتاب یعنی جهود میدانند که قرآن فرو فرستادیست از پروردکار تو بحق بس مباش ای محمد از جمله شکر کنندکان
و نصاری

الممترين ۝ وتمت كلمة ربك صدقا وعدلا لا مبدل
در انکه کرا ایشان اینداند . و تمامست سخن پروردکار تو از روی راستی و عداله الحکم نیست هیچ چیز تغییر کننده

لكلماته وهو السميع العليم ۝ وان تطع اكثر من في
سخنان اورا و اوست شنوای دانا و اکر فرمان بری پیشترین آنها که در

الارض يضلوك عن سبيل الله ان يتبعون الا الظن وان
زمین اند مشرکان کمراه کنند ترا از راه خدای پی روی نمیکنند مکر کمان بردن را و نیستند

هم الا يخرصون ۝ ان ربك هو اعلم من يضل عن سبيله وهو
ایشان مکر که دروغ میکویند بدرستی که پروردکار تو او داناترست بانکه کمراه میشود از راه او و او

اعلم بالمهتدين ۝ فكلوا مما ذكر اسم الله عليه ان كنتم
داناترست براه راست یابندکان پس خورید از انچه یاد کرده شده باشد نام خدای بر وان ار کار داده اگر شما

بآياته مؤمنين ۝ وما لكم الا تاكلوا مما ذكر اسم الله عليه
بآیتهای او کروندکانید و چیست شمارا که نمی خورید از انچه یاد کرده شد نام خدای بران نزد کارد دادن

وقد فصل لكم ما حرم عليكم الا ما اضطررتم اليه وان
و حال انکه روشن کرد شمارا انچه حرام کرده بر شما مکر انچه مضطر شوید بان و بدرستی

كثيرا ليضلون باهوائهم بغير علم ان ربك هو اعلم بالمعتدين ۝
که بسیاری هر آینه کمراه میکرداند بهوای خویش بی دانشی بدرستی که پروردکار تو او داناترست بدر کذرندکان از حد

وذروا ظاهر الاثم وباطنه ان الذين يكسبون الاثم سيجزون
و بکذارید ظاهر کناه را و باطن آنرا بدرستی که آنها کسب می کنند بزه را زود که جزا داده شوند

بما كانوا يقترفون ۝ ولا تاكلوا مما لم يذكر اسم الله عليه
بانچه ایشان کسب کرده باشند و مخورید از انچه یاد نکرده باشد نام خدای بران

وانه لفسق وان الشياطين ليوحون الى اوليائهم ليجادلوكم
و بدرستی هر آینه نافرمانی است و بدرستی که شیطان هر آینه وسوسه میکند دوستان خویشرا از مشرکان تا خصومت کنند با شما

وان اطعتموهم انكم لمشركون ۝ اومن كان ميتا فاحييناه
و اکر فرمان برید ایشانرا بدرستی که شما هر آینه مشرکان باشید ای انکسی که بود مرده دل بکفر و ضلالت پس زنده کردیم اورا

وجعلنا له نورا يمشي به في الناس كمن مثله في
و بدادیم اورا بایمان نوری که میرود بآن با مسلمانان همچون انکسی باشد که در تاریکیهای کفر

الظلمات ليس بخارج منها كذلك زين للكافرين ما كانوا
تاریکیهای کفر نباشد بیرون آینده ازان همچنین آراسته شده کافرانرا انچه ایشان

يعملون ۝ وكذلك جعلنا في كل قرية اكابر مجرميها
میکنند و همچنین که فساق که اکابر انکاند کردیم ها در هر دیهی بزرکان کنه کاران انجا

ليمكروا فيها وما يمكرون الا بانفسهم وما يشعرون ۝
تا مکر میکنند دران منع مردم از ایمان و مکر نمیکنند الا بنفسهای خویش و نمیدانند

واذا جاءتهم اية قالوا لن نؤمن حتى نؤتى مثل ما اوتي رسل
و چون آمد بایشان نشانی کویند نکرویم تا داده شویم مثل انچه داده شده رسولان خدای ارو وحی و نزول جبرئیل

الله الله اعلم حيث يجعل رسالته سيصيب الذين اجرموا
خدای داناترست هرکجا بکند رسالت خویشرا زود که برسد بآنها که مجرم شده اند

صغار عند الله وعذاب شديد بما كانوا يمكرون ۝ فمن يرد
خواری نزد خدای و عذابی دردناک بانچه مکر کرده باشند پس هرکه خواهد

الله ان يهديه يشرح صدره للاسلام ومن يرد ان يضله
خدای که راه نماید اورا فراخ کند سینه اورا یکشاید آنرا برای اسلام قبول کردن و هرکه خواهد که کمراه کند اورا

يجعل صدره ضيقا حرجا كانما يصعد في السماء كذلك
بکرداند سینه اورا تنگ در غایت تنگی کوسا از تنگی و بحی ایمان تکلف کنند بانکه در آسمان بالا میرود همچنین

يجعل الله الرجس على الذين لا يؤمنون ۝ وهذا صراط ربك
میکند خدای لعنت و عذاب بر آنها که نمیکروند و این که تو برانی ای محمد دین پروردکار

مستقيما قد فصلنا الآيات لقوم يذكرون ۝ لهم دار
راهی راست بدرستی که بیان کردیم نشانها را ای برای قومی که پند پذیر شوند ایشانرا باشد سرای

السلام عند ربهم وهو وليهم بما كانوا يعملون ۝
سلامت نزد پروردگار ایشان و او دوست ایشانست بانچه ایشان میکنند از طاعت

ويوم يحشرهم جميعا يا معشر الجن قد استكثرتم من الإنس
و یاد کن آن روز که برانگیزانیم ایشانرا همه پس گوییم ای گروه جنیان بدرستی که بغوا و اضلال کردید بسیاری را از مردمان

وقال أولياؤهم من الإنس ربنا استمتع بعضنا ببعض وبلغنا
و گویند دوستان ایشان از آدمیان ای پروردگار ما برخوردار گرفت بعضی ما ببعضی و رسیدیم

أجلنا الذي أجلت لنا قال النار مثواكم خالدين فيها إلا
باجل خویش آن اجلی که نهادی تو ما را گوید خدای که آتش جایگاه شماست جاویدان در آن مگر

ما شاء الله إن ربك حكيم عليم ۝ وكذلك نولي بعض الظالمين
آنچه خواهد خدای بدرستی که پروردگار تو حکیم کاردانست و همچنین برکاریم بعضی ظالمانرا

بعضا بما كانوا يكسبون ۝ يا معشر الجن والإنس ألم يأتكم
بر بعضی بانچه ایشان کرده باشند ای گروه جنیان و آدمیان ای نیامد بشما

رسل منكم يقصون عليكم آياتي وينذرونكم لقاء يومكم
رسولانی از شما که میخواندند بر شما آیتهای مرا و بیم میکردند شما را برسیدن بروز شما

هذا قالوا شهدنا على أنفسنا وغرتهم الحياة الدنيا
این روز گویند گواهی دادیم بر نفسهای خویش و بفریفت ایشانرا زندگانی دنیا

وشهدوا على أنفسهم أنهم كانوا كافرين ۝ ذلك أن
و گواهی دهند بر نفسهای خویش که ایشان بودند کافران آن از برای آنست

لم يكن ربك مهلك القرى بظلم وأهلها غافلون ۝ ولكل
که هلاک نکند پروردگار تو اهل دیههارا بسبب ظلم ایشان و حال آنکه اهل آن غافلان باشند و مر گروهی را
از فرستادن رسولان باشد

درجات مما عملوا وما ربك بغافل عما يعملون ۝ وربك
درجاتی و درکاتی از آنچه کردند از طاعت و معصیت و نیست پروردگار تو غافل از آنچه ایشان میکنند و پروردگار تو

الغني ذو الرحمة إن يشأ يذهبكم ويستخلف من بعدكم
بی نیازست خداوند رحمت اگر خواهد ببرد شما را و خلیفه سازد از پس شما

ما يشاء كما أنشأكم من ذرية قوم آخرين ۝ إن ما توعدون
آنچه خواهد همچنانکه آفرید شما را از نسل گروهی دیگران بدرستی که آنچه وعده کرده میشود

لآت وما أنتم بمعجزين ۝ قل يا قوم اعملوا على مكانتكم
هر آینه آینده است و نیستید شما عاجز کنندگان بگوی ای قوم من کار کنید برخوی و عادت خویش

إني عامل فسوف تعلمون من تكون له عاقبة الدار إنه
که من نیز کار کنندهام پس زود است که بدانید که کیست که باشد او را عاقبت سرای آخرت بدرستی که

لا يفلح الظالمون ۝ وجعلوا لله مما ذرأ من الحرث والأنعام
که رستگاری نیابند ظالمان و معین کردند مکان از برای خدای از آنچه آفرید خدای از کشت و از چهارپایان

نصيبا فقالوا هذا لله بزعمهم وهذا لشركائنا
نصیبی و از برای بتان کنند این از برای خداست بدعوی ایشان و این بتان ماراست

فما كان لشركائهم فلا يصل إلى الله وما كان لله فهو
پس آنچه بود مر بتان ایشانرا پس نمیرسد بخدای و آنچه بود مر خدایرا پس آن

يصل إلى شركائهم ساء ما يحكمون ۝ وكذلك زين لكثير
میرسد بر بتان ایشان بدست آنچه حکم میکنند و همچنین بیاراستند مر بسیاری را

من المشركين قتل أولادهم شركاؤهم ليردوهم وليلبسوا
از مشرکان کشتن فرزندان شان را شیطانان ایشان تا هلاک کنند ایشانرا و تا خلط کنند

عليهم دينهم ولو شاء الله ما فعلوه فذرهم وما يفترون
بر ایشان دین ایشانرا و اگر خواستی خدای نکردندی آنرا پس بگذار ایشانرا و آنچه افترا میکنند

وَقَالُوا هٰذِهِ أَنْعَامٌ وَحَرْثٌ حِجْرٌ لَا يَطْعَمُهَا إِلَّا مَنْ نَشَاءُ

وگفتند مشرکان این چهارپایانی وکشتی است حرام که نخورد آنرا مگر آنکه ما خواهیم

بِزَعْمِهِمْ وَأَنْعَامٌ حُرِّمَتْ ظُهُورُهَا وَأَنْعَامٌ لَا يَذْكُرُونَ اسْمَ

بزعم ایشان وچهارپایانی که حرام کردند بار کردن در پشتهای آن وچهارپایانی که یاد نمیکنند نام

اللّٰهِ عَلَيْهَا افْتِرَاءً عَلَيْهِ سَيَجْزِيهِمْ بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ۝

خدایرا بران بربافتنی بر خدای زود که جزا دهد ایشانرا بانچه ایشان بربافته باشند

وَقَالُوا مَا فِي بُطُونِ هٰذِهِ الْأَنْعَامِ خَالِصَةٌ لِذُكُورِنَا وَمُحَرَّمٌ عَلَىٰ

وگفتند انچه در شکمهای این چهارپایان است حلالست مردمانرا وحرامست بر

أَزْوَاجِنَا وَإِنْ يَكُنْ مَيْتَةً فَهُمْ فِيهِ شُرَكَاءُ سَيَجْزِيهِمْ

زنان ما واگر باشد مرده پس ایشان دران انباز باشند زود که دهد ایشانرا خدای

وَصْفَهُمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ۝ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ

جزای صفت کردن بدرستی که او محکم کارست دانا بدرستی که زیان کار شدند انها که کشتند فرزندان خود را

سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللّٰهُ افْتِرَاءً عَلَى اللّٰهِ قَدْ ضَلُّوا

بنادانی بی دانستی وحرام کردند انچه روزی داد ایشانرا خدای بربافتنی بر خدای بدرستی که گمراه شدند

وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ۝ وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ

ونبودند راه راست یابندگان واوست آن خدای که بیافرید بستانهایی برجوبها ونابسته بچوبها خود ایستاده

وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أُكُلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ

ودرختهای خرما وکشتهای مختلف طعمهای آن ودرخت زیتون وانار

مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ

بهم مانسته ونه بهم مانسته بخورید از ثمره آن چون میوه دار شوند وبدهید زکوة ان

يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ۝ وَمِنَ الْأَنْعَامِ

روز درودن آن واسراف مکنید که هیچ بدرستی که او دوست نمیدارد اسراف کارانرا وآفرید از چهارپایان

حَمُولَةً وَفَرْشًا كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللّٰهُ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ

بارکش وخوردنی بخورید ازانچه روزی داد شمارا خدای وپیروی مکنید کامهای

الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ۝ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ مِنَ

شیطانرا در تحریم ما احل الله بدرستی که شیطان شمارا دشمنی است روشن آفرید خدای هشت صنف از میش دو صنف

الضَّأْنِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعْزِ اثْنَيْنِ قُلْ آلذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ

صنفی نر وصنفی ماده وازبز دو صنف بگوای محمد این دو نرینه حرام کرده خدای یا

الْأُنْثَيَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنْثَيَيْنِ نَبِّئُونِي

دو مادینه تا سر دو سر یا انچه جمع آمد بران رحمهای دو مادینه که اولاد باشد تا مجموع داخل باشد بگویید مرا

بِعِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝ وَمِنَ الْإِبِلِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ

بدانشی اگر هستید راست گویان واز شتر دو صنف واز گاو دو

قُلْ آلذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ الْأُنْثَيَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ

بگوای دو نرینه حرام کرده یا دو مادینه یا انچه مشتمل شده بران

أَرْحَامُ الْأُنْثَيَيْنِ أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ وَصَّاكُمُ اللّٰهُ بِهٰذَا

رحمهای دو مادینه ای شما بودید حاضران چون فرمود شمارا خدای باین

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا لِيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ

پس کیست ظالم تر از انکس که برباقت بر خدای دروغی را تا گمراه کند مردمانرا بی

عِلْمٍ إِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۝ قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ

دانشی بدرستی که خدای راه ننماید قوم ظالمانرا بگوای محمد نمی یابم درانچه وحی کرده شد

إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَىٰ طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا

بمن هیچ حرام کرده بر هیچ خورنده که بخورد آنرا مگر که باشد مرداری یا خونی

مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنْزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أُهِلَّ لِغَيْرِ اللّٰهِ بِهِ

ریخته یا گوشت خوک که این پلیدست یا نافرمانی که آواز برداشته باشند غیر خدا بان

فمن اضطر غير باغ ولا عاد فان ربك غفور رحيم ۝ وعلى الذين

هادوا حرمنا كل ذي ظفر ومن البقر والغنم حرمنا عليهم

شحومهما الا ما حملت ظهورهما او الحوايا او ما اختلط

بعظم ذلك جزيناهم ببغيهم وانا لصادقون ۝ فان كذبوك

فقل ربكم ذو رحمة واسعة ولا يرد بأسه عن القوم المجرمين ۝

سيقول الذين اشركوا لو شاء الله ما اشركنا ولا اباؤنا

ولا حرمنا من شيء كذلك كذب الذين من قبلهم حتى ذاقوا

بأسنا قل هل عندكم من علم فتخرجوه لنا ان تتبعون الا

الظن وان انتم الا تخرصون ۝ قل فلله الحجة البالغة فلو شاء

لهديكم اجمعين ۝ قل هلم شهداءكم الذين يشهدون ان الله

حرم هذا فان شهدوا فلا تشهد معهم ولا تتبع اهواء

الذين كذبوا بآياتنا والذين لا يؤمنون بالآخرة وهم بربهم

يعدلون ۝ قل تعالوا اتل ما حرم ربكم عليكم الا تشركوا به

شيئا وبالوالدين احسانا ولا تقتلوا اولادكم من املاق

نحن نرزقكم واياهم ولا تقربوا الفواحش ما ظهر منها وما

بطن ولا تقتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق ذلكم

وصيكم به لعلكم تعقلون ۝ ولا تقربوا مال اليتيم الا بالتي هي

احسن حتى يبلغ اشده واوفوا الكيل والميزان بالقسط لا

نكلف نفسا الا وسعها واذا قلتم فاعدلوا ولو كان ذا

قربى وبعهد الله اوفوا ذلكم وصيكم به لعلكم تذكرون

وان هذا صراطي مستقيما فاتبعوه ولا تتبعوا السبل فتفرق

بكم عن سبيله ذلكم وصيكم به لعلكم تتقون ۝

ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ وَتَفْصِيلًا لِكُلِّ

شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَعَلَّهُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ وَهَذَا

كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

أَنْ تَقُولُوا إِنَّمَا أُنْزِلَ الْكِتَابُ عَلَى طَائِفَتَيْنِ مِنْ قَبْلِنَا وَإِنْ كُنَّا

عَنْ دِرَاسَتِهِمْ لَغَافِلِينَ أَوْ تَقُولُوا لَوْ أَنَّا أُنْزِلَ عَلَيْنَا الْكِتَابُ

لَكُنَّا أَهْدَى مِنْهُمْ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَّبَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَصَدَفَ عَنْهَا سَنَجْزِي

الَّذِينَ يَصْدِفُونَ عَنْ آيَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يَصْدِفُونَ

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ

بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا

لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتَظِرُوا

إِنَّا مُنْتَظِرُونَ إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا لَسْتَ

مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا

يَفْعَلُونَ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ

بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ قُلْ إِنَّنِي هَدَانِي

رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيَمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا

وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ

وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ

وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ قُلْ أَغَيْرَ اللَّهِ أَبْغِي رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ

وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى

ثُمَّ إِلَى رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ

درجات ليبلوكم فيما آتاكم إن ربك سريع العقاب وإنه لغفور رحيم

سورة الأعراف مائتان وست آيات

بسم الله الرحمن الرحيم

المص كتاب أنزل إليك فلا يكن في صدرك حرج
منه لتنذر به وذكرى للمؤمنين اتبعوا ما أنزل إليكم من
ربكم ولا تتبعوا من دونه أولياء قليلا ما تذكرون
وكم من قرية أهلكناها فجاءها بأسنا بياتا أو هم قائلون
فما كان دعواهم إذ جاءهم بأسنا إلا أن قالوا إنا كنا
ظالمين فلنسألن الذين أرسل إليهم ولنسألن المرسلين
فلنقصن عليهم بعلم وما كنا غائبين والوزن يومئذ
الحق فمن ثقلت موازينه فأولئك هم المفلحون ومن خفت

موازينه فأولئك الذين خسروا أنفسهم بما كانوا بآياتنا
يظلمون ولقد مكناكم في الأرض وجعلنا لكم فيها
معايش قليلا ما تشكرون ولقد خلقناكم ثم صورناكم
ثم قلنا للملائكة اسجدوا لآدم فسجدوا إلا إبليس لم يكن
من الساجدين قال ما منعك ألا تسجد إذ أمرتك قال أنا
خير منه خلقتني من نار وخلقته من طين قال فاهبط
منها فما يكون لك أن تتكبر فيها فاخرج إنك من الصاغرين
قال أنظرني إلى يوم يبعثون قال إنك من المنظرين
قال فبما أغويتني لأقعدن لهم صراطك المستقيم
ثم لآتينهم من بين أيديهم ومن خلفهم وعن أيمانهم
وعن شمائلهم ولا تجد أكثرهم شاكرين قال

اخرج منها مذءوما مدحورا لمن تبعك منهم لاملان جهنم
بیرون رو از بهشت مذمت کرده شده رانده هر آینه هر که پیروی کند ترا از فرزندان آدم هر آینه پر کنم دوزخ را

منكم اجمعين ۝ ويا ادم اسكن انت وزوجك الجنة
از شما همه یعنی کفار او و فرزندان ایشان از شیطان وگفتیم ای آدم آرام گیر تو و زن تو در بهشت

فكلا من حيث شئتما ولا تقربا هذه الشجرة فتكونا من
پس بخورید از هر جا که خواهید و نزدیک مروید این درخت را بخوردن که اگر نزدیک آن روید باشید از

الظالمين ۝ فوسوس لهما الشيطان ليبدي لهما ما وورى
جمله ظالمان پس وسوسه کرد ایشان را شیطان تا ظاهر کند ایشان را آنچه پوشیده بود

عنهما من سوءتهما وقال ما نهاكما ربكما عن هذه
از ایشان از عورتهای ایشان و گفت شیطان ایشان را که نهی نکرد شما را پروردگار شما از خوردن این

الشجرة الا ان تكونا ملكين او تكونا من الخالدين ۝
درخت مگر از بهر آنکه اگر بخورید باشید دو فرشته یا باشید از جمله جاویدان در بهشت

وقاسمهما اني لكما لمن الناصحين ۝ فدلهما بغرور
و سوگند یاد کرد ایشان را که من شما را هر آینه از جمله نصیحت کنندگانم یعنی نیکخواهان پس دلیر کرد ایشان را بخوردن آن درخت بسوگند تغریر ایشان

فلما ذاقا الشجرة بدت لهما سوءتهما وطفقا يخصفان
پس چون چشیدند آن درخت را ظاهر شد ایشان را عورتهای ایشان و در ایستادن بچسبانیدن

عليهما من ورق الجنة ونادىهما ربهما الم انهكما
بر خویش از برگ درخت بهشت و ندا کرد ایشان را پروردگار ایشان که آیا نه نهی کردم شما را

عن تلكما الشجرة واقل لكما ان الشيطان لكما عدو
از این درخت و گفتم شما را که بدرستی که شیطان شما را دشمنی است

مبين ۝ قالا ربنا ظلمنا انفسنا وان لم تغفر لنا وترحمنا
روشن گفتند ای پروردگار ما ظلم کردیم بر نفسهای خویش و اگر نیامرزی تو ما را و رحم نکنی بما

لنكونن من الخاسرين ۝ قال اهبطوا بعضكم لبعض عدو
هر آینه باشیم از جمله زیان کاران گفت خدای فرود آیید بزمین بعضی شما بعضی را دشمن

ولكم في الارض مستقر ومتاع الى حين ۝ قال فيها تحيون
و شما را باشد در زمین قرارگاهی و برخورداریی تا هنگامی که موت گفت خدای در زمین بزیید

وفيها تموتون ومنها تخرجون ۝ يا بني ادم قد انزلنا عليكم
و در آن میرید و از آن بیرون آورید تا قیامت ای فرزندان آدم بدرستی که فرو فرستادیم بر شما

لباسا يواري سوءتكم وريشا ولباس التقوى ذلك خير
لباسی که بپوشاند عورتهای شما را و جامهای نیکو و لباس پرهیزکاری آن بهتر

ذلك من ايات الله لعلهم يذكرون ۝ يا بني ادم لا
این ستر عورت از نشانهای خداست تا مگر ایشان پند پذیر شوند ای فرزندان آدم باید که نه

يفتننكم الشيطان كما اخرج ابويكم من الجنة ينزع
فریبد شما را شیطان همچنانکه بیرون کرد پدر و مادر شما را از بهشت برکند

عنهما لباسهما ليريهما سوءتهما انه يريكم هو وقبيله
از ایشان لباس ایشان تا بنمایدشان عورتهای ایشان بدرستی که شیطان می‌بیند شما را او و لشکران او که نسل او اند

من حيث لا ترونهم انا جعلنا الشياطين اولياء للذين
از آنجا که نمی‌بینید شما ایشان را بدرستی که ما کردیم شیاطین را دوستانی مر آنها را

لا يؤمنون ۝ واذا فعلوا فاحشة قالوا وجدنا عليها اباءنا
که نمیگروند و چون کنند ناشایستی یعنی طواف بالبیت عاریا گویند یافتیم بر آن پدران خویش

والله امرنا بها قل ان الله لا يامر بالفحشاء اتقولون على الله
و خدای فرموده ما را بآن بگو بدرستی که خدای نفرماید به ناشایست ای میگویید بر خدای

ما لا تعلمون ۝ قل امر ربي بالقسط واقيموا وجوهكم عند
آنچه نمیدانند بگو ای محمد که فرموده پروردگار من براستی و اگه راست دارید رویهای خود را نزد

بسوی کعبه

كل مسجد وادعوه مخلصين له الدين كما بدأكم تعودون

فريقا هدى وفريقا حق عليهم الضلالة انهم اتخذوا

الشياطين اولياء من دون الله ويحسبون انهم مهتدون

يا بني آدم خذوا زينتكم عند كل مسجد وكلوا واشربوا ولا

تسرفوا انه لا يحب المسرفين قل من حرم زينة الله التي

اخرج لعباده والطيبات من الرزق قل هي للذين آمنوا

في الحيوة الدنيا خالصة يوم القيمة كذلك نفصل الآيات

لقوم يعلمون قل انما حرم ربي الفواحش ما ظهر منها وما بطن

والاثم والبغي بغير الحق وان تشركوا بالله ما لم ينزل به سلطانا

وان تقولوا على الله ما لا تعلمون ولكل امة اجل فاذا جاء

اجلهم لا يستأخرون ساعة ولا يستقدمون يا بني آدم

اما يأتينكم رسل منكم يقصون عليكم آياتي فمن اتقى

واصلح فلا خوف عليهم ولا هم يحزنون والذين كذبوا

بآياتنا واستكبروا عنها اولئك اصحاب النار هم فيها

خالدون فمن اظلم ممن افترى على الله كذبا او كذب

بآياته اولئك ينالهم نصيبهم من الكتاب حتى اذا جاءتهم

رسلنا يتوفونهم قالوا اين ما كنتم تدعون من دون

الله قالوا ضلوا عنا وشهدوا على انفسهم انهم كانوا كافرين

قال ادخلوا في امم قد خلت من قبلكم من الجن والانس في

النار كلما دخلت امة لعنت اختها حتى اذا اداركوا

فيها جميعا قالت اخريهم لاوليهم ربنا هؤلاء اضلونا

فآتهم عذابا ضعفا من النار قال لكل ضعف ولكن لا

تعلمون ۝ وقالت أولىهم لأخرىهم فما كان لكم علينا من
فضل فذوقوا العذاب بما كنتم تكسبون ۝ إن الذين كذبوا
بآياتنا واستكبروا عنها لا تفتح لهم أبواب السماء
ولا يدخلون الجنة حتى يلج الجمل في سم الخياط وكذلك
نجزي المجرمين ۝ لهم من جهنم مهاد ومن فوقهم غواش
وكذلك نجزي الظالمين ۝ والذين آمنوا وعملوا الصالحات
لا نكلف نفسا إلا وسعها أولئك أصحاب الجنة هم فيها
خالدون ۝ ونزعنا ما في صدورهم من غل تجري من تحتهم
الأنهار وقالوا الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا
لنهتدي لولا أن هدانا الله لقد جاءت رسل ربنا بالحق
ونودوا أن تلكم الجنة أورثتموها بما كنتم تعملون ۝

حزب

ونادى أصحاب الجنة أصحاب النار أن قد وجدنا ما وعدنا
ربنا حقا فهل وجدتم ما وعد ربكم حقا قالوا نعم
فأذن مؤذن بينهم أن لعنة الله على الظالمين ۝ الذين
يصدون عن سبيل الله ويبغونها عوجا وهم بالآخرة كافرون
وبينهما حجاب وعلى الأعراف رجال يعرفون كلا
بسيماهم ونادوا أصحاب الجنة أن سلام عليكم لم
يدخلوها وهم يطمعون ۝ وإذا صرفت أبصارهم تلقاء
أصحاب النار قالوا ربنا لا تجعلنا مع القوم الظالمين ۝
ونادى أصحاب الأعراف رجالا يعرفونهم بسيماهم قالوا ما
أغنى عنكم جمعكم وما كنتم تستكبرون ۝
أهؤلاء الذين أقسمتم لا ينالهم الله برحمة ادخلوا الجنة لا خوف

عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ۝ وَنَادَىٰ أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ

بر شما ونه شما اندوهکین شوید وندا کنند اهل دوزخ اهل بهشت را

أَنْ أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ

که بخشش کنید برما از آب یا آنچه روزی داد شمارا خدای از طعام گویند بدرستی که خدای

حَرَّمَهُمَا عَلَى الْكَافِرِينَ ۝ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَلَعِبًا

حرام کرد آب وطعام بهشت را بر کافران آنهایی که فرا گرفتند دین خویشرا بیازی وناوجام

وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ نَنْسَاهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ

وبفریفت ایشانرا زندگانی دنیا پس امروز بگذاریم شان در دوزخ همچنانکه بگذاشتند ایشان از برای دیدن

يَوْمِهِمْ هَٰذَا وَمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ ۝ وَلَقَدْ جِئْنَاهُمْ

باین روز واگه ایشان بآیتهای ما اقرار نمی آوردند وبدرستی که دادیم ایشانرا

بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ عَلَىٰ عِلْمٍ هُدًى وَرَحْمَةً لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۝ هَلْ

کتابی که بیان کردیم آنرا بعلمی که مسلمست در علوم وبیان احکام وراهی راست ورحمتی مر قومی را که بگروند

يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلُهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِنْ

انتظار نمیکنند مگر عاقبت آنچه وعده آنروز که بیاید عاقبت آن وعده گویند آنهاکه ترک کرده باشند ایمان بآن

قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ فَهَلْ لَنَا مِنْ شُفَعَاءَ فَيَشْفَعُوا

پیش از آمدن آن بدرستی که آمدند رسولان پروردگار ما بحق راستی پس ایا هست مارا هیچ از شفاعت کنندگان که شفاعت کنند

لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلَ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ قَدْ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ

مارا یا باز گردانند مارا تا عمل کنیم غیر آنچه کرده ایم از معاصی وشرک بدرستی که زیان کردند بر نفسهای خویش

وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ۝ إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ

وگم شد از ایشان آنچه بر بافته باشند از شرک بدرستی که پروردگار شما خدای است آن خدایی که آفرید

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ

آسمانها وزمین در مقدار شش روز پس قصد آفرینش کرد عرش را

يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ

می پوشاند شب را بروز طلب میکند شب روز را بشتاب وآفرید آفتاب وماه

وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ

وستارگانرا همه مسخر بفرمان او بدانکه اوراست آفریدن وفرمان دادن بسیار خیر وبرکتست خدای پروردگار

الْعَالَمِينَ ۝ ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ۝

عالمیان است بخوانید پروردگار خویشرا بزاری وپنهان بدرستی که او دوست ندارد از حد درگذرندگان را

وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا

وتباهی مکنید بشرک ومعاصی در زمین بعد از کردن خدای اصلاح آن ببعث رسل وبخوانید اورا از ترس عذاب

وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ۝ وَهُوَ الَّذِي

وطمع ثواب بدرستی که رحمت خدای نزدیکست به نیکوکاران واوست آن خدایی

يُرْسِلُ الرِّيَاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا

که میفرستد بادهارا امیدوار کنندگان پیشاپیش رحمت خویش که بارانست تا چون بردارد آن باد ابرهایی

ثِقَالًا سُقْنَاهُ لِبَلَدٍ مَيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ

که سنگین باشد از آب بیاریم آنرا بزمینی مرده پس فرو فرستیم بواسطه آن ابر باران را بآن زمین پس بیرون آوریم بان آب از

كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَٰلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ۝

همه میوه‌ها مثل الالوان والکاف همچنین که زمین مرده زنده کنیم بیرون آوریم مردگانرا زنده از قبرها تا باشد که شما پند پذیر شوید

وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبُثَ لَا

وزمین پاک شیرین بیرون آید رسته آن بامر پروردگار آن وآن زمینی که شوره باشد

يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَٰلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ ۝

بیرون نیاید رسته آن مگر اندکی بدشواری همچنین بیان کنیم آیات را از برای قومی که شکر گزارند نعمتها را بطاعات

لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ

بدرستی که فرستادیم نوح را به قوم او پس گفت ای قوم من بیکانگی پرستید خدایرا نیست شمارا

من اله غيره اني اخاف عليكم عذاب يوم عظيم

هيچ خدایی غیر او بدرستی که من میترسم بر شما عذاب روزی بزرگ

قال الملأ من قومه انا لنريك في ضلال مبين ۝ قال يا قوم

گفتند سرداران و اشراف از قوم او بدرستی که ما هر آینه می‌بینیم ترا در گمراهی روشن گفت نوح ای قوم من

ليس بي ضلالة ولكني رسول من رب العالمين ۝ ابلغكم

نیست بمن هیچ گمراهی ولیکن من فرستاده‌ام از پروردگار عالمیان میرسانم بشما

رسالات ربي وانصح لكم واعلم من الله ما لا تعلمون ۝ اوعجبتم

رسالتهای پروردگار خود را و نصیحت می‌کنم شما را و میدانم از دین خدای آنچه شما ندانید ای عجب آمد شما را

ان جاءكم ذكر من ربكم على رجل منكم لينذركم ولتتقوا

از آنکه آمد بشما پندی از پروردگار شما بر زبان مردی از شما تا بیم کند شما را و تا پرهیز دارید از کفر و معاصی

ولعلكم ترحمون ۝ فكذبوه فانجيناه والذين معه في الفلك

و تا باشد که شما رحمت کرده شوید پس بدروغ داشتند نوح را پس برهانیدیم او را و آنها که با او بودند در کشتی

واغرقنا الذين كذبوا باياتنا انهم كانوا قوما عمين ۝

و غرق کردیم آنها را که بدروغ داشتند آیتهای ما را بدرستی که ایشان بودند قومی کوردلان

والى عاد اخاهم هودا قال يا قوم اعبدوا الله ما لكم من اله

و فرستادیم بقبیله عاد برادر نسبی ایشان که هود بود گفت ای قوم من یگانگی پرستید خدای را نیست شما را هیچ خدایی

غيره افلا تتقون ۝ قال الملأ الذين كفروا من قومه انا

غیر او ای پس نمی‌پرهیزید از مخالفت او گفتند اشراف آنها که کافر شدند از قوم او بدرستی که ما

لنريك في سفاهة وانا لنظنك من الكاذبين ۝ قال يا قوم ليس

هر آینه می‌بینیم ترا در نادانی و بدرستی که ما هر آینه گمان میبریم ترا از جمله دروغ گویان در دعوی نبوت و رسالت گفت هود ای قوم من نیست

بي سفاهة ولكني رسول من رب العالمين ۝ ابلغكم رسالات

بمن هیچ نادانی ولیکن من رسولی‌ام از پروردگار عالمیان میرسانم بشما رسالتهای

ربي وانا لكم ناصح امين ۝ اوعجبتم ان جاءكم ذكر

پروردگار خویش و من شما را نصیحت کننده‌ام امینم ای و عجب آمد شما را که آمد بشما پندی

من ربكم على رجل منكم لينذركم واذكروا اذ جعلكم خلفاء

از پروردگار شما بر زبان مردی از شما تا بیم کند شما را و یاد کنید چون گردانید شما را در زمین جانشینان

من بعد قوم نوح وزادكم في الخلق بسطة فاذكروا

از پس قوم نوح و زیاده گردانید شما را در قد و قامت فراخی و درازی پس یاد کنید

آلاء الله لعلكم تفلحون ۝ قالوا اجئتنا لنعبد الله وحده

نعمتهای خدا را تا مگر شما رستگاری یابید گفتند ای آمدی بما تا پرستش کنیم خدا را تنها

ونذر ما كان يعبد اباؤنا فاتنا بما تعدنا ان كنت من الصادقين ۝

و بگذاریم آنچه پرستیده‌اند آن را پدران ما پس بیار بما آنچه وعده میدهی ما را از عذاب اگر هستی از جمله راست گویان

قال قد وقع عليكم من ربكم رجس وغضب اتجادلونني

گفت هود بدرستی که واقع شد بر شما از پروردگار شما عذابی و خشمی ای خصومت میکنید با من

في اسماء سميتموها انتم واباؤكم ما نزل الله بها

در حق خداوندان نامهایی که نام نهاده‌اند آن را شما و پدران شما فرو نفرستاد خدای بعبادت

من سلطان فانتظروا اني معكم من المنتظرين ۝

هیچ حجتی پس انتظار کنید عذاب را که بدرستی که من با شما از جمله انتظار کنندگانم

فانجيناه والذين معه برحمة منا وقطعنا دابر الذين كذبوا

پس برهانیدیم هود را و آنها که با او بودند از مؤمنان برحمتی از ما و ببریدیم بن و بیخ آنها که بدروغ داشتند

باياتنا وما كانوا مؤمنين ۝ والى ثمود اخاهم صالحا قال يا قوم

نشانهای ما را و نبودند گروندگان و فرستادیم بقبیله ثمود برادر نسبی ایشان صالح گفت ای قوم من

اعبدوا الله ما لكم من اله غيره قد جاءتكم بينة من ربكم

یگانگی پرستید خدای را نیست شما را هیچ خدای غیر او بدرستی که آمد بشما حجتی از پروردگار شما

هذه ناقة الله لكم آية فذروها تأكل في أرض الله ولا
اينست ناقه خداى شمارا نشانى پس بگذاريد آن شتررا تا ميخورد در زمين خداى بى زحمت شما و از قدرت او در اين ان

تمسوها بسوء فيأخذكم عذاب أليم وإذكروا إذ جعلكم
مرسانيد بان هيچ بديى كه گر برسانيد بگيرد شمارا عذابى دردناك ويادكنيد چون كرد شمارا

خلفاء من بعد عاد وبوأكم في الأرض تتخذون من سهولها
خليفگان از پس قوم عاد وجاى داد شمارا در زمين كه مى سازيد از زمينهاء نرم

قصورا وتنحتون الجبال بيوتا فاذكروا آلاء الله ولا
كوشكها جهه زمستان وميتراشيد از كوهها خانها جهه زمستان پس يادكنيد نعمتهاى خدايرا و

تعثوا في الأرض مفسدين قال الملأ الذين استكبروا من قومه
مشتابيد در زمين تباهى كنندگان گفتند بزرگان آنها كه گردن كشى كردند از ايمان از قوم او

للذين استضعفوا لمن آمن منهم أتعلمون أن صالحا مرسل
با آنها كه ضعيف بودند كه مومنان بودند از ايشان اى مى دانيد كه صالح فرستاده ايست

من ربه قالوا إنا بما أرسل به مؤمنون قال الذين استكبروا
از پروردگار خويش گفتند درستى كه ما انچه فرستاده شده صالح بآن گروندگانيم گفتند آنها كه گردن كشى كردند

إنا بالذي آمنتم به كافرون فعقروا الناقة وعتوا عن أمر
كه ما بانچه ايمان آورديد بان كافرانيم پس بكشتند آن شتررا و در گذشتند از فرمان

ربهم وقالوا يا صالح ائتنا بما تعدنا إن كنت من المرسلين
پروردگار خويش وگفتند اى صالح بيار بما آنچه وعده ميدهى مارا اگر هستى از رسولان

فأخذتهم الرجفة فأصبحوا في دارهم جاثمين فتولى عنهم
پس بگرفت ايشانرا زلزله از عذاب پس گشتند در سراهاى خويش مردگان پس اعراض كرد از ايشان صالح بعد از نزول عذاب

وقال يا قوم لقد أبلغتكم رسالة ربي ونصحت لكم
وگفت اى قوم بدرستى كه رسانيدم بشما پيغام پروردگار خويش ونصيحت كردم شمارا

ولكن لا تحبون الناصحين ولوطا إذ قال لقومه أتأتون
ولكين شما دوست نداريد نصيحت كنندگان ويادكن لوطرا چون گفت مر قوم خويشرا اى مى آييد

الفاحشة ما سبقكم بها من أحد من العالمين إنكم
بناشايست پيشى بگرفت شمارا بان خصلت هيچ يك از عالميان از عهد او تا زمان شما اى شما ايد

لتأتون الرجال شهوة من دون النساء بل أنتم قوم مسرفون
كه ايشان مى آييد بمردان بشهوة از غير زنان بلكه شما قومى اسراف كارانيد

وما كان جواب قومه إلا أن قالوا أخرجوهم من قريتكم إنهم
ونبود جواب قوم او مگر كه گفتند بيرون كنيد لوطرا و اتباع او از شهر خويش تان كه بدرستى كه ايشان

أناس يتطهرون فأنجيناه وأهله إلا امرأته كانت من
مردمانى اند كه پاكى مى ورزند پس برهانيديم اورا واهل اورا مگر زن او كه بود از جمله

الغابرين وأمطرنا عليهم مطرا فانظر كيف كان عاقبة
بازماندگان در عذاب وبارانيديم ما بر ايشان بارانيدنى از سنگ پس بنگر كه چگونه شد عاقبت

المجرمين وإلى مدين أخاهم شعيبا قال يا قوم اعبدوا الله
گنه كاران وفرستاديم باهل مدين برادر نسبى ايشان شعيب گفت اى قوم بپرستيد خدايرا

ما لكم من إله غيره قد جاءتكم بينة من ربكم فأوفوا
نيست شمارا هيچ خدايى جز او بدرستى كه آمد بشما حجتى از پروردگار شما پس تمام كنيد

الكيل والميزان ولا تبخسوا الناس أشياءهم ولا تفسدوا
كيل را وترازورا وكم مكنيد مردمانرا حقهاى ايشان وتباهى مكنيد

في الأرض بعد إصلاحها ذلكم خير لكم إن كنتم مؤمنين
در زمين بمعاصى بعد از اصلاح آن آنشان بهتر شمارا اگر هستيد شما مومنان

ولا تقعدوا بكل صراط توعدون وتصدون عن سبيل الله
ومنشينيد بهر سر راهى كه مى ترسانيد مومنانرا از قتل وغيران وبازميداريد از راه خداى

جزو التاسع

من آمن به وتبغونها عوجا واذكروا اذ كنتم قليلا فكثركم

آنکسان که بگرویده اند و میجویید آن راه را کجی و یاد کنید چون بودید جماعتی اندک پس بسیار کرداند شما را

وانظروا كيف كان عاقبة المفسدين ۝ وان كان طائفة

و بنگرید که چگونه شد عاقبت کار تباهی کنندگان و اگر هستند طایفه

منكم آمنوا بالذي ارسلت به وطائفة لم يؤمنوا فاصبروا

از شما که ایمان آوردند بانچه فرستاده شده‌ام بان و طایفه که ایمان نیاوردند پس صبر کنید

حتى يحكم الله بيننا وهو خير الحاكمين ۝ قال

تا حکم کند خدای میان ما و او بهترین حکم کنندگانست گفت

الملأ الذين استكبروا من قومه لنخرجنك يا شعيب والذين

اشراف آنها که گردن کشی کردند از قوم شعیب که هرآینه بیرون کنیم ترا ای شعیب و آنها

آمنوا معك من قريتنا او لتعودن في ملتنا قال اولو كنا

که گرویدند با تو از شهر ما یا که البته بازگردید در طریق و ملت ما گفت شعیب …

كارهين ۝ قد افترينا على الله كذبا ان عدنا في ملتكم

و اگر چه کراهیت داریم بدرستی که افترا کرده باشیم بر خدای دروغی را اگر بازگردیم در ملت شما

بعد اذ نجانا الله منها وما يكون لنا ان نعود فيها الا

بعد از آنکه برهانید ما را خدای از آن و نباشد ما را که بازگردیم در آن مگر

ان يشاء الله ربنا وسع ربنا كل شيء علما على الله توكلنا

که خواهد خدای که پروردگار ماست محیطست پروردگار ما بهمه چیزی بدانش بر خدای توکل کردیم

ربنا افتح بيننا وبين قومنا بالحق وانت خير الفاتحين

ای پروردگار ما حکم کن میان ما و میان قوم ما بحق و توی بهترین حکم کنندگان

۝ وقال الملأ الذين كفروا من قومه لئن اتبعتم شعيبا انكم

و گفتند اشراف آنها که کافر شدند از قوم شعیب با ضعفا هرآینه اگر پیروی کنید شعیب را بدرستی که شما

اذا لخاسرون ۝ فاخذتهم الرجفة فاصبحوا في دارهم جاثمين

آنگاه هرآینه زیانکارانید پس گرفت ایشانرا زلزله پس گشتند در سرایهای خویش مردگان

الذين كذبوا شعيبا كان لم يغنوا فيها الذين كذبوا

آنها که بدروغ گوی داشتند شعیب را گویا هرگز نزیستند در آن سراها آنها که دروغ گوی داشتند

شعيبا كانوا هم الخاسرين ۝ فتولى عنهم وقال يا قوم لقد

شعیب را بودند ایشان زیان کاران پس اعراض کرد از ایشان [illegible] و گفت ای قوم بدرستی

ابلغتكم رسالات ربي ونصحت لكم فكيف آسى

که رسانیدم شمارا پیغامهای پروردگار خویش و نصیحت کردم شمارا پس چگونه [illegible]

على قوم كافرين ۝ وما ارسلنا في قرية من نبي الا اخذنا

بر قوم کافران و نفرستادیم در هیچ شهری پیغامبری را مگر که بگرفتیم [illegible]

اهلها بالبأساء والضراء لعلهم يضرعون ۝ ثم بدلنا

اهل آن شهرها را بدرویشی و گرسنگی تا مگر ایشان زاری کنند و توبه پس بدل کردیم

مكان السيئة الحسنة حتى عفوا وقالوا قد مس آباءنا الضراء

بجای فقر و مرض غنی و صحت تا بسیار شدند و گفتند بدرستی که رسید بپدران ما گرسنگی

والسراء فاخذناهم بغتة وهم لا يشعرون ۝ ولو ان اهل

و مرض و فقر … پس گرفتیم ایشانرا بناگاه و ایشان آگاه نبودند … و اگر بحقیقت اهل

القرى آمنوا واتقوا لفتحنا عليهم بركات من السماء

شهرها ایمان آوردندی و پرهیزکاری … هرآینه بگشودیمی بر ایشان درهای برکت از آسمان باران

والارض ولكن كذبوا فاخذناهم بما كانوا يكسبون

و زمین … و لیکن بدروغ داشتند پس گرفتیم ایشانرا بانچه ایشان کرده بودند از بدیها

افأمن اهل القرى ان يأتيهم بأسنا بياتا وهم نائمون

آیا ایمن شدند اهل [illegible] از آنکه بیاید بایشان عذاب ما بشب و ایشان در خواب غفلت باشند

أَوَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَن يَأْتِيَهُم بَأْسُنَا ضُحًى وَهُمْ يَلْعَبُونَ ۝

ای و ایمن شدند اهل مکه و ما حول آن از آنکه بیاید بایشان عذاب ما چاشتگاه و ایشان بازی کنند در آن حال

أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ ۝

ای پس ایمن شدند از مکر و عذاب خدای پس ایمن نشود از مکر خدای مگر قوم زیان کاران

أَوَلَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ الْأَرْضَ مِن بَعْدِ أَهْلِهَا أَن لَّوْ

ای و روشن نشد آنهارا که میراث گرفتند زمین را از پس اهل آن اگر خواستمانی

نَشَاءُ أَصَبْنَاهُم بِذُنُوبِهِمْ وَنَطْبَعُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ

خواستمانی عذاب کردمانی ایشانرا بگناه ایشان و مهر نهادمانی بر دلهای ایشان پس ایشان

لَا يَسْمَعُونَ ۝ تِلْكَ الْقُرَىٰ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنبَائِهَا وَلَقَدْ

نشنیدندی سخن را — آن شهرها مایگوییم و قصه می کنیم بر تو از خبرهای آن

وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا

و بدرستی که آمدند بایشان رسولان ایشان به حجتها پس نبودند آن کفار که ایمان آوردندی بسبب آنکه عند ارسال الرسل

كَذَّبُوا مِن قَبْلُ كَذَٰلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِ الْكَافِرِينَ ۝

تکذیب کرده بودند یوم اخذ میثاقهم — از پیش بدل همچنین مهر می نهد خدای بر دلهای کافران

وَمَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِم مِّنْ عَهْدٍ وَإِن وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ ۝

و نیافتیم ما مر بیشترین ایشانرا هیچ وفایی بعهد روز میثاق و بدرستی که یافتیم مر آنرا فاسقان

ثُمَّ بَعَثْنَا مِن بَعْدِهِم مُّوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَظَلَمُوا

پس بفرستادیم از پی پیغمبران که ذکر کردیم موسی را به نشانهای ما بسوی فرعون و اتباع او پس انکار کردند

بِهَا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ۝ وَقَالَ مُوسَىٰ

آنرا پس بنگر بچشم بصیرت که چگونه بود عاقبت حال تباه کنندگان و گفت موسی

يَا فِرْعَوْنُ إِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ ۝ حَقِيقٌ عَلَىٰ أَن لَّا أَقُولَ

ای فرعون بدرستی که من رسولی ام از پروردگار عالمیان سزاواران بر آنکه نگویم

عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ قَدْ جِئْتُكُم بِبَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِيَ

بر خدای مگر حق بدرستی که آمدم بشما به حجتی از پروردگار شما پس رها کن و بفرست با من

بَنِي إِسْرَائِيلَ ۝ قَالَ إِن كُنتَ جِئْتَ بِآيَةٍ فَأْتِ بِهَا إِن كُنتَ

بنی اسرائیل را که استخدام نموده باعمال سخت — گفت فرعون اگر هستی تو که آمده تو بنشانی پس بیار آنرا اگر هستی

مِنَ الصَّادِقِينَ ۝ فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ ۝ وَنَزَعَ

از راست گویان پس بینداخت عصای خویش را پس آنگاه اژدهایی بود روشن و بیرون آورد

يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاظِرِينَ ۝ قَالَ الْمَلَأُ مِن قَوْمِ فِرْعَوْنَ إِنَّ

دست خود از گریبان پس آنگاه آن سفید و نورانی بود مر نگرندگان را گفتند اشراف از قوم فرعون بدرستی

هَٰذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ ۝ يُرِيدُ أَن يُخْرِجَكُم مِّنْ أَرْضِكُمْ

مرآنه ساحری دانا میخواهد که بیرون کند شمارا از زمین شما

فَمَاذَا تَأْمُرُونَ ۝ قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَرْسِلْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ

گفت فرعون پس چه فرمایید در شان او — گفتند تاخیر کن کار او را و برادر او و بفرست در شهرها جمع کنندگانی

يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ ۝ وَجَاءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالُوا إِنَّ لَنَا

تا بیایند بتو بهر ساحری دانا و آمدند ساحران بفرعون گفتند آیا باشد مارا

لَأَجْرًا إِن كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ ۝ قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ

مرآینه مزدی بزرگ اگر باشیم ما غالبان بر موسی و هرون — گفت فرعون آری فرد باشد و بدرستی که شما مرآینه از مقربان باشید

قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِمَّا أَن تُلْقِيَ وَإِمَّا أَن نَّكُونَ نَحْنُ الْمُلْقِينَ ۝

گفتند ساحران ای موسی یا آنکه می اندازی تو عصا و یا آنکه باشیم ما اندازندگان

قَالَ أَلْقُوا فَلَمَّا أَلْقَوْا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَاسْتَرْهَبُوهُمْ وَجَاءُو

گفت موسی شما بیندازید پس چون بینداختند جادویی کردند چشمها مردمانرا و بترسانیدند ایشانرا و آمدند

بِسِحْرٍ عَظِيمٍ ۝ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ

بسحری بزرگ و وحی کردیم ما به موسی که بینداز عصای خود را پس آنگاه

تلقف ما يأفكون ۝ فوقع الحق وبطل ما كانوا يعملون ۝
فرو برد انچه سحره بر بافته بودند پس ظاهر شد حق و باطل شد انچه ایشان کرده بودند

فغلبوا هنالك وانقلبوا صاغرين ۝ والقي السحرة ساجدين ۝
پس مغلوب گشتند در آنجا و بازگشتند خواران و بروی در افتادند ساحران سجده کنندگان

قالوا آمنا برب العالمين ۝ رب موسى وهرون ۝ قال
گفتند ایمان آوردیم به پروردگار عالمیان که پروردگار موسی است و هرون گفت

فرعون آمنتم به قبل ان اذن لكم ان هذا لمكر مكرتموه
فرعون ای ایمان آوردید باو پیش از انکه اجازت دهم شما را بدرستی که این هر آینه مکری است که ساخته بودند آنرا

في المدينة لتخرجوا منها اهلها فسوف تعلمون ۝ لاقطعن
در شهر مصر با موسی تا بیرون کنید از آن اهل آنرا پس زود که بدانید هر آینه ببرم

ايديكم وارجلكم من خلاف ثم لاصلبنكم اجمعين ۝
دستهای شما را و پایهای شما را از خلاف یکدیگر پس هر آینه بردار کنم شما را همه

قالوا انا الى ربنا منقلبون ۝ وما تنقم منا الا ان آمنا
گفتند بدرستی که ما با پروردگار خویش گردندگانیم و کراهت نمی آید ترا از ما مگر آنکه ایمان آوردیم

بآيات ربنا لما جاءتنا ربنا افرغ علينا صبرا وتوفنا
بنشانهای پروردگار ما چون آمد بما ای پروردگار ما فرو ریز بر ما صبری و بمیران ما را

مسلمين ۝ وقال الملا من قوم فرعون اتذر موسى وقومه
مسلمان و گفتند اشراف از قوم فرعون ای می گذاری موسی را و قوم او را

ليفسدوا في الارض ويذرك والهتك قال سنقتل ابناءهم
تا تباهی کنند در زمین مصر و بگذارد ترا و خدایانی که نصب کرده ای فرعون گفت فرعون که بکشیم پسران ایشان را

ونستحيي نساءهم وانا فوقهم قاهرون ۝ قال موسى لقومه
و بگذاریم زنده دختران ایشان را و بدرستی که بالای ایشان غالبانیم گفت موسی قوم خویش را

استعينوا بالله واصبروا ان الارض لله يورثها من يشاء
که یاری خواهید از خدای و صبر کنید که بدرستی که زمین خدا راست بمیراث دهد آنرا بهر که خواهد

من عباده والعاقبة للمتقين ۝ قالوا اوذينا من قبل
از بندگان او و نصرت و ظفر و جنت پرهیزکاران راست گفتند رنجانیدند ما را پیش از

ان تاتينا ومن بعد ما جئتنا قال عسى ربكم ان يهلك
آنکه بیامدی تو بما و پس از انکه آمدی تو بما گفت موسی شاید بود که پروردگار شما هلاک کند

عدوكم ويستخلفكم في الارض فينظر كيف
دشمنان شما را و به خلیفگی بگذارد شما را در زمین مصر پس بداند که چگونه میکنید

تعملون ۝ ولقد اخذنا آل فرعون بالسنين ونقص من
در شکرگزاری و بدرستی که بگرفتیم ما قوم فرعون را به قحطها و نقصان از

الثمرات لعلهم يذكرون ۝ فاذا جاءتهم الحسنة قالوا
میوها تا مگر ایشان پند پذیر شوند پس چون آمد بایشان فراخی سال و نعمت گفتند

لنا هذه وان تصبهم سيئة يطيروا بموسى ومن معه
ما راست استحقاق این و اگر برسیدی بایشان قحطی و تنگی شوم گرفتندی بموسی و آن کسان که با او بودند

الا انما طائرهم عند الله ولكن اكثرهم لا يعلمون ۝
بدانید که شومی ایشان جزای کفر ایشانست از نزد خدای و لیکن بیشترین ایشان نمیدانند

وقالوا مهما تاتنا به من آية لتسحرنا بها فما نحن لك
و گفتند هر آنچه بیاوری بما از نشانی تا سحر کنی ما را بآن پس نخواهیم بود ترا

بمؤمنين ۝ فارسلنا عليهم الطوفان والجراد والقمل
از گروندگان پس فرستادیم ما بر ایشان سیلاب باران و ملخ و ملخ پیاده

والضفادع والدم آيات مفصلات فاستكبروا وكانوا
و بکها در طعام و سیر و خون در آبها نشانهای روشن پس گردنکشی کردند و بودند ایشان

قوما مجرمين ۝ ولما وقع عليهم الرجز قالوا يا موسى ادع لنا
ربك بما عهد عندك لئن كشفت عنا الرجز لنؤمنن لك
ولنرسلن معك بني اسرائيل ۝ فلما كشفنا عنهم الرجز
الى اجل هم بالغوه اذا هم ينكثون ۝ فانتقمنا منهم
فاغرقناهم في اليم بانهم كذبوا باياتنا وكانوا عنها
غافلين ۝ واورثنا القوم الذين كانوا يستضعفون مشارق
الارض ومغاربها التي باركنا فيها وتمت كلمت ربك
الحسنى على بني اسرائيل بما صبروا ودمرنا ما كان يصنع فرعون
وقومه وما كانوا يعرشون ۝ وجاوزنا ببني اسرائيل البحر
فاتوا على قوم يعكفون على اصنام لهم قالوا يا موسى اجعل
لنا الها كما لهم الهة قال انكم قوم تجهلون ۝ ان

هؤلاء متبر ما هم فيه وباطل ما كانوا يعملون ۝ قال اغير
الله ابغيكم الها وهو فضلكم على العالمين ۝ واذ
انجيناكم من ال فرعون يسومونكم سوء العذاب يقتلون
ابناءكم ويستحيون نساءكم وفي ذلكم بلاء من ربكم
عظيم ۝ وواعدنا موسى ثلثين ليلة واتممناها بعشر
فتم ميقات ربه اربعين ليلة وقال موسى لاخيه هرون اخلفني
في قومي واصلح ولا تتبع سبيل المفسدين ۝ ولما جاء موسى
لميقاتنا وكلمه ربه قال رب ارني انظر اليك قال لن تراني
ولكن انظر الى الجبل فان استقر مكانه فسوف تراني
فلما تجلى ربه للجبل جعله دكا وخر موسى صعقا
فلما افاق قال سبحانك تبت اليك وانا اول المؤمنين ۝

قال یا موسی انی اصطفیتك علی الناس برسالاتی وبكلامی
گفت خدای ای موسی بدرستی که من گزیدم ترا بر مردمان . برسالتهای من وبکلام من بی واسطه

فخذ ما آتیتك وكن من الشاكرین ۝ وكتبنا له فی الالواح
پس فراگیر آنچه دادم ترا وباش از جمله شکرکنندگان نعمتهای مرا ونوشتیم ما اورا در لوحهای توریه

من كل شیء موعظة وتفصیلا لكل شیء فخذها بقوة وامر
از هر چیزی محتاج الیه در دین پندی . روشن کردنی هر چیزی را از حلال وحرام پس گفتیم اورا بجد فراگیر این را وامر کن

قومك یاخذوا باحسنها ساریكم دار الفاسقین ۝ ساصرف
قوم خویشرا تا فراگیرند وعمل کنند به نیکوییها که اوست زود اکه بنمایم شمارا سرای فاسقان زود اکه بگردانم از اعتبار

عن آیاتی الذین یتكبرون فی الارض بغیر الحق وان یروا كل آیة
نشانهای من آنهارا که گردن کشی میکنند در زمین بنا حق واگر ببینند هر نشانی

لا یؤمنوا بها وان یروا سبیل الرشد لا یتخذوه سبیلا وان
نگروند بآن واگر ببینند راه صواب واگیرند آنرا براه واگر

یروا سبیل الغی یتخذوه سبیلا ذلك بانهم كذبوا بآیاتنا
ببینند راه بی راهی فراگیرند آنرا براه آن بسبب است که ایشان بدروغ داشتند آیتهای مارا

وكانوا عنها غافلین ۝ والذین كذبوا بآیاتنا ولقاء
وبودند از آن غافلان وآنها که بدروغ داشتند آیتهای مارا وبار سیدن

الآخرة حبطت اعمالهم هل یجزون الا ما كانوا یعملون ۝
بثواب وعقاب آخرت باطل شد عملهای ایشان جزا ندهند ایشانرا الا آنچه ایشان کرده باشند

واتخذ قوم موسی من بعده من حلیهم عجلا جسدا له خوار
وفراگرفتند قوم موسی از پس رفتن او بطور از زیورهای ایشان گوساله که بود اورا آوازی

الم یروا انه لا یكلمهم ولا یهدیهم سبیلا اتخذوه
آیا ندیدند که آن گوساله سخن نگفت با ایشان ونه راه نمود ایشانرا راهی فراگرفتند آنرا خدای

وكانوا ظالمین ۝ ولما سقط فی ایدیهم وراوا انهم قد ضلوا
وبودند ظالمان وچون پشیمان شدند از گوساله پرستی ودانستند که ایشان گمراه شده اند

قالوا لئن لم یرحمنا ربنا ویغفر لنا لنكونن من الخاسرین ۝
گفتند هرآینه اگر رحمت نکند پروردگار ما ونیامرزد مارا هرآینه باشیم از جمله زیانکاران

ولما رجع موسی الی قومه غضبان اسفا قال بئسما خلفتمونی
وچون بازگشت موسی بقوم خویش خشمگین اندوهگین گفت موسی بد خلافتی کردید شما مرا

من بعدی اعجلتم امر ربكم والقی الالواح واخذ براس اخیه
پس از من ای تعجیل کردید وعده پروردگار خویشرا وبینداخت الواح توریه را وفراگرفت سر برادر خویش

یجره الیه قال ابن ام ان القوم استضعفونی وكادوا
میکشید اورا بخود گفت هارون ای پسر مادر من بدرستی که قوم ضعیف شمردند مرا ونزدیک بود که بکشند

یقتلوننی فلا تشمت بی الاعداء ولا تجعلنی مع القوم الظالمین ۝
بکشند مرا پس شادمان مکن بمن دشمنانرا ومگردان مرا در مواخذه با قوم ظالمان

قال رب اغفر لی ولاخی وادخلنا فی رحمتك وانت ارحم
گفت موسی ای پروردگار من بیامرز مرا وبرادر مرا ودرآور مارا در رحمت خویش وتو رحمت کننده ترین

الراحمین ۝ ان الذین اتخذوا العجل سینالهم غضب من ربهم
رحمت کنندگانی بدرستی که آنها که واگرفتند گوساله را زود که برسد بایشان خشمی از پروردگار ایشان

وذلة فی الحیوة الدنیا وكذلك نجزی المفترین ۝ والذین
وخواری در زندگانی دنیا که جزیت وهمچنین جزا دهیم افترا کنندگانرا وآنها

عملوا السیئات ثم تابوا من بعدها وآمنوا ان ربك من بعدها
که کردند بدیها پس توبه کردند از پی آن وبگرویدند بدرستی که پروردگار از پی آن توبه

لغفور رحیم ۝ ولما سكت عن موسی الغضب اخذ الالواح
هرآینه آمرزنده است رحمت کننده وچون ساکن شد از موسی خشم واگرفت الواح را

وَفِي نُسْخَتِهَا هُدًى وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْهَبُونَ ۝ وَاخْتَارَ
و در نوشته آن بود راه راست و رحمتی مر آنهایی را که ایشان از پروردگار خویش ترسند و برگزید

مُوسَىٰ قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ
موسی از قوم خویش هفتاد مرد فا وعده ما جهة عذرخواهی پس چون بگرفت ایشانرا زلزله بسبب التماس
ایشان دیدار را ... سماع کلام ... تقصیر

قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُمْ مِنْ قَبْلُ وَإِيَّايَ أَتُهْلِكُنَا
گفت موسی ای پروردگار من اگر خواستی تو هلاک کردی ایشانرا پیش از بیرون آمدن و مرا ای هلاک میکنی ما را

بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا إِنْ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَنْ تَشَاءُ
بآنچه کردند بی عقلان از ما نیست این فتنه الا آزمایش تو گمراه کنی بآن آنرا که خواهی

وَتَهْدِي مَنْ تَشَاءُ أَنْتَ وَلِيُّنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ
و راه نمای آنرا که خواهی توئی دوست ما پس بیامرز ما را و رحمت کن بر ما و توئی

خَيْرُ الْغَافِرِينَ ۝ وَاكْتُبْ لَنَا فِي هَٰذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ
بهترین آمرزندگان و بنویس ما را در این سرای دنیا نیکویی بقبول طاعت و در آخره بمغفره و درجه

إِنَّا هُدْنَا إِلَيْكَ قَالَ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ
ما بازگشتیم بحضرت تو گفت خدای عذاب من برسانم بآنکس را که خواهم و رحمت من رسیده است

كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ
بهمه چیزی در دنیا پس زود است که بنویسیم در آخره آنرا مر آنهایی را که پرهیزند و بدهند زکوة را

وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ ۝ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ
و آنها که ایشان بآیتهای ما می گروند آنها که پی روی میکنند رسول را که پیغامبر است

الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَاةِ وَالْإِنْجِيلِ
نانویسنده آن رسولی که می یابند او را نوشته بنعت و صفت نزد ایشان در توریه و انجیل

يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ
میفرماید ایشانرا بتوحید و شرایع اسلام و باز میدارد ایشانرا از شرک و آنچه نباید در هیچ شرعی و حلال میکند ایشانرا پاکیهای که حرام بود در توریه بر ایشان

وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ
و حرام میکند بر ایشان پلیدیها و بیندازد از ایشان بار ایشان و سختیهایی

الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا
که بود بر ایشان پس آنهایی که بگرویدند باو و تعظیم کردند او را و یاری کردند او را و پی روی نمودند

النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝ قُلْ يَا أَيُّهَا
آن نوری را که فرو فرستاده باو که قرآنست آن گروه ایشانند رستگاران بگوای محمد ای

النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ
مردمان بدرستی که من فرستادهٔ خدایم بشما همه آن خدایی که او راست پادشاهی

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ
آسمانها و زمین نیست هیچ خدایی مگر او که زنده کند و بمیراند پس بگروید بخدای

وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ
و فرستادهٔ او آن پیغمبر نانویسنده که می گرود بخدای و سخنان او که قرآنست و پی روی کنید او را

لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ۝ وَمِنْ قَوْمِ مُوسَىٰ أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ
تا باشد که شما راه راست یابید و از قوم موسی گروهی که راه نمایند مردم را بحق

وَبِهِ يَعْدِلُونَ ۝ وَقَطَّعْنَاهُمُ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَسْبَاطًا أُمَمًا
و بحق حکم میکنند و جدا کردیم ایشانرا بدوازده قبیله گروهانی

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنِ اضْرِبْ بِعَصَاكَ
و وحی کردیم ما بموسی در تیه چون طلب کردند آب از و قوم او که بزن بعصای خویش

الْحَجَرَ فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ
سنگ را پس روان شد از آن دوازده چشمه بدرستی که دانست هر قبیله

مَشْرَبَهُمْ وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّ
جای آب خورش خویش و سایه افکندیم بر ایشان ابر را و فرو فرستادیم بر ایشان من

والسلوى كلوا من طيبات ما رزقناكم وما ظلمونا ولكن
وسلوی وگفتیم بخورید از پاکیها آنچه روزی دادیم شمارا وستم نکردند بما ولیکن

كانوا انفسهم يظلمون ۝ واذ قيل لهم اسكنوا هذه القرية
ایشان بر نفسهای خویش ستم کردند وچون گفته شد ایشان را که آرام گیرید درین دیه

وكلوا منها حيث شئتم وقولوا حطة وادخلوا الباب سجدا
وبخورید ازان هرجا که خواهید وبگویید [illegible] ودر روید بدر دیه سجده کنان

نغفر لكم خطيئاتكم سنزيد المحسنين ۝ فبدل الذين
تا بیامرزیم شما را گناهان شما زود که زیاده کنیم ثواب نیکوکاران پس بدل کردند آنها

ظلموا منهم قولا غير الذي قيل لهم فارسلنا عليهم
که ستم کردند از ایشان گفتاری غیر آنچه گفته شد ایشان را پس فرستادیم بر ایشان

رجزا من السماء بما كانوا يظلمون ۝ واسئلهم عن القرية
عذابی از آسمان بسبب آنکه ظلم میکردند وبپرس از ایشان از حال آن دیهی

التي كانت حاضرة البحر اذ يعدون في السبت اذ تاتيهم
که بود نزدیک دریا چون از حد درمیگذشتند در روز شنبه چون می آمد ایشان را

حيتانهم يوم سبتهم شرعا ويوم لا يسبتون لا تاتيهم
ماهیهای ایشان روز شنبه [illegible] وروزی که شنبه نبودی نیامدندی

كذلك نبلوهم بما كانوا يفسقون ۝ واذ قالت امة منهم
همچنین می آزمودیم ایشان را بسبب آنکه نافرمانی کردند وچون گفتند گروهی از ایشان

لم تعظون قوما الله مهلكهم او معذبهم عذابا شديدا
چرا پند میدهید قومی را که خدای هلاک کننده ایشانست یا عذاب کننده ایشان عذابی سخت

قالوا معذرة الى ربكم ولعلهم يتقون ۝ فلما نسوا ما ذكروا
گفتند [illegible] بسوی پروردگار شما وتا مگر ایشان بپرهیزند پس چون فراموش کردند آنچه پند داده شدند

بئیس

به انجينا الذين ينهون عن السوء واخذنا الذين ظلموا
آن برهانیدیم آنها که نهی میکردند از بدی وبگرفتیم آنها را که ظلم کردند

بعذاب بئيس بما كانوا يفسقون ۝ فلما عتوا عما نهوا
بعذابی سخت [illegible] بسبب آنکه ایشان نافرمانی کردند پس چون گردن کشی کردند از آنچه نهی کرده شدند

عنه قلنا لهم كونوا قردة خاسئين ۝ واذ تاذن ربك
ازان گفتیم ایشان را که باشید کپیان دوران از رحمت ما وچون اعلام کرد پروردگار تو

ليبعثن عليهم الى يوم القيمة من يسومهم سوء العذاب
که برانگیزد بر ایشان تا روز قیامت کسی که تکلیف کند ایشان را [illegible] بدی عذاب

ان ربك لسريع العقاب وانه لغفور رحيم ۝ وقطعناهم
بدرستی که پروردگار تو زود کننده عقوبت است وبدرستی که او آمرزنده مهربان است وپراکنده کردیم ایشان را

في الارض امما منهم الصالحون ومنهم دون ذلك وبلوناهم
در زمین گروهها از ایشان نیکوکاران واز ایشان هستند غیر آن وآزمودیم ایشان را

بالحسنات والسيئات لعلهم يرجعون ۝ فخلف من بعدهم
بفراخی وعافیت [illegible] تا باشد که ایشان باز گردند پس آمدند از پی ایشان

خلف ورثوا الكتاب ياخذون عرض هذا الادنى ويقولون
[illegible] میراث کتاب [illegible] این دنیا [illegible] ومیگویند

سيغفر لنا وان ياتهم عرض مثله ياخذوه الم يوخذ
زود آمرزیده شود ما را واگر بیاید بایشان مالی [illegible] مثل آن بگیرند آیا گرفته نشد

عليهم ميثاق الكتاب ان لا يقولوا على الله الا الحق ودرسوا
بر ایشان عهد در توریه که نگویند بر خدای [illegible] وخواندند

ما فيه والدار الاخرة خير للذين يتقون افلا تعقلون ۝
آنچه در توریه است وسرای آخرت بهتر آنها را که بپرهیزند آیا پس استعمال عقل نمیکنید

وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَوٰةَ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ
و آنها که ایمان می آورند بکتاب و بجای میدارند نمازرا که بدرستی که ما ضایع نکنیم مزد

الْمُصْلِحِينَ ۝ وَإِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ وَظَنُّوا
نیکوکاران و چون برافراشتیم کوه را بربالای سر ایشان گوییا آن سایه بانی بود و گمان بردند

أَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ
که آن افتادنیست بایشان گفتیم بگیرید آنچه دادیم شمارا بجد و جهد و یاد دارید آنچه درآنست

لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ۝ وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ
تا باشد که شما بپرهیزید و یاد کن چون فراگرفت پروردگار تو از فرزندان آدم از پشتهای ایشان

ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ
ذریت ایشانرا و گواه گرفت ایشانرا بر نفسهای ایشان و گفت آیا نیستم من پروردگار شما گفتند آری

شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَٰذَا غَافِلِينَ
گواه شدیم تا نگویند روز قیامت که بدرستی که ما بودیم ازین عهد غافلان

أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِنْ
یا نگویند بدرستی که مشرک شدند پدران ما از پیش و بودیم ما فرزندانی از

بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ ۝ وَكَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ
پس ایشان آیا هلاک میکنی مارا بآنچه کردند باطل کاران و همچنین روشن میکنیم

الْآيَاتِ وَلَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ۝ وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ
نشانهارا و تا باشد که ایشان بازگردند از شرک و بخوان ای محمد بر ایشان خبر آنکس که دادیم اورا

آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَأَتْبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ
نشانهای ما پس بیرون آمد از آن پس دریافت اورا [illegible] شیطان پس گشت از جمله گمراهان

وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَٰكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ
و اگر خواستیمی برکشیدیمی اورا بآن لیکن او میل کرد بدنیا و پیروی کرد هوای خویشرا

فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتْرُكْهُ
پس مثل او چون مثل سگ است اگر حمله بری برو زبان از دهن بیرون کند و اگر بگذاری همان

يَلْهَثْ ذَٰلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ
زبان بیرون افکند این است مثل قومی که بدروغ داشتند نشانهای مارا پس بخوان قصهها

لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ۝ سَاءَ مَثَلًا الْقَوْمُ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا
تا باشد که ایشان اندیشه کنند بد مثلی است مثل آن قومی که بدروغ داشتند نشانهای مارا

وَأَنْفُسَهُمْ كَانُوا يَظْلِمُونَ ۝ مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِي
و بر نفسهای خویش ظلم کردند هرکه راه نماید خدای اورا پس او راه یافته باشد

وَمَنْ يُضْلِلْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ۝ وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ
و هرکه گمراه کند خدای پس آن گروه ایشانند زیانکاران و بدرستی که آفریدیم ما از بهر دوزخ

كَثِيرًا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ
بسیاری از جنیان و آدمیان ایشانرا دلهاست که درنمی یابند [illegible] و ایشانراست

أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَٰئِكَ
چشمهایی که نمی بینند بآن و ایشانراست گوشهایی که نمی شنوند [illegible] آن گروه

كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَٰئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ ۝ وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ
چون چهارپایانند بلکه ایشان گمراه ترند آن گروه ایشانند غافلان و خدایراست نامهای

الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ
نیکوتر پس بخوانید اورا بآن و بگذارید آنهارا که میل میکنند از راستی در نامهای او

سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةٌ يَهْدُونَ
زود که جزا داده شوند جزای آنچه کرده باشند و از آنها که آفریدیم امتی [illegible]

بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ ۝ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ
بحق [illegible] و آنها که بدروغ داشتند نشانهای مارا زود که [illegible]

مِن حَيثُ لا يَعلَمُونَ ۝ وَأُملِي لَهُم إِنَّ كَيدِي مَتِينٌ ۝ أَوَلَم يَتَفَكَّرُوا

ما بِصاحِبِهِم مِن جِنَّةٍ إِن هُوَ إِلّا نَذِيرٌ مُبِينٌ ۝ أَوَلَم يَنظُرُوا

فِي مَلَكُوتِ السَّمٰواتِ وَالأَرضِ وَما خَلَقَ اللهُ مِن شَيءٍ وَأَن

عَسىٰ أَن يَكُونَ قَدِ اقتَرَبَ أَجَلُهُم فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعدَهُ

يُؤمِنُونَ ۝ مَن يُضلِلِ اللهُ فَلا هادِيَ لَهُ وَيَذَرُهُم فِي طُغيانِهِم

يَعمَهُونَ ۝ يَسئَلُونَكَ عَنِ السّاعَةِ أَيّانَ مُرسٰيها قُل إِنَّما

عِلمُها عِندَ رَبِّي لا يُجَلِّيها لِوَقتِها إِلّا هُوَ ثَقُلَت فِي السَّمٰواتِ

وَالأَرضِ لا تَأتِيكُم إِلّا بَغتَةً يَسئَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ

عَنها قُل إِنَّما عِلمُها عِندَ اللهِ وَلٰكِنَّ أَكثَرَ النّاسِ لا يَعلَمُونَ ۝

قُل لا أَملِكُ لِنَفسِي نَفعًا وَلا ضَرًّا إِلّا ما شاءَ اللهُ وَلَو كُنتُ

أَعلَمُ الغَيبَ لَاستَكثَرتُ مِنَ الخَيرِ وَما مَسَّنِيَ السُّوءُ إِن أَنَا

إِلّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِقَومٍ يُؤمِنُونَ ۝ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُم مِن نَفسٍ

واحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنها زَوجَها لِيَسكُنَ إِلَيها فَلَمّا تَغَشّٰيها

حَمَلَت حَملًا خَفِيفًا فَمَرَّت بِهِ فَلَمّا أَثقَلَت دَعَوَا اللهَ رَبَّهُما

لَئِن آتَيتَنا صالِحًا لَنَكُونَنَّ مِنَ الشّاكِرِينَ ۝ فَلَمّا آتٰيهُما صالِحًا

جَعَلا لَهُ شُرَكاءَ فِيما آتٰيهُما فَتَعالَى اللهُ عَمّا يُشرِكُونَ ۝

أَيُشرِكُونَ ما لا يَخلُقُ شَيئًا وَهُم يُخلَقُونَ ۝ وَلا يَستَطِيعُونَ

لَهُم نَصرًا وَلا أَنفُسَهُم يَنصُرُونَ ۝ وَإِن تَدعُوهُم إِلَى الهُدىٰ

لا يَتَّبِعُوكُم سَواءٌ عَلَيكُم أَدَعَوتُمُوهُم أَم أَنتُم صامِتُونَ ۝

إِنَّ الَّذِينَ تَدعُونَ مِن دُونِ اللهِ عِبادٌ أَمثالُكُم فَادعُوهُم

فَليَستَجِيبُوا لَكُم إِن كُنتُم صادِقِينَ ۝ أَلَهُم أَرجُلٌ يَمشُونَ بِها

أَم لَهُم أَيدٍ يَبطِشُونَ بِها أَم لَهُم أَعيُنٌ يُبصِرُونَ بِها أَم لَهُم

شركا

اذان يسمعون بها قل ادعوا شركاءكم ثم كيدون
کوشهایی که بشنوند بآن بگوای محمد بخوانید انبازان خویش را پس مکر کنید با من شما و شرکاء شما

فلا تنظرون ۞ ان وليي الله الذي نزل الكتاب وهو يتولى
پس مهلت مدهید مرا بدرستی که نگه دارنده و یاری دهنده خدااست آن خدایی که فرو فرستاد قران را و او دوست دارد و یاری دهد

الصالحين ۞ والذين تدعون من دونه لا يستطيعون نصركم
نیکوکاران را و آنها که میخوانید بخدایی از غیر خدای توانایی ندارند یاری کردن شما خویشتن را

ولا انفسهم ينصرون ۞ وان تدعوهم الى الهدى لا يسمعوا
و نه نفسها یاری توانند کرد و اگر خوانید ایشان را براه نشنوند یعنی این بتان را

وتريهم ينظرون اليك وهم لا يبصرون ۞ خذ العفو وامر
و بینی تو بتان را که نظر میکنند بتو و حال آنکه ایشان نمی بینند لان اعینها مرکبة مصنوعة بالجواهر فرا گیر طریق عفو و آسانی و فرمای بر خلایق شان

بالعرف واعرض عن الجاهلين ۞ واما ينزغنك من الشيطان
به نیکویی و اعراض کن از نادانان و اگر عارض شود ترا از شیطان

نزغ فاستعذ بالله انه سميع عليم ۞ ان الذين اتقوا اذا
ادنی وسوسه پس پناه گیر بخدای بدرستی که او شنوا است دانا بدرستی که آنها که پرهیزند از شرک چون

مسهم طائف من الشيطان تذكروا فاذا هم مبصرون ۞
برسد با ایشان وسوسه از شیطان بازیاد آورند خدا را و عقاب برند باو پس آنگاه ایشان باز بینندگان باشند

واخوانهم يمدونهم في الغي ثم لا يقصرون ۞ واذا لم تأتهم
و برادران کفار که شیاطین اند ممد کارند ایشان را در بی راهی پس کوتاه نمیکنند دست را از ایشان و چون نیابی تو ایشان را

باية قالوا لولا اجتبيتها قل انما اتبع ما يوحى الي من ربي
بنشانه که طلبیده اند گویند چرا بر نیافتی آن را از عمل خویش بگوای محمد بدرستی که پی روی آنچه وحی کرده میشود بمن از پروردگار من

هذا بصائر من ربكم وهدى ورحمة لقوم يؤمنون ۞ واذا
این قران حجتها است از پروردگار شما و راه راستی و رحمتی مر قومی را که بگروند و چون

قرئ القران فاستمعوا له وانصتوا لعلكم ترحمون ۞
خوانند قرآن را پس بشنوید آن را و خاموش باشید تا باشد که بر شما رحمت کنند.

واذكر ربك في نفسك تضرعا وخيفة ودون الجهر
و یاد کن پروردگار خویشتن را یعنی بخوان قران را در نمازهای سری لسبب از سر زاری و ترس و بخوانی آواز نه غایت بلند در نمازهای جهری

من القول بالغدو والاصال ولا تكن من الغافلين ۞
از قران بامدادها و شبانگاهها و مباش از جمله غافلان

ان الذين عند ربك لا يستكبرون عن عبادته ويسبحونه وله يسجدون ۞
بدرستی که آنها که نزد پروردگار تواند از ملائکه مقربان گردن کشی نمیکنند از بندگی و پرستش او و به پاکی یاد میکنند او را و او را سجده میکنند

سورة الانفال خمس وسبعون آية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشاینده رحمت کننده

يسئلونك عن الانفال قل الانفال لله والرسول فاتقوا
می پرسند از تو ای محمد از مالهای غنیمت که از آن کیست بگو مالهای غنیمت از آن خدای است و رسول پس بترسید از خشم

الله واصلحوا ذات بينكم واطيعوا الله ورسوله ان
خدای و بصلاح آورید پیوند میان شما یعنی مخالفت مکنید و فرمان برید خدای را و رسول او را در قسمت غنائم اگر

كنتم مؤمنين ۞ انما المؤمنون الذين اذا ذكر الله وجلت
هستید مؤمنان بدرستی که مؤمنان آنها اند که چون بترسانند ایشان را از خدای ترسان و لرزان شود

قلوبهم واذا تليت عليهم اياته زادتهم ايمانا وعلى
دلهای ایشان و چون بخوانند بر ایشان آیات او را زیاده کند تصدیق و یقین و اعتقاد ایشان را و بر

ربهم يتوكلون ۞ الذين يقيمون الصلوة ومما رزقناهم
پروردگار خویش توکل کنند آنها اند ایشان که بپای دارند نماز را و از آنچه مالک گردانیدیم ایشان

ينفقون ۝ اولئك هم المؤمنون حقا لهم درجات عند
ربهم ومغفرة ورزق كريم ۝ كما اخرجك ربك
من بيتك بالحق وان فريقا من المؤمنين لكارهون ۝ يجادلونك
في الحق بعد ما تبين كانما يساقون الى الموت وهم
ينظرون ۝ واذ يعدكم الله احدى الطائفتين انها لكم
وتودون ان غير ذات الشوكة تكون لكم ويريد الله
ان يحق الحق بكلماته ويقطع دابر الكافرين ۝ ليحق الحق
ويبطل الباطل ولو كره المجرمون ۝ اذ تستغيثون ربكم
فاستجاب لكم اني ممدكم بالف من الملائكة مردفين ۝
وما جعله الله الا بشرى ولتطمئن به قلوبكم وما النصر
الا من عند الله ان الله عزيز حكيم ۝ اذ يغشيكم النعاس

امنة منه وينزل عليكم من السماء ماء ليطهركم
به ويذهب عنكم رجز الشيطان وليربط على قلوبكم ويثبت
به الاقدام ۝ اذ يوحي ربك الى الملائكة اني معكم
فثبتوا الذين امنوا سالقي في قلوب الذين كفروا الرعب
فاضربوا فوق الاعناق واضربوا منهم كل بنان ۝ ذلك
بانهم شاقوا الله ورسوله ومن يشاقق الله ورسوله فان
الله شديد العقاب ۝ ذلكم فذوقوه وان للكافرين عذاب
النار ۝ يا ايها الذين امنوا اذا لقيتم الذين كفروا
زحفا فلا تولوهم الادبار ۝ ومن يولهم يومئذ دبره
الا متحرفا لقتال او متحيزا الى فئة فقد باء بغضب من
الله وماواه جهنم وبئس المصير ۝ فلم تقتلوهم ولكن الله

قتلهم وما رميت اذ رميت ولكن الله رمى وليبلي المؤمنين
منه بلاء حسنا ان الله سميع عليم ذلكم وان الله
موهن كيد الكافرين ان تستفتحوا فقد جاءكم الفتح
وان تنتهوا فهو خير لكم وان تعودوا نعد ولن تغني عنكم
فئتكم شيئا ولو كثرت وان الله مع المؤمنين يا ايها
الذين امنوا اطيعوا الله ورسوله ولا تولوا عنه وانتم
تسمعون ولا تكونوا كالذين قالوا سمعنا وهم لا يسمعون
ان شر الدواب عند الله الصم البكم الذين لا يعقلون
ولو علم الله فيهم خيرا لاسمعهم ولو اسمعهم لتولوا وهم
معرضون يا ايها الذين امنوا استجيبوا لله وللرسول اذا
دعاكم لما يحييكم واعلموا ان الله يحول بين المرء وقلبه وانه

اليه تحشرون واتقوا فتنة لا تصيبن الذين ظلموا
منكم خاصة واعلموا ان الله شديد العقاب واذكروا
اذ انتم قليل مستضعفون في الارض تخافون ان يتخطفكم
الناس فاواكم وايدكم بنصره ورزقكم من الطيبات
لعلكم تشكرون يا ايها الذين امنوا لا تخونوا الله والرسول
وتخونوا اماناتكم وانتم تعلمون واعلموا انما اموالكم
واولادكم فتنة وان الله عنده اجر عظيم يا ايها
الذين امنوا ان تتقوا الله يجعل لكم فرقانا ويكفر عنكم
سيئاتكم ويغفر لكم والله ذو الفضل العظيم واذ يمكر
بك الذين كفروا ليثبتوك او يقتلوك او يخرجوك ويمكرون
ويمكر الله والله خير الماكرين واذا تتلى عليهم اياتنا

قالوا قد سمعنا لو نشاء لقلنا مثل هذا ان هذا الا
اساطير الاولين ۝ واذ قالوا اللهم ان كان هذا هو الحق من
عندك فامطر علينا حجارة من السماء او ائتنا بعذاب
اليم ۝ وما كان الله ليعذبهم وانت فيهم وما كان الله
معذبهم وهم يستغفرون ۝ وما لهم الا يعذبهم الله وهم
يصدون عن المسجد الحرام وما كانوا اولياءه ان اولياؤه
الا المتقون ولكن اكثرهم لا يعلمون ۝ وما كان صلاتهم
عند البيت الا مكاء وتصدية فذوقوا العذاب بما كنتم
تكفرون ۝ ان الذين كفروا ينفقون اموالهم ليصدوا عن
سبيل الله فسينفقونها ثم تكون عليهم حسرة ثم يغلبون ۝
والذين كفروا الى جهنم يحشرون ۝ ليميز الله الخبيث من

الطيب ويجعل الخبيث بعضه على بعض فيركمه جميعا
فيجعله في جهنم اولئك هم الخاسرون ۝ قل للذين كفروا
ان ينتهوا يغفر لهم ما قد سلف وان يعودوا فقد مضت
سنت الاولين ۝ وقاتلوهم حتى لا تكون فتنة ويكون الدين
كله لله فان انتهوا فان الله بما يعملون بصير ۝ وان تولوا
فاعلموا ان الله مولاكم نعم المولى ونعم النصير ۝
واعلموا انما غنمتم من شيء فان لله خمسه وللرسول ولذي
القربى واليتامى والمساكين وابن السبيل ان كنتم آمنتم
بالله وما انزلنا على عبدنا يوم الفرقان يوم التقى الجمعان
والله على كل شيء قدير ۝ اذ انتم بالعدوة الدنيا وهم بالعدوة
القصوى والركب اسفل منكم ولو تواعدتم لاختلفتم في

الميعاد ولكن ليقضي الله امرا كان مفعولا ليهلك من
هلك عن بينة ويحيى من حي عن بينة وان الله
لسميع عليم اذ يريكهم الله في منامك قليلا ولو
اريكهم كثيرا لفشلتم ولتنازعتم في الامر ولكن الله
سلم انه عليم بذات الصدور واذ يريكموهم اذ التقيتم
في اعينكم قليلا ويقللكم في اعينهم ليقضي الله امرا
كان مفعولا والى الله ترجع الامور يا ايها الذين امنوا
اذا لقيتم فئة فاثبتوا واذكروا الله كثيرا لعلكم تفلحون
واطيعوا الله ورسوله ولا تنازعوا فتفشلوا وتذهب
ريحكم واصبروا ان الله مع الصابرين ولا تكونوا كالذين
خرجوا من ديارهم بطرا ورئاء الناس ويصدون عن

سبيل الله والله بما يعملون محيط واذ زين لهم الشيطان
اعمالهم وقال لا غالب لكم اليوم من الناس واني جار
لكم فلما تراءت الفئتان نكص على عقبيه وقال اني
بريء منكم اني ارى ما لا ترون اني اخاف الله والله
شديد العقاب اذ يقول المنافقون والذين في قلوبهم
مرض غر هؤلاء دينهم ومن يتوكل على الله فان الله عزيز
حكيم ولو ترى اذ يتوفى الذين كفروا الملائكة
يضربون وجوههم وادبارهم وذوقوا عذاب الحريق
ذلك بما قدمت ايديكم وان الله ليس بظلام للعبيد
كداب ال فرعون والذين من قبلهم كفروا بايات الله
فاخذهم الله بذنوبهم ان الله قوي شديد العقاب ذلك

بِأَنَّ اللّٰهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا

بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللّٰهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝ كَدَأْبِ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ

مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَغْرَقْنَا

آلَ فِرْعَوْنَ وَكُلٌّ كَانُوا ظَالِمِينَ ۝ إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ

اللّٰهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ الَّذِينَ عَاهَدْتَ مِنْهُمْ

ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ ۝ فَإِمَّا تَثْقَفَنَّهُمْ

فِي الْحَرْبِ فَشَرِّدْ بِهِمْ مَنْ خَلْفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ ۝

وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ إِنَّ اللّٰهَ

لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ ۝ وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا إِنَّهُمْ

لَا يُعْجِزُونَ ۝ وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ

الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللّٰهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ

لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللّٰهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ

اللّٰهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ ۝ وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ

لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۝ وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ

يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللّٰهُ هُوَ الَّذِي أَيَّدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ

وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلَّفْتَ

بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَٰكِنَّ اللّٰهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللّٰهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۝

ای پیغامبر محترم بس است ترا خدای و آنکس که پیروی کرد ترا از مؤمنان

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ

عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ

يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ ۝

الْآنَ خَفَّفَ اللّٰهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ

اکنون تخفیف کرد خدای از شما و دانست که در شما است ضعفی پس اگر باشد

منكم مائة صابرة يغلبوا مائتين وان يكن منكم الف
از شما صد مرد صابر غالب شوند بر دویست واگر باشد از شما هزار مرد

يغلبوا الفين باذن الله والله مع الصابرين ۝ ما كان لنبي
غالب شوند بر دو هزار بفرمان خدای وخدای با صبر کنندگانست روا نبوده هیچ پیغامبری را

ان يكون له اسرى حتى يثخن في الارض تريدون عرض الدنيا
که باشد اورا اسیران را که حبس کنند تا بعد از قدرت قتل بسیار کند اعدا را در زمین ای میخواهید مال دنیا را که فدا است

والله يريد الاخرة والله عزيز حكيم ۝ لولا كتاب من الله
وخدای میخواهد بشما سرای آخرت بعمل ایشان وخدای غالبست محکم کار اگر نبودی کتابی یعنی نوشته در لوح محفوظ از خدای

سبق لمسكم فيما اخذتم عذاب عظيم ۝ فكلوا مما
سابق شده بودی هر آینه برسیدی بشما در آنچه فرا گرفتید عذابی بزرگ پس بخورید از آنچه

غنمتم حلالا طيبا واتقوا الله ان الله غفور رحيم ۝ يا ايها
بغنیمت استدید حلال پاک وبترسید از خدای بدرستی که خدای آمرزنده است رحمت کننده ای

النبي قل لمن في ايديكم من الاسرى ان يعلم الله في قلوبكم
پیغامبر برگزیده بگو آنکسانی را که در دست شما اند از اسیران اگر داند خدای در دلهای شما

خيرا يؤتكم خيرا مما اخذ منكم ويغفر لكم والله غفور رحيم
ارادت اسلام بدهد شما را بهتر از آنچه فرا گرفتید از شما وبیامرزد شما را کفر وقتال شما با محمد وخدای آمرزنده است رحمت کننده

وان يريدوا خيانتك فقد خانوا الله من قبل فامكن منهم
واگر خواهند خیانت کرد با تو در دعوی ایمان وترک قتال پس بدرستی که خیانت کردند با خدای از پیش در بدر پس اسیر شما کرد ایشان را

والله عليم حكيم ۝ ان الذين امنوا وهاجروا وجاهدوا
وخدای داناست با حکمت بدرستی که آنها که بگرویدند وهجرت کردند وجهاد کردند

باموالهم وانفسهم في سبيل الله والذين اووا ونصروا
بمالهای خویش ونفسهای خویش در راه خدای وآنها که جای دادند مهاجران را ونصرت دادند ایشان را

که غنائم وفدای اساری حلالست ترا وامت ترا

اولئك بعضهم اولياء بعض والذين امنوا ولم يهاجروا
آن گروه بعضی ایشان اولیاء بعضی اند در میراث وآنها که بگرویدند وهجرت نکردند

ما لكم من ولايتهم من شيء حتى يهاجروا وان استنصروكم
نیست شما را از میراث ایشان وایشان را از میراث شما هیچ چیزی تا هجرت کنند واگر یاری خواهند از شما

في الدين فعليكم النصر الا على قوم بينكم وبينهم
یعنی اهوالذین لم یهاجروا پس بر شما باد یاری کردن مگر که یاری خواهند بر قتال قومی که میان شما وایشان

ميثاق والله بما تعملون بصير ۝ والذين كفروا بعضهم اولياء
عهدی باشد وخدای بآنچه شما میکنید بیناست وآنها که کافر شدند بعضی ایشان اولیاء

بعض الا تفعلوه تكن فتنة في الارض وفساد كبير ۝
بعضی اند اگر نکنید این شما وتوارث هر آینه باشد تفاشرکی در زمین وفسادی بزرگ

والذين امنوا وهاجروا وجاهدوا في سبيل الله والذين
وآنها که بگرویدند وهجرت کردند وجهاد کردند در راه خدای وآنها

اووا ونصروا اولئك هم المؤمنون حقا لهم مغفرة ورزق
که جای دادند مهاجران را ونصرت کردند آن گروه ایشانند مومنان بحق ایشان راست آمرزشی وروزیی

كريم ۝ والذين امنوا من بعد وهاجروا وجاهدوا معكم
نیکو در بهشت وآنها که بگرویدند بعد از صلح وهجرت کردند وجهاد کردند با شما

فاولئك منكم واولوا الارحام بعضهم اولى ببعض
پس آن گروه از شما اند وخداوندان رحمها بعضی ایشان در توارث ببعضی اولی اند

في كتاب الله ان الله بكل شيء عليم ۝
در حکم خدای واین ناسخ میراث است بهجرت وتحالف بدرستی که خدای بهمه چیزی داناست

سورة التوبة مائة وتسع وعشرون آية

براءة من الله ورسوله الى الذين عاهدتم من المشركين فسيحوا
این سوره ازخدای و رسول اوست با آنها که عهد کردید با ایشان از مشرکان پس سیر کنید ای مشرکان

فی الارض اربعة اشهر واعلموا انکم غیر معجزی الله وان الله
در زمین از سر این چهار ماه از اول شوال تا آخر محرم و بدانید که شما که نه عاجز کنندگانید خدایرا و بدرستی که خدای

مخزی الکافرین ۝ واذان من الله ورسوله الی الناس یوم
رسوا کننده کافرانست و این سوره از خدای و رسول او بمردمان اعلامی است روز

الحج الاکبر ان الله بریء من المشرکین ورسوله فان تبتم
عرفه یا عید بزرگ که خدای بیزارست از عهد مشرکان و رسول او بیزارست از عهد مشرکان پس اگر باز گردید از شرک

فهو خیر لکم وان تولیتم فاعلموا انکم غیر معجزی الله وبشر
پس آن بهتر شمارا ای مشرکان و اگر اعراض کنید از ایمان پس بدانید که شما نه عاجز کنندگانید خدایرا و بشارت ده

الذین کفروا بعذاب الیم ۝ الا الذین عاهدتم من المشرکین
آنهارا که کافر شدند بعذابی دردناک مگر عهد آنها که عهد کردید با ایشان از مشرکان

ثم لم ینقصوکم شیئا ولم یظاهروا علیکم احدا فاتموا الیهم
پس باز کم نکردند شمارا از شروط عهدی چیزی و هم پشتی نکردند بر شما هیچ کسی از اعداء شما پس تمام کنید با ایشان

عهدهم الی مدتهم ان الله یحب المتقین ۝ فاذا انسلخ
عهد ایشانرا تا انقضاء مدت ایشان بدرستی که خدای دوست میدارد پرهیزکارانرا پس چون بگذرد

الاشهر الحرم فاقتلوا المشرکین حیث وجدتموهم وخذوهم
ماههای حرام که مدت تا چهل است پس بکشید مشرکانرا هرجا که بیابید ایشانرا خواه حل و خواه حرم و بگیرید ایشانرا

واحصروهم واقعدوا لهم کل مرصد فان تابوا واقاموا الصلوة
و منع کنید ایشانرا از دخول مکه و تصرف در بلاد اسلام و بنشینید از برای ایشان بر هر سر راهی پس اگر باز گردید از شرک و بپای دارید نمازرا

واتوا الزکوة فخلوا سبیلهم ان الله غفور رحیم ۝ وان احد
و بدهید زکوة را پس راه باز دهید ایشانرا بدرستی که خدای آمرزگارست رحمت کننده و اگر یکی

من المشرکین استجارک فاجره حتی یسمع کلام الله ثم
از مشرکان امان و زنهار خواهد از تو پس امان ده اورا تا بشنود کلام خدایرا پس

ابلغه مأمنه ذلک بانهم قوم لا یعلمون ۝ کیف یکون
برسان اورا بجا امن او و دار قوم آن امان بسبب آنست که ایشان قومی اند که نمیدانند دین و توحیدرا چگونه باشد

للمشرکین عهد عند الله وعند رسوله الا الذین عاهدتم
مشرکانرا عهدی نزد خدای و نزد رسول او و لیکن آنها که عهد کردید با ایشان

عند المسجد الحرام فما استقاموا لکم فاستقیموا لهم ان
نزد مسجد حرام پس مادام که مقیم باشند بر عهد با شما پس مقیم باشید بر عهد با ایشان بدرستی

الله یحب المتقین ۝ کیف وان یظهروا علیکم لا یرقبوا فیکم
که خدای دوست دارد پرهیزکارانرا چگونه باشد این مشرکانرا عهدی و حال آنکه اگر دست یابند بر شما نگاه ندارند در حق شما

الا ولا ذمة یرضونکم بافواههم وتأبی قلوبهم واکثرهم
هیچ خویشی و عهد و سوگندی و نه زنهاری خشنود کنند شمارا بزبانهای خویش و نخواهد دلهای ایشان وفا و بیشترین ایشان

فاسقون ۝ اشتروا بآیات الله ثمنا قلیلا فصدوا عن
فاسقانند و اگر فتند بدل آیات خدای بهایی اندک پس بازگشتند و باز داشتند مردمانرا

سبیله انهم ساء ما کانوا یعملون ۝ لا یرقبون فی مؤمن الا
دین خدای بدرستی که ایشان بدست آنچه ایشان میکنند نگاه نمیدارند در حق هیچ مومن خویشی

ولا ذمة واولئک هم المعتدون ۝ فان تابوا واقاموا الصلوة
و نه عهدی و آن گروه ایشانند از حد در گذرندگان پس اگر باز گردند از شرک و بپای دارند نمازرا

واتوا الزکوة فاخوانکم فی الدین ونفصل الآیات لقوم
و بدهند زکوة را پس برادران شما باشند در دین و بیان میکنیم آیتهای قرآنرا برای قومی

یعلمون ۝ وان نکثوا ایمانهم من بعد عهدهم وطعنوا
که بدانند که آن از نزد خداست و اگر بشکنند عهدهای خویشرا از پس عهد ایشان و طعن کنند

فی دینکم فقاتلوا ائمة الکفر انهم لا ایمان لهم لعلهم
ینتهون ۝ الا تقاتلون قوما نکثوا ایمانهم وهموا باخراج
الرسول وهم بدءوکم اول مرة اتخشونهم فالله احق ان
تخشوه ان کنتم مؤمنین ۝ قاتلوهم یعذبهم الله بایدیکم
ویخزهم وینصرکم علیهم ویشف صدور قوم مؤمنین
ویذهب غیظ قلوبهم ویتوب الله علی من یشاء والله
علیم حکیم ۝ ام حسبتم ان تترکوا ولما یعلم الله الذین
جاهدوا منکم ولم یتخذوا من دون الله ولا رسوله ولا
المؤمنین ولیجة والله خبیر بما تعملون ۝ ما کان للمشرکین
ان یعمروا مساجد الله شاهدین علی انفسهم بالکفر
اولئک حبطت اعمالهم وفی النار هم خالدون ۝ انما یعمر

بزیارت و قعود در

مساجد الله من امن بالله والیوم الاخر واقام الصلوة واتی
الزکوة ولم یخش الا الله فعسی اولئک ان یکونوا من
المهتدین ۝ اجعلتم سقایة الحاج وعمارة المسجد الحرام
کمن امن بالله والیوم الاخر وجاهد فی سبیل الله لا یستوون
عند الله والله لا یهدی القوم الظالمین ۝ الذین امنوا
وهاجروا وجاهدوا فی سبیل الله باموالهم وانفسهم
اعظم درجة عند الله واولئک هم الفائزون ۝ یبشرهم
ربهم برحمة منه ورضوان وجنات لهم فیها نعیم
مقیم ۝ خالدین فیها ابدا ان الله عنده اجر عظیم
یا ایها الذین امنوا لا تتخذوا اباءکم واخوانکم اولیاء
ان استحبوا الکفر علی الایمان ومن یتولهم منکم فاولئک

و عمارت مسجد حرام

هم الظالمون ۝ قل ان كان اباؤكم وابناؤكم واخوانكم
ایشانند ستمكاران بگوای محمد اگر هستند پدران شما و پسران شما و برادران شما

وازواجكم وعشيرتكم واموال اقترفتموها وتجارة
وهم جفتان شما و قبیلهٔ شما و مالهایی که کسب کردید آنرا و بازرگانی

تخشون كسادها ومساكن ترضونها احب اليكم من الله
که ترسید از ناروایی آن و مسکنهایی که پسندید آنرا اگر هست اینها دوستر شما از خدای

ورسوله وجهاد في سبيله فتربصوا حتى ياتي الله بامره
و رسول او و جهاد کردنی در راه او پس چشم دارید درنگ تا آورد خدای فرمان خویش را که فتح

والله لا يهدي القوم الفاسقين ۝ لقد نصركم الله في
و خدای راه ننماید قوم فاسقانرا بدرستی که یاری کرد شما را خدای در

مواطن كثيرة ويوم حنين اذ اعجبتكم كثرتكم فلم
جایگاههای بسیار و در روز حنین چون بعجب آورد شما را بسیاری شما که دوازده هزار بودید پس

تغن عنكم شيئا وضاقت عليكم الارض بما رحبت ثم وليتم
دفع نکرد از شما کثرت شما چیزی را و تنگ شد بر شما روی زمین با آن فراخی که داشت پس برگشتید شما

مدبرين ۝ ثم انزل الله سكينته على رسوله وعلى المؤمنين
پشت کنندگان پس فرو فرستاد خدای آرام خویشرا بر رسول خود و بر مؤمنان

وانزل جنودا لم تروها وعذب الذين كفروا وذلك جزاء
و فرو فرستاد لشکرهایی که ندیدید آنرا و عذاب کرد آنهارا که کافر شدند و آن جزای

الكافرين ۝ ثم يتوب الله من بعد ذلك على من يشاء والله
کافرانست پس توبت دهد خدای از پس آن بر آنکس که خواهد از کفار و خدای

غفور رحيم ۝ يا ايها الذين امنوا انما المشركون نجس فلا
آمرزگار بخشاینده است ای آنهایی که بگرویده اید بدرستی که مشرکان پلیدند پس باید که

يقربوا المسجد الحرام بعد عامهم هذا وان خفتم عيلة
نزدیک مسجد حرام نروند بعد از سال ایشان این سال و اگر ترسید شما از درویشی

فسوف يغنيكم الله من فضله ان شاء ان الله عليم حكيم ۝
پس زود است که توانگر گرداند شما را خدای از فضل خویش اگر خواهد بدرستی که خدای داناست محکم کار

قاتلوا الذين لا يؤمنون بالله ولا باليوم الاخر ولا يحرمون ما
کارزار کنید با آنها که نمیگروند بخدای و نه بروز قیامت و حرام نمیدارند آنچه

حرم الله ورسوله ولا يدينون دين الحق من الذين اوتوا الكتاب
حرام کرد خدای و رسول او و بدین فرا نگیرند دین حق را که اسلامست که آنها اند که دادندشان کتاب یعنی یهود و نصاری

حتى يعطوا الجزية عن يد وهم صاغرون ۝ وقالت اليهود عزير
تا بدهند جزیه از دست و حال آنکه ایشان خواران باشند و گفتند جهودان که عزیر

ابن الله وقالت النصارى المسيح ابن الله ذلك قولهم بافواههم
پسر خدایست و گفتند ترسایان که عیسی پسر خدایست آن گفتار ایشانست بدهنهای ایشان

يضاهؤن قول الذين كفروا من قبل قاتلهم الله انى يؤفكون ۝
مانندگی میکنند گفتار آنهارا که کافر شدند از پیش لعنت کناد ایشانرا خدای چگونه برگردانید میشوند از حق

اتخذوا احبارهم ورهبانهم اربابا من دون الله والمسيح
فرا گرفتند دانشمندان خویش و زاهدان خویش را بخدایان از غیر خدای و عیسی

ابن مريم وما امروا الا ليعبدوا الها واحدا لا اله الا هو
پسر مریم را و نفرموده اندشان مگر اینکه بپرستند خدایی را که یگانه است که هیچ خدای نیست مگر او

سبحانه عما يشركون ۝ يريدون ان يطفؤا نور الله بافواههم
و پاک و منزه است او از آنچه شریک او می کنند می خواهند که فرو نشانند نور خدایرا بدهنهای بلند ایشان

ويابى الله الا ان يتم نوره ولو كره الكافرون ۝ هو الذي
و نمیخواهد خدای مگر که تمام کند نور خویش را و اگرچه کراهت دارند آنرا کافران اوست آن خدای

بلیدانشان

عبارة الكشاف [illegible] انها للعبث او تحريم الطيبات لم يكن الا لنقض العهد

واما التوكيد فمعناه تحقيق [illegible] وان محل التاكيد انحصر وهو مشكل

وما عطف عليه وقد ذكره ان زيادة ما للتاكيد [illegible] وايضا عند [illegible] على

ان الحصر انما ينشأ من التقديم على العامل للفظا والمعنى [illegible] قوي وقوة تفيد الحصر

[illegible] وانه مراد [illegible] مزيدة لتاكيد السببية وانه بسبب [illegible] تم المقصود وعلى الثاني

لانه لا تخلو اما انه لا يكون له بحسب [illegible] وعلى الاول [illegible] فاما ان يكون له مدخل

فلا [illegible] اما ان يكون [illegible] فكذلك [illegible] منضما اليه [illegible] لا احتياج الى

السببية او لا وعلى الثاني لا حاجة الى الضم وعلى الاول [illegible] لا يكون لجعل هذا سببا

ما ضم اليه او مستقلا فيكون [illegible] الاستقلال بالسببية [illegible] منافية

[illegible] لكان التقدير فبما نقضهم

قوله لو تعلق الباء بما [illegible] عليه قوله بل طبع الله عليها بكفرهم فهذا التقدير ليس بصحيح لتوقفه

[illegible] طبع الله على قلوبهم بل طبع الله عليها [illegible] بل طبع الله عليها [illegible]

على ان يكون بل طبع الله متعلق بذلك المحذوف عطفا عليه [illegible]

كفرهم فكيف اذا انضم اليه النقض والقتل ليكون [illegible] على ذلك المحذوف [illegible]

كذلك لانه متعلق بقولهم قلوبنا غلف [illegible] وانكارا [illegible] وقالوا قلوبنا

غلف بل لعنهم الله بكفرهم فلا يكون متعلقا بذلك المحذوف ولا دليل عليه [illegible]

نظرا الى قولهم قلوبنا غلف عطفا على مقدر اي لم تخلق قلوبهم غلفا بل طبع الله [illegible]

أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ
که فرستاد رسول خودرا براه راست که ودین حق که تا غالب گرداند آنها بر دینها همه
قرآنست اسلامست
وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِنَ
واگرچه کراهت دارند مشرکان ای آنها که بگرویده اید بدرستی که بسیاری از
الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ
دانشمندان وزاهدان اهل کتاب هرآینه میخورند برشوه مالهای مردمانرا بحکم وفتوی باطل
وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ۗ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ
وباز میدارند مردمانرا از راه خدای وایمان وآنها که جمع میکنند زررا ونقره را
وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ۝ يَوْمَ
وخرج نمیکنند در راه خدای پس بشارت ده ایشانرا بعذابی دردناک آن روز
يُحْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ
که بتابانیدن زرها و درآتش دوزخ پس داغ کنند بآنها پیشانیهای ایشانرا وپهلوهای ایشانرا
وَظُهُورُهُمْ ۖ هَٰذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ
وپشتهای ایشانرا وگویند ایشانرا این آنست که گرد کردید از برای نفسهای خویش پس بچشید انچه جمع کردید وبخیلی کردید
تَكْنِزُونَ ۝ إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي
بدرستی که شماره ماهها در سالی در دین خدای دوازده ماهست
كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ۚ
نوشته خدای که روز آفرید آسمانهارا وزمین ازماهها چهار ماه حرامست
ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ ۚ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ ۚ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ
اینست حساب مستقیم پس ظلم نکنید درین ماههای حرام بر نفسهای خویش وکارزار کنید با مشرکان
كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً ۚ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ
همه همچنانکه ایشان کارزار میکنند با شما همه وبدانید که خدای با پرهیزکارانست

نصف الحزب

و ذو القعدة و ذو الحجة و محرم

إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ ۖ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُحِلُّونَهُ عَامًا
بدرستی که تاخیر کردن حرمت ماههای حرام بماههای دیگر در کفر گمراه میشوند بآن تاخیر که کافر شدند حلال میدارند آنرا سالی
وَيُحَرِّمُونَهُ عَامًا لِيُوَاطِئُوا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَيُحِلُّوا مَا حَرَّمَ
وحرام میدارند آنرا سالی تا موافقت کنند با شمار آنچه حرام کرد خدای پس حلال میدارند انچه حرام کرده
اللَّهُ ۚ زُيِّنَ لَهُمْ سُوءُ أَعْمَالِهِمْ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ۝
خدای آراسته شد ایشانرا بدیهای عملهای ایشان وخدای راه ننماید قوم کافرانرا
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمُ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ
ای آنها که بگرویده اید چیست شمارا که چون گویند شمارا بیرون روید بغزا در راه خدای
اثَّاقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ ۚ أَرَضِيتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ ۚ فَمَا
سنگین شوید بزمین یعنی دوست دارید نشستن را ای خشنود شده بزندگانی دنیا بیدل آخرة یعنی بهشت پس نیست
مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ ۝ إِلَّا تَنْفِرُوا يُعَذِّبْكُمْ
برخورداری زندگانی همه دنیا در جنب اندک چیزی از سرای آخرة الا اندکی اگر بیرون نروید بغزا با محمد
عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوهُ شَيْئًا ۗ
عذابی دردناک وبدل کند شمارا بقومی غیر شما وزیان نتوانید کرد خدایرا چیزی
وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ
وخدای بر همه چیزی تواناست اگر نصرت نکنید محمد را پس بدرستی که نصرت کرد اورا خدای چون
أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ
بیرون کردند اورا آنها که کافر شدند در آن حال که محمد دوم دو تن بود چون ایشان هر دو در آن غار جبل ثور بودند
إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا ۖ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ
چون گفت پیغامبر با یار خویش که غمگین مشو که بدرستی که خدای با ماست پس فرو فرستاد خدای آرام خودرا
عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا
بردل وتاکید کرد پیغامبررا بلشکرهایی که ندیدید شما اورا وگردانید سخن آنها که کافر شدند

دیگر زیادتیست

هرآینه عذاب کند خدای شمارا بقحط وسختی

اضطره ... الی الخروج ...

السفلى وكلمة الله هي العليا والله عزيز حكيم انفروا

خفافا وثقالا وجاهدوا باموالكم وانفسكم في سبيل الله

ذلكم خير لكم ان كنتم تعلمون لو كان عرضا

قريبا وسفرا قاصدا لاتبعوك ولكن بعدت عليهم الشقة

وسيحلفون بالله لو استطعنا لخرجنا معكم يهلكون

انفسهم والله يعلم انهم لكاذبون عفا الله عنك

لم اذنت لهم حتى يتبين لك الذين صدقوا وتعلم

الكاذبين لا يستاذنك الذين يؤمنون بالله واليوم

الاخر ان يجاهدوا باموالهم وانفسهم والله عليم بالمتقين

انما يستاذنك الذين لا يؤمنون بالله واليوم الاخر وارتابت

قلوبهم فهم في ريبهم يترددون ولو ارادوا الخروج

لاعدوا له عدة ولكن كره الله انبعاثهم فثبطهم

وقيل اقعدوا مع القاعدين لو خرجوا فيكم ما زادوكم

الا خبالا ولاوضعوا خلالكم يبغونكم الفتنة

وفيكم سماعون لهم والله عليم بالظالمين لقد ابتغوا

الفتنة من قبل وقلبوا لك الامور حتى جاء الحق وظهر امر

الله وهم كارهون ومنهم من يقول ائذن لي ولا

تفتني الا في الفتنة سقطوا وان جهنم لمحيطة بالكافرين

ان تصبك حسنة تسؤهم وان تصبك مصيبة يقولوا

قد اخذنا امرنا من قبل ويتولوا وهم فرحون قل لن يصيبنا

الا ما كتب الله لنا هو مولانا وعلى الله فليتوكل المؤمنون

قل هل تربصون بنا الا احدى الحسنيين ونحن نتربص بكم

ان يصيبكم الله بعذاب من عنده او بايدينا فتربصوا انا

که برساند به شما خدای عذابی از نزد خویش یا بدستهای ما پس چشم دارید که بدرستی که ما

معكم متربصون ۝ قل انفقوا طوعا او كرها لن يتقبل منكم

با شما چشم دارندگانیم بگو خرج کنید بطوع یا بکره که قبول کرده نخواهد شد از شما

انكم كنتم قوما فاسقين ۝ وما منعهم ان تقبل منهم

بدرستی که شما قومی فاسقانید و منع نکرد ایشان را که قبول کنند از ایشان

نفقاتهم الا انهم كفروا بالله وبرسوله ولا يأتون الصلوة

نفقهای ایشان الا که ایشان کافر شدند بخدای و برسول او و نیایند به نماز

الا وهم كسالى ولا ينفقون الا وهم كارهون ۝ فلا

الا که ایشان کاهلان باشند و نفقه نکنند الا که ایشان کارهان باشند پس باید که

تعجبك اموالهم ولا اولادهم انما يريد الله ليعذبهم بها

بعجب نیاورد ترا مالهای ایشان و نه فرزندان ایشان که بدرستی که میخواهد خدای که عذاب کند ایشان را بآن

في الحيوة الدنيا وتزهق انفسهم وهم كافرون ۝ ويحلفون

در زندگانی دنیا و بیرون آید روحهای ایشان و ایشان در آن حال کافران باشند و سوگند میخورند

بالله انهم لمنكم وما هم منكم ولكنهم قوم يفرقون ۝

بخدای که بدرستی که ایشان از شمااند و حال آنکه نیستند ایشان از شما و لیکن ایشان قومی اند که میترسند

لو يجدون ملجأ او مغارات او مدخلا لولوا اليه وهم

اگر بیابند پناهی یا غارهایی در کوه یا سوراخی در زمین … بازگشتندی بآن و حال آنکه ایشان

يجمحون ۝ ومنهم من يلمزك في الصدقات فان اعطوا

می شتافتندی و از منافقان هست آنکه عیب میکند ترا در صرف صدقات پس اگر بدهند ایشان را

منها رضوا وان لم يعطوا منها اذا هم يسخطون ۝ ولو انهم

از آن بسیاری راضی شوند و اگر نه دهند ایشان را از آن … ایشان خشمگین شوند و اگر که ایشان

رضوا ما اتاهم الله ورسوله وقالوا حسبنا الله سيؤتينا

راضی شدندی بآنچه دادی ایشان را خدای و رسول او و گفتندی بس است ما را خدای زود که بدهد ما را

الله من فضله ورسوله انا الى الله راغبون ۝ انما الصدقات

خدای از فضل خویش و رسول او بدرستی که ما به خدای رغبت کنندگانیم بدرستی که صدقات

للفقراء والمساكين والعاملين عليها والمؤلفة قلوبهم

مر فقیرانراست و مسکینانرا … و کار کنندگان بر صدقات و الفت اهل ایمان افکنده در دلهای ایشان

وفي الرقاب والغارمين وفي سبيل الله وابن السبيل

و مکاتبان که خود را باز خرند و قرض داران و غازیان و مسافران

حزب

فريضة من الله والله عليم حكيم ۝ ومنهم الذين يؤذون

فرض کرده شده از خدای و خدای داناست محکم کار و از منافقان هستند آنها که میرنجانند

النبي ويقولون هو اذن قل اذن خير لكم يؤمن بالله ويؤمن

پیغامبر را … ایمان می آورد بخدای و تصدیق میکند

للمؤمنين ورحمة للذين امنوا منكم والذين يؤذون رسول الله

مومنان را و رحمتست مر آنها را که گرویدند از شما و آنها که میرنجانند رسول خدا را

لهم عذاب اليم ۝ يحلفون بالله لكم ليرضوكم والله

ایشان را عذابی باشد دردناک سوگند میخورند بخدای برای شما تا خشنود کنند شما را و خدای

ورسوله احق ان يرضوه ان كانوا مؤمنين ۝ الم يعلموا انه

و رسول او سزاوارتر که راضی کنند او را اگر هستند گروندگان آیا ندانستند …

من يحادد الله ورسوله فان له نار جهنم خالدا فيها ذلك

که هر که مخالفت کند خدای و رسول او را پس بدرستی که او راست آتش دوزخ جاوید در آن آنست

الخزي العظيم ۝ يحذر المنافقون ان تنزل عليهم سورة

رسوایی بزرگ میترسند منافقان که فرستاده شود در شان ایشان سورتی

از حسد و عداوت

كُنّا

تنبئهم بما في قلوبهم قل استهزءوا ان الله مخرج ما تحذرون
كه بیاگاهاند ایشانرا بانچه در دلهای ایشانست بگو استهزا کنید بدرستی که خدای اظهار کننده است که مترسید شما از ظهور ان

ولئن سألتهم ليقولن انما كنا نخوض ونلعب قل أبالله وآياته
و مر اینه اگر بپرسی از ایشان مر آینه گویند بدرستی که درسخن میرویم و بازی میکنیم بگو ای بخدای و آیات او

ورسوله كنتم تستهزءون لا تعتذروا قد كفرتم
و رسول او شما استهزا میکنید عذر منخواهید بدرستی که ظاهر شد کفر شما

بعد ايمانكم ان نعف عن طائفة منكم نعذب طائفة
بعد از اظهار شما ایمانرا اگر درگذریم از طایفه از شما عذاب کنیم طایفه را

بانهم كانوا مجرمين المنافقون والمنافقات بعضهم
بسبب ایشان هستند گناه کاران مردان منافق و زنان منافقه بعضی ایشان

من بعض يأمرون بالمنكر وينهون عن المعروف
از دین بعضی اند امر میکنند به بدی و کفر و نهی میکنند از نیکویی و ایمان

ويقبضون ايديهم نسوا الله فنسيهم ان المنافقين هم
و باز میگیرند از نفقه در راه خدای دستهای خویشرا ترک کردند نام خدایرا پس ترک خدای ایشانرا از خذلان بدرستی که منافقان ایشانند

الفاسقون وعد الله المنافقين والمنافقات والكفار
بیرون روندگان از فرمان خدای وعده داد خدای منافقانرا و منافقات و کافرانرا

نار جهنم خالدين فيها هي حسبهم ولعنهم الله ولهم عذاب
آتش دوزخ جاویدان در آن آن بس است بجزا ایشانرا و لعنت کرد ایشانرا خدای و ایشانرا باشد عذابی

مقيم كالذين من قبلكم كانوا اشد منكم قوة
دایمی عمل و جزای شما همچو آنهاست که بودند از پیش شما که بودند سختر از شما بقوت

واكثر اموالا واولادا فاستمتعوا بخلاقهم فاستمتعتم بخلاقكم
و بیشتر از شما بمالها و فرزندان پس برخورداری گرفتند بنصیب خویش از دنیا و راضی شدند بان در عوض آخرت

پس برخورداری گرفتید شما بنصیب خویش

كما استمتع الذين من قبلكم بخلاقهم وخضتم كالذي
همچنانکه برخورداری گرفتید آنها که از پیش شما بودند و راضی شدند بنصیب از و خوض نمودند در میل آن سخنان که ایشان درشدند

خاضوا اولئك حبطت اعمالهم في الدنيا والآخرة واولئك
درشدند در آن آن گروه باطل شد عملهای ایشان در دنیا و آخرت و آن گروه

ایشان از دنیا بعوض آخرت

هم الخاسرون الم يأتهم نبأ الذين من قبلهم قوم نوح
ایشانند زیان کاران ای بیامد مر منافقان خبر آنها که از پیش ایشان بودند که چه کردند و چه کردیم با ایشان که قوم نوح بودند

وعاد وثمود وقوم ابراهيم واصحاب مدين والمؤتفكات
و قوم هود و قوم صالح و قوم ابرهیم و قوم لوط و قوم شعیب و دیار ایشان

اتتهم رسلهم بالبينات فما كان الله ليظلمهم ولكن
آمدند با ایشان رسولان بحجتها پس نکرد خدای ظلمی بر ایشان و لیکن ایشان خود

كانوا انفسهم يظلمون والمؤمنون والمؤمنات بعضهم
بر نفسهای ایشان ظلم کردند و مردمان مومنان و زنان مومنه بعضی ایشان

اولياء بعض يأمرون بالمعروف وينهون عن المنكر
دوستان بعضی اند میفرمایند با یمان و خیر و نهی میکنند از شرک و معاصی

ويقيمون الصلوة ويؤتون الزكوة ويطيعون الله ورسوله
و بپای میدارند نماز را و میدهند زکوة را و فرمان میبرند خدای و رسول اورا

اولئك سيرحمهم الله ان الله عزيز حكيم وعد
آن گروه زود که رحمت کند خدای بر ایشان بدرستی که خدای غالبست با حکمت وعده داد

الله المؤمنين والمؤمنات جنات تجري من تحتها الانهار
خدای مردان مومن و زنان مومنه را بهشتهایی که میرود از زیر درختها و قصرها آن جویها

خالدين فيها ومساكن طيبة في جنات عدن ورضوان من الله
جاویدان در آن و مسکنهای خوش در بستانهای خلد و اقامت و خشنودی خدای از ایشان

اكبر ذلك هو الفوز العظيم ۝ يا ايها النبي جاهد الكفار
بزرگتر از نهاآن وعده آنست فیروزی بزرگ ای پیغامبر برگزیده همه برگزیدگان جهاد کن با کفار بشمشیر

والمنافقين واغلظ عليهم وماويهم جهنم وبئس المصير ۝
و با منافقان بحجت و ترک رفق و درشت باش برایشان و جای ایشان دوزخ است و بد مرجعیست دوزخ

يحلفون بالله ما قالوا ولقد قالوا كلمة الكفر وكفروا
سوگند میخورند منافقان بخدای که نگفتند و بدرستی که گفتند کلمهٔ کفر را که سب پیغامبرست و طعن در دین و کافر شدند

بعد اسلامهم وهموا بما لم ينالوا وما نقموا الا ان
بعد از اظهار اسلام و قصد کردند آنچه نیافتند از قتل پیغامبر و هیچ بدی ندیدند و کراهت نداشتند مگر آنکه

اغنيهم الله ورسوله من فضله فان يتوبوا يك خيرا لهم
توانگر کرد ایشان را خدای و رسول او از فضل خویش بغنیمه و خونبها پس اگر توبه کنند این منافقان بهتر باشد ایشان را

وان يتولوا يعذبهم الله عذابا اليما في الدنيا والاخرة
و اگر اعراض کنند از ایمان عذاب کند ایشان را خدای عذابی دردناک در دنیا و آخرت

وما لهم في الارض من ولي ولا نصير ۝ ومنهم من عاهد
و نباشد ایشان را در زمین هیچ دوستی و نه یاری دهنده و از منافقان هست آنکس که عهد کرد

الله لئن اتينا من فضله لنصدقن ولنكونن من الصالحين ۝
با خدای که هرآینه اگر بدهد ما را از

فلما اتيهم من فضله بخلوا به وتولوا وهم معرضون ۝
از فضل خویش توانگری بخیلی کردند بآن و برگشتند از آن عهد و ایشان اعراض کنندگانند

فاعقبهم نفاقا في قلوبهم الى يوم يلقونه بما اخلفوا الله
پس جزا داد ایشان را بسبب بخل ایشان نفاقی در دلهای ایشان که توبه نکنند از آن تا روزی که ببینند او را و بسبب خلاف کردن ایشان خدای

ما وعدوه وبما كانوا يكذبون ۝ الم يعلموا ان الله يعلم سرهم
آنچه وعده دادند او را و بسبب دروغ گفتن ایشان ای ندانستند که خدای داند پنهان ایشان

ومباهات باخرت او

ونجويهم وان الله علام الغيوب ۝ الذين يلمزون المطوعين
و راز ایشان و آنکه خدای داننده غیبهاست آنها که عیب میکنند آنها را که بطوع و رغبت میدهند

من المؤمنين في الصدقات والذين لا يجدون الا جهدهم
بقوت ایمان صدقهها را و آنها که نمی یابند مگر قدر طاقت خویش

فيسخرون منهم سخر الله منهم ولهم عذاب اليم ۝
پس استهزا میکنند با ایشان جزای استهزا بدهد خدای با ایشان و ایشان را باشد عذابی دردناک

استغفر لهم او لا تستغفر لهم ان تستغفر لهم سبعين مرة
مخیر کردیم ترا ای محمد خواهی استغفار کن از برای ایشان یا استغفار مکن از برای ایشان اگر طلب آمرزش کنی از برای ایشان هفتاد بار
خواهی استغفار کن از برای منافقان

فلن يغفر الله لهم ذلك بانهم كفروا بالله ورسوله والله لا
پس نیامرزد خدای ایشان را آن بسبب آنست که ایشان کافر شدند بخدای و رسول او و خدای

يهدي القوم الفاسقين ۝ فرح المخلفون بمقعدهم خلاف
راه ننماید قوم بیرون آیندگان از فرمان شاد شدند باز پس ایستادگان ایشان پس از رفتن

رسول الله وكرهوا ان يجاهدوا باموالهم وانفسهم في سبيل
رسول خدای بغزا و کراهت داشتند که جهاد کنند بمالهای خویش و نفسهای خویش در راه

الله وقالوا لا تنفروا في الحر قل نار جهنم اشد حرا لو كانوا
خدای و گفتند بیرون مروید در گرما بگو آتش دوزخ سخت ترست بگرمی اگر ایشان دریابند

يفقهون ۝ فليضحكوا قليلا وليبكوا كثيرا جزاء بما
پس باید که خنده کنند اندک در دنیا و گریه باید که بسیار کنند در آتش جزای آنچه
بازگشت ایشان باشد

كانوا يكسبون ۝ فان رجعك الله الى طائفة منهم فاستاذنوك
کردند در دنیا از نفاق پس اگر بازگرداند ترا خدای بطایفه از منافقان که در مدینه گذاشتی شان پس دستوری خواهند از تو

للخروج فقل لن تخرجوا معي ابدا ولن تقاتلوا معي عدوا
از برای بیرون آمدن پس بگو بیرون میایید با من هرگز و کارزار مکنید با من هیچ دشمنی را

انكم رضيتم بالقعود اول مرة فاقعدوا مع الخالفين ۝ ولا
بدرستی که شما راضی شدید بنشستن اول بار پس بنشینید با زنان و کودکان و ناتوانان و مکن

تصل على احد منهم مات ابدا ولا تقم على قبره انهم كفروا
نماز بر هیچ یکی از ایشان که بمیرند هرگز بد عا بر سر قبر او مستد قبر او زیرا که ایشان کافران بودند

بالله ورسوله وماتوا وهم فاسقون ۝ ولا تعجبك اموالهم
بخدای و رسول او و مردند و حال آنکه ایشان فاسقان بودند و باید که بعجب نیاورد ترا مالهای ایشان

واولادهم انما يريد الله ان يعذبهم بها في الدنيا وتزهق
و فرزندان ایشان بدرستی که میخواهد خدای که عذاب کند ایشانرا بعصیان آن در دنیا و هلاک شود

انفسهم وهم كافرون ۝ واذا انزلت سورة ان امنوا
نفسهای ایشان در آن حال که ایشان کافران باشند و چون فرو آید سورتی که ایمان آورید

بالله وجاهدوا مع رسوله استاذنك اولوا الطول منهم
بخدای و جهاد کنید با رسول او دستوری خواهند از تو خداوندان غنا و قدرت از ایشان

وقالوا ذرنا نكن مع القاعدين ۝ رضوا بان يكونوا مع الخوالف
و گویند بگذار ما را تا باشیم با نشستگان راضی شدند با آنکه باشند با زنان که تخلف کنند در خانها

وطبع على قلوبهم فهم لا يفقهون ۝ لكن الرسول والذين امنوا
و مهر نهاده شده بر دلهای ایشان پس ایشان در نمی یابند ایمان و شرایع لکن پیغامبر و آنها که بگرویدند

معه جاهدوا باموالهم وانفسهم واولئك لهم الخيرات
با او جهاد کردند بمالهای خویش و نفسهای خویش و آن گروه ایشانرا باشد نیکیها

واولئك هم المفلحون ۝ اعد الله لهم جنات تجري من تحتها
و آن گروه ایشانند رستگاران معد و مهیا داشته خدای از برای ایشان بهشتهایی که رود از زیر درختهای آن

الانهار خالدين فيها ذلك الفوز العظيم ۝ وجاء المعذرون
جویها جاویدان در آن است فیروزی بزرگ و آمدند عذر گویندگان

من الاعراب ليؤذن لهم وقعد الذين كذبوا الله ورسوله
از بادیه نشینان تا اجازت دهند ایشانرا و نشستند آنها که دروغ گفتند با خدای و رسول او

سيصيب الذين كفروا منهم عذاب اليم ۝ ليس على الضعفاء
زود که برسد آنها که کافر شدند از ایشان عذابی دردناک نیست بر ضعیفان

ولا على المرضى ولا على الذين لا يجدون ما ينفقون حرج اذا نصحوا
و نه بر مریضان و نه بر آنها که نیابند آنچه خرج کنند هیچ تنگی و حرجی چون نیک خواهند

لله ورسوله ما على المحسنين من سبيل والله غفور رحيم ۝
از برای خدا و رسول او و نیست بر نیکوکاران هیچ بزه و راهی بعقوبت و خدای آمرزنده رحمت کننده

ولا على الذين اذا ما اتوك لتحملهم قلت لا اجد ما احملكم
و نیست هیچ بزه بر آنها که چون آیند بتو تا سوارگی ایشانرا جهت غزا گویی نمی یابم آنچه برنشانم شمارا

عليه تولوا واعينهم تفيض من الدمع حزنا الا يجدوا
بر آن باز گردند و حال آنکه چشمهای ایشان ریزان و باران باشد از اشک از اندوه آنکه نیابند

ما ينفقون ۝ انما السبيل على الذين يستاذنونك وهم اغنياء
آنچه نفقه کنند بدرستی که بزه و راه عقوبت بر آنها باشد که دستوری میخواهند از تو و ایشان توانگرانند

رضوا بان يكونوا مع الخوالف وطبع الله على قلوبهم فهم
راضی شدند بآنکه باشند با زنان باز مانده در خانها و مهر نهاد خدای بر دلهای ایشان پس ایشان

لا يعلمون ۝ يعتذرون اليكم اذا رجعتم اليهم قل لا تعتذروا
نمیدانند عذر خواهی کنند از شما چون باز گردید با ایشان بگو عذر مخواهید

لن نؤمن لكم قد نبانا الله من اخباركم وسيرى الله عملكم
که ما تصدیق نمیکنیم شمارا بدرستی که آگاهانید خدای از خبرهای شما و زود است که ببیند خدای و رسول او عملهای

ورسوله ثم تردون الى عالم الغيب والشهادة فينبئكم
شمارا بعد از آن که پس باز گردانند شمارا بخدایی که داننده غیب است و پیدا پس خبر دهد شمارا

الجزء الحادی عشر

بما كنتم تعملون ۝ سيحلفون بالله لكم اذا انقلبتم اليهم
بانچه شما کرده بشیدیهان زود که سوگند خورند بخدای نزد شما چون بازگردید شما از تبوک با ایشان

لتعرضوا عنهم فاعرضوا عنهم انهم رجس وماويهم جهنم
تا باشد که اعراض کنید از ایشان پس اعراض کنید از ایشان بدرستی که ایشان پلیدند و جای ایشان دوزخ

جزاء بما كانوا يكسبون ۝ يحلفون لكم لترضوا عنهم فان
جزای بسبب آنکه ایشان کسب کرده باشند سوگند میخورند برای شما تا راضی شوید از ایشان پس اگر

ترضوا عنهم فان الله لا يرضى عن القوم الفاسقين ۝ الاعراب
راضی شوید از ایشان پس بدرستی که خدای راضی نشود از قوم فاسقان اهل بادیه

اشد كفرا ونفاقا واجدر الا يعلموا حدود ما انزل الله
سخت ترند بکفر و نفاق و سزاوارترند که ندانند حدهای آنچه فرو فرستاد خدای

على رسوله والله عليم حكيم ۝ ومن الاعراب من يتخذ
بر رسول خود و خدای داناست تمام حکمت و از بادیه نشینان هست کسی که می انگارد

ما ينفق مغرما ويتربص بكم الدوائر عليهم دائرة السوء
آنچه نفقه میکند تاوانی و چشم میدارد بشما حادثها بر ایشان باد حادثه بدی

والله سميع عليم ۝ ومن الاعراب من يومن بالله واليوم الاخر
و خدای شنواست دانا و از اهل بادیه هست کسی که ایمان می آورد بخدای و روز قیامت

ويتخذ ما ينفق قربات عند الله وصلوات الرسول الا انها
و امید میدارد بآنچه نفقه میکند تقربهای نزد خدای و دعاهای رسول … بدرستی که آن

قربة لهم سيدخلهم الله في رحمته ان الله غفور رحيم
قربتست ایشان را زود که در آورد ایشان را خدای در رحمت خویش بدرستی که خدای آمرزنده است رحمت کننده

والسابقون الاولون من المهاجرين والانصار والذين اتبعوهم
و پیشی گیرندگان اولینان از هجرت کنندگان و از انصار که اهل مدینه اند و آنها که …

پی روی کردند ایشان را

بإحسان رضي الله عنهم ورضوا عنه واعد لهم جنات
به نیکویی راضی شد خدای از ایشان و راضی شدند از او و معد داشت از برای ایشان بهشتها

تجري تحتها الانهار خالدين فيها ابدا ذلك الفوز العظيم
که رود زیر قصرها آن جویها جاویدان دران همیشه آنست فیروزی بزرگ

وممن حولكم من الاعراب منافقون ومن اهل المدينة
و از آنها که پیرامون شمااند از اعراب گروهی هستند منافقان و از اهل مدینه گروهی

مردوا على النفاق لا تعلمهم نحن نعلمهم سنعذبهم مرتين
سخت بایستاده اند بر نفاق ندانی تو ایشان را ما میدانیم ایشان را زود که عذاب کنیم ایشان را دو بار

با مراض و مصائب و عذاب قبر

ثم يردون الى عذاب عظيم ۝ وآخرون اعترفوا بذنوبهم
پس بازگردانیده شوند بعذابی بزرگ که خلود دوزخست و دیگران که معترف شدند بگناهان خویش

خلطوا عملا صالحا وآخر سيئا عسى الله ان يتوب عليهم
آمیختند عملی صالح که غزاست و عملی دیگر که تخلفست … شاید که خدای توبه دهد ایشان را

ان الله غفور رحيم ۝ خذ من اموالهم صدقة تطهرهم
بدرستی که خدای آمرزنده است رحمت کننده فرا گیر ای محمد از مالهای ایشان صدقه تا پاک کند ایشان را

وتزكيهم بها وصل عليهم ان صلوتك سكن لهم والله
و افزون کنی … و دعا کن برایشان بدرستی که دعای تو آرامیست ایشان را و خدای

صلواتك

سميع عليم ۝ الم يعلموا ان الله هو يقبل التوبة عن عباده
شنواست دانا ای ندانستند که خدای او قبول کند توبه را از بندگان خویش

ويأخذ الصدقات وان الله هو التواب الرحيم ۝ وقل
و فرا گیرد صدقها را و آنکه خدای اوست توبه پذیرنده رحمت کننده و بگو

اعملوا فسيرى الله عملكم ورسوله والمومنون وستردون
عمل کنید که زود که ببیند خدای عمل شما را و رسول او و مؤمنان و زود که باز گردانیده شوید

إلى عالم الغيب والشهادة فينبئكم بما كنتم تعملون ۝
سوی دانا پنهانی و آشکارا آگاه کنند شما را بدانچه هستید می کنید
وآخرون مرجون لأمر الله إما يعذبهم وإما يتوب عليهم
و دیگران امید داران اند فرمان خدای را اما عذاب کند شان را و اما توبه دهد بر ایشان
والله عليم حكيم ۝ والذين اتخذوا مسجدا ضرارا وكفرا
و خدای داناست و با حکمت و آنکسها که بگرفتند مسجدی بیچاره را و کافری
وتفريقا بين المؤمنين وإرصادا لمن حارب الله ورسوله
و جدای میان مؤمنان و راه بانی آنرا که حرب کنند خدای را و پیغمبر اورا
من قبل وليحلفن إن أردنا إلا الحسنى والله يشهد إنهم
از پیش و سوگند خورند که ما نخواستیم بجز نیکوئی و خدای گواه است که ایشان
لكاذبون ۝ لا تقم فيه أبدا لمسجد أسس على التقوى
دروغ زنان اند مایست اندر آنجا هرگز مسجدی که بنا کرده اند بر پرهیزکاران
من أول يوم أحق أن تقوم فيه فيه رجال يحبون
از نخست روز سزاوارتر که بایستی اندران اندران مردانی که دوست دارند
أن يتطهروا والله يحب المطهرين ۝ أفمن أسس بنيانه
که پاکیزگی کنند و خدای تعالی دوست دارد پاکیزگان را هرآنکس که بنا کرد بنیاد خویش
على تقوى من الله ورضوان خير أم من أسس بنيانه على
بر پرهیزکاری از خدای تعالی و خشنودی بهتر یا آنکه بنا کرد بنیاد خویش بر
شفا جرف هار فانهار به في نار جهنم والله لا يهدي
کنار کوی آتش ناسوزاند بدان اندر آتش دوزخ و خدای ننماید راه
القوم الظالمين ۝ لا يزال بنيانهم الذي بنوا ريبة في
گروه ستمکاران را همیشه باشد بنیاد ایشان آنکه بنا کردند بشکی اندر

قلوبهم إلا أن تقطع قلوبهم والله عليم حكيم ۝ إن الله
دلهاشان مگر که ببرند دلهاشان و خدای داناست با حکمت که خدای
اشترى من المؤمنين أنفسهم وأموالهم بأن لهم الجنة
بخرید از مؤمنان تنهاشان و خواسته هاشان بدانکه ایشان راست بهشت
يقاتلون في سبيل الله فيقتلون ويقتلون وعدا عليه حقا
کارزار کنند اندر راه خدای که بکشند و ایشان را بکشند وعده است بر خداوند واجب
في التوراة والإنجيل والقرآن ومن أوفى بعهده من الله
اندر توریت و انجیل و قرآن و هر که وفا کند بعهد خویش از خدای تعالی
فاستبشروا ببيعكم الذي بايعتم به وذلك هو الفوز
مژده پذیرید بخرید و فروخت شما آنکه خرید بدان و آن آنست آن رستگاری
العظيم ۝ التائبون العابدون الحامدون السائحون
بزرگ توبه کنندگان پرستندگان سپاس دارندگان روزه داران
الراكعون الساجدون الآمرون بالمعروف والناهون عن
رکوع کنندگان سجده کنندگان فرمایندگان به نیکی و نهی کنندگان از
المنكر والحافظون لحدود الله وبشر المؤمنين ۝ ما كان
ناشایست و نگاه دارندگان حدها خدای تعالی و مژده ده گرویدگان را نباشد
للنبي والذين آمنوا أن يستغفروا للمشركين ولو كانوا
پیغامبر را و آنکسها که بگرویدند که آمرزش خواهند انبازگیران را و گر بودند
أولي قربى من بعد ما تبين لهم أنهم أصحاب الجحيم
خداوندان خویشی از پس آنکه پیدا گشت که ایشانند خداوندان دوزخ
وما كان استغفار إبراهيم لأبيه إلا عن موعدة وعدها
و نبود آمرزش خواستن ابراهیم پدر را مگر از بهر وعده که وعده کرد آنرا

إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ

با او پس چون روشن شد او را که پدرش دشمنست خدای را بیزار گشت از وی و ترک کرد بدرستی که ابراهیم هر آینه بسیار دعا کننده بود استغفار کرد

حَلِيمٌ ۝ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّىٰ يُبَيِّنَ

بردبار و خدای گمراه نکند قومی را بعد از آنکه راه نمود ایشانرا تا روشن کند

لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۝ إِنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ

ایشانرا آنچه باید شان پرهیزید ازان بدرستی که خدای بهمه چیزی داناست بدرستی که خدای مر او راست پادشاهی آسمانها

وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا

و زمین او زنده کند و او بمیراند و نیست شمارا از غیر خدای هیچ دوستی و نه

نَصِيرٍ ۝ لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ

یاری کننده بدرستی که توبه پذیرفت خدای از پیغمبر و از مهاجرین و انصار آنها

اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبُ فَرِيقٍ مِنْهُمْ

که پیروی کردند او را در ساعت دشخواری توشه و کرما و مشقه از پس آنکه نزدیک شد که میل کند دلهای گروهی از ایشان

ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ رَحِيمٌ ۝ وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ

پس رجوع کرد با ایشان بدرستی که او با ایشان مهربانست رحمت کننده و توبه داد خدای بران سه کس

خُلِّفُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَضَاقَتْ

که واپس گذاشته شد کار ایشان چون تنگ شد برایشان زمین باین فراخی و تنگ شد

عَلَيْهِمْ أَنْفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَنْ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ

برایشان نفسهای ایشان و بیقین دانستند که هیچ پناهی نیست از خدای مگر با او پس توبه پذیرفت

عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

از ایشان تا باز آیند بدرستی که خدای اوست توبه دهنده رحمت کننده ای آنها

آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ ۝ مَا كَانَ لِأَهْلِ

که گرویده اید بترسید از خدای و باشید با راست گویان روا نباشد مر اهل

الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ

مدینه را و آنکس را که پیرامون ایشانند از اهل بادیه که باز پس ایستند از رسول خدای

وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ عَنْ نَفْسِهِ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ

و نباید که رغبت نکردانند بنفسهای خویش از نفس مقدسه او این نهی از تخلف بسبب آنست که نرسد بایشان

ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطَئُونَ مَوْطِئًا

هیچ تشنگی و نه رنجی و نه گرسنگی در راه خدای و نه ایستند و نسپرند هیچ موقفی و زمینی

يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوٍّ نَيْلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ

که بخشم آورد کافرانرا و نیابند از هیچ دشمنی مرادی مگر نوشته شود ایشانرا بآن

عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ۝ وَلَا يُنْفِقُونَ نَفَقَةً

عملی صالح بدرستی که خدای ضایع نکند مزد نیکوکاران و خرج نکنند در راه خدای هیچ خواه

صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً وَلَا يَقْطَعُونَ وَادِيًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ

خواه اندک خرجی و خواه بسیار و باز نبرند هیچ وادی را مگر که نوشته شود ایشانرا تا جزا دهد ایشانرا

اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا

خدای به نیکوترین آنچه ایشان کرده باشند و تکلیف نباشد مومنانرا که بیرون روند بغزای جملگی

و پیغمبر را یکبار نباید تنها در مدینه

كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي

پس چرا بیرون نروند از هر قبیله از ایشان جماعتی تا آنها که بنشستند بیاموزند و فقیه شوند در علوم

الدِّينِ وَلِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ

دین تا بترسانند بمواعظ قرآنی قوم خویش را که چون باز گردند از غزا بنزد ایشان تا مگر ایشان بترسند از مخالفت قرآن بیرون رفته باشند

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا

ای آنها که بگرویده اید کارزار کنید آنها را که نزدیک شما اند از کفار الاقرب فالاقرب و باید که بیابند

فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ ۝ وَإِذَا مَا أُنْزِلَتْ سُورَةٌ

در شما درشتی و سختی و عنفی و صبری در جهاد و بدانید که خدای با پرهیزکارانست و چون فرو فرستاده شود سورتی

فمنهم من يقول ايكم زادته هذه ايمانا فاما الذين امنوا
فزادتهم ايمانا وهم يستبشرون ۝ واما الذين في قلوبهم
مرض فزادتهم رجسا الى رجسهم وماتوا وهم كافرون ۝
اولا يرون انهم يفتنون في كل عام مرة او مرتين ثم لا
يتوبون ولا هم يذكرون ۝ واذا ما انزلت سورة نظر بعضهم
الى بعض هل يريكم من احد ثم انصرفوا صرف الله قلوبهم
بانهم قوم لا يفقهون ۝ لقد جاءكم رسول من انفسكم
عزيز عليه ما عنتم حريص عليكم بالمؤمنين رءوف رحيم ۝
فان تولوا فقل حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت
وهو رب العرش العظيم ۝

سورة يونس مائة وتسع آيات مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

الر تلك ايات الكتاب الحكيم ۝ اكان للناس عجبا
ان اوحينا الى رجل منهم ان انذر الناس وبشر الذين
امنوا ان لهم قدم صدق عند ربهم قال الكافرون ان هذا
لساحر مبين ۝ ان ربكم الله الذي خلق السموات والارض
في ستة ايام ثم استوى على العرش يدبر الامر ما من شفيع
الا من بعد اذنه ذلكم الله ربكم فاعبدوه افلا تذكرون ۝
اليه مرجعكم جميعا وعد الله حقا انه يبدؤ الخلق
ثم يعيده ليجزي الذين امنوا وعملوا الصالحات بالقسط
والذين كفروا لهم شراب من حميم وعذاب اليم
بما كانوا يكفرون ۝ هو الذي جعل الشمس ضياء والقمر

نورا وقدره منازل لتعلموا عدد السنين والحساب

ما خلق الله ذلك الا بالحق يفصل الايات لقوم يعلمون

نیافرید خدای آنرا مگر بحق بیان میکنیم آیتها را برای قومی که بدانند

ان في اختلاف الليل والنهار وما خلق الله في السموات

بدرستی که در اختلاف و آمد شد شب و روز و در آنچه آفرید خدای در آسمانها

والارض لايات لقوم يتقون ان الذين لا يرجون لقاءنا

ورضوا بالحيوة الدنيا واطمانوا بها والذين هم عن اياتنا

غافلون اولئك ماويهم النار بما كانوا يكسبون

ان الذين امنوا وعملوا الصالحات يهديهم ربهم

بايمانهم تجري من تحتهم الانهار في جنات النعيم

دعويهم فيها سبحانك اللهم وتحيتهم فيها سلام

واخر دعويهم ان الحمد لله رب العالمين ولو يعجل

و آخر دعای ایشان آن باشد که گویند حمد و ثنا خدایراست که پروردگار عالمیانست و اگر تعجیل کردی

الله للناس الشر استعجالهم بالخير لقضي اليهم اجلهم

فنذر الذين لا يرجون لقاءنا في طغيانهم يعمهون

پس بگذاریم آنهارا که نمی ترسند از رسیدن بما تا در گمراهی خویش متحیر می شوند

واذا مس الانسان الضر دعانا لجنبه او قاعدا او قائما

فلما كشفنا عنه ضره مر كان لم يدعنا الى ضر مسه

كذلك زين للمسرفين ما كانوا يعملون ولقد اهلكنا

القرون من قبلكم لما ظلموا وجاءتهم رسلهم بالبينات

وما كانوا ليؤمنوا كذلك نجزي القوم المجرمين

ثم جعلناكم خلائف في الارض من بعدهم لننظر كيف

تعملون واذا تتلى عليهم اياتنا بينات قال الذين

لا يرجون لقاءنا ائت بقران غير هذا او بدله قل

ما يكون لي ان ابدله من تلقاء نفسي ان اتبع الا ما

يوحى الي اني اخاف ان عصيت ربي عذاب يوم

عظيم ۝ قل لو شاء الله ما تلوته عليكم ولا ادريكم به فقد
لبثت فيكم عمرا من قبله افلا تعقلون ۝ فمن اظلم
ممن افترى على الله كذبا او كذب باياته انه لا يفلح
المجرمون ۝ ويعبدون من دون الله ما لا يضرهم ولا ينفعهم
ويقولون هؤلاء شفعاؤنا عند الله قل اتنبئون الله بما لا
يعلم في السموات ولا في الارض سبحانه وتعالى عما يشركون
وما كان الناس الا امة واحدة فاختلفوا ولولا كلمة
سبقت من ربك لقضي بينهم فيما فيه يختلفون ۝
ويقولون لولا انزل عليه اية من ربه فقل انما الغيب لله
فانتظروا اني معكم من المنتظرين ۝ واذا اذقنا الناس
رحمة من بعد ضراء مستهم اذا لهم مكر في اياتنا

قل الله اسرع مكرا ان رسلنا يكتبون ما تمكرون ۝
هو الذي يسيركم في البر والبحر حتى اذا كنتم في الفلك
وجرين بهم بريح طيبة وفرحوا بها جاءتها ريح عاصف وجاءهم
الموج من كل مكان وظنوا انهم احيط بهم دعوا الله
مخلصين له الدين لئن انجيتنا من هذه لنكونن من
الشاكرين ۝ فلما انجيهم اذا هم يبغون في الارض بغير الحق
يا ايها الناس انما بغيكم على انفسكم متاع الحيوة
الدنيا ثم الينا مرجعكم فننبئكم بما كنتم تعملون ۝
انما مثل الحيوة الدنيا كماء انزلناه من السماء
فاختلط به نبات الارض مما ياكل الناس والانعام
حتى اذا اخذت الارض زخرفها وازينت وظن اهلها

وشاد شدند بآن

أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا
که ایشان توانایانند وحصاد وانتفاع آن فرمان ما شب یا بروز پس کردیم آنرا

حَصِيدًا كَأَنْ لَمْ تَغْنَ بِالْأَمْسِ كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ
درووده گویا نبوده دی روز همچنین روشن میکنیم آیتها

لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۝ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَىٰ دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي
مر قومی را که تفکر کنند وخدای میخواند همه را بدار السلام که بهشت است وراه می نماید

مَنْ يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۝ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ
آنکس را که خود خواهد براهی راست که اسلام است مر آنرا باشد نیکویی کردند بهشت ونظر بوجه کریم

وَزِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ
حضرت عزت تعالی ودر نگیرد بعد از لقا رویها ایشانرا هیچ سیاهی وگردی ونه خواری آن گروه اهل

الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۝ وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ
بهشت باشند ایشان دران جاویدان وآنها که اندوختند بدیها را ایشان باشد جزا

سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ مَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ
هر بدی بمثل آن ودر گیرد ایشانرا خواری نباشد ایشانرا از خدای هیچ نگاهدارنده

كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطَعًا مِنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا
گویا که پوشیده باشد رویهای ایشانرا بپاره از شب سیاه تاریک

أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۝ وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ
آن گروه اهل آتش ایشان دران جاویدان وباد کن آن روز که حشر کنیم ایشانرا

جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا مَكَانَكُمْ أَنْتُمْ وَشُرَكَاؤُكُمْ
همه پس گوییم که مشرک شده باشند بایستند وملازم باشند جایهای شما وانبازان شما خویش را که بخدایی گرفته اید

فَزَيَّلْنَا بَيْنَهُمْ وَقَالَ شُرَكَاؤُهُمْ مَا كُنْتُمْ إِيَّانَا تَعْبُدُونَ ۝
پس جدایی افکنیم میان ایشان وگویند بتان ایشان نبودید شما مارا پرستندگان وما آگاهی نداریم از آن

نصف الحزب

فَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ إِنْ كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ
پس کفایتست خدای بگواهی میان ما ومیان شما که بدرستی که بودیم از پرستش شما

لَغَافِلِينَ ۝ هُنَالِكَ تَبْلُو كُلُّ نَفْسٍ مَا أَسْلَفَتْ وَرُدُّوا إِلَى اللَّهِ
هرآینه غافلان آنزمان بیابد هر نفسی جزا آنچه از پیش فرستاده از خیر وشر وبازگردانند ایشان با خدای

مَوْلَاهُمُ الْحَقِّ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ۝ قُلْ مَنْ
که خداوند ایشانست بحق وزایل وباطل شود از ایشان آنچه ایشان بر بافته باشند در دنیا از تکذیب بگو ای محمد کیست

يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ
که روزی میدهد شما را از آسمان وزمین بباران ونبات وکیست که تواند آفرید شنوایی وبینایی را

وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ
وکیست که بیرون می آورد زنده را از مرده وبیرون می آورد مرده را از زنده وکیست که تدبیر میکند

الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ ۝ فَذَٰلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمُ
کار دنیا وآخرت پس زود باشد که بگویند میکند اینها را خدای پس بگو ای پس پرهیز نمیکنید از شرک چنین خدای پس آنست که خدایست که پروردگار شماست

الْحَقُّ فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنَّىٰ تُصْرَفُونَ ۝
بحق پس چیست بعد از حق که بگذارند مگر گمراهی پس چگونه گردانیده میشوید عقلها شما

كَذَٰلِكَ حَقَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ فَسَقُوا أَنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝
همچنین واجب شد وعید پروردگار تو بر آنها که نافرمانی کردند که ایشان نگروند

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ قُلِ اللَّهُ يَبْدَأُ
بگو آیا هست از انبازان شما آنکه بابتدا بیافریند خلق را پس باز آورد آنرا بگو خدای بابتدا بیافریند

الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ فَأَنَّىٰ تُؤْفَكُونَ ۝ قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ
خلق را پس باز آورد آنرا پس چگونه برگردانیده میشوید بگو آیا هست از بتان وانبازان شما

مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى
آنکس که راه نماید بحق بگو خدای راه می نماید بحق ای پس آنکس که راه نماید

الحق احق ان يتبع امن لا يهدي الا ان يهدى فما لكم

كيف تحكمون • وما يتبع اكثرهم الا ظنا ان الظن لا يغني

من الحق شيئا ان الله عليم بما يفعلون • وما كان

هذا القرآن ان يفترى من دون الله ولكن تصديق الذي

بين يديه وتفصيل الكتاب لا ريب فيه من رب العالمين •

ام يقولون افتريه قل فاتوا بسورة مثله وادعوا من

استطعتم من دون الله ان كنتم صادقين • بل كذبوا بما

لم يحيطوا بعلمه ولما ياتهم تاويله كذلك كذب

الذين من قبلهم فانظر كيف كان عاقبة الظالمين •

ومنهم من يؤمن به ومنهم من لا يؤمن به وربك اعلم

بالمفسدين • وان كذبوك فقل لي عملي ولكم عملكم

انتم بريئون مما اعمل وانا بريء مما تعملون • ومنهم

من يستمعون اليك افانت تسمع الصم ولو كانوا

لا يعقلون • ومنهم من ينظر اليك افانت تهدي العمي

ولو كانوا لا يبصرون • ان الله لا يظلم الناس شيئا

ولكن الناس انفسهم يظلمون • ويوم يحشرهم كان

لم يلبثوا الا ساعة من النهار يتعارفون بينهم قد خسر

الذين كذبوا بلقاء الله وما كانوا مهتدين • واما نرينك

بعض الذي نعدهم او نتوفينك فالينا مرجعهم ثم

الله شهيد على ما يفعلون • ولكل امة رسول فاذا جاء

رسولهم قضي بينهم بالقسط وهم لا يظلمون • ويقولون

متى هذا الوعد ان كنتم صادقين • قل لا املك لنفسي

ضرًّا ولا نفعًا الّا ما شآء الله لكلّ امّةٍ اجلٌ اذا جآء اجلهم
هیچ مضرتی و نه هیچ نفعی الا آنچه خواهد خدای مر هر امتی را اجلیست و وعده چون بیاید اجل و وعده ایشان

فلا يستأخرون ساعةً ولا يستقدمون ۝ قل ارءيتم ان
پس باز پس نایستند ساعتی و نه فرا پیش روند بگو خبر دهید مرا که هیچ میدانید

اتيكم عذابه بياتًا او نهارًا ماذا يستعجل منه المجرمون
که اگر بیاید بشما عذاب خدای بشب یا بروز چه چیز بتعجیل می طلبند از عذاب گناهکاران

اثمّ اذا ما وقع امنتم به آلٰـن وقد كنتم به تستعجلون ۝
ای پس چون واقع شود عذاب ایمان آورید بآن قبول نکنند آن زمان ای اکنون ایمان آورید و بدرستی که بودید در دنیا
از شما و گویند شان تعجیل میکردید و استهزا

ثمّ قيل للّذين ظلموا ذوقوا عذاب الخلد هل تجزون الّا
پس گفته شود آنها را که کافر شدند بچشید عذاب جاویدان جزا داده شوید الا

بما كنتم تكسبون ۝ ويستنبـٔونك احقٌّ هو قل اي وربّي
بانچه در دنیا اندوخته باشید و می پرسند از تو ای محمد که ای حق است وعده عذاب و قیامت بگو آری بحق و پروردگار من

انّه لحقٌّ وما انتم بمعجزين ۝ ولو انّ لكلّ نفسٍ ظلمت ما في
بدرستی که هر آینه حق است و نیستید شما عاجز کننده کان و اگر باشد هر نفسی که شرک آورده باشد آنچه در

الارض لافتدت به واسرّوا الندامة لمّا راوا العذاب
زمین است هر آینه فدای خود کردی و ظاهر کنند پشیمانی را چون ببینند عذاب را
جهت دفع عذاب و فایده نکردی

وقضي بينهم بالقسط وهم لا يظلمون ۝ الا انّ لله ما في
و حکم کرده شود میان ایشان براستی و ایشان را ظلم نکنند بدان بدرستی که مر خدای راست آنچه در

السّموات والارض الا انّ وعد الله حقٌّ ولكنّ اكثرهم لا يعلمون ۝
آسمانها و زمین است بدان بدرستی که وعده خدای حق است و لیکن بیشترین ایشان نمیدانند

هو يحيي ويميت واليه ترجعون ۝ يا ايّها النّاس قد جآءتكم
او زنده کند و بمیراند و باو بازگردیده شوید ای مردمان بدرستی که آمد بشما

موعظةٌ من ربّكم وشفآءٌ لما في الصّدور وهدًى ورحمةٌ
پندی از پروردگار شما و شفایی قرآن علتهایی که در سینهها است و راهی راست و رحمتی

للمؤمنين ۝ قل بفضل الله وبرحمته فبذلك فليفرحوا هو
مر مومنان را بگو ای محمد بفضل الله تعالی و برحمت او پس باین باید که شاد شوند آن

خيرٌ ممّا يجمعون ۝ قل ارءيتم ما انزل الله لكم من رزقٍ
بهتر از آنچه ایشان جمع میکنند بگوای ببینید فرود فرستاد خدای از برای شما از روزیی

فجعلتم منه حرامًا وحلالًا قل آلله اذن لكم ام على الله
پس اختراع کردید از آن حرامی و حلالی را قبل بگوای محمد خدای دستوری داد شما را یا بر خدای
خویش

تفترون ۝ وما ظنّ الّذين يفترون على الله الكذب يوم
افترا میکنید و چیست گمان آنها که افترا میکنند بر خدای دروغ را که چه جزا دهد روز

القيمة انّ الله لذو فضلٍ على النّاس ولكنّ اكثرهم
قیامت بدرستی که خدای هر آینه خداوند فضلی است بر مردمان و لیکن بیشترین ایشان

لا يشكرون ۝ وما تكون في شأنٍ وما تتلوا منه من قرانٍ
شکر نمیکنند و نباشی تو در کاری و نخوانی از کلام خدای هیچ قرانی

ولا تعملون من عملٍ الّا كنّا عليكم شهودًا اذ تفيضون
و نکنید هیچ عملی مگر که باشیم بر شما و نگاهبانان ما گواهان چون شروع کنید

فيه وما يعزب عن ربّك من مثقال ذرّةٍ في الارض ولا في
در آن و پنهان نشود و غایب نگردد از پروردگار تو هیچ مقدار مورچه در زمین و نه در

السّمآء ولا اصغر من ذلك ولا اكبر الّا في كتابٍ مبينٍ ۝
آسمان و نه کوچکتر از آن و نه بزرگتر مگر که نوشته است در کتابی روشن
که لوح محفوظ است

الا انّ اولیآء الله لا خوفٌ عليهم ولا هم يحزنون ۝
بدان بدرستی که دوستان خدای هیچ ترسی نباشد بر ایشان و نه ایشان اندوهگین شوند

الذين آمنوا وكانوا يتقون ۝ لهم البشرى في الحيوة الدنيا

ایشان آنها اند که ایمان آورده باشند و ایشان ترسان باشند ایشان را باشد بشارت در زندگانی دنیا

از روز قیامت

وفي الآخرة لا تبديل لكلمات الله ذلك هو الفوز العظيم

و در آخرت تغییری نیست و خلافی نیست سخنان و وعدهای خدای را آنست فیروزی بزرگ

ولا يحزنك قولهم إن العزة لله جميعا هو السميع العليم

و باید که اندوهگن نکند ترا گفتار ایشان بدرستی که قوة و قدرة خدای راست همه اوست شنوا و دانا

ألا إن لله من في السموات ومن في الأرض وما يتبع

بدانکه مر خدای راست هر که در آسمانها و هر که در زمین است و پی روی نمیکنند

الذين يدعون من دون الله شركاء إن يتبعون إلا

آنها که میخوانند از غیر خدای انبازانرا پی روی نمیکنند مگر

الظن وإن هم إلا يخرصون ۝ هو الذي جعل لكم الليل لتسكنوا

ظن باطل خود را و نیستند ایشان الا که دروغ میگویند اوست آن خدایی که کرد از برای شما شب را تا آرام گیرید

فيه والنهار مبصرا إن في ذلك لآيات لقوم يسمعون

در آن و روز را نورانی بدرستی که در این هر آینه نشانهایی است مر قومی را که گوش اعتبار دارند

قالوا اتخذ الله ولدا سبحانه هو الغني له ما في السموات

گفتند مشرکان فرا گرفت خدای فرزندی پاک و منزه است اوست بی نیاز اوست آنچه در آسمانها

او ازانچه ایشان گفتند

وما في الأرض إن عندكم من سلطان بهذا أتقولون على

و آنچه در زمین است نیست نزد شما هیچ حجتی باین ای میگویید بر

الله ما لا تعلمون ۝ قل إن الذين يفترون على الله الكذب

خدای آنچه نمیدانید بگو بدرستی که آنها که افترا کنند بر خدای دروغ را

لا يفلحون ۝ متاع في الدنيا ثم إلينا مرجعهم ثم نذيقهم

رستگاری نیابند ایشان راست در دنیا پس بما است بازگشت ایشان پس بچشانیم ایشان را

برخورداری اندک

العذاب الشديد بما كانوا يكفرون ۝ واتل عليهم نبأ

عذاب سخت بسبب آنکه کافر شدند و بخوان بر ایشان خبر

نوح إذ قال لقومه يا قوم إن كان كبر عليكم مقامي وتذكيري

نوح چون گفت قوم خویش را ای قوم من اگر بزرگ و دشوار است بر شما درنگ من در میان شما و ترسانیدن من

بآيات الله فعلى الله توكلت فأجمعوا أمركم وشركاءكم

بعقوبتهای خدای پس بر خدای توکل کردم من پس اتفاق کنید کار خویش و هر چه خواهید بکنید با بتان خویش

ثم لا يكن أمركم عليكم غمة ثم اقضوا إلي ولا تنظرون

پس باید که نباشد کار شما بر شما پوشیده پس بکنید هر چه میخواهید و تاخیر مکنید در قصد من که

بدرستی که هیچ نتوانید الا باشاره الله

فإن توليتم فما سألتكم من أجر إن أجري إلا على الله

پس اگر اعراض کنید پس نطلبیدم از شما هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر خدای

از ایمان

وأمرت أن أكون من المسلمين ۝ فكذبوه فنجيناه ومن

و فرمود مرا که باشم از مسلمانان پس بدروغ داشتند پس برهانیدیم او را و آنکس که

معه في الفلك وجعلناهم خلائف وأغرقنا الذين

با او بود و سوار کردیمشان در کشتی و کردیم ایشان را جانشینان کفار و غرق کردیم آنها را

كذبوا بآياتنا فانظر كيف كان عاقبة المنذرين ۝ ثم

که تکذیب کردند آیات ما را پس بنگر که چگونه بود عاقبت کار بیم کرده شدگان پس

بعثنا من بعده رسلا إلى قومهم فجاءوهم بالبينات

فرستادیم از پی نوح رسولانی بقومهای ایشان پس آمدند با ایشان بحجتها

فما كانوا ليؤمنوا بما كذبوا به من قبل كذلك نطبع

پس نبودند که بگروید آخر زمانیان بانچه تکذیب کردند آنرا قوم نوح از پیش همچنین مهر نهیم

وازانم

على قلوب المعتدين ۝ ثم بعثنا من بعدهم موسى وهرون

بر دلهای تجاوز کنندگان از حق بباطل پس فرستادیم از پی آن پیغمبران موسی و هارون را

إلى فرعون وملائه بآياتنا فاستكبروا وكانوا قوما مجرمين

بفرعون واتباع او بآیتهای ما پس گردن کشی کردند و بودند قومی گناه کاران

فلما جاءهم الحق من عندنا قالوا إن هذا لسحر مبين

پس چون آمد بایشان حق از نزد ما گفتند بدرستی که این هرآینه سحریست روشن

قال موسى أتقولون للحق لما جاءكم أسحر هذا ولا يفلح

گفت موسی ای میگوئید این سخن بآیات حق چون آمد بشما ای سحریست این و رستگار نشوند

الساحرون قالوا أجئتنا لتلفتنا عما وجدنا عليه

سحرکنندگان گفتند ای آمدی بما تا برگردانی مارا از آنچه یافتیم بر آن

آباءنا وتكون لكما الكبرياء في الأرض وما نحن لكما بمؤمنين

پدران خویش را و باشد شما را بزرگی و عزت در زمین مصر و نیستیم ما شما را براست دارندگان

وقال فرعون ائتوني بكل ساحر عليم فلما جاء

وگفت فرعون بیاورید بمن هر ساحری دانا را پس چون آمدند

السحرة قال لهم موسى ألقوا ما أنتم ملقون فلما ألقوا

ساحران گفت ایشانرا موسی بیفکنید آنچه شما اندازندگانید از اسباب سحر پس چون انداختند

قال موسى ما جئتم به السحر إن الله سيبطله إن الله لا يصلح

گفت موسی آنچه آمدید شما بآن و آوردید سحراست بدرستی که خدای زود که باطل کند آنرا بدرستی که خدای باصلاح نیاورد

عمل المفسدين ويحق الله الحق بكلماته ولو كره

عمل مفسدانرا وظاهر کند حق را بدلایل و وعده خویش واگرچه کراهت دارند

المجرمون فما آمن لموسى إلا ذرية من قومه على خوف من

کافران پس تصدیق نکردند موسی را مگر ذریتی از قوم او که بنی اسرائیل. بترسی از

فرعون وملائهم أن يفتنهم وإن فرعون لعال في الأرض

فرعون و وزرای ایشان که عذاب کنند ایشانرا و بدرستی که فرعون هرآینه سرکشی بود در زمین

وإنه لمن المسرفين وقال موسى يا قوم إن كنتم آمنتم بالله

وبدرستی که او هرآینه از مسرفان بود وگفت موسی ای قوم اگر شما ایمان آورده اید بخدای

فعليه توكلوا إن كنتم مسلمين فقالوا على الله توكلنا

پس بر حضرت او توکل کنید اگر هستید مسلمانان فرمان بردار پس گفتند بر خدای توکل کردیم

ربنا لا تجعلنا فتنة للقوم الظالمين ونجنا برحمتك

ای پروردگارا مگردان ما را سبب فتنه این قومی ظالمان اگر بر ما مسلط شوند گویند اگر دین ایشان بهتر بودی و برهان ما را برحمت خویش

غالب شده ای

من القوم الكافرين وأوحينا إلى موسى وأخيه أن تبوآ

ازین قوم کافران و وحی کردیم ما بموسی و برادر او که جای گیرند

لقومكما بمصر بيوتا واجعلوا بيوتكم قبلة وأقيموا

از برای قوم خویش در مصر خانهایی و کنید خانهای شما را خداوندان قبله و نماز گزارید

الصلاة وبشر المؤمنين وقال موسى ربنا إنك آتيت

دران تا ایمن شوید از خوف وبشارت ده مومنانرا وگفت موسی ای پروردگارا بدرستی که تو دادی فرعون

فرعون وملأه زينة وأموالا في الحياة الدنيا ربنا

فرعون واشراف اورا زینتی ومالهایی در این زندگانی دنیا ای پروردگارما

ليضلوا عن سبيلك ربنا اطمس على أموالهم واشدد

تا گمراه شوند از راه دین تو بشومی مال دنیا ای پروردگارا سنگ گردان مالها ایشانرا ومهر نه

على قلوبهم فلا يؤمنوا حتى يروا العذاب الأليم

بر دلهای ایشان تا ایمان نیاورند تا ببینند عذاب دردناک

قال قد أجيبت دعوتكما فاستقيما ولا تتبعان سبيل

گفت خدای بدرستی که اجابت کرده شد دعای شما پس مستقیم باشید بر دعوة و پیروی مکنید راه

الذين لا يعلمون وجاوزنا ببني إسرائيل البحر فأتبعهم

آنهایی که نمیدانند حکمت قرار تاخیر عقوبات وبگذرانیم ما بنی اسرائیل را از دریا پس از پی ایشان آمد

فرعون وجنوده بغيا وعدوا حتى اذا ادركه الغرق
قال امنت انه لا اله الا الذي امنت به بنوا اسرائيل وانا
من المسلمين ۝ الان وقد عصيت قبل وكنت من المفسدين
فاليوم ننجيك ببدنك لتكون لمن خلفك اية وان كثيرا
من الناس عن اياتنا لغافلون ۝ ولقد بوانا بني اسرائيل
مبوا صدق ورزقناهم من الطيبات فما اختلفوا حتى
جاءهم العلم ان ربك يقضي بينهم يوم القيمة فيما كانوا
فيه يختلفون ۝ فان كنت في شك مما انزلنا اليك فسئل
الذين يقرءون الكتاب من قبلك لقد جاءك الحق من
ربك فلا تكونن من الممترين ۝ ولا تكونن من الذين
كذبوا بايات الله فتكون من الخاسرين ۝ ان الذين حقت

عليهم كلمت ربك لا يؤمنون ۝ ولو جاءتهم كل اية حتى
يروا العذاب الاليم ۝ فلولا كانت قرية امنت فنفعها

ايمانها
ايمان ايشان

الا قوم يونس لما امنوا كشفنا عنهم عذاب الخزي في
الحيوة الدنيا ومتعناهم الى حين ۝ ولو شاء ربك لامن
من في الارض كلهم جميعا افانت تكره الناس حتى
يكونوا مؤمنين ۝ وما كان لنفس ان تؤمن الا باذن الله
ويجعل الرجس على الذين لا يعقلون ۝ قل انظروا ماذا في
السموات والارض وما تغني الايات والنذر عن قوم لا
يؤمنون ۝ فهل ينتظرون الا مثل ايام الذين خلوا من قبلهم
قل فانتظروا اني معكم من المنتظرين ۝ ثم ننجي رسلنا والذين
امنوا كذلك حقا علينا ننجي المؤمنين ۝ قل يا ايها الناس

إن كنتم في شك من ديني فلا أعبد الذين تعبدون من دون

الله ولكن أعبد الله الذي يتوفاكم وأمرت أن

أكون من المؤمنين وأن أقم وجهك للدين حنيفا ولا

تكونن من المشركين ولا تدع من دون الله ما لا ينفعك

ولا يضرك فإن فعلت فإنك إذا من الظالمين وإن يمسسك

الله بضر فلا كاشف له إلا هو وإن يردك بخير فلا راد

لفضله يصيب به من يشاء من عباده وهو الغفور الرحيم

قل يا أيها الناس قد جاءكم الحق من ربكم فمن اهتدى فإنما

يهتدي لنفسه ومن ضل فإنما يضل عليها وما أنا عليكم بوكيل

واتبع ما يوحى إليك واصبر حتى يحكم الله وهو خير الحاكمين

سورة هود مائة وعشرون آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده رحمت کننده

الر كتاب أحكمت آياته ثم فصلت من لدن حكيم خبير

ألا تعبدوا إلا الله إنني لكم منه نذير وبشير وأن استغفروا

ربكم ثم توبوا إليه يمتعكم متاعا حسنا إلى أجل مسمى

ويؤت كل ذي فضل فضله وإن تولوا فإني أخاف عليكم

عذاب يوم كبير إلى الله مرجعكم وهو على كل شيء

قدير ألا إنهم يثنون صدورهم ليستخفوا منه ألا

حين يستغشون ثيابهم يعلم ما يسرون وما يعلنون

إنه عليم بذات الصدور وما من دابة في الأرض إلا على الله

رزقها ويعلم مستقرها ومستودعها كل في كتاب مبين

وهو الذي خلق السموات والأرض في ستة أيام وكان

الجزء الثاني عشر

عرشه على الماء ليبلوكم ايكم احسن عملا ولئن قلت انكم
مبعوثون من بعد الموت ليقولن الذين كفروا ان هذا
الا سحر مبين ولئن اخرنا عنهم العذاب الى امة معدودة
ليقولن ما يحبسه الا يوم ياتيهم ليس مصروفا عنهم
وحاق بهم ما كانوا به يستهزءون ولئن اذقنا الانسان
منا رحمة ثم نزعناها منه انه ليئوس كفور ولئن
اذقناه نعماء بعد ضراء مسته ليقولن ذهب السيات
عني انه لفرح فخور الا الذين صبروا وعملوا الصالحات
اولئك لهم مغفرة واجر كبير فلعلك تارك بعض
ما يوحى اليك وضائق به صدرك ان يقولوا لولا انزل
عليه كنز او جاء معه ملك انما انت نذير والله على كل

شيء وكيل ام يقولون افتريه قل فاتوا بعشر سور مثله
مفتريات وادعوا من استطعتم من دون الله ان كنتم صادقين
فان لم يستجيبوا لكم فاعلموا انما انزل بعلم الله وان لا اله
الا هو فهل انتم مسلمون من كان يريد الحيوة الدنيا وزينتها
نوف اليهم اعمالهم فيها وهم فيها لا يبخسون اولئك
الذين ليس لهم في الاخرة الا النار وحبط ما صنعوا فيها
وباطل ما كانوا يعملون افمن كان على بينة من ربه
ويتلوه شاهد منه ومن قبله كتاب موسى اماما ورحمة
اولئك يؤمنون به ومن يكفر به من الاحزاب فالنار
موعده فلا تك في مرية منه انه الحق من ربك ولكن
اكثر الناس لا يؤمنون ومن اظلم ممن افترى على الله كذبا

أولئك يعرضون على ربهم ويقول الأشهاد هؤلاء الذين
كذبوا على ربهم ألا لعنة الله على الظالمين ۝ الذين يصدون
عن سبيل الله ويبغونها عوجا وهم بالآخرة هم كافرون
أولئك لم يكونوا معجزين في الأرض وما كان لهم من دون
الله من أولياء يضاعف لهم العذاب ما كانوا يستطيعون
السمع وما كانوا يبصرون ۝ أولئك الذين خسروا أنفسهم
وضل عنهم ما كانوا يفترون ۝ لا جرم أنهم في الآخرة هم
الأخسرون ۝ إن الذين آمنوا وعملوا الصالحات وأخبتوا
إلى ربهم أولئك أصحاب الجنة هم فيها خالدون
مثل الفريقين كالأعمى والأصم والبصير والسميع هل
يستويان مثلا أفلا تذكرون ۝ ولقد أرسلنا نوحا إلى

قومه إني لكم نذير مبين ۝ ألا تعبدوا إلا الله إني أخاف
عليكم عذاب يوم أليم ۝ فقال الملأ الذين كفروا من
قومه ما نراك إلا بشرا مثلنا وما نراك اتبعك إلا الذين
هم أراذلنا بادي الرأي وما نرى لكم علينا من فضل بل
نظنكم كاذبين ۝ قال يا قوم أرأيتم إن كنت على بينة
من ربي وآتاني رحمة من عنده فعميت عليكم أنلزمكموها
وأنتم لها كارهون ۝ ويا قوم لا أسألكم عليه مالا إن
أجري إلا على الله وما أنا بطارد الذين آمنوا إنهم ملاقوا
ربهم ولكني أراكم قوما تجهلون ۝ ويا قوم من ينصرني
من الله إن طردتهم أفلا تذكرون ۝ ولا أقول لكم عندي
خزائن الله ولا أعلم الغيب ولا أقول إني ملك ولا أقول للذين

تزدري أعينكم لن يؤتيهم الله خيرا الله أعلم بما في أنفسهم
إني إذا لمن الظالمين ۝ قالوا يا نوح قد جادلتنا فأكثرت
جدالنا فأتنا بما تعدنا إن كنت من الصادقين ۝ قال
إنما يأتيكم به الله إن شاء وما أنتم بمعجزين ۝ ولا ينفعكم
نصحي إن أردت أن أنصح لكم إن كان الله يريد أن يغويكم
هو ربكم وإليه ترجعون ۝ أم يقولون افتراه قل إن افتريته
فعلي إجرامي وأنا بريء مما تجرمون ۝ وأوحي إلى نوح أنه
لن يؤمن من قومك إلا من قد آمن فلا تبتئس بما كانوا يفعلون ۝
واصنع الفلك بأعيننا ووحينا ولا تخاطبني في الذين
ظلموا إنهم مغرقون ۝ ويصنع الفلك وكلما مر عليه ملأ
من قومه سخروا منه قال إن تسخروا منا فإنا نسخر منكم

كما تسخرون ۝ فسوف تعلمون من يأتيه عذاب يخزيه
ويحل عليه عذاب مقيم ۝ حتى إذا جاء أمرنا وفار التنور
قلنا احمل فيها من كل زوجين اثنين وأهلك إلا من
سبق عليه القول ومن آمن وما آمن معه إلا قليل ۝
وقال اركبوا فيها بسم الله مجريها ومرساها إن ربي
لغفور رحيم ۝ وهي تجري بهم في موج كالجبال ونادى
نوح ابنه وكان في معزل يا بني اركب معنا ولا تكن
مع الكافرين ۝ قال سآوي إلى جبل يعصمني من الماء قال
لا عاصم اليوم من أمر الله إلا من رحم وحال بينهما الموج
فكان من المغرقين ۝ وقيل يا أرض ابلعي ماءك ويا سماء
أقلعي وغيض الماء وقضي الأمر واستوت على الجودي

وقيل بعداً للقوم الظالمين ۝ ونادى نوح ربه فقال رب

إن ابني من أهلي وإن وعدك الحق وأنت أحكم الحاكمين

قال يا نوح إنه ليس من أهلك إنه عمل غير صالح فلا تسألن

ما ليس لك به علم إني أعظك أن تكون من الجاهلين ۝

قال رب إني أعوذ بك أن أسألك ما ليس لي به علم وإلا

تغفر لي وترحمني أكن من الخاسرين ۝ قيل يا نوح اهبط

بسلام منا وبركات عليك وعلى أمم ممن معك وأمم

سنمتعهم ثم يمسهم منا عذاب أليم ۝ تلك من أنباء

الغيب نوحيها إليك ما كنت تعلمها أنت ولا قومك من

قبل هذا فاصبر إن العاقبة للمتقين ۝ وإلى عاد أخاهم

هوداً قال يا قوم اعبدوا الله ما لكم من إله غيره إن أنتم

إلا مفترون ۝ يا قوم لا أسألكم عليه أجراً إن أجري إلا

على الذي فطرني أفلا تعقلون ۝ ويا قوم استغفروا ربكم

ثم توبوا إليه يرسل السماء عليكم مدراراً ويزدكم قوة

إلى قوتكم ولا تتولوا مجرمين ۝ قالوا يا هود ما جئتنا ببينة

وما نحن بتاركي آلهتنا عن قولك وما نحن لك بمؤمنين ۝ إن نقول إلا اعتراك بعض آلهتنا بسوء ۝ قال إني أشهد الله واشهدوا

أني بريء مما تشركون ۝ من دونه فكيدوني جميعاً ثم لا

تنظرون ۝ إني توكلت على الله ربي وربكم ما من دابة إلا

هو آخذ بناصيتها إن ربي على صراط مستقيم ۝ فإن تولوا

فقد أبلغتكم ما أرسلت به إليكم ويستخلف ربي قوماً

غيركم ولا تضرونه شيئاً إن ربي على كل شيء حفيظ ۝

ولما جاء أمرنا نجينا هوداً والذين آمنوا معه برحمة منا

وَنَجَّيْنَاهُم مِّنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ ۝ وَتِلْكَ عَادٌ جَحَدُوا بِآيَاتِ
رَبِّهِمْ وَعَصَوْا رُسُلَهُ وَاتَّبَعُوا أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ ۝
وَأُتْبِعُوا فِي هَٰذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ عَادًا
كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بُعْدًا لِّعَادٍ قَوْمِ هُودٍ ۝ وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ
صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ
هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ
ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُّجِيبٌ ۝ قَالُوا يَا صَالِحُ قَدْ كُنتَ
فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَٰذَا أَتَنْهَانَا أَن نَّعْبُدَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا
وَإِنَّنَا لَفِي شَكٍّ مِّمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ ۝ قَالَ يَا قَوْمِ
أَرَأَيْتُمْ إِن كُنتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَآتَانِي مِنْهُ رَحْمَةً فَمَن
يَنصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ عَصَيْتُهُ فَمَا تَزِيدُونَنِي غَيْرَ تَخْسِيرٍ ۝

وَيَا قَوْمِ هَٰذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةً فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ
وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ ۝ فَعَقَرُوهَا
فَقَالَ تَمَتَّعُوا فِي دَارِكُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ ذَٰلِكَ وَعْدٌ غَيْرُ مَكْذُوبٍ
فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا صَالِحًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا
وَمِنْ خِزْيِ يَوْمِئِذٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ ۝ وَأَخَذَ
الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ ۝ كَأَن لَّمْ
يَغْنَوْا فِيهَا أَلَا إِنَّ ثَمُودَ كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بُعْدًا لِّثَمُودَ ۝
وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَىٰ قَالُوا سَلَامًا قَالَ
سَلَامٌ فَمَا لَبِثَ أَن جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيذٍ ۝ فَلَمَّا رَأَىٰ أَيْدِيَهُمْ
لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكِرَهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ
إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمِ لُوطٍ ۝ وَامْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا

باسحق ومن وراء اسحق يعقوب ۝ قالت يا ويلتى ءالد وانا

عجوز وهذا بعلى شيخا ان هذا لشيء عجيب ۝ قالوا اتعجبين

من امر الله رحمت الله وبركاته عليكم اهل البيت انه

حميد مجيد ۝ فلما ذهب عن ابرهيم الروع وجاءته

البشرى يجادلنا في قوم لوط ۝ ان ابرهيم لحليم اواه منيب ۝

يا ابرهيم اعرض عن هذا انه قد جاء امر ربك وانهم اتيهم

عذاب غير مردود ۝ ولما جاءت رسلنا لوطا سيء بهم

وضاق بهم ذرعا وقال هذا يوم عصيب ۝ وجاءه قومه

يهرعون اليه ومن قبل كانوا يعملون السيئات قال

يا قوم هؤلاء بناتي هن اطهر لكم فاتقوا الله ولا تخزون

في ضيفي اليس منكم رجل رشيد ۝ قالوا لقد علمت ما لنا

في بناتك من حق وانك لتعلم ما نريد ۝ قال لو ان لي بكم

قوة او اوي الى ركن شديد ۝ قالوا يا لوط انا رسل ربك

لن يصلوا اليك فاسر باهلك بقطع من الليل ولا يلتفت

منكم احد الا امراتك انه مصيبها ما اصابهم ان

موعدهم الصبح اليس الصبح بقريب ۝ فلما جاء امرنا

جعلنا عاليها سافلها وامطرنا عليها حجارة من سجيل

منضود ۝ مسومة عند ربك وما هي من الظالمين ببعيد ۝

نصف جزو

والى مدين اخاهم شعيبا قال يا قوم اعبدوا الله ما لكم من

اله غيره ولا تنقصوا المكيال والميزان اني اريكم بخير واني

اخاف عليكم عذاب يوم محيط ۝ ويا قوم اوفوا المكيال

والميزان بالقسط ولا تبخسوا الناس اشياءهم ولا تعثوا في

الأرض مفسدين ۝ بقيت الله خير لكم إن كنتم مؤمنين

وما أنا عليكم بحفيظ ۝ قالوا يا شعيب أصلوتك

تأمرك أن نترك ما يعبد آباؤنا أو أن نفعل في أموالنا

ما نشاء إنك لأنت الحليم الرشيد ۝ قال يا قوم أرأيتم

إن كنت على بينة من ربي ورزقني منه رزقا حسنا

وما أريد أن أخالفكم إلى ما أنهاكم عنه إن أريد

إلا الإصلاح ما استطعت وما توفيقي إلا بالله عليه

توكلت وإليه أنيب ۝ ويا قوم لا يجرمنكم شقاقي أن

يصيبكم مثل ما أصاب قوم نوح أو قوم هود أو قوم

صالح وما قوم لوط منكم ببعيد ۝ واستغفروا ربكم ثم

توبوا إليه إن ربي رحيم ودود ۝ قالوا يا شعيب ما نفقه

أصلوتك

كثيرا مما تقول وإنا لنراك فينا ضعيفا ولولا رهطك

لرجمناك وما أنت علينا بعزيز ۝ قال يا قوم أرهطي

أعز عليكم من الله واتخذتموه وراءكم ظهريا إن ربي

بما تعملون محيط ۝ ويا قوم اعملوا على مكانتكم إني عامل

سوف تعلمون من يأتيه عذاب يخزيه ومن هو كاذب

وارتقبوا إني معكم رقيب ۝ ولما جاء أمرنا نجينا شعيبا

والذين آمنوا معه برحمة منا وأخذت الذين ظلموا الصيحة

فأصبحوا في ديارهم جاثمين ۝ كأن لم يغنوا فيها ألا بعدا

لمدين كما بعدت ثمود ۝ ولقد أرسلنا موسى بآياتنا

وسلطان مبين ۝ إلى فرعون وملإيه فاتبعوا أمر فرعون وما

أمر فرعون برشيد ۝ يقدم قومه يوم القيامة فأوردهم النار

وبئس الورد المورود ۝ واتبعوا في هذه لعنة ويوم القيمة
بئس الرفد المرفود ۝ ذلك من انباء القرى نقصه عليك
منها قائم وحصيد ۝ وما ظلمناهم ولكن ظلموا انفسهم
فما اغنت عنهم الهتهم التي يدعون من دون الله من شيء
لما جاء امر ربك وما زادوهم غير تتبيب ۝ وكذلك اخذ
ربك اذا اخذ القرى وهي ظالمة ان اخذه اليم شديد ۝
ان في ذلك لاية لمن خاف عذاب الاخرة ذلك يوم مجموع
له الناس وذلك يوم مشهود ۝ وما نؤخره الا لاجل
معدود ۝ يوم يات لا تكلم نفس الا باذنه فمنهم شقي
وسعيد ۝ فاما الذين شقوا ففي النار لهم فيها زفير
وشهيق ۝ خالدين فيها ما دامت السموات والارض

الا ما شاء ربك ان ربك فعال لما يريد ۝ واما الذين
سعدوا ففي الجنة خالدين فيها ما دامت السموات
والارض الا ما شاء ربك عطاء غير مجذوذ ۝ فلا تك
في مرية مما يعبد هؤلاء ما يعبدون الا كما يعبد
اباؤهم من قبل وانا لموفوهم نصيبهم غير منقوص ۝ ولقد
اتينا موسى الكتاب فاختلف فيه ولولا كلمة سبقت
من ربك لقضي بينهم وانهم لفي شك منه مريب ۝
وان كلا لما ليوفينهم ربك اعمالهم انه بما يعملون
خبير ۝ فاستقم كما امرت ومن تاب معك ولا تطغوا
انه بما تعملون بصير ۝ ولا تركنوا الى الذين ظلموا فتمسكم
النار وما لكم من دون الله من اولياء ثم لا تنصرون ۝

وأقم الصلوة طرفي النهار وزلفا من الليل إن الحسنات

يذهبن السيئات ذلك ذكرى للذاكرين 𝉏 واصبر

فإن الله لا يضيع أجر المحسنين 𝉏 فلولا كان من القرون

من قبلكم أولوا بقية ينهون عن الفساد في الأرض إلا

قليلا ممن أنجينا منهم واتبع الذين ظلموا ما أترفوا

فيه وكانوا مجرمين 𝉏 وما كان ربك ليهلك القرى بظلم

وأهلها مصلحون 𝉏 ولو شاء ربك لجعل الناس أمة

واحدة ولا يزالون مختلفين 𝉏 إلا من رحم ربك ولذلك

خلقهم وتمت كلمة ربك لأملأن جهنم من الجنة والناس

أجمعين 𝉏 وكلا نقص عليك من أنباء الرسل ما نثبت به

فؤادك وجاءك في هذه الحق وموعظة وذكرى للمؤمنين 𝉏

وقل للذين لا يؤمنون اعملوا على مكانتكم إنا عاملون 𝉏

وانتظروا إنا منتظرون 𝉏 ولله غيب السموات والأرض

وإليه يرجع الأمر كله فاعبده وتوكل عليه وما ربك بغافل عما

تعملون 𝉏

سورة يوسف مائة وإحدى عشرة

بسم الله الرحمن الرحيم

الر تلك آيات الكتاب المبين 𝉏 إنا أنزلناه قرآنا عربيا

لعلكم تعقلون 𝉏 نحن نقص عليك أحسن القصص بما أوحينا

إليك هذا القرآن وإن كنت من قبله لمن الغافلين 𝉏

إذ قال يوسف لأبيه يا أبت إني رأيت أحد عشر كوكبا

والشمس والقمر رأيتهم لي ساجدين 𝉏 قال يا بني لا تقصص

رؤياك على إخوتك فيكيدوا لك كيدا إن الشيطان للإنسان

عدو مبين ۝ وكذلك يجتبيك ربك ويعلمك من تأويل

دشمنی است روشن ۝ و همچنین برگزیند ترا پروردگار تو و در آموزد ترا از تعبیر

الأحاديث ويتم نعمته عليك وعلى آل يعقوب كما

خوابها و تمام گرداند نعمت خویش [illegible] بر تو و بر بعضی آل یعقوب همچنانکه تمام کرد

أتمها على أبويك من قبل إبراهيم وإسحق إن ربك عليم

نعمت را بر پدران تو از پیش ابراهیم و اسحق بدرستی که پروردگار تو داناست

حكيم ۝ لقد كان في يوسف وإخوته آيات للسائلين

با حکمت ۝ بدرستی که هست در قصه یوسف و برادران او نشانها و عجبها مر پرسندگان را

إذ قالوا ليوسف وأخوه أحب إلى أبينا منا ونحن عصبة

چون گفتند برادران یوسف [illegible] یوسف و برادر او دوستترند به پدر ما از ما و ما جماعتیم

إن أبانا لفي ضلال مبين ۝ اقتلوا يوسف أو اطرحوه

بدرستی که پدر ما در گمراهی و خطای روشن است ۝ بکشید یوسف را یا بیندازید او را

أرضا يخل لكم وجه أبيكم وتكونوا من بعده قوما صالحين

[illegible]

قال قائل منهم لا تقتلوا يوسف وألقوه في غيابت الجب

گفت گوینده از ایشان [illegible] مکشید یوسف را و بیندازید در بن چاه

يلتقطه بعض السيارة إن كنتم فاعلين ۝ قالوا يا أبانا ما لك

[illegible]

لا تأمنا على يوسف وإنا له لناصحون ۝ أرسله معنا

[illegible]

غدا يرتع ويلعب وإنا له لحافظون ۝ قال إني ليحزنني أن تذهبوا

[illegible]

به وأخاف أن يأكله الذئب وأنتم عنه غافلون ۝ قالوا

[illegible] و میترسم که بخورد او را گرگ و شما از و غافل باشید ۝ گفتند

لئن أكله الذئب ونحن عصبة إنا إذا لخاسرون ۝

هر آینه اگر بخورد او را گرگ و ما جماعتی ایم بدرستی که ما آنگاه زیانکاران باشیم

فلما ذهبوا به وأجمعوا أن يجعلوه في غيابت الجب وأوحينا

پس چون بردند او را و اتفاق کردند که بیندازند او را در بن چاه و وحی کردیم

إليه لتنبئنهم بأمرهم هذا وهم لا يشعرون ۝ وجاءوا

[illegible]

أباهم عشاء يبكون ۝ قالوا يا أبانا إنا ذهبنا نستبق وتركنا

[illegible]

يوسف عند متاعنا فأكله الذئب وما أنت بمؤمن

یوسف را نزد جامهای ما پس بخورد او را گرگ [illegible]

لنا ولو كنا صادقين ۝ وجاءوا على قميصه بدم كذب

[illegible]

قال بل سولت لكم أنفسكم أمرا فصبر جميل والله المستعان

[illegible]

على ما تصفون ۝ وجاءت سيارة فأرسلوا واردهم فأدلى

[illegible]

دلوه قال يا بشرى هذا غلام وأسروه بضاعة والله عليم

[illegible]

بما يعملون ۝ وشروه بثمن بخس دراهم معدودة وكانوا

[illegible]

فيه من الزاهدين ۝ وقال الذي اشتراه من مصر لامرأته
أكرمي مثواه عسى أن ينفعنا أو نتخذه ولدا وكذلك
مكنا ليوسف في الأرض ولنعلمه من تأويل الأحاديث والله
غالب على أمره ولكن أكثر الناس لا يعلمون ۝ ولما بلغ
أشده آتيناه حكما وعلما وكذلك نجزي المحسنين ۝
وراودته التي هو في بيتها عن نفسه وغلقت الأبواب
وقالت هيت لك قال معاذ الله إنه ربي أحسن مثواي
إنه لا يفلح الظالمون ۝ ولقد همت به وهم بها لولا أن
رأى برهان ربه كذلك لنصرف عنه السوء والفحشاء
إنه من عبادنا المخلصين ۝ واستبقا الباب وقدت قميصه
من دبر وألفيا سيدها لدا الباب قالت ما جزاء من أراد

بأهلك سوءا إلا أن يسجن أو عذاب أليم ۝ قال هي راودتني
عن نفسي وشهد شاهد من أهلها إن كان قميصه قد
من قبل فصدقت وهو من الكاذبين ۝ وإن كان قميصه
قد من دبر فكذبت وهو من الصادقين ۝ فلما رأى قميصه
قد من دبر قال إنه من كيدكن إن كيدكن عظيم ۝
يوسف أعرض عن هذا واستغفري لذنبك إنك كنت
من الخاطئين ۝ وقال نسوة في المدينة امرأت العزيز
تراود فتاها عن نفسه قد شغفها حبا إنا لنراها في
ضلال مبين ۝ فلما سمعت بمكرهن أرسلت إليهن
وأعتدت لهن متكأ وآتت كل واحدة منهن سكينا
وقالت اخرج عليهن فلما رأينه أكبرنه وقطعن أيديهن

وقلن حاش لله ما هذا بشرا ان هذا الا ملك كريم
وگفتند خدا مکناد نیست این آدمی نیست این مگر فرشته گرامی

قالت فذلکن الذی لمتننی فیه ولقد راودته عن نفسه
[illegible] آنچه ملامت کردید مرا دران وبدرستی که طلب کردم از و نفس او را

فاستعصم ولئن لم یفعل ما آمره لیسجنن ولیکونا
[illegible] بازگرد و امتناع نمود واگر نکند آنچه فرمایم من او را هرآینه در زندان کرده شود و باشد از

من الصاغرین قال رب السجن احب الی مما یدعوننی
[illegible] گفت یوسف ای پروردگار من زندان دوستر است از آنچه میخوانند مرا

الیه والا تصرف عنی کیدهن اصب الیهن واکن من
[illegible] معصیت تو واگر بگردانی از من کید زنان را میل کنم با ایشان وباشم از جمله

الجاهلین فاستجاب له ربه فصرف عنه کیدهن
نادانان پس اجابت کرد دعاء او را پروردگار او پس بگردانید از و کید ایشان را

انه هو السمیع العلیم ثم بدا لهم من بعد ما راوا
بدرستی که اوست شنوا دانا پس ظاهر شد ایشان را در صلاح اندیشی بعد از آنکه دیدند

الایات لیسجننه حتی حین ودخل معه السجن فتیان
نشانها صدق یوسف که زندان کنند او را تا وقت [illegible] در رفتند با یوسف در زندان دو جوان

حکایت

قال احدهما انی ارانی اعصر خمرا وقال الاخر انی ارانی
گفت از آن دو با یوسف بدرستی که من در خواب [illegible] افشردم انگور را وگفت آن دیگر بدرستی که من دیدم در خواب

احمل فوق راسی خبزا تاکل الطیر منه نبئنا بتاویله
که برداشته بودم بالای سر خود نانی میخورند مرغان از آن بیاگاهان ما را بتعبیر این

انا نریک من المحسنین قال لا یاتیکما طعام ترزقانه
بدرستی که ما می بینیم ترا از نیکوکاران گفت یوسف نیاید بشما هیچ طعامی که بخورید آن را در خواب

الا نباتکما بتاویله قبل ان یاتیکما ذلکما مما
الا که خبر کنم شما را بتعبیر آن طعام در بیداری پیش از آنکه بیاید بشما تاویل آن این از آن خبرهاست

علمنی ربی انی ترکت ملة قوم لا یؤمنون بالله وهم بالاخرة
که آموخته مرا پروردگار من بدرستی که من بگذاشتم ملت قومی را که ایمان نیاورند بخدای و ایشان بآخرت

هم کافرون واتبعت ملة اباءی ابرهیم واسحق ویعقوب
کافرانند و پیروی کردم ملت پدر خود را که ابرهیم و اسحق است و یعقوب

ما کان لنا ان نشرک بالله من شیء ذلک من فضل الله
سزاوار نباشد ما را که شرک آوریم بخدای که هیچ چیزی را این از فضل خدایست

علینا وعلی الناس ولکن اکثر الناس لا یشکرون
بر ما و بر هر که نگه دارد خدای او را از شرک مردمان ولیکن بیشترین مردمان شکر نمیکنند

یا صاحبی السجن ءارباب متفرقون خیر ام الله الواحد
ای ساکنان زندان [illegible] متفرق که بتانند بهتر یا خدای یگانه

القهار ما تعبدون من دونه الا اسماء سمیتموها انتم
قهر کننده هیچ چیزی نمی پرستید شما از غیر او مگر نامی چند که نام نهاده اید او را شما

واباؤکم ما انزل الله بها من سلطان ان الحکم الا لله امر
و پدران شما و فرو نفرستاده خدای بآن هیچ حجتی نیست حکم و فرمان مگر خدای را فرموده

الا تعبدوا الا ایاه ذلک الدین القیم ولکن اکثر الناس
که نپرستید مگر او را [illegible] ولیکن بیشترین مردم

لا یعلمون یا صاحبی السجن اما احدکما فیسقی ربه
نمیدانند ای دو ساکن زندان اما یکی از شما پس ساقی شود سید خویش را

خمرا واما الاخر فیصلب فتاکل الطیر من راسه قضی الامر
خمر و اما آن دیگر پس بر دار کشندش پس خورند مرغان هوا از مغز سر او رانده و گزارده شد

ٱلَّذِى فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ ۝ وَقَالَ لِلَّذِى ظَنَّ أَنَّهُۥ نَاجٍ مِّنْهُمَا
ٱذْكُرْنِى عِندَ رَبِّكَ فَأَنسَٰهُ ٱلشَّيْطَٰنُ ذِكْرَ رَبِّهِۦ
فَلَبِثَ فِى ٱلسِّجْنِ بِضْعَ سِنِينَ ۝ وَقَالَ ٱلْمَلِكُ إِنِّىٓ أَرَىٰ سَبْعَ
بَقَرَٰتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعَ سُنۢبُلَٰتٍ
خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَٰتٍ يَٰٓأَيُّهَا ٱلْمَلَأُ أَفْتُونِى فِى رُءْيَٰىَ
إِن كُنتُمْ لِلرُّءْيَا تَعْبُرُونَ ۝ قَالُوٓا۟ أَضْغَٰثُ أَحْلَٰمٍ وَمَا نَحْنُ
بِتَأْوِيلِ ٱلْأَحْلَٰمِ بِعَٰلِمِينَ ۝ وَقَالَ ٱلَّذِى نَجَا مِنْهُمَا وَٱدَّكَرَ
بَعْدَ أُمَّةٍ أَنَا۠ أُنَبِّئُكُم بِتَأْوِيلِهِۦ فَأَرْسِلُونِ ۝ يُوسُفُ أَيُّهَا
ٱلصِّدِّيقُ أَفْتِنَا فِى سَبْعِ بَقَرَٰتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ
وَسَبْعِ سُنۢبُلَٰتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَٰتٍ لَّعَلِّىٓ أَرْجِعُ إِلَى
ٱلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ ۝ قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأَبًا

فَمَا حَصَدتُّمْ فَذَرُوهُ فِى سُنۢبُلِهِۦٓ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تَأْكُلُونَ ۝
ثُمَّ يَأْتِى مِنۢ بَعْدِ ذَٰلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ
لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تُحْصِنُونَ ۝ ثُمَّ يَأْتِى مِنۢ بَعْدِ ذَٰلِكَ عَامٌ
فِيهِ يُغَاثُ ٱلنَّاسُ وَفِيهِ يَعْصِرُونَ ۝ وَقَالَ ٱلْمَلِكُ ٱئْتُونِى
بِهِۦ فَلَمَّا جَآءَهُ ٱلرَّسُولُ قَالَ ٱرْجِعْ إِلَىٰ رَبِّكَ فَسْـَٔلْهُ مَا بَالُ
ٱلنِّسْوَةِ ٱلَّٰتِى قَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ إِنَّ رَبِّى بِكَيْدِهِنَّ عَلِيمٌ ۝
قَالَ مَا خَطْبُكُنَّ إِذْ رَٰوَدتُّنَّ يُوسُفَ عَن نَّفْسِهِۦ قُلْنَ حَٰشَ
لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِن سُوٓءٍ قَالَتِ ٱمْرَأَتُ ٱلْعَزِيزِ ٱلْـَٰٔنَ
حَصْحَصَ ٱلْحَقُّ أَنَا۠ رَٰوَدتُّهُۥ عَن نَّفْسِهِۦ وَإِنَّهُۥ لَمِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ۝
ذَٰلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّى لَمْ أَخُنْهُ بِٱلْغَيْبِ وَأَنَّ ٱللَّهَ لَا يَهْدِى
كَيْدَ ٱلْخَآئِنِينَ ۝ وَمَآ أُبَرِّئُ نَفْسِىٓ إِنَّ ٱلنَّفْسَ لَأَمَّارَةٌۢ بِٱلسُّوٓءِ إِلَّا

فيه من الزاهدين ۝ وقال الذي اشتراه من مصر لامرأته
اكرمي مثواه عسى ان ينفعنا او نتخذه ولدا وكذلك
مكنا ليوسف في الارض ولنعلمه من تأويل الاحاديث والله
غالب على امره ولكن اكثر الناس لا يعلمون ۝ ولما بلغ
اشده آتيناه حكما وعلما وكذلك نجزي المحسنين ۝
وراودته التي هو في بيتها عن نفسه وغلقت الابواب
وقالت هيت لك قال معاذ الله انه ربي احسن مثواي
انه لا يفلح الظالمون ۝ ولقد همت به وهم بها لولا ان
رأى برهان ربه كذلك لنصرف عنه السوء والفحشاء
انه من عبادنا المخلصين ۝ واستبقا الباب وقدت قميصه
من دبر والفيا سيدها لدا الباب قالت ما جزاء من اراد

باهلك سوءا الا ان يسجن او عذاب اليم ۝ قال هي راودتني
عن نفسي وشهد شاهد من اهلها ان كان قميصه قد
من قبل فصدقت وهو من الكاذبين ۝ وان كان قميصه
قد من دبر فكذبت وهو من الصادقين ۝ فلما رأى قميصه
قد من دبر قال انه من كيدكن ان كيدكن عظيم ۝
يوسف اعرض عن هذا واستغفري لذنبك انك كنت
من الخاطئين ۝ وقال نسوة في المدينة امرأت العزيز
تراود فتاها عن نفسه قد شغفها حبا انا لنراها في
ضلال مبين ۝ فلما سمعت بمكرهن ارسلت اليهن
واعتدت لهن متكأ وآتت كل واحدة منهن سكينا
وقالت اخرج عليهن فلما رأينه اكبرنه وقطعن ايديهن

وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ وَمَا أُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ

شَيْءٍ إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ

الْمُتَوَكِّلُونَ ۝ وَلَمَّا دَخَلُوا مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ أَبُوهُمْ مَا كَانَ

يُغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا حَاجَةً فِي نَفْسِ يَعْقُوبَ قَضَاهَا

وَإِنَّهُ لَذُو عِلْمٍ لِمَا عَلَّمْنَاهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۝

وَلَمَّا دَخَلُوا عَلَى يُوسُفَ آوَى إِلَيْهِ أَخَاهُ قَالَ إِنِّي أَنَا أَخُوكَ

فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ فَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَازِهِمْ

جَعَلَ السِّقَايَةَ فِي رَحْلِ أَخِيهِ ثُمَّ أَذَّنَ مُؤَذِّنٌ أَيَّتُهَا الْعِيرُ

إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ ۝ قَالُوا وَأَقْبَلُوا عَلَيْهِمْ مَاذَا تَفْقِدُونَ ۝

قَالُوا نَفْقِدُ صُوَاعَ الْمَلِكِ وَلِمَنْ جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا بِهِ

زَعِيمٌ ۝ قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ

وَمَا كُنَّا سَارِقِينَ ۝ قَالُوا فَمَا جَزَاؤُهُ إِنْ كُنْتُمْ كَاذِبِينَ

قَالُوا جَزَاؤُهُ مَنْ وُجِدَ فِي رَحْلِهِ فَهُوَ جَزَاؤُهُ كَذَلِكَ نَجْزِي

الظَّالِمِينَ ۝ فَبَدَأَ بِأَوْعِيَتِهِمْ قَبْلَ وِعَاءِ أَخِيهِ ثُمَّ اسْتَخْرَجَهَا

مِنْ وِعَاءِ أَخِيهِ كَذَلِكَ كِدْنَا لِيُوسُفَ مَا كَانَ لِيَأْخُذَ

أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَنْ نَشَاءُ

وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ ۝ قَالُوا إِنْ يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُ

مِنْ قَبْلُ فَأَسَرَّهَا يُوسُفُ فِي نَفْسِهِ وَلَمْ يُبْدِهَا لَهُمْ قَالَ

أَنْتُمْ شَرٌّ مَكَانًا وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَصِفُونَ ۝ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ

إِنَّ لَهُ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ

الْمُحْسِنِينَ ۝ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ نَأْخُذَ إِلَّا مَنْ وَجَدْنَا مَتَاعَنَا

عِنْدَهُ إِنَّا إِذًا لَظَالِمُونَ ۝ فَلَمَّا اسْتَيْأَسُوا مِنْهُ خَلَصُوا

نجيًّا قال كبيرهم الم تعلموا ان اباكم قد اخذ عليكم
را نکویان کفت بزرک ایشان ای ندانستید که پدر شما وا کرفت از شما

موثقا من الله ومن قبل ما فرطتم في يوسف فلن ابرح
عهدی و سوکندی بخدای و از پیش تقصیر کردید در یوسف نکاه داشت او پس بیرون نروم

الارض حتى ياذن لي ابي او يحكم الله لي وهو خير الحاكمين
من از زمین تا دستوری دهد مرا از پدر من یا حکم کند خدای در کار من و او بهترین حکم کنندگانست

ارجعوا الى ابيكم فقولوا يا ابانا ان ابنك سرق وما
و با برادران کفت باز کردید شما با نزد پدر خویش پس بکویید ای پدر ما بدرستی که پسر تو دزدی کرد و ما

شهدنا الا بما علمنا وما كنا للغيب حافظين ۝ واسئل
کواهی ندادیم مکر بانچه دانیم و نبودیم مر غیب را نکه بانان و بپرس

القرية التي كنا فيها والعير التي اقبلنا فيها وانا
از اهل دهی که بودیم ما در ان و کاروانیان که باز آمدیم در صحبت ایشان و بدرستی که ما

لصادقون ۝ قال بل سولت لكم انفسكم امرا فصبر جميل
هر آینه راست کویانیم پس چون آمدند و کفتند کفت یعقوب آری آراسته است کاری پس پرستش صبری نیکو
نزد شما انفسهای شما را

عسى الله ان ياتيني بهم جميعا انه هو العليم الحكيم ۝
شاید بود که خدای آورد بمن ایشان را همه بدرستی که اوست دانا و با حکمت

وتولى عنهم وقال يا اسفى على يوسف وابيضت عيناه
و اعراض کرد از ایشان و کفت ای طول اندوها که تلازه شد بر فراق یوسف و سپید شد و پوشیده شد چشمهای او

من الحزن فهو كظيم ۝ قالوا تالله تفتؤا تذكر يوسف
از غم و اندوه پس او خشم فرو خورده بود کفتند بخدای که چندان یاد کنی یوسف را

حتى تكون حرضا او تكون من الهالكين ۝ قال انما اشكوا
تا شوی کداخته یا شوی از هلاک شوندگان کفت یعقوب بدرستی که نالیدن

بثي وحزني الى الله واعلم من الله ما لا تعلمون ۝ يا بني اذهبوا
من و اندوه من با خدایست و میدانم از خدای آنچه شما نمیدانید ای پسران من بروید

فتحسسوا من يوسف واخيه ولا تياسوا من روح الله
پس تفحص و جست و جو کنید از یوسف و برادر او و نومید مباشید از رحمت خدای

انه لا ييأس من روح الله الا القوم الكافرون ۝ فلما
بدرستی که نومید نشود از رحمت خدای مکر قومی کافران پس چون

دخلوا عليه قالوا يا ايها العزيز مسنا واهلنا الضر
در رفتند بر یوسف کفتند ای عزیز رسید بما و مخصوصان ما کرسنکی و سختی

وجئنا ببضاعة مزجاة فاوف لنا الكيل وتصدق علينا
و آورده ایم بضاعتی اندک کم قیمت پس تمام کن ما را پیمانه و صدقه کن بر ما

ان الله يجزي المتصدقين ۝ قال هل علمتم ما فعلتم بيوسف
بدرستی که خدا جزا دهد صدقه کنندگان را کفت یوسف ای میدانید انچه کردید با یوسف

واخيه اذ انتم جاهلون ۝ قالوا ائنك لانت يوسف
و برادر او و چون بودید شما نادانان کفتند ای تو هر آینه تو یوسفی

قال انا يوسف وهذا اخي قد من الله علينا انه من يتق
کفت من یوسفم و این برادر منست بدرستی که منت کرد خدای بر ما بدرستی که شان آنست
که هر که پرهیزکاری کند

ويصبر فان الله لا يضيع اجر المحسنين ۝ قالوا تالله لقد
و صبر کند بر بلا پس بدرستی که خدای ضایع نکند مزد نیکوکاران را کفتند بخدای که بدرستی

اثرك الله علينا وان كنا لخاطئين ۝ قال لا تثريب عليكم
افزونی داد و کزید ترا خدای بر ما و بدرستی هر آینه کناهکاران کفت یوسف هیچ سرزنش نیست
بر شما

اليوم يغفر الله لكم وهو ارحم الراحمين ۝ اذهبوا
امروز بیامرزاد خدای بر شما و او رحمت کننده ترین رحمت کنندگانست ببرید

بقميصي هذا فالقوه على وجه ابي يأت بصيرا وأتوني بأهلكم

اجمعين ۝ ولما فصلت العير قال ابوهم اني لاجد ريح

يوسف لولا ان تفندون ۝ قالوا تالله انك لفي ضلالك

القديم ۝ فلما ان جاء البشير القه على وجهه فارتد

بصيرا قال الم اقل لكم اني اعلم من الله ما لا تعلمون ۝ قالوا

يا ابانا استغفر لنا ذنوبنا انا كنا خاطئين ۝ قال سوف

استغفر لكم ربي انه هو الغفور الرحيم ۝ فلما دخلوا على

يوسف اوى اليه ابويه وقال ادخلوا مصر ان شاء الله

امنين ۝ ورفع ابويه على العرش وخروا له سجدا وقال يا ابت

هذا تاويل رؤياي من قبل قد جعلها ربي حقا وقد

احسن بي اذ اخرجني من السجن وجاء بكم من البدو من بعد

ان نزغ الشيطان بيني وبين اخوتي ان ربي لطيف

لما يشاء انه هو العليم الحكيم ۝ رب قد اتيتني من الملك

وعلمتني من تاويل الاحاديث فاطر السموات والارض

انت وليي في الدنيا والاخرة توفني مسلما والحقني

بالصالحين ۝ ذلك من انباء الغيب نوحيه اليك وما

كنت لديهم اذ اجمعوا امرهم وهم يمكرون ۝ وما

اكثر الناس ولو حرصت بمؤمنين ۝ وما تسئلهم

عليه من اجر ان هو الا ذكر للعالمين ۝ وكاين من

اية في السموات والارض يمرون عليها وهم عنها معرضون

وما يؤمن اكثرهم بالله الا وهم مشركون ۝ افامنوا ان

تاتيهم غاشية من عذاب الله او تاتيهم الساعة بغتة

وهم لا يشعرون ۝ قل هذه سبيلي ادعوا الى الله على بصيرة انا
ومن اتبعني وسبحان الله وما انا من المشركين ۝ وما
ارسلنا من قبلك الا رجالا نوحي اليهم من اهل القرى
افلم يسيروا في الارض فينظروا كيف كان عاقبة الذين
من قبلهم ولدار الاخرة خير للذين اتقوا افلا تعقلون ۝
حتى اذا استيئس الرسل وظنوا انهم قد كذبوا جاءهم
نصرنا فنجي من نشاء ولا يرد بأسنا عن القوم المجرمين ۝ لقد
كان في قصصهم عبرة لاولي الالباب ما كان حديثا يفترى
ولكن تصديق الذي بين يديه وتفصيل كل
شيء وهدى ورحمة لقوم يؤمنون ۝

سورة الرعد ثلث واربعون آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشاینده مهربان

المر تلك ايات الكتاب والذي انزل اليك من ربك
الحق ولكن اكثر الناس لا يؤمنون ۝ الله الذي رفع
السموات بغير عمد ترونها ثم استوى على العرش وسخر
الشمس والقمر كل يجري لاجل مسمى يدبر الامر يفصل
الايات لعلكم بلقاء ربكم توقنون ۝ وهو الذي مد
الارض وجعل فيها رواسي وانهارا ومن كل الثمرات جعل
فيها زوجين اثنين يغشي الليل النهار ان في ذلك
لايات لقوم يتفكرون ۝ وفي الارض قطع متجاورات وجنات
من اعناب وزرع ونخيل صنوان وغير صنوان يسقى
بماء واحد ونفضل بعضها على بعض في الاكل ان في ذلك

لآيات لقوم يعقلون ۝ وإن تعجب فعجب قولهم أإذا

كنا ترابا أإنا لفي خلق جديد ۝ أولئك الذين كفروا

بربهم وأولئك الأغلال في أعناقهم وأولئك أصحاب

النار هم فيها خالدون ۝ ويستعجلونك بالسيئة قبل

الحسنة وقد خلت من قبلهم المثلات وإن ربك لذو

مغفرة للناس على ظلمهم وإن ربك لشديد العقاب

ويقول الذين كفروا لولا أنزل عليه آية من ربه إنما أنت

منذر ولكل قوم هاد ۝ الله يعلم ما تحمل كل أنثى وما

تغيض الأرحام وما تزداد ۝ وكل شيء عنده بمقدار

عالم الغيب والشهادة الكبير المتعال ۝ سواء منكم من أسر

القول ومن جهر به ومن هو مستخف بالليل وسارب بالنهار

له معقبات من بين يديه ومن خلفه يحفظونه من أمر

الله إن الله لا يغير ما بقوم حتى يغيروا ما بأنفسهم

وإذا أراد الله بقوم سوءا فلا مرد له وما لهم من دونه

من وال ۝ هو الذي يريكم البرق خوفا وطمعا وينشئ

السحاب الثقال ۝ ويسبح الرعد بحمده والملائكة

من خيفته ويرسل الصواعق فيصيب بها من يشاء وهم

يجادلون في الله وهو شديد المحال ۝ له دعوة الحق والذين

يدعون من دونه لا يستجيبون لهم بشيء إلا كباسط

كفيه إلى الماء ليبلغ فاه وما هو ببالغه وما دعاء الكافرين

إلا في ضلال ۝ ولله يسجد من في السموات والأرض طوعا

وكرها وظلالهم بالغدو والآصال ۝ قل من رب السموات

والارض قل الله قل افاتخذتم من دونه اولياء لا يملكون
لانفسهم نفعا ولا ضرا قل هل يستوى الاعمى والبصير
ام هل تستوى الظلمات والنور ام جعلوا لله شركاء
خلقوا كخلقه فتشابه الخلق عليهم قل الله خالق كل
شىء وهو الواحد القهار انزل من السماء ماء فسالت
اودية بقدرها فاحتمل السيل زبدا رابيا ومما يوقدون
عليه فى النار ابتغاء حلية او متاع زبد مثله كذلك
يضرب الله الحق والباطل فاما الزبد فيذهب جفاء
واما ما ينفع الناس فيمكث فى الارض كذلك يضرب
الله الامثال للذين استجابوا لربهم الحسنى والذين
لم يستجيبوا له لو ان لهم ما فى الارض جميعا ومثله معه

لافتدوا به اولئك لهم سوء الحساب ومأويهم جهنم
وبئس المهاد افمن يعلم انما انزل اليك من ربك الحق
كمن هو اعمى انما يتذكر اولوا الالباب الذين يوفون
بعهد الله ولا ينقضون الميثاق والذين يصلون ما امر
الله به ان يوصل ويخشون ربهم ويخافون سوء الحساب
والذين صبروا ابتغاء وجه ربهم واقاموا الصلوة وانفقوا
مما رزقناهم سرا وعلانية ويدرءون بالحسنة السيئة
اولئك لهم عقبى الدار جنات عدن يدخلونها ومن
صلح من آبائهم وازواجهم وذرياتهم والملائكة
يدخلون عليهم من كل باب سلام عليكم بما صبرتم فنعم
عقبى الدار والذين ينقضون عهد الله من بعد ميثاقه

وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللّٰهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولٰئِكَ
لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ ۝ اللّٰهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ
وَيَقْدِرُ وَفَرِحُوا بِالْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ
إِلَّا مَتَاعٌ ۝ وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ
مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّ اللّٰهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَنَابَ
الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللّٰهِ أَلَا بِذِكْرِ اللّٰهِ تَطْمَئِنُّ
الْقُلُوبُ ۝ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ
وَحُسْنُ مَآبٍ ۝ كَذٰلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهَا
أُمَمٌ لِتَتْلُوَ عَلَيْهِمُ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَهُمْ يَكْفُرُونَ بِالرَّحْمٰنِ
قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابِ
وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِّعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كُلِّمَ

بِهِ الْمَوْتَىٰ بَلْ لِلّٰهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا أَفَلَمْ يَيْأَسِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَوْ
يَشَاءُ اللّٰهُ لَهَدَى النَّاسَ جَمِيعًا وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا تُصِيبُهُمْ
بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةٌ أَوْ تَحُلُّ قَرِيبًا مِنْ دَارِهِمْ حَتَّىٰ يَأْتِيَ وَعْدُ اللّٰهِ
إِنَّ اللّٰهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ ۝ وَلَقَدِ اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ
فَأَمْلَيْتُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ
أَفَمَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَىٰ كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَجَعَلُوا لِلّٰهِ شُرَكَاءَ
قُلْ سَمُّوهُمْ أَمْ تُنَبِّئُونَهُ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي الْأَرْضِ أَمْ بِظَاهِرٍ مِنَ
الْقَوْلِ بَلْ زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مَكْرُهُمْ وَصُدُّوا عَنِ السَّبِيلِ
وَمَنْ يُضْلِلِ اللّٰهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ۝ لَهُمْ عَذَابٌ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا
وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَقُّ وَمَا لَهُمْ مِنَ اللّٰهِ مِنْ وَاقٍ ۝ مَثَلُ الْجَنَّةِ
الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ أُكُلُهَا دَائِمٌ

وَظِلُّهَا تِلْكَ عُقْبَى الَّذِينَ اتَّقَوْا وَعُقْبَى الْكَافِرِينَ النَّارُ
وسایهٔ آن زایل آن عاقبت کار آنهااست که بپرهیزیده باشند از شرک وعاقبت جای کافران آتش است نشود

وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَفْرَحُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمِنَ
وآنهاکه دادیم ایشانرا کتاب مومنان ایشان شادی میکنند بانچه فرو فرستاده شد بتو ای محمد واز

الْأَحْزَابِ مَنْ يُنْكِرُ بَعْضَهُ قُلْ إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ
کفار کسی هست که انکار میکند بعضی از قرآنرا که ذکر رحمن است بگو بدرستی که فرموده اند مرا که یگانگی پرستم خدایرا

وَلَا أُشْرِكَ بِهِ إِلَيْهِ أَدْعُو وَإِلَيْهِ مَآبِ وَكَذَٰلِكَ
وشرک نیاورم باو بحضرت او دعوت میکنم وبحضرت اوست بازگشت من وهمچنین

أَنْزَلْنَاهُ حُكْمًا عَرَبِيًّا وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ مَا جَاءَكَ
که فرو فرستادیم کتب سالفه را فرو فرستادیم قرآنرا حکمی عربی وهر آینه اگر پی روی کنی تو مرادهای ایشانرا بعد از انچه آمد بتو

مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا وَاقٍ وَلَقَدْ
از دانش نباشد ترا از خدای هیچ دوستی ونه نگه دارنده وبدرستی

أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَذُرِّيَّةً
که فرستادیم رسولانی از پیش تو وکردیم ایشانرا که نکاح میکردند زنانرا وپیدا میشد از ایشان فرزندان

وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ
ونتواند هیچ رسولی را که بیاورد آیتی را مگر بفرمان خدای مر هر اجلی را که تقدیر رفته نوشته است

يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثْبِتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ وَإِمَّا نُرِيَنَّكَ
محو کند خدای از کتاب انچه خواهد واثبات کند انچه خواهد ونزد اوست ام الکتاب واگر بنماییم ترا

بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ
بعضی انچه وعده میدهیم ایشانرا یا بمیرانیم پیش از آن پس بدرستی که بر توست پیغام

وَعَلَيْنَا الْحِسَابُ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ
وبر ماست حساب بندگان ای ونه می بینند مشرکان که ما فتح میکنیم زمین را از برای محمد واصحاب اورا وکم میکنیم آنرا از

أَطْرَافِهَا وَاللَّهُ يَحْكُمُ لَا مُعَقِّبَ لِحُكْمِهِ وَهُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ
اطراف آن از دست دیگران وخدای حکم میکند هیچ ردکننده نیست مر حکم اورا واو زود حساب زود مجازات است

وَقَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلِلَّهِ الْمَكْرُ جَمِيعًا يَعْلَمُ مَا
وبدرستی که مکر کردند آنهاکه از پیش ایشان بودند با پیغمبران خویش پس مر خدایراست تاثیر مکر همه که بی اراده او هیچ اثر نکند داند خدای انچه

تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ وَسَيَعْلَمُ الْكُفَّارُ لِمَنْ عُقْبَى الدَّارِ
کند هر نفسی وزود که بدانند کافران عاقبت بهشت

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ
ومیگویند آنهاکه کافر شدند که نیستی تو فرستاده شده بگو ای محمد کفایتست خدای

شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ
بگواهی میان من ومیان شما وکفایتست گواهی آنکس که نزد اوست علم کتاب که عبد الله بن سلام است رضی الله عنه وارضاه

سُورَةُ إِبْرٰهِيمَ اثْنَانِ وَخَمْسُونَ آيَةً مَكِّيَّةٌ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای روزی دهنده رحمت کننده

الر كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ
منم خدای که می بینم این کتابیست که فرو فرستادیم آنرا بتو تا برون آوری مردمانرا از تاریکیهای کفر

إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَىٰ صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ اللَّهِ الَّذِي
بنور ایمان بتقدیر وفرمان پروردگار ایشان براه خدای غالب ستوده مر او راست

لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَوَيْلٌ لِلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ
انچه در آسمانها وانچه در زمین است ووای مر کافرانراست از عذابی

شَدِيدٍ الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ
سخت آنهاکه برمیگزینند زندگانی دنیا بر آخرت وبرمیگردانند مردم

عن سبيل الله ويبغونها عوجا اولئك في ضلال بعيد
از راه خدای و میجویند آن راه کجی آن گروه در گمراهی اند دور از حق

وما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه ليبين لهم فيضل الله
ونفرستادیم ما هیچ رسولی مگر بزبان قوم او تا روشن کند از برای ایشان پس گمراه کند خدای

من يشاء ويهدي من يشاء وهو العزيز الحكيم ولقد
آنکس که خواهد از قبول و راه نماید آنرا که خواهد باتباع حق و اوست غالب تمام حکمت و بدرستی

ارسلنا موسى باياتنا ان اخرج قومك من الظلمات الى النور
که فرستادیم ما موسی را بنشانهای خود که بیرون آور قوم خویش را از تاریکیهای شرک به نور ایمان

وذكرهم بايام الله ان في ذلك لايات لكل صبار شكور
و پند ده ایشان را بنعمتها و نقمتهای خدای بدرستی که در آن هر آینه نشانهاییست مر هر صبر کننده شکر کننده

واذ قال موسى لقومه اذكروا نعمة الله عليكم اذ انجاكم
و یاد کن چون گفت موسی مر قوم خویش را یاد کنید نعمت خدای را بر شما چون رهانید شما را

من ال فرعون يسومونكم سوء العذاب ويذبحون ابناءكم
از قوم فرعون می چشانیدند شما را بدی عذاب و می کشتند پسران شما

ويستحيون نساءكم وفي ذلكم بلاء من ربكم عظيم
و زنده میگذاشتند دختران شما و در آن رهانیدن شما نعمتی بود از پروردگار شما نعمتی بزرگ

واذ تاذن ربكم لئن شكرتم لازيدنكم ولئن كفرتم
و چون اعلام کرد پروردگار شما که اگر شکر کنید نعمت مرا بتوحید هر آینه زیاده کنم شما را نعمت و هر آینه اگر کفران

ان عذابي لشديد وقال موسى ان تكفروا انتم ومن في
بدرستی که عذاب من هر آینه سخت است و گفت موسی که اگر کافر شوید شما و آنکس که در

الارض جميعا فان الله لغني حميد الم ياتكم نبؤا
زمین است همه پس بدرستی که خدای بی نیاز ذات ستوده است آیا نیامد بشما خبر

الذين من قبلكم قوم نوح وعاد وثمود والذين من بعدهم
آنها که از پیش شما بودند که قوم نوح و قوم هود و قوم صالح و آنها که از پس ایشان بودند

لا يعلمهم الا الله جاءتهم رسلهم بالبينات فردوا
نداند عدد و تعیین ایشان مگر خدای آمدند با ایشان پیغمبران ایشان بحجتها پس گردانیدند

ايديهم في افواههم وقالوا انا كفرنا بما ارسلتم به وانا
دستهای ایشان بدندانها و گفتند بدرستی که ما کافر شدیم بانچه فرستاده شدید بآن و بدرستی

لفي شك مما تدعوننا اليه مريب قالت رسلهم افي الله
که ما هر آینه در شکی ایم از آنچه میخوانید ما را بآن از توحید و طاعت شکی بگمانی گفتند رسولان ایشان ای در خدا

شك فاطر السموات والارض يدعوكم ليغفر لكم من
شکیست آن خدای که نو آفریننده آسمان و زمین است میخواند شما را بطاعت تا بیامرزد شما را از

ذنوبكم ويؤخركم الى اجل مسمى قالوا ان انتم الا بشر
گناهان شما و تاخیر کند عقوبت شما را تا اجل نام نهاده گفتند ایشان با رسولان که نیستید شما مگر آدمیان

مثلنا تريدون ان تصدونا عما كان يعبد اباؤنا
مانند ما میخواهید که برگردانید ما را از آنچه می پرستیدند پدران ما

فاتونا بسلطان مبين قالت لهم رسلهم ان نحن الا
پس بیارید بما حجتی روشن گفتند ایشان را رسولان ایشان نیستیم ما مگر

بشر مثلكم ولكن الله يمن على من يشاء من عباده وما
آدمیانی مانند شما و لیکن خدای منت نهد بر آنکس که خواهد از بندگان خویش و نیست

كان لنا ان ناتيكم بسلطان الا باذن الله وعلى الله فليتوكل
باشد ما را که بیاریم بشما حجتی مگر بفرمان خدای و بر خدای باید که توکل کنند

المؤمنون وما لنا الا نتوكل على الله وقد هدانا
مومنان و چیست ما را که توکل نکنیم بر خدای و بدرستی که راه نمود ما را

بتعجیل کند شما را بعقوبت

سُبُلَنَا وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَىٰ مَا آذَيْتُمُونَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ
راههای ما وهرآینه صبر کنیم بر آنچه ایذا کنید شما مارا و بر خدای باید که توکل کنند

الْمُتَوَكِّلُونَ ۝ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِنْ أَرْضِنَا
توکل کنندگان وگفتند آنها که کافر شدند مر رسولانِ خویش را وهرآینه برون کنیم شمارا از زمین ما

أَوْ لَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ
یا آنکه باز گردید در ملت ما پس وحی کرد بایشان پروردگار ایشان که هرآینه هلاک کنیم

الظَّالِمِينَ ۝ وَلَنُسْكِنَنَّكُمُ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ ذَٰلِكَ لِمَنْ
ظالمانرا وهرآینه ساکن کنیم وجای دهیم شمارا در زمین از پس ایشان این وعده مر آنکس راست

خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِ ۝ وَاسْتَفْتَحُوا وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ
که بترسد از ایستادن نزد من و بترسد از عذاب و وعید من وطلب نصرة کردند پیغمبران پس فایز شدند بآن و نومید شد هر متکبری

عَنِيدٍ ۝ مِنْ وَرَائِهِ جَهَنَّمُ وَيُسْقَىٰ مِنْ مَاءٍ صَدِيدٍ ۝ يَتَجَرَّعُهُ
گردن کش در قیامت که از پیش او وعده جای دوزخست و بیاشامندش از آبی زرد آب خون وریم بسختی فرو می برد آنرا

وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُ وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ
ونه نزدیک باشد که فرو برد باسانی آنرا و آید باو اسباب مرگ از هر جانبی و هر سویی که بر جسد او باشد و نباشد او

بِمَيِّتٍ ۖ وَمِنْ وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ ۝ مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا
مرده وبعد از ان باشد اورا عذابی متصل الالام مثل آنها که کافر شدند

بِرَبِّهِمْ ۖ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ ۖ
بپروردگار خویش عملهای ایشان همچون خاکستری باشد که سخت وزیده باشد بآن باد در روزی که باد سخت جهنده باشد

لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَىٰ شَيْءٍ ۚ ذَٰلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ ۝
قادر نباشد از آنچه اندوخته باشد بر هیچ چیزی آنها این حرمان آن گمراهیست

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ ۚ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ
ای ندیدی که آفرید خدای آسمانها و زمین را بحق اگر خواهد برد شمارا

وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ ۝ وَمَا ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ ۝ وَبَرَزُوا لِلَّهِ
و بیاورد خلقی نو ونیست این بر خدای دشوار وبیرون آیند از قبرها بدرگاه خدای

جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا
همه پس گویند ضعیفان مر آنهارا که سرکشان بوده باشند بدرستی که ما بودیم در دنیا

لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ۚ
شمارا پی روان پس شما هیچ هستید بازدارندگان از ما از عذاب خدای هیچ چیزی را

قَالُوا لَوْ هَدَانَا اللَّهُ لَهَدَيْنَاكُمْ ۖ سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَجَزِعْنَا أَمْ صَبَرْنَا
گویند سرکشان اگر راه نمودی مارا خدای هرآینه راه نمودمانی ما شمارا یکسانست بر ما اگر جزع کنیم یا صبر کنیم

مَا لَنَا مِنْ مَحِيصٍ ۝ وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ
نیست مارا هیچ گریختن جایی وگوید شیطان چون گزارده شود فرمان بدرستی که خدای وعده کرد شمارا آمدن این روز

وَعْدَ الْحَقِّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ ۖ وَمَا كَانَ لِيَ عَلَيْكُمْ
وعده حق و وعده کردم من شمارا تا آمدن این روز پس خلاف کردم وعده شمارا و نبود مرا بر شما

مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي ۖ فَلَا تَلُومُونِي
هیچ حجتی و قوتی لیکن خواندم شمارا پس اجابت کردید دعوت مرا پس ملامت مکنید مرا

وَلُومُوا أَنْفُسَكُمْ ۖ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ ۖ إِنِّي كَفَرْتُ
و ملامت کنید نفسهای خویش را نیستم من فریادرسنده شما و نیستید شما فریادرسنده من بدرستی که من کافر شدم

بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ ۗ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝
بآنچه انباز خدای فرا داشتید مرا از پیش یعنی در دنیا بدرستی که ظالمان و مشرکان را باشد عذابی دردناک

وَأُدْخِلَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ
و در آورند آنها که ایمان آوردند و کردند نیکیهارا در بهشتهایی که رود از

تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ ۖ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ ۝
زیر قصرهای آن جویها جاویدان دران بدستوری پروردگار ایشان تحیت ایشان در انجا سلام باشد

ألم تر كيف ضرب الله مثلا كلمة طيبة كشجرة

ای ندیدی تو که چگونه بیان کرد خدای مثل کلمهٔ پاک که لا اله الا الله است همچون درختی

طيبة أصلها ثابت وفرعها في السماء ۝ تؤتي أكلها

پاک که نخلست که اصل آن ثابت باشد و شاخ آن در هوا باشد آورد میوهٔ خویش

كل حين بإذن ربها ويضرب الله الأمثال للناس لعلهم

در هر وقتی به دستوری پروردگار خویش و بیان میکند خدای مثلها را از برای مردمان تا مگر ایشان

يتذكرون ۝ ومثل كلمة خبيثة كشجرة خبيثة

پند پذیر شوند و مثل کلمهٔ پلید که کفر است همچون درخت پلیدست که

اجتثت من فوق الأرض ما لها من قرار ۝ يثبت الله الذين

آمنوا بالقول الثابت في الحيوة الدنيا وفي الآخرة ويضل

الله الظالمين ويفعل الله ما يشاء ۝ ألم تر إلى الذين بدلوا

نعمت الله كفرا وأحلوا قومهم دار البوار ۝ جهنم يصلونها

وبئس القرار ۝ وجعلوا لله أندادا ليضلوا عن سبيله قل

تمتعوا فإن مصيركم إلى النار ۝ قل لعبادي الذين آمنوا

يقيموا الصلوة وينفقوا مما رزقناهم سرا وعلانية من قبل

أن يأتي يوم لا بيع فيه ولا خلال ۝ الله الذي خلق السموات

والأرض وأنزل من السماء ماء فأخرج به من الثمرات

رزقا لكم وسخر لكم الفلك لتجري في البحر بأمره وسخر

لكم الأنهار ۝ وسخر لكم الشمس والقمر دائبين وسخر

لكم الليل والنهار ۝ وآتاكم من كل ما سألتموه

وإن تعدوا نعمت الله لا تحصوها إن الإنسان لظلوم

كفار ۝ وإذ قال إبرهيم رب اجعل هذا البلد آمنا

واجنبني وبني أن نعبد الأصنام ۝ رب إنهن

أضللن كثيرا من الناس فمن تبعني فإنه مني ومن

عصاني فإنك غفور رحيم ۝ ربنا إني أسكنت من ذريتي

بواد غير ذي زرع عند بيتك المحرم ربنا ليقيموا الصلوة

فاجعل افئدة من الناس تهوى اليهم وارزقهم من الثمرات

لعلهم يشكرون ربنا انك تعلم ما نخفي وما نعلن

وما يخفى على الله من شيء في الارض ولا في السماء الحمد لله

الذي وهب لي على الكبر اسمعيل واسحق ان ربي

لسميع الدعاء رب اجعلني مقيم الصلوة ومن ذريتي

ربنا وتقبل دعاء ربنا اغفر لي ولوالدي وللمؤمنين

يوم يقوم الحساب ولا تحسبن الله غافلا عما يعمل

الظالمون انما يؤخرهم ليوم تشخص فيه الابصار

مهطعين مقنعي رءوسهم لا يرتد اليهم طرفهم

وافئدتهم هواء وانذر الناس يوم يأتيهم العذاب

فيقول الذين ظلموا ربنا اخرنا الى اجل قريب نجب

دعوتك ونتبع الرسل اولم تكونوا اقسمتم من قبل ما لكم

من زوال وسكنتم في مسكن الذين ظلموا انفسهم

وتبين لكم كيف فعلنا بهم وضربنا لكم الامثال

وقد مكروا مكرهم وعند الله مكرهم وان كان مكرهم

لتزول منه الجبال فلا تحسبن الله مخلف وعده رسله

ان الله عزيز ذو انتقام يوم تبدل الارض غير الارض

والسموات وبرزوا لله الواحد القهار وترى المجرمين

يومئذ مقرنين في الاصفاد سرابيلهم من قطران

وتغشى وجوههم النار ليجزي الله كل نفس ما كسبت ان

الله سريع الحساب هذا بلاغ للناس ولينذروا به

وليعلموا انما هو اله واحد وليذكر اولوا الالباب

سورة الحجر مكية تسع وعشرون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای رحمت کننده عام در دنیا و خاص در عقبی

الر تلك آيات الكتاب وقرآن مبين ۝ ربما يود

منم خدای که می بینم این آیتها آیتهای کتابست وقرانی روشن کننده احکام بس آرزو کنند

الذين كفروا لو كانوا مسلمين ۝ ذرهم يأكلوا

آنها که کافر شدند که کاشکی بودندی مسلمانان بگذار ایشان تا میخورند

ويتمتعوا ويلههم الأمل فسوف يعلمون ۝ وما أهلكنا

و برخورداری میگیرند از دنیا و مشغول میکند از ایمان و طاعت ایشانرا امید دراز پس زود اکه بدانند وبال آنچه کرده باشند و هلاک نکردیم ما

من قرية إلا ولها كتاب معلوم ۝ ما تسبق من أمة

هیچ اهل شهری را مگر که بود هلاک ایشانرا وقتی معین در علم و تقدیر ما که هلاک نشوند الا در آن وقت پیشی نگیرند هیچ گروهی

أجلها وما يستأخرون ۝ وقالوا يا أيها الذي نزل

از وقت خویش و باز نه ایستند و گفتند کافران بسبیل استهزا ای آنکه فرو فرستاده شده

عليه الذكر إنك لمجنون ۝ لو ما تأتينا بالملائكة

بر او این قرآن بدرستی که تو هر آینه دیوانه چرا نمی آوری با فرشتگانرا بگواهی

إن كنت من الصادقين ۝ ما ننزل الملائكة إلا بالحق

اگر هستی تو از راست گویان در دعوی رسالت فرو نفرستیم فرشتگانرا مگر بحق

وما كانوا إذا منظرين ۝ إنا نحن نزلنا الذكر وإنا له

و نباشند آنگاه مهلت دادگان در نزول عذاب بدرستی که ما فرو فرستادیم این قرآن عظیم الشان را و بدرستی که ما آنرا

لحافظون ۝ ولقد أرسلنا من قبلك في شيع الأولين ۝

هر آینه نگه دارانیم و بدرستی که فرستادیم ما رسولان را پیش از تو در گروهان پیشین

وما يأتيهم من رسول إلا كانوا به يستهزءون ۝

و نیامدی بایشان هیچ رسولی مگر که ایشان باو استهزا کردند پس تو ملول مشو ای محمد

كذلك نسلكه في قلوب المجرمين ۝ لا يؤمنون به

همچنین که کفار سابق کردند در آوریم استهزا و ضلالت در دلهای کافران بشومی آنکه ایمان نمی آورند بمجد

وقد خلت سنة الأولين ۝ ولو فتحنا عليهم بابا من

و بدرستی که گذشته طریق و عادت پیشینیان بکفر و تکذیب و اگر بگشودمانی برای مشرکان دری از

السماء فظلوا فيه يعرجون ۝ لقالوا إنما سكرت

آسمان پس همیشه در آن به بالا بر شدندی هر آینه گفتندی بدرستی که ببسته اند بسحر

أبصارنا بل نحن قوم مسحورون ۝ ولقد جعلنا في السماء

چشمهای ما را بلکه ما قومی جادو کردگانیم و بدرستی که بکردیم در آسمان

بروجا وزيناها للناظرين ۝ وحفظناها من كل

برجهایی و بیاراستیم آنرا بینندگان نظر کنندگانرا و نگه داشتیم آنرا از هر

شيطان رجيم ۝ إلا من استرق السمع فأتبعه شهاب

دیوی رانده مگر اندک کسی که بدزدیده فرا گوش را دارد پس در پی او ایستد آتش پاره

مبين ۝ والأرض مددناها وألقينا فيها رواسي وأنبتنا

روشن و زمین بگستردیم ما آنرا و انداختیم در آن کوههای ثابت محکم و برویانیدیم

فيها من كل شيء موزون ۝ وجعلنا لكم فيها معايش

در آن کوهها از هر چیزی بوزن کرده همچون زر و نقره و جواهر و گردانیدیم شما را در زمین سبب زیستن شما را از ثمار و حبوب

ومن لستم له برازقين ۝ وإن من شيء إلا عندنا خزائنه

و آنها که نیستند شما ایشانرا روزی دهندگان و نیست چیزی مگر که از باران و غیر آن نزد ماست خزاین آن

وما ننزله إلا بقدر معلوم ۝ وأرسلنا الرياح لواقح

و فرو نفرستیم آنرا مگر باندازه معین نزد علم ما و فرستادیم بادها را آبستن کننده ابرها

فأنزلنا من السماء ماء فأسقيناكموه وما أنتم له بخازنين ۝
وإنا لنحن نحيي ونميت ونحن الوارثون ۝ ولقد علمنا
المستقدمين منكم ولقد علمنا المستأخرين ۝ وإن ربك
هو يحشرهم إنه حكيم عليم ۝ ولقد خلقنا الإنسان
من صلصال من حمإ مسنون ۝ والجان خلقناه من قبل
من نار السموم ۝ وإذ قال ربك للملائكة إني خالق بشرا
من صلصال من حمإ مسنون ۝ فإذا سويته ونفخت
فيه من روحي فقعوا له ساجدين ۝ فسجد الملائكة
كلهم أجمعون ۝ إلا إبليس أبى أن يكون مع الساجدين ۝
قال يا إبليس ما لك ألا تكون مع الساجدين ۝ قال لم أكن
لأسجد لبشر خلقته من صلصال من حمإ مسنون ۝ قال

فاخرج منها فإنك رجيم ۝ وإن عليك اللعنة إلى
يوم الدين ۝ قال رب فأنظرني إلى يوم يبعثون ۝ قال
فإنك من المنظرين ۝ إلى يوم الوقت المعلوم ۝ قال
رب بما أغويتني لأزينن لهم في الأرض ولأغوينهم
أجمعين ۝ إلا عبادك منهم المخلصين ۝ قال هذا صراط
علي مستقيم ۝ إن عبادي ليس لك عليهم سلطان إلا
من اتبعك من الغاوين ۝ وإن جهنم لموعدهم أجمعين ۝
لها سبعة أبواب لكل باب منهم جزء مقسوم ۝ إن
المتقين في جنات وعيون ۝ ادخلوها بسلام آمنين ۝
ونزعنا ما في صدورهم من غل إخوانا على سرر متقابلين ۝
لا يمسهم فيها نصب وما هم منها بمخرجين ۝ نبئ عبادي

اني انا الغفور الرحيم ۝ وان عذابي هو العذاب الاليم ۝

ونبئهم عن ضيف ابرهيم ۝ اذ دخلوا عليه فقالوا

سلاما قال انا منكم وجلون ۝ قالوا لا توجل انا

نبشرك بغلام عليم ۝ قال ابشرتموني على ان مسني الكبر

فبم تبشرون ۝ قالوا بشرناك بالحق فلا تكن من القانطين

قال ومن يقنط من رحمة ربه الا الضالون ۝ قال فما

خطبكم ايها المرسلون ۝ قالوا انا ارسلنا الى قوم مجرمين

الا ال لوط انا لمنجوهم اجمعين ۝ الا امراته قدرنا انها

لمن الغابرين ۝ فلما جاء ال لوط المرسلون ۝ قال انكم

قوم منكرون ۝ قالوا بل جئناك بما كانوا فيه يمترون ۝

واتيناك بالحق وانا لصادقون ۝ فاسر باهلك بقطع من

الليل واتبع ادبارهم ولا يلتفت منكم احد وامضوا حيث

تؤمرون ۝ وقضينا اليه ذلك الامر ان دابر هؤلاء مقطوع

مصبحين ۝ وجاء اهل المدينة يستبشرون ۝ قال ان

هؤلاء ضيفي فلا تفضحون ۝ واتقوا الله ولا تخزون ۝ قالوا

اولم ننهك عن العالمين ۝ قال هؤلاء بناتي ان كنتم

فاعلين ۝ لعمرك انهم لفي سكرتهم يعمهون ۝

فاخذتهم الصيحة مشرقين ۝ فجعلنا عاليها سافلها

وامطرنا عليهم [margin: حجارة] من سجيل ۝ ان في ذلك لايات للمتوسمين ۝

وانها لبسبيل مقيم ۝ ان في ذلك لاية للمؤمنين ۝ وان

كان اصحاب الايكة لظالمين ۝ فانتقمنا منهم وانهما

لبامام مبين ۝ ولقد كذب اصحاب الحجر المرسلين ۝

وَآتَيْنَاهُمْ آيَاتِنَا فَكَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ ۝ وَكَانُوا يَنْحِتُونَ مِنَ

وداديم ايشانرا نشانهاى ما پس بودند از ان نشانها اعراض كنندگان ۝ و بودند كه مى تراشيدند از

الْجِبَالِ بُيُوتًا آمِنِينَ ۝ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُصْبِحِينَ ۝

كوهها خانها را ايمنان از خانه فرو آمدن ۝ پس بگرفت ايشانرا صيحه عذاب بامداد

فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ ۝ وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ

پس دفع نكرد از ايشان انچه ايشان جمع كرده اند از اموال و انعام ۝ و نيافريديم ما آسمانها را

وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ ۗ وَإِنَّ السَّاعَةَ لَآتِيَةٌ ۖ فَاصْفَحِ

و زمين و انچه ميان آنها است مگر بحق ۝ و بدرستى كه قيامت هرآينه آينده است پس درگذر از كفار

الصَّفْحَ الْجَمِيلَ ۝ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ۝ وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ

درگذشتنى نيكو ۝ بدرستى كه پروردگار تو اوست آفريدگار دانا ۝ و بدرستى كه داديم ترا اى محمد

سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ ۝ لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ

هفت آيه بزرگوار كه فاتحة الكتاب است كه مكرر ميشود در هر ركعتى و داديم ترا قرآنى بزرگ ۝ التفات مكن اى سيد رسل چشمهاى خويش

إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَاخْفِضْ

بانچه برخوردار داديم بآن صنفى چند را از ايشان از مال و زينت دنيا ۝ و غمناك مشو از بهر ايشان اگر نگروند ۝ و فرو نه

جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ ۝ وَقُلْ إِنِّي أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ ۝ كَمَا

بال تواضع خويش را از براى مومنان ۝ و بگو بدرستى كه منم بيم كننده روشن ۝ چنانچه

أَنزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ ۝ الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ ۝

فرو فرستاديم عذاب را بر هم سوگند شوندگان ۝ آنها كه كردند قرآنرا پارها پاره نسبت بجزى كردند

فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ۝ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ فَاصْدَعْ

پس بحق پروردگار تو كه هرآينه بپرسيم از ايشان همه ۝ از انچه ايشان كرده باشند با قرآن و پيغمبر ۝ پس ظاهر كن

بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ ۝ إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ ۝

بانچه فرموده ميشوى بآن و اعراض كن از مشركان ۝ بدرستى كه كفايت كرديم ترا شر استهزا كنندگان پنج كس

الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ ۚ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ۝ وَلَقَدْ

آنها كه ميكنند با خداى خدايى ديگر پس زود است كه بدانند ۝ و بدرستى

نَعْلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ ۝ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ

كه ميدانيم كه تو تنگ ميشود سينه تو بسبب انچه ميگويند كفار ۝ پس تسبيح كن بستايش پروردگار خويش

وَكُن مِّنَ السَّاجِدِينَ ۝ وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ ۝

و باش از جمله سجود كنندگان ۝ و پرستش كن پروردگار خويش تا آيد بتو مرگ [illegible]

سورة النحل مائة وثمان وعشرون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

[illegible] بزرگ معبود بحق و مقصود مطلق كه خدايست خداوند رحمت عام و رحمت خاص

أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ ۚ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۝

آمد عذاب خداى پس بشتاب مخواهيد آنرا ۝ [illegible] و برتر از انچه انباز ميگيرند او را

يُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ

فرو ميفرستد فرشتگان را بوحى [illegible] او بر انكه ميخواهد از بندگان خويش

أَنْ أَنذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ ۝ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

كه بيم كنيد كه بدرستى كه نيست هيچ خداى مگر من پس بترسيد از من ۝ آفريد آسمانها و زمين را

بِالْحَقِّ ۚ تَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۝ خَلَقَ الْإِنسَانَ مِن نُّطْفَةٍ فَإِذَا

بحق منزه از انچه انباز ميگيرند او را ۝ آفريد آدمى را از آبى گنده پس انگه

هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ ۝ وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا ۗ لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ

او خصومت كننده روشن است ۝ و چهارپايان آفريد آنرا شما را حاصلست در ان سبب گرمى از پشم و موى آن و منفعتهاى ديگر

وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ۝ وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ

و از ان ميخوريد ۝ و شما راست در ان زينتى هنگامى كه بامداد مى‌بريد شان و آن هنگام

تسرحون وتحمل اثقالكم الى بلد لم تكونوا بالغيه الا بشق

الانفس ان ربكم لرؤف رحيم والخيل والبغال والحمير

لتركبوها وزينة ويخلق ما لا تعلمون وعلى الله قصد السبيل

ومنها جائر ولو شاء لهديكم اجمعين هو الذي انزل

من السماء ماء لكم منه شراب ومنه شجر فيه

تسيمون ينبت لكم به الزرع والزيتون والنخيل والاعناب

ومن كل الثمرات ان في ذلك لاية لقوم يتفكرون

وسخر لكم اليل والنهار والشمس والقمر والنجوم

مسخرات بامره ان في ذلك لايات لقوم يعقلون وما

ذرا لكم في الارض مختلفا الوانه ان في ذلك لاية لقوم

يذكرون وهو الذي سخر البحر لتاكلوا منه لحما طريا

وتستخرجوا منه حلية تلبسونها وترى الفلك مواخر فيه

ولتبتغوا من فضله ولعلكم تشكرون والقى في

الارض رواسي ان تميد بكم وانهارا وسبلا لعلكم تهتدون

وعلامات وبالنجم هم يهتدون افمن يخلق كمن لا

يخلق افلا تذكرون وان تعدوا نعمة الله لا تحصوها ان

الله لغفور رحيم والله يعلم ما تسرون وما تعلنون

والذين يدعون من دون الله لا يخلقون شيئا وهم يخلقون

اموات غير احياء وما يشعرون ايان يبعثون الهكم

اله واحد فالذين لا يؤمنون بالاخرة قلوبهم منكرة

وهم مستكبرون لا جرم ان الله يعلم ما يسرون وما

يعلنون انه لا يحب المستكبرين واذا قيل لهم ماذا انزل

ربكم قالوا اساطير الاولين ۝ ليحملوا اوزارهم كاملة
يوم القيمة ومن اوزار الذين يضلونهم بغير علم الا ساء
ما يزرون ۝ قد مكر الذين من قبلهم فاتى الله بنيانهم
من القواعد فخر عليهم السقف من فوقهم واتيهم
العذاب من حيث لا يشعرون ۝ ثم يوم القيمة يخزيهم ويقول
اين شركاءى الذين كنتم تشاقون فيهم قال الذين اوتوا
العلم ان الخزى اليوم والسوء على الكافرين ۝ الذين
تتوفيهم الملائكة ظالمى انفسهم فالقوا السلم ما كنا
نعمل من سوء بلى ان الله عليم بما كنتم تعملون ۝ فادخلوا ابواب
جهنم خالدين فيها فلبئس مثوى المتكبرين ۝ وقيل
للذين اتقوا ماذا انزل ربكم قالوا خيرا للذين احسنوا فى هذه

الدنيا حسنة ولدار الاخرة خير ولنعم دار المتقين ۝
جنات عدن يدخلونها تجرى من تحتها الانهار لهم فيها
ما يشاءون كذلك يجزى الله المتقين ۝ الذين تتوفيهم
الملائكة طيبين يقولون سلام عليكم ادخلوا الجنة
بما كنتم تعملون ۝ هل ينظرون الا ان تاتيهم الملائكة
او ياتى امر ربك كذلك فعل الذين من قبلهم وما
ظلمهم الله ولكن كانوا انفسهم يظلمون ۝ فاصابهم
سيات ما عملوا وحاق بهم ما كانوا به يستهزءون ۝
وقال الذين اشركوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه
من شىء نحن ولا اباؤنا ولا حرمنا من دونه من شىء كذلك
فعل الذين من قبلهم فهل على الرسل الا البلاغ المبين ۝

ولقد بعثنا في كل امة رسولا ان اعبدوا الله واجتنبوا
الطاغوت فمنهم من هدى الله ومنهم من حقت عليه
الضلالة فسيروا في الارض فانظروا كيف كان عاقبة المكذبين
ان تحرص على هديهم فان الله لا يهدي من يضل وما لهم
من ناصرين ۝ واقسموا بالله جهد ايمانهم لا يبعث الله
من يموت بلى وعدا عليه حقا ولكن اكثر الناس لا يعلمون
ليبين لهم الذي يختلفون فيه وليعلم الذين كفروا
انهم كانوا كاذبين ۝ انما قولنا لشيء اذا اردناه ان نقول
له كن فيكون ۝ والذين هاجروا في الله من بعد ما ظلموا
لنبوئنهم في الدنيا حسنة ولاجر الاخرة اكبر
لو كانوا يعلمون ۝ الذين صبروا وعلى ربهم يتوكلون

وما ارسلنا من قبلك الا رجالا نوحي اليهم فسئلوا
اهل الذكر ان كنتم لا تعلمون ۝ بالبينات والزبر وانزلنا
اليك الذكر لتبين للناس ما نزل اليهم ولعلهم يتفكرون
افامن الذين مكروا السيئات ان يخسف الله بهم الارض
او يأتيهم العذاب من حيث لا يشعرون ۝ او يأخذهم في تقلبهم
فما هم بمعجزين ۝ او يأخذهم على تخوف فان ربكم لرءوف رحيم
اولم يروا الى ما خلق الله من شيء يتفيؤا ظلاله عن اليمين
والشمائل سجدا لله وهم داخرون ۝ ولله يسجد ما في
السموات وما في الارض من دابة والملائكة وهم لا يستكبرون
يخافون ربهم من فوقهم ويفعلون ما يؤمرون ۝ وقال الله
لا تتخذوا الهين اثنين انما هو اله واحد فاياي فارهبون

وله ما في السموات والارض وله الدين واصبا افغير الله

تتقون ۝ وما بكم من نعمة فمن الله ثم اذا مسكم الضر

فاليه تجأرون ۝ ثم اذا كشف الضر عنكم اذا فريق منكم

بربهم يشركون ۝ ليكفروا بما اتيناهم فتمتعوا فسوف

تعلمون ۝ ويجعلون لما لا يعلمون نصيبا مما رزقناهم تالله

لتسئلن عما كنتم تفترون ۝ ويجعلون لله البنات سبحانه

ولهم ما يشتهون ۝ واذا بشر احدهم بالانثى ظل وجهه

مسودا وهو كظيم ۝ يتوارى من القوم من سوء ما بشر به

ايمسكه على هون ام يدسه في التراب الا ساء ما

يحكمون ۝ للذين لا يؤمنون بالاخرة مثل السوء ولله المثل

الاعلى وهو العزيز الحكيم ۝ ولو يؤاخذ الله الناس بظلمهم

ما ترك عليها من دابة ولكن يؤخرهم الى اجل مسمى

فاذا جاء اجلهم لا يستاخرون ساعة ولا يستقدمون ۝

ويجعلون لله ما يكرهون ۝ وتصف السنتهم الكذب

ان لهم الحسنى لا جرم ان لهم النار وانهم مفرطون ۝

تالله لقد ارسلنا الى امم من قبلك فزين لهم الشيطان

اعمالهم فهو وليهم اليوم ولهم عذاب اليم ۝ وما انزلنا

عليك الكتاب الا لتبين لهم الذي اختلفوا فيه وهدى

ورحمة لقوم يؤمنون ۝ والله انزل من السماء ماء فاحيا

به الارض بعد موتها ان في ذلك لاية لقوم يسمعون ۝

وان لكم في الانعام لعبرة نسقيكم مما في بطونه من بين فرث

ودم لبنا خالصا سائغا للشاربين ۝ ومن ثمرات النخيل

والاعناب تتخذون منه سكرا ورزقا حسنا ان في

ذلك لاية لقوم يعقلون ۝ واوحى ربك الى النحل ان

اتخذي من الجبال بيوتا ومن الشجر ومما يعرشون ۝ ثم

كلي من كل الثمرات فاسلكي سبل ربك ذللا يخرج من

بطونها شراب مختلف الوانه فيه شفاء للناس ان

في ذلك لاية لقوم يتفكرون ۝ والله خلقكم ثم يتوفىكم

ومنكم من يرد الى ارذل العمر لكيلا يعلم بعد علم شيئا

ان الله عليم قدير ۝ والله فضل بعضكم على بعض في الرزق

فما الذين فضلوا برادي رزقهم على ما ملكت ايمانهم

فهم فيه سواء افبنعمة الله يجحدون ۝ والله جعل لكم

من انفسكم ازواجا وجعل لكم من ازواجكم بنين

وحفدة ورزقكم من الطيبات افبالباطل يؤمنون وبنعمت

الله هم يكفرون ۝ ويعبدون من دون الله ما لا يملك لهم

رزقا من السموات والارض شيئا ولا يستطيعون ۝ فلا تضربوا

لله الامثال ان الله يعلم وانتم لا تعلمون ۝ ضرب الله مثلا

عبدا مملوكا لا يقدر على شيء ومن رزقناه منا رزقا حسنا

فهو ينفق منه سرا وجهرا هل يستون الحمد لله بل اكثرهم

لا يعلمون ۝ وضرب الله مثلا رجلين احدهما ابكم

لا يقدر على شيء وهو كل على مولىه اينما يوجهه لا يات

بخير هل يستوي هو ومن يامر بالعدل وهو على صراط

مستقيم ۝ ولله غيب السموات والارض وما امر الساعة

الا كلمح البصر او هو اقرب ان الله على كل شيء قدير ۝ والله

اخرجكم من بطون امهاتكم لا تعلمون شيئا وجعل لكم
بیرون آورد شما را از شکمهاء مادران شما در حالی که نمیدانستید هیچ چیزی را وکرد شما را

السمع والابصار والافئدة لعلكم تشكرون ۝
شنواییها وبیناییها ودلها تا باشد که شما شکر کنید این نعمتهای اورا

الم يروا الى الطير مسخرات في جو السماء ما يمسكهن
آیا نگرستند به مرغان مسخر کرده در هوای آسمانی که نگه نمیدارد ایشان را

الا الله ان في ذلك لايات لقوم يؤمنون ۝ والله جعل
مگر خدای بدرستی که دران هر آینه نشانیهاست مر قومی را که بگروند بصانع آنها وخدای کرد

لكم من بيوتكم سكنا وجعل لكم من جلود الانعام بيوتا
از برای شما از خانهای شما آرام کاهی وکرد از برای شما از پوستهای چهارپایان خانها که خیمهاست

تستخفونها يوم ظعنكم ويوم اقامتكم ومن اصوافها
وقتی که سبک برمیدارند آنرا روز سفر ورحلت شما وروز مقیم شدن شما وکرد از پشمها گوسفندان

واوبارها واشعارها اثاثا ومتاعا الى حين ۝ والله جعل
واز پشمهای شتران آن وموییها وبزها آن قماشی وبرخورداریی تا هنگامی که کهنه شود وخدای کرد

لكم مما خلق ظلالا وجعل لكم من الجبال اكنانا وجعل
از برای شما از انچه آفرید از خانها ودرختها وابرها وسایها وکرد از برای شما از کوهها غارها وکرد

لكم سرابيل تقيكم الحر وسرابيل تقيكم باسكم
از برای شما پیراهنها که نگاه دارد شما را از گرما وسرما وپیراهنها از آهن که نگاه دارد شما را از مضرت کارزار

كذلك يتم نعمته عليكم لعلكم تسلمون ۝ فان تولوا
همچنین خدای تمام کند نعمت خویش را بر شما تا مگر شما فرمان بردار شوید پس اگر اعراض کنند

فانما عليك البلاغ المبين ۝ يعرفون نعمت الله ثم ينكرونها
پس نیستی که نیست بر تو الا رسانیدن روشن [illegible] میشناسند نعمتهای خدا را [illegible] پس انکار میکنند

واكثرهم الكافرون ۝ ويوم نبعث من كل امة شهيدا ثم
وبیشترین ایشان کافرانند ویاد کن آن روز که برانگیزانیم از هر امتی پیغمبری از جهت گواهی پس

لا يؤذن للذين كفروا ولا هم يستعتبون ۝ واذا راى الذين
اجازت ندهند بسخن گفتن وعذر آوردن کفار را ونه ایشان را آشتی جویند وچون ببینند آنها که

ظلموا العذاب فلا يخفف عنهم ولا هم ينظرون ۝ واذا
ظالم وکافر بودند عذاب را در قیامت پس سبک کرده نشود از ایشان وایشان را مهلت دهند وچون

راى الذين اشركوا شركاءهم قالوا ربنا هؤلاء شركاؤنا
ببینند آنها که شرک آوردند شریکان خود را که بخدایی گرفته باشند گویند ای پروردگار ما اینها شریکان ما اند

الذين كنا ندعوا من دونك فالقوا اليهم القول انكم
آنها که بودیم ما که میپرستیم آنرا از غیر تو پس جواب گویند بتان ایشان را این سخن بدرستی که شما

لكاذبون ۝ والقوا الى الله يومئذ السلم وضل عنهم ما كانوا
هر آینه از دروغ گویانید وآورند بدرگاه خدای دران روز صلح را وگم شود از ایشان انچه ایشان

يفترون ۝ الذين كفروا وصدوا عن سبيل الله زدناهم عذابا
افترا میکردند از شفاعت بتان آنها که کافر شدند ومنع دیگران کردند از راه خدای زیادت کنیم ایشان را عذابی

فوق العذاب بما كانوا يفسدون ۝ ويوم نبعث في كل
بر عذاب آتش انچه ایشان تباهی کردند ویاد کن ای سید آن روز که برانگیزیم در میان

امة شهيدا عليهم من انفسهم وجئنا بك شهيدا على
هر امتی پیغامبری بگواهی ایشان از میان ایشان وبیاریم ترا ای محمد گواه بر

هؤلاء ونزلنا عليك الكتاب تبيانا لكل شيء وهدى
این گروه امت تو وفرو فرستادیم برتو ای محمد قرآنرا از برای بیان کردن هر چیزی از امر ونهی وتا راه راست

ورحمة وبشرى للمسلمين ۝ ان الله يامر بالعدل والاحسان
ورحمتی وبشارتی مسلمانان را بدرستی که خدای میفرماید بعدل که آن راستی است ونیکویی که ادای فرایض است توحید است

وایتاء ذی القربی وینهی عن الفحشاء والمنکر والبغی
یعظکم لعلکم تذکرون ۝ واوفوا بعهد
الله اذا عاهدتم ولا تنقضوا الایمان بعد توکیدها وقد
جعلتم الله علیکم کفیلا ان الله یعلم ما تفعلون ۝
ولا تکونوا کالتی نقضت غزلها من بعد قوة انکاثا تتخذون
ایمانکم دخلا بینکم ان تکون امة هی اربی من امة انما
یبلوکم الله به ولیبینن لکم یوم القیمة ما کنتم فیه تختلفون ۝
ولو شاء الله لجعلکم امة واحدة ولکن یضل من یشاء
ویهدی من یشاء ولتسئلن عما کنتم تعملون ۝ ولا تتخذوا
ایمانکم دخلا بینکم فتزل قدم بعد ثبوتها وتذوقوا
السوء بما صددتم عن سبیل الله ولکم عذاب عظیم

ولا تشتروا بعهد الله ثمنا قلیلا انما عند الله هو خیر
لکم ان کنتم تعلمون ۝ ما عندکم ینفد وما عند الله باق
ولنجزین الذین صبروا اجرهم باحسن ما کانوا یعملون ۝
من عمل صالحا من ذکر او انثی وهو مؤمن فلنحیینه حیوة
طیبة ولنجزینهم اجرهم باحسن ما کانوا یعملون ۝
فاذا قرات القران فاستعذ بالله من الشیطان الرجیم ۝
انه لیس له سلطان علی الذین امنوا وعلی ربهم یتوکلون ۝
انما سلطانه علی الذین یتولونه والذین هم به مشرکون ۝
واذا بدلنا ایة مکان ایة والله اعلم بما ینزل قالوا انما انت
مفتر بل اکثرهم لا یعلمون ۝ قل نزله روح القدس من ربک
بالحق لیثبت الذین امنوا وهدی وبشری للمسلمین ۝ ولقد

نعلم انهم يقولون انما يعلمه بشر لسان الذي يلحدون

اليه اعجمي وهذا لسان عربي مبين ۝ ان الذين لا يؤمنون

بايات الله لا يهديهم الله ولهم عذاب اليم ۝ انما يفتري

الكذب الذين لا يؤمنون بايات الله واولئك هم الكاذبون ۝

من كفر بالله من بعد ايمانه الا من اكره وقلبه مطمئن

بالايمان ولكن من شرح بالكفر صدرا فعليهم غضب

من الله ولهم عذاب عظيم ۝ ذلك بانهم استحبوا

الحيوة الدنيا على الاخرة وان الله لا يهدي القوم الكافرين ۝

اولئك الذين طبع الله على قلوبهم وسمعهم وابصارهم

واولئك هم الغافلون ۝ لا جرم انهم في الاخرة هم الخاسرون ۝

ثم ان ربك للذين هاجروا من بعد ما فتنوا ثم جاهدوا

وصبروا ان ربك من بعدها لغفور رحيم ۝ يوم تاتي

كل نفس تجادل عن نفسها وتوفى كل نفس ما عملت

وهم لا يظلمون ۝ وضرب الله مثلا قرية كانت امنة

مطمئنة ياتيها رزقها رغدا من كل مكان فكفرت بانعم

الله فاذاقها الله لباس الجوع والخوف بما كانوا يصنعون

ولقد جاءهم رسول منهم فكذبوه فاخذهم العذاب

وهم ظالمون ۝ فكلوا مما رزقكم الله حلالا طيبا واشكروا

نعمت الله ان كنتم اياه تعبدون ۝ انما حرم عليكم

الميتة والدم ولحم الخنزير وما اهل لغير الله به فمن

اضطر غير باغ ولا عاد فان الله غفور رحيم ۝ ولا تقولوا

لما تصف السنتكم الكذب هذا حلال وهذا حرام

لتفتروا على الله الكذب ان الذين يفترون على الله

الكذب لا يفلحون متاع قليل ولهم عذاب اليم

وعلى الذين هادوا حرمنا ما قصصنا عليك من قبل وما

ظلمناهم ولكن كانوا انفسهم يظلمون ثم ان ربك

للذين عملوا السوء بجهالة ثم تابوا من بعد ذلك واصلحوا

ان ربك من بعدها لغفور رحيم ان ابرهيم كان امة

قانتا لله حنيفا ولم يك من المشركين شاكرا لانعمه

اجتبيه وهديه الى صراط مستقيم واتيناه في الدنيا

حسنة وانه في الاخرة لمن الصالحين ثم اوحينا اليك

ان اتبع ملة ابرهيم حنيفا وما كان من المشركين

انما جعل السبت على الذين اختلفوا فيه وان ربك ليحكم

بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه يختلفون ادع الى

سبيل ربك بالحكمة والموعظة الحسنة وجادلهم بالتي هي

احسن ان ربك هو اعلم بمن ضل عن سبيله وهو اعلم

بالمهتدين وان عاقبتم فعاقبوا بمثل ما عوقبتم به ولئن

صبرتم لهو خير للصابرين واصبر وما صبرك الا بالله ولا

تحزن عليهم ولا تك في ضيق مما يمكرون ان الله

مع الذين اتقوا والذين هم محسنون

سورة بني اسرائيل مائة واحدى عشرة آية

بسم الله الرحمن الرحيم

سبحان الذي اسرى بعبده ليلا من المسجد الحرام الى المسجد

الاقصا الذي باركنا حوله لنريه من اياتنا انه هو السميع

الجزء الخامس عشر

معذبين حتى نبعث رسولا ۝ واذا اردنا ان نهلك قرية
امرنا مترفيها ففسقوا فيها فحق عليها القول فدمرناها
تدميرا ۝ وكم اهلكنا من القرون من بعد نوح وكفى بربك
بذنوب عباده خبيرا بصيرا ۝ من كان يريد العاجلة عجلنا
له فيها ما نشاء لمن نريد ثم جعلنا له جهنم يصليها
مذموما مدحورا ۝ ومن اراد الاخرة وسعى لها سعيها وهو
مؤمن فاولئك كان سعيهم مشكورا ۝ كلا نمد هؤلاء
وهؤلاء من عطاء ربك وما كان عطاء ربك محظورا ۝
انظر كيف فضلنا بعضهم على بعض وللاخرة اكبر
درجات واكبر تفضيلا ۝ لا تجعل مع الله الها اخر فتقعد
مذموما مخذولا ۝ وقضى ربك الا تعبدوا الا اياه

وبالوالدين احسانا اما يبلغن عندك الكبر احدهما
او كلاهما فلا تقل لهما اف ولا تنهرهما وقل لهما
قولا كريما ۝ واخفض لهما جناح الذل من الرحمة وقل رب
ارحمهما كما ربياني صغيرا ۝ ربكم اعلم بما في نفوسكم
ان تكونوا صالحين فانه كان للاوابين غفورا ۝ وات
ذا القربى حقه والمسكين وابن السبيل ولا تبذر
تبذيرا ۝ ان المبذرين كانوا اخوان الشياطين وكان
الشيطان لربه كفورا ۝ واما تعرضن عنهم ابتغاء رحمة
من ربك ترجوها فقل لهم قولا ميسورا ۝ ولا تجعل يدك
مغلولة الى عنقك ولا تبسطها كل البسط فتقعد ملوما
محسورا ۝ ان ربك يبسط الرزق لمن يشاء ويقدر انه

كان بعباده خبيرا بصيرا ۝ ولا تقتلوا أولادكم خشية
إملاق نحن نرزقهم وإياكم إن قتلهم كان خطأ
كبيرا ۝ ولا تقربوا الزنا إنه كان فاحشة وساء سبيلا ۝
ولا تقتلوا النفس التي حرم الله إلا بالحق ومن قتل مظلوما
فقد جعلنا لوليه سلطانا فلا يسرف في القتل إنه كان
منصورا ۝ ولا تقربوا مال اليتيم إلا بالتي هي أحسن حتى
يبلغ أشده وأوفوا بالعهد إن العهد كان مسؤولا ۝
وأوفوا الكيل إذا كلتم وزنوا بالقسطاس المستقيم ذلك
خير وأحسن تأويلا ۝ ولا تقف ما ليس لك به علم إن
السمع والبصر والفؤاد كل أولئك كان عنه مسؤولا ۝
ولا تمش في الأرض مرحا إنك لن تخرق الأرض ولن تبلغ

الجبال طولا ۝ كل ذلك كان سيئه عند ربك مكروها ۝
ذلك مما أوحى إليك ربك من الحكمة ولا تجعل مع الله إلها
آخر فتلقى في جهنم ملوما مدحورا ۝ أفأصفاكم ربكم بالبنين
واتخذ من الملائكة إناثا إنكم لتقولون قولا عظيما ۝
ولقد صرفنا في هذا القرآن ليذكروا وما يزيدهم إلا
نفورا ۝ قل لو كان معه آلهة كما يقولون إذا لابتغوا
إلى ذي العرش سبيلا ۝ سبحانه وتعالى عما يقولون
علوا كبيرا ۝ تسبح له السموات السبع والأرض ومن
فيهن وإن من شيء إلا يسبح بحمده ولكن لا تفقهون
تسبيحهم إنه كان حليما غفورا ۝ وإذا قرأت القرآن
جعلنا بينك وبين الذين لا يؤمنون بالآخرة حجابا مستورا

وجعلنا على قلوبهم اكنة ان يفقهوه وفي اذانهم
وبکردیم ما بردلهاء ایشان پوششی که درنیابند آنرا و در گوشهاء ایشان

وقرا واذا ذكرت ربك في القران وحده ولوا على ادبارهم
گرانیست وچون یاد کنی پروردگار خویش در قرآن یگانه وبرگردند بر پشتهاء خویش

نفورا نحن اعلم بما يستمعون به اذ يستمعون اليك
رمیدگان ما داناتریم بآنچه گوش باز میدارند بآن چون گوش باز داشتند بتو

واذ هم نجوى اذ يقول الظالمون ان تتبعون الا رجلا مسحورا
وچون ایشان راز گویند چون گوید ستمکاران پس پیروی نمیکنید مگر مردی جادوی کرده

انظر كيف ضربوا لك الامثال فضلوا فلا يستطيعون
بنگر که چگونه زدند ترا مثلها گم شدند نتوانستند

سبيلا وقالوا ائذا كنا عظاما ورفاتا ائنا لمبعوثون
راه بردن وگفتند چون باشیم استخوانها وریزها پراکنده مارا برانگیزند

خلقا جديدا قل كونوا حجارة او حديدا او خلقا
آفرینشی نو بگوی بباشید سنگی یا آهنی یا آفریده

مما يكبر في صدوركم فسيقولون من يعيدنا قل الذي
ازانچه بزرگ آید اندر دلهاء شما گویند که باز گرداند مارا بگوی آنکه

فطركم اول مرة فسينغضون اليك رءوسهم ويقولون
که بیافرید شمارا نخستین بار می جنبانند سوی تو سرهاء خویش ومی گویند

متى هو قل عسى ان يكون قريبا يوم يدعوكم فتستجيبون
کی باشد آن بگوی مگر که باشد نزدیک آن روز که بخواند شمارا پاسخ کنید

بحمده وتظنون ان لبثتم الا قليلا وقل لعبادي يقولوا
بستایش وی وگمان برید که درنگ نکردید مگر اندکی وبگوی بندگان مرا تا بگویند

حزب

181

التي هي احسن ان الشيطان ينزغ بينهم ان الشيطان
آنچه وی نیکوتر است که دیو عداوت افکند میان ایشان که دیو

كان للانسان عدوا مبينا ربكم اعلم بكم ان يشا يرحمكم
هست مردم را دشمنی هویدا خداوند شما داناترست بشما اگر بخواهد ببخشاید شمارا

او ان يشا يعذبكم وما ارسلناك عليهم وكيلا
یا اگر بخواهد عذاب کند شمارا ونفرستادیم ترا برایشان نگاهبان

وربك اعلم بمن في السماوات والارض ولقد فضلنا بعض
وخداوند تو داناترست بهرکه در آسمانهاست و زمین وما افزون گردانیدیم بعضی

النبيين على بعض واتينا داود زبورا قل ادعوا الذين زعمتم
از پیغمبران بر بعضی وبدادیم داود زبور بگوی بخوانید آنکسها که دعوی کردند

من دونه فلا يملكون كشف الضر عنكم ولا تحويلا اولئك
از بیرون او نه پادشاهی دارند کشادن سختی از شما ونه برگردانیدن ایشانند

الذين يدعون يبتغون الى ربهم الوسيلة ايهم اقرب
آنکسها که میخوانند همی جویند سوی خداوندشان نزدیکی تاکدام ازایشان نزدیکتر

ويرجون رحمته ويخافون عذابه ان عذاب ربك كان
و همی امید دارند رحمت وی و همی ترسند از عذاب وی که عذاب خدای تو هست

محذورا وان من قرية الا نحن مهلكوها قبل يوم القيامة
جای ترسیدن ونیست هیچ دیهی مگر که ما هلاک کنیم آنرا پیش از روز رستخیز

او معذبوها عذابا شديدا كان ذلك في الكتاب مسطورا
یا عذاب کنیم عذابی سخت هست این اندر نامه نبشته یعنی لوح محفوظ

وما منعنا ان نرسل بالايات الا ان كذب بها الاولون
وباز نداشت مارا که بفرستادیمی نشانها مگر آنکه بدروغ داشتند آنرا پیشینیان

وَآتَيْنَا ثَمُودَ النَّاقَةَ مُبْصِرَةً فَظَلَمُوا بِهَا وَمَا نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ

وبداديم قوم ثمود را ماده اشتر هستی پیدا کردند بدان اشتر و نفرستادیم نشانها

إِلَّا تَخْوِيفًا ۝ وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا

مگر بیم کردن را وچون گفتیم ترا که خداوند تو توانا است بر مردمان و نه

جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ

کردیم نمایش انکه بنمودیم ترا مگر آزمایشی مردمانرا ودرخت

الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَنُخَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا ۝

دور کرده از رحمت یعنی زقوم اندر قرآن و بیم کنیم ایشانرا نه همی افزاید ایشانرا مگر از حد درگذشتنی بزرگ

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ قَالَ

وچون گفتیم فریشتکانرا سجده کنید آدم را سجده کردند مگر ابلیس گفت

أَأَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا ۝ قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ

هرگز سجده نکنم آنرا که بیافریدی از گل گفت بینی تو این کس را که برگزیدی

عَلَيَّ لَئِنْ أَخَّرْتَنِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَأَحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا

برمن اگر زمان دهی مرا تا روز رستخیز ببیشه نهم فرزندان اورا مگر

قَلِيلًا ۝ قَالَ اذْهَبْ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاؤُكُمْ

اندکی گفت برو هرکه اتبع کند ترا از ایشان که دوزخ جزای شماست

جَزَاءً مَوْفُورًا ۝ وَاسْتَفْزِزْ مَنِ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ

جزایی تمام کرده ولغزان هرکه توانی از ایشان باآواز تو

وَأَجْلِبْ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكْهُمْ فِي الْأَمْوَالِ

وکرد آر برایشان باسواران تو وپیادکان تو وانباز ایشان باش اندر خواستها یعنی حرام

وَالْأَوْلَادِ وَعِدْهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا ۝

وفرزندان یعنی زنا و وعده کن ایشانرا ونباشد وعدهٔ ایشان دیو مگر فریب

إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَى بِرَبِّكَ وَكِيلًا ۝

بدرستی که بندکان من نیست مرترا برایشان پادشاهی وبسنده است خداوند تو نگه دار

رَبُّكُمُ الَّذِي يُزْجِي لَكُمُ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ

خداوند شما آنست که براند شمارا کشتی اندر دریا تا بجویید از افزونی وی که او

كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا ۝ وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ

هست بشما مهربان وچون رسد بشما سختی اندر دریا گم گرداند انکه همی خوانید

إِلَّا إِيَّاهُ فَلَمَّا نَجَّاكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْإِنْسَانُ

مگر وی یعنی خدای چون رهانند تان سوی دشت روی بگردانید وهست مردم

كَفُورًا ۝ أَفَأَمِنْتُمْ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ

ناسپاس دار ای ایمن گشتند که بزمین برد تان بکرانه دشت یا بفرستد برشما

حَاصِبًا ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ وَكِيلًا ۝ أَمْ أَمِنْتُمْ أَنْ يُعِيدَكُمْ

بادی باسنگ ریزه باز نیابید شما نگاه داری یا ایمن گشتید که باز گرداند تان

فِيهِ تَارَةً أُخْرَى فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِنَ الرِّيحِ فَيُغْرِقَكُمْ

اندر دریا بار دیگر بفرستد برشما شکننده از باد غرقه کند شمارا

بِمَا كَفَرْتُمْ ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ عَلَيْنَا بِهِ تَبِيعًا ۝ وَلَقَدْ كَرَّمْنَا

بانچه ناسپاسی کردید پس نیابید شمارا برما بدان ره برنده وبرگزیدیم

بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ

فرزندان آدم را وبرداشتیم ایشانرا اندر دشت ودریا وروزی دادیم شان از پاکیها

وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا ۝ يَوْمَ نَدْعُو

وافزون گردانیم شان بر بسیاری از آنچه بیافریدیم افزون گردانیدن آن روز که بخوانیم

كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ

هر مردمانی به پیش روایشان هرکه داده شود نامه وی بدست راست وی ایشانند

يقرءون كتابهم ولا يظلمون فتيلا ۝ ومن كان في هذه أعمى
كه برخوانند نامهٔ خويش و ستم كنند برايشان چند [illegible] وهركه هست اندرين جهان نابينا

فهو في الآخرة أعمى وأضل سبيلا ۝ وإن كادوا ليفتنونك
وي باشد دران جهان نابينا وگم راه تر راهي واگرچه خواستند كه بشورانند ترا

عن الذي أوحينا إليك لتفتري علينا غيره وإذا
از آنكه وحي فرستاديم سوي تو تا بافند بر ما جز ازان و آنگه

لاتخذوك خليلا ۝ ولولا أن ثبتناك لقد كدت تركن
بگرفتندي ترا دوستي واگر نه بودي كه استوار كرديم ترا نزديك آمدي كه ميل كني

إليهم شيئا قليلا ۝ إذا لأذقناك ضعف الحيوة وضعف
سوي ايشان چيزي اندك آنگاه بچشانيدمت دوباره عذاب زندگاني و دوباره

الممات ثم لا تجد لك علينا نصيرا ۝ وإن كادوا ليستفزونك
عذاب مرگ باز نيابي ترا بر ما ياري گري واگر خواستند كه بلغزانند ترا

من الأرض ليخرجوك منها وإذا لا يلبثون خلافك إلا
از زمين تا بيرون كنند ترا ازانجا وآنگاه درنگ نكردندي پس تو مگر

قليلا ۝ سنة من قد أرسلنا قبلك من رسلنا ولا تجد
اندكي راه آنكه بفرستاديم از پيش تو از پيغمبران ما و نيابي

لسنتنا تحويلا ۝ أقم الصلوة لدلوك الشمس إلى غسق
راه ما را گردانيدني بپاي دار نماز را گاه وقت گشتن آفتاب تا تاريكي

الليل وقرآن الفجر إن قرآن الفجر كان مشهودا ۝ ومن
شب و خواندن سپيده كه خواندن سپيده باشد فرشته حاضر و از

الليل فتهجد به نافلة لك عسى أن يبعثك ربك مقاما
شب بيدار باش بقرآن خواندن افزوني ترا مگر كه برانگيزد ترا خداوند تو بجايگاه

خلفك

محمودا ۝ وقل رب أدخلني مدخل صدق وأخرجني مخرج
ستوده وبگوي اي پروردگار من اندر آر مرا اندر آوردني راست و بيرون آور مرا بيرون آوردني

صدق واجعل لي من لدنك سلطانا نصيرا ۝ وقل جاء
راست و كن مرا از نزديك تو سلطاني يا نصرت وبگوي آمد

الحق وزهق الباطل إن الباطل كان زهوقا ۝ وننزل من
راستي و نيست گشت باطل كه باطل بود نيست گشته و فرو فرستاديم از

القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنين ولا يزيد الظالمين
قرآن آنچه وي آساني است و رحمت مر گرويدگان ونيفزايد بيدادگران را

إلا خسارا ۝ وإذا أنعمنا على الإنسان أعرض ونأى بجانبه
مگر زيان كاري وچون نيكو كنيم بر مردمان روي بگرداند و دور برود

وإذا مسه الشر كان يؤسا ۝ قل كل يعمل على شاكلته
وچون برسد بدو بدي باشد نوميد گشته بگوي هر كسي كار كند اندر خور خويش

فربكم أعلم بمن هو أهدى سبيلا ۝ ويسئلونك عن الروح
خداوند شما داناتر است بدانكه وي راه نمود راه راست وپرسند ترا از جان

قل الروح من أمر ربي وما أوتيتم من العلم إلا قليلا ۝
بگوي جان از فرمان خداوند منست و نه دادند شما را از دانش مگر اندكي

ولئن شئنا لنذهبن بالذي أوحينا إليك ثم لا تجد لك
واگر خواهيم ببريم آنكه وحي فرستاديم سوي تو باز نيابي ترا

به علينا وكيلا ۝ إلا رحمة من ربك إن فضله كان عليك
بدان بر ما نگاه داري مگر رحمتي از خداوند تو كه افزوني وي هست بر تو

كبيرا ۝ قل لئن اجتمعت الإنس والجن على أن يأتوا بمثل هذا
بزرگ بگوي اگر گرد آيند آدميان و پريان بر آنكه بيارند همچون اين

القرآن لا يأتون بمثله ولو كان بعضهم لبعض ظهيرا ۝

قران نیارند همچون وی واگرچه باشد بعضی ازیشان بهره آن هم پشت

ولقد صرفنا للناس في هذا القرآن من كل مثل فأبى

و ما بگردانیم مردمانرا اندرین قرآن از هر داستانی بخواستند

أكثر الناس إلا كفورا ۝ وقالوا لن نؤمن لك حتى تفجر

بیشترین مردمان مگر ناسپاسداری وگفتند استوار نداریم مرترا تا چون بیرون آری

لنا من الأرض ينبوعا ۝ أو تكون لك جنة من نخيل

مارا از زمین چشمه یا باشد مرترا بوستانی از خرمابنان

وعنب فتفجر الأنهار خلالها تفجيرا ۝ أو تسقط السماء

وانگور بیرون کشانی بیرون آری جویها میان آن بیرون کشانیدنی یا بفکنی آسمان

كما زعمت علينا كسفا أو تأتي بالله والملائكة قبيلا ۝

چنانکه دعوی کردی برما پاره پاره یا بیاری خدای و فریشتگانرا گروه گروه

أو يكون لك بيت من زخرف أو ترقى في السماء ولن

یا باشد مرترا خانه از زر یا بر شوی اندر آسمان و

نؤمن لرقيك حتى تنزل علينا كتابا نقرؤه قل سبحان ربي

استوار نداریم مر برشدن ترا تا فرو آری برما کتابی که برخوانیم آنرا بگوی ای محمد پاکست خداوند

هل كنت إلا بشرا رسولا ۝ وما منع الناس أن يؤمنوا

جز هستم مگر مردی پیغامبری و باز نداشت مردمانرا که بگرویدندی

إذ جاءهم الهدى إلا أن قالوا أبعث الله بشرا رسولا ۝

چون بیامد بدیشان راه راست مگر آنکه گفتند بفرستاد خدای مردی را پیغمبری

قل لو كان في الأرض ملائكة يمشون مطمئنين لنزلنا

بگوی اگر بودی اندر زمین فریشتگان می رفتندی آرمیدگان فرو فرستادیمی

عليهم من السماء ملكا رسولا ۝ قل كفى بالله شهيدا

برایشان از آسمان فریشته پیغمبر بگوی بسندست خدای گواهی

بيني وبينكم إنه كان بعباده خبيرا بصيرا ۝ ومن يهد

میان من و میان شما که اوست ببندگان خویش آگاه و بینا و هرکه راه نماید

الله فهو المهتد ومن يضلل فلن تجد لهم أولياء من دونه

خدای او باشد راه یافته و هرکه گمراه گرداند نیابی ایشانرا دوستان و یاران بجز وی

ونحشرهم يوم القيامة على وجوههم عميا وبكما وصما

وگرد آوریم ایشانرا روز قیامت بر رویها ایشان نابینایان وگنگان وکران

مأواهم جهنم كلما خبت زدناهم سعيرا ۝ ذلك جزاؤهم

جایگاه ایشان دوزخ هرگاه فرونشیند آتش بیفزاییم ایشانرا افروختن اینست جزاء ایشان

بأنهم كفروا بآياتنا وقالوا أئذا كنا عظاما ورفاتا

بدانکه ایشان کافر گشتند بآیتهاء ما وگفتند هرگز چون ما باشیم استخوانها وریزها

أإنا لمبعوثون خلقا جديدا ۝ أولم يروا أن الله الذي

مارا برانگیزند آفرینشی نو هرگز نمی بینند که خدای آنکه

خلق السموات والأرض قادر على أن يخلق مثلهم وجعل

بیافرید آسمانها و زمین تواناست بر آنکه بیافریند همچون ایشان وبکرد

لهم أجلا لا ريب فيه فأبى الظالمون إلا كفورا ۝ قل لو

ایشانرا زمانی که نیست گمان اندران بخواستند بیدادگران مگر ناسپاسداری بگوی اگر

أنتم تملكون خزائن رحمة ربي إذا لأمسكتم خشية الإنفاق

شما پادشاه گردید گنجهای رحمت خدای من آنگاه دست ازنفقه بازگرفتی از ترس نفقه کردن

وكان الإنسان قتورا ۝ ولقد آتينا موسى تسع آيات بينات

وهست آدمی بخیل وبدادیم موسی را نه حجت هویدا

فسئل بني اسرائيل اذ جاءهم فقال له فرعون اني لأظنك

بپرس بني اسرائيل را چون بیامد بدیشان گفت مر او را فرعون من همی گمان برم ترا

يا موسى مسحورا ۝ قال لقد علمت ما انزل هؤلاء الا رب

یا موسی جادوی کرده گفت موسی نیک دانسته که فرو نفرستاد اینها مگر خداوند

السموات والارض بصائر واني لأظنك يا فرعون مثبورا ۝

آسمانها و زمین پیدائیها و من همی گمان برم ترا یا فرعون که هلاک خواهی شدن

فاراد ان يستفزهم من الارض فاغرقناه ومن معه جميعا ۝

خواست فرعون که بیرون کند ایشان را از زمین غرقه کردانیدیمش و آن که با وی بودند همه

وقلنا من بعده لبني اسرائيل اسكنوا الارض فاذا جاء وعد

و گفتیم از پس وی پسران یعقوب را بیارامید بزمین چون بیاید وعده

الاخرة جئنا بكم لفيفا ۝ وبالحق انزلناه وبالحق نزل

آن جهان بیاریم شما را بهم اندر آمیخته و براستی فرو فرستادیم و براستی فرو فرستادیم این قرآن

وما ارسلناك الا مبشرا ونذيرا ۝ وقرانا فرقناه لتقراه على

و نفرستادیم ترا مگر مژده دهنده و بیم کننده و قرآنی که بگفتاریق فرو فرستادیم او تا برخوانی بر

الناس على مكث ونزلناه تنزيلا ۝ قل آمنوا به او لا تؤمنوا ان

مردمان بر درنگ و فرو فرستادیمش فرو فرستادنی بگوی بگروید بوی یا مگروید که

الذين اوتوا العلم من قبله اذا يتلى عليهم يخرون للاذقان

آنکسها که دادند ایشان را دانش از پیش او چون برخوانند بر ایشان فرو افتند بر زنخدانها

سجدا ۝ ويقولون سبحان ربنا ان كان وعد ربنا

سجده کنان و همی گویند پاکست خداوند ما که هست وعده خداوند ما

لمفعولا ۝ ويخرون للاذقان يبكون ويزيدهم خشوعا ۝ قل ادعوا

کرده و بوده و بیفتند بر زنخدانها همی گریند و بیفزاید ایشان را ترسی بگوی بخوانید

الله او ادعوا الرحمن ايا ما تدعوا فله الاسماء الحسنى ولا

خدای یا بخوانید خداوند مهربان بهر کدام نام هر کجا خوانند او راست نامها نیکو و مدار

تجهر بصلاتك ولا تخافت بها وابتغ بين ذلك سبيلا ۝

آواز بنماز تو و مترس پنهان مکن بدان و بجوی میان این دو راهی

وقل الحمد لله الذي لم يتخذ ولدا ولم يكن له شريك في

و بگوی سپاس خدای را آنکه بنگرفت فرزندی و نبود او را انبازی در

الملك ولم يكن له ولي من الذل وكبره تكبيرا ۝

پادشاهی و نبود او را یاری از سستی و بزرگی یاد کن او را بزرگی یاد کردنی

سورة الكهف مائة وعشرة آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

الحمد لله الذي انزل على عبده الكتاب ولم يجعل له

شکر و سپاس خدای را که بفرستاد بر بنده وی کتابی یعنی قرآن و نکرد او را

عوجا ۝ قيما لينذر باسا شديدا من لدنه ويبشر المؤمنين

کژی بلکه راست تا بیم دهد عذابی سخت از حضرت وی و بشارت دهد مؤمنان را

الذين يعملون الصالحات ان لهم اجرا حسنا ۝ ماكثين

آنانی که عمل صالح کنند که ایشان را باشد مزدی نیکو درنگ کنندگان

فيه ابدا ۝ وينذر الذين قالوا اتخذ الله ولدا ۝ ما لهم به من

در آن همیشه و بیم کند آنها که گفتند بگرفت خدای فرزندی نیست ایشان را بدان هیچ

علم ولا لابائهم كبرت كلمة تخرج من افواههم ان يقولون

دانشی و نه نیز مر پدران ایشان را بزرگ است سخنی که بیرون همی آید از دهانهاشان نمی گویند

بالاشمام

الا كذبا ۝ فلعلك باخع نفسك على آثارهم ان لم يؤمنوا

مگر دروغ · تا مگر تو · تباه کننده تن خویش را · بر پیهاشان · که نگروید

بهذا الحديث اسفا ۝ انا جعلنا ما على الارض زينة لها

بدین حدیث · از اندوه · ما کردیم · آنچه · بر · زمین است آرایش مر او را

لنبلوهم ايهم احسن عملا ۝ وانا لجاعلون ما عليها صعيدا

تا آزموده کنیم ایشان را که باشد نیکوتر به کار کردن · وما هستیم کننده · آنچه بر زمین است · خاکی

جرزا ۝ ام حسبت ان اصحاب الكهف والرقيم كانوا

خشک · یا پنداری · که · خداوندان · غار · ونهی کنندگان · بوودند

من آياتنا عجبا ۝ اذ اوى الفتية الى الكهف فقالوا

آن آیتهاء ما · شگفت · که پناه آمدند جوانان · بسوی غار · گفتند

ربنا آتنا من لدنك رحمة وهيئ لنا من امرنا رشدا ۝

خداوند ما بده ما را از · نزد تو · بخشایش · وبساز مارا · از کار ما · راه راست

فضربنا على آذانهم في الكهف سنين عددا ۝ ثم بعثناهم

بزدیم اندر · گوشهاشان · اندر غار · سالها · شمار زده · پس برانگیختیم ایشان را

لنعلم اي الحزبين احصى لما لبثوا امدا ۝ نحن نقص عليك

تا بدانیم · کدامین از دو گروه · شمار گیرنده تر باشند مر آنرا درنگ کردند سرانجام · ما همی بر تو خوانیم

نباهم بالحق انهم فتية آمنوا بربهم وزدناهم هدى

خبر ایشان براستی که ایشان جوانمردان بودند که بگرویده بودند بخداوندشان · و بیفزودیم شان راه یافتن

وربطنا على قلوبهم اذ قاموا فقالوا ربنا رب السموات

واستوار کردیم بر دلهاشان · چون برخواستند · بگفتند خداوند ما · خداوند · آسمانها

والارض لن ندعو من دونه الها لقد قلنا اذا شططا ۝

و زمین · نخوانیم · بجز ازوی · خدای · که گفته باشیم آنگاه دروغ با ستم

هؤلاء قومنا اتخذوا من دونه آلهة لولا يأتون عليهم

اینان · گروه ما · بگرفتند · از پرون وی خدایان · چرا نیارید برایشان

بسلطان بين فمن اظلم ممن افترى على الله كذبا ۝

حجتی · پیدا · کیست ستمکاره تر · از آنکس · که بافد بر خدای · دروغی

واذ اعتزلتموهم وما يعبدون الا الله فاووا الى الكهف

و چون بیکسوی شدی از ایشان · وانچه همی پرستیدند بجز خدای · بروید سوی غار

ينشر لكم ربكم من رحمته ويهيئ لكم من امركم

تا بگستراند شما را خداوند شما · از رحمت خود · وبسازد مر شما را · از کار شما

مرفقا ۝ وترى الشمس اذا طلعت تزاور عن كهفهم ذات

کاری ساخته · و بینی آفتاب را چون برآید · درگردد از غار ایشان · سوی

اليمين واذا غربت تقرضهم ذات الشمال وهم في فجوة

راست · و چون فرو شود همی برد ایشان را · سوی · چپ · وایشان اندر فراخی بودند

منه ذلك من آيات الله من يهد الله فهو المهتد ومن

ازو · این · از · نشانها · خدای است · هرکه راه نماید خدای · اوست راه یافته · و هرکه

يضلل فلن تجد له وليا مرشدا ۝ وتحسبهم ايقاظا

گمراه کرداند · نیابی مر او را دوست و یار · راه نماینده · و پنداری ایشان را که بیداران اند

وهم رقود ونقلبهم ذات اليمين وذات الشمال وكلبهم

و ایشان خفتگان بودند · و همی گردانیم شان · سوی راست · و سوی چپ · و سگ ایشان

باسط ذراعيه بالوصيد لو اطلعت عليهم لوليت منهم

گسترده · دو دست خویش · بدرگاه غار · اگر فرو نگرستی بر ایشان · برگشتی از ایشان

فرارا ولملئت منهم رعبا ۝ وكذلك بعثناهم ليتساءلوا

گریزان · و پر گشتی از ایشان · بیم · و همچنین برانگیختیم شان تا پرسیدند یکدیگر

بَيْنَهُمْ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ كَمْ لَبِثْتُمْ قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ

ميان ايشان گفت گوينده از ايشان چند درنگ كرديم گفتند درنگ كرديم روزی يا بهرهٔ از روزی

قَالُوا رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثْتُمْ فَابْعَثُوا أَحَدَكُمْ بِوَرِقِكُمْ

گفتند خداوند شما داناتراست بدانچه درنگ كردند بفرستند يكی را از شما با درم شما

هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنْظُرْ أَيُّهَا أَزْكَى طَعَامًا فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ

اين سوی شهرستان تا بنگرد كدام پاكيزه تراست خوردنی تا بيارد بشما روزی

مِنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ وَلَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا ۝ إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا

از وی جايگه كاری كند و آگاهی از شما كسی را كه ايشان اگر آگاه شوند

عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ وَلَنْ تُفْلِحُوا

بر سنگسار كنند شمارا يا بازگردانند شمارا اندر دين شان و نه رهيد از عذاب

إِذًا أَبَدًا ۝ وَكَذَلِكَ أَعْثَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ

آنگه هرگز و همچنين برسانيديم بر ايشان تا بدانند كه وعدهٔ خدای

حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَازَعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ

حق است و رستخيز نيست گمان اندر آن چون اختلاف كردند ميان يكديگر اندر كار ايشان

فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِمْ بُنْيَانًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ

گفتند آنكسها بنا بايد كرد بر سر ايشان بنايی خداوندشان داناتراست با ايشان گفتند آنكسها كه

غَلَبُوا عَلَى أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا ۝ سَيَقُولُونَ

غلبه كردند بر كار ايشان بكنيم و برآريم بر ايشان مسجدی همی گويند

ثَلَاثَةٌ رَابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ

سه تن بودند چهارم ايشان سگ ايشان بوده همی گويند پنج تن بودند ششم ايشان

كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ

سگ ايشان بود سخن انداختنی بگزاف و همی گويند هفت تن بودند و هشتم ايشان سگ ايشان بود

قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ بِعِدَّتِهِمْ مَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ ۝ فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ

بگوی خداوند من داناتراست بشمار ايشان نداند ايشان را مگر اندكی پيكار مكن اندر ايشان

إِلَّا مِرَاءً ظَاهِرًا وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا ۝ وَلَا تَقُولَنَّ

مگر پيكار آشكارا و مپرس اندر ايشان از ايشان يكی و مگوييد

لِشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِكَ غَدًا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَاذْكُرْ رَبَّكَ إِذَا

چيزی را كه من كرده خواهم آن فردا مگر كه بخواهد خدای و يادكن خداوند خويش را چون

نَسِيتَ وَقُلْ عَسَى أَنْ يَهْدِيَنِ رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَذَا رَشَدًا ۝

فراموش كنی و بگوی مگر كه راه نمايد مرا خداوند من نزديكتر از اين راه راست

وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا ۝

و درنگ كردند اندر غار خويش سيصد سال و بيفزودند نه سال

قُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثُوا لَهُ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَبْصِرْ بِهِ

بگوی خدای داناتراست بدانچه درنگ كردند او راست پنهانی آسمانها و زمين چون بيناست بدان

وَأَسْمِعْ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا ۝

و شنواست نيست ايشان را بجز وی هيچ ياری و نه انباز گيرنده در حكم خويش يكی را

وَاتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ كِتَابِ رَبِّكَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ

و برخوان آنچه وحی فرستاد سوی تو از نامه خداوند تو بدل كننده نيست كسی سخنان او را

وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا ۝ وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ

و نيابی از بيرون او پناهی و صبر كن تن خويش را با آنها كه همی خوانند

رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ

خداوند خويش بامداد و شبانگاه همی خواهند ديدار او بر مگردان دو چشم خويش را

عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ

از ايشان بخواهی آرايش زندگانی اين جهان و فرمان مبر آن را كه غافل كرديم دل وی را

٧

خمس

عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ اَمْرُهُ فُرُطًا ۝ وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ

از یاد ما وبد نبال رفت آرزوی خودرا وبود کار او از حد گذشته وبگوی راستی از

رَبِّكُمْ فَمَنْ شَآءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَآءَ فَلْيَكْفُرْ اِنَّا اَعْتَدْنَا

خداوند شماست هرکه خواهد بگرود وهرکه خواهد کافر شود که ما ساخته کردیم

لِلظَّالِمِينَ نَارًا اَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا وَاِنْ يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَآءٍ

کافرانرا آتشی که گرد اندر گرد با ایشان سراپرده آتش واگر فریاد خواهند فریاد رسد شان بابی

كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَآءَتْ مُرْتَفَقًا ۝

چون روی گداخته که بریان کند رویهاشان بد شرابیست وبد جاییست

اِنَّ الَّذِينَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ اِنَّا لَا نُضِيعُ اَجْرَ مَنْ

بدرستی که آنها که بگرویدند وکردند نیکیها ما ضایع نکنیم مزد آنکسی

اَحْسَنَ عَمَلًا ۝ اُولٰٓئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ

که نیکوتر کند کاری ایشانند که ایشانراست بوستانها عدن که همی رود از زیر آن

الْاَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ اَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا

جویها پیرایه نهند ایشانرا اندرانجا از دستورنجنها از زر وبپوشند جامها

خُضْرًا مِنْ سُنْدُسٍ وَاِسْتَبْرَقٍ مُتَّكِئِينَ فِيهَا عَلَى الْاَرَآئِكِ

سبز از سندس ودیبا ستبر تکیه زده اندرانجا بر تختها

نِعْمَ الثَّوَابُ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا ۝ وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا

نیک پاداشست ونیک جای کامهاست وبزن ایشانرا مثل

رَجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِاَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ اَعْنَابٍ وَحَفَفْنَاهُمَا

دو مرد بکردیم یکی را از ایشان دو بوستان از انگورها وپیراسته کردیمشان

بِنَخْلٍ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زَرْعًا ۝ كِلْتَا الْجَنَّتَيْنِ اٰتَتْ اُكُلَهَا

بخرمابنان وبکردیم میان آن هردو بوستان کشت هردو بوستان بدادی بر خویش

وَلَمْ تَظْلِمْ مِنْهُ شَيْئًا وَفَجَّرْنَا خِلَالَهُمَا نَهَرًا ۝ وَكَانَ لَهُ

ونه کاستی از آن چیزی وبشکافتیم میان آن هردو بوستان جویی وبود اورا

ثَمَرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ اَنَا اَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا

میوها گفت یار خویش را ووی همی سخن گفت باوی من بیشترم از تو بخواسته

وَاَعَزُّ نَفَرًا ۝ وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ قَالَ مَا

وعزیزتر بگروه واندر شود ببوستان خویش واو ستمکاره بود تن خویش را گفت من

اَظُنُّ اَنْ تَبِيدَ هٰذِهِ اَبَدًا ۝ وَمَا اَظُنُّ السَّاعَةَ قَآئِمَةً وَلَئِنْ

گمان نبرم که نیست شود این بوستان هرگز وگمان نبرم که رستخیز خواستنی است واگر

رُدِدْتُ اِلٰى رَبِّي لَاَجِدَنَّ خَيْرًا مِنْهَا مُنْقَلَبًا ۝ قَالَ لَهُ

بازگردانندم سوی خداوندم بیابم بهتر ازین بوستان جای خویش گفت اورا

صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ اَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ

یار وی واو همی سخن گفت باوی کافر گشتی بدانکسی که بیافرید ترا از خاک پس

مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّاكَ رَجُلًا ۝ لٰكِنَّا هُوَ اللّٰهُ رَبِّي وَلَا اُشْرِكُ

از آبی اندک پس راست کرد ترا مردی لکن وی است خدای خداوندمن وانباز نگردانم

بِرَبِّي اَحَدًا ۝ وَلَوْلَآ اِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَآءَ اللّٰهُ

با خداوند خویش یکی را وچه بودی چون در آمدی ببوستان خویش گفتی آن باشد که خواهد خدا

لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ اِنْ تَرَنِ اَنَا اَقَلَّ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا ۝ فَعَسٰى رَبِّي

نیست نیرو مگر بخدای اگر بینی مرا من کمترم از تو بخواسته وفرزند مگر خداوندم

اَنْ يُؤْتِيَنِ خَيْرًا مِنْ جَنَّتِكَ وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِنَ السَّمَآءِ

که بدهد مرا بهتر از بستان تو وبفرستد بران بستان آتشی یا عذابی از آسمان

فَتُصْبِحَ صَعِيدًا زَلَقًا ۝ اَوْ يُصْبِحَ مَآؤُهَا غَوْرًا فَلَنْ تَسْتَطِيعَ

ببود خاکی نغز هموار یا بشود آب وی فرو رفته نتوانی

لَهُ طَلَبًا ۝ وَأُحِيطَ بِثَمَرِهِ فَأَصْبَحَ يُقَلِّبُ كَفَّيْهِ عَلَى مَا أَنْفَقَ فِيهَا

آنرا جستن ۝ و هلاک کرده شد میوهٔ وی بامداد برخواست همی گردانید دو دست خویش را بر آنچه هزینه کرده بود اندران بستان

وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّي أَحَدًا ۝

و آن بستان افتاده بود بر عرشهای خویش و همی گفت یا کاشکی انباز نکردمی بخداوند خویش کسی را

وَلَمْ تَكُنْ لَهُ فِئَةٌ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مُنْتَصِرًا ۝

و نبود اورا گروهی که یاری کردندیش از بیرون خدای و نبود یعنی نتوانست کینه آختن

هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَخَيْرٌ عُقْبًا ۝ وَاضْرِبْ

آنجا پادشاهی خدای را باشد راست وا و بهتر است پادشاش و بهتر است بسر انجام و بزن یعنی پدید کن

لَهُمْ مَثَلَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ

ایشان را داستان زندگانی این جهان چون آبی که فرو آرمیش از آسمان بیامیخت

بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَاحُ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى

باوی گیاهای زمین بشود خشک می برد بادها و هست خدای بر

كُلِّ شَيْءٍ مُقْتَدِرًا ۝ الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ

هر چیزی توانا خواسته و پسران آرایش زندگانی این جهان اند و آنچه بماند

الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا ۝ وَيَوْمَ نُسَيِّرُ

از نیکیها بهتر نزد خداوند تو بپاداش و بهتر باشد بامید و آن روز که برانیم

الْجِبَالَ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا ۝

کوهها را و ببینی زمین را بیرون آمده و گرد آریم ایشان را بجای کاییم و دست باز نداریم از ایشان کسی را

وَعُرِضُوا عَلَى رَبِّكَ صَفًّا لَقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ

و عرضه کنند ایشان را بر خداوند تو بر صف ایستاده آمدند همچنانکه بیافریدیم شمار انخستین بار

بَلْ زَعَمْتُمْ أَلَّنْ نَجْعَلَ لَكُمْ مَوْعِدًا ۝ وَوُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى

بل دعوی کردند که نکنیم شمارا وعده گاهی و نهاده شود نامه ببینی

الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَالِ هَذَا

گناه کاران را ترسندگان از آنچه اندر نامه باشد و گویند یا وای بر ما چه بوده است این

الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا

نامه را که دست باز ندارد خردی و نه بزرگی مگر که همی شمرد آنرا

وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا ۝ وَإِذْ قُلْنَا

در یابند آنچه کردند بجای آمده و ستم نکنند خداوند تو کسی را و چون گفتیم

لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ

فریشتگان را سجده کنید آدم را سجده کردند مگر ابلیس که بود از پریان

فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ

بیرون شود از فرمان خداوندش تا همی بگیرند اورا و فرزندان اورا دوستان

دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا ۝ مَا أَشْهَدْتُهُمْ

بجز من و ایشان مر شمارا دشمن اند بدست ستمکاران را این بدل حاضر نکردیم شان

خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَا خَلْقَ أَنْفُسِهِمْ وَمَا كُنْتُ

آفرینش آسمانها و زمین و نه آفریدن تنهاء ایشان و نیستم من

مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا ۝ وَيَوْمَ يَقُولُ نَادُوا شُرَكَائِيَ الَّذِينَ

فراگیرنده گمراه کنندگان بازو یعنی یاری دهم و آن روز که گوید بخوانید انبازان مرا آنان که

زَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ مَوْبِقًا ۝

دعوی کردند بخواندند شان نکنند پاسخ ایشان را و بکردیم میان ایشان جای هلاک

وَرَأَى الْمُجْرِمُونَ النَّارَ فَظَنُّوا أَنَّهُمْ مُوَاقِعُوهَا وَلَمْ يَجِدُوا

و ببینند گناه کاران آتش را بی گمان شوند که ایشان اندر افتند انجا و نیابند از انجا

عَنْهَا مَصْرِفًا ۝ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ

از انجا جای بازگشتن و بدرستی بازگردانیدیم اندر این قرآن مردمان را از هر

مثل وكان الانسان اكثر شيء جدلا ۝ وما منع الناس ان

داستانی و هست مردم بیشتر از هر چیزی بپیکار و باز نداشت مردم را که

يؤمنوا اذ جاءهم الهدى ويستغفروا ربهم الا ان تاتيهم

بگرویدندی چون بیامد بدیشان راه راست و آمرزش خواستندی از خداوند خویش مگر آنکه بیاید بدیشان

سنة الاولين او ياتيهم العذاب قبلا ۝ وما نرسل

راه پیشینگان یا بیاید بدیشان عذاب برابر و ما نفرستیم

المرسلين الا مبشرين ومنذرين ويجادل الذين كفروا

پیغمبرانرا مگر مژده دهندگان و بیم کنندگان و پیکار میکردند آنکسها که کافر گشتند

بالباطل ليدحضوا به الحق واتخذوا اياتي وما انذروا هزوا ۝

بباطل تا تباه کنند بدان پیکار راست را و گرفتند آیتهای مرا و آنچه بیم کردند شان افسوس

ومن اظلم ممن ذكر بايات ربه فاعرض عنها ونسي ما

و کیست ظالم تر از آنکه پند دهندش بحجتهای خداوند وی روی برگرداند ازان و فراموش کرد آنچه

قدمت يداه انا جعلنا على قلوبهم اكنة ان يفقهوه

پیش فرستاد دو دست وی ما کردیم بر دلهای ایشان پوششها تا ندانند

وفي اذانهم وقرا وان تدعهم الى الهدى فلن يهتدوا

و اندر گوشهای ایشان گرانی و اگر بخوانی ایشانرا سوی راه راست نه راه یابند

اذا ابدا ۝ وربك الغفور ذو الرحمة لو يؤاخذهم بما كسبوا

هیچ هرگز و خداوند تو آمرزگار است خداوند بخشش اگر بگیرندی ایشانرا بر آنچه کردند

لعجل لهم العذاب بل لهم موعد لن يجدوا من دونه موئلا ۝

شتابانیدی ایشانرا عذاب بل ایشانرا وعده گاهی است که نیابند بجز وی پناهگاهی

وتلك القرى اهلكناهم لما ظلموا وجعلنا لمهلكهم موعدا

و آن دیهها هلاک کردیم شان چون بیداد کردند و کردیم مر هلاک شدن ایشانرا وعده گاهی

واذ قال موسى لفتيه لا ابرح حتى ابلغ مجمع البحرين او

و چون گفت موسی جوانمرد خویش را راست نشوم تا بر رسم بگرد آمدن گاه دو دریا یا

امضي حقبا ۝ فلما بلغا مجمع بينهما نسيا حوتهما

بروم سالها چون برسیدند بگرد آمدن گاه میان هر دو فراموش کردند ماهی خویش را

فاتخذ سبيله في البحر سربا ۝ فلما جاوزا قال لفتيه اتنا

بگرفت یعنی ماهی راه خویش را اندر دریا راهی چون بگذشتند گفت مر جوانمرد خویش را بیار بما

غداءنا لقد لقينا من سفرنا هذا نصبا ۝ قال ارايت

چاشت ما که ما دیدیم از سفر ما این رنج گفت هیچ دیدی

اذ اوينا الى الصخرة فاني نسيت الحوت وما انسانيه

چون منزل کردیم سوی آن سنگ من فراموش کردم ماهی و فراموش نکرد مرا آنرا

الا الشيطان ان اذكره واتخذ سبيله في البحر عجبا ۝

مگر دیو که یاد آوردم آن و بگرفت راه خویش اندر دریا شگفت

قال ذلك ما كنا نبغ فارتدا على اثارهما قصصا ۝

گفت موسی آنست آنچه ما میجستیم پس بازگشتند بر پیهای خویش بر پی جستن

فوجدا عبدا من عبادنا اتيناه رحمة من عندنا وعلمناه

یافتند بنده از بندگان ما بدادیمش بخشایشی از نزد ما و بیاموزانیدیمش

من لدنا علما ۝ قال له موسى هل اتبعك على ان تعلمن

از نزد ما دانشی گفت او را موسی چیز بدوم ترا بر آنکه بیاموزانی مرا

مما علمت رشدا ۝ قال انك لن تستطيع معي صبرا ۝ وكيف

از آنچه بیاموزانیدی راه راست گفت تو نتوانی با من صبری و چگونه

تصبر على ما لم تحط به خبرا ۝ قال ستجدني ان شاء الله

شکیبایی کنی بر آنچه نرسیده باشی بوی دانش گفت یابی مرا اگر خواهد خدای

صابرا ولا اعصي لك امرا ۝ قال فان اتبعتني فلا تسئلني
شکیبایی و بی فرمانی نکنم ترا بکاری گفت اگر بدم من آی پس مپرس مرا
عن شيء حتى احدث لك منه ذكرا ۝ فانطلقا حتى اذا
از چیزی تا بکنم ترا از وی یادکردی برفتند تا چون
ركبا في السفينة خرقها قال اخرقتها لتغرق اهلها لقد
برنشستند اندر کشتی بدریدش گفت موسی بدریدیش تا غرقه کنی مردمان اورا بدرستی
جئت شيئا امرا ۝ قال الم اقل انك لن تستطيع معي صبرا
آوردی چیزی زشت گفت نگفتم ترا تو نتوانی با من شکیبایی کردن
قال لا تؤاخذني بما نسيت ولا ترهقني من امري عسرا ۝
گفت مگیر مرا بآنچه فراموش کردم و اندر مخواه از کار من دشخواری
فانطلقا حتى اذا لقيا غلاما فقتله قال اقتلت نفسا
برفتند تا چون بدیدند کودکی را بکشتش گفت کشتی تنی
زكية بغير نفس لقد جئت شيئا نكرا ۝ قال الم اقل لك انك
پاکیزه بی کشتن تنی آوردی چیزی ناپسندیده گفت نگفتم ترا که تو
لن تستطيع معي صبرا ۝ قال ان سالتك عن شيء بعدها فلا تصاحبني
نتوانی با من صبر کردن گفت اگر بپرسمت از چیزی پس این مکن صحبت با من
قد بلغت من لدني عذرا ۝ فانطلقا حتى اذا اتيا اهل قرية
رسیدی از نزد من بعذر برفتند تا چون بیامدند بباشندگان دیهی
استطعما اهلها فابوا ان يضيفوهما فوجدا فيها
خوردنی خواستند از باشندگان آن دیه باز ایستادند که مهمانی کنند ایشانرا یافتند اندر انجا
جدارا يريد ان ينقض فاقامه قال لو شئت لاتخذت عليه
دیواری خواست که بیفتد بپای کردش گفت اگر بخواستی بگرفتی بروی

اجرا ۝ قال هذا فراق بيني وبينك سانبئك بتاويل ما لم
مزدی گفت این جدایی است میان من و میان تو بگویم ترا تعبیر آنچه
تستطع عليه صبرا ۝ اما السفينة فكانت لمساكين
نتوانستی بروی صبر کردن اما کشتی بود مردرویشانرا
يعملون في البحر فاردت ان اعيبها وكان وراءهم ملك ياخذ
که کار همی کردند اندر دریا خواستم که عیب کنم آنرا و بود از پس ایشان پادشاهی که بگرفت
كل سفينة غصبا ۝ واما الغلام فكان ابواه مؤمنين
هر کشتی را بستم واما آن کودک بودند مادر و پدر وی گرویدگان
فخشينا ان يرهقهما طغيانا وكفرا ۝ فاردنا ان
بترسیدیم که اندر خواهد از ایشان طغیان و کافری خواستیم که
يبدلهما ربهما خيرا منه زكوة واقرب رحما ۝ واما
بدل دهد ایشانرا خداوند ایشان بهتر از وی بپاکی و نزدیکتر مهربانی واما
الجدار فكان لغلامين يتيمين في المدينة وكان تحته
دیوار بود دو کودک را بی پدران اندر شهر و بود زیر آن دیوار
كنز لهما وكان ابوهما صالحا فاراد ربك ان يبلغا
گنجی ایشانرا و بود پدر ایشان نیک مرد بخواست خداوند تو که برسند
اشدهما ويستخرجا كنزهما رحمة من ربك وما فعلته عن
به برومندی خویش و بیرون آرند گنج ایشان بخشایشی از خداوند تو و نکردم آنرا از
امري ذلك تاويل ما لم تسطع عليه صبرا ۝ ويسئلونك عن
فرمان من اینست تعبیر آنچه نتوانستی بران صبر کردن و همی پرسند ترا از
ذي القرنين قل سائلوا عليكم منه ذكرا ۝ انا مكنا له في
ذو القرنین بگوی زود برخوانم بر شما از وی یادکردی ما جای دادیم اورا اندر

الأرض وآتيناه من كل شيء سببا ۞ فأتبع سببا حتى إذا
زمین و بدادیمش از هر چیزی سازی بدم رفت سازی را تا چون

بلغ مغرب الشمس وجدها تغرب في عين حمئة ووجد
برسید به فرو رفتن گاه آفتاب بیافت اورا همی فرو رفت اندر چشمه گرم و بیافت

عندها قوما ۞ قلنا يا ذا القرنين إما أن تعذب وإما
نزدوی گروهی را گفتیم یا ذا القرنین یا مرایشانرا عذاب کنی و یا

أن تتخذ فيهم حسنا ۞ قال أما من ظلم فسوف نعذبه
بگیری اندر ایشان نیکوی گفت اما آنکه بیداد کند زود عذابش کنم

ثم يرد إلى ربه فيعذبه عذابا نكرا ۞ وأما من آمن وعمل صالحا
پس بازگردانندش سوی خداوند خویش عذاب کندش عذابی ناپسندیده واما آنکسی که بگرود و بکند نیکی

فله جزاء الحسنى وسنقول له من أمرنا يسرا ۞ ثم أتبع سببا
اورا باشد مزد نیکوترین و هر آینه بگوییم مر اورا از کارها آسانی پس بدم رفت سازی را

حتى إذا بلغ مطلع الشمس وجدها تطلع على قوم لم نجعل
تا چون برسید بر آمدن گاه آفتاب بیافت اورا همی بر آمد بر گروهی نکردیم

لهم من دونها سترا ۞ كذلك وقد أحطنا بما لديه خبرا ۞
ایشانرا از بیرون آن اندر پرده همچنین و بر رسیده بودیم بدانچه نزدوی بود دانشی

ثم أتبع سببا ۞ حتى إذا بلغ بين السدين وجد من دونهما
باز بدم رفت سازی را تا چون برسید میان دو کوه بیافت بیش از دو کوه

قوما لا يكادون يفقهون قولا ۞ قالوا يا ذا القرنين إن
گروهی نه خواستند که بدانند گفتاری گفتند یا ذا القرنین که

يأجوج ومأجوج مفسدون في الأرض فهل نجعل لك خرجا
یاجوج و ماجوج تباه کاران اند اندر زمین خود چه نا کنیم مر ترا خراجی

على أن تجعل بيننا وبينهم سدا ۞ قال ما مكني فيه
بر آنچه بکنی میان ما و میان ایشان بندی گفت آنچه توانایی داد مرا اندروی

ربي خير فأعينوني بقوة أجعل بينكم وبينهم ردما ۞
خداوند من بهتر یاری کنید مرا بنیروی تا بکنم میان شما و میان ایشان بندی

آتوني زبر الحديد حتى إذا ساوى بين الصدفين قال انفخوا
بیارید بمن تختها آهن تا چون برابر باشد میان دو کوه گفت بدمید

حتى إذا جعله نارا قال آتوني أفرغ عليه قطرا ۞ فما
تا چون بگردش آتشی گفت بدهید مرا تا فرو ریزم بر او روی گداخته نه

اسطاعوا أن يظهروه وما استطاعوا له نقبا ۞ قال هذا
توانستند که بر آمدندی بروی و نتوانستند مر او را سوراخ کردن گفت این

رحمة من ربي فإذا جاء وعد ربي جعله دكاء وكان وعد
رحمتی است از پروردگار من و چون بیاید وعده خداوند من بگردش پاره پاره و هست وعده

ربي حقا ۞ وتركنا بعضهم يومئذ يموج في بعض
خداوند من راست و بماندیم بهره از ایشان آن روز که اندر شدند اندر بهره

ونفخ في الصور فجمعناهم جمعا ۞ وعرضنا جهنم يومئذ
و اندر دمیده شد اندر صور گرد آریم ایشانرا گرد آوردنی و عرضه کردیم دوزخ را آن روز

للكافرين عرضا ۞ الذين كانت أعينهم في غطاء عن
ناگرویدگانرا عرضه کردنی آنکسها که بود چشمها ایشان اندر پوششی از

ذكري وكانوا لا يستطيعون سمعا ۞ أفحسب الذين كفروا
یاد من و بودند نتوانستند شنیدن یا پنداشتند آنکسها که کافر شدند

أن يتخذوا عبادي من دوني أولياء إنا أعتدنا جهنم
که بگیرند بندگان مرا بجز من دوستان و یاران ما بساختیم دوزخ

لِلْكَافِرِينَ نُزُلًا ۝ قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا ۝ الَّذِينَ ضَلَّ
ناگرویدگان را جای فرود آمدن بگوی خواهی تا آگاهی دهم شما را به زیان کارترین کارها آنکسها که گم شد

سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ
رنج ایشان اندر زندگانی دنیا و ایشان پندارند که ایشان همی نیکو کنند

صُنْعًا ۝ أُولٰئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ
کار ایشانند آنکسها که کافر شدند بحجتها خداوندشان و بر رسیدن بوی

فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَزْنًا ۝ ذٰلِكَ
تباه گشت کارها ایشان بپای نکنیم ایشانرا روز قیامت سنجیدنی آنست

جَزَاؤُهُمْ جَهَنَّمُ بِمَا كَفَرُوا وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَرُسُلِي هُزُوًا ۝
پاداش ایشان دوزخ بدانچه کافر گشتند و بگرفتند حجتها مارا و پیغمبران مرا بافسوس

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ
بدرستی که آنکسها که بگرویدند و کردند نیکیها باشد ایشانرا بوستانها

الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا ۝ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا ۝ قُلْ لَوْ
بهشت جای فرود آمدن جاودانه اندر آنجا نجویند از آنجا گشتن بگوی اگر

كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ
بودی دریا مداد سخنان خداوند مرا سپری گشتی دریا از پیش که بر سد

كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا ۝ قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ
سخنان خداوند من و اگر بیاریم همچندان آنرا مدد بگوی من آنم که مردی ام همچون شما

يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلٰهُكُمْ إِلٰهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُو
پیغام دهد بمن که خداوند شما خدایست یگانه هر که بود امید دارد

لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا ۝
دیدار خداوندش بکند کار نیک و نه انباز گیرد بپرستیدن خداوند خویش هیچ کس

سُورَةُ مَرْيَمَ ثَمَانٍ وَتِسْعُونَ آيَةً مَكِّيَّةٌ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشاینده مهربان

كٓهٰيٰعٓصٓ ۝ ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَرِيَّا ۝ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ
خداوند بسنده کارها ای یادکرد مهربانی خداوندت بنده خویش را زکریا آنگاه برخواند خداوند خویش را

نِدَاءً خَفِيًّا ۝ قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ
خواندنی نرم گفت خداوند خویش را من آنم که استخوان و اندام من سست گشت و در ایستید

الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا ۝ وَإِنِّي خِفْتُ
سر به پیری و هرگز نبودم بخواندن تو خداوند من بدبختی و درستی که من می ترسم

الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ
بازدکان من از پس مرگ خویش و هست زن من نازاینده پس ببخش مرا از نزد خویش

وَلِيًّا ۝ يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ
فرزندی که میراث برد از من و میراث برد از همه نژاد و فرزندان یعقوب و گردان آن فرزند را ای آفریدگار

رَضِيًّا ۝ يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَىٰ لَمْ نَجْعَلْ
پسندیده ای زکریا ما بشارت میدهیم ترا به پسری نام او یحیی نیافریدیم

لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا ۝ قَالَ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَكَانَتِ
او را از پیش از وی همنام گفت ای خداوند من چون بود مرا پسری و هست

امْرَأَتِي عَاقِرًا وَقَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا ۝ قَالَ كَذٰلِكَ
زن من نازاینده و بدرستی که رسیده ام من از پیری به تباهی گفت فرشته چنین است

قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَقَدْ خَلَقْتُكَ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ تَكُ
گفت خداوند تو این کار بر من آسان است و بدرستی که من بیافریدم ترا از پیش و نبودی تو

شيئا ۝ قال رب اجعل لي آية قال آيتك الا تكلم الناس

هیچ ۝ گفت خداوندا من بنمای مرا نشانی گفت نشان تو آنست که سخن نگویی با مردمان

ثلث ليال سويا ۝ فخرج على قومه من المحراب فاوحى اليهم

سه شبانروز راست بیرون آمد دران سه روز بر قوم خویش از کوشک خویش پس وحی کرد بایشان

ان سبحوا بكرة وعشيا ۝ يا يحيى خذ الكتاب بقوة وآتيناه

که نماز کنید بامداد و شبانگاه ای یحیی بگیر نامه و دین به نیروی و دادیم اورا

الحكم صبيا ۝ وحنانا من لدنا وزكوة وكان تقيا ۝ وبرا

حکم [illegible] در کودکی و نیکی دادیم از نزد خویش و پسندیده بود پرهیزکار و نیکوکار و نیکوکار

بوالديه ولم يكن جبارا عصيا ۝ وسلام عليه يوم ولد

با مادر و پدر خویش و نبود ستم کار بر خلق و نه عاصی و سلام بر یحیی آن روز که زاد

ويوم يموت ويوم يبعث حيا ۝ واذكر في الكتاب مريم

و آن روز که بمیرد و آن روز که برانگیزانند زنده یاد کن در قرآن مریم

اذ انتبذت من اهلها مكانا شرقيا ۝ فاتخذت من

آنگاه که یکسو شد دور از کسان خویش بجایگاهی از سوی برآمدن آفتاب پس گرفت از

دونهم حجابا فارسلنا اليها روحنا فتمثل لها بشرا سويا

نزد ایشان پرده فرستادیم با آن روح خویش تا ماننده کرد اورا مردی خوش یکسان

قالت اني اعوذ بالرحمن منك ان كنت تقيا ۝ قال انما انا

مریم گفت بدرستی که من پناه می‌گیرم بخداوند خویش از تو اگر باشد تو پرهیزکار جبرئیل گفت من بدانم من بدانم

که تو می‌پنداری که من

رسول ربك لاهب لك غلاما زكيا ۝ قالت انى يكون

فرستاده خداوند توام تا ببخشم ترا پسری هنری پاک گفت مریم چون باشد مرا

لي غلام ولم يمسسني بشر ولم اك بغيا ۝ قال كذلك

مرا پسری و نرسیده و نسائیده مرا هیچ مرد و من نبودم زناکار جبرئیل گفت همچنین

قال ربك هو علي هين ولنجعله آية للناس ورحمة منا

گفت خداوند تو که آن بر من خوار و آسانست و گردانم اورا نشانی مردمان را و بخشایشی از ما

وكان امرا مقضيا ۝ فحملته فانتبذت به مكانا

آن بود از ما کاری خواسته و رانده پس بار گرفت مریم دور شد با آن جایگاهی دور جایگاهی

قصيا ۝ فاجاءها المخاض الى جذع النخلة قالت يا ليتني

دور بیامد اورا درد زه خواستن که با تنه خرما گفت مریم کاشکی بودمی

مت قبل هذا وكنت نسيا منسيا ۝ فناديها من تحتها

مرده پیش از این و بودی چیزی که فراموش باشد پس آواز داد آنکه در شکم او بود

الا تحزني قد جعل ربك تحتك سريا ۝ وهزي اليك

اندوهگن مباش بیافرید آفریدگار تو زیر قدم تو جوی آب بجنبان بسوی خود

بجذع النخلة تساقط عليك رطبا جنيا ۝ فكلي

تنه درخت خرما تا فرو افتد بر تو خرما تر در هنگام رسیده رطب میخور

واشربي وقري عينا فاما ترين من البشر احدا ۝ فقولي

و آب می‌آشام و شاد دار چشم روشن میدار اگر کسی ببینی از مردمان یکی بگوی که من

اني نذرت للرحمن صوما فلن اكلم اليوم انسيا ۝ فاتت

بپذیرفته ام خدای را خاموشی سخن نخواهم گفت امروز با مردمان بیامد

به قومها تحمله قالوا يا مريم لقد جئت شيئا فريا ۝ يا اخت

با او بگروه خویش برگرفت عیسی گفتند ای مریم بدرستی که آوردی چیزی شگفت و منکر ای خواهر

هرون ما كان ابوك امرا سوء وما كانت امك بغيا ۝

هرون نبود پدر تو مردی بد و نبود مادر تو زانیه

فاشارت اليه قالوا كيف نكلم من كان في المهد صبيا ۝

پس اشارت کرد با عیسی گفتند چون سخن گوییم با کسی که باشد در گهواره کودکی خرد

قال انى عبد الله اتانى الكتاب وجعلنى نبيا ○
گفت عیسی مریمی که من بندهٔ خدایم مرا دین داد و انجیل و مرا کرد پیغمبر

وجعلنى مباركا اينما كنت واوصانى بالصلوة والزكوة
وگردانید مرا با برکت هرجا که باشم و مرا اندرز کرد نماز و زکوه

ما دمت حيا ○ وبرا بوالدتى ولم يجعلنى جبارا شقيا ○
تا باشم زنده و نیکوکار با مادر خویش و نگردانید مرا نابخشنده بدبخت

والسلام على يوم ولدت ويوم اموت ويوم ابعث حيا ○
و درود خدای بر من آنروز که بزادم و آنروز که بمیرم و آن روز که برانگیزانند مرا زنده

ذلك عيسى ابن مريم قول الحق الذى فيه يمترون ○ ما كان
اینست عیسی پسر مریم سخن خدای این عیسی که در وی شکاند ترسایان سخن خدای چه میگویند نیست

لله ان يتخذ من ولد سبحانه اذا قضى امرا فانما يقول له كن
خدای را که بگیرد هیچ فرزندی پاکی و عیبی اورا چون خواهد که کند کاری جز آن نبود که گوید اورا باش

فيكون ○ وان الله ربى وربكم فاعبدوه هذا صراط
تا می بود و بدرستی که خدای خدای من است و خدای شما اورا پرستید اینست راه

مستقيم ○ فاختلف الاحزاب من بينهم فويل للذين كفروا
راست مختلف شدند در سخن ترسایان از میان ایشان ویل و نفرین ایشان را که کافر شدند

من مشهد يوم عظيم ○ اسمع بهم وابصر يوم ياتوننا لكن
از حاضر شدن روز بزرگوار نمیشنوند با ایشان و صواب نمی بینند آنروز که بما آیند لیکن

الظالمون اليوم فى ضلال مبين ○ وانذرهم يوم الحسرة
ستمکاران امروز در گمراهی آشکارا بیم نمای ایشان را از روز دریغ و حسرت

اذ قضى الامر وهم فى غفلة وهم لا يؤمنون ○ انا نحن نرث
اگر که خلق بر سر دو راه گسیل کنند و ایشان در غفلت اند و ایشان نمی گروند ما ایم که میراث

الارض ومن عليها والينا يرجعون ○ واذكر فى الكتاب
زمین و بازماندگان از مردگان میراث بریم و همه را با ما آرند یاد کن در این نامه

ابرهيم انه كان صديقا نبيا ○ اذ قال لابيه يا ابت لم تعبد
ابرهیم علیه السلام بدرستی که بود راست کار پیغمبر آنگاه گفت پدر خویش را ای پدر چرا می پرستی

ما لا يسمع ولا يبصر ولا يغنى عنك شيئا ○ يا ابت انى
آن که نشنود و نبیند و ترا سود نکند از تو چیزی ای پدر من بدرستی

قد جاءنى من العلم ما لم ياتك فاتبعنى اهدك صراطا
که آمد به من از دانش که نیامد به تو پس پی من رو که راه نمایم ترا راه راست

سويا ○ يا ابت لا تعبد الشيطان ان الشيطان كان
درست ای پدر مپرست دیو را بدرستی که هست دیو هست

للرحمن عصيا ○ يا ابت انى اخاف ان يمسك عذاب من
خدای را عاصی ای پدر بدرستی که من می ترسم که برسد بتو عذابی از

الرحمن فتكون للشيطان وليا ○ قال اراغب انت عن
خداوند رحمن باشد تو دیو را دوست گفت پدر باز خواهی ایستاد تو از

الهتى يا ابرهيم لئن لم تنته لارجمنك واهجرنى مليا ○
خدایان من ای ابرهیم اگر باز نایستی از دشنام دادن خدایان را سنگسار کنم ترا و فرا از من یکچندی

قال سلام عليك ساستغفر لك ربى انه كان بى حفيا ○
گفت ابرهیم بپردیم از تو ... آمرزش خواهم ترا از خداوند خویش بدرستی که او بمن مهربان است

واعتزلكم وما تدعون من دون الله وادعوا ربى عسى الا
و جدایی جویم از شما و آنچه می خوانید جز از خدای و بخوانم خداوند خویش مگر که

اكون بدعاء ربى شقيا ○ فلما اعتزلهم وما يعبدون من
من نا خواندن خداوند خویش و بی بدبخت نیم چون ... و آنچه می پرستیدند جز از

دون الله وهبنا له اسحق ويعقوب وكلا جعلنا نبيا

ووهبنا لهم من رحمتنا وجعلنا لهم لسان صدق عليا

واذكر في الكتاب موسى انه كان مخلصا وكان رسولا

نبيا وناديناه من جانب الطور الايمن وقربناه نجيا ووهبنا

له من رحمتنا اخاه هرون نبيا واذكر في الكتاب اسمعيل

انه كان صادق الوعد وكان رسولا نبيا وكان يأمر

اهله بالصلوة والزكوة وكان عند ربه مرضيا واذكر

في الكتاب ادريس انه كان صديقا نبيا ورفعناه مكانا

عليا اولئك الذين انعم الله عليهم من النبيين

من ذرية ادم وممن حملنا مع نوح ومن ذرية ابرهيم

واسرائيل وممن هدينا واجتبينا اذا تتلى عليهم ايات

الرحمن خروا سجدا وبكيا فخلف من بعدهم خلف

اضاعوا الصلوة واتبعوا الشهوات فسوف يلقون غيا

الا من تاب وامن وعمل صالحا فاولئك يدخلون الجنة

ولا يظلمون شيئا جنات عدن التي وعد الرحمن عباده

بالغيب انه كان وعده مأتيا لا يسمعون فيها لغوا

الا سلاما ولهم رزقهم فيها بكرة وعشيا تلك الجنة

التي نورث من عبادنا من كان تقيا وما نتنزل الا

بامر ربك له ما بين ايدينا وما خلفنا وما بين ذلك وما

كان ربك نسيا رب السموات والارض وما بينهما فاعبده

واصطبر لعبادته هل تعلم له سميا ويقول الانسان ائذا

ما مت لسوف اخرج حيا اولا يذكر الانسان انا

خلقناه من قبل ولم يك شيئا ۝ فوربك لنحشرنهم

والشياطين ثم لنحضرنهم حول جهنم جثيا ۝ ثم

لننزعن من كل شيعة ايهم اشد على الرحمن عتيا ۝

ثم لنحن اعلم بالذين هم اولى بها صليا ۝ وان منكم

الا واردها كان على ربك حتما مقضيا ۝ ثم ننجي الذين

اتقوا ونذر الظالمين فيها جثيا ۝ واذا تتلى عليهم اياتنا

بينات قال الذين كفروا للذين امنوا اي الفريقين خير

مقاما واحسن نديا ۝ وكم اهلكنا قبلهم من قرن

هم احسن اثاثا ورئيا ۝ قل من كان في الضلالة فليمدد

له الرحمن مدا ۝ حتى اذا راوا ما يوعدون اما العذاب

واما الساعة فسيعلمون من هو شر مكانا واضعف جندا

ويزيد الله الذين اهتدوا هدى والباقيات الصالحات

خير عند ربك ثوابا وخير مردا ۝ افرايت الذي كفر

باياتنا وقال لاوتين مالا وولدا ۝ اطلع الغيب ام اتخذ

عند الرحمن عهدا ۝ كلا سنكتب ما يقول ونمد له من العذاب

مدا ۝ ونرثه ما يقول ويأتينا فردا ۝ واتخذوا من دون

الله الهة ليكونوا لهم عزا ۝ كلا سيكفرون بعبادتهم

ويكونون عليهم ضدا ۝ الم تر انا ارسلنا الشياطين

على الكافرين تؤزهم ازا ۝ فلا تعجل عليهم انما نعد لهم

عدا ۝ يوم نحشر المتقين الى الرحمن وفدا ۝ ونسوق المجرمين

الى جهنم وردا ۝ لا يملكون الشفاعة الا من اتخذ عند

الرحمن عهدا ۝ وقالوا اتخذ الرحمن ولدا ۝ لقد جئتم شيئا ادا

تكاد السموات يتفطرن منه وتنشق الارض وتخر الجبال

نزدیک شد آسمانها که بشکافند و پاره شود از گفت ایشان و باز شکافند زمین و درهم افتد کوهها

هدا ۝ ان دعوا للرحمن ولدا ۝ وما ينبغي للرحمن ان يتخذ

پاره پاره که ایشان گفتند خدایرا فرزند و نسزد خدایرا که فرا گیرد

ولدا ۝ ان كل من في السموات والارض الا اتي

فرزندی هست هر که در آسمانها و زمین است مگر آینده در قیامت

الرحمن عبدا ۝ لقد احصيهم وعدهم عدا ۝ وكلهم

بسوی رحمن در حالتی که بنده باشد بدرستی که همه دانسته است ایشانرا و شمرده ایشانرا شمردنی و همه ایشان

اتيه يوم القيمة فردا ۝ ان الذين امنوا وعملوا الصالحات

آینده گان اند بسوی روز قیامت تنها بدرستی آنان که گرویدند و کار کردند کارهای شایسته

سيجعل لهم الرحمن ودا ۝ فانما يسرناه بلسانك لتبشر به

زود باشد که بدید کند برای ایشان خدای دوستی پس جز این نیست که قرآن بزبان تو آسان کردانیده‌ام تا مژده دهی باو

المتقين وتنذر به قوما لدا ۝ وكم اهلكنا قبلهم

پرهیزکاران را و بیم کنی باو گروهی ستیزه کاران و چند هلاک کردیم پیش از قوم خود

من قرن هل تحس منهم من احد او تسمع لهم ركزا ۝

از اهل زمانی هیچ می یابی از ایشان هلاک شدگان یکی را یا می شنوانی از ایشان آوازی

سورة طه مكية مائة وخمس وثلثون اية

بسم الله الرحمن الرحيم

طه ۝ ما انزلنا عليك القران لتشقى ۝ الا تذكرة لمن يخشى

ای محمد پاک رسالت فرو فرستادیم بر تو قرآن تا تو رنجور شوی بجواب بگو یاد دادنی آنکس که بترسد

تنزيلا ممن خلق الارض والسموات العلى ۝ الرحمن على العرش

فرو فرستاده از آنکس که بیافرید زمین و آسمانها زبرین را خدای بر عرش

استوى ۝ له ما في السموات وما في الارض وما بينهما وما

مستوی شد بی مثلی و تشبیهی او راست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و آنچه در میان آسمان و زمین است و آنچه

تحت الثرى ۝ وان تجهر بالقول فانه يعلم السر واخفى

در زیر زمین و گفته اند ثری تمام زمین زیر ثری است و اگر بلند گویی سخن او میداند پوشیده و آنچه نهانتر از نهان

الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنى ۝ وهل اتيك

خداست که نیست خدای مگر او او راست نامها نیکو و آیا آمده تو

حديث موسى ۝ اذ راى نارا فقال لاهله امكثوا اني

سخن موسی آنکه دید آتش پس گفت زن خویشرا که درنگ کنید که من

انست نارا لعلي اتيكم منها بقبس او اجد على النار هدى

دیدم آتشی تا مگر من آرم شمارا از آن آتش پاره یا یابم بر آن آتش راهنمایی

فلما اتيها نودي يا موسى ۝ اني انا ربك فاخلع نعليك

پس آنگاه که بیامد بآن آتش ندا کرده شد که ای موسی بدرستی که من منم پروردگار تو پس بیرون کن از پای نعلین تو

انك بالواد المقدس طوى ۝ وانا اخترتك فاستمع لما

بدرستی که در وادی پاک ستوده که طوی نام دارد و من برگزیدم ترا پس گوش دار آنچه که

يوحى ۝ انني انا الله لا اله الا انا فاعبدني ۝ واقم الصلوة

وحی کرده میشود منم خدای نیست خدای مگر من پس مرا پرست و بپای میدار نماز

لذكري ۝ ان الساعة اتية اكاد اخفيها لتجزى كل نفس

یاد کردن مرا بدرستی که قیامت آمدنی است نزدیک بود که علم قیامت مخفی دارم تا پاداش دهند مر هر تنی را

بما تسعى ۝ فلا يصدنك عنها من لا يؤمن بها واتبع هويه

بآن چیز از عملها که میکند باز نگرداناد ترا از آن خبر آنکس که نگرویده است بآن و بر پی هوا رود

فتردى وما تلك بيمينك يا موسى قال هي عصاي اتوكؤ

هلاک شوی · و آن چیست که در دست راست ای موسی · گفت آن عصای منست ایستاده

عليها واهش بها على غنمي ولي فيها مارب اخرى

بان عصای و برگ درخت بر گوسفندان خود و مرا در عصا کارهاست و حاجتها دیگر

قال القها يا موسى فالقها فاذا هي حية تسعى قال

گفت بیفکن ای موسی · پس بیفکند آنرا که در گشت آنرا ماری دید نهیب میبرد گفت

خذها ولا تخف سنعيدها سيرتها الاولى واضمم يدك

بگیر آنرا و مترس · باز بریم آنرا بسان نخستین مار · و باخویش آور دست خود را

الى جناحك تخرج بيضاء من غير سوء اية اخرى لنريك

بسوی پهلوی خود تا بیرون آید سپید روشن بی بیماری نشانی دیگر تا بنمائیم

من اياتنا الكبرى اذهب الى فرعون انه طغى قال

از نشانهای بزرگ ما · برو بسوی فرعون که او بس بیراه و ناپاک است · گفت

رب اشرح لي صدري ويسر لي امري واحلل عقدة

خداوند من بگشا سینه مرا · و آسان کن برای من کار من · و بگشا

من لساني يفقهوا قولي واجعل لي وزيرا من اهلي

از زبان من · تا در یابند سخن مرا · و بگردان برای من یاری کننده از کسان من

هرون اخي اشدد به ازري واشركه في امري

هارون برادر من · محکم کن باو پشت من · و انباز کن اورا در کار من

كي نسبحك كثيرا ونذكرك كثيرا انك كنت بنا بصيرا

تا بپاکی یاد کنیم ترا بسیار · و ترا یاد داریم یاد فراوان · که تو هستی بما بینا

قال قد اوتيت سؤلك يا موسى ولقد مننا عليك مرة

گفت بدادیم ترا آنچه خواستی ای موسی · و بدرستی که منت نهادیم بر تو ای موسی بار

اخرى اذ اوحينا الى امك ما يوحى ان اقذفيه في التابوت

دیگر · چون که وحی کردیم بسوی مادر تو · آن آگاهی · که بیفکن موسی در تابوت

فاقذفيه في اليم فليلقه اليم بالساحل ياخذه عدو

پس بیفکن آن تابوت در دریا · پس میفکند در دریا بکران · تا بگیرد او را کسی که دشمن

لي وعدو له والقيت عليك محبة مني ولتصنع على عيني

مراو دشمن است اورا · و افکندم بر تو دوستی از خویشتن · که می پرورند بر دیدار چشم من

اذ تمشي اختك فتقول هل ادلكم على من يكفله

می رفت خواهر تو میگفت · خواهید که دلالت کنیم شمارا بر کسی که اورا بپذیرد

فرجعناك الى امك كي تقر عينها ولا تحزن وقتلت

پس باز گردانیدیم ترا با مادر تو · روشن گردد چشمها · و اندوهناک نگردد · و بکشتی

نفسا فنجيناك من الغم وفتناك فتونا فلبثت سنين

تنی · پس باز گردانیدیم ترا از غم کشتن · و آزمودیم ترا آزمودنی · پس درنگ کردی سالها

في اهل مدين ثم جئت على قدر يا موسى واصطنعتك لنفسي

در میان اهل مدین · پس آمدی وادی بر اندازه که مقدار کرده بودیم ای موسی · و ترا برگزیدیم برای محبت خود

اذهب انت واخوك باياتي ولا تنيا في ذكري اذهبا الى

برو تو · و برادر تو بمعجزهای من · و سستی مکنید در رسانیدن فرمان من · بروید هر دو بسوی

فرعون انه طغى فقولا له قولا لينا لعله يتذكر

فرعون بدرستی که او از حد گذشت · پس گوئید او را سخن نرم · تا مگر او پند گیرد

او يخشى قالا ربنا اننا نخاف ان يفرط علينا او ان يطغى

و بترسد · گفتند خداوند ما · ما می ترسیم که فرعون پیشی گیرد بر ما · یا گزاف و شوخی در گیرد

قال لا تخافا انني معكما اسمع وارى فاتياه فقولا

گفت خدا مترسید که من با شما ام · یاری و می شنوم و می بینم · با او شوید پس گوئید

إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا تُعَذِّبْهُمْ

قَدْ جِئْنَاكَ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكَ وَالسَّلَامُ عَلَى مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَى

إِنَّا قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ عَلَى مَنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى

قَالَ فَمَنْ رَبُّكُمَا يَا مُوسَى ۝ قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ

خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى ۝ قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْأُولَى ۝ قَالَ

عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي فِي كِتَابٍ لَا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنْسَى ۝ الَّذِي

جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَأَنْزَلَ

مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْ نَبَاتٍ شَتَّى ۝

كُلُوا وَارْعَوْا أَنْعَامَكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِأُولِي النُّهَى ۝

مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى ۝

وَلَقَدْ أَرَيْنَاهُ آيَاتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَأَبَى ۝ قَالَ أَجِئْتَنَا

200

لِتُخْرِجَنَا مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكَ يَا مُوسَى ۝ فَلَنَأْتِيَنَّكَ بِسِحْرٍ مِثْلِهِ

فَاجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ مَوْعِدًا لَا نُخْلِفُهُ نَحْنُ وَلَا أَنْتَ

مَكَانًا سُوًى ۝ قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمُ الزِّينَةِ وَأَنْ يُحْشَرَ النَّاسُ

ضُحًى ۝ فَتَوَلَّى فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَيْدَهُ ثُمَّ أَتَى ۝ قَالَ لَهُمْ مُوسَى

وَيْلَكُمْ لَا تَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَيُسْحِتَكُمْ بِعَذَابٍ

وَقَدْ خَابَ مَنِ افْتَرَى ۝ فَتَنَازَعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ وَأَسَرُّوا النَّجْوَى ۝

قَالُوا إِنْ هَذَانِ لَسَاحِرَانِ يُرِيدَانِ أَنْ يُخْرِجَاكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ

بِسِحْرِهِمَا وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثْلَى ۝ فَأَجْمِعُوا كَيْدَكُمْ

ثُمَّ ائْتُوا صَفًّا وَقَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنِ اسْتَعْلَى ۝ قَالُوا يَا مُوسَى

إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَى ۝ قَالَ بَلْ أَلْقُوا

فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَى

فأوجس في نفسه خيفة موسى قلنا لا تخف إنك أنت
نهيب باو در دل همداراند و نهان داشت موسی گفتیم مترس که دست ترا و نصرة ترا در بعضی حوالش هم یافت
الأعلى وألق ما في يمينك تلقف ما صنعوا إنما صنعوا
سیکن انجه در دست راست داری تا فرو برد آنچه ایشان بساختند انجه ایشان کردند
كيد ساحر ولا يفلح الساحر حيث أتى فألقي السحرة سجدا
کید دوست و نرهد هیچ کننده مرجا که بوید آید پس افگندند جادویانرا سر بر زمین
قالوا آمنا برب هرون وموسى قال آمنتم له قبل أن
گفتند بگرویدیم ما بخدای هارون و موسی فرعون گفت گرویدید باو پیش ازان که
آذن لكم إنه لكبيركم الذي علمكم السحر فلأقطعن
دستوری دهم شمارا او استاد و مه شما که اموخت شمارا جادویی ببرم تا جاده
أيديكم وأرجلكم من خلاف ولأصلبنكم في جذوع
دستهاء شما و پایهای شما یکی از راست و یکی از چپ و شمارا در ساق هان
النخل ولتعلمن أينا أشد عذابا وأبقى قالوا لن نؤثرك على
آویزم و بدانید که کیست از ما که سخت عذاب ترست و پاینده عذاب تر گفتند نگزینیم ترا برین
ما جاءنا من البينات والذي فطرنا فاقض ما أنت قاض إنما
که با آمد از نشانهاء راست با آن آفریدگار که مارا آفرید مکن تو هرچه توانی انجه
تقضي هذه الحيوة الدنيا إنا آمنا بربنا ليغفر لنا خطايانا
توانی و کنی درین جهان توانی و کنی ما بگرویدیم بپروردگار خویش تا بیامرزد مارا کردهاء بد ما
وما أكرهتنا عليه من السحر والله خير وأبقى إنه من يأت
وآنچه باکراه بران میداشتی نیستم از جادویی و خدای بهتر و باقی تر هرکه آید
ربه مجرما فإن له جهنم لا يموت فيها ولا يحيى ومن يأته
بخداوند خویش گناهکار بدرستی که او را دوزخ استش نمیرد دران تا برهد و نه زندگانی خوش یابد و هرکه آید

مؤمنا قد عمل الصالحات فأولئك لهم الدرجات العلى
مومن بدرستی که کرده نیکیها پس ایشانراست ایشان درجهاء بلند
جنات عدن تجري من تحتها الأنهار خالدين فيها وذلك جزاء
بهشتهاء همیشه که میرود زیر درختان ان جویهاء آب جاودان دران اینست پاداش
من تزكى ولقد أوحينا إلى موسى أن أسر بعبادي
انکس که پاک آمد و بدرستی که پیغام دادیم به موسی که بشب ببر بندگان من
فاضرب لهم طريقا في البحر يبسا لا تخاف دركا ولا تخشى
پس بزن ایشانرا راهی زن در دریا راهی خشک نترسی از در رسیدن دشمن و نه بیم داری
فأتبعهم فرعون بجنوده فغشيهم من اليم ما غشيهم وأضل
پس از پی درآمد ایشانرا فرعون بلشکر خویش در سر ایشان آمد از دریا انچه آمد از غرق و گم راه کرد
فرعون قومه وما هدى يا بني إسرائيل قد أنجيناكم من
فرعون قوم خودرا و راه راست ننمود ای فرزندان یعقوب بدرستی که رهانیدیم شمارا از دراب برد
عدوكم وواعدناكم جانب الطور الأيمن ونزلنا عليكم
دشمن شما و وعده دادیم شمارا بآن سوی کوه طور بایمن و برکت و فرو فرستادیم بر شما
المن والسلوى كلوا من طيبات ما رزقناكم ولا تطغوا فيه
ترنجبین و مرغ سلوی بخورید ازین پاکها و حلالها که شمارا روزی دادیم و کفران نعمت مکنید درو
فيحل عليكم غضبي ومن يحلل عليه غضبي فقد هوى
که بر شما گشاده گردد خشم من و هرکه بر وی گشاده گردد خشم من بدرستی که هلاک شد او
وإني لغفار لمن تاب وآمن وعمل صالحا ثم اهتدى
و بدرستی که من آمرزگارم انکس را که باز گردد و بگرود و کار نیک کند پس براه راست رود
وما أعجلك عن قومك يا موسى قال هم أولاء على أثري
و چه شتابانید ترا از قوم تو ای موسی موسی گفت ایشان اینک بر پی منند

وعجلت اليك رب لترضى ۝ قال فانا قد فتنا قومك
من بعدك واضلهم السامري ۝ فرجع موسى الى قومه
غضبان اسفا ۝ قال يا قوم الم يعدكم ربكم وعدا حسنا
افطال عليكم العهد ام اردتم ان يحل عليكم غضب
من ربكم فاخلفتم موعدي ۝ قالوا ما اخلفنا موعدك
بملكنا ولكنا حملنا اوزارا من زينة القوم فقذفناها
فكذلك القى السامري ۝ فاخرج لهم عجلا جسدا له خوار
فقالوا هذا الهكم واله موسى فنسي ۝ افلا يرون الا
يرجع اليهم قولا ولا يملك لهم ضرا ولا نفعا ۝ ولقد
قال لهم هرون من قبل يا قوم انما فتنتم به وان ربكم
الرحمن فاتبعوني واطيعوا امري ۝ قالوا لن نبرح عليه عاكفين

حتى يرجع الينا موسى ۝ قال يا هرون ما منعك اذ رايتهم
ضلوا ۝ الا تتبعن افعصيت امري ۝ قال يا ابن ام لا تاخذ
بلحيتي ولا براسي اني خشيت ان تقول فرقت بين بني
اسرائيل ولم ترقب قولي ۝ قال فما خطبك يا سامري
قال بصرت بما لم يبصروا به فقبضت قبضة من اثر الرسول
فنبذتها وكذلك سولت لي نفسي ۝ قال فاذهب فان لك
في الحيوة لا مساس وان لك موعدا لن تخلفه وانظر
الى الهك الذي ظلت عليه عاكفا لنحرقنه ثم لننسفنه
في اليم نسفا ۝ انما الهكم الله الذي لا اله الا هو وسع
كل شيء علما ۝ كذلك نقص عليك من انباء ما قد سبق
وقد اتيناك من لدنا ذكرا ۝ من اعرض عنه فانه يحمل يوم

ان تقول

القيمة وزرا ۝ خالدين فيه وساء لهم يوم القيمة حملا ۝
قیامت باری بد جاوید دران و بد باشد ایشانرا روز رستاخیز ایشانرا بد باری

يوم ينفخ في الصور ونحشر المجرمين يومئذ زرقا ۝ يتخافتون
آنروز که بدمند در صور و با هم آریم آنگهت بدکاران را آن روز سبز چشمان با یکدیگر بباز میگویند

بينهم ان لبثتم الا عشرا ۝ نحن اعلم بما يقولون اذ يقول
میان ایشان که نبوده اند دران کتی مگر ده روز ما دانیم آنچه میگویند آنگه که میگوید

امثلهم طريقة ان لبثتم الا يوما ۝ ويسئلونك عن الجبال
که پاک سیرت و راست سخن ترید درنگ نگردید مگر یکروز ومی پرسند ترا از کوهها کان چون شود

فقل ينسفها ربي نسفا ۝ فيذرها قاعا صفصفا ۝ لا ترى
پس بگو برکند آنرا خدای من برکندنی پس گذارد آنرا هامون هموار بنبینی

فيها عوجا ولا امتا ۝ يومئذ يتبعون الداعي لا عوج له
دران پستی و نه بالائی وزآن روز پیروی کنند همه مردم آوازخواننده دران کژی و غلطه

وخشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع الا همسا ۝ يومئذ لا
و آوازها همه فرو شنده با رحمن پس نشنوی مگر آوازی نرم آن روز

تنفع الشفاعة الا من اذن له الرحمن ورضي له قولا ۝
سود ندارد پای مردی و خواهش مگر آنکس را که دستوری دهد او را خداوند و پسندد او را سخن گفتن

يعلم ما بين ايديهم وما خلفهم ولا يحيطون به علما ۝
او میداند آنچه میان ایشان است از کار آخرة و آنچه پس ایشانست از کار دنیا و ایشان او را نیک نمیدانند

وعنت الوجوه للحي القيوم وقد خاب من حمل ظلما ۝
و درماند رویها از زنده پاینده را و بدرستی که بازنومید گشید آنکس که بار آخر کشید

۝ ومن يعمل من الصالحات وهو مؤمن فلا يخاف ظلما ولا هضما
و هر که از کارها نیک کند و او گرویده بیکانگی نترسد از خدای ستمی و نه شکستی

في الصور

وكذلك انزلناه قرانا عربيا وصرفنا فيه من الوعيد
و همچنین فرو فرستادیم قرآنی تازی و گردانیدیم دران از گونه گونه پندها

لعلهم يتقون او يحدث لهم ذكرا ۝ فتعالى الله الملك
تا مگر بترسند یا قرآن ایشانرا پیداری و یاد کردی پاکست و بی عیب آن خدای پادشاه برتر

الحق ولا تعجل بالقرآن من قبل ان يقضى اليك وحيه
و سزاوارتر و مشتاب بقرآن پیش از آن که گزارده آید بتو پیغام آن

وقل رب زدني علما ۝ ولقد عهدنا الى ادم من قبل فنسي
و بگو پروردگارا افزای مرا حفظ و بدرستی که پیمان کردیم ما با آدم از پیش پس فراموش کرد

ولم نجد له عزما ۝ واذ قلنا للملائكة اسجدوا لادم فسجدوا
و نیافتیم او را در دل کردن معصیت و آنگه گفتیم ما مر فرشتگانرا سجود کنید مر آدم را پس سجود کردند

الا ابليس ابى ۝ فقلنا يا ادم ان هذا عدو لك ولزوجك
مگر ابلیس سر باز زد پس گفتیم ما ای آدم بدرستی که این ابلیس دشمن است ترا و زن ترا

فلا يخرجنكما من الجنة فتشقى ۝ ان لك الا تجوع فيها ولا
پس بیرون نکناد شما را هر دو از بهشت که برنج افتید بدرستی که تو در بهشت آنست که گرسنه نشوی درو و

تعرى ۝ وانك لا تظمؤ فيها ولا تضحى ۝ فوسوس اليه
برهنه نمانی و نه تشنه باشی دران و نه در آفتاب باشی پس وسوسه کرد او را

الشيطان قال يا ادم هل ادلك على شجرة الخلد وملك لا
ابلیس گفت ای آدم نشان دهم ترا بر درختی که با آن خوری جاویدانی و پادشاهی دهم ترا

يبلى ۝ فاكلا منها فبدت لهما سواتهما وطفقا
که تباه نگردد پس بخوردند از آن درخت پس پدید آمد ایشانرا عورتهای ایشان و در ایستادند

يخصفان عليهما من ورق الجنة وعصى ادم ربه فغوى ۝
و بر هم می نهادند بران عورت خویش از برگهای درخت بهشت و عاصی شد آدم خدای خویش را و از راه وا افتاد

ثُمَّ اجْتَبٰهُ رَبُّهٗ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدٰى ۝ قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا

پس بگزید او را خداوند او پس توبه داد او را و راه نمود گفت فرو روید از این هر دو آدم و حوا

بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَاِمَّا يَاْتِيَنَّكُمْ مِنِّى هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ

ابلیس را دشمن و ابلیس ایشان را دشمن پس اگر آید بشما از من معانی براه نمونی هر که پی برد

هُدَاىَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقٰى ۝ وَمَنْ اَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِى فَاِنَّ لَهٗ

براه نمونی من نه گمراه گردد و نه بدبخت و هر که روی بگرداند از یاد من پس بدرستی که او راست

مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهٗ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اَعْمٰى ۝ قَالَ رَبِّ لِمَ

زیستنی بتنگی و سختی و برانگیزیم او را روز قیامت کور گوید خداوندا من چون

حَشَرْتَنِىٓ اَعْمٰى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا ۝ قَالَ كَذٰلِكَ اَتَتْكَ اٰيَاتُنَا

مرا چنین انگیختی کور و بدرستی که من در دنیا بودم بینا گوید همچنانکه بتو آمد سخنها ما

فَنَسِيتَهَا وَكَذٰلِكَ الْيَوْمَ تُنْسٰى ۝ وَكَذٰلِكَ نَجْزِى مَنْ اَسْرَفَ وَلَمْ

و فراموش کردی آنرا و همچنان امروز گذارند فراموش و همچنان پاداش دهیم آنکس که بگزاف رود و

يُؤْمِنْ بِاٰيَاتِ رَبِّهٖ وَلَعَذَابُ الْاٰخِرَةِ اَشَدُّ وَاَبْقٰى ۝ اَفَلَمْ يَهْدِ

بنگرود بسخنان خدای خویش و عذاب آن جهانی سخت تر و پاینده تر باز ننمود

لَهُمْ كَمْ اَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِى مَسَاكِنِهِمْ اِنَّ فِى

بایشان که چند هلاک کردیم پیش ایشان از گروه گروه میروند در جایگاهها کداشته پس ایشان بدرستی

ذٰلِكَ لَاٰيَاتٍ لِاُولِى النُّهٰى ۝ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ

که درین نشانهاست زیرکانرا و خردمندانرا و اگر نه سخنی بودی پیش رفته از پروردگار تو

لَكَانَ لِزَامًا وَاَجَلٌ مُسَمًّى ۝ فَاصْبِرْ عَلٰى مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ

در پیچید بود در ایشان و روزهای نام زده شکیبایی کن پس شکیبایی کن بر آنچه ترا میگویند و بپاکی بستا بشکر آوازی

رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ اٰنَاءِ الَّيْلِ فَسَبِّحْ

خداوند خویش را پیش از برآمدن آفتاب و پیش فرو شدن آن و از ساعتهاء شب او را نماز کن

هم بستا

وَاَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضٰى ۝ وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ اِلٰى مَا

و بر گوشهاء روز تا مگر ترا خشنود کنند و کمش بنگرستن دو چشم خویش به آنچه

مَتَّعْنَا بِهٖ اَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ

برخوردار کردیم بآن مردی چند و زنی چند از ایشان شکوفه این جهانی تا بان فتنه مکنیم و می آزماییم

فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَاَبْقٰى ۝ وَاْمُرْ اَهْلَكَ بِالصَّلٰوةِ وَاصْطَبِرْ

ورزق خداوند تو روز بروز بهتر و پاینده تر و بفرمای کسان خود را به نماز و خود شکیبایی کن

عَلَيْهَا لَا نَسْئَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوٰى ۝

بر برزیدن نمیخواهیم از تو روزی ما خود ترا روزی سازیم و سرانجام پیروزی پرهیزکاری است

وَقَالُوا لَوْلَا يَاْتِينَا بِاٰيَةٍ مِنْ رَبِّهٖ اَوَلَمْ تَاْتِهِمْ بَيِّنَةُ مَا فِى

و میگویند چرا بما نیارد نشانی از خداوند خویش ترسید بایشان خبرها درست در

الصُّحُفِ الْاُولٰى ۝ وَلَوْ اَنَّا اَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ مِنْ قَبْلِهٖ لَقَالُوا

کتابها پیشین و اگر ما هلاک کردانیم ایشان را بعذابی پیش از پیغام گفتند

رَبَّنَا لَوْلَا اَرْسَلْتَ اِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ اٰيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ

خداوندا چرا رسولی نفرستادی بما رسولی تا ما پی بردند بسخنان تو پیش از آن که

اَنْ نَذِلَّ وَنَخْزٰى ۝ قُلْ كُلٌّ مُتَرَبِّصٌ فَتَرَبَّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ

که خوار گشتید و رسوا بگو ما چشم میداریم پس شما میدارید پس زود باشد که بدانید

مَنْ اَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِىِّ وَمَنِ اهْتَدٰى ۝

که خداوندان راه راست که اند و بدانید که راه بر آن بصواب که اند

سُورَةُ الْاَنْبِيَاءِ مِائَةٌ وَاثْنَا عَشَرَةَ آيَةً

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

الجزء السابع عشر

اقترب للناس حسابهم وهم فی غفلة معرضون ۝ ما یأتیهم
نزدیک آمد مردمانرا حساب کردن ایشان و ایشان در غفلت روی گردانندگان اند نیاید بایشان
من ذکر من ربهم محدث الا استمعوه وهم یلعبون ۝ لاهیة
هیچ سخن از خداوند ایشان بتو فرستاده مگر می شنوند آنرا و ایشان بازی میکنند در کاری دیگر
قلوبهم واسروا النجوی الذین ظلموا هل هذا الا بشر مثلکم
دلهای ایشان و با یکدیگر به راز گفتند آنکسانی که ستم کردند نیست این مگر مردی مانند شما
افتأتون السحر وانتم تبصرون ۝ قال ربی یعلم القول فی السماء
با خواهید شد جادوئی و شما چشم دارید که می نگرید بگو خداوند میداند هر گفت گویند در آسمان
والارض وهو السمیع العلیم ۝ بل قالوا اضغاث احلام
و زمین و او شنواست داناست گفتند نیست جادو که خوابها شوریده است
بل افتریه بل هو شاعر فلیأتنا بآیة کما ارسل الاولون ۝
نیست افترا هست او شاعر تا آرد نشانی بما چنانکه فرستادگان پیشینان آوردند
ما آمنت قبلهم من قریة اهلکناها افهم یؤمنون ۝
نگرویدند پیش ایشان از اهل دیهی که هلاک کردیم ایشانرا ما ایشان نمیگروند
وما ارسلنا قبلک الا رجالا نوحی الیهم فسئلوا اهل الذکر
و نفرستادیم ما پیش از تو مگر مردانی که پیغام می آمد بایشان پس پرسید از اهل پیغام
ان کنتم لا تعلمون ۝ وما جعلناهم جسدا لا یأکلون الطعام
اگر نمیدانید و ما فرستادگانرا نکردیم کالبدی ناخورنده که نخورند طعام
وما کانوا خالدین ۝ ثم صدقناهم الوعد فانجیناهم ومن نشاء
و نه بودند همیشه پس دادیم ایشانرا راست وعده پس برهانیدیم ایشانرا و هر کرا خواهیم برهانیم
واهلکنا المسرفین ۝ لقد انزلنا الیکم کتابا فیه ذکرکم
و هلاک کردیم ما گزاف گویان بدرستی که فرستادیم بشما نامه که در آن شرف شماست

افلا تعقلون ۝ وکم قصمنا من قریة کانت ظالمة وانشأنا
این منت از من در نیابید و چند که بشکستیم از دیه دیه آن که گناه ایشان بد بوده و ساختیم
بعدها قوما آخرین ۝ فلما احسوا بأسنا اذا هم منها یرکضون ۝
پس ایشان گروهی دیگران چون بجای آوردند دریافتند گرفتن ما آنگه ایشان از آن پای جنبانیدند
لا ترکضوا وارجعوا الی ما اترفتم فیه ومساکنکم
پای مجنبانید و بازگردید با ناز و نعمت خویش و با نشستگاهها خویش
لعلکم تسئلون ۝ قالوا یا ویلنا انا کنا ظالمین ۝ فما زالت
تا مگر شمارا پرسند گفتند ای وای بر ما گناه ما را بود و ظالم بودیم ما همان ویل
تلک دعویهم حتی جعلناهم حصیدا خامدین ۝ وما خلقنا
میخواندند که خود تا کردیم ایشانرا ریزیده چون گاه درووده مردگان که می آفریدیم ما
السماء والارض وما بینهما لاعبین ۝ لو اردنا ان نتخذ
آسمان و زمین و آنچه در میان آن بازی کر بودیم اگر خواستیم ما که گیریم
لهوا لاتخذناه من لدنا ان کنا فاعلین ۝ بل نقذف
بازی بگرفتیم ما آن از نزد ما اگر خواستیم ما که کنند بازی نکردیم می افکنیم
بالحق علی الباطل فیدمغه فاذا هو زاهق ولکم الویل
راستی بر کژی شما آنرا فرو شکنید پس چون کژی از راستی میدهد و مر شمارا ویل
مما تصفون ۝ وله من فی السموات والارض ومن عنده لا
از آنچه صفت میکنید بر ناسزای خدای و او راست آنکه در آسمانها و زمین است و ایشان که نزدیک ویند
یستکبرون عن عبادته ولا یستحسرون ۝ یسبحون اللیل
گردن کشی نمیکنند از پرستش وی و فرو نمی مانند همی ستایند شب
والنهار لا یفترون ۝ ام اتخذوا آلهة من الارض هم
و روز و سست نمی شوند یا گرفتند ایشان خدایان از زمین که مردگان را

يَنشُرُونَ ۝ لَوْ كَانَ فِيهِمَآ ءَالِهَةٌ إِلَّا ٱللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ ٱللَّهِ
از گور برانگیزانند اگر بودید در آن خدایانی جز از خدای همه کار تباه گشتی پس پاکی و منزهی خدای را

رَبِّ ٱلْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ ۝ لَا يُسْـَٔلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْـَٔلُونَ
پروردگار عرش از آن که مردمان صفت میکنند نپرسند خدا را از آن که میکند و ایشان را پرسند

أَمِ ٱتَّخَذُوا۟ مِن دُونِهِۦٓ ءَالِهَةً قُلْ هَاتُوا۟ بُرْهَانَكُمْ هَٰذَا ذِكْرُ مَن مَّعِىَ
گرفتند جز از او خدایان بگو حجت و برهان خود بیارید در این نامه یاد کرد هر کس است

وَذِكْرُ مَن قَبْلِى بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ٱلْحَقَّ فَهُم مُّعْرِضُونَ ۝
و یاد هر که پیش از من بلکه بیشتر ایشان نمیدانند و حق در نمی‌یابند پس ایشان روی گردانیده باشند

وَمَآ أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ مِن رَّسُولٍ إِلَّا نُوحِىٓ إِلَيْهِ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ
و نه فرستادیم از پیش تو هیچ فرستاده مگر پیغام دادند باو که نیست خدای

إِلَّآ أَنَا۠ فَٱعْبُدُونِ ۝ وَقَالُوا۟ ٱتَّخَذَ ٱلرَّحْمَٰنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُۥ بَلْ عِبَادٌ
مگر من پس مرا پرستید و گفتند گرفتست خدای فرزندی پاکی و عیسی او را بلکه بندگان اند

مُّكْرَمُونَ ۝ لَا يَسْبِقُونَهُۥ بِٱلْقَوْلِ وَهُم بِأَمْرِهِۦ يَعْمَلُونَ ۝ يَعْلَمُ
نواختگان بی دستوری او سخن نگویند و ایشان بفرمان او کار کنند میداند خدای

مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ٱرْتَضَىٰ
آنچه میان ایشان است و آنچه پس ایشان است و شفاعت نکنند مگر که خدای بپسندد

وَهُم مِّنْ خَشْيَتِهِۦ مُشْفِقُونَ ۝ وَمَن يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّىٓ إِلَٰهٌ
و ایشان از بیم ترسندگان اند و هر که گوید از فریشتگان که من خدا

مِّن دُونِهِۦ فَذَٰلِكَ نَجْزِيهِ جَهَنَّمَ كَذَٰلِكَ نَجْزِى ٱلظَّالِمِينَ ۝
جز از خدای پس آنست که پاداش کنیم او را دوزخ چنانکه کنیم پاداش ستمکاران

أَوَلَمْ يَرَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا۟ أَنَّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ كَانَتَا
نمی‌بینند ناگرویدگان که آسمانها و زمین بودند

و باز آن است

رَتْقًا فَفَتَقْنَٰهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ ٱلْمَآءِ كُلَّ شَىْءٍ حَىٍّ أَفَلَا
بسته پس بگشادیم آن را هر دو و بیافریدیم از آب هر چیزی زنده نگروند

يُؤْمِنُونَ ۝ وَجَعَلْنَا فِى ٱلْأَرْضِ رَوَٰسِىَ أَن تَمِيدَ بِهِمْ وَجَعَلْنَا
کوههای توانا و کردیم در زمین تا بنگرداند زمین ایشان را و کردیم

فِيهَا فِجَاجًا سُبُلًا لَّعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ۝ وَجَعَلْنَا ٱلسَّمَآءَ
در زمین راهها فراخ تا ایشان راه دانند که روند و کردیم ما آسمان را

سَقْفًا مَّحْفُوظًا وَهُمْ عَنْ ءَايَٰتِهَا مُعْرِضُونَ ۝ وَهُوَ ٱلَّذِى خَلَقَ
سقفی بی ستون نگاه داشته و ایشان از نشانهای آن روی گردانند و او آنست که بیافرید

ٱلَّيْلَ وَٱلنَّهَارَ وَٱلشَّمْسَ وَٱلْقَمَرَ كُلٌّ فِى فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ۝
شب را و روز را و خورشید را و ماه را همه در چرخ ایشان می ستایند

وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِّن قَبْلِكَ ٱلْخُلْدَ أَفَإِي۟ن مِّتَّ فَهُمُ ٱلْخَٰلِدُونَ
و ندادیم هیچ مردم پیش از تو پایندگی و جاویدی که تو بمیری پس ایشان جاوید مانند

كُلُّ نَفْسٍ ذَآئِقَةُ ٱلْمَوْتِ وَنَبْلُوكُم بِٱلشَّرِّ وَٱلْخَيْرِ فِتْنَةً
هر تنی چشنده مرگست و بیازماییم شما را به بد و نیک بلا

وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ۝ وَإِذَا رَءَاكَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا۟ إِن يَتَّخِذُونَكَ
و بسوی ما آرند شما را و آنگه که ببینند ترا آنکسانی که کافر شدند که فرا نمیدارند ترا

إِلَّا هُزُوًا أَهَٰذَا ٱلَّذِى يَذْكُرُ ءَالِهَتَكُمْ وَهُم بِذِكْرِ
جز بافسوس مگویند اینست که یاد میکند بزبان خدایان شما و ایشان بیاد

ٱلرَّحْمَٰنِ هُمْ كَٰفِرُونَ ۝ خُلِقَ ٱلْإِنسَٰنُ مِنْ عَجَلٍ سَأُو۟رِيكُمْ ءَايَٰتِى
خدا و سخن او کافرند آفریدند مردم از شتاب زود باشد که با شما نماییم

فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ ۝ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا ٱلْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ
پس شتاب مکنید مرا و میگویند بودن این وعده کی خواهد بود اگر باشید راستگویان

لأكيدنّ اصنامكم بعد ان تولّوا مدبرين ۝ فجعلهم

که من سازی سازم بتان شما پس آنهنگامی که شما شوند جای پشت پس کرد آن بتان را

جذاذًا الّا كبيرًا لهم لعلّهم اليه يرجعون ۝ قالوا من

ریزه ریزه بجز آن بزرگترین ایشان را بود که چون خواری بتان ببینند باز گردند گفتند که

فعل هذا انّه لمن الظّالمين ۝ قالوا سمعنا فتًى يذكرهم

کرد این بخدایان از ستمکاران است گفتند می شنیدیم از جوانی که ایشان را بد می گفت

بآلهتنا

بخدایان

يقال له ابرهيم ۝ قالوا فأتوا به على اعين النّاس لعلّهم

گویند اورا ابرهیم گفتند آرید اورا بر دیدار چشمهای مردمان تا

يشهدون ۝ قالوا ءانت فعلت هذا بآلهتنا يا ابرهيم

گواهی دهند که بتشکست بدیها می گفت گفتند تو این کردی این بخدایان ما ای ابرهیم

قال بل فعله كبيرهم هذا فسئلوهم ان كانوا ينطقون ۝

گفت نه که کرد این بزرگ ایشان این پرسید ایشان را اگر اگر سخن گویند

فرجعوا الى انفسهم فقالوا انّكم انتم الظّالمون ۝ ثمّ

باز گردید گشتند با نفسهای خویش پس گفتند راست می گوید ابرهیم شما اید که ستمکارانید پس

نكسوا على رءوسهم لقد علمت ما هؤلاء ينطقون ۝ قال

از شرمساری افگندند سرها در پیش بدرستی که تو دانسته که این بتان سخن گو یا نی ندارند گفت

افتعبدون من دون الله ما لا ينفعكم شيئا ولا يضرّكم

ابرهیم می پرستید جز از خدای چیزی که سود ندارد شمارا هیچ و زیان نکند شمارا

افّ لكم ولما تعبدون من دون الله افلا تعقلون ۝

اف شمارا و آنرا که می پرستید جز از خدای چیزی که سود ندارد شمارا هیچ

قالوا حرّقوه وانصروا آلهتكم ان كنتم فاعلين ۝ قلنا

گفتند بسوزید با آتش ابرهیم را و یاری دهید خدایان خویش را اگر شما خواهید کرد گفتیم

يا نار كوني بردًا وسلامًا على ابرهيم ۝ وارادوا به كيدًا

ای آتش گرد سرد و بارستگی بر ابرهیم و سازی خواستند باو و حیلت کردند

فجعلناهم الاخسرين ۝ ونجّيناه ولوطًا الى الارض التى باركنا

پس کردیم ما ایشان را زیان کارتر زیان کاران و رهانیدیم ما ابرهیم را و لوط را و بردیم ایشان را بزمین که برکت کردیم

فيها للعالمين ۝ ووهبنا له اسحق ويعقوب نافلةً وكلًّا

در آن جهانیان را و بخشیدیم ابرهیم را اسحق و یعقوب و یعقوب افزونی و همه

جعلنا صالحين ۝ وجعلناهم ائمّةً يهدون بامرنا واوحينا

کردیم نیکان و کردیم ایشان را پیشوایان تا راه می نمودند بفرمان ما و پیغام دادیم

اليهم فعل الخيرات واقام الصّلوة وايتاء الزّكوة وكانوا

بایشان کردن نیکیها و بپای داشتن نماز و دادن زکوة و بودند

لنا عابدين ۝ ولوطًا آتيناه حكمًا وعلمًا ونجّيناه من القرية

ما را پرستکاران و لوط را دادیم راست دانی و دانش و برهانیدیم اورا از آن شهر

التى كانت تعمل الخبائث انّهم كانوا قوم سوءٍ فاسقين ۝

که مردمان آن بدیها میکردند و فعلها پلید بدرستی که ایشان بودند گروهی بد از فرمان برداری بیرون

وادخلناه فى رحمتنا انّه من الصّالحين ۝ ونوحًا اذ نادى

و در آوردیم در بخشایش خویش بدرستی که او از نیکان بود و یاد کن نوح را که آواز داد

من قبل فاستجبنا له فنجّيناه واهله من الكرب العظيم ۝

از پیش پس اجابت کردیم ما دعا او پس برهانیدیم اورا و اهل اورا از اندوه بزرگ

ونصرناه من القوم الّذين كذّبوا بآياتنا انّهم كانوا قوم

و یاری دادیم ما اورا از قوم آنکسانی که دروغ می شمردند سخنان ما بدرستی که ایشان بودند قومی

سوءٍ فاغرقناهم اجمعين ۝ وداود وسليمن اذ يحكمان

بد پس آب بکشتیم ما ایشان را همه و یاد کن داود و سلیمان را که داوری میکردند

فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفَشَتْ فِيهِ غَنَمُ الْقَوْمِ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ
در کشت که چرا کرد بشب در وی گله گوسفند قومی دیگر و ما داوری ایشانرا گواه بودیم

فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَكُلًّا آتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا وَسَخَّرْنَا مَعَ
پس دادیم داوری سلیمان را و هردو را دادیم ما حکمت و علم و نرم کردیم و فرمان بردار

دَاوُودَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ ۝ وَعَلَّمْنَاهُ
داود کوهها را تا تسبیح کنند با داود و مرغ و کردیم و درآموختیم داود را

صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِتُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ
زره کردن از بهر شما تا نگه دارد شما را از گزند شما پس شما سپاس دارید

وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي
و فرمان بردار کردیم باد عاصفه میرفت بفرمان او سوی زمین مقدسه که

بَارَكْنَا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمِينَ ۝ وَمِنَ الشَّيَاطِينِ مَنْ يَغُوصُونَ
برکت کردیم در آن و ما بهمه چیز داناییم و از دیوان او را غواصی کردیم

لَهُ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَٰلِكَ وَكُنَّا لَهُمْ حَافِظِينَ
کار او بیرون آوردند و میکردند کاری جز آن و بودیم ایشانرا نگاه دارنده

وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ
و یاد کن ایوب را که آواز داد خداوند خویش را که برسید بمن گزند و تو بخشاینده تر

الرَّاحِمِينَ ۝ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَآتَيْنَاهُ
بخشایندگان پس پاسخ کردیم او را و باز بردیم آن گزند که بود با او از بیماری و بدادیم او را

أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَذِكْرَىٰ لِلْعَابِدِينَ
و کسان او را و همچندان دیگر با ایشان بخشایشی از نزد ما و یادکاری پرستندگان را

وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ كُلٌّ مِنَ الصَّابِرِينَ
و اسمعیل و ادریس و ذی الکفل همه از شکیبایان بودند

وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ مِنَ الصَّالِحِينَ ۝ وَذَا النُّونِ
و درآوردیم ایشانرا در بخشایش خویش که ایشان از نیکان بودند و یاد کن آن مرد ماهی را

إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَىٰ فِي
اگر برفت خشمگین پس پنداشت که تنگ نگیریم بر او پس آواز داد در

الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ
تاریکی شب که نیست خدا جز تو پاکی ترا بدرستی که من بودم از

الظَّالِمِينَ ۝ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَٰلِكَ
ستمکاران پس پاسخ کردیم او را و برهانیدیم او را از آن تنگی و دشواری و همچنان

نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ ۝ وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا
رهانیم گروندگان را و یاد کن زکریا که آواز داد خداوند خویش را گفت خداوندا

وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ ۝ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ وَأَصْلَحْنَا
و تو بهتری بازماندگان پس پاسخ کردیم او را و بخشیدیم او را یحیی و صلح کردیم

لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا
او جفت او بدرستی که ایشان بودند شتابندگان در نیکیها و می خواندند ما را بامید

وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ ۝ وَالَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا
و بیم و بودند ما را فروتنان و آن که پاک داشت فرج خویش را تا در دمیدیم

فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ ۝ إِنَّ
درو از روح ما و کردیم او را و پسر او را نشانی جهانیان را بدرستی

هَٰذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ ۝ وَتَقَطَّعُوا
این گروه شما یک دین باشند و من خداوند شما ام مرا پرستید و ببریدند

أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ كُلٌّ إِلَيْنَا رَاجِعُونَ ۝ فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ
کار دین خویش میان ایشان همه با ما باز گردند پس هرکس که نیکیها کند

حزب

وهو مؤمن فلا كفران لسعيه وانا له كاتبون ۝ وحرام
واو گرويده بود ناسپاسى نيست آن دانسته وپسنديده وما اورا نويسنده كانيم وحرام است

على قرية اهلكناها انهم لا يرجعون ۝ حتى اذا فتحت ياجوج
بر سر شهرى كه هلاك خواهيم كرد آنرا كه ايشان باز نگردند تا انكه كه باز گشايند ياجوج

وماجوج وهم من كل حدب ينسلون ۝ واقترب الوعد
وماجوج وايشان از سر تلى وبالائى مى دوند ونزديك آمد هنگام آن وعده

الحق فاذا هى شاخصة ابصار الذين كفروا يا ويلنا قد كنا
راست انكه آن است گشاده مانده چشمهاء انكسانى كه كافرند اى هلاك بر ما درستى كه بوديم

فى غفلة من هذا بل كنا ظالمين ۝ انكم وما تعبدون من
در نا آگاهى ازين روز بلكه آگاه بوديم كه ستمكاران بوديم درستى كه شما واين بتان كه مى پرستيد از

دون الله حصب جهنم انتم لها واردون ۝ لو كان هؤلاء
جز خداى همه انداختنى اند در آتش شما بآن خواهى رسيدن اگر بودند اين بتان

الهة ما وردوها وكل فيها خالدون ۝ لهم فيها زفير وهم
خدايان بآتش نشدندى وشما وايشان در آتش آييد هميشه ايشانرا در ان دوزخ ناله زار وايشان

فيها لا يسمعون ۝ ان الذين سبقت لهم منا الحسنى
در ان نشنوند سخن خوش بدرستى كه ايشان كه پيشى كرد ايشان از ما خواست نيكوئى

اولئك عنها مبعدون ۝ لا يسمعون حسيسها وهم فيما
ايشان از آتش دور داشتگان اند نشنوند فردا آواز آتش وايشان در انچه

اشتهت انفسهم خالدون ۝ لا يحزنهم الفزع الاكبر
آرزو خواهد تنها ايشان جاويدان اند در ان اندوهگين نكند ايشانرا بيم مهين

وتتلقهم الملائكة هذا يومكم الذى كنتم توعدون
ودر برايشان مى آيد فرشتگان اين آن روز نيكو شماست كه ميدادند شمارا وعده

للكتاب

يوم نطوى السماء كطى السجل للكتب كما بدانا
آنروز كه در نورديم آسمان همچون نورديدن سجل مر نويسنده جاكه بيافريديم ما

اول خلق نعيده وعدا علينا انا كنا فاعلين ۝ ولقد كتبنا
باز ديگر بار باز آفرينيم كردن اين وعده بر ماست بدرستى كه ما آنرا خواهيم كرد وبدرستى كه نوشتيم

فى الزبور من بعد الذكر ان الارض يرثها عبادى الصالحون
در زبور از پس آن ياد كه در ان گوئيم بدرستى كه جهان ميراث برد بندگان من آن گروندگان

ان فى هذا لبلاغا لقوم عابدين ۝ وما ارسلناك الا رحمة
بدرستى كه درين رسيده است گروهى كه خداى پرستان اند ونفرستاديم ترا مگر بخشايش

للعالمين ۝ قل انما انا بشر مثلكم يوحى الى انما الهكم
جهانيانرا بگو من پيغام ميدهند كه پيغام ميدهند كه خداى شما

اله واحد فهل انتم مسلمون ۝ فان تولوا فقل اذنتكم على سواء
يكتاست بى همتا پس شما گردن نهيد وبگرويد اگر برگرديد پس بگو آگاه كردم شمارا بر يكسانى باهم

وان ادرى اقريب ام بعيد ما توعدون ۝ انه يعلم الجهر
ونمى دانم كه نزديكست يا دور آنچه شمارا وعده ميدهند بدرستى كه خداى ميداند بلند گفتن

من القول ويعلم ما تكتمون ۝ وان ادرى لعله فتنة لكم
از سخن وميداند آنچه پنهان ميداريد وگوى كه من ندانم مگر كه اين آزمايشى است شمارا

ومتاع الى حين ۝ قال رب احكم بالحق وربنا
وبرخوردارى تا گاهى گفت خداوندا بر گزار براستى وخداوند ما

الرحمن المستعان على ما تصفون ۝
كه بخشنده است يارى خواستن ازو در آنچه بآن سزا ميكنيد

نصف حزب

سورة الحج ثمان وسبعون آية مدنية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

يا ايها الناس اتقوا ربكم ان زلزلة الساعة شيء عظيم

ای مردمان بترسید از خدای خویش که زلزلهٔ قیامت چیزی است بزرگ

يوم ترونها تذهل كل مرضعة عما ارضعت وتضع كل

آن روز که ببیند آنرا مشغول گردد هر زنی که شیر دهد از آن هرکه ویرا شیر داد و بنهند هر فرزندانرا

ذات حمل حملها وترى الناس سكارى وما هم بسكارى

زنی هر زنی که باردار بد بار حمل خودرا و بینی تو مردمانرا مست از بیم و ایشان نه مست باشند از شراب

ولكن عذاب الله شديد ومن الناس من يجادل في الله بغير

ولکن عذاب خدای سخت است واز مردمان کس هست که همی خصومت کند در خدای بی

علم ويتبع كل شيطان مريد كتب عليه انه من تولاه

دانشی و پیروی کند هر شیطانی بر معصیت نوشته اند بران که هرکه با وی مولات کند

فانه يضله ويهديه الى عذاب السعير يا ايها الناس

بدرستی که بیراه کند اورا و راه نماید اورا بعذاب آتش سوزان ای مردمان اگر

ان كنتم في ريب من البعث فانا خلقناكم من تراب ثم

اگر باشید در شک از انگیختن بدرستی که بیافریدیم شمارا از خاک پس

من نطفة ثم من علقة ثم من مضغة مخلقة وغير مخلقة

از نطفه انگه از خونی بسته انگه از پاره گوشت تمام خلق و دیگر ناتمام یعنی بچه نارسیده که از رحم مادر بیفتد

لنبين لكم ونقر في الارحام ما نشاء الى اجل مسمى ثم

تا پدید کنیم شمارا و قرار دهیم در رحمها انچه خواهیم تا وقتی معلوم انگه

نخرجكم طفلا ثم لتبلغوا اشدكم ومنكم من يتوفى ومنكم

بیرون آریم شمارا اندر طفلی تا برسید تمام عقل و قوت شما و از شما کس است که تمام کند اجل وی و از شما

من يرد الى ارذل العمر لكيلا يعلم من بعد علم شيئا

کس بود که بازگردانید با ضعیفترین عمرها تا چنان شود که نداند از پس آن که همی دانست چیزی

وترى الارض هامدة فاذا انزلنا عليها الماء اهتزت

و بینی زمین را خشک و مندرس پس چون فرو فرستیم ما بروی آب بجنبد بنبات

وربت وانبتت من كل زوج بهيج ذلك بان الله هو الحق

و بیفزاید و برویاند از هر نباتی جفتی نیکو این از بهر آنست تا ایمان آورند که او خدای حقیقت

وانه يحيي الموتى وانه على كل شيء قدير وان الساعة اتية

واو زنده کند مردگانرا واو بر هر چیزی تواناست و بدرستی که قیامت خواهد آمد

لا ريب فيها وان الله يبعث من في القبور ومن الناس

شک نیست دران و بدرستی که خدای برانگیزاند انکس در گورها اند واز مردمان

من يجادل في الله بغير علم ولا هدى ولا كتاب منير

انکس که خصومت میکند در خدای بی بیانی و بی راهی و بی کتابی روشن

ثاني عطفه ليضل عن سبيل الله له في الدنيا خزي ونذيقه

پیچان دارد پهلوی خویش تا بی راه کند از طاعت خدای اوراست در دنیا رسوائی و عذابی و بچشانیم اورا

يوم القيمة عذاب الحريق ذلك بما قدمت يداك وان الله

روز قیامت عذاب سوزان این آنست که ازانچه فرستاده است دستهای تو و خدای

ليس بظلام للعبيد ومن الناس من يعبد الله على حرف

نیست ظلم کننده بر بندگان خود واز مردمان کس است که همی پرستد خدا را بر کناری

فان اصابه خير اطمان به وان اصابته فتنة انقلب

پس اگر فرا وی رسد خیری و مالی آرام گیرد بدان و اگر فرا وی رسد بلائی برگردد

على وجهه خسر الدنيا والاخرة ذلك هو الخسران المبين

بران روی از انچه امده است زیان کار این جهان و آن جهان است آنست که هست زیانی ظاهر

يدعوا من دون الله ما لا يضره وما لا ينفعه ذلك هو الضلال
همی خواند از جز خدای انچه اورا زیان نتوانست کرد وآنچه اورا سود نتوان کرد انست که هست کمرای

البعيد ۞ يدعوا لمن ضره اقرب من نفعه لبئس المولى ولبئس
دور میخواند آنکس را که مضرت بوی نزدیکتر از منفعت وی بدا نام وبدا

العشير ۞ ان الله يدخل الذين امنوا وعملوا الصالحات جنات
یار که آنست بدرستی که خدا درآرد آنکسانی که ایمان آرند وکارها شایسته کنند اند بهشتها

تجرى من تحتها الانهار ان الله يفعل ما يريد ۞ من كان يظن
که همیرود از زیر آن جویها بدرستی که خدا کند هرچه خواهد هرکه همی پندارد

ان لن ينصره الله في الدنيا والاخرة فليمدد بسبب الى
که نصرة نکند خدای یا محمد در دنیا وآخرة بکشاد بوسی به

السماء ثم ليقطع فلينظر هل يذهبن كيده ما يغيظ ۞
آسمان اگه ببراد اگه بنگراد ای همی ببرد حیلت وی آنچه ویرا بخشم آورد

وكذلك انزلناه ايات بينات وان الله يهدى من
وهمچنین فرو فرستادیم سختها روشن وبدرستی که خدا راه نماید آنکس را

يريد ۞ ان الذين امنوا والذين هادوا والصابئين والنصارى
که خواهد بدرستی که ایشان که بگرویدند وایشان جهودند وصابیان که ستاره را سجده کنند وترسایان

والمجوس والذين اشركوا ان الله يفصل بينهم يوم القيمة
وگبران وایشان که انباز گرفتند بتان را بدرستی که خدای حکم کند میان ایشان روز رستاخیز

ان الله على كل شيء شهيد ۞ الم تر ان الله يسجد له من في
بدرستی که خدا بر هر چیزی گواه است نمیدانی که خدارا سجود میکنند هرکه در

السموات ومن في الارض والشمس والقمر والنجوم والجبال
آسمانها وهرکه در زمین است وخورشید وماه وستارگان وکوهها

والشجر والدواب وكثير من الناس وكثير حق عليه العذاب
ودرختان وجنبندگان وفراوان از مردمان وفراوانی از مردمان که برایشان حکم عذاب رفته

ومن يهن الله فما له من مكرم ان الله يفعل ما يشاء ۞
وهرکه خوار کرد خدا اورا نیست اورا نوازنده بدرستی که خدا آن کند که خود خواهد

هذان خصمان اختصموا في ربهم فالذين كفروا قطعت
این کروه جنگ کنان که باهم برآویختند در خدای خویش اما ایشان که کافر شدند بریده اند

لهم ثياب من نار يصب من فوق رءوسهم الحميم ۞
ایشانرا جامه از آتش میریزند از زبر سرهای ایشان آب گرم

يصهر به ما في بطونهم والجلود ولهم مقامع من حديد ۞ كلما
میگدازند بان آنچه در شکمهای ایشان وپوستهای ایشان وایشانراست مقمعهای از آهن هرکه

ارادوا ان يخرجوا منها من غم اعيدوا فيها وذوقوا عذاب
که خواهند که بیرون کنند ایشانرا ازان از غمی بازگردانند دران وگویند چشید عذاب

الحريق ۞ ان الله يدخل الذين امنوا وعملوا الصالحات جنات
آتش سوزان بدرستی که خدای درآرد آنکسانی که بگرویدند وکردند نیکیها در بهشتها

تجرى من تحتها الانهار يحلون فيها من اساور من ذهب
که میرود از زیر درختان آن جویهای آب می آرایند ایشانرا در آن از دستینها از زر

ولؤلؤا ولباسهم فيها حرير ۞ وهدوا الى الطيب من
ومروارید وپوشش ایشان دران حریر وراه نمودند ایشانرا بان سخن پاک از

القول وهدوا الى صراط الحميد ۞ ان الذين كفروا
وراه نمودند براه خداوند ستوده بدرستی که آنکسانی که کافر شدند

ويصدون عن سبيل الله والمسجد الحرام الذى جعلناه للناس
ومیگردانند از راه خدای واز مسجد حرام آن که کردیم مردمانرا

سواء العاكف فيه والباد ومن يرد فيه بالحاد بظلم

یکسانست مقیم دران شهری و دشتی و غریب و هر که خواهد دران گرکاری ستمکاری

نذقه من عذاب اليم ۝ واذ بوأنا لابرهيم مكان البيت ان لا

بچشانیمش از عذاب سخت ۝ اگر که جای ساختیم ابراهیم را جایگاه خانه [illegible]

تشرك بي شيئا وطهر بيتي للطائفين والقائمين والركع

انباز مگیر با من هیچ چیز و پاک دار خانه من از بهر طواف کنندگان و ایستادگان و رکوع کنندگان

السجود ۝ واذن في الناس بالحج ياتوك رجالا وعلى كل ضامر

و سجود کنندگان ۝ و بانگ زن در مردمان بگزاردن حج تا آیند بتو پیادگان و بر هر شتری لاغر گشته

ياتين من كل فج عميق ۝ ليشهدوا منافع لهم ويذكروا

می آیند از هر راهی دور ۝ تا بمنفعتها حاضر شوند و یاد کنند

اسم الله في ايام معلومات على ما رزقهم من بهيمة الانعام

خدا را در روزهای دانسته بر آنچه خدا روزی داد ایشانرا از ستوران زبان بسته

فكلوا منها واطعموا البائس الفقير ۝ ثم ليقضوا تفثهم

بس بخورید از آن و خورانید مستمند درویش را ۝ بس تا بگذارند [illegible]

وليوفوا نذورهم وليطوفوا بالبيت العتيق ۝ ذلك ومن

و بگزارند نذرها خویش و تا طواف کنند گرد آن خانه آزاد ۝ اینست و هر که

يعظم حرمات الله فهو خير له عند ربه واحلت لكم

بزرگ دارد آزرمهای خدای بس آن بهترست او را نزدیک خداوند او و حلال کرده آمد شما را

الانعام الا ما يتلى عليكم فاجتنبوا الرجس من الاوثان واجتنبوا

چهارپایان مگر آنچه میخوانند بر شما بس دور باشید از بتان پلید و بپرهیزید

قول الزور ۝ حنفاء لله غير مشركين به ومن يشرك بالله

از سخن دروغ ۝ [illegible] خدای را نه انباز گیرندگان و هر که انباز گیرد بخدای

فكانما خر من السماء فتخطفه الطير او تهوي به الريح

بس چنانست که درافتاد از آسمان تا برباید او را مرغ یا باد او را برد باد

في مكان سحيق ۝ ذلك ومن يعظم شعائر الله فانها من تقوى

در جای دور ۝ اینست و هر که بزرگ دارد نشانهای خدای بدرستی که آن از پرهیزگاری

القلوب ۝ لكم فيها منافع الى اجل مسمى ثم محلها الى

دلهاست ۝ شما را در آن منفعتهاست تا زمانی نام زده کرده [illegible]

البيت العتيق ۝ ولكل امة جعلنا منسكا ليذكروا اسم الله

خانه آزاد ۝ و هر گروهی را دادیم قربانی و ساختیم جای قربت تا یاد کنند نام خدا

على ما رزقهم من بهيمة الانعام فالهكم اله واحد

بر آنچه روزی داد ایشانرا از چهارپایان بسته زبان خداوند شما خدایست یکتا

فله اسلموا وبشر المخبتين ۝ الذين اذا ذكر الله وجلت

بس او را گردن نهید و شادکن فروتنان را ۝ آنکسان که چون یاد کنند خدا را بترسد

قلوبهم والصابرين على ما اصابهم والمقيمي الصلوة

دلها ایشان و شکیبایان بر آنچه رسد بایشان و بپای دارندگان نماز

ومما رزقناهم ينفقون ۝ والبدن جعلناها لكم من شعائر

و از آنچه روزی دادیم ایشانرا نفقه میکنند ۝ و آن شتران کشتنی بساختیم ما آنرا شما را از نشانهای

الله لكم فيها خير فاذكروا اسم الله عليها صواف فاذا

خدای شما را در آن نیکیهاست بس نام برید نام خدا را بر آن [illegible]

وجبت جنوبها فكلوا منها واطعموا القانع والمعتر

[illegible] بس بخورید از آن و خورانید [illegible]

كذلك سخرناها لكم لعلكم تشكرون ۝ لن ينال الله

همچنین نرم کردیم آنرا شما را مگر شما سپاس داری کنید ۝ نرسد خدای

حزب

لحومها ولا دماؤها ولكن يناله التقوى منكم كذلك
گوشتهاء آن و نه خونهاء آن ولیکن رسد بار پرهیزگاری از شما همچنین

سخرها لكم لتكبروا الله على ما هديكم وبشر المحسنين ۝ ان الله
فرمان بردار کرده شما را تا به بزرگی یاد کنید خدا برانچه راه نمود شما را و بشارت ده نیکوکاران را بدرستی که خدا

يدافع عن الذين امنوا ان الله لا يحب كل خوان كفور ۝ اذن
باز دارد از گروندگان کید دشمن بدرستی که خدا دوست ندارد هر خواری ناسپاس دستوری داده

للذين يقاتلون بانهم ظلموا وان الله على نصرهم لقدير ۝
ان را که جنگ کنید با دشمن از بهر آن بیداد کردند و بدرستی که خدای بر یاری دادن ایشان تواناست

الذين اخرجوا من ديارهم بغير حق الا ان يقولوا ربنا الله
ایشان که بیرون کردند از خان و مان ایشان بناشایست مگر انکه میگفتند که پروردگار ما خدای است

ولولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع
و اگر نه باز داشت خدا بودی که مردمان را از یکدیگری باز داشت فرو شکستی صومعهای راهبان

وبيع وصلوات ومساجد يذكر فيها اسم الله كثيرا
و کلیسیهای ترسایان و کنشتهای جهودان و مسجدهاء مسلمانان یاد کرده میشود در آن نام خدا بسیار

ولينصرن الله من ينصره ان الله لقوي عزيز ۝ الذين
و بدرستی که یاری دهد خدای انکس را که یاری دهد او را بدرستی که خدا با نیروی است بی همتا ایشان

ان مكناهم في الارض اقاموا الصلوة واتوا الزكوة وامروا
که جای دهیم ایشان را در زمین بپای دارند نماز و بدهند زکوة مال و فرمایند

بالمعروف ونهوا عن المنكر ولله عاقبة الامور ۝ وان
به نیک کاری و باز دارند از ناپسند و خدایراست سرانجام همه کارها و اگر

يكذبوك فقد كذبت قبلهم قوم نوح وعاد وثمود ۝ وقوم
دروغ زن گیرند ترا بدرستی که دروغ زن گرفت پیش از ایشان قوم نوح و عاد و ثمود و قوم

ابرهيم وقوم لوط واصحاب مدين وكذب موسى فامليت
ابرهیم و قوم لوط و قوم شعیب و دروغ زن گرفت موسی را فرا گذاشتیم

للكافرين ثم اخذتهم فكيف كان نكير ۝ فكاين من قرية
مر کافران را انگه فرا گرفت ایشان را چون بود ناپسندیدن من ای بسا شهرها

اهلكناها وهي ظالمة فهي خاوية على عروشها وبئر معطلة
که هلاک کردیم ما آن را و انگه ستمکار بودند انکه آن شهر خالی دیوارها افتاده بر کارها و چاه باز مانده

وقصر مشيد ۝ افلم يسيروا في الارض فتكون لهم قلوب
و کوشک استوار باز مانده از شهریان برنوشتند در زمین پس بودندی ایشان را دلها

يعقلون بها او اذان يسمعون بها فانها لا تعمى الابصار
که دانستند بآن دلها یا گوشها بودندی یا شنیدندی بآن که آن چشمها سر نابینا نیست

ولكن تعمى القلوب التي في الصدور ۝ ويستعجلونك
ولیکن چشمهاء دل نابیناست که در بردهاست و می شتابانیدند ترا

بالعذاب ولن يخلف الله وعده وان يوما عند ربك كالف
بعذاب و خلاف نکند خدای وعده خویش و بدرستی که روزی بنزد خداوند تو چون هزار

سنة مما تعدون ۝ وكاين من قرية امليت لها وهي ظالمة
سال از آنچه شما می شمرید وای بسا شهرا که درنگ دادیم آن را و ایشان بر ستمکاری خویش

ثم اخذتها والي المصير ۝ قل يا ايها الناس انما انا لكم
انگه فرا گرفتیم آن را و بازگشت بامن بگوای مردمان بدرستی که من شما را

نذير مبين ۝ فالذين امنوا وعملوا الصالحات لهم مغفرة
بیم نمای آشکارا پس ایشان که گرویدند و کردند کارهای نیک ایشان را آمرزش است

ورزق كريم ۝ والذين سعوا في اياتنا معاجزين اولئك
و روزی نیکوی بی رنج و ایشان خواستند در سخنان ما تا گروند کان را عاجز آرند ایشان

اصحاب الجحيم ۝ وما ارسلنا من قبلك من رسول ولا نبي

اصحاب دوزخ اند و نفرستادیم پیش از تو هرگز فرستاده و نه هیچ پیغمبری

الا اذا تمنى القى الشيطان في امنيته فينسخ الله ما يلقي

مگر اگه کتاب خدا می‌خواند در افکند دیو چیزی در خواندن آن پس در افکند خدای آنچه بیفکند

الشيطان ثم يحكم الله اياته والله عليم حكيم ۝

دیو پس محکم کرداند خدای از سخنان خویش و خدای داناست راست و آن

ليجعل ما يلقي الشيطان فتنة للذين في قلوبهم مرض والقاسية قلوبهم

گرداند آنرا تا آنچه در افکند دیو تباهی کرد دلها ایشان بیمارست و ایشانرا که سخت دلان اند

وان الظالمين لفي شقاق بعيد ۝ وليعلم الذين اوتوا العلم

و بدرستی که ستمکاران در ستیز اند دور و تا بدانند ایشانرا که داده اند علم

انه الحق من ربك فيؤمنوا به فتخبت له قلوبهم وان الله

که آن حکم حق است از خداوند تو پس ایمان آورند بدان و نرم گردد بدان دلها ایشان و بدرستی که خدای

لهاد الذين امنوا الى صراط مستقيم ۝ ولا يزال الذين كفروا

راه نمای مومنان است آنان که ایمان آورده اند براه راست و همیشه در گمان اند آنانکه کافر شدند

في مرية منه حتى تاتيهم الساعة بغتة او ياتيهم

در این نامه که بتو آمد و تا آنکه که بایشان آید رستاخیز ناگاه یا بایشان که آید

عذاب يوم عقيم ۝ الملك يومئذ لله يحكم بينهم

عذاب روز بدتر پادشاهی آنروز خدای راست حکم کند میان ایشان

فالذين امنوا وعملوا الصالحات في جنات النعيم ۝

و آنان که بگرویدند و کردند کارهای نیکو در بهشتها با ناز و نعمت اند

والذين كفروا وكذبوا باياتنا فاولئك لهم عذاب مهين ۝

و آنان که کافر شدند و بدروغ داشتند سخنهای ما و آنانند که ایشانراست عذابی خوار کننده

فتنة للذين
تباهی و آزمایشی کند
مر کسانی

والذين هاجروا في سبيل الله ثم قتلوا او ماتوا ليرزقنهم الله

و آنان که هجرت کردند در راه خدای پس کشته شدند یا بمردند هر آینه روزی دهد ایشانرا خدای

رزقا حسنا وان الله لهو خير الرازقين ۝ ليدخلنهم مدخلا

روزی دادنی نیکو و بدرستی که خداست بهتر روزی کنندگان در آرد ایشانرا در آوردنی

يرضونه وان الله لعليم حليم ۝ ذلك ومن عاقب بمثل ما

پسندیده آنرا و بدرستی که خدا داناست فروگذار اینست حکم خدای و آنکس که عقوبت کند بمانندان که

عوقب به ثم بغي عليه لينصرنه الله ان الله لعفو غفور ۝

او را عقوبت کرده بودند بآن پس افزونی جوید برو هر آینه یاری دهد او را خدای بدرستی که خدای فروگذارنده است آمرزگار

ذلك بان الله يولج الليل في النهار ويولج النهار في الليل

آنست نصر مظلوم بدرستی که خدا در می آرد شب در روز و در می آرد روز در شب

وان الله سميع بصير ۝ ذلك بان الله هو الحق وان ما يدعون

و بدرستی که خدا شنواست بینا آن نصرت مظلوم بسبب آنست که خدای اوست که راست و آنچه می خوانند

من دونه هو الباطل وان الله هو العلي الكبير ۝ الم تر ان

جز از خدای او ناچیزست و بدرستی که خدای برتر و مهترست نمی بینی که

الله انزل من السماء ماء فتصبح الارض مخضرة ان الله

خدا فرود فرستاد از آسمان آبی تا بینی زمین سبز گشته بدرستی که خدا

لطيف خبير ۝ له ما في السماوات وما في الارض وان الله

باریک داننده است آگاه او راست آنچه در آسمان و آنچه در زمین است و بدرستی که خدا

لهو الغني الحميد ۝ الم تر ان الله سخر لكم ما في الارض

او بی نیازست و ستوده نمی بینی که خدای نرم کرد شما را آنچه در زمین است

والفلك تجري في البحر بامره ويمسك السماء ان تقع على

و کشتی میرود در دریا بفرمان او و نگه دارد آسمان را تا که افتد بر

الأرض الا باذنه ان الله بالناس لرؤف رحيم ۝ وهو

الذى احياكم ثم يميتكم ثم يحييكم ان الانسان

لكفور ۝ لكل امة جعلنا منسكا هم ناسكوه فلا ينازعنك

فى الامر وادع الى ربك انك لعلى هدى مستقيم ۝

وان جادلوك فقل الله اعلم بما تعملون ۝ الله يحكم

بينكم يوم القيمة فيما كنتم فيه تختلفون ۝ الم تعلم

ان الله يعلم ما فى السماء والارض ان ذلك فى كتاب

ان ذلك على الله يسير ۝ ويعبدون من دون الله ما لم

ينزل به سلطانا وما ليس لهم به علم وما للظالمين من نصير ۝

واذا تتلى عليهم اياتنا بينات تعرف فى وجوه الذين

كفروا المنكر يكادون يسطون بالذين يتلون عليهم

اياتنا قل افانبئكم بشر من ذلكم النار وعدها الله الذين

كفروا وبئس المصير ۝ يا ايها الناس ضرب مثل فاستمعوا

له ان الذين تدعون من دون الله لن يخلقوا ذبابا ولو اجتمعوا

له وان يسلبهم الذباب شيئا لا يستنقذوه منه ضعف

الطالب والمطلوب ۝ ما قدروا الله حق قدره ان الله لقوى

عزيز ۝ الله يصطفى من الملائكة رسلا ومن الناس ان

الله سميع بصير ۝ يعلم ما بين ايديهم وما خلفهم والى الله

ترجع الامور ۝ يا ايها الذين امنوا اركعوا واسجدوا واعبدوا

ربكم وافعلوا الخير لعلكم تفلحون ۝ وجاهدوا فى الله

حق جهاده هو اجتبكم وما جعل عليكم فى الدين من حرج

ملة ابيكم ابرهيم هو سمكم المسلمين من قبل وفى هذا

الجزء الثامن عشر

ليكون الرسول شهيدا عليكم وتكونوا شهداء على الناس فاقيموا
تا بود رسول گواه بر شما وباشید شما گواهان وذا بر دیگران پس بپای دارید

الصلوة واتوا الزكوة واعتصموا بالله هو مولىكم فنعم المولى ونعم النصير
نماز را وبدهید زکوة مال ودست زنید بخدای اوست خداوند شما نیک خداوندیست ونیک یار

سورة المؤمنون مائة وثمان عشرة آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشنده بخشاینده

قد افلح المؤمنون ۝ الذين هم في صلوتهم خاشعون ۝ والذين هم
بدرستی که برستند گروندگان ایشان که در نماز خویش از امیدگان وفروتنان اند وایشان

عن اللغو معرضون ۝ والذين هم للزكوة فاعلون ۝ والذين هم لفروجهم
که از ناکار روی برگردانیده اند وایشان که زکوة بدهند به مستحقان وایشان که فرجهای خویش

حافظون ۝ الا على ازواجهم او ما ملكت ايمانهم فانهم
نگه دارند از زنا مگر بر جفتان خویش یا بر بردگان خویش که ایشان که زنان دارند

غير ملومين ۝ فمن ابتغى وراء ذلك فاولئك هم العادون ۝
پاکیزگان نکوهیده هر که بیرون ازان چیزی جوید ایشان از اندازه بسد درگذشتگان اند

والذين هم لاماناتهم وعهدهم راعون ۝ والذين هم على صلواتهم
وایشان که امانتها وعهدها خویش گوش دارانند وایشان که بر نمازها خویش

يحافظون ۝ اولئك هم الوارثون ۝ الذين يرثون الفردوس هم
ایستادگانند ایشان که بهشت را میراث برانند ایشان که بجای فشد بهشت ایشان

فيها خالدون ۝ ولقد خلقنا الانسان من سلالة من طين ۝
دران جاویدان اند بدرستی که بیافریدیم مردم را از گلی ساخته گشته

عظما فكسونا العظم

ثم جعلناه نطفة في قرار مكين ۝ ثم خلقنا النطفة علقة
پس انگه گردیدیم اورا نطفه در آرامگاهی استوار پس گردیدیم آن نطفه را خونی بسته

فخلقنا العلقة مضغة فخلقنا المضغة عظاما فكسونا
انگه گردیدیم آن خون را پاره گوشت انگه گردیدیم آن مضغه را استخوان انگس پوشانیدیم

العظام لحما ثم انشاناه خلقا اخر فتبارك الله احسن
ان استخوانها واندامها را گوشت پس اورا آفریدیم آفریدنی دیگر با آفرین خدای که نیکو نگارتر

الخالقين ۝ ثم انكم بعد ذلك لميتون ۝ ثم انكم يوم القيمة
نگارندگان است وآفرینندگان پس شما بعد ازین مردگانید پس انگه شمارا روز رستاخیز

تبعثون ۝ ولقد خلقنا فوقكم سبع طرائق وما كنا عن الخلق
از خاک برانگیزانیم وزنده کنیم بدرستی که بیافریدیم ما زبر شما هفت طبقه آسمان ونبودیم از آفریدن خویش

غافلين ۝ وانزلنا من السماء ماء بقدر فاسكناه
نا آگاه وفرو فرستادیم از آسمان آبی باندازه پس جای دادیم آن را

في الارض وانا على ذهاب به لقادرون ۝ فانشانا لكم به
در زمین وما بر بردن آن آب با همه جای توانائیم پیافریدیم بآن آب شمارا

جنات من نخيل واعناب لكم فيها فواكه كثيرة ومنها
بهشتها از خرماستان وانگورها شمارا دران میوها بسیار وازان

تاكلون ۝ وشجرة تخرج من طور سيناء تنبت بالدهن
میخورند وبیافریدیم درختی که بیرون می آید از سنگ کوه آن کوه نیکو بیرون می آید وبا خود روغن می آرد

وصبغ للاكلين ۝ وان لكم في الانعام لعبرة نسقيكم
ونان خورش می آرد نان خواران وبدرستی که شمارا در چهار پایان عبرتست می آشامانیم

مما في بطونها ولكم فيها منافع كثيرة ومنها تاكلون ۝ وعليها وعلى
ازان شیر که در شکمها ایشانست وشمارا دران سودها واوانست وازان میخورند وشمارا وشمارا در بسیها ایشان

الفلك تحملون ۝ ولقد ارسلنا نوحا الى قومه فقال يا قوم

کشتی بر میدارند ۝ و بدرستی که پیغام فرستادیم نوح را بقوم او تا گفت ای قوم

اعبدوا الله ما لكم من اله غيره افلا تتقون ۝ فقال الملأ

بپرستید خدای را نیست شما را خدای جز او بپرهیزید از خدای او پس گفتند پیشوایان قوم او

الذين كفروا من قومه ما هذا الا بشر مثلكم يريد ان يتفضل

آنان که کافر بودند نیست این مرد مگر مردی مانند شما میخواهد که او افزونی یابد

عليكم ولو شاء الله لانزل ملائكة ما سمعنا بهذا في

بر شما و اگر خواستی خدای پیغام فرو فرستادی فرشتگان را نشنیدیم این سخن را از آسمان در پدران

آبائنا الاولين ۝ ان هو الا رجل به جنة فتربصوا به حتى حين

روزگار پیشینیان ما ۝ نیست این مگر مردی که در دیوانگیست درنگ میدارید او را تا گاهی

قال رب انصرني بما كذبون ۝ فاوحينا اليه ان اصنع الفلك

گفت نوح خداوندا من یاری ده مرا بانچه دروغ زن گرفتند ۝ پیغام دادیم باو که کرد کشتی کن

باعيننا ووحينا فاذا جاء امرنا وفار التنور ۝ فاسلك

بر دیدار چشمهای ما و پیغام ما چون آید فرمان ما و از میان تنور تا آب برآید در آر

فيها من كل زوجين اثنين واهلك الا من سبق عليه

در آن کشتی از هر جفتی جفت جفت و کسان خود را مگر کسی که پیشی کرد بر او

القول منهم ولا تخاطبني في الذين ظلموا انهم مغرقون

سخن خدای ازیشان و با من سخن مگو در آنان که ستم کردند که ایشان غرق کردگانند

فاذا استويت انت ومن معك على الفلك فقل الحمد لله

پس چون نشستی بکشتی تو و آنان که با تو اند بر کشتی پس بگو ستایش خدای راست

الذي نجانا من القوم الظالمين ۝ وقل رب انزلني منزلا مباركا

که باز رهانید ما را از قوم ستمکاران ۝ و بگوی خداوند من فرود آر مرا فرود آوردنی با برکت

وانت خير المنزلين ۝ ان في ذلك لآيات وان كنا لمبتلين

و تو بهتر فرود آورندگانی ۝ بدرستی که در این قصه نوح نشانهاست و بدرستی که ما آزمایندگان

ثم انشأنا من بعدهم قرنا آخرين ۝ فارسلنا فيهم رسولا منهم

انگه پدید کردیم از پس ایشان گروهی دیگر ۝ پس فرستادیم ما در ایشان رسولی از ایشان

ان اعبدوا الله ما لكم من اله غيره افلا تتقون ۝ وقال الملأ

که بپرستید خدای را نیست شما را خدای جز او ای بپرهیزید ۝ و گفتند پیشوایان

من قومه الذين كفروا وكذبوا بلقاء الآخرة واترفناهم في

از قوم او آنان که کافر شدند و بدروغ داشتند دیدار رستاخیز و دادیم ایشان را در فراخی

الحيوة الدنيا ما هذا الا بشر مثلكم يأكل مما تأكلون

و زندگانی این جهان نیست این مگر مردی مانند شما میخورد از آنچه شما میخورید

منه ويشرب مما تشربون ۝ ولئن اطعتم بشرا مثلكم انكم اذا

از آن و می‌آشامد از آنچه شما می‌آشامید ۝ و اگر فرمان برید مردی مانند خود بدرستی که شما آنگاه

لخاسرون ۝ ايعدكم انكم اذا متم وكنتم ترابا وعظاما

زیان کارانید ۝ می‌وعده دهد شما را که شما چون بمیرید و گردید خاک و استخوان ریزیده

انكم مخرجون ۝ هيهات هيهات لما توعدون ۝ ان هي

بدرستی که شما بیرون آیند ۝ دور است دور است آنچه وعده میدهند ۝ نیست

الا حياتنا الدنيا نموت ونحيا وما نحن بمبعوثين ۝ ان هو

مگر زندگانی این جهان ما میمیریم و میزییم و نیستیم ما انگیختنی ۝ نیست او

الا رجل افترى على الله كذبا وما نحن له بمؤمنين ۝ قال رب

مگر مردی که دروغ ساخت بر خدای دروغ و ما او را استوار دارندگان نیستیم ۝ گفت پیغامبر خداوندا

انصرني بما كذبون ۝ قال عما قليل ليصبحن نادمين

یاری ده مرا بانچه دروغ زن گرفتند ۝ گفت خدای اندکی زود باشد که گردند پشیمانان

فأخذتهم الصيحة بالحق فجعلناهم غثاء فبعدا للقوم الظالمين ۝
پس فرو گرفت ایشانرا بانگ جبرئیل براستی پس گردانیدیم ایشانرا چون خاشاک سر سیل دورتر و قوم ستمکاران

ثم أنشأنا من بعدهم قرونا آخرين ۝ ما تسبق من أمة أجلها
پس بیافریدیم از پس ایشان قرنها دیگران پیش نشد هیچ گروه وقت خویش

وما يستأخرون ۝ ثم أرسلنا رسلنا تترى كلما جاء
و نه باپس ماندند پس رسولان خویشرا فرستادیم دمادم و سایی هرگه که آمد

أمة رسولها كذبوه فأتبعنا بعضهم بعضا وجعلناهم
بگروهی فرستاده ایشان دروغ زن گرفتند اورا در پی یکدیگر بفرستیم بعضی پیغمبران خویش و کردیم ایشانرا

أحاديث فبعدا لقوم لا يؤمنون ۝ ثم أرسلنا موسى وأخاه
سمری دورتر باد از گروه ناگروندگان پس فرستادیم ما موسی را و برادر وی

هارون بآياتنا وسلطان مبين ۝ إلى فرعون وملائه فاستكبروا
هارون به پیغامها ما و حجت اشکارا بفرعون و کسان او گردن کشیدند

وكانوا قوما عالين ۝ فقالوا أنؤمن لبشرين مثلنا وقومهما
و بودند قومی برافراشتگان پس گفتند ما بگرویم دو مرد را مانند ما و قوم ایشان هر دو

لنا عابدون ۝ فكذبوهما فكانوا من المهلكين ۝ ولقد
ما را بندگان بودند دروغ زن گرفتند ایشانرا تا بودند از هلاک گشتگان و بدرستی

آتينا موسى الكتاب لعلهم يهتدون ۝ وجعلنا ابن مريم
کرداديم ما موسی را نامه تا او و قوم او بآن راه برند و کردیم ما پسر مریم را

وأمه آية وآويناهما إلى ربوة ذات قرار ومعين ۝
و مادر او را نشان جهان و باز آوردیم ایشانرا با بالایی با آرام گاه و آب روان

يا أيها الرسل كلوا من الطيبات واعملوا صالحا إني بما تعملون
ای پیغامبران بخورید از پاکیها و بکنید کار نیکو بدرستی که من بکردار شما

السبع الخامس

عليم ۝ وإن هذه أمتكم أمة واحدة وأنا ربكم فاتقون ۝ فتقطعوا
دانا ام و بدرستی که این دین شماست یک دین و یک ملت و منم خدای شما پس بپرهیزید پس پاره پاره کردند

أمرهم بينهم زبرا كل حزب بما لديهم فرحون ۝ فذرهم
دین خویشرا میان ایشان قصه قصه گروه گروه هر گروهی با آنچه در پیش ایشانست شادند پس بگذار ایشانرا

في غمرتهم حتى حين ۝ أيحسبون أنما نمدهم به من مال وبنين
در آن غرقاب که هستند تا هنگامی می پندارند ایشان که آنچه میفزاییم ایشانرا از مال و پسران

نسارع لهم في الخيرات بل لا يشعرون ۝ إن الذين هم من خشية
می شتابیم ایشانرا در نیکی نه که ایشان نادانند بدرستی که آنکسانی که از ترس

ربهم مشفقون ۝ والذين هم بآيات ربهم يؤمنون ۝ والذين هم
خداوند خویش ترسانند و آنکسان که بسخنان خداوند خود میگروند و آنکسان

بربهم لا يشركون ۝ والذين يؤتون ما آتوا وقلوبهم وجلة
که بخداوند خود انباز نیارند و آنکسان که می آرند و میدهند آنچه دارند و دلهای ایشان ترسایان

أنهم إلى ربهم راجعون ۝ أولئك يسارعون في الخيرات وهم
که ایشان بسوی خداوند خویش گردند ایشان که می شتابند در نیکیها و ایشان

لها سابقون ۝ ولا نكلف نفسا إلا وسعها ولدينا
آنرا پیشوایان اند و ننهیم بر هیچ کس بار کم طاقت و توان او و نزدیک ماست

كتاب ينطق بالحق وهم لا يظلمون ۝ بل قلوبهم في غمرة من هذا
کتابی که سخن میگوید براستی و برایشان ستم نیاید بلکه دلهای ایشان در غرقه غفلت از این سخن

ولهم أعمال من دون ذلك هم لها عاملون ۝ حتى إذا أخذنا
و ایشانرا کردارهاست از غیر آن ایشان آنرا کنندگان اند تا انگاه که فرا گرفتیم

مترفيهم بالعذاب إذا هم يجأرون ۝ لا تجأروا اليوم إنكم منا
نازنینان ایشانرا بعذاب ایشان از آن بانگ و زاری در گردند بانگ مکنید که وی [illegible] از شما از ما

لا تنصرون ۝ قد كانت ءاياتى تتلى عليكم فكنتم على اعقابكم
تنكصون ۝ مستكبرين به سامرا تهجرون ۝ افلم يدبروا
القول ام جاءهم ما لم يات اباءهم الاولين ۝ ام لم يعرفوا
رسولهم فهم له منكرون ۝ ام يقولون به جنة بل جاءهم
بالحق واكثرهم للحق كارهون ۝ ولو اتبع الحق اهواءهم لفسدت
السموات والارض ومن فيهن بل اتيناهم بذكرهم فهم عن
ذكرهم معرضون ۝ ام تسئلهم خرجا فخراج ربك خير وهو
خير الرازقين ۝ وانك لتدعوهم الى صراط مستقيم ۝ وان الذين
لا يؤمنون بالاخرة عن الصراط لناكبون ۝ ولو رحمناهم وكشفنا
ما بهم من ضر للجوا فى طغيانهم يعمهون ۝ ولقد اخذناهم
بالعذاب فما استكانوا لربهم وما يتضرعون ۝ حتى اذا فتحنا

220

عليهم بابا ذا عذاب شديد اذا هم فيه مبلسون ۝ وهو
الذى انشا لكم السمع والابصار والافئدة قليلا ما تشكرون
وهو الذى ذراكم فى الارض واليه تحشرون ۝ وهو الذى
يحيى ويميت وله اختلاف اليل والنهار افلا تعقلون ۝
بل قالوا مثل ما قال الاولون ۝ قالوا ءاذا متنا وكنا ترابا
وعظاما ءانا لمبعوثون ۝ لقد وعدنا نحن واباؤنا هذا من
قبل ان هذا الا اساطير الاولين ۝ قل لمن الارض ومن فيها
ان كنتم تعلمون ۝ سيقولون لله قل افلا تذكرون ۝
قل من رب السموات السبع ورب العرش العظيم ۝
سيقولون لله قل افلا تتقون ۝ قل من بيده ملكوت كل شىء
وهو يجير ولا يجار عليه ان كنتم تعلمون ۝ سيقولون لله

قُلْ فَأَنّٰى تُسْحَرُونَ ● بَلْ أَتَيْنَاهُمْ بِالْحَقِّ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ● مَا اتَّخَذَ

بگو پس از کجا جادو میکنید بلکه آوردیم بایشان بحق و ایشان دروغ زنانند نگرفت

اللّٰهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلٰهٍ إِذًا لَذَهَبَ كُلُّ إِلٰهٍ بِمَا خَلَقَ

خدا هرگز فرزند و نبود با او هرگز خدای دیگر مرآینه ببردی همه خدای با آنچه آفرید

وَلَعَلَا بَعْضُهُمْ عَلٰى بَعْضٍ سُبْحَانَ اللّٰهِ عَمَّا يَصِفُونَ ● عَالِمِ

و برتری جستندی بعضی بر بعضی پاکی و بی‌عیبی خدا را از آنچه بدان صفت میکنید داننده

الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَتَعَالٰى عَمَّا يُشْرِكُونَ ● قُلْ رَبِّ إِمَّا تُرِيَنِّي

نهان و آشکاراست برتر از آنست که از آن انباز گیرند بگو خداوند من اگر بنمایی بمن

مَا يُوعَدُونَ ● رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ● وَإِنَّا

آنچه وعده دهی ایشان را خداوند من مکن مرا در قوم ستمکاران و ما

عَلٰى أَنْ نُرِيَكَ مَا نَعِدُهُمْ لَقَادِرُونَ ● اِدْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ

بر باز نمودن با تو آنچه خواهد بود مرآینه توانائیم یا محمد باز ده بایشان آن نیکوتر

السَّيِّئَةَ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ ● وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ

بد را دانیم بآنچه ایشان میگویند و بگو خداوند من پناه میگیرم بتو از بد در انداختن

الشَّيَاطِينِ ● وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ ● حَتّٰى إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ

دیوان و پناه میگیرم بتو خداوند من که با من حاضر شوند تا آنکه که آید به یکی از ایشان

الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ ● لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا

مرگ گفت خداوند من باز گردانید تا مگر کنم کارهای نیک در آنچه بگذاشته ام نه چنین است

إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلٰى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ●

راستی که آن سخنیست که او خواهد گفت آن و از پس ایشان نا گذر راهست تا آن روز که برانگیزانند

فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ ●

آنگه دمیده شود در صور سود ندارد نژاد میان ایشان آن روز و نپرسند

فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ● وَمَنْ خَفَّتْ

پس هر که گران آمد ترازوی او ایشان آنند که فلاح یافتگانند و هر که سبک آید

مَوَازِينُهُ فَأُولٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ●

ترازوی او پس ایشان آنانند که زیان کارند تنهای ایشان در دوزخ اند جاودان

تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ ● أَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلٰى

می افروزد رویهای ایشان آتش و ایشان در آن تباه رویانند نه سخنان من میخواندند

عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ ● قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا

بر شما پس شما آن را تکذیب میکردید گویند خداوند ما زور کرد بر ما و بیش شد بدبختی

وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ ● رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ ●

و بودیم گروهی گم راهان پروردگار ما بیرون آر ما را ازین آب اگر باز گردیم ما ایم ستمکاران

قَالَ اخْسَئُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ ● إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِنْ عِبَادِي

گوید دور شوید ازین و سخن مگویید بامن که بود گروهی از بندگان من

يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ●

میگفتند خداوندا بگرویدیم ما بیامرز ما را و ببخشای ما را که تو بهتر بخشایندگانی

فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا حَتّٰى أَنْسَوْكُمْ ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ

پس گرفتند شما ایشان را افسوس تا فراموش کردند بر شما یاد کردن من و بودید شما از ایشان

تَضْحَكُونَ ● إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ

می خندیدید من پاداش دادم ایشان را امروز بآنکه صبر میکردند ایشان امروز رستگارانند

قَالَ كَمْ لَبِثْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ ● قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا

گوید ایشان را چند بودید در زمین بر شمار سالها گویند بودیم ما روزی

أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَاسْأَلِ الْعَادِّينَ ● قَالَ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَوْ أَنَّكُمْ

یا لختی از روزی از فرشتگان پرس که شمارگیرانند گوید آنچه بودید مگر اندکی چون نیک

كنتم تعلمون ۝ افحسبتم انما خلقناكم عبثا وانكم الينا

بوديد شما اگر دانستيد همی پنداشتند كه ما آفريديم شما را بازی‌گری و شما با ما

لا ترجعون ۝ فتعالى الله الملك الحق لا اله الا هو رب العرش

نخواهيد آمد برترست خدای پادشاهست بسزاست خدای جز او پروردگار عرش

الكريم ۝ ومن يدع مع الله الها اخر لا برهان له به فانما

بزرگوار و هركه خواند با خدای خدای ديگر نيست دليلی وحجتی او را بآن پس

حسابه عند ربه انه لا يفلح الكافرون ۝ وقل رب اغفر

شمار او نزد پروردگار او رستگاری نيابند كافران بگو پروردگار من بيامرز

وارحم وانت خير الراحمين ۝

و ببخشا و تو بهتر بخشايندگانی

سورة النور مدنية اربع وستون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاينده مهربان

سورة انزلناها وفرضناها وانزلنا فيها ايات بينات لعلكم

سوره‌ايست كه فروفرستاديم آنرا و واجب گردانيديم حكمهاء آن و فروفرستاديم درآن سخنان پيدا و روشن تا مگر شما

تذكرون ۝ الزانية والزاني فاجلدوا كل واحد منهما

پند پذيريد زن زانی و مرد زانی پس بزنيد هر يكی از ايشان را

مائة جلدة ولا تاخذكم بهما رافة في دين الله ان كنتم

صد تازيانه و نگيرد شما با ايشان مهربانی در فرمان برداری خدای اگر شما

تؤمنون بالله واليوم الاخر وليشهد عذابهما طائفة من

بگرويده ايد بخدای و روز رستاخيز و حاضر شود آنكه ايشان را زنند گروهی از

المؤمنين ۝ الزاني لا ينكح الا زانية او مشركة والزانية

مؤمنان مرد پليدكار بزنی نكند مگر زن پليدكار يا مشركه و زن پليدكار

لا ينكحها الا زان او مشرك وحرم ذلك على المؤمنين ۝ والذين

شوی نكند مگر با مرد پليدكار يا مشرك و حرام كرده‌اند آن بر گرويدگان و آنكسان

يرمون المحصنات ثم لم ياتوا باربعة شهداء فاجلدوهم ثمانين

كه دشنام دهند زنان پاك را پس اگر نيارند چهار گواه رسنده پس بزنيد ايشان را هشتاد

جلدة ولا تقبلوا لهم شهادة ابدا واولئك هم الفاسقون ۝

تازيانه و مپذيريد ايشان را گواهی هميشه و ايشان از طاعت بيرون اند

الا الذين تابوا من بعد ذلك واصلحوا فان الله غفور رحيم ۝

مگر آنان كه توبه كنند از پس اين قذف و بصلاح آرند كار خود پس براستی كه خدای آمرزنده و مهربانست

والذين يرمون ازواجهم ولم يكن لهم شهداء الا انفسهم

و آنان كه رمی كنند بزنا زنان خود و نباشد ايشان را گواهان مگر تنهاء خويشتن

فشهادة احدهم اربع شهادات بالله انه لمن الصادقين ۝

پس گواهی كردن ايشان داد بدانست كه چهار بار گواهی دهند بخدای كه او هست از راست گويان

والخامسة ان لعنت الله عليه ان كان من الكاذبين ۝ ويدرؤا

و پنج سخن گويد كه لعنت خدای بر وی كه بود او درآن سخن از دروغ زنان و باز دارد

عنها العذاب ان تشهد اربع شهادات بالله انه لمن الكاذبين ۝

ازآن عذاب آن گواهی دهد چهار گواه بخدای كه او هست از دروغ زنان

والخامسة ان غضب الله عليها ان كان من الصادقين ۝

و پنجم سخن آن زن گويد كه خشم خدای برآن زن كه بود از راست گويان

ولولا فضل الله عليكم ورحمته وان الله تواب حكيم

و اگر نه فضل خدای بودی بر شما و مهربانی او و درستی كه خدا توبه دهنده كاردانست

إن الذين جاءوا بالإفك عصبة منكم لا تحسبوه شرا لكم بل هو
بدرستی که آنکسانی که آوردند دروغ بزرگ از شما مپندارید که آن بتر بود شمارا نه که آن

خير لكم لكل امرئ منهم ما اكتسب من الإثم والذي
بهتر بود شمارا هر مردی را ازایشان پاداش آنچه کرد از بزه و آن که

تولى كبره منهم له عذاب عظيم ۝ لولا إذ سمعتموه ظن
سر رفت مهینه آن کار را از ایشان ایشانراست عذابی بزرگ چرا نه آنگاه که شنیدند آن گمان

المؤمنون والمؤمنات بأنفسهم خيرا وقالوا هذا إفك مبين ۝
مردان گرویده و زنان گرویده بهم دینان خود خیری و گفتندی این سخن دروغی روشنست

لولا جاءوا عليه بأربعة شهداء فإذ لم يأتوا بالشهداء فأولئك
چرا نیاوردند برآنچه گفتند چهار گواه جون نیاوردند گواه ایشان پس ایشان

عند الله هم الكاذبون ۝ ولولا فضل الله عليكم ورحمته في
بنزدیک خدای دروغ زنان اند و اگر نه فضل خدای بودی بر شما و مهربانی او در

الدنيا والآخرة لمسكم فيما أفضتم فيه عذاب عظيم ۝
دنیا و آخرة رسید بشما در آنچه بردید و راندید در و عذابی بزرگ

إذ تلقونه بألسنتكم وتقولون بأفواهكم ما ليس لكم به علم وتحسبونه
آنگه که فرا می‌ستدید آن سخن بزبانهای خویش و میگفتید بدهنهای خویش آنچه نیست شمارا بآن دانش و می پنداشتید که آن

هينا وهو عند الله عظيم ۝ ولولا إذ سمعتموه قلتم ما يكون
کاری آسانست و آن نزد خدای بزرگست و چرا نه آنگه که شنیدید گفتید نباشد

لنا أن نتكلم بهذا سبحانك هذا بهتان عظيم ۝ يعظكم الله
ما را که در سخن آییم این دروغ را پاکا خدایا این دروغی بزرگست پند میدهد شمارا خدای

أن تعودوا لمثله أبدا إن كنتم مؤمنين ۝ ويبين الله لكم الآيات
که باز گردید بمانند آن همیشه اگر هستید گروندگان و پیدا میکند خدا شمارا نشانهای خویش

والله عليم حكيم ۝ إن الذين يحبون أن تشيع الفاحشة في الذين
و خدای داناست کاردان بدرستی که آنکسانی که دوست دارند که آشکارا گردد زشت نامی در میان

آمنوا لهم عذاب أليم في الدنيا والآخرة والله يعلم وأنتم
گروندگان ایشانراست عذابی دردناک در این جهان و در آن جهان و خدای میداند و شما

لا تعلمون ۝ ولولا فضل الله عليكم ورحمته وأن الله رءوف
ندانید و اگر نه فضل خدای بودی بر شما و بخشایش او و بدرستی که خدا مهربان

رحيم ۝ يا أيها الذين آمنوا لا تتبعوا خطوات الشيطان ومن
بخشاینده است ای کسانی که بگرویدید مروید پی گامها دیو و هر که

حزب

يتبع خطوات الشيطان فإنه يأمر بالفحشاء والمنكر ولولا فضل
رود بر پی گامهای دیو پس او را فرماید بزشت کاری و ناپسند و اگر نه فضل

الله عليكم ورحمته ما زكى منكم من أحد أبدا ولكن الله يزكي
خدای بودی بر شما و رحمت او نیامدی پاک از شما یکی همیشه ولیکن خدای پاک میکند

من يشاء والله سميع عليم ۝ ولا يأتل أولوا الفضل منكم والسعة
آنکس را که خواهد و خدای شنواست دانا و مبادا که سوگند خورد و بار خود نهاد خداوندان فضل از شما و خداوندان توان

أن يؤتوا أولي القربى والمساكين والمهاجرين في سبيل الله وليعفوا
که چیزی دهند خویشان و درویشان و هجرت کنندگان در راه خدای باید که درگذارند

وليصفحوا ألا تحبون أن يغفر الله لكم والله غفور رحيم ۝
و روی گردانند دوست ندارید که بیامرزد خدای شمارا و خدای آمرزگارست بخشاینده

إن الذين يرمون المحصنات الغافلات المؤمنات لعنوا في
بدرستی که آنکسانی که دشنام میدهند آزاد زنان ایمان آورندگان لعنت بر ایشان در

الدنيا والآخرة ولهم عذاب عظيم ۝ يوم تشهد عليهم ألسنتهم
این جهان و در آن جهان و ایشانراست عذابی بزرگ آن روز گواهی دهد بر ایشان زبانهای ایشان

وأيديهم وأرجلهم بما كانوا يعملون ۝ يومئذ يوفيهم الله
و دستهاء ایشان و پایهاء ایشان بانچه میکردند آن روز تمام گزارد بایشان خدای

دينهم الحق ويعلمون أن الله هو الحق المبين ۝ الخبيثات
پاداش ایشان بسزا و بدانید که خدای اوست بسزا آشکارا سخنان پلید

للخبيثين والخبيثون للخبيثات والطيبات للطيبين
مردان پلید راسزاست و مردان پلید سخنان پلید راسزاست و سخنان پاک مردان پاک راسزاست

والطيبون للطيبات أولئك مبرءون مما يقولون لهم مغفرة
و مردان پاک سخنان پاک را اند و ایشانراسزد آن گروه بی گناه اند از انچه میگویند ایشانرا زلت آمرزش

ورزق كريم ۝ يا أيها الذين آمنوا لا تدخلوا بيوتا غير بيوتكم
و روزی نیکو ای انکسانی که بگرویدید مروید در هیچ خانه بجز خانهای خویش

حتى تستأنسوا وتسلموا على أهلها ذلكم خير لكم لعلكم تذكرون
تا دستوری خواهید و سلام کنید بر اهل آن آن به است شما را تا مگر شما پند پذیرید

فإن لم تجدوا فيها أحدا فلا تدخلوها حتى يؤذن لكم وإن قيل لكم
اگر نیابید کس دران خانه در مروید تا انکه دستوری دهند شما را و اگر گویند شما را

ارجعوا فارجعوا هو أزكى لكم والله بما تعملون عليم ۝ ليس عليكم
باز گردید پس باز گردید این پاکتر و پسندیده تر شما را و خدای بانچه میکنید داناست نیست بر شما

جناح أن تدخلوا بيوتا غير مسكونة فيها متاع لكم والله يعلم
گناهی که روید بخانهاء غیر مسکون دران برخورداری و نفع است شما را و خدای میداند

ما تبدون وما تكتمون ۝ قل للمؤمنين يغضوا من أبصارهم ويحفظوا
انچه آشکارا میکنید و آنچه پنهان میکنید بگو گروندگان را تا فرو گیرند چشمها از ناپسندیدها و نگه دارند

فروجهم ذلك أزكى لهم إن الله خبير بما يصنعون ۝ وقل للمؤمنات
فرجها از حرامها ایشانرا آن بهتر و پاکتر بدرستی که خدا آگاه است بانچه میکنید و بگو زنان گروندگان

يغضضن من أبصارهن ويحفظن فروجهن ولا يبدين
تا فرو گیرند چشمها از ناپسند و نگه دارند فرجها از حرامها و پیدا مکنند آرایش خویش

زينتهن إلا ما ظهر منها وليضربن بخمرهن على جيوبهن
آرایش خویش مگر انچه پیدا شود از آن و بگو تا فرو گذارند مقنعها بجیبها تا بر و گردن و موی بپوشد

ولا يبدين زينتهن إلا لبعولتهن أو آبائهن أو آباء بعولتهن
و پیدا مکنند آرایش خویش مگر شویان خویشرا یا پدران خویشرا یا پدران شویان خویشرا

أو أبنائهن أو أبناء بعولتهن أو إخوانهن أو بني إخوانهن
یا پسران خویشرا یا پسران شویان خویشرا یا برادران خویشرا یا پسران برادران خویشرا

أو بني أخواتهن أو نسائهن أو ما ملكت أيمانهن أو التابعين
یا خواهرزادگان خویشرا یا زنان خویشرا یا درم خریدگان خویشرا یا این کسان

غير أولي الإربة من الرجال أو الطفل الذين لم يظهروا على عورات
که کاری ندارند بزنان و حاجتی از مردان یا آن کودکان انکسانی که نرسیده اند ایشانرا بزنان

النساء ولا يضربن بأرجلهن ليعلم ما يخفين من زينتهن
بزنان و بگو تا نزنند در رفتن پای بر زمین تا دانسته شود آنچه پنهان دارند که خلخال دارند و زینت پنهانی

وتوبوا إلى الله جميعا أيه المؤمنون لعلكم تفلحون ۝
و باز گردید بسوی خدای همگان ای گروندگان تا مگر رستگار شوید

وأنكحوا الأيامى منكم والصالحين من عبادكم وإمائكم إن يكونوا
و نکاح کنید از شما و نیکوکاران و پارسایان از بندگان شما و پرستاران خویشرا اگر باشند

فقراء يغنهم الله من فضله والله واسع عليم ۝ وليستعفف
درویش توانگر کند ایشانرا خدای از فضل خویش و خدای تواناست داناست و باید که پارسا باشند و پاک زیند

الذين لا يجدون نكاحا حتى يغنيهم الله من فضله والذين
انکسانی که نیابند نکاح تا توانگر کند ایشانرا خدای از فضل خویش و ایشان

يبتغون الكتاب مما ملكت ايمانكم فكاتبوهم ان علمتم فيهم

كه جويند مكاتبت و باز فروخت از بردگان و درم خريدگان شما مكاتبت كنيد ايشانرا اگر دانيد كه ايشان

خيرا واتوهم من مال الله الذي اتاكم ولا تكرهوا فتياتكم

دانشت خود دارند و بدهيد ايشانرا از مال كه خداى داد شمارا و بزور مداريد پرستاران خويشرا

على البغاء ان اردن تحصنا لتبتغوا عرض الحيوة الدنيا

بر زنا اگر خواهيد تا چيزى بدست آريد از زندگانى اين دنيا

ومن يكرههن فان الله من بعد اكراههن غفور رحيم ●

و هر كه برزنا دارد ايشانرا بزور بدرستى كه خدا از پس آنكه بزور برده داشت آمرزگارست بخشاينده

ولقد انزلنا اليكم ايات مبينات ومثلا من الذين خلوا

و بدرستى كه فرو فرستاديم بشما سخنان پيدا مانندى از ايشان كه بودند

من قبلكم وموعظة للمتقين ● الله نور السموات

از پيش شما و پندى پرهيزكارانراست خداى روشنائى آسمانها

والارض مثل نوره كمشكوة فيها مصباح المصباح

و زمين مانند نور او در دل چون توله قنديل است دران چراغى آن چراغ

في زجاجة الزجاجة كانها كوكب دري يوقد من شجرة

در آبگينه آن آبگينه همچون ستاره ايست روشن مى فروزد آتش آن از روغن درختى

مباركة زيتونة لا شرقية ولا غربية يكاد زيتها يضيء

بركت كرده در آن درخت زيتون نه شرقى و نه غربى نزديك شد كه آن روغن روشن دارد

ولو لم تمسسه نار نور على نور يهدي الله لنوره من يشاء

و هرچند نرسيد بآن آتش روشنائى آتش بر روشنائى روغن راه مى نمايد خداى بروشنائى خويش آنرا كه خواهد

ويضرب الله الامثال للناس والله بكل شيء عليم ● في بيوت

و ميزند خداى مثلها مردمانرا و خداى بهمه چيز داناست در خانهايى

اذن الله ان ترفع ويذكر فيها اسمه يسبح له فيها بالغدو

كه فرمود خداى كه بردارند آنرا و ياد كنيد دران نام او مى ستايند اورا بامدادها

والاصال ● رجال لا تلهيهم تجارة ولا بيع عن ذكر الله

و شبانگاهها مردانى كه مشغول ندارند ايشانرا بازرگانى و نه داد و ستدى از ياد خداى

واقام الصلوة وايتاء الزكوة يخافون يوما تتقلب فيه القلوب

و بپاى داشتن نماز و دادن زكوة مى ترسند از روزى كه ميگردد در آن دلها

والابصار ● ليجزيهم الله احسن ما عملوا ويزيدهم من فضله

و ديدها تا پاداش دهد ايشانرا خداى نيكوتر آنچه كردند و بيفزايد ايشانرا از فضل خويش

والله يرزق من يشاء بغير حساب ● والذين كفروا اعمالهم

و خداى روزى دهد آنكس را كه خواهد بى اندازه و شماره و آنكسان كه كافر شدند كردارهاى ايشان

كسراب بقيعة يحسبه الظمان ماء حتى اذا جاءه

چون كوراب است بهامون كه پندارد آنرا تشنه آب تا آنگه كه آيد بآن

لم يجده شيئا ووجد الله عنده فوفيه حسابه والله سريع

نيابد اورا هيچ چيز و يافت خداى نزد خويش گزارد خداى شمار او و خداى آسان كارست

الحساب ● او كظلمات في بحر لجي يغشيه موج من فوقه

زود حساب يا چون تاريكيهايى است در دريايى ژرف دور قعر بر زود او در آيد موجى از زبر آن

موج من فوقه سحاب ظلمات بعضها فوق بعض اذا اخرج

موجى ديگر از زبر آن ابر تاريكيهايى بر زبر يكديگر و بالا يكديگر آنگه بيرون آرد

يده لم يكد يريها ومن لم يجعل الله له نورا فما له من نور ●

دست خود نگاه ميدرد كه ببيند از تاريكى دست خويش و هر كه ننهاد خداى اورا روشنائى درون اورا روشنائى دل نيست

الم تر ان الله يسبح له من في السموات والارض والطير صافات

نمى بينى كه خدارا مى ستايد اورا هر كس كه در آسمانها و زمين است و مرغ در پرواز خويش

كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ ۝ وَلِلَّهِ مُلْكُ
همه دانسته نماز او وستایش او وخدای داناست بانچه میکنند خدا راست پادشاهی

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُزْجِي
آسمانها وزمین وباخدایست بازگشتن همگنان نمی بینی که خدا آسمان وخوش میراند

سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَامًا فَتَرَى الْوَدْقَ
ابر را پس باهمه می پیوندد پارها آن پس می افکند آنرا توی بر توی پس می بینی رکها باران

يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ وَيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ
که بیرون می آید از شجها آن و فرو می فرستد از آسمان از کوهها که در آنست تگرگ از سرما

فَيُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ عَنْ مَنْ يَشَاءُ يَكَادُ سَنَا بَرْقِهِ
میرساند آنرا بهر که خواهد و میگرداند آنرا از هر که خواهد کامیدکه تاودن آن میغ

يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ ۝ يُقَلِّبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ
ببرد دیدها سرها میگرداند خدای شب را و روز را بدرستی که در آن

لَعِبْرَةً لِأُولِي الْأَبْصَارِ ۝ وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ فَمِنْهُمْ
عبرتست خداوندان دیدها وخدای بیافرید هر جمنده از آب هست از ایشان

مَنْ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مَنْ
که میرود بر شکم خویش و هست از ایشان که میرود بر دو پای و هست از ایشان که

يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝
میرود بر چهار پای می آفریند خدای هرچه خواهد بدرستی که خدای بر همه چیز تواناست

لَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ مُبَيِّنَاتٍ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ
بدرستی که فرو فرستادیم ما سخنان روشن وخدای راه نماید آنرا که خواهد بر راه

مُسْتَقِيمٍ ۝ وَيَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّى
راست ومیگویند ایمان آوردیم بخدای وبرسول وفرمان برداریم انگه برگردد

فَرِيقٌ مِنْهُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ ۝
گروهی از ایشان از پس آن طاعت کرده بودند ونیند ایشان هرگز گروندگان

وَإِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ
واگه که خوانند ایشان را بخدا ورسول او تا حکم کند میان ایشان انگه گروهی از ایشان

مُعْرِضُونَ ۝ وَإِنْ يَكُنْ لَهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ ۝ أَفِي قُلُوبِهِمْ
روی میگردانند واگر باشد ایشان را راستی آیند باو شتابان در دلهای ایشان

مَرَضٌ أَمِ ارْتَابُوا أَمْ يَخَافُونَ أَنْ يَحِيفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولُهُ
بیماریست یا در استواری تو می شورند یا می ترسید که ستم کند خدای بر ایشان ورسول او

بَلْ أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ۝ إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا
بلکه آن گروه ستمکارانند بدرستی انچه بود گفتار گروندگان انگه خوانند ایشان

إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا
با خدای ورسول او تا داوری کند میان ایشان آنست که گویند شنیدیم وفرمان برداریم

وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشَ اللَّهَ
وآن گروه ایشانند پیروز آمدگان وهر که فرمان برد خدای را ورسول او را وبترسد از خدا

وَيَتَّقْهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ ۝ وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ
وپرهیز دارد آن گروه ایشانند رستگاران سوگند میخورند بخدای چندانکه توانند

لَئِنْ أَمَرْتَهُمْ لَيَخْرُجُنَّ قُلْ لَا تُقْسِمُوا طَاعَةٌ مَعْرُوفَةٌ إِنَّ اللَّهَ
اگر فرمایی ایشان را که بیرون آیند بگو سوگند مخورید فرمان برداری شناخته بدرستی که خدا

خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ۝ قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا
آگاهست بانچه میکنند بگو فرمان برید خدا را وفرمان برید رسول او را پس اگر برگردند

فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا
الست وبر شما انچه واگر فرمان برید رسول را راه یابید

وما على الرسول الا البلاغ المبين ۝ وعد الله الذين امنوا

ونیست بر فرستاده مگر رسانیدن آشکارا پیدا وعده داد خدای آنکسانی که بگرویدند

منكم وعملوا الصالحات ليستخلفنهم في الارض كما

از شما و کارها نیک کردند لابد خلیفت نشاند ایشانرا در زمین چنانکه

استخلف الذين من قبلهم وليمكنن لهم دينهم

خلیفت نشاند آنکسان که از پیش ایشان بودند و بار گستراند دین ایشانرا

الذي ارتضى لهم وليبدلنهم من بعد خوفهم امنا

که آن بپسندد ایشانرا و از پس ترس ایشان ایمنی

يعبدونني لا يشركون بي شيئا ومن كفر بعد ذلك فاولئك

تا مرا پرستند و انباز نگیرند با من هیچ چیز و هر که کافر شود پس آن پس آن گروه

هم الفاسقون ۝ واقيموا الصلوة واتوا الزكوة واطيعوا

ایشانند که از دین بیرون اند و بپای دارید نماز و بدهید زکوة و فرمان برید

الرسول لعلكم ترحمون ۝ لا تحسبن الذين كفروا معجزين

فرستاده را تا مگر بر شما رحمت کند مپندارند ایشان آنکه کافرند

في الارض وماويهم النار ولبئس المصير ۝ يا ايها الذين

در زمین و جایگاه ایشان دوزخ است و بدرستی که بد جایگاهی است ای آنکسان

امنوا ليستاذنكم الذين ملكت ايمانكم والذين لم يبلغوا

که بگرویدند تا دستوری خواهند از شما بردگان و درم خریدگان و ایشان که نرسیده اند

الحلم منكم ثلث مرات من قبل صلوة الفجر وحين تضعون

بجای مردی از شما سه هنگام از پیش نماز بامداد و آنکه بیرون کنید ازتن

ثيابكم من الظهيرة ومن بعد صلوة العشاء ثلث عورات

جامهای خویش نیم روز و از پس نماز خفتن سه هنگام عورت اند

لكم ليس عليكم ولا عليهم جناح بعدهن طوافون عليكم

شمارا نیست بر شما و نه برایشان بزه تنگی و بزه پس آن سه ساعت گردایند بر شما

بعضكم على بعض كذلك يبين الله لكم الايات والله

بعضی از شما بر بعضی همچنین پیدا میکند خدای شمارا سخنان خویش و خدای

عليم حكيم ۝ واذا بلغ الاطفال منكم الحلم فليستاذنوا كما

داناست راستکار و اگر برسند کودکان از شما بمردی دستوری خواهید چنانکه (یعنی بالغ گردند)

استاذن الذين من قبلهم كذلك يبين الله لكم اياته

دستوری خواستند آنان از پیش ایشان همچنین روشن میگرداند خدای شمارا آیات خود

والله عليم حكيم ۝ والقواعد من النساء اللاتي لا يرجون

وخدای داناست راستکار و بازماندگان از زنان آنان که امید ندارند

نكاحا فليس عليهن جناح ان يضعن ثيابهن غير متبرجات

نکاح را پس نیست برایشان بزه و تنگی که بنهند چادرها خود آنکه پیدا نکنند

بزينة وان يستعففن خير لهن والله سميع عليم ۝ ليس على

آرایش خویش و اگر با چادر روند به است ایشانرا و خدای شنواست دانا نیست بر

الاعمى حرج ولا على الاعرج حرج ولا على المريض حرج ولا على

نابینا بزه و نه بر لنگ بزه و نه بر بیمار بزه و نه بر

انفسكم ان تاكلوا من بيوتكم او بيوت اباءكم او بيوت

تنهای شما اگر بخورند چیزی از خانه فرزند خویش یا خانهاء پدران خویش یا خانهاء

امهاتكم او بيوت اخوانكم او بيوت اخواتكم او بيوت

مادران خویش یا خانهاء برادران خویش یا خانهاء خواهران خویش یا خانهاء

اعمامكم او بيوت عماتكم او بيوت اخوالكم

برادران پدر شما یا خانهاء خواهران پدر خویش یا خانها برادران مادر خویش

أو بيوت خالاتكم أو ما ملكتم مفاتحه أو صديقكم
يا خانها خواهران مادر خويش يا خانها بردگان خويش ايشان يا خانه دوست خويش

ليس عليكم جناح أن تأكلوا جميعا أو أشتاتا فإذا دخلتم
نيست بر شما بزه اگر خوريد نان با هم نان يا پراكنده اگر رويد

بيوتا فسلموا على أنفسكم تحية من عند الله مباركة
در خانها پس سلام كنيد بر كسان خويش اين سلام نواختى است از نزد خداى بركت كرده دران

طيبة كذلك يبين الله لكم الآيات لعلكم تعقلون ◌
سخنى پاك نيكو همچنين پيدا ميكند خداى شما را سخنان خويش تا مگر شما دريابيد

إنما المؤمنون الذين آمنوا بالله ورسوله وإذا كانوا معه على
بدرستى كه گروندگان ايشان كه بگرويدند بخداى و رسول او و اگر باشند با او بر

أمر جامع لم يذهبوا حتى يستأذنوه إن الذين يستأذنونك
كارى كه بهم آرد نروند از نزد او تا دستورى خواهيد ازو بدرستى كه ايشان كه دستورى ميخواهند از تو

أولئك الذين يؤمنون بالله ورسوله فإذا استأذنوك
ايشان اند كه گرويده اند بخداى و رسول او پس اگر دستورى خواهند از تو

لبعض شأنهم فأذن لمن شئت منهم واستغفر لهم الله
كارى را از كارها خويش پس دستورى ده كسى را كه خواهى از ايشان و آمرزش خواه ايشان را از خداى

إن الله غفور رحيم ◌ لا تجعلوا دعاء الرسول بينكم
بدرستى كه خدا آمرزگار است مهربان مكنيد خواندن رسول ميان خويش

كدعاء بعضكم بعضا قد يعلم الله الذين يتسللون منكم
چون خواندن يكديگر بدرستى كه ميداند خداى كه ايشان بيرون مى روند از شما

لواذا فليحذر الذين يخالفون عن أمره أن تصيبهم فتنة
پس حذر كنيد ايشان را كه خلاف ميكنند از فرمان او كه رسد بايشان فتنه

أو يصيبهم عذاب أليم ◌ ألا إن لله ما في السماوات والأرض
يا رسد بايشان عذابى دردناك آگاه باشيد كه خدا راست آنچه در آسمانها و زمين است

قد يعلم ما أنتم عليه ويوم يرجعون إليه فينبئهم بما
بدرستى كه ميداند كه شما بر چه ايد و آن روز كه با او برند تا ايشان را خبر كنند با آنچه

عملوا والله بكل شيء عليم ◌
ميكردند و خداى بهمه چيز داناست

سورة الفرقان سبع وسبعون آية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداى بخشاينده مهربان

تبارك الذي نزل الفرقان على عبده ليكون للعالمين نذيرا ◌
بزرگوار است آن خداى كه فرو فرستاد نامه بر بنده خويش تا بود جهانيان را بيم نمائى

الذي له ملك السماوات والأرض ولم يتخذ ولدا ولم يكن له
آن خداى كه او راست پادشاهى آسمانها و زمين و نگرفت فرزند و نبود او را

شريك في الملك وخلق كل شيء فقدره تقديرا ◌ واتخذوا
انباز در پادشاهى و آفريد همه چيز را پس اندازه كرد اندازه كردنى و گرفتند

من دونه آلهة لا يخلقون شيئا وهم يخلقون ولا يملكون لأنفسهم
جز از خداى خدايانى كه نيافرينند هيچ چيز و ايشان خود آفريده اند و نيست بدست ايشان

ضرا ولا نفعا ولا يملكون موتا ولا حياة ولا نشورا ◌ وقال
گزندى و نه سودى و بدست ايشان نيست مرگ و نه زندگانى و نه انگيختى و گفت

الذين كفروا إن هذا إلا إفك افتراه وأعانه عليه قوم آخرون
ايشان ناگروندگان اين سخن نگر دروغى است و يارى داده او را بران گروهى ديگران

فقد جاءو ظلما وزورا ۝ وقالوا اساطير الاولين اكتتبها فهي
بدرستی که ناکسی است که گفتند و دروغ است وگفتند افسانها پیشینان است که خواست نوشته آن تا آنرا که آوردند

تملى عليه بكرة واصيلا ۝ قل انزله الذي يعلم السر في السموات
میخوانند بر او بامداد وشبانگاه بگو فرستاد این نامه آنکس که داند نهان در آسمانها

والارض انه كان غفورا رحيما ۝ وقالوا مال هذا الرسول
و زمین اوست که باشد آمرزگار بخشاینده وگفتند چیست این فرستاده را

ياكل الطعام ويمشي في الاسواق لولا انزل اليه ملك فيكون
که میخورد خورش و میرود در بازارها چرا نفرستاد با او فرشته تا بودی

معه نذيرا ۝ او يلقى اليه كنز او تكون له جنة ياكل منها
با او بیم کننده یا افکندی با او گنجی تا بودی اورا بهشتی که میخوردند ازان

وقال الظالمون ان تتبعون الا رجلا مسحورا ۝ انظر كيف
گفتند ناگروندگان ستمکاران که پی نمیروید مگر مردی جادوی کرده بنگر این سکفت

ضربوا لك الامثال فضلوا فلا يستطيعون سبيلا ۝
که زدند ترا مثلها که در ماندند و راه نیافتند که ازان بیرون آمدند

تبارك الذي ان شاء جعل لك خيرا من ذلك جنات
بزرگوار آن خدایی که اگر خواهد بدهد ترا بهتر ازان که ایشان میگویند بهشتها

تجري من تحتها الانهار ويجعل لك قصورا ۝ بل كذبوا
که میرود از زیر آن جویها و دهد و کند ترا کوشکها نه دروغ شمردند

بالساعة واعتدنا لمن كذب بالساعة سعيرا ۝ اذا رأتهم
برستاخیز و بساختیم ما آنکس را که دروغ شمرد روز قیامت آتش افروخته آنگه که ببینند

من مكان بعيد سمعوا لها تغيظا وزفيرا ۝ واذا القوا منها
از جای دور شنوند آواز جوش آن از خشم و بانگ در غایت خشم و اگر افکنند در آن

مكانا ضيقا مقرنين دعوا هنالك ثبورا ۝ لا تدعوا اليوم
جایگاه تنگ هر یکی با دیو هم گردن بسته برارند و خوانند هلاک نخوانند بر خویشتن امروز

ثبورا واحدا وادعوا ثبورا كثيرا ۝ قل اذلك خير ام جنة
هلاک یکبار و خوانند هلاک فراوان بگو آن منزل به یا بهشت

الخلد التي وعد المتقون كانت لهم جزاء ومصيرا ۝ لهم فيها
جاویدی آن بهشت که وعده دادند پرهیزگارانرا بود ایشانرا پاداش و جایگاه ایشانراست در آن بهشت

ما يشاءون خالدين كان على ربك وعدا مسئولا ۝ ويوم
هرچه میخواهند جاویدان بود بر پروردگار تو وعده پرسیدنی و آن روز

يحشرهم وما يعبدون من دون الله فيقول ءانتم اضللتم
بینگیزیم ایشانرا و آنچه می پرستند از جز خدای پس گوید خدای آن شما بودید که گمراه کردید

عبادي هؤلاء ام هم ضلوا السبيل ۝ قالوا سبحانك ما كان
بندگان من آن گروه یا ایشان خود گم کردند راه گویند پاکی و بی عیبی ترا نبود

ينبغي لنا ان نتخذ من دونك من اولياء ولكن متعتهم واباءهم
سزا ما را که گرفتند جز از تو بخدای از دوستان ولیکن برخورداری دادی ایشانرا و پدران ایشانرا

حتى نسوا الذكر وكانوا قوما بورا ۝ فقد كذبوكم
تا فراموش کردند یاد تو و بودند گروهی بهلاک شده پس دروغ زن کردند شمارا

بما تقولون فما تستطيعون صرفا ولا نصرا ومن يظلم منكم
بآنچه شما میگفتید پس نتوانند که عذاب از خویشتن بازگردانند و نتوانند که یاری دهند و هر که کافر شود از شما

نذقه عذابا كبيرا ۝ وما ارسلنا قبلك من المرسلين الا انهم
بچشانیم اورا عذابی بزرگ و نفرستادیم ما پیش از تو از فرستگان مگر راستی که ایشان

لياكلون الطعام ويمشون في الاسواق وجعلنا بعضكم
میخوردند خورش و میرفتند در بازارها و گردیم ما یکدیگر را

لبعض فتنة أتصبرون وكان ربك بصيرا ۝ وقال الذين
فتنه وآزمایش شکیبائید وبود خداوند تو بینا وگفت آن ایشان

لا يرجون لقاءنا لولا أنزل علينا الملائكة أو نرى
که امید ندارند لقای دیدار ما چرا فرو نفرستاده شد بر ما فرشتگان یا ببینیم

ربنا لقد استكبروا في أنفسهم وعتوا عتوا كبيرا ۝ يوم
خدای خویش پس بزرگ منشی کرد در خویشتن و از اندازه در گذشتند بسرکشی بزرگ آن روز

يرون الملائكة لا بشرى يومئذ للمجرمين ويقولون حجرا
که ببینند فرشتگان را نیست بشارت آن روز کافران را و گویند بهشت بسته است

محجورا ۝ وقدمنا إلى ما عملوا من عمل فجعلناه هباء
بازداشته و بس آییم بسوی آنچه کردند از هر گونه که کردند پس کنیم آن را گردی

منثورا ۝ أصحاب الجنة يومئذ خير مستقرا وأحسن مقيلا
پراکنده اصحاب بهشت آن روز باشند به آرام گاهی آید و با نیکوتر آمدن گاهی

ويوم تشقق السماء بالغمام ونزل الملائكة تنزيلا ۝
و آن روز که بازشکافد آسمان از ابر سپید و فرو فرستند فرشتگان را فرستادنی

الملك يومئذ الحق للرحمن وكان يوما على الكافرين عسيرا ۝
پادشاهی آن روز براستی خدا راست و باشد آن روز بر کافران دشوار

ويوم يعض الظالم على يديه يقول يا ليتني اتخذت مع
و آن روز می خاید کافر دو دست خود و می گوید ای کاشکی من برگرفتمی با

الرسول سبيلا ۝ يا ويلتى ليتني لم أتخذ فلانا خليلا ۝ لقد
رسول راهی ای وای بر من کاشکی من نگرفتمی فلان یعنی ابی دوست بدرستی

أضلني عن الذكر بعد إذ جاءني وكان الشيطان للإنسان
که بازگردانید مرا از یاد پس از آنکه آمد بمن و هست شیطان مر مردمان

خذولا ۝ وقال الرسول يا رب إن قومي اتخذوا هذا القرآن
وگفت رسول ای پروردگار من بدرستی که قوم گرفتند این قرآن را

مهجورا ۝ وكذلك جعلنا لكل نبي عدوا من المجرمين وكفى
مهجور بهذیان و همچنین گردانیدیم هر پیغمبری را دشمنی از کافران و بسند است

بربك هاديا ونصيرا ۝ وقال الذين كفروا لولا نزل عليه القرآن
پروردگار تو راه نماینده ترا و یاری دهنده و گفتند آنان که کافر شدند چرا فرو فرستاده بر محمد قرآن

جملة واحدة كذلك لنثبت به فؤادك ورتلناه ترتيلا ۝
جمله یکباره همچنین تا ثابت گردانیم باتصال وحی دل ترا و بر تو خواندیم خواندنی

ولا يأتونك بمثل إلا جئناك بالحق وأحسن تفسيرا ۝ الذين
و نمی آرند مثلی برای تو مثلی مگر می آریم برای تو جوابی راست و می آریم آن چیزی را که نیکوتر است آنکسان

يحشرون على وجوههم إلى جهنم أولئك شر مكانا
که حشر کرده شوند بر رویهای خود بسوی دوزخ آن گروه بدترانند از روی مکان

وأضل سبيلا ۝ ولقد آتينا موسى الكتاب وجعلنا معه
و کج تر از جهت راه و هر آینه ما دادیم موسی را نامه توریة و گردانیدیم با او

أخاه هارون وزيرا ۝ فقلنا اذهبا إلى القوم الذين كذبوا
برادر او هارون وزیری مددکار پس گفتیم بروید بسوی قوم آنان که تکذیب کردند

بآياتنا فدمرناهم تدميرا ۝ وقوم نوح لما كذبوا الرسل أغرقناهم
آیتهای ما پس هلاک کردیم ایشان را هلاک کردنی و گروه نوح آنگاه که تکذیب پیغمبران کردند غرقه ساختیم ایشان را

وجعلناهم للناس آية وأعتدنا للظالمين عذابا أليما ۝ وعادا
و گردانیدیم ایشان را برای مردمان نشانه و آماده کردیم برای ستمکاران عذابی دردناک

وثمودا وأصحاب الرس وقرونا بين ذلك كثيرا ۝ وكلا ضربنا
و گروه ثمود و اصحاب رس را و اهل قرنها را میان این قبایل قرنها بسیار و هر یک زدیم

لَهُ الْأَمْثَالَ وَكُلًّا تَبَّرْنَا تَتْبِيرًا ۝ وَلَقَدْ أَتَوْا عَلَى الْقَرْيَةِ الَّتِي
أُمْطِرَتْ مَطَرَ السَّوْءِ أَفَلَمْ يَكُونُوا يَرَوْنَهَا بَلْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ
نُشُورًا ۝ وَإِذَا رَأَوْكَ إِنْ يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا أَهَذَا الَّذِي
بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا ۝ إِنْ كَادَ لَيُضِلُّنَا عَنْ آلِهَتِنَا لَوْلَا أَنْ صَبَرْنَا عَلَيْهَا
وَسَوْفَ يَعْلَمُونَ حِينَ يَرَوْنَ الْعَذَابَ مَنْ أَضَلُّ سَبِيلًا ۝ أَرَأَيْتَ
مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا ۝ أَمْ تَحْسَبُ
أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ
أَضَلُّ سَبِيلًا ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ
سَاكِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا ۝ ثُمَّ قَبَضْنَاهُ إِلَيْنَا قَبْضًا
يَسِيرًا ۝ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ
النَّهَارَ نُشُورًا ۝ وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيَاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ

وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا ۝ لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَيْتًا وَنُسْقِيَهُ
مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنَاسِيَّ كَثِيرًا ۝ وَلَقَدْ صَرَّفْنَاهُ بَيْنَهُمْ لِيَذَّكَّرُوا
فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا ۝ وَلَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ
نَذِيرًا ۝ فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا ۝ وَهُوَ
الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ
بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا مَحْجُورًا ۝ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا
فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا ۝ وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ
اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ وَكَانَ الْكَافِرُ عَلَى رَبِّهِ ظَهِيرًا
وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ۝ قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ
أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَى رَبِّهِ سَبِيلًا ۝ وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ
الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَكَفَى بِهِ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا

سجدة

الذي خلق السموات والارض وما بينهما في ستة ايام ثم

استوى على العرش الرحمن فسئل به خبيرا ۝ واذا قيل لهم

اسجدوا للرحمن قالوا وما الرحمن انسجد لما تامرنا وزادهم نفورا

تبارك الذي جعل في السماء بروجا وجعل فيها سراجا

وقمرا منيرا ۝ وهو الذي جعل الليل والنهار خلفة لمن

اراد ان يذكر او اراد شكورا ۝ وعباد الرحمن الذين

يمشون على الارض هونا واذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما

والذين يبيتون لربهم سجدا وقياما ۝ والذين يقولون ربنا

اصرف عنا عذاب جهنم ان عذابها كان غراما ۝ انها

ساءت مستقرا ومقاما ۝ والذين اذا انفقوا لم يسرفوا

ولم يقتروا وكان بين ذلك قواما ۝ والذين لا يدعون مع

الله الها اخر ولا يقتلون النفس التي حرم الله الا بالحق

ولا يزنون ومن يفعل ذلك يلق اثاما ۝ يضاعف له العذاب

يوم القيمة ويخلد فيه مهانا ۝ الا من تاب وامن وعمل

صالحا فاولئك يبدل الله سيئاتهم حسنات وكان الله

غفورا رحيما ۝ ومن تاب وعمل صالحا فانه يتوب الى الله

متابا ۝ والذين لا يشهدون الزور واذا مروا باللغو مروا

كراما ۝ والذين اذا ذكروا بايات ربهم لم يخروا عليها

صما وعميانا ۝ والذين يقولون ربنا هب لنا من ازواجنا

وذرياتنا قرة اعين واجعلنا للمتقين اماما ۝ اولئك يجزون

الغرفة بما صبروا ويلقون فيها تحية وسلاما ۝ خالدين فيها

حسنت مستقرا ومقاما ۝ قل ما يعبؤا بكم ربي

عملا

ذرياتنا

حزب

لولا دعاؤكم فقد كذبتم فسوف يكون لزاما

سورة الشعراء مائتان وسبع وعشرون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداى بخشاينده مهربان

طسم ۞ تلك آيات الكتاب المبين ۞ لعلك باخع نفسك

الا يكونوا مؤمنين ۞ ان نشأ ننزل عليهم من السماء آية

فظلت اعناقهم لها خاضعين ۞ وما يأتيهم من ذكر

من الرحمن محدث الا كانوا عنه معرضين ۞ فقد كذبوا

فسيأتيهم انباء ما كانوا به يستهزءون ۞ اولم يروا الى

الارض كم انبتنا فيها من كل زوج كريم ۞ ان في

ذلك لآية وما كان اكثرهم مؤمنين ۞ وان ربك لهو العزيز

الرحيم ۞ واذ نادى ربك موسى ان ائت القوم الظالمين

قوم فرعون الا يتقون ۞ قال رب اني اخاف ان يكذبون ۞

ويضيق صدري ولا ينطلق لساني فارسل الى هرون ۞ ولهم

علي ذنب فاخاف ان يقتلون ۞ قال كلا فاذهبا

بآياتنا انا معكم مستمعون ۞ فأتيا فرعون فقولا انا رسول

رب العالمين ۞ ان ارسل معنا بني اسرائيل ۞ قال الم نربك

فينا وليدا ولبثت فينا من عمرك سنين ۞ وفعلت فعلتك

التي فعلت وانت من الكافرين ۞ قال فعلتها اذا وانا من

الضالين ۞ ففررت منكم لما خفتكم فوهب لي ربي حكما

وجعلني من المرسلين ۞ وتلك نعمة تمنها علي ان عبدت

بني اسرائيل ۞ قال فرعون وما رب العالمين ۞ قال رب

السموات والارض وما بينهما ان كنتم موقنين ۞ قال

لمن حوله الا تستمعون ۝ قال ربكم ورب آبائكم الاولين ۝

قال ان رسولكم الذي ارسل اليكم لمجنون ۝ قال رب

المشرق والمغرب وما بينهما ان كنتم تعقلون ۝ قال لئن

اتخذت الها غيري لاجعلنك من المسجونين ۝ قال اولو جئتك

بشيء مبين ۝ قال فات به ان كنت من الصادقين ۝ فالقى عصاه

فاذا هي ثعبان مبين ۝ ونزع يده فاذا هي بيضاء للناظرين ۝

قال للملا حوله ان هذا لساحر عليم ۝ يريد ان يخرجكم

من ارضكم بسحره فماذا تامرون ۝ قالوا ارجه واخاه وابعث

في المدائن حاشرين ۝ ياتوك بكل سحار عليم ۝ فجمع السحرة لميقات

يوم معلوم ۝ وقيل للناس هل انتم مجتمعون ۝ لعلنا

نتبع السحرة ان كانوا هم الغالبين ۝ فلما جاء السحرة قالوا لفرعون

ائن لنا لاجرا ان كنا نحن الغالبين ۝ قال نعم وانكم اذا

لمن المقربين ۝ قال لهم موسى القوا ما انتم ملقون ۝ فالقوا

حبالهم وعصيهم وقالوا بعزة فرعون انا لنحن الغالبون ۝

فالقى موسى عصاه فاذا هي تلقف ما يافكون ۝ فالقي السحرة

ساجدين ۝ قالوا آمنا برب العالمين ۝ رب موسى وهرون ۝

قال آمنتم له قبل ان آذن لكم انه لكبيركم الذي علمكم

السحر فلسوف تعلمون ۝ لاقطعن ايديكم وارجلكم من خلاف

ولاصلبنكم اجمعين ۝ قالوا لا ضير انا الى ربنا منقلبون ۝

انا نطمع ان يغفر لنا ربنا خطايانا ان كنا اول المؤمنين ۝

واوحينا الى موسى ان اسر بعبادي انكم متبعون ۝ فارسل

فرعون في المدائن حاشرين ۝ ان هؤلاء لشرذمة قليلون ۝

وانهم لنا لغائظون ۝ وانا لجميع حاذرون ۝ فاخرجناهم
من جنات وعيون ۝ وكنوز ومقام كريم ۝ كذلك واورثناها
بني اسرائيل ۝ فاتبعوهم مشرقين ۝ فلما تراءا الجمعان قال اصحاب
موسى انا لمدركون ۝ قال كلا ان معي ربي سيهدين ۝ فاوحينا
الى موسى ان اضرب بعصاك البحر فانفلق فكان كل فرق كالطود
العظيم ۝ وازلفنا ثم الاخرين ۝ وانجينا موسى ومن معه اجمعين ۝
ثم اغرقنا الاخرين ۝ ان في ذلك لاية وما كان اكثرهم مؤمنين ۝
وان ربك لهو العزيز الرحيم ۝ واتل عليهم نبا ابرهيم ۝ اذ
قال لابيه وقومه ما تعبدون ۝ قالوا نعبد اصناما فنظل لها
عاكفين ۝ قال هل يسمعونكم اذ تدعون ۝ او ينفعونكم او يضرون ۝
قالوا بل وجدنا اباءنا كذلك يفعلون ۝ قال افرايتم

ما كنتم تعبدون ۝ انتم واباؤكم الاقدمون ۝ فانهم عدو لي الا
رب العالمين ۝ الذي خلقني فهو يهدين ۝ والذي هو يطعمني
ويسقين ۝ واذا مرضت فهو يشفين ۝ والذي يميتني ثم
يحيين ۝ والذي اطمع ان يغفر لي خطيئتي يوم الدين ۝ رب
هب لي حكما والحقني بالصالحين ۝ واجعل لي لسان صدق
في الاخرين ۝ واجعلني من ورثة جنة النعيم ۝ واغفر لابي
انه كان من الضالين ۝ ولا تخزني يوم يبعثون ۝ يوم لا ينفع
مال ولا بنون ۝ الا من اتى الله بقلب سليم ۝ وازلفت الجنة
للمتقين ۝ وبرزت الجحيم للغاوين ۝ وقيل لهم اين ما كنتم
تعبدون ۝ من دون الله هل ينصرونكم او ينتصرون ۝ فكبكبوا
فيها هم والغاوون ۝ وجنود ابليس اجمعون ۝ قالوا وهم فيها يختصمون

تالله ان كنا لفي ضلال مبين ۝ اذ نسويكم برب العالمين ۝ وما
بخدای که بودیم مگر در گمراهی آشکارا چون همسان داشتیم شما که بتان اید با خداوند جهانیان و

اضلنا الا المجرمون ۝ فما لنا من شافعين ۝ ولا صديق حميم ۝
بی راه نکرد ما را مگر گناه کاران پس نیست ما را از شفیعان کسی که شفاعت کند و نه دوستی و خویشی

فلو ان لنا كرة فنكون من المؤمنين ۝ ان في ذلك لاية وما كان
چه بودی اگر ما را بازگشت بودی با دنیا تا بودیم از گرویدگان بدرستی که در آن نشانیست و نبودند

اكثرهم مؤمنين ۝ وان ربك لهو العزيز الرحيم ۝ كذبت قوم
بیشتر ایشان گرونده و بدرستی که پروردگار تو هر آینه اوست بی همتا مهربان دروغ زن شمرد گروه

نوح المرسلين ۝ اذ قال لهم اخوهم نوح الا تتقون ۝ اني لكم
نوح فرستادگان را آنگه که گفت ایشان را برادر ایشان نوح که نپرهیزید بدرستی که من شما را

رسول امين ۝ فاتقوا الله واطيعون ۝ وما اسألكم عليه من اجر
فرستاده استوارم بترسید از خدای و فرمان برید مرا و نمی خواهیم از شما از مزدی

ان اجري الا على رب العالمين ۝ فاتقوا الله واطيعون ۝ قالوا
نیست مزد من مگر بر خداوند جهانیان بپرهیزید از عذاب خدای و فرمان برید مرا گفتند

انؤمن لك واتبعك الارذلون ۝ قال وما علمي بما كانوا يعملون ۝
بگرویدیم بتو و پی روان تو [illegible] اند نداری گفت نوح نیست دانش من با آنچه ایشان میکنند

ان حسابهم الا على ربي لو تشعرون ۝ وما انا بطارد المؤمنين ۝
نیست شمار ایشان مگر بر خداوند من اگر میدانستید و من نیستم راننده گرویدگان

ان انا الا نذير مبين ۝ قالوا لئن لم تنته يا نوح لتكونن من
نیستم من مگر ترساننده پیدا گفتند ای نوح اگر باز نایستی ازین سخن ناچاره باشی از

المرجومين ۝ قال رب ان قومي كذبون ۝ فافتح بيني وبينهم
راندگان و کشتگان بسنگ گفت خداوند من این گروه مرا دروغ زن کردند پس برگشای میان من و میان ایشان

نصف الحزب

فتحا ونجني ومن معي من المؤمنين ۝ فانجيناه ومن معه
کار برگشادنی و باز رهان مرا و آنکس که با من اند از گرویدگان پس برهانیدیم او را و هر که با او بود

في الفلك المشحون ۝ ثم اغرقنا بعد الباقين ۝ ان في ذلك لاية
در آن کشتی گران بار کرده بر آنگه به آب بکشتیم پس همه باز ماندگان را بدرستی که در آن نشانی و عبرتیست

وما كان اكثرهم مؤمنين ۝ وان ربك لهو العزيز الرحيم ۝ كذبت
و نبودند بیشتر ایشان گرونده و بدرستی که خداوند تو اوست بی همتا مهربان دروغ زن کردند

عاد المرسلين ۝ اذ قال لهم اخوهم هود الا تتقون ۝ اني لكم رسول
عاد فرستادگان را آنگه که گفت ایشان را برادر ایشان هود چه نترسید از عذاب خدای بدرستی که من شما را فرستادهام

امين ۝ فاتقوا الله واطيعون ۝ وما اسألكم عليه من اجر ان
استوار بترسید از خدای و فرمان برید مرا و نمی خواهم از شما بر این پیغام رسانی هیچ مزدی نیست

اجري الا على رب العالمين ۝ اتبنون بكل ريع اية تعبثون ۝
مزد من مگر بر خداوند جهانیان میسازند و بر می آرید بر هر بالائی خانه بازی میکنید

وتتخذون مصانع لعلكم تخلدون ۝ واذا بطشتم بطشتم
و فرا میگیرید کار [illegible] تا مگر شما جاوید مانید و آنگه که بگیرند و بر کوبید شما را

جبارين ۝ فاتقوا الله واطيعون ۝ واتقوا الذي امدكم بما
بر منکوبید بترسید از خدای و فرمان برید مرا بترسید از آن خدای که در هم پیوست شما را با آنچه

تعلمون ۝ امدكم بانعام وبنين ۝ وجنات وعيون ۝ اني
میکنید پیوسته داد شما را ستوران و پسران و رزان و چشمها روان بدرستی که من

اخاف عليكم عذاب يوم عظيم ۝ قالوا سواء علينا اوعظت
میترسم بر شما عذاب روزی بزرگ گفتند یکسانست بر ما که پند دهی تو

ام لم تكن من الواعظين ۝ ان هذا الا خلق الاولين ۝ وما نحن
یا نباشی از پند دهندگان این نیست مگر دروغ ساختن پیشینیان و هرگز ما را

معذبين ۝ فكذبوه فاهلكناهم ان في ذلك لاية وما كان اكثرهم

مؤمنين ۝ وان ربك لهو العزيز الرحيم ۝ كذبت ثمود المرسلين

اذ قال لهم اخوهم صالح الا تتقون ۝ اني لكم رسول امين

فاتقوا الله واطيعون ۝ وما اسئلكم عليه من اجر ان اجري الا

على رب العالمين ۝ اتتركون في ما ههنا امنين ۝ في جنات

وعيون ۝ وزروع ونخل طلعها هضيم ۝ وتنحتون من الجبال

بيوتا فارهين ۝ فاتقوا الله واطيعون ۝ ولا تطيعوا امر المسرفين

الذين يفسدون في الارض ولا يصلحون ۝ قالوا انما انت من المسحرين

ما انت الا بشر مثلنا فات باية ان كنت من الصادقين

قال هذه ناقة لها شرب ولكم شرب يوم معلوم ۝ ولا تمسوها

بسوء فياخذكم عذاب يوم عظيم ۝ فعقروها فاصبحوا نادمين

فاخذهم العذاب ان في ذلك لاية وما كان اكثرهم مؤمنين

وان ربك لهو العزيز الرحيم ۝ كذبت قوم لوط المرسلين

اذ قال لهم اخوهم لوط الا تتقون ۝ اني لكم رسول امين ۝ فاتقوا

الله واطيعون ۝ وما اسئلكم عليه من اجر ان اجري الا على

رب العالمين ۝ اتاتون الذكران من العالمين ۝ وتذرون ما

خلق لكم ربكم من ازواجكم بل انتم قوم عادون ۝ قالوا

لئن لم تنته يا لوط لتكونن من المخرجين ۝ قال اني لعملكم

من القالين ۝ رب نجني واهلي مما يعملون ۝ فنجيناه واهله

اجمعين ۝ الا عجوزا في الغابرين ۝ ثم دمرنا الاخرين ۝ وامطرنا

عليهم مطرا فساء مطر المنذرين ۝ ان في ذلك لاية وما كان

اكثرهم مؤمنين ۝ وان ربك لهو العزيز الرحيم ۝ كذب اصحاب

الأيكة المرسلين ۝ إذ قال لهم شعيب ألا تتقون ۝ إني لكم
ایکه پیغامبرانرا اگر گفت ایشانرا شعیب نپرهیزید من شمارا
رسول أمين ۝ فاتقوا الله وأطيعون ۝ وما أسألكم عليه من
رسولی استوارم بترسید از خدای و فرمان برید مرا و نمی خواهم از شما برین کار هیچ
أجر إن أجري إلا على رب العالمين ۝ أوفوا الكيل ولا تكونوا
مزدی نیست مزد من مگر بر خداوند جهانیان تمام بپیمایید پیمانها و مباشید
من المخسرين ۝ وزنوا بالقسطاس المستقيم ۝ ولا تبخسوا الناس
از زیان کنندگان و بسنجید بقپان راست و مکاهید مردمانرا
أشياءهم ولا تعثوا في الأرض مفسدين ۝ واتقوا الذي خلقكم
چیزهای ایشانرا و مروید در زمین تباه کاری و بترسید از آنکه بیافرید شمارا
والجبلة الأولين ۝ قالوا إنما أنت من المسحرين ۝ وما أنت إلا
و گروهان پیشینیان گفتند نیستی تو مگر از جادو زدگان و نیستی تو مگر
بشر مثلنا وإن نظنك لمن الكاذبين ۝ فأسقط علينا
مردی همچون ما و می پنداریم ترا از دروغ زنان فرو افکن بر ما
كسفا من السماء إن كنت من الصادقين ۝ قال ربي أعلم بما
پاره از آسمان اگر هستی از راست گویان گفت خداوند من داناتر است بانچه
تعملون ۝ فكذبوه فأخذهم عذاب يوم الظلة إنه كان عذاب
میکنید دروغ زن کردند اورا فرو گرفت ایشانرا عذاب روز سایه آن بود عذاب
يوم عظيم ۝ إن في ذلك لآية وما كان أكثرهم مؤمنين ۝
روز بزرگ در آن نشانی است و نبود بیشترشان گرونده
وإن ربك لهو العزيز الرحيم ۝ وإنه لتنزيل رب العالمين ۝ نزل
و خداوند تو اوست ... و این نامه فرو فرستاده خداوند جهانیان است فرود آورد

به الروح الأمين ۝ على قلبك لتكون من المنذرين ۝ بلسان
آنرا روح استوار بر دل تو تا باشی از آگاه کنندگان بزبانی
عربي مبين ۝ وإنه لفي زبر الأولين ۝ أولم يكن لهم آية أن
تازی پیدا و این در نامهای پیشینیان است آیا نیست ایشانرا نشانی روشن که
يعلمه علماء بني إسرائيل ۝ ولو نزلناه على بعض الأعجمين ۝
بشناسند دانایان بنی اسرائیل و اگر فرو فرستادیمی بر بعضی ناتازی زبانان
فقرأه عليهم ما كانوا به مؤمنين ۝ كذلك سلكناه في قلوب
تا بخواندی برایشان نبودندی بآن گرونده همچنین درآوردیم آن در دلها
المجرمين ۝ لا يؤمنون به حتى يروا العذاب الأليم ۝ فيأتيهم
کافران نگروند بآن تا ببینند عذاب دردناک که آید بایشان
بغتة وهم لا يشعرون ۝ فيقولوا هل نحن منظرون ۝ أفبعذابنا
ناگاه و ایشان نادانان و گویند آیا بعذاب ما
يستعجلون ۝ أفرأيت إن متعناهم سنين ۝ ثم جاءهم ما كانوا
شتاب میکنند آیا دیدی اگر برخوردار کنیم ایشانرا سالها پس آید بایشان آنچه
يوعدون ۝ ما أغنى عنهم ما كانوا يمتعون ۝ وما أهلكنا
وعده میدادند چه بکار آید ایشانرا و هلاک نکردیم ما
من قرية إلا لها منذرون ۝ ذكرى وما كنا ظالمين ۝ وما
هیچ شهری مگر آنرا بود آگاه کنندگان پند دادن و نبودیم ما ستمکار و
تنزلت به الشياطين ۝ وما ينبغي لهم وما يستطيعون ۝ إنهم
فرود نیاوردند آن دیوان و نسزد ایشانرا و نتوانند که ایشان
عن السمع لمعزولون ۝ فلا تدع مع الله إلها آخر فتكون من
از شنیدن دور کرده شدگانند پس مخوان با خدای خدای دیگر که باشی از

المعذبين ۝ وانذر عشيرتك الاقربين ۝ واخفض جناحك لمن

عذاب كرده شدگان و بيم كن خويشان نزديك خود و فرو گير بال خود را مر آنها

اتبعك من المؤمنين ۝ فان عصوك فقل انى برىء مما

كه پيروى تو كردند از گروندگان پس اگر سر كشند از تو بگو من بيزارم از آنچه

تعملون ۝ وتوكل على العزيز الرحيم ۝ الذى يريك حين تقوم

شما ميكنيد و پشت باز كن بر بى همتاى مهربان او كه مى بيند ترا هنگام ايستادن در نماز

وتقلبك فى الساجدين ۝ انه هو السميع العليم ۝ هل انبئكم

و گشتن ترا در ركوع و سجودكنان كه او خداى شنواست داناست خبر كنم شما را كه

على من تنزل الشياطين ۝ تنزل على كل افاك اثيم ۝ يلقون

بر كه فرو مى آيند ديوان فرو آيند بر هر گويندهٔ سخن بزه مندى اگر دارد گوش

السمع واكثرهم كاذبون ۝ والشعراء يتبعهم الغاوون ۝

فرا دو گوش و بيشتر ايشان دروغ زنانند و شاعرانند كه در پى ايشانست بى راهان و بى ناپاكان

الم تر انهم فى كل واد يهيمون ۝ وانهم يقولون ما لا يفعلون ۝

نمى بينى كه ايشان در هر رود كده و هامونى بگمراهى ميروند و ميگويند آنچه نميكنند

الا الذين آمنوا وعملوا الصالحات وذكروا الله كثيرا وانتصروا

مگر آنكسانى كه بگرويدند و كردند كارهاى نيك و ياد كردند خداى خويش بسيار و كين كشيدند

من بعد ما ظلموا وسيعلم الذين ظلموا اى منقلب ينقلبون ۝

از پس آنكه ستم كردند برايشان و زود بدانند آنكسان كه ستم كردند كه بكدام گشتن گاه گردند و بكدام زور

سورة النمل ثلث وتسعون آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداى بخشاينده مهربان

طس تلك آيات القرآن وكتاب مبين ۝ هدى وبشرى

اين سوره آيتهاء قرآنست و كتابى روشن راه نماينده و مژده دهنده

للمؤمنين ۝ الذين يقيمون الصلوة ويؤتون الزكوة وهم بالآخرة

مر گروندگان آنكسان كه بپاى ميدارند نماز و ميدهند زكوة مال و ايشان برستاخيز

هم يوقنون ۝ ان الذين لا يؤمنون بالآخرة زينا لهم اعمالهم فهم

بى گمان ميگروند آنكسان كه نمى گروند برستاخيز بياراستيم برايشان كردارهاى ايشان تا

يعمهون ۝ اولئك الذين لهم سوء العذاب وهم فى الآخرة هم

بى سامان مى زيند ايشان آنند كه ايشان راست بد عذابى و ايشان در آخرة

الاخسرون ۝ وانك لتلقى القرآن من لدن حكيم عليم ۝ اذ قال

زيان كارانند و ترا در دل ميدهند قرآن از نزد راستكار دانا آنگه كه گفت

موسى لاهله انى آنست نارا سآتيكم منها بخبر او آتيكم

موسى زن خود را بدرستى كه ديدم از دور آتشى آرم شما را از نزديك آن خبرى يا آرم شما را

بشهاب قبس لعلكم تصطلون ۝ فلما جاءها نودى ان بورك

آتشى افروخته تا مگر شما گرم شويد چون آمد موسى بان آتش آواز دادند كه بابركه

من فى النار ومن حولها وسبحان الله رب العالمين ۝ يا موسى

آنكسى در آتش است و آنكسان كه گرد بر گرد آن و پاكى خدا را پروردگار جهانيان اى موسى

انه انا الله العزيز الحكيم ۝ والق عصاك فلما رآها تهتز

آنكه هست آن منم خداى توانا درست كار بيفكن عصاى خويش پس چون عصا را كه مى جنبد

كانها جان ولى مدبرا ولم يعقب يا موسى لا تخف انى لا

راست گوييا كه آن ماريست باريك روى برگردانيد در حالتى كه گريزان بود و باز نگشت اى موسى مترس بدرستى كه منم كه نه

يخاف لدى المرسلون ۝ الا من ظلم ثم بدل حسنا بعد سوء

ترسد نزد من فرستادگان مگر آنكس كه گناهى كند پس بدل كند به نيكويى پس بدى

فاني غفور رحيم ۝ وادخل يدك في جيبك تخرج بيضاء من غير
بدرستي كه منم آمرزگار مهربان و در آر دست خويش در گريبان خويش بيرون آيد سپيد بي

سوء في تسع آيات الى فرعون وقومه انهم كانوا قوما فاسقين
بدي بنه آيه معجزه و نشان بسوي فرعون و گروه او كه ايشان اند گروهي از فرمان بيرون

فلما جاءتهم آياتنا مبصرة قالوا هذا سحر مبين ۝ وجحدوا
چون آمد بايشان نشانهاء روشن پيدا گفتند اين است جادويي آشكارا منكر شدند

بها واستيقنتها انفسهم ظلما وعلوا فانظر كيف كان
آنرا و درست شناخت تنهاء ايشان كه آيات بيكاري و برتري در نگر كه چگونه بود

عاقبة المفسدين ۝ ولقد آتينا داود وسليمن علما وقالا
سرانجام تبه كاران و بدرستي كه داديم ما داود و سليمان را علم پيغامبري و گفتند ايشان

الحمد لله الذي فضلنا على كثير من عباده المؤمنين ۝ وورث
ستايش خدايرا آن خداي كه فضل داد ما را بر فراواني از بندگان گرويده خويش ميراث برد

سليمن داود وقال يا ايها الناس علمنا منطق الطير
سليمان از داود و گفت سليمان اي مردمان آموخته اند ما را سخن مرغان

واوتينا من كل شيء ان هذا لهو الفضل المبين ۝ وحشر
و داده اند ما را از هر چيزي بدرستي كه اين عطايا اوست فضيلت آشكار و گرد كرد

لسليمن جنوده من الجن والانس والطير فهم يوزعون ۝ حتى
سليمان لشكرهاء او از پريان و آدميان و مرغان و ايشان را باز داشتند تا

اذا اتوا على واد النمل قالت نملة يا ايها النمل ادخلوا مساكنكم
آنگه كه بگذشتند بر رود گاه مورچه گفت سالاران مورچه اي مورچگان در رويد در جايگاههاء خويش

لا يحطمنكم سليمن وجنوده وهم لا يشعرون ۝ فتبسم
فرو نشكنند شما را سليمان و سپاه او و ايشان ندانند پس بخنديد سليمان

ضاحكا من قولها وقال رب اوزعني ان اشكر نعمتك
خنديدني از سخن آن مورچه و گفت خداوند من مرا باز دار تا آزادي آن نيكوكاري كنم

التي انعمت علي وعلى والدي وان اعمل صالحا ترضيه وادخلني
آن نيكوكردي با من و با پدر و مادر من و كنم كردار نيكو كه بپسندي آنرا و درآر مرا

برحمتك في عبادك الصالحين ۝ وتفقد الطير فقال ما لي
برحمت خويش در بندگان نيكوكاران خويش و بازجست سليمان مرغ را و گفت چيست مرا

لا ارى الهدهد ام كان من الغائبين ۝ لاعذبنه عذابا
كه نمي بينم هدهد را يا بود از ناديدگان هر آينه عذاب كنم او را عذابي

شديدا او لاذبحنه او ليأتيني بسلطان مبين ۝ فمكث
سخت يا ببرم گلوي او يا آرد بمن عذري و حجتي روشن پيدا پس درنگ كرد

غير بعيد فقال احطت بما لم تحط به وجئتك من سبإ
نه دير پس گفت بدانستم و رسيدم بآن كه تو نرسيدي بآن و آورده ام از سبا

بنبإ يقين ۝ اني وجدت امرأة تملكهم واوتيت من كل
خبري بي گمان بدرستي كه من يافتم زني كه پادشاهي ميكرد و داده بودند او را از هر

شيء ولها عرش عظيم ۝ وجدتها وقومها يسجدون للشمس
چيزي كه در پادشاهي درباید و آن زن را تختي بزرگوار و يافتم آن زن را و قوم او را كه سجده ميكردند آفتاب را

من دون الله وزين لهم الشيطان اعمالهم فصدهم عن السبيل
جز از خداي و بياراست ايشان را شيطان كردارها ايشان تا برگردانيد ايشان را از راه

فهم لا يهتدون ۝ الا يسجدوا لله الذي يخرج الخبء في السموات
تا ايشان راه نمي برند چرا سجود نكنند خدا را آن خدائي كه بيرون آرد نهانها در آسمانها

والارض ويعلم ما تخفون وما تعلنون ۝ الله لا اله الا هو
و زمين و ميداند آنچه نهان ميكنيد و آنچه آشكارا ميكنيد اوست آن خدائي كه نيست خداي جز او

رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ۝ قَالَ سَنَنْظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ

پروردگار عرش بزرگوار گفت سلیمان زود باشد که بنگریم که راست گفتی یا باشی از

الْكَاذِبِينَ ۝ اِذْهَبْ بِكِتَابِي هَذَا فَأَلْقِهْ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّ

دروغ زنان ببر این نامهٔ من و بیفکن با ایشان آنگه بازگرد

عَنْهُمْ فَانْظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ ۝ قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيَّ

از ایشان و بنگر تا چه جواب دهند بلقیس گفت ای مهتران بدرستی افکنده بمن

كِتَابٌ كَرِيمٌ ۝ إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نامه نیکو این از سلیمان و نوشته اینست بسم الله الرحمن الرحیم

أَلَّا تَعْلُوا عَلَيَّ وَأْتُونِي مُسْلِمِينَ ۝ قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي

گردن کشید بر من و آیید بمن گردن نهادگان بلقیس گفت ای پیشوایان قوم

فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُونِ ۝ قَالُوا نَحْنُ

در کار من نیستی برنده کاری تا آنکه شما پیش من آیید گفتند ما

أُولُو قُوَّةٍ وَأُولُو بَأْسٍ شَدِيدٍ وَالْأَمْرُ إِلَيْكِ فَانْظُرِي مَاذَا

خداوندان قوة و ابوهم و خداوندان زور سخت و فرمان تراست بنگر تا چه فرمایی مارا

تَأْمُرِينَ ۝ قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا

من کار گفت پادشاهان اگر روند در شهری تباه کنند آنرا و کنند

أَعِزَّةَ أَهْلِهَا أَذِلَّةً وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ ۝ وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ

عزیزان آن شهر خوار و همچنان کنند که او گفت و من فرستم با ایشان

بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ ۝ فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانَ قَالَ

هدیه و بنگرم تا چه جواب آرند فرستادگان چون آمد رسول سلیمان گفت سلیمان

أَتُمِدُّونَنِ بِمَالٍ فَمَا آتَانِيَ اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا آتَاكُمْ بَلْ أَنْتُمْ

می‌شوند مرا آنچه داد مرا خدای بهتر ازان که شمارا داد بلکه شما اید

بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُونَ ۝ اِرْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بِجُنُودٍ لَا قِبَلَ

بان که مرا فرستادید شادی نمایند بازگرد با ایشان حقا که آریم با ایشان سپاهی که بر نیایند

لَهُمْ بِهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْهَا أَذِلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ ۝ قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ

ایشان آن و بیرون آریم ایشانرا از آن زمین خوار و ایشانرا کم آورده و بی سلیمان گفت ای پیشوایان سپاه

أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ ۝ قَالَ عِفْرِيتٌ مِنَ

کیست از شما که بمن آرد تخت آن زن پیش ازان که آیند بمن مسلمانی را گفت ستنبه از

الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ

پریان من آرم بتو آن تخت پیش ازان که برخیزی از نشست خویش و بدرستی که من آوردن انرا با قوتم

أَمِينٌ ۝ قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ

و امینم گفت آن مرد که نزد او دانش بود از کتاب خدای من بتو آرم آن تخت پیش از

أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَآهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ

آن نگرستن چشم تو و برداردار چون دید ان تخت آرمیده نزد او گفت این از

فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ

افزونی پروردگار منست همی بیازماید مرا که شکر کنم بان نعمت یا ناسپاسی کنم و هر که شکر کند

فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ ۝

آن شکر کند تن خود را و هر که ناسپاسی کند بدرستی که خداوند من بی‌نیازست و نیکوکار

قَالَ نَكِّرُوا لَهَا عَرْشَهَا نَنْظُرْ أَتَهْتَدِي أَمْ تَكُونُ مِنَ الَّذِينَ

گفت سلیمان بگردانید ازان گونه تخت بلقیس را تا بنگریم بشناسد تخت خویشرا یا بود از آنان

لَا يَهْتَدُونَ ۝ فَلَمَّا جَاءَتْ قِيلَ أَهَكَذَا عَرْشُكِ قَالَتْ

که نشناسند تخت خویشرا چون آمد گفتند اورا چنین است تخت تو گفت

كَأَنَّهُ هُوَ وَأُوتِينَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ ۝ وَصَدَّهَا

چنانست گویی که آنست و دادند مارا دانایی از پیش ان و بودیم ما مسلمانان و بازداشت اورا

ما كانت تعبد من دون الله انها كانت من قوم كافرين

آنچه بودند که می پرستید از غیر خدای آنرا بودید از گروه کافران

قيل لها ادخلي الصرح فلما رأته حسبته لجة وكشفت عن

گفتند بلقیس را درآی طارم را چون دید طارم را پنداشت که آب ژرفست برکشید دامن از

ساقيها قال انه صرح ممرد من قوارير قالت رب اني ظلمت

ساقها خود گفت سلیمان که آن طارمیست ساخته از آبگینه بلقیس گفت خداوند من درستی که ستم کردم

نفسي واسلمت مع سليمان لله رب العالمين ولقد ارسلنا

بر خویشتن و مسلمان شدم با سلیمان خدایرا پروردگار جهانیان و بدرستی که فرستادیم ما

الى ثمود اخاهم صالحا ان اعبدوا الله فاذا هم فريقان يختصمون

به ثمود برادر ایشان صالح که پرستید خدا را که ایشان دو گروه شدند با یکدیگر خصومت کردند

قال يا قوم لم تستعجلون بالسيئة قبل الحسنة لولا تستغفرون

گفت صالح ای قوم چرا بعذاب می شتابید به بدی پیش نیکی چرا آمرزش نخواهید

الله لعلكم ترحمون قالوا اطيرنا بك وبمن معك قال طائركم

از خدای تا مگر بر شما بخشاید گفتند شوم آمدی ما را بتو و بانکه با تواند گفت صالح که شوم شما

عند الله بل انتم قوم تفتنون وكان في المدينة تسعة رهط

نزد خداست بلکه شما گروهی آزمایندگان و بود در شهرستان نه تن که می کردند

يفسدون ولا يصلحون قالوا تقاسموا بالله لنبيتنه واهله

في الارض / در زمين

تباه کاری و نیکو کاری نمی کردند گفتند سوگند خورید بخدای که ناگاه شبیخون کنیم صالح را و کسان او را

ثم لنقولن لوليه ما شهدنا مهلك اهله وانا لصادقون

اگر گوییم داوری او را نبودیم با کشتن صالح و کسان او را و ما راست میگوییم

ومكروا مكرا ومكرنا مكرا وهم لا يشعرون فانظر

ایشان دستانی ساختند نهان و ما دستانی ساختیم نهان و ایشان آگاه نبودند پس درنگر

كيف كان عاقبة مكرهم انا دمرناهم وقومهم اجمعين

چگونه بود سرانجام دستان ایشان بدرستی که ما هلاک کردیم ایشان را و گروه ایشان همه

فتلك بيوتهم خاوية بما ظلموا ان في ذلك لاية لقوم يعلمون

پس آن خانهای ایشان تهی از ایشان بآن ستم کاری که کردند بدرستی که در آن عبرتست گروهی را که بدانند

وانجينا الذين امنوا وكانوا يتقون ولوطا اذ قال لقومه

و برهانیدیم ایشانرا که بگرویدند و بودند پرهیزکار و یاد کن لوط را که گفت قوم خویش

اتاتون الفاحشة وانتم تبصرون ائنكم لتاتون

می کنید کار زشت و شما خود می‌دانید می کرایید

الرجال شهوة من دون النساء بل انتم قوم تجهلون فما

بامردان بکام رانی از غیر زنان نیست آن که شما گروهی نادانید

كان جواب قومه الا ان قالوا اخرجوا ال لوط من قريتكم انهم

بود جواب قوم او مگر آن که میگفتند بیرون کنید قوم لوط را از شهر خویش که ایشان

اناس يتطهرون فانجيناه واهله الا امراته قدرناها من

مردمانی اند که پاکیزگی بورزند پس برهانیدیم او را و کسان او را مگر زن او را بازداشتیم آن زن از

الغابرين وامطرنا عليهم مطرا فساء مطر المنذرين قل

بازماندگان بود و باریدیم بر ایشان بارانی چه بد بارانی آگاه کنندگان بگو

الحمد لله وسلام على عباده الذين اصطفى الله خير اما

سپاس خدایرا و درود بر بندگان او آنکسانی که برگزید خدا بهترست یا آنچه

يشركون امن خلق السموات والارض وانزل لكم من السماء

شریک آرند ایشان آنکس که آفرید آسمانها و زمین و فرو فرستاد شما را از آسمان

ماء فانبتنا به حدائق ذات بهجة ما كان لكم ان تنبتوا

آبی تا برویانیدیم بآن بستانها دیوارهایست نیکو منظر نبود شما را که برویانید

شجرها ءاله مع الله بل هم قوم يعدلون ۝ امن جعل الارض
درختان آن خدای دیگر با خدا نیست جز آن که ایشان قومی اند که دروغ یا آنکس که کرد زمین را

قرارا وجعل خلالها انهارا وجعل لها رواسي وجعل
جای آرامیدن و کرد میان درختان آن جویهاء آب و کرد میان ... ازکوهها و کرد

بين البحرين حاجزا ءاله مع الله بل اكثرهم لا يعلمون ۝ امن
میان دو دریا بازدارنده آیا خدای دیگرست با خدا بلکه بیشتر ایشان نمیدانند یا آنکس

يجيب المضطر اذا دعاه ويكشف السوء ويجعلكم خلفاء
که اجابت میکند بیچاره را آنکه خواند او را و باز برد بد و رنج و میکند شما را پس یکدیگر

الارض ءاله مع الله قليلا ما تذكرون ۝ امن يهديكم في ظلمات
در زمین آیا خدای دیگرست با خدا اندک پند برند و در یابند یا آنکس که راه می نماید شما را در تاریکیها

البر والبحر ومن يرسل الرياح بشرا بين يدي رحمته ءاله
دشت و دریا و آنکس که گشاید بادها رحمت خویش آیا خدای دیگر

مع الله تعالى الله عما يشركون ۝ امن يبدؤا الخلق ثم يعيده
با خدای چون برترست خدای از آنچه انباز میگویند یا آنکس که این جهان می آفریند و باز آن جهان

ومن يرزقكم من السماء والارض ءاله مع الله قل هاتوا برهانكم
و آنکس که روزی میدهد شما را از آسمان و زمین آیا خدای دیگرست با خدای بگو بیارید حجت خویش

ان كنتم صادقين ۝ قل لا يعلم من في السموات والارض الغيب
اگر هستید راست گویان بگو نداند هرکه در آسمانها و زمین است پوشیده

الا الله وما يشعرون ايان يبعثون ۝ بل ادارك علمهم في الاخرة
مگر خدای و ندانند کدام هنگام برانگیزانیده شوند بلکه رسید دانش ایشان در رستاخیز

بل هم في شك منها بل هم منها عمون ۝ وقال الذين كفروا
بلکه ایشان در شک اند از آن بلکه ایشان از آن نابینا اند و گفت آنکسان ناگرویدگان

ءاذا كنا ترابا وآباؤنا ائنا لمخرجون ۝ لقد وعدنا هذا نحن
آنکه که ما خاک گردیم و پدران ما ما بیرون آوردنی ایم بدرستی که وعده داده شد ما را این ما

وآباؤنا من قبل ان هذا الا اساطير الاولين ۝ قل سيروا في
و پدران ما از پیش نیست این سخن مگر افسانهای پیشینیان بگو بروید در

الارض فانظروا كيف كان عاقبة المجرمين ۝ ولا تحزن عليهم
زمین و بنگرید که چگونه بود سرانجام بدان اندوه مبر بر ایشان

ولا تكن في ضيق مما يمكرون ۝ ويقولون متى هذا
و مباش در تنگ از آن حیلت گری ایشان و میگویند آمدن این وعده

الوعد ان كنتم صادقين ۝ قل عسى ان يكون ردف لكم بعض
کی است اگر هستید راست گویان بگو آنچه شما آن می شتابید لختی ... شما لختی

الذي تستعجلون ۝ وان ربك لذو فضل على الناس ولكن
آنچه شما تعجیل میکنید و بدرستی که خداوند تو خداوندی با فضل است بر مردمان و لیکن

اكثرهم لا يشكرون ۝ وان ربك ليعلم ما تكن صدورهم
بیشتر ایشان شکر نمیکنند و بدرستی که خداوند تو میداند آنچه باشد در سینهاء شما

وما يعلنون ۝ وما من غائبة في السماء والارض الا في كتاب
و آنچه آشکارا و نیست هیچ پوشیده در آسمان و زمین مگر در کتاب

مبين ۝ ان هذا القرآن يقص على بني اسرائيل اكثر الذي هم
روشن است بدرستی این قرآن میخواند و قصه میگوید بر بنی اسرائیل بیشتر آن که ایشان

فيه يختلفون ۝ وانه لهدى ورحمة للمؤمنين ۝ ان ربك
در آن خلاف میکنند و این راه نمونست و بخشش مرگرویدگان بدرستی که خداوند تو

يقضي بينهم بحكمه وهو العزيز العليم ۝ فتوكل على الله انك
حکم کند میان ایشان بحکم خود و اوست بی همتا دانا پس پشت باز کن بر خدای خویش بدرستی که

على الحق المبين ۝ انك لا تسمع الموتى ولا تسمع الصم الدعاء
بر راستی پیدا بدرستی که تو نه شنوانی مردگان و نشنوند کران خواندن

اذا ولوا مدبرين ۝ وما انت بهادى العمى عن ضلالتهم
چون بگردند پشت برگردانند و برگردند و نیستی تو که براه آوری نابینایان را از گمراهی ایشان

ان تسمع الا من يؤمن باياتنا فهم مسلمون ۝ واذا وقع القول
نشنوانی مگر آنکس که بگرود به سخنان ما پس ایشان مسلمانانند و چون افتد سخن

عليهم اخرجنا لهم دابة من الارض تكلمهم ان الناس كانوا
بر ایشان بیرون آریم ما ایشان را جنبنده از زمین فرا روی ایشان بگوید که مردمان باشند

باياتنا لا يوقنون ۝ ويوم نحشر من كل امة فوجا ممن يكذب
بسخنان ما بی گمانان و آن روز که واهم آریم از هر امتی گروهی را ایشان که دروغ میداشتند

باياتنا فهم يوزعون ۝ حتى اذا جاءو قال اكذبتم باياتى
سخنان ما پس ایشان را فراهم بازدارند تا آنکه که آیند گوید دروغ شمردند سخنان من

ولم تحيطوا بها علما اماذا كنتم تعملون ۝ ووقع القول عليهم
و در نیافتید آنرا دانش تا آن چه بود که میکردند و افتاد آن گفتن بر ایشان

بما ظلموا فهم لا ينطقون ۝ الم يروا انا جعلنا الليل ليسكنوا
بانچه ستم کردند ایشان هیچ سخن نگویند نمی بینند که ما کردیم شب تا ساکن شوید

فيه والنهار مبصرا ان فى ذلك لايات لقوم يؤمنون ۝
در آن و روز کردیم تا می بینید بدرستی که در آن نشانهاست گروهی را که بگروند

ويوم ينفخ فى الصور ففزع من فى السموات ومن فى الارض الا
و آنروز که در دمند در صور بترسند اهل هفت آسمان و هفت زمین مگر

من شاء الله وكل اتوه داخرين ۝ وترى الجبال تحسبها جامدة
آنکس که خواهد خدای و همه آمدنی اند با و ناچار و ناکام و بینی کوهها پنداری که برجای است استاده

وهى تمر مر السحاب صنع الله الذى اتقن كل شىء انه
وآن میرود چنانکه رود ابر صنع خداست آن که توانا است بر هر چیز او بدرستی که او

خبير بما تفعلون ۝ من جاء بالحسنة فله خير منها وهم من
آگاهست بانچه میکنید هر که آرد نیکی پس او راست بهتر از آن و ایشان از

فزع يومئذ امنون ۝ ومن جاء بالسيئة فكبت وجوههم
بیم آنروز رستگارند و هر که آرد بدی نگون اندازند رویهای ایشان

فى النار هل تجزون الا ما كنتم تعملون ۝ انما امرت ان اعبد رب
در آتش شمارا پاداش دهند مگر بانچه میکردند بگو فرمود مرا که پرستم خدای

هذه البلدة الذى حرمها وله كل شىء وامرت ان اكون من
این شهر این خدای که از حرم بزرگ نهاد این و او راست هر چیز و فرمودند مرا که باشم از

المسلمين ۝ وان اتلوا القران فمن اهتدى فانما يهتدى لنفسه
گردن نهادگان و فرمود که خوانم قرآن هر که باراه آید بدرستی که باراه آید خویشتن را

ومن ضل فقل انما انا من المنذرين ۝ وقل الحمد لله سيريكم
و هر که بگم راه رود بگو من از آگاه کنندگانم و بگو سپاس خدایرا که می نماید شمارا

اياته فتعرفونها وما ربك بغافل عما تعملون ۝
نشانهای خویش تا بشناسید آنرا و خداوند تو نا آگاه نیست از انچه میکنید شما

سورة القصص مكية ثمان وثمانون آية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشاینده مهربان

طسم ۝ تلك ايات الكتاب المبين ۝ نتلوا عليك من نبإ موسى
طسم این حروف آیتها روشن پیداست میخوانیم بر تو از خبر موسی

وفرعون بالحق لقوم يؤمنون ۝ ان فرعون علا في الارض وجعل
و فرعون براستی گروهی را که بگروند بدرستی که فرعون بلندی جست در زمین و کرد
اهلها شيعا يستضعف طائفة منهم يذبح ابناءهم ويستحيي
مردمان مصر را گروه گروه زبون گرفت گروهی از ایشان می برید گلوی پسران ایشان و زنده می گذاشت
نساءهم انه كان من المفسدين ۝ ونريد ان نمن على الذين
زنان ایشان را بدرستی که بود از تباه کاران و می خواستیم تا که سپاس نهیم بر ایشان
استضعفوا في الارض ونجعلهم ائمة ونجعلهم الوارثين ۝
که بیچاره کرده بودند در زمین مصر و کنیم ایشان را پیشوایان و کنیم ایشان را میراث بران پادشاهی
ونمكن لهم في الارض ونري فرعون وهامان وجنودهما منهم
و جای دادیم ایشان را در زمین مصر و بنماییم فرعون و هامان و سپاه ایشان از بنی اسرائیل
ما كانوا يحذرون ۝ واوحينا الى ام موسى ان ارضعيه فاذا
آنچه بودند می پرهیزیدند و می ترسیدند و رسانیدیم ما با در موسی که شیر می ده موسی را چون
خفت عليه فالقيه في اليم ولا تخافي ولا تحزني انا رادوه
چون ترسی برو پس افکن در دریا و مترس و اندوه مبر که ما دهیم اورا
اليك وجاعلوه من المرسلين ۝ فالتقطه آل فرعون ليكون
با تو و کنیم اورا از پیغامبران پس از سر آب برگرفت کسان فرعون موسی را بود
لهم عدوا وحزنا ان فرعون وهامان وجنودهما كانوا
ایشان را دشمن و اندوهی فرعون و هامان و سپاه ایشان هردو بودند
خاطئين ۝ وقالت امرات فرعون قرت عين لي ولك لا تقتلوه
بی راهان گفت زن فرعون روشنایی چشمست مرا و ترا مکشید اورا
عسى ان ينفعنا او نتخذه ولدا وهم لا يشعرون ۝ واصبح فؤاد
تا مگر بکار آید مارا یا بگیریم او را بفرزندی و ایشان نمیدانستند بامداد کرد دل

لتبدي

ام موسى فارغا ان كادت لتبدي به لولا ان ربطنا على قلبها لتكون
مادر موسی پرداخت تا اگر که خواست که آشکارا کند اگر نه آن بود که ما بند نهادیم بر دل او تا باشد
من المؤمنين ۝ وقالت لاخته قصيه فبصرت به عن جنب
از گروندگان وگفت مادر موسی خواهر موسی را پی برادر برو پس بدید برادر خود را از دور
وهم لا يشعرون ۝ وحرمنا عليه المراضع من قبل فقالت هل
و ایشان ندانستند که او خواهر اوست و حرام کردیم او را بر او که شیر خورد دیگران را از پیش پس گفت
ادلكم على اهل بيت يكفلونه لكم وهم له ناصحون ۝ فرددناه
راه نمایم شمارا بر اهل بیتی که بدبود آن کودک را شمارا و ایشان او را نصیحت کنندگان اند پس باز دادیم او را
الى امه كي تقر عينها ولا تحزن ولتعلم ان وعد الله حق
بمادر او روشن کند چشم خود را بآن و غم نداره و اندوهگین نشود تا بداند مادر موسی که وعده خدا راست است
ولكن اكثرهم لا يعلمون ۝ ولما بلغ اشده واستوى آتيناه حكما
و لیکن بیشتر ایشان ندانند چون بالغ گشت و بدان جایگاه رسید که قوی دادیم ما او را حکمت
وعلما وكذلك نجزي المحسنين ۝ ودخل المدينة على حين
و علم و این پاداشت است نیکوکاران را در آمد در شهر در هنگام
غفلة من اهلها فوجد فيها رجلين يقتتلان هذا من شيعته
غفلت از اهل آن شهر پس بیافت در آن شهر دو مرد که جنگ میکردند یکی از بنی اسرائیل
وهذا من عدوه فاستغاثه الذي من شيعته على الذي من عدوه
و یکی از قوم دشمن او فریاد خواند آن که از قوم موسی بود بر آنکس که از قوم دشمن او بود
فوكزه موسى فقضى عليه قال هذا من عمل الشيطان انه عدو
پس مشت برداشت و او را بزد موسی و مرگ آمد مرد را بدان گفت موسی این از کرد شیطان بود بدرستی که او دشمنی
مضل مبين ۝ قال رب اني ظلمت نفسي فاغفر لي فغفر له انه
بی راه کننده هویدا گفت موسی یا رب بدرستی که ستم کردم بر نفس خود بیامرز مرا پس بیامرزید او را بدرستی که او

هو الغفور الرحيم ۝ قال رب بما انعمت علي فلن اكون ظهيرا

للمجرمين ۝ فاصبح في المدينة خائفا يترقب فاذا الذي استنصره

بالامس يستصرخه قال له موسى انك لغوي مبين ۝ فلما

ان اراد ان يبطش بالذي هو عدو لهما قال يا موسى اتريد ان

تقتلني كما قتلت نفسا بالامس ان تريد الا ان تكون جبارا

في الارض وما تريد ان تكون من المصلحين ۝ وجاء رجل من اقصى

المدينة يسعى قال يا موسى ان الملا يأتمرون بك ليقتلوك فاخرج

اني لك من الناصحين ۝ فخرج منها خائفا يترقب قال رب

نجني من القوم الظالمين ۝ ولما توجه تلقاء مدين قال عسى

ربي ان يهديني سواء السبيل ۝ ولما ورد ماء مدين وجد

عليه امة من الناس يسقون ووجد من دونهم امراتين

نصف السبع

تذودان قال ما خطبكما قالتا لا نسقي حتى يصدر الرعاء وابونا

شيخ كبير ۝ فسقى لهما ثم تولى الى الظل فقال رب اني لما

انزلت الي من خير فقير ۝ فجاءته احداهما تمشي على استحياء

قالت ان ابي يدعوك ليجزيك اجر ما سقيت لنا فلما جاءه وقص

عليه القصص قال لا تخف نجوت من القوم الظالمين ۝ قالت

احداهما يا ابت استاجره ان خير من استاجرت القوي

الامين ۝ قال اني اريد ان انكحك احدى ابنتي هاتين على

ان تاجرني ثماني حجج فان اتممت عشرا فمن عندك وما اريد

ان اشق عليك ستجدني ان شاء الله من الصالحين ۝ قال ذلك

بيني وبينك ايما الاجلين قضيت فلا عدوان علي والله على ما

نقول وكيل ۝ فلما قضى موسى الاجل وسار باهله آنس من جانب

الطور نارا قال لاهله امكثوا انى آنست نارا لعلى آتيكم
كوه طور آتشى گفت اهل خويش را درنگ كنيد بدرستى كه من ديدم آتشى تا مگر من آرم شما را

منها بخبر او جذوة من النار لعلكم تصطلون فلما اتيها
ازان خبرى يا پاره از آتش تا مگر شما گرم شويد پس چون آمد

نودى من شاطئ الواد الايمن فى البقعة المباركة من الشجرة
آواز موسى را از كران رود از سوى راست دران جايگاه بركت كرده از درخت

ان يا موسى انى انا الله رب العالمين وان الق عصاك فلما
كه اى موسى بدرستى كه من خدايم خداوند جهانيان بيفكن عصاى خويش را چون

راها تهتز كانها جان ولى مدبرا ولم يعقب يا موسى اقبل
ديد عصا را كه مى جنبيد گويى كه آن ماريست برگشت پشت گردانيده گفتند اى موسى پيش بيا

ولا تخف انك من الامنين اسلك يدك فى جيبك تخرج
و مترس بدرستى كه تو از ايمنانى كن دست خود در جيب خويش تا بيرون آيد

بيضاء من غير سوء واضمم اليك جناحك من الرهب فذانك
سپيد از بى بدى و با خويش از بازوى خويش از بيم هرگاه كه ترسى اين دست و عصا

برهانان من ربك الى فرعون وملائه انهم كانوا قوما فاسقين
دو برهان اند از خداوند تو بفرعون و گروه او كه ايشان بودند گروهى از فرمان بردارى بيرون

قال رب انى قتلت منهم نفسا فاخاف ان يقتلون
گفت خداوندا من كشته ام از ايشان تنى را و مى ترسم كه باز كشند مرا

واخى هرون هو افصح منى لسانا فارسله معى ردءا يصدقنى
و برادر من هارون او گشاده سخن ترست از من بزبان بفرست او را با من يارى بود كه تصديق كند مرا

انى اخاف ان يكذبون قال سنشد عضدك باخيك
بدرستى كه من ميترسم كه گيرند مرا دروغ زن گفت اى سخت كنيم بازوى تو به برادر تو

ونجعل لكما سلطانا فلا يصلون اليكما باياتنا انتما ومن
و دهيم شما را حجتى تا نرسند هيچ بدى بشما بسبحان ما هر دو را و هر كه

اتبعكما الغالبون فلما جاءهم موسى باياتنا بينات
پى روى شما رود باشند غلبه كنندگان چون آمد بايشان موسى به نشانهاء ما روشن هويدا

قالوا ما هذا الا سحر مفترى وما سمعنا بهذا فى ابائنا الاولين
گفتند نيست اين مگر جادويى بر بافته و نشنيده ايم ما اين سخن در روزگار پدران پيشينان

وقال موسى ربى اعلم بمن جاء بالهدى من عنده ومن تكون
گفت موسى خداوند من داناترست باكسى كه آرد براه راست از نزد او و بانكس

له عاقبة الدار انه لا يفلح الظالمون وقال فرعون يا ايها
او راست سرانجام اين سراى رستگارى نيابند ستمكاران وگفت فرعون اى

الملا ما علمت لكم من اله غيرى فاوقد لى يا هامان على الطين
بزرگان من ندانم شما را هيچ خداى جز من آتش افروز اى هامان برگل تا خشت شود

فاجعل لى صرحا لعلى اطلع الى اله موسى وانى لاظنه من
پس ساز و از كوشكى طارمى بلند تا بروم تا ديدار افتد بخداى موسى و من اين موسى مى پندارم از

الكاذبين واستكبر هو وجنوده فى الارض بغير الحق وظنوا
دروغ زنان گردن كشيد او و سپاه او در زمين بغير حق و مى پنداشتند

انهم الينا لا يرجعون فاخذناه وجنوده فنبذناهم فى اليم
كه ايشان با ما باز گردند پس فرا گرفتيم او را و سپاه او را و كشتيم ايشان را در دريا

فانظر كيف كان عاقبة الظالمين وجعلناهم ائمة يدعون
پس بنگر كه چگونه بود سرانجام ستمكاران و گرديم ايشان را پيشوايان ميخوانند مردمان را

الى النار ويوم القيامة لا ينصرون واتبعناهم فى هذه الدنيا
باتش و در روز رستاخيز يارى نه دهند ايشان را و در پى ايشان فرستيم در اين

لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيٰمَةِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ ۝ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى
نفرین و روز قیامت ایشان از هلاکت و تباهی دادگان اند و بدرستی که بدادیم ما موسی را

الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِ مَا أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ الْأُولَى بَصَائِرَ لِلنَّاسِ
توریة از پس آن که هلاک کردیم قرنها پیشین حکمها روشن مردمان را

وَهُدًى وَرَحْمَةً لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ۝ وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الْغَرْبِيِّ
و راه نمونی و بخشایش تا مگر ایشان پند پذیرید و تو نبودی بسوی فروشدن آفتاب

إِذْ قَضَيْنَا إِلَى مُوسَى الْأَمْرَ وَمَا كُنْتَ مِنَ الشَّاهِدِينَ ۝ وَلَكِنَّا
که مسگرارسم ما فرمان خویش بموسی و نبودی تو از حاضران ولیکن ما

أَنْشَأْنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ وَمَا كُنْتَ ثَاوِيًا فِي
خواستیم که آفرینیم گروهان ما درازشد بر ایشان زندگانیها و نبودی تو بنشست درمیان

أَهْلِ مَدْيَنَ تَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَلَكِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ ۝
اهل مدین که خواندند بر ایشان سخنان ما ولیکن ما بودیم فرستادگان

وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا وَلَكِنْ رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ
و نبودی تو بسوی طور آنگه آواز دادیم ما ولیکن رحمت از پروردگار تو

لِتُنْذِرَ قَوْمًا مَا أَتَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ۝
تا آگاه کنی گروهی را که نیامد ایشان را هیچ آگاه کننده از پیش تو تا مگر ایشان پند پذیرند

وَلَوْلَا أَنْ تُصِيبَهُمْ مُصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَيَقُولُوا رَبَّنَا
و اگر نه که رسیدی بایشان عذابی رسیدنی بانچه پیش خود فرستاده بودند دستهاء ایشان گفتند خداوند ما

لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۝
چرا نفرستادی بما فرستاده تا بر پی رویم سخنهای تو و بودمی از گرویدگان

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا لَوْلَا أُوتِيَ مِثْلَ مَا أُوتِيَ مُوسَى
چون آمد بایشان راست از نزد ما گفتند چرا ندادند محمد را تا مانند آن که دادند موسی را

أَوَلَمْ يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِيَ مُوسَى مِنْ قَبْلُ قَالُوا سِحْرَانِ تَظَاهَرَا
نه کافر شدند بانچه دادند موسی را از پیش گفتند دو جادوی هم پشت شده

وَقَالُوا إِنَّا بِكُلٍّ كَافِرُونَ ۝ قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ
و گفتند قرآنها بهمه کافریم بگو بیارید نامه از نزد خدای او

أَهْدَى مِنْهُمَا أَتَّبِعْهُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝ فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا
راه نماینده تر از توریة و قرآن تا بر پی آن رویم اگر هستید راست گوید اگر جواب ندهند

لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ
ترا پس بدان که ایشان بر پی هواء خویش میروند و کیست گمراه تر از آنکس که رود بر پی بایسته خویش

بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۝ وَلَقَدْ
بی راه نمونی از خدای بدرستی که خدای راه ننماید گروه ستمکاران را و بدرستی

وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ۝ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ
که پیوستیم ایشان را گفتن تا مگر ایشان پند پذیرند آنکسان که دادیم ایشان را توریة

مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ ۝ وَإِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ قَالُوا آمَنَّا بِهِ إِنَّهُ
از پیش قرآن ایشان بان قرآن بگروند آنگه خوانند بر ایشان گفتند بگرویدیم ما بان که آن

الْحَقُّ مِنْ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ ۝ أُولَئِكَ يُؤْتَوْنَ
راستست از خداوند ما بدرستی که ما از پیش قرآن مسلمان بودیم آن گروه را بدهند

أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ وَمِمَّا
مزداشان دوباره بانچ شکیبائی کردند و بازمی برند به نیکوئی بدی و ازانچه

رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ۝ وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا
روزی دادیم ایشان را نفقه میکنند و چون بشنوند سخن بیهوده روی گردانند ازان و گویند

لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ ۝
ما را کرد ما و شما را کرد شما سلام بر شما نادانان

نصف

انك لا تهدي من احببت ولكن الله يهدي من يشاء وهو
بدرستی که تو راه ننمائی آنکس را که دوست داری ولیکن خدای راه می نماید آنکس را که خواهد واو

اعلم بالمهتدين ۝ وقالوا ان نتبع الهدى معك نتخطف من
داناترست براه راست یافتگان وگفتند اگر ما بریم راه با تو بربایند ما را از

ارضنا اولم نمكن لهم حرما امنا يجبى اليه ثمرات كل شيء
زمین ما که ایشانرا جای ساختیم حرمی ایمن میکشند بدان میوها هر چیز

رزقا من لدنا ولكن اكثرهم لا يعلمون ۝ وكم اهلكنا من قرية
روزی از نزدیک ما ولیکن بیشتر ایشان نمیدانند وبس که هلاک کردیم ما از مردمان شهر

بطرت معيشتها فتلك مساكنهم لم تسكن من بعدهم
که بطر گرفت ایشانرا در زیست خویش آنک نشستنگاههای ایشان نشدند ساکن از پس ایشان

الا قليلا وكنا نحن الوارثين ۝ وما كان ربك مهلك القرى
مگر اندکی وبودیم ما میراث ونبود خدای تو هلاک کننده مردمان شهرها

حتى يبعث في امها رسولا يتلو عليهم اياتنا وما كنا
تا آنکه برفرستد در مادر شهرها فرستاده میخواند برایشان سخنان ما ونبودیم ما

مهلكي القرى الا واهلها ظالمون ۝ وما اوتيتم من شيء
هلاک کننده شهرها مگر که اهل آن ستمکاران باشند وهرچه دادند شمارا از چیز

فمتاع الحيوة الدنيا وزينتها وما عند الله خير وابقى افلا
متاع زندگانی این جهان وآرایش آن وآنچه نزد خداست بهتر وپاینده تر درنمی یابید

تعقلون ۝ افمن وعدناه وعدا حسنا فهو لاقيه كمن متعناه
سخن آنکس که وعده دادیم اورا وعدهٔ نیکو چنانکس است که دادیم

متاع الحيوة الدنيا ثم هو يوم القيمة من المحضرين ۝ ويوم
چیزی که زنده زندگانی این جهان پس او روز قیامت از حاضر کردگانست در آتش وآن روز

يناديهم فيقول اين شركاءي الذين كنتم تزعمون ۝
که خواند ایشانرا گوید کجااید انبازان من آنکسان که بودید ودعوی باطل میکردند

قال الذين حق عليهم القول ربنا هؤلاء الذين اغوينا
گویند ایشان واجب است برایشان وعید خدای خداوندا این آن مردمان اند که بی راه کردیم

اغويناهم كما غوينا تبرانا اليك ما كانوا ايانا يعبدون ۝
آن بی راه کردیم ایشانرا که خود بی راه بودیم به بیزاری ما با تو نبودند مارا پرستنده

وقيل ادعوا شركاءكم فدعوهم فلم يستجيبوا لهم وراوا العذاب
وگویند که خوانید انبازگرفتگان خویش پس خوانند ایشانرا جواب ندهند ایشانرا وبینند عذاب

لو انهم كانوا يهتدون ۝ ويوم يناديهم فيقول ماذا اجبتم
اگر ایشان بودندی راه یافتگان وآن روز که بخواند ایشانرا گوید چه کردید پاسخ

المرسلين ۝ فعميت عليهم الانباء يومئذ فهم لا يتساءلون
فرستادگان را پوشیده ماند برایشان خبرها آن جهان آن روز وایشان نپرسند مگر کردا

فاما من تاب وامن وعمل صالحا فعسى ان يكون من المفلحين ۝
اما آنکس که بازگردد وبگرود وکند کار نیک لابد که بود از رستگاران

وربك يخلق ما يشاء ويختار ما كان لهم الخيرة سبحان الله
وخداوند تو می آفریند آنچه خواهد وبرمی گزیند نبود شمارا اختیار پاکی خدایراست

وتعالى عما يشركون ۝ وربك يعلم ما تكن صدورهم وما
وبرترست از آن که باو می جویند وپروردگار تو میداند آنچه بود دلهای ایشان وآنچه

يعلنون ۝ وهو الله لا اله الا هو له الحمد في الاولى والاخرة
آشکارا میکنند واو خداست نیست خدای مگر او اوراست ستایش درین جهان ودر آن جهان

وله الحكم واليه ترجعون ۝ قل ارايتم ان جعل الله عليكم الليل
واوراست کار برگزاردن وباو بازخواهند گشت بگو چه بینید اگر کند خدای برشما شب تاریک

سرمدا الی یوم القیمة من اله غیر الله یاتیکم بضیاء افلا
که همیشه باشد تا روز قیامت کیست آن خدای جز خدای می آرد بشما روشنائی روز ای بنه

تسمعون قل ارایتم ان جعل الله علیکم النهار سرمدا
می شنوند بگو چه می بینید که کرد خدای برشما روز مانده همیشه

الی یوم القیمة من اله غیر الله یاتیکم بلیل تسکنون فیه افلا
تا روز قیامت کیست خدائی غیر خدای آرد بشما شب تاریک تا آرام گیرند دران بنه

تبصرون ومن رحمته جعل لکم اللیل والنهار لتسکنوا
می بینید واز مهربانی اوست که کرد شما را شب تاریک و روز روشن تا آرام گیرید

فیه ولتبتغوا من فضله ولعلکم تشکرون ویوم ینادیهم
ودرشب وتا جوئید در روز از فضل او تا مگر شما شکر کنید وآن روز که خواند ایشان را

فیقول این شرکاءی الذین کنتم تزعمون ونزعنا من کل
گوید کجاست انبازان من که بدروغ میگفتید بیرون آوردیم از هر

امة شهیدا فقلنا هاتوا برهانکم فعلموا ان الحق لله وضل
امتی گواهی وگوئیم ها بیارید برهان خویش پس بدانید که سزای خدائی خدای راست وگم کرده

عنهم ما کانوا یفترون ان قارون کان من قوم موسی فبغی
از ایشان آنچه بودند انباز خوانده وبرباسته بدرستی که قارون بود از گروه موسی افزونی جست

علیهم واتیناه من الکنوز ما ان مفاتحه لتنوء بالعصبة
برایشان ودادیم اورا از گنجها چندانکه که کلیدها آن بکشید گروهی از گران باری

اولی القوة اذ قال له قومه لا تفرح ان الله لا یحب الفرحین
خداوندان قوت آنگه گفت اورا گروه او شاد مباش بدرستی که خدا دوست ندارد شادمانان

وابتغ فیما اتیک الله الدار الاخرة ولا تنس نصیبک من الدنیا
وبجوی دران که داد ترا خدای سرای آن جهانی وفراموش مکن بهره خود ازین جهان

واحسن کما احسن الله الیک ولا تبغ الفساد فی الارض ان الله
ونیکوئی کن چنانکه نیکوئی کرد خدا با تو ومجو فساد در زمین بدرستی که خدا

لا یحب المفسدین قال انما اوتیته علی علم عندی اولم
دوست ندارد تباه کاران گفت آنچه مرا دادند بر دانشی که نزد من بود

یعلم ان الله قد اهلک من قبله من القرون من هو اشد منه
میداند که خدای بدرستی که هلاک کرد از پیش او از گروهان آنکس که او سخت قوة تر بود ازو

قوة واکثر جمعا ولا یسئل عن ذنوبهم المجرمون فخرج علی
وبیشتر فراهم آورد وپرسند از گناهان ایشان گناهکاران بیرون آمد بر

قومه فی زینته قال الذین یریدون الحیوة الدنیا یا لیت لنا
گروه خویش در آرایش خویش گفتند ایشان میخواستند زندگانی این جهان کاشکی دادندی ما را

مثل ما اوتی قارون انه لذو حظ عظیم وقال الذین اوتوا
مانند آنچه دادند قارون را بدرستی که او با بهره بزرگست وگفت ایشان که داده بودند

العلم ویلکم ثواب الله خیر لمن امن وعمل صالحا ولا یلقیها الا
دانش ای وای برشما ثواب خدای بهتر آنکس را که بگرود وکند کار نیک ونپذیرند این خصلت را مگر

الصابرون فخسفنا به وبداره الارض فما کان له من فئة
صابران پس نشیبیدن فرو بردیم او را ومال او را در زمین بنبود او را هیچ پناه دهی

ینصرونه من دون الله وما کان من المنتصرین واصبح الذین
تا یاری دادندی ورا بیرون از خدای بنبود از یاری دهندگان بامداد کردند ایشان

تمنوا مکانه بالامس یقولون ویکان الله یبسط الرزق
جایگاه دی میگفتند آرزو کردند خود خدای می گستراند روزی

لمن یشاء من عباده ویقدر لولا ان من الله علینا لخسف بنا
آنکس را که خواهد از بندگان خویش واندازه میکند اگر نه آن بودی که منت نهاد خدای برما بزمین فرو بردید مارا

ويكأنه لا يفلح الكافرون ۝ تلك الدار الآخرة نجعلها
للذين لا يريدون علوا في الأرض ولا فسادا والعاقبة للمتقين ۝
من جاء بالحسنة فله خير منها ومن جاء بالسيئة فلا يجزى
الذين عملوا السيئات إلا ما كانوا يعملون ۝ إن الذي فرض عليك
القرآن لرادك إلى معاد قل ربي أعلم من جاء بالهدى ومن هو
في ضلال مبين ۝ وما كنت ترجوا أن يلقى إليك الكتاب إلا
رحمة من ربك فلا تكونن ظهيرا للكافرين ۝ ولا يصدنك عن
آيات الله بعد إذ أنزلت إليك وادع إلى ربك ولا تكونن من
المشركين ۝ ولا تدع مع الله إلها آخر لا إله إلا هو كل
شيء هالك إلا وجهه له الحكم وإليه ترجعون ۝

سورة العنكبوت تسع وستون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

الم ۝ أحسب الناس أن يتركوا أن يقولوا آمنا وهم لا
يفتنون ۝ ولقد فتنا الذين من قبلهم فليعلمن الله الذين
صدقوا وليعلمن الكاذبين ۝ أم حسب الذين يعملون السيئات
أن يسبقونا ساء ما يحكمون ۝ من كان يرجوا لقاء الله فإن
أجل الله لآت وهو السميع العليم ۝ ومن جاهد فإنما يجاهد
لنفسه إن الله لغني عن العالمين ۝ والذين آمنوا وعملوا الصالحات
لنكفرن عنهم سيئاتهم ولنجزينهم أحسن الذي كانوا
يعملون ۝ ووصينا الإنسان بوالديه حسنا وإن جاهداك
لتشرك بي ما ليس لك به علم فلا تطعهما إلي مرجعكم فأنبئكم
بما كنتم تعملون ۝ والذين آمنوا وعملوا الصالحات لندخلنهم

فِي الصَّالِحِينَ ۝ وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ

در میان صالحان و از مردمان کس است که میگوید بگرویدیم بخدای و هرگه رنج ناید

فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ وَلَئِن جَاءَ نَصْرٌ مِّن رَّبِّكَ

در خدای گرد بلاء مردمان همچون عذاب خدای و اگر رسد یاری از خداوند تو

لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أَوَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ ۝

تا گویند ما بودیم با شما خدای داناتر داناست بانچه در دل جهانیانست

وَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْمُنَافِقِينَ ۝ وَقَالَ الَّذِينَ

ناچار تا بداند خدای کسان که ایمان آورد و بگروید و بداند که آن کیان اند که دورویان اند و گفت آنانی

كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَلْنَحْمِلْ خَطَايَاكُمْ وَمَا

که کافر شدند مر آنانی که بگرویدند روید بر راه ما و برداریم گناهان شما و

هُم بِحَامِلِينَ مِنْ خَطَايَاهُم مِّن شَيْءٍ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ۝ وَلَيَحْمِلُنَّ

ایشان بردارند از گناهان ایشان هیچ چیز بدرستی که ایشان دروغ میگویند ناچار بردارند

أَثْقَالَهُمْ وَأَثْقَالًا مَّعَ أَثْقَالِهِمْ وَلَيُسْأَلُنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَمَّا كَانُوا

بارها گناه ایشان و بارها با بارهاء کردکان خویش و بپرسند روز رستاخیز از آن

يَفْتَرُونَ ۝ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ

دروغها که می گفتند بدرستی که فرستادیم نوح را بقوم او درنگ کرد درمیان ایشان هزار سال

إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ ۝ فَأَنجَيْنَاهُ

کم پنجاه سال کم پس فرا گرفت ایشانرا طوفان و ایشان ستمکاران بودند برهانیدیم اورا

وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ وَجَعَلْنَاهَا آيَةً لِّلْعَالَمِينَ ۝ وَإِبْرَاهِيمَ

و مردمان کشتی و کردیم آنرا نشانی جهانیانرا و ابراهیم

إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ

انگه گفت گروه خویشرا بپرستید خدایرا و بپرهیزید ازو آن بهتر باشد شمارا اگر شما

تَعْلَمُونَ ۝ إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا وَتَخْلُقُونَ إِفْكًا

میدانید انکه می پرستید جز از خدای بتانست و کارست که شما میتراشید بدروغ

إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا

آنان که می پرستید جز از خدای ندارند شمارا روزی پس بجویید

عِندَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۝

نزد خدای روزی و پرستید اورا و شکر کنید اورا با و خواهند برد شمارا

وَإِن تُكَذِّبُوا فَقَدْ كَذَّبَ أُمَمٌ مِّن قَبْلِكُمْ وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا

و اگر دروغ زن گیرید بدرستی که دروغ زن گرفت گروهانی از پیش شما و نیست بر فرستاده مگر

الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ۝ أَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ

رسانیدنی اشکارا نمی بینید که چگونه آفرید خدای آفریننده انگه بیرون آرد از خاک

إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ۝ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ

بدرستی که آن بر خدای آسانست بگو بروید در زمین و بنگرید که چگونه آفرید

الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝

جهانیان پس خدا با آفرینش پسین خلق وا زنده کند بدرستی که خدا بر همه چیز تواناست

يُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَن يَشَاءُ وَإِلَيْهِ تُقْلَبُونَ ۝ وَمَا أَنتُم

عذاب کند انکس را که خواهد و بخشاید انکس را که خواهد و با او گردانند شمارا و شما

بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِن

عاجز شوانید کردانیدن در زمین و نه در آسمان و نیست شمارا از غیر خدای هیچ

وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ۝ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَٰئِكَ يَئِسُوا

خداوندی و نه یاری دهنده و انکسان که کافر شدند بسخنان خدا و دیدن او ایشان اند که نومید باشند

مِن رَّحْمَتِي وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا

از بخشایش من و ایشانند که ایشانراست عذابی دردناک نبود پاسخ قوم وی او را مگر

أن قالوا اقتلوه أو حرقوه فأنجاه الله من النار إن في ذلك

که گویید بکشید اورا یا بسوزید بآتش اورا تا برهانید اورا خدای از آتش در این

لآيات لقوم يؤمنون ۝ وقال إنما اتخذتم من دون الله أوثانا

نشانهاست گروهی را که بگروند گفت ابرهیم انچه گرفتید جز از خدای بتان

مودة بينكم في الحيوة الدنيا ثم يوم القيمة يكفر بعضكم

مهربانی میان شما در زندگانی دنیا پس روز قیامت کافر شوید شما با ایشان

ببعض ويلعن بعضكم بعضا ومأويكم النار وما لكم من ناصرين

وایشان با شما و نفرین کنند شما برایشان وایشان بر ایشان و جایگاه شما آتش است و نیست ایشانرا هیچ یاری دهنده

فآمن له لوط وقال إني مهاجر إلى ربي إنه هو العزيز الحكيم ۝

ایمان آورد باو لوط و گفت لوط بدرستی که من دور باشم از شهر کشتی بسوی پروردگار من بدرستی که او اوست همتا کاردانست

ووهبنا له إسحق ويعقوب وجعلنا في ذريته النبوة والكتاب

و بخشیدیم اورا اسحق و یعقوب و کردیم در نژاد او پیغمبری و کتاب

وآتيناه أجره في الدنيا وإنه في الآخرة لمن الصالحين ۝ ولوطا

و دادیم اورا مزد او درین جهان و بدرستی که او در آن جهان از نیکان است فرستادیم لوط را

إذ قال لقومه إنكم لتأتون الفاحشة ما سبقكم بها من أحد

که گفت جه گروه خویشرا اشما آن کار زشت بکنید یعنی لواطه نکرد هیچ نیستی بان از شما

من العالمين ۝ أئنكم لتأتون الرجال وتقطعون السبيل وتأتون

از جهانیان شما می آیید بمردان و می برید راه نسل و فرزند و می آیید

في ناديكم المنكر فما كان جواب قومه إلا أن قالوا ائتنا بعذاب

در انجمن می کنید ناپسندها نبود جواب قوم او اورا مگر که گفتند بیار ما عذاب

الله إن كنت من الصادقين ۝ قال رب انصرني على القوم المفسدين ۝

خدای اگر باشی از راست گویان گفت خداوند من یاری ده مرا بر گروه تباه کاران

ولما جاءت رسلنا إبرهيم بالبشرى قالوا إنا مهلكوا أهل هذه

وچون درآمد فرستادگان ما بابرهیم بشارت دادن بپسران گفتند بدرستی که ما هلاک خواهیم کرد مردمان این

القرية إن أهلها كانوا ظالمين ۝ قال إن فيها لوطا قالوا نحن

شهر که اهل آن شهر بودند ستمکاران گفت ابرهیم که دران شهرستان است لوط گفتند ما

أعلم بمن فيها لننجينه وأهله إلا امرأته كانت من الغابرين

داناتریم بانکس که دران شهرست برهانیم اورا و کسان اورا مگر زن او بود از بازماندگان

ولما أن جاءت رسلنا لوطا سيء بهم وضاق بهم ذرعا وقالوا

وچون آمدند فرستادگان ما بلوط رنجه شد و اندوهگن با ایشان که فرستادگان زانج نمایند وگفتند

لا تخف ولا تحزن إنا منجوك وأهلك إلا امرأتك كانت من

مترس و اندوهگن مباش بدرستی که ما رهاننده توایم و کسان تو مگر زن تو بود از

الغابرين ۝ إنا منزلون على أهل هذه القرية رجزا من السماء بما

بازماندگان بدرستی که ما فرو خواهیم آورد بر مردمان این شهر عذابی از آسمان بآن

كانوا يفسقون ۝ ولقد تركنا منها آية بينة لقوم يعقلون ۝

که بودند تباه کاری که میکردند و بدرستی بازگذاشتیم از آن عقوبة نشانی روشن گروهی را که خرد دارند

وإلى مدين أخاهم شعيبا فقال يا قوم اعبدوا الله وارجوا اليوم

وبفرستادیم باهل مدین برادر ایشان شعیب پس گفت ای قوم بپرستید خدارا و بترسید روز

الآخر ولا تعثوا في الأرض مفسدين ۝ فكذبوه فأخذتهم الرجفة

پسین و مروید در زمین به تباه کاری پس دروغ زن گرفتند اورا پس واگرفت ایشانرا زلزله

فأصبحوا في دارهم جاثمين ۝ وعادا وثمودا وقد تبين لكم من مساكنهم

پس بامداد کردند در سرا ایشان فراهم آورده مرده یاد کن عادرا و ثمودرا و بدرستی پیداست شمارا از جایگاههای ایشان

۝ وزين لهم الشيطان أعمالهم فصدهم عن السبيل وكانوا مستبصرين

و بیاراست ایشانرا شیطان کارها بد ایشان و برگردانید ایشانرا از راه راست و بودند بینندگان و مبصر در کارها

وقارون وفرعون وهامان ولقد جآءهم موسى بالبينات

فاستكبروا في الأرض وما كانوا سابقين ۝ فكلا أخذنا بذنبه

فمنهم من أرسلنا عليه حاصبا ومنهم من أخذته الصيحة

ومنهم من خسفنا به الأرض ومنهم من أغرقنا وما كان الله

ليظلمهم ولكن كانوا أنفسهم يظلمون ۝ مثل الذين

اتخذوا من دون الله أوليآء كمثل العنكبوت اتخذت

بيتا وإن أوهن البيوت لبيت العنكبوت لو كانوا يعلمون

۝ إن الله يعلم ما يدعون من دونه من شيء وهو العزيز الحكيم

۝ وتلك الأمثال نضربها للناس وما يعقلها إلا العالمون

۝ خلق الله السموات والأرض بالحق إن في ذلك لآية للمؤمنين

۝ اتل ما أوحي إليك من الكتاب وأقم الصلوة إن الصلوة

تنهى عن الفحشآء والمنكر ولذكر الله أكبر والله يعلم

ما تصنعون ۝ ولا تجادلوا أهل الكتاب إلا بالتي هي أحسن

إلا الذين ظلموا منهم وقولوا آمنا بالذي أنزل إلينا وأنزل

إليكم وإلهنا وإلهكم واحد ونحن له مسلمون ۝ وكذلك

أنزلنا إليك الكتاب فالذين آتيناهم الكتاب يؤمنون به

ومن هؤلاء من يؤمن به وما يجحد بآياتنا إلا الكافرون ۝

وما كنت تتلو من قبله من كتاب ولا تخطه بيمينك إذا

لارتاب المبطلون ۝ بل هو آيات بينات في صدور الذين

أوتوا العلم وما يجحد بآياتنا إلا الظالمون ۝ وقالوا لولا

أنزل عليه آيات من ربه قل إنما الآيات عند الله وإنما أنا

نذير مبين ۝ أولم يكفهم أنا أنزلنا عليك الكتاب يتلى

عَلَيْهِمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرَىٰ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ قُلْ كَفَىٰ

بر ایشان در این نامه براستی که بخشایشست و پندی مر گروه گرویدگان را بگو بسنده است

بِاللَّهِ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ شَهِيدًا يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

بخدای میان من و میان شما گواهی و میداند آنچه در آسمانها و زمینست

وَالَّذِينَ آمَنُوا بِالْبَاطِلِ وَكَفَرُوا بِاللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

و آنکسان که بگرویدند بچیز ناچیز و کافر شدند بخدای ایشان آنند که زیانکارانند

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَوْلَا أَجَلٌ مُسَمًّى لَجَاءَهُمُ الْعَذَابُ

می شتابند ترا بعذاب و اگر نه هنگامی نام زد کرده بودی آمدی بایشان عذاب

وَلَيَأْتِيَنَّهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ

و هر آینه آید بایشان عذاب ناگاه و ایشان ندانند میشتابانند ترا بعذاب آوردن

وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ يَوْمَ يَغْشَاهُمُ الْعَذَابُ

و بدرستیکه دوزخ فرو گیرنده است بکافران آن روز که بپوشد ایشان را عذاب

مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَيَقُولُ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

از زبر ایشان و از زیر پایها ایشان و گوییم چشید پاداش آنچه میکردید

يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإِيَّايَ فَاعْبُدُونِ

ای بندگان من که گرویدید براستی که زمین من فراخست پس مرا پرستید

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

هر تنی چشنده مرگست انگه با ما بازخوانند آورد و ایشان که بگرویدند و کردند

الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

کارها نیک براستی که جایگاه سازیم ایشانرا در بهشت غرفها که میرود از زیران جویهاء آب روان

خَالِدِينَ فِيهَا نِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ

و ایشان جاودان در آن نیک مزد کارکنانرا آنکه صبر کردند و بر خداوند خود توکل میکنند

وَكَأَيِّنْ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

ای بسا جانور که بر نمی دارد روزی خود خدا روزی میدهد ایشانرا و شمارا و اوست شنوا و دانا

وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ

و اگر پرسی ایشانرا که بیافرید آسمانها را و زمین و گردانید آفتاب و ماه را

لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ

هر آینه گویند خدای پس کجا برگردانیده میشوند خدا گستراند فراخ روزی کسی را که خواهد

مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ

از بندگان خویش و تنگ میدارد او را براستی که خدا بهمه چیز داناست و اگر بپرسی ایشانرا

مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُولُنَّ

کیست که فرو فرستاد از آسمان آبی تا زنده گردانید زمین را پس از مردگی آن براستی گویند

اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ وَمَا هَٰذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا

خدا بگو ستایش خدایراست بلکه بیشتر ایشان در نمی یابند و نیست زندگانی این جهانی

إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

مگر بازی کاری و بازی و بدرستی که سرای آن جهانی آن زنده است و زندگانی اگر بودندی میدانستند

فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلْكِ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ

چون نشینند در کشتی خوانند خدا را خوانندگی از دل چون رهانید ایشان را

إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ وَلِيَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ

بسوی خشکی ایشان شرک آورند تا کافر شوند بآنچه دادیم ایشانرا و تا برخورداری کنند زود باشد

يَعْلَمُونَ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيُتَخَطَّفُ النَّاسُ

که بدانند نمی بینند که ما دادیم ایشانرا شهری با آرزم و بی بیم و می ربایند مردمانرا

مِنْ حَوْلِهِمْ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ

از گرد بر گرد ایشان بناراست بگروند و بنعمت خدا کافر میشوند

وَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرٰى عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا اَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَآءَهُ

این کیست ستم کارتر از آنکس افترا سازد بر خدای بدروغ یا دروغ زن گیرد حق و راست که آمد با وی قران

اَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِلْكَافِرِينَ ۝ وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا

نیست در دوزخ جایگاهی کافرانرا واینان که می کوشند از بهر ما

لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَاِنَّ اللّٰهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ ۝

براستی راه نماییم ایشانرا راههاء خویش و بدرستی که خدا با نیکوکاران است

سورة الروم مكية ستون آية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای فراخ بخشش مهربان

الٓمٓ ۝ غُلِبَتِ الرُّومُ ۝ فِي اَدْنَى الْاَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ

منم خدای دانا باز شکسته شد روم در نزدیکتر زمین و ایشان از پس غلبه کردن برایشان

سَيَغْلِبُونَ ۝ فِي بِضْعِ سِنِينَ ۝ لِلّٰهِ الْاَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدُ

غلبه خواهند یافت در اند سال مر خداست فرمان در غلبه روم پارس ازپیشها و در غلبه روم مر پارس از پس‌ها

وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ ۝ بِنَصْرِ اللّٰهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَآءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ

و آنروز که غلبه کنند شاد می شوند گروندگان بیاری دادن خدای یاری میدهد آنکس را که خواهد و اوست بی همتا

الرَّحِيمُ ۝ وَعْدَ اللّٰهِ لَا يُخْلِفُ اللّٰهُ وَعْدَهُ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ

مهربان وعده خداست خلاف نکند خدا وعده خویش ولکن بیشتر مردمان

لَا يَعْلَمُونَ ۝ يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْاٰخِرَةِ

نمیدانند میدانند آنچه فرادست است از کارها این جهانی و ایشان از آن جهان

هُمْ غَافِلُونَ ۝ اَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي اَنْفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللّٰهُ

بی خبرانند بنه اندیشند در اندیشهاء خویش که نیافرید خدای

السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا اِلَّا بِالْحَقِّ وَاَجَلٍ مُسَمًّى وَاِنَّ كَثِيرًا

آسمانها و زمین و آنچه میان است مگر براستی و فرمان روان و اجل نامزد کرده و بدرستی که بسیار

مِنَ النَّاسِ بِلِقَآءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ ۝ اَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْاَرْضِ

از مردمان بدیدار خدای خویش کافرند بنه روند در زمین

فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا اَشَدَّ مِنْهُمْ

تا درنگرند که چون بود سرانجام آنکسان که از پیش ایشان بودند با نیروی تر از ایشان

قُوَّةً وَاَثَارُوا الْاَرْضَ وَعَمَرُوهَا اَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَآءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ

بودند و بشورانیدند زمین را و عمارت کردند بیش از آن عمارت که کردند ایشان و آمد بایشان فرستادگان

بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللّٰهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلٰكِنْ كَانُوا اَنْفُسَهُمْ

بنشانهاء روشن و نبود خدای بیدادگر ایشان و لیکن ایشان بر خود

يَظْلِمُونَ ۝ ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ اَسَآءُوا السُّوٓآٰى اَنْ كَذَّبُوا بِاٰيَاتِ

ستم کردند پس آنکه بود سرانجام ایشان که بدی کردند بد که دروغ زن گرفتند سخنان

اللّٰهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِءُونَ ۝ اَللّٰهُ يَبْدَؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ثُمَّ

خدا و بودند بآن افسوس میکردند خدا آغاز میکند آفریدن پس اعاده کند او را آنکه

اِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۝ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُبْلِسُ الْمُجْرِمُونَ ۝ وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ

باو باز برند شما را و آنروز بپای شود رستاخیز فرومانند نومیدی گناهکاران و نبود ایشانرا

مِنْ شُرَكَآئِهِمْ شُفَعَآءُ وَكَانُوا بِشُرَكَآئِهِمْ كَافِرِينَ ۝ وَيَوْمَ تَقُومُ

از انبازان ایشان شفیعی و بودند بانبازان خویش ناگرونده و آنروز بپای شود

السَّاعَةُ يَوْمَئِذٍ يَتَفَرَّقُونَ ۝ فَاَمَّا الَّذِينَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

رستاخیز آن روز جدا میشوند از هم اما ایشان که بگرویدند و کردند کارها نیک

فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ ۝ وَاَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِاٰيَاتِنَا وَلِقَآءِ

ایشانرا در مرغزاری شاد میدارند اما ایشان که کافر شدند و دروغ زن گرفتند سخنان ما و بدیدار

الآخرة فأولئك في العذاب محضرون ۝ فسبحان الله حين

رستاخيز ايشان در عذاب حاضر كردگان اند پاكى و بى عيبى خدايرا هنگام

تمسون وحين تصبحون ۝ وله الحمد في السموات والأرض وعشيا

شبانگاه و هنگام بامداد واوراست ستايش در آسمانها و زمين و شبانگاه

وحين تظهرون يخرج الحي من الميت ويخرج الميت من الحي

و هنگام نماز شام و صبح است و هنگام نماز پيشين بيرون مى آرد زنده از مرده و بيرون مى آرد مرده از زنده

ويحيي الأرض بعد موتها وكذلك تخرجون ۝ ومن آياته أن

و زنده ميكند زمين را پس مردگى آن و همچنين بيرون مى آرند و از نشانهاء اوست

خلقكم من تراب ثم إذا أنتم بشر تنتشرون ۝ ومن آياته أن

كه بيافريد شمارا از خاك پس شما مردمانيد آشكارا و از نشانهاء اوست كه

خلق لكم من أنفسكم أزواجا لتسكنوا إليها وجعل بينكم

بيافريد شمارا از تنهاى شما جفتانى تا آرام يابيد بايشان و كرد ميان شما

مودة ورحمة إن في ذلك لآيات لقوم يتفكرون ۝ ومن آياته

مهرى و رحمتى بدرستى در آن نشانهاست گروهى را كه در انديشند و از نشانهاء او

خلق السموات والأرض واختلاف ألسنتكم وألوانكم

آفرينش آسمانها و زمين و مختلف شدن زبانهاء شما و رنگهاء شما

إن في ذلك لآيات للعالمين ۝ ومن آياته منامكم بالليل

در اين نشانهاست جهانيانرا و از نشانهاء اوست خفتن شما بشب

والنهار وابتغاؤكم من فضله إن في ذلك لآيات لقوم يسمعون ۝

و روز و جستن شما روزى از فضل او در آن نشانهاست گروهى كه بشنوند

ومن آياته يريكم البرق خوفا وطمعا وينزل من السماء ماء

و از نشانهاء اوست كه مينمايد شمارا درخشش بيم و اميد را و فرو ميفرستد از آسمان آبى

فيحيي به الأرض بعد موتها إن في ذلك لآيات لقوم يعقلون ۝

تا زنده ميكند بآن زمين را پس مردگى آن بدرستى در آن نشانهاست گروهى را كه دريابند

ومن آياته أن تقوم السماء والأرض بأمره ثم إذا دعاكم دعوة

و از نشانهاء اوست كه ايستاده آسمان و زمين بفرمان او پس اگر خواند شمارا يك خواندن

حزب

من الأرض إذا أنتم تخرجون ۝ وله من في السموات والأرض كل

از زمين آنگه شما بيرون آييد و اوراست هرچه در آسمانها و زمين است همه

له قانتون ۝ وهو الذي يبدؤا الخلق ثم يعيده وهو أهون

واوراست فرمانبردارانند و اوست كه مى آرد آغاز آفريده پس زنده كند باز و آن آسان است

عليه وله المثل الأعلى في السموات والأرض وهو العزيز الحكيم ۝

بروى و اوراست آن مانند برترى در آسمانها و زمين و اوست توانا دانا

ضرب لكم مثلا من أنفسكم هل لكم من ما ملكت أيمانكم

زد شمارا مثلى از تن شما هيچ شمارا از زردگان انباز هست آنچه مالك شده دستهاء شما

من شركاء فيما رزقناكم فأنتم فيه سواء تخافونهم كخيفتكم

از انباز در آنچه روزى كرديم شمارا پس شما درو يكسان ترسيد از انباز ايشان همچنانكه ترسيدن از

أنفسكم كذلك نفصل الآيات لقوم يعقلون ۝ بل اتبع

از تنهاى خويش چنين گشاده ميكنيم سخنان خويش گروهى را كه دريابند

الذين ظلموا أهواءهم بغير علم فمن يهدي من أضل الله وما

بى دانشى پس كيست راه نمايد كم كرده خدارا و نيست

لهم من ناصرين ۝ فأقم وجهك للدين حنيفا فطرت الله التي

ايشانرا كسى كه يارى دهد ايشانرا آهنگ خويش راست روى خويش دين را و يكتا گوى تنها و خداى آن

فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله ذلك الدين القيم ولكن

نهاد مردمانرا بران نيست بگردانيدن خدا آنرا دين اسلام است ايستاده و ليكن

اكثر الناس لا يعلمون ۝ منيبين اليه واتقوه واقيموا الصلوة

بیشتر مردمان نمیدانند روی وا آهنگ خویش این را و بترسند از خشم او و بپای دارید نماز راست دارید

ولا تكونوا من المشركين ۝ من الذين فرقوا دينهم وكانوا شيعا

و مباشید از انباز جویندگان از ایشان که جدا شدند از دین خویش و بودند جوک جوک

كل حزب بما لديهم فرحون ۝ واذا مس الناس ضر دعوا ربهم

هر جوکی بانچه نزد ایشان است شاد و خرم و هرگاه که رسد بر مردمان گزندی خوانند خداوند خویش

منيبين اليه ثم اذا اذاقهم منه رحمة اذا فريق منهم بربهم

بازگشته دل پس انگه بچشاند ایشانرا از خویشتن بخشایشی انگه گروهی از ایشان بخدای خویش

يشركون ۝ ليكفروا بما آتيناهم فتمتعوا فسوف تعلمون ۝ ام

انباز می آرند تا کافر می شوند بانچه دادیم ایشانرا پس برخورید زود باشد که بدانید یا

انزلنا عليهم سلطانا فهو يتكلم بما كانوا به يشركون

فرستادیم بر ایشان نامه که آن سخن گوید بانچه بودند بآن انباز می کردند

واذا اذقنا الناس رحمة فرحوا بها وان تصبهم سيئة بما

و هرگه که بچشانیم ما مردمانرا بخشایشی شاد شوند بان و اگر رسد بایشان بدی بانچه

قدمت ايديهم اذا هم يقنطون ۝ اولم يروا ان الله يبسط

دستهاء ایشان انگه ایشان نومید می شوند نمی بینند که خدا می گستراند فراخ

الرزق لمن يشاء ويقدر ان في ذلك لآيات لقوم يؤمنون

روزی انکس را که خواهد و باندازه فرو میگیرد انکس را که خواهد در آن نشانهاست گروهی را که بگروند

فآت ذا القربى حقه والمسكين وابن السبيل ذلك خير

بده خویشاوند حق او از مال خود و درویش را و ره گذر را این بهتر

للذين يريدون وجه الله واولئك هم المفلحون ۝ وما آتيتم من ربوا

آنکسانی را که میخواهند روی خدا و ایشان اند که بیرون آمدگان اند و آنچه دهید از ربا

ليربوا في اموال الناس فلا يربوا عند الله وما آتيتم من زكوة

تا بیفزاید در مال مردمان نیفزاید نزد خدای و آنچه دهید از زکوة

تريدون وجه الله فاولئك هم المضعفون ۝ الله الذي خلقكم

خواهید بان خدارا و ایشان اند که نیکی باز یابند دوچندان خدا اوست که بیافرید شمارا

ثم رزقكم ثم يميتكم ثم يحييكم هل من شركائكم

پس روزی داد شمارا پس بمیراند شمارا پس زنده کند شمارا کس هست از انبازان شما

من يفعل من ذلكم من شيء سبحانه وتعالى عما يشركون ۝ ظهر

انکس که کند ازین چیزی پاکی وی عیبی او را و برتری از آن انباز میکردند آشکارا گشت

الفساد في البر والبحر بما كسبت ايدي الناس ليذيقهم بعض

تباهی در دشتها و دریا بدکرد دستهاء مردمان تا بچشانیم ایشانرا لختی پاداش از انچه

الذي عملوا لعلهم يرجعون ۝ قل سيروا في الارض فانظروا

از آنچه کردند تا مگر ایشان باز گردند بگو بروند در زمین بنگرید

كيف كان عاقبة الذين من قبل كان اكثرهم مشركين ۝

که چون بود سرانجام ایشان از پیش ها بود بیشتر ایشان انباز گیرندگان

فاقم وجهك للدين القيم من قبل ان يأتي يوم لا مرد له

پس آهنگ و روی خود راست دار دین ایستاده از پیش آن آید روزی بازپس نبرد آنرا

من الله يومئذ يصدعون ۝ من كفر فعليه كفره ومن عمل

از خدای آن روز بار گسید در دوراه هر که کافر شود گردند کفر او برو و هر که کند

صالحا فلانفسهم يمهدون ۝ ليجزي الذين امنوا وعملوا

نیکی خویشتن را نشستگاه سازند تا پاداش ایشانرا که بگرویدند و کردند

الصالحات من فضله انه لا يحب الكافرين ۝ ومن آياته ان

نیکیها از بخشنده خویش که او دوست ندارد ناگرویدگانرا و از نشانهاء اوست که

يُرسل الرياح مبشرات وليذيقكم من رحمته ولتجري الفلك
و فرو میکشاند بادها را بشارت دهنده و تا بچشاند شما را از بخشایش خویش و تا بران باد رود کشتی
بامره ولتبتغوا من فضله ولعلكم تشكرون ولقد
بفرمان او و تا بجویید روزی از بخشایش او و تا که شما شکر کنید و بدرستی
أرسلنا من قبلك رسلا إلى قومهم فجاءوهم بالبينات فانتقمنا
که فرستادیم ما از پیش تو فرستادگان بگروه ایشان آوردند بایشان پیغامها روشن کین ستدیم
من الذين أجرموا وكان حقا علينا نصر المؤمنين الله
از آن کسان که گناه کردند و بود حقی بر ما یاری دادن گروندگان خدا
الذي يرسل الرياح فتثير سحابا فيبسطه في السماء كيف
اوست که فرو میکشاند بادها را می انگیزاند میغ و میگستراند در آسمان چنانکه
يشاء ويجعله كسفا فترى الودق يخرج من خلاله فإذا أصاب
میخواهد و میکند آنرا پاره پاره طبق طبق تا می بینی باران که بیرون آید از میان آن چون رساند
به من يشاء من عباده إذا هم يستبشرون وإن كانوا من
او باران آن کرا خواهد از بندگان خویش ایشان شادمان میشوند و شادی کنند و هر چند که
قبل أن ينزل عليهم من قبله لمبلسين فانظر إلى آثار
پیش ازان فرو فرستاد بر ایشان باران از پیش نومید در نگر در من نشانهای
رحمت الله كيف يحيي الأرض بعد موتها إن ذلك لمحيي الموتى
مهربانی خدا که چون زنده میکند زمین پس مرگ آن که آن زنده کننده مردگان
وهو على كل شيء قدير ولئن أرسلنا ريحا فرأوه مصفرا لظلوا
و او بر همه چیز تواناست و اگر بفرستیم بادی ببینند آنرا زرد گشته
من بعده يكفرون فإنك لا تسمع الموتى ولا تسمع الصم الدعاء
از پس آن کافر میشوند پس تو نتوانی که شنوانی مردگان را و نتوانی که شنوانی کران را آواز خواندن

إذا ولوا مدبرين وما أنت بهادي العمي عن ضلالتهم
اگر برگردند پشت گردانان و نیستی تو راه نماینده نابینایان از گمراهی ایشان
إن تسمع إلا من يؤمن بآياتنا فهم مسلمون الله الذي
نشنوانی مگر کسی که بگرود بسخنان ما ایشان گردن نهادگان خدای آن خدایست
خلقكم من ضعف ثم جعل من بعد ضعف قوة ثم جعل من
که بیافرید شما را از چیزی سست پس کرد از پس سستی جوانی و قوت پس کرد از
بعد قوة ضعفا وشيبة يخلق ما يشاء وهو العليم القدير
پس جوانی و قوت ضعیفی و پیری می آفریند آنچه خواهد و اوست دانا توانا
ويوم تقوم الساعة يقسم المجرمون ما لبثوا غير ساعة
و آن روز که بپای شود رستاخیز سوگند خورند گناهکاران که نبوده اند جز ساعتی
كذلك كانوا يؤفكون وقال الذين أوتوا العلم والإيمان
همچنانکه بودند میگردانیده شدند و گفت آن کسان که دادند ایشان را علم و ایمان
لقد لبثتم في كتاب الله إلى يوم البعث فهذا يوم البعث
بدرستی که بودید در حکم و دانش خدای تا روز رستخیز اینک امروز رستخیز
ولكنكم كنتم لا تعلمون فيومئذ لا ينفع الذين
ولیکن شما بودید نمیدانستید آن روز سود ندارد ایشان را
ظلموا معذرتهم ولا هم يستعتبون ولقد ضربنا للناس
که کافر شدند عذر گفتن ایشان و نه ایشان را عذر بپذیرند بدرستی که زدیم ما مر مردمان را
في هذا القرآن من كل مثل ولئن جئتهم بآية ليقولن الذين
درین قرآن از هر مثلی و اگر آوری بایشان نشانی گویند آن کسان
كفروا إن أنتم إلا مبطلون كذلك يطبع الله على قلوب
که کافر شدند نیستید شما مگر سخنان دروغ همچنان مهر نهد خدای بر دلهای ایشان

الذين لا يعلمون ۝ فاصبر ان وعد الله حق ولا يستخفنك

الذين لا يوقنون

سورة لقمن مكية اربع وثلثون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

خدای بخشاینده مهربان

الم ۝ تلك ايات الكتاب الحكيم ۝ هدى ورحمة للمحسنين

الذين يقيمون الصلوة ويؤتون الزكوة وهم بالآخرة هم يوقنون

اولئك على هدى من ربهم واولئك هم المفلحون ۝ ومن

الناس من يشتري لهو الحديث ليضل عن سبيل الله بغير علم

ويتخذها هزوا اولئك لهم عذاب مهين ۝ واذا تتلى

عليه اياتنا ولى مستكبرا كان لم يسمعها كان في اذنيه

وقرا فبشره بعذاب اليم ۝ ان الذين امنوا وعملوا الصالحات

لهم جنات النعيم ۝ خالدين فيها وعد الله حقا وهو العزيز الحكيم

خلق السموات بغير عمد ترونها والقى في الارض رواسي ان تميد

بكم وبث فيها من كل دابة وانزلنا من السماء ماء فانبتنا

فيها من كل زوج كريم ۝ هذا خلق الله فاروني ماذا خلق الذين

من دونه بل الظالمون في ضلال مبين ۝ ولقد اتينا لقمن الحكمة

ان اشكر لله ومن يشكر فانما يشكر لنفسه ومن كفر

فان الله غني حميد ۝ واذ قال لقمن لابنه وهو يعظه يا بني

لا تشرك بالله ان الشرك لظلم عظيم ۝ ووصينا الانسان

بوالديه حملته امه وهنا على وهن وفصاله في عامين ان

اشكر لي ولوالديك الي المصير ۝ وان جاهداك على ان تشرك

بي ما ليس لك به علم فلا تطعهما وصاحبهما في الدنيا معروفا

واتبع سبيل من اناب الي ثم الي مرجعكم فانبئكم بما كنتم

تعملون ۝ يا بني انها ان تك مثقال حبة من خردل فتكن
میکردید ای پسرک من اگر کسی هم سنگ یک دانه از خردل بوده و آن خردل دانه بود
في صخرة او في السموات او في الارض يأت بها الله ان الله لطيف
در سنگ خاره یا در آسمانها یا در زمین آرد آنرا فرو خدا بدرستی که خدا باریک داننده است
خبير ۝ يا بني اقم الصلوة وأمر بالمعروف وانه عن المنكر
از نهان آگاه ای پسرک من بپای دار نماز و فرمای به نیکوکاری و بازدار از ناپسند
واصبر على ما اصابك ان ذلك من عزم الامور ۝ ولا تصعر
و شکیبایی کن بر آن رنج که رسد بتو که آن از استواری کارها است یکسو مبر
خدك للناس ولا تمش في الارض مرحا ان الله لا يحب كل مختال
روی تو از مردمان و مرو در زمین شادان بدرستی که خدا دوست ندارد هر خرامنده
فخور ۝ واقصد في مشيك واغضض من صوتك ان انكر
خرامان لاف خوانی خودستان ستایی و در رفتن خویش آهسته باش و فرو دار از آواز خود که زشترین
الاصوات لصوت الحمير ۝ الم تروا ان الله سخر لكم ما في
آوازها آواز خران است نمی بینید که خدا رام کرد شما را هرچه در
السموات وما في الارض واسبغ عليكم نعمه ظاهرة وباطنة
آسمانها و هرچه در زمین است و تمام کرد بر شما نعمتها خویش آشکارا و نهان
ومن الناس من يجادل في الله بغير علم ولا هدى ولا كتاب
و از مردمان کس است که پیکار میکند در خدا بی دانشی و بی راهی و بی نامه
منير ۝ واذا قيل لهم اتبعوا ما انزل الله قالوا بل نتبع ما وجدنا
روشن و اگر گویند ایشانرا بر پی آن روید که فرو فرستاد خدای گویند بلکه بر پی آن رویم که یافتیم ما
عليه اباءنا اولو كان الشيطان يدعوهم الى عذاب السعير
بران پدران خویش اگر بود دیو میخواندشان بعذاب دوزخ

ومن يسلم وجهه الى الله وهو محسن فقد استمسك بالعروة
و هر که بسپارد روی خویش بسوی خدا و او نیکوکار بود بدرستی که او دست زد در استوارتر
الوثقى والى الله عاقبة الامور ۝ ومن كفر فلا يحزنك كفره
گوشه و با خدای گردد سرانجام کارها و هر که کافر شود و ناسپاس اندوهگین نکند ناسپاسی او
الينا مرجعهم فننبئهم بما عملوا ان الله عليم بذات الصدور
با ماست بازگشت ایشان تا آگاه کنیم ایشانرا بانچه میکردند که خدا داناست بهرچه در دلهاست
نمتعهم قليلا ثم نضطرهم الى عذاب غليظ ۝ ولئن سألتهم
فرا آریم برخورداری ایشان اندکی پس فرا نیاریم ایشانرا بعذابی درشت و اگر پرسی ایشانرا
من خلق السموات والارض ليقولن الله قل الحمد لله بل اكثرهم
که که آفرید آسمانها و زمین گویند خدا بگو ستایش مر خدا راست بلکه بیشتر ایشان
لا يعلمون ۝ لله ما في السموات والارض ان الله هو الغني الحميد
نمیدانند خدایراست آنچه در آسمانها و زمین است بدرستی که خدا اوست بی نیاز ستوده
ولو ان ما في الارض من شجرة اقلام والبحر يمده من بعده سبعة ابحر
اگر چنان بودی که هرچه در زمین درخت است همه قلم بودی و دریا مداد بودی از پس آن هفت دریا دیگر از مداد
ما نفدت كلمات الله ان الله عزيز حكيم ۝ ما خلقكم ولا بعثكم
نیست نشود سخنان خدای بدرستی که خدای تواناست دانا نیست آفرینش شما در جهان و نه انگیختن شما در آن جهان
الا كنفس واحدة ان الله سميع بصير ۝ الم تر ان الله يولج
مگر همچون تنی تنها بدرستی که خدا شنواست بینا ای نمی بینید که خدا در می آرد
الليل في النهار ويولج النهار في الليل وسخر الشمس والقمر
شب را در روز و در می آرد روز را در شب و روان کرد بفرمان خورشید و ماه
كل يجري الى اجل مسمى وان الله بما تعملون خبير
هر یکی میرود تا آن هنگام که نام زد کرده است و بدرستی که خدا بانچه میکنید آگاه است

ذٰلِكَ بِأَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الْبَاطِلُ وَأَنَّ

وان است که تا بدانی که خدا اوست سزا و انچه می خوانند از غیر خدای گزشت و باطل و بدرستی

اللّٰهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَتِ

که خدا اوست برتر و بزرگ نمی بینی که کشتی میرود در دریا بنعمت

اللّٰهِ لِيُرِيَكُمْ مِنْ آيَاتِهِ إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ۝

خدای تا نماید شمارا از نشانها در آن نشانهاست مر شکیبائی را سپاس دار

وَإِذَا غَشِيَهُمْ مَوْجٌ كَالظُّلَلِ دَعَوُا اللّٰهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا

وانگه که بزبر ایشان در آید موج دریا همچون میغ بزرگ خوانند خدارا پاک دارنده او را دعا خواندن پس چون

نَجّٰهُمْ إِلَى الْبَرِّ فَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا كُلُّ

که رهانید ایشان را او با دشت آرد از ایشان و انکار نکند نشانهای ما مگر هر

خَتَّارٍ كَفُورٍ ۝ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمْ وَاخْشَوْا يَوْمًا لَا يَجْزِي

ناراستی گرکاری ناسپاسی ای مردمان پرهیز کنید از عذاب خداوند خویش و بترسید از روزی که هیچ سود ندارد

وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَنْ وَالِدِهِ شَيْئًا إِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ

پدر از بهر پسر خویش را و نه فرزند بکار آید پدر خویش را چیزی بدرستی که وعده خدا

حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُمْ بِاللّٰهِ الْغَرُورُ ۝

راستست مفریبا د شمارا زندگانی این جهانی و مفریباد شمارا بخدای این شیطان فریبنده

إِنَّ اللّٰهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ

بدرستی که خدا نزد اوست دانش رستاخیز و فرستادن باران و همیداند انچه در رحمهاست

وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ

و نداند هیچ کسی که چه خواهد کرد فردا و نداند هیچ کس که بکدام زمین

تَمُوتُ إِنَّ اللّٰهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ۝

بخواهد مرد بدرستی که خدا داناست آگاه

سُورَةُ السَّجْدَةِ ثَلٰثُونَ آيَةً مَكِّيَّةٌ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

الٓمٓ ۝ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ أَمْ يَقُولُونَ

این حروف هجی و فرستادن این نامه شک نیست دران از خداوند جهانیان است یا میگویند

افْتَرٰهُ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لِتُنْذِرَ قَوْمًا مَا أَتٰهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِنْ

از خویشتن فرا نهاده است که نامه راست است از خداوند تو تا بترسانی گروهی که نیامد بایشان هیچ بیم دهنده از

قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ۝ اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ

پیش تو تا مگر ایشان راه راست یابند خدا آنکس است که آفرید آسمانها و زمین

وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰى عَلَى الْعَرْشِ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ

وانچه میان آن هردو در شش روز پس مستوی شد بر عرش نیست شمارا جز از و

مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ ۝ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى

نه یاری و نه شفیعی هیچ پند نپذیرید میسازد کار از آسمان به

الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِمَّا

زمین انگه بر میشود با و در روزی که باشد اندازه آن هزار سال از انچه

تَعُدُّونَ ۝ ذٰلِكَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۝ الَّذِي

شما میشمارید آن کس دانا نهان و اشکاراست آن توانا مهربان انکس

أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ ۝ ثُمَّ جَعَلَ

که نیکو کرد هر چیزی آفرینش آن و نخست که آفرید مردم از گل پس کرد و آفرید

نَسْلَهُ مِنْ سُلٰلَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ ۝ ثُمَّ سَوّٰهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ

فرزندان اورا از بیرون آورده از آب سست خوار انگه بالا او راست کرد و دمید در و از روح خویش

وجعل لكم السمع والأبصار والأفئدة قليلا ما تشكرون

وقالوا أئذا ضللنا في الأرض أئنا لفي خلق جديد بل هم بلقاء

ربهم كافرون قل يتوفاكم ملك الموت الذي وكل بكم

ثم إلى ربكم ترجعون ولو ترى إذ المجرمون ناكسوا رءوسهم

عند ربهم ربنا أبصرنا وسمعنا فارجعنا نعمل صالحا إنا

موقنون ولو شئنا لآتينا كل نفس هداها ولكن حق

القول مني لأملأن جهنم من الجنة والناس أجمعين

فذوقوا بما نسيتم لقاء يومكم هذا إنا نسيناكم وذوقوا عذاب

الخلد بما كنتم تعملون إنما يؤمن بآياتنا الذين إذا ذكروا

بها خروا سجدا وسبحوا بحمد ربهم وهم لا يستكبرون

سجده

تتجافى جنوبهم عن المضاجع يدعون ربهم خوفا وطمعا ومما

رزقناهم ينفقون فلا تعلم نفس ما أخفي لهم من قرة أعين

جزاء بما كانوا يعملون أفمن كان مؤمنا كمن كان فاسقا

لا يستوون أما الذين آمنوا وعملوا الصالحات فلهم جنات

المأوى نزلا بما كانوا يعملون وأما الذين فسقوا فمأواهم النار

كلما أرادوا أن يخرجوا منها أعيدوا فيها وقيل لهم ذوقوا عذاب

النار الذي كنتم به تكذبون ولنذيقنهم من العذاب الأدنى

دون العذاب الأكبر لعلهم يرجعون ومن أظلم ممن

ذكر بآيات ربه ثم أعرض عنها إنا من المجرمين منتقمون

ولقد آتينا موسى الكتاب فلا تكن في مرية من لقائه وجعلناه

هدى لبني إسرائيل وجعلنا منهم أئمة يهدون بأمرنا لما

صبروا وكانوا بآياتنا يوقنون إن ربك هو يفصل بينهم يوم

القيمة فيما كانوا فيه يختلفون ۝ اولم يهد لهم كم اهلكنا
قیامت درانچه بودند دران وخلاف میگردند تا باز ننمودند بایشان که چند هلاک کردیم ما

من قبلهم من القرون يمشون في مساكنهم ان في ذلك لايات
از پیش ایشان از گروه گروه که میروند در نشستگاههاء ایشان بدرستی که دران نشانهاست

افلا يسمعون ۝ اولم يروا انا نسوق الماء الى الارض الجرز فنخرج
بنمی شنوند نمی بینند ما خداوند میرانیم آب را در زمین تهی از نبات بس بیرون می‌آریم

به زرعا تاكل منه انعامهم وانفسهم افلا يبصرون ۝
بان آب کشت زار تا میخورد ازآن ستوران ایشان وتنهاء ایشان نمی بینند

ويقولون متى هذا الفتح ان كنتم صادقين ۝ قل يوم
ومیگویند این روز داوری اگر بودید راست گویان بگوای محمد روز

الفتح لا ينفع الذين كفروا ايمانهم ولا هم ينظرون ۝
فتح وداوری سود ندارد ناگرویدگان را گرویدن ایشان ونه ایشانرا رحمت کنند

فاعرض عنهم وانتظر انهم منتظرون ۝
پس روی گردان از ایشان وچشم میدار که ایشان چشم میدارند

سورة الاحزاب ثلاث وسبعون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

يا ايها النبي اتق الله ولا تطع الكافرين والمنافقين ان الله كان
ای پیغامبر بپرهیز از ناسپاسی خدای و فرمان مبر ناگرویدگانرا و دورویانرا بدرستی که خدا بود

عليما حكيما ۝ واتبع ما يوحى اليك من ربك ان الله كان بما
دانا کاردان و برپی آن میرو که پیغام میکند بتو از خداوند تو بدرستی که خدا باشد بانچه

تعملون خبيرا ۝ وتوكل على الله وكفى بالله وكيلا ۝ ما جعل
میکنید آگاه وپشت بازکن بر خدا وبسنده است بخدا کارسازی را نکرد

الله لرجل من قلبين في جوفه وما جعل ازواجكم اللائي
خدای هیچ مردرا دو دل در اندرون او ونکرد زنان شمارا آنکسان

تظاهرون منهن امهاتكم وما جعل ادعياءكم ابناءكم
که ظهار میکنید از ایشان مادران شما ونکرد پسر خواندگان شمارا پسران شما

ذلكم قولكم بافواهكم والله يقول الحق وهو يهدي السبيل ۝
این سخن شماست که بزبان خود میگوئید وخدا میگوید سخن راست بسزا واو راه می نماید

ادعوهم لاباىهم هو اقسط عند الله فان لم تعلموا اباءهم فاخوانكم
بخوانید ایشان ومر پدران ایشان راآن راست تر نزد خدای اگر ندانسته ونشناسید پدران ایشان پس برادران شمااند

في الدين ومواليكم وليس عليكم جناح فيما اخطاتم به
در دین و مولی شما ونیست بر شما بزه نیست گناه شما بآن

ولكن ما تعمدت قلوبكم وكان الله غفورا رحيما ۝ النبي
ولیکن آنچه بقصد میکنید دل شما وبود خدای آمرزنده مهربان پیغامبر

اولى بالمؤمنين من انفسهم وازواجه امهاتهم واولوا الارحام
سزاوارترست بگرویدگان از ایشان بخویشتن وزنان او مادران ایشانند وسزاتر خویشاوندان

بعضهم اولى ببعض في كتاب الله من المؤمنين والمهاجرين
یکدیگر میراث بردن را در دین خدای ازگرویدگان هجرت کرده

الا ان تفعلوا الى اولياىكم معروفا كان ذلك في الكتاب مسطورا ۝
مگر که کنید با کسان خویش نیکوئی بود این در نامه نوشته است

واذ اخذنا من النبيين ميثاقهم ومنك ومن نوح وابراهيم
وانگه گرفتیم ما از پیغمبران پیمان وعهد ایشان واز تو واز نوح وابراهیم

وَمُوسَىٰ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُم مِّيثَاقًا غَلِيظًا ۝ لِّيَسْأَلَ

و موسی و عیسی پسر مریم و گرفتیم از ایشان پیمان بزرگ استوار تا بپرسد

الصَّادِقِينَ عَن صِدْقِهِمْ وَأَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا ۝ يَا أَيُّهَا

راست گویان را از راستی ایشان و ساخت ناگرویدگان را عذابی دردناک ای

الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا

کسانی که بگرویدند یاد کنید نیکوکاری خدای بر خویشتن که آمد بشما سپاها فرو گشادیم

عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ۝

بر ایشان بادی و سپاهی که نمی دیدند آنرا و بود خدای بآنچ میکنید بینا

إِذْ جَاءُوكُم مِّن فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ

که آمدند بشما از زبر شما و از زیر شما و که بگشت و گشت چشمها در جایها

وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا ۝ هُنَالِكَ

و رسید دلها بگلو و ظن می بردند بخدای ظن بدی آنجا و که

ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا ۝ وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ

آزموده شدند مؤمنان را و بجنبانیدند از جای جنبانیدنی سخت و که گفتند دورویان

وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ مَّا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا ۝

و آنکسان که در دلها ایشان بیماری بود وعده نداد ما را خدای و رسول او مگر فریب

وَإِذْ قَالَت طَّائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا

و اگر گفت گروهی از ایشان ای مردمان مدینه نه جای ثباتست بازگردید

وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِّنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ

و دستوری میخواهد گروهی از ایشان پیغمبر میگویند هر آینه که خانهاء ما

بِعَوْرَةٍ إِن يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا ۝ وَلَوْ دُخِلَتْ عَلَيْهِم مِّنْ أَقْطَارِهَا

نمیخواهند ایشان مگر گریختن و اگر در آید جایشان از کرد بر کرد آن

ثُمَّ سُئِلُوا الْفِتْنَةَ لَآتَوْهَا وَمَا تَلَبَّثُوا بِهَا إِلَّا يَسِيرًا ۝

پس خواهد و درنگ نکنند تا آن مگر اندکی

وَلَقَدْ كَانُوا عَاهَدُوا اللَّهَ مِن قَبْلُ لَا يُوَلُّونَ الْأَدْبَارَ وَكَانَ عَهْدُ

و بدرستی پیمان کرده بودند با خدای از پیش که نگردانند پشتها و بود پیمان

اللَّهِ مَسْئُولًا ۝ قُل لَّن يَنفَعَكُمُ الْفِرَارُ إِن فَرَرْتُم مِّنَ الْمَوْتِ أَوِ الْقَتْلِ

خدا پرسیدنی بگو سود ندارد شما را گریختن اگر بگریزید از مرگ یا از کشتن

وَإِذًا لَّا تُمَتَّعُونَ إِلَّا قَلِيلًا ۝ قُلْ مَن ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُم مِّنَ اللَّهِ إِنْ أَرَادَ

و آنگه برخوردار نه شوید مگر اندکی بگو کیست آنکه نگه دارد شما را از خدای اگر خواهد

بِكُمْ سُوءًا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً وَلَا يَجِدُونَ لَهُم مِّن دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا

بشما بدی یا خواهد بشما بخشایشی و نیابند ایشان از غیر خدای دوستی و نه

نَصِيرًا ۝ قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمُعَوِّقِينَ مِنكُمْ وَالْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا

یاری دهنده بدرستی که میداند خدای درنگ کنندگان واز کار باز دارندگان از شما و میگویند مر برادران خویش محمد را گذارید و با ما آیید

وَلَا يَأْتُونَ الْبَأْسَ إِلَّا قَلِيلًا ۝ أَشِحَّةً عَلَيْكُمْ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ

و نیایند بجنگ مگر اندکی روزی میکنند بر شما چون آید جنگ ترس بینی ایشان را

يَنظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغْشَىٰ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ

که می نگرند بتو می گردد چشمها ایشان چون کسی بیهوشی برو از مرگ

فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقُوكُم بِأَلْسِنَةٍ حِدَادٍ أَشِحَّةً عَلَى الْخَيْرِ

چون شود ترس و جنگ گذارند بشما زبانهاء تیز یعنی زبان درازی کنند سخت خشک و حریص اند بر مال

أُولَٰئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ۝

ایشان آنند که نگرویدند پس تباه کرد خدای کردارها ایشان و بود آن بر خدای آسان

يَحْسَبُونَ الْأَحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا وَإِن يَأْتِ الْأَحْزَابُ يَوَدُّوا لَوْ أَنَّهُم

می پندارند گروه دشمنان نه رفته اند بهزیمت و اگر بیایند سپاهان دشمنان دوست دارند

بادون في الأعراب يسئلون عن أنبائكم ولو كانوا فيكم ما قاتلوا
می پرسند از خبرهای شما واگر بودندی در میان شما جنگ نکردندی

إلا قليلا ● لقد كان لكم في رسول الله أسوة حسنة لمن كان
مگر اندکی بدرستی که بود شمارا در فرستاده خدای نیکو بود

يرجوا الله واليوم الآخر وذكر الله كثيرا ● ولما رأى المؤمنون
می ترسد از خدا و روز رستاخیز و یاد میکند خدارا فراوان وچون میدیدند گرویدگان

الأحزاب قالوا هذا ما وعدنا الله ورسوله وصدق الله ورسوله
گروه دشمن گویند این آنست که وعده داده بود مارا خدا و رسول او وراست گفت خدا و رسول او

وما زادهم إلا إيمانا وتسليما ● من المؤمنين رجال صدقوا ما عاهدوا
و نیفزود ایشانرا مگر گرویدنی و گردن نهادنی از گرویدگان مردانی اند که راست آمدند در انچه پیمان کردند

الله عليه فمنهم من قضى نحبه ومنهم من ينتظر وما بدلوا
خدارا بران و از ایشان هست که بروعده خود برفت و از ایشان هست که چشم میدارند و پیمان بی وفائی

تبديلا ● ليجزي الله الصادقين بصدقهم ويعذب المنافقين
بدل نکردند تا پاداش دهد خدا راستانرا براستی ایشان و عذاب کند دورویانرا

إن شاء أو يتوب عليهم إن الله كان غفورا رحيما ● ورد الله
اگر خواهد یا توبه دهد ایشانرا بدرستی که خدا بود آمرزکار مهربان وبازپس برد خدا

الذين كفروا بغيظهم لم ينالوا خيرا وكفى الله المؤمنين
کافرانرا بدرد دل ایشان دست بهیچ کام نرسیده و بس بود خدای مومنانرا

القتال وكان الله قويا عزيزا ● وأنزل الذين ظاهروهم من أهل
جنگ و بود خدای تاونده بی همتا و آورد ایشانرا که هم پشت کشتند از مردمان

الكتاب من صياصيهم وقذف في قلوبهم الرعب فريقا
توریة خوانان از حصارهای ایشان و انداخت در دلهای ایشان ترس و بیم گروهی را

تقتلون وتأسرون فريقا ● وأورثكم أرضهم وديارهم وأموالهم
میکشتند و باسیری میگرفتند گروهی را ومیراث داد شمارا زمین ایشان وخان ومان ایشان ومالهای ایشان

وأرضا لم تطئوها وكان الله على كل شيء قديرا ● يا أيها النبي
و زمینی که در و نرفتید و بود خدای بر همه چیز توانا ای پیغامبر

قل لأزواجك إن كنتن تردن الحيوة الدنيا وزينتها فتعالين
بگو زنان خویش را اگر خواهانست شمارا زندگانی این جهان و آرایش و زینت آن پس بیائید

أمتعكن وأسرحكن سراحا جميلا ● وإن كنتن تردن الله
تا شمارا چیزی دهم و رها کنم شمارا رها کردنی نیکو واگر خواهانست که شما می خواهید خدای

ورسوله والدار الآخرة فإن الله أعد للمحسنات منكن أجرا
و رسول او و سرای آن جهانی بدرستی که خدا بساخت نیکوکارانرا از شما مزدی

عظيما ● يا نساء النبي من يأت منكن بفاحشة مبينة
بزرگوار ای زنان پیغمبر هر که بیاید از شما و کاری زشت کند ناپسندی پیدا کننده

يضاعف لها العذاب ضعفين وكان ذلك على الله يسيرا ●
عقوبت دوباره آن زن را عذاب کنند در آن جهان و بود آن بر خدای آسان

ومن يقنت منكن لله ورسوله وتعمل صالحا نؤتها أجرها
و هر که پرستش کند از زنان از شما خدارا و رسول او را و کند کار نیک دهیم اورا مزد او

مرتين وأعتدنا لها رزقا كريما ● يا نساء النبي لستن كأحد
دوبار و ساختیم ما اورا در بهشت رزقی نیکو ای زنان پیغمبر نیستید شما چون یکی

من النساء إن اتقيتن فلا تخضعن بالقول فيطمع الذي
از زنان دیگر اگر خائفست از خدا مپرسید پس سخن نرم مگوئید با مردان بیگانه که طمع کند بر شما مردی

في قلبه مرض وقلن قولا معروفا ● وقرن في بيوتكن ولا تبرجن
در دل او بیماری دوستی زنانست و سخن باندام گوئید پسندیده وآرام گیرید در خانهای خویش و زینت خویش مکنید

تبرج الجاهلية الأولى وأقمن الصلوة وآتين الزكوة وأطعن الله

چنانکه اهل جاهلیت پیش کردند و برپای دارید نماز و بدهید زکوة و فرمان برید خدا را

ورسوله إنما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت ويطهركم

و رسول او را درستی که میخواهد خدا که ببرد از شما پلیدی را ای خاندان رسول و پاک کند شما را

تطهيرا ۝ واذكرن ما يتلى في بيوتكن من آيات الله والحكمة

پاک کردنی و یاد کنید آنچه خوانده شد در خانهای شما از سخنان خدا و حکمت او

إن الله كان لطيفا خبيرا ۝ إن المسلمين والمسلمات والمؤمنين

درستی که خدا بود باریک دان آگاه درستی که گردن نهادگان مردان و زنان و گروندگان

والمؤمنات والقانتين والقانتات والصادقين والصادقات

مردان و زنان و فرمان برداران مردان و زنان و راست گویان مردان و زنان

والصابرين والصابرات والخاشعين والخاشعات والمتصدقين

و شکیبایان مردان و زنان و فروتنان مردان و زنان و صدقه دهان مردان

والمتصدقات والصائمين والصائمات والحافظين فروجهم

و زنان و روزه داران مردان و زنان و نگاه داران فرجها مردان

والحافظات والذاكرين الله كثيرا والذاكرات أعد الله لهم مغفرة

و زنان و یاد کنندگان خدا را بسیار و زنان ساخت خدا ایشان را آمرزش

وأجرا عظيما ۝ وما كان لمؤمن ولا مؤمنة إذا قضى الله

و مزد بزرگوار و نیست گرویده را مرد و نه زن که فرمانی دهد خدا

ورسوله أمرا أن يكون لهم الخيرة من أمرهم ومن يعص الله

و رسول او کاری اگر جی بود ایشان را اختیاری از کار ایشان و هر که سرکشد خدا را

ورسوله فقد ضل ضلالا مبينا ۝ وإذ تقول للذي أنعم الله

و رسول او را درستی که گمراه گشت گمراه گشتنی آشکارا اکنون می گفتی آن مرد را که نیکوی کرد خدا

عليه وأنعمت عليه أمسك عليك زوجك واتق الله وتخفي

برو و نیکوی کردی برو نگه دار اهل خود و بترس از خدا و نهان میداری

في نفسك ما الله مبديه وتخشى الناس والله أحق أن تخشه

در تن خود آنچه خدای پیدا خواست کرد و میترسیدی از مردمان و خدا سزاتر بود که بترسی ازو

فلما قضى زيد منها وطرا زوجناكها لكي لا يكون على المؤمنين

اکنون که برآورد زید کام خود از آن زن و او را طلاق داد زنی تو دادیم او را تا نبود بر مومنان

حرج في أزواج أدعيائهم إذا قضوا منهن وطرا وكان

تنگی و بزه در زنی کردن پسر خواندگان ایشان که زنی کنند ایشان را کام خویش برآید و بود

أمر الله مفعولا ۝ ما كان على النبي من حرج فيما فرض الله له

کار خدای کردنی نیست بر پیغامبر هیچ بزه در آن که باز کرد خدا او را

سنة الله في الذين خلوا من قبل وكان أمر الله قدرا مقدورا

سنت خدا است در پیغامبران که گذشتند از پیش و بود کار خدای باندازه و تقدیر باز داشته

الذين يبلغون رسالات الله ويخشونه ولا يخشون أحدا إلا الله

آنانکه میرسانند پیغام خدای وی ترسند ازو و نترسند از هیچ کس مگر خدا

وكفى بالله حسيبا ۝ ما كان محمد أبا أحد من رجالكم

و بسنده است خدا بکارسازی نبود محمد پدر هیچ کس از مردان شما

ولكن رسول الله وخاتم النبيين وكان الله بكل شيء عليما

ولیکن فرستاده خدای است و مهر پیغمبران و بود خدای بهمه چیز دانا

يا أيها الذين آمنوا اذكروا الله ذكرا كثيرا ۝ وسبحوه بكرة

ای آنکسانی که گرویدند یاد کنید خدا را یاد کردنی بسیار و پاکی بستایید او را بامداد

وأصيلا ۝ هو الذي يصلي عليكم وملائكته ليخرجكم من

و شبانگاه او آنکس است که درود میدهد بر شما و فرشتگان او بیرون می آرد شما را از

الظلمات الی النور وکان بالمؤمنین رحیما ۝ تحیتهم یوم
تاریکیها بروشنایی و بود بگرویدگان مهربان نواخت ایشان انروز

یلقونه سلام واعد لهم اجرا کریما ۝ یا ایها النبی انا ارسلناك
که بیند ملک الموت درود وساخت ایشانرا مزدی نیکو ای پیغامبر ما فرستادیم بتو

شاهدا ومبشرا ونذیرا ۝ وداعیا الی الله باذنه وسراجا منیرا ۝
گواهی و بشارت دهی و بیم نمایی وباز خواننده با خدای بفرمان او وچراغی روشن

وبشر المؤمنین بان لهم من الله فضلا کبیرا ۝ ولا تطع الکافرین
و بشارت ده گرویدگانرا بانکه باشد ایشانرا از خدای نیکویی بزرگ وفرمان مبر کافرانرا

والمنافقین ودع اذیهم وتوکل علی الله وکفی بالله وکیلا ۝
و دوروییانرا مگذار رنجانیدن کافران وپشت باز کن بخدای وبسنده است خدای بکارسازی

یا ایها الذین امنوا اذا نکحتم المؤمنات ثم طلقتموهن من
ای ایشان که بگرویدند اگر که بزنی کنید شما زنان گرویده اگر رها کنید ایشانرا از

قبل ان تمسوهن فما لکم علیهن من عدة تعتدونها فمتعوهن
پیش آن که با ایشان رسید نیست شما بر ایشان عده که شمارید چیزی دهید ایشانرا

وسرحوهن سراحا جمیلا ۝ یا ایها النبی انا احللنا لك
و بگذارید ایشانرا گذاشتی نیکو ای پیغامبر حلال کردیم ما ترا

ازواجك اللاتی اتیت اجورهن وما ملکت یمینك مما افاء
زنان تو ایشان که بدهی کاوین ایشان در کار زنان و کنیزکان از انچه باز کرداند خدای

الله علیك وبنات عمك وبنات عماتك وبنات خالك وبنات
خدا بر تو و دختران برادران پدر تو و دختران خواهران پدر تو و دختران برادر مادر تو و دختران

خالاتك اللاتی هاجرن معك وامراة مؤمنة ان وهبت نفسها
خواهران مادر تو آنها که هجرت کردند با تو وحلال کردیم ترا زنی مومنه یعنی ام شریک که ببخشید تن خویش

للنبی ان اراد النبی ان یستنکحها خالصة لك من دون
مر رسول را چون خواست پیغمبر که بزنی گیرد خاص است ترا از جز

المؤمنین ۝ قد علمنا ما فرضنا علیهم فی ازواجهم وما
مومنان بدرستی که بدانستیم انچه بدید کردیم ومباح را ایشان در زنان ایشان و انکه

ملکت ایمانهم لکیلا یکون علیك حرج وکان الله غفورا رحیما ۝
زیر دستان ایشان شد هرچند که خواهند تا نباشد بر تو بزه و تنگی و بود خدا آمرزگار مهربان

ترجی من تشاء منهن وتؤوی الیك من تشاء ومن ابتغیت
باز میداری هرکه میخواهی از زنان خویش بازطلب هر که خواهی و باز جوی از ایشان

ممن عزلت فلا جناح علیك ذلك ادنی ان تقر اعینهن ولا
از انان دور کرده استه تو در ان هیچ نیست بزه بر تو این نزدیکتر است بانکه روشن بود چشم ایشان و

یحزن ویرضین بما اتیتهن کلهن والله یعلم ما فی قلوبکم
اندوهگین نباشند و خشنود باشند بانچه میدهی هر دو گروه را از بعض خویش وخدا میداند انچه در دلها شماست

وکان الله علیما حلیما ۝ لا یحل لك النساء من بعد ولا ان تبدل
و بود خدا دانا بردبار حلال نیست ترا زنان از پس و حلال نیست ترا که هیچ زنی

بهن من ازواج ولو اعجبك حسنهن الا ما ملکت یمینك
از ایشان که بدل کنی و هرچند که زنان یابی که خوش آید ترا نیکویی ایشان مگر برده که آنرا خداوندی که زیر دست تو شود بدل کنی

وکان الله علی کل شیء رقیبا ۝ یا ایها الذین امنوا لا تدخلوا
و بود خدای بر همه چیز نگهبان ای آنکسانی که گرویده اند مشوید

بیوت النبی الا ان یؤذن لکم الی طعام غیر ناظرین اناه
در خانها پیغامبر مگر که دستوری دهد شما را بسوی طعام خوردن بی نگرستن

ولکن اذا دعیتم فادخلوا فاذا طعمتم فانتشروا ولا مستانسین
لکن چون خواستند شما را در روید و چون طعام خورید پراکنید و انس مگیرید

لحديث إن ذلكم كان يؤذي النبي فيستحيي منكم والله
سخن گفتن اگر که ان بود میرنجانند پیغمبر و شرم میکرد می بود او ازشما و خدا

لا يستحيي من الحق وإذا سألتموهن متاعا فسئلوهن من وراء
شرم نمیدارد از حق گفتن و هرگه خواهید ازیشان چیزی خواهید از پس

حجاب ذلكم أطهر لقلوبكم وقلوبهن وما كان لكم أن تؤذوا
پرده این شمارا پاکیزه ترست دلهاء شمارا و دلهاء ایشانرا و نبود شمارا که رنج نماید

رسول الله ولا أن تنكحوا أزواجه من بعده أبدا إن ذلكم كان
رسول خدا و نه بزنی خواهید زنان اورا از پس او همیشه بدرستی که آن بود

عند الله عظيما ۝ إن تبدوا شيئا أو تخفوه فإن الله كان
نزد خدای بزرگ اگر پیدا کنید چیزی یا پنهان دارید خدا بود

بكل شيء عليما ۝ لا جناح عليهن في آبائهن ولا أبنائهن
بهمه چیز دانا بزه نیست بر زنان در شنودن آواز پدران خویش را و نه پسران خویشرا

ولا إخوانهن ولا أبناء إخوانهن ولا أبناء أخواتهن ولا
و نه برادران خویشرا و نه برادرزادگان خویشرا و نه خواهرزادگان خویشرا و نه

نسائهن ولا ما ملكت أيمانهن واتقين الله إن الله كان على
زنان هم دین و نه درم خریدگان بپرهیزید از خشم خدا بدرستی که خدا بود بر

كل شيء شهيدا ۝ إن الله وملائكته يصلون على النبي يا أيها
همه چیز گواه بدرستی که خدا و فرشتگان او درود میدهند بر پیغمبر ای

الذين آمنوا صلوا عليه وسلموا تسليما ۝ إن الذين يؤذون
شما که مومنانید درود دهید برو و سلام کنید سلام کردنی ایشان که میرنجانند

الله ورسوله لعنهم الله في الدنيا والآخرة وأعد لهم عذابا
خدا و رسول او لعنت کرد بریشان خدا درین جهان و در آن جهان و ساخت ایشانرا عذابی

مهينا ۝ والذين يؤذون المؤمنين والمؤمنات بغير ما اكتسبوا
خوار کننده و ایشان که میرنجانند مردان مومن و زنان مومن بی گناهی که کردند

فقد احتملوا بهتانا وإثما مبينا ۝ يا أيها النبي قل لأزواجك
بدرستی که در گردن خود کردند دروغی بزرگ و بزه آشکارا ای پیغامبر بگو زنان خویشرا

وبناتك ونساء المؤمنين يدنين عليهن من جلابيبهن ذلك
و دختران خویش و زنان مومنان تا تنگ فرا آرند بر رویها خویش از چادرها خویش آن

أدنى أن يعرفن فلا يؤذين وكان الله غفورا رحيما ۝ لئن لم ينته
نزدیکترست که بشناسند ایشانرا و نرنجانند ایشانرا و بود خدای آمرزگار مهربان اگر باز نه ایستد

المنافقون والذين في قلوبهم مرض والمرجفون في المدينة
دورویان و ایشان در دلهاء ایشان بیماریست و دروغ زنان در مدینه

لنغرينك بهم ثم لا يجاورونك فيها إلا قليلا ۝ ملعونين أينما
اعالیم و انگیزانیم ترا با ایشان هم شهری نباشند در مدینه مگر اندکی نکوهیده و نعرده هرجا

ثقفوا أخذوا وقتلوا تقتيلا ۝ سنة الله في الذين خلوا من
که یابید ایشانرا بگیرندشان و بکشند کشتنی نهاد خدا در ایشان بودند از

قبل ولن تجد لسنة الله تبديلا ۝ يسئلك الناس عن الساعة
پیش و نیابیدم نهاد خدای حرکردن می پرسند ترا مردمان از رستاخیز

قل إنما علمها عند الله وما يدريك لعل الساعة تكون قريبا
بگو آن دانستن نزد خداست و چه ترا دانا گرداند دانستن آن مگر که رستاخیز باشد نزدیک

إن الله لعن الكافرين وأعد لهم سعيرا ۝ خالدين فيها أبدا لا يجدون
بدرستی که خدا نفرین کرد کافرانرا و ساخت ایشانرا آتش جاودانه در آن همیشه باشند نیابند

وليا ولا نصيرا ۝ يوم تقلب وجوههم في النار يقولون يا ليتنا
هیچ یاری و نه یاری دهنده آن روز که میگرداند رویهاء ایشان در آتش میگویند کاشکی ما

اطعنا الله واطعنا الرسولا ۝ وقالوا ربنا انا اطعنا سادتنا
فرمان بردیم خدا را و فرمان بردیم رسول را و گویند پروردگارا بدرستی که ما فرمان بردیم مهتران

وکبراءنا فاضلونا السبیلا ۝ ربنا آتهم ضعفین من العذاب
و بزرگان خویشرا پس مارا از راه بردند و از راه گم کردند پروردگارا بده ایشانرا عذابی دو تو از عذاب

والعنهم لعنا کبیرا ۝ یا ایها الذین امنوا لا تکونوا کالذین آذوا
و لعنت کن بر ایشان لعنت کردنی بزرگ ای آنکسان که بگرویدید مباشید چون آنکسان که رنجانیدند

موسی فبرأه الله مما قالوا وکان عند الله وجیها ۝ یا ایها
موسی را پاک کرد خدا از آنچه گفتند و هست موسی نزد خدا با جاه و قدرت ای

الذین امنوا اتقوا الله وقولوا قولا سدیدا ۝ یصلح لکم اعمالکم
آنان که بگرویدید بپرهیزید از خشم خدا و مگوئید آن سخن را مگر راست پاک درست تا باصلاح آورد و کارهاء شما بسازد

ویغفر لکم ذنوبکم ومن یطع الله ورسوله فقد فاز فوزا عظیما
و بیامرزد شما را گناهان شما و هر که فرمان برد خدا را و رسول او را بدرستی که رست رستنی بزرگ

انا عرضنا الامانة علی السموات والارض والجبال فابین ان
ما عرضه کردیم امانت دین بر آسمانها و زمین و کوهها سر باز زدند

یحملنها واشفقن منها وحملها الانسان انه کان ظلوما
از برداشتن آن و ترسیدند از آن و برداشت آن مردم بدرستی که او بود ستمکار

جهولا ۝ لیعذب الله المنافقین والمنافقات والمشرکین
نادان تا عذاب کند خدا منافقان و زنان و انباز گیران مردان

والمشرکات ویتوب الله علی المؤمنین والمؤمنات وکان الله غفورا رحیما
و زنان و توبه دهد خدا ... و زنان و بود خدا آمرزگار مهربان

سورة سبا اربع وخمسون آیة مکیة

بسم الله الرحمن الرحیم
بنام خدای بخشاینده مهربان

الحمد لله الذی له ما فی السموات وما فی الارض وله الحمد
ستایش مر خدا راست آن خدائی که او راست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و او راست ستایش

فی الاخرة وهو الحکیم الخبیر ۝ یعلم ما یلج فی الارض وما یخرج منها
در آن جهان و او راست کار آگاه است میداند آنچه فرو شود در زمین و آنچه بیرون آید از زمین

وما ینزل من السماء وما یعرج فیها وهو الرحیم الغفور ۝
و آنچه فرود آید از آسمان و آنچه بر شود در آن و اوست مهربان آمرزگار

وقال الذین کفروا لا تاتینا الساعة قل بلی وربی لتاتینکم
گفت آنکسان که نگرویدند نیاید بما رستاخیز بگو ای محمد آری بخداوند من که آید بشما

عالم الغیب لا یعزب عنه مثقال ذرة فی السموات ولا فی الارض
دانا نهان است نبود غایب از وی هم سنگ ذره نه در آسمانها و نه در زمین

ولا اصغر من ذلک ولا اکبر الا فی کتاب مبین ۝ لیجزی الذین
و نه خردتر از ذره و نه مهتر از آن مگر در نامه پیدا تا پاداش دهد ایشانرا

امنوا وعملوا الصالحات اولئک لهم مغفرة ورزق کریم ۝
که بگرویدند و کردند کارهای نیک ایشانند که ایشانراست آمرزش و روزی نیکو

والذین سعوا فی آیاتنا معاجزین اولئک لهم عذاب من رجز
و ایشان خواستند در سخنان ما عاجزان ایشانراست عذابی از سخت ترعذابی

الیم ۝ ویری الذین اوتوا العلم الذی انزل الیک من ربک
دردناک و میبینند ایشان که دادند دانش این قرآن که فرستاده آمد بتو از خداوند تو

هو الحق ویهدی الی صراط العزیز الحمید ۝ وقال الذین کفروا
او راستست و راه می نماید بسوی راه بی همتا ستوده و گفتند ایشان که نگرویدند

هل ندلكم على رجل ينبئكم اذا مزقتم كل ممزق انكم لفي خلق

نشان دهیم شمارا بر مردی که خبر کند شمارا که شمارا انچنین انچنین کنند ریزه ریزه در جا که شمارا در افرینش

جديد افترى على الله كذبا ام به جنة بل الذين لا يؤمنون

نو خواهد گرفت میبافتد از خویشتن خدا دروغ یا با و دیوانگی رسید بلکه ایشان همی‌گروند

بالاخرة في العذاب والضلال البعيد افلم يروا الى ما بين

بانجهان در عذاب و گمراهی دور انه نمی‌بینند که در میان پیش

ايديهم وما خلفهم من السماء والارض ان نشأ نخسف

ایشان چیست و از پس پشت ایشان از آسمان و زمین اگر خواهیم فرو بریم

بهم الارض او نسقط عليهم كسفا من السماء ان في ذلك

ایشانرا در زمین یا فرو افکنیم بر ایشان پاره از آسمان در انچه

لاية لكل عبد منيب ولقد اتينا داود منا فضلا يا جبال

نشانست هر بنده را که با ما گرائیده بود و بدرستی که بدادیم ما داود را از ما نیکوئی یا کوهها

اوبي معه والطير والنا له الحديد ان اعمل سابغات

با او و مرغان و نرم کردیم ما اورا آهن که کن زرها

وقدر في السرد واعملوا صالحا اني بما تعملون بصير ولسليمن

و اندازه هیچ در حلقه زدن نگاه دار و کردار نیک کنید بدرستی که من بانچه میکنید بینا ام و مسخر کردیم سلیمان را

الريح غدوها شهر ورواحها شهر واسلنا له عين القطر

باد با مداد بردن اورا یکماهه راه و شبانگاه بردن اورا یکماهه راه و روان کردیم اورا چشمه مس

ومن الجن من يعمل بين يديه باذن ربه ومن يزغ منهم عن امرنا

و از پریان بعمل کردن فراپیش او بفرمان خداوند او و هر که بگشت از ایشان از فرمان ما

نذقه من عذاب السعير يعملون له ما يشاء من محاريب

بچشانیم اورا از عذاب دوزخ میکردند اورا آنچه او میخواست از محرابها

وتماثيل وجفان كالجواب وقدور راسيات اعملوا ال داود

و صورتها و کاسها چون حوضها و دیگها جنبانیدنی کار کنید ای کسان داود

شكرا وقليل من عبادي الشكور فلما قضينا عليه

شکری و اندکی از بندگان من سپاس دارند چون قضا کردیم ما بر اندیم بر وی

الموت ما دلهم على موته الا دابة الارض تاكل منساته فلما خر

مرگ آگاه نکرد ایشانرا بر مرگ او مگر جنبنده زمین که بخورد عصاء او چون بیفتاد سلیمان

تبينت الجن ان لو كانوا يعلمون الغيب ما لبثوا في العذاب المهين

بجای آوردند پریان که اگر بودندی ایشان دانشند غیب درنگ نکردندی در عذاب خوار کننده

لقد كان لسبا في مسكنهم اية جنتان عن يمين وشمال كلوا

بدرستی که بود قبیله سبارا در جایگاهها ایشان شگفتی دو بهشت از راست و چپ ایشان بخورید

من رزق ربكم واشكروا له بلدة طيبة ورب غفور

از روزی پروردگار خویش و شکر کنید اورا شهری و زمینی خوش و پروردگار آمرزگار

فاعرضوا فارسلنا عليهم سيل العرم وبدلناهم بجنتيهم

روی گردانیدند پس فرو فرستادیم بر ایشان سیل عرم و بدل کردیم ما ایشان بوستانهاء ایشان

جنتين ذواتي اكل خمط واثل وشيء من سدر قليل ذلك

دو بستان با میوه کوهی بر خسار و گز و چیزی از کنار اندک آن

جزيناهم بما كفروا وهل نجازي الا الكفور وجعلنا بينهم

پاداش ایشان کردیم بانان سپاسی و ما پاداش در خور نکنیم مگر ناسپاس را و کردیم ما میان ایشان

وبين القرى التي باركنا فيها قرى ظاهرة وقدرنا فيها السير

و میان زمین که در اینی برکت کرده بودیم ما در آن دیهها، آبادان پیدای و پیدا و تقدیر کردیم در ان دیهها رونده رفتن

سيروا فيها ليالي واياما امنين فقالوا ربنا باعد بين

بروید در ان شبها و روزها ایمن پس گویند پروردگار ما دورتر کن

اسفارنا وظلموا انفسهم فجعلناهم احاديث ومزقناهم كل ممزق
سفرهاء ما و ستم کردند بر خویشتن پس کردیم ایشانرا سمرها و ایشانرا بخش بخش کردیم از هر گونه

ان في ذلك لايات لكل صبار شكور ولقد صدق عليهم
بدرستی که دران نشانها روشن است هر شکیبایی را سپاسدار و بدرستی که راست کرد برایشان

ابليس ظنه فاتبعوه الا فريقا من المؤمنين وما كان له
ابلیس گمان خویش بر پی وی رفتند مگر گروهی از گرویدگان و نبود شیطان را

عليهم من سلطان الا لنعلم من يؤمن بالاخرة ممن هو منها في
برایشان دست رسی و حجتی مگر تا ببینیم که آن کیست که بگرود برستاخیز از آنکس که او از کار رستاخیز در

شك وربك على كل شيء حفيظ قل ادعوا الذين زعمتم من دون
گمانست و خداوند تو بر همه چیز نگهدارست و گواه بگو خوانید ایشانرا که بدروغ میگوئید که خدایانند جز از

الله لا يملكون مثقال ذرة في السموات ولا في الارض وما لهم
خدای نه پادشاه اند هم سنگ ذره نه در آسمانها و نه در زمین نیست ایشانرا

فيهما من شرك وما له منهم من ظهير ولا تنفع الشفاعة
در آن هیچ انبازی و نیست خدا را از ایشان هیچ یاریگار و سود ندارد شفاعت کردن

عنده الا لمن اذن له حتى اذا فزع عن قلوبهم قالوا ماذا قال
نزد خدا مگر کسی را که خدا دستوری دهد اورا تا آنکه که بیم برد از دلهاء ایشان میگویند آنچه گفت

ربكم قالوا الحق وهو العلي الكبير قل من يرزقكم من السموات
خداوند شما گفتند راستست و اوست برتر بزرگوار بگو آن کیست که روزی میدهد شمارا از آسمانها

والارض قل الله وانا او اياكم لعلى هدى او في ضلال مبين
و زمین بگو خدا ما یا شما بر راه راستیم یا در گمراهی آشکارا

قل لا تسئلون عما اجرمنا ولا نسئل عما تعملون قل يجمع
بگو نخواهند پرسید از آنچه ما کنیم از بدی و نخواهند پرسید از آنچه شما میکنید بگو ...

بيننا ربنا ثم يفتح بيننا بالحق وهو الفتاح العليم قل
میان ما خداوند ما پس برگشاید میان ما براستی و او کارگشاست دانا بگو

اروني الذين الحقتم به شركاء كلا بل هو الله العزيز الحكيم
بامن نمائید آنکسان که در وی بندید بانبازی راست نیست اوست خدای بیهمتا درست کار

وما ارسلناك الا كافة للناس بشيرا ونذيرا ولكن اكثر
و نفرستادیم ما ترا مگر همه مردمان را بشارت دهی و بیم نمایی و لیکن بیشترین

الناس لا يعلمون ويقولون متى هذا الوعد ان كنتم صادقين
مردمان نمیدانند و میگویند این وعده که میدهی کیست و چه هنگام اگر هستی از راست گویان

قل لكم ميعاد يوم لا تستاخرون عنه ساعة ولا تستقدمون وقال
بگو شمارا وعده روزیست که باپس نروید یکساعت و نه فراپیش آیید و گفتند

الذين كفروا لن نؤمن بهذا القران ولا بالذي بين يديه ولو ترى
ناگرویدگان ایمان نیاریم باین قرآن و نه بانکه پیش ازین بود و اگر تو ببینی

اذ الظالمون موقوفون عند ربهم يرجع بعضهم الى بعض القول
آنگه کافران بازداشته باشند نزد خداوند ایشان بازیکدیگر میگویند سخن

يقول الذين استضعفوا للذين استكبروا لولا انتم لكنا مؤمنين
میگویند بیچاره کردگان آنانکه گردنکشی کردند اگر نه شما بودید ما گرویده بودیم

قال الذين استكبروا للذين استضعفوا انحن صددناكم عن
گویند آنانکه گردنکشی کردند بیچاره کردگانرا ما بازگردانیم شمارا از

الهدى بعد اذ جاءكم بل كنتم مجرمين وقال الذين استضعفوا
راه پس آنکه آمد بشما بلکه شما گناهکاران بودید گویند بیچاره کردگان

للذين استكبروا بل مكر الليل والنهار اذ تامروننا ان نكفر
گردنکشانرا بلکه حیله شما بود در شب و روز که میفرمودید مارا تا کافر شویم

بالله ونجعل له اندادا واسروا الندامة لما راوا العذاب وجعلنا

بخدای وکردیم ما او را همتایان پنهان پشیمانی آنگه دیدند عذاب وکنیم

الاغلال في اعناق الذين كفروا هل يجزون الا ما كانوا يعملون

غلها در گردن ناگرویدگان پاداش ندهد مگر آنچه میکردند

وما ارسلنا في قرية من نذير الا قال مترفوها انا بما ارسلتم به

ونفرستادیم ما در هیچ شهر هیچ آگاه کننده مگر گفتند بی نیازان ایشان ما را بآنچه فرستادند

كافرون وقالوا نحن اكثر اموالا واولادا وما نحن بمعذبين

ناگرویدگانیم وگفتند ما با مال تریم وفرزندان تر وما را عذاب نکنند

قل ان ربي يبسط الرزق لمن يشاء ويقدر ولكن اكثر الناس لا

بگو خداوند من میگستراند روزی آنکس را که خواهد و باندازه میبخشد لیکن بیشتر مردمان نه

يعلمون وما اموالكم ولا اولادكم بالتي تقربكم عندنا زلفى

میدانند ونه مالهای شما ونه فرزندان شما آنست که نزدیکی افزاید شما را نزد ما فراتری ونزدیکی

الا من امن وعمل صالحا فاولئك لهم جزاء الضعف بما عملوا وهم

مگر کسی که بگرود و کار نیک کنند ایشانند که ایشان راست پاداش تو بر تو بآنچه کردند وایشان

في الغرفات امنون والذين يسعون في اياتنا معاجزين اولئك

در آن کوشکها ناترسان و بیمان وایشان برخواسته اند در سخنان ما عاجز آرندگان ایشان

في العذاب محضرون قل ان ربي يبسط الرزق لمن يشاء من عباده

در عذاب آوردگان اند بگو بدرستی که خداوند من میگستراند روزی آنرا که خواهد از بندگان خود

ويقدر له وما انفقتم من شيء فهو يخلفه وهو خير الرازقين

و فرو میگیرد باندازه و هرچه نفقه کنید بر درویشان خدا بدل او باز دهد و او بهتر روزی دهندگان است

ويوم يحشرهم جميعا ثم يقول للملائكة اهؤلاء اياكم

و آنروز که برانگیزد ایشان را همه آنگه گوییم فرشتگان ایشان شما را

كانوا يعبدون قالوا سبحانك انت ولينا من دونهم بل كانوا

بودند پرستنده گویند پاکی و بی عیبی ترا تو خداوند ما یی از غیر ایشان بلکه بودند

يعبدون الجن اكثرهم بهم مؤمنون فاليوم لا يملك بعضكم

می پرستیدند دیو بیشتر ایشان بایشان گرویدگان بودند امروز پادشاهی کسی از شما

لبعض نفعا ولا ضرا ونقول للذين ظلموا ذوقوا عذاب النار التي

کسی را سود و نه زیان وگوییم ایشان را ستم کردند بچشید عذاب آتش آن

كنتم بها تكذبون واذا تتلى عليهم اياتنا بينات قالوا

بودید بدروغ میداشتید آنرا آنگه خوانند بر ایشان سخنان ما روشن پیدا گویند

ما هذا الا رجل يريد ان يصدكم عما كان يعبد اباؤكم وقالوا ما

نیست این مگر مردی میخواهد که برگرداند شما را از آنچه میپرستیدند پدران شما وگفتند نیست

هذا الا افك مفترى وقال الذين كفروا للحق لما جاءهم

این مگر دروغی ساخته وگفت ناگرویدگان که مر پیغام راست چون آمد بایشان

ان هذا الا سحر مبين وما اتيناهم من كتب يدرسونها وما ارسلنا

نیست این مگر جادوی آشکارا وندادیم ایشانرا از هیچ نامه که خوانند آنرا [illegible] ونفرستادیم

اليهم قبلك من نذير وكذب الذين من قبلهم وما بلغوا

بایشان پیش تو هیچ بیم نمای و دروغ زن داشتند ایشان ونرسیده اند قریش

معشار ما اتيناهم فكذبوا رسلي فكيف كان نكير قل انما

ده یک آنچه دادیم ایشان را دروغ داشتند پیغامبران من تا چون بود نشان ناکسند بگو همانا

اعظكم بواحدة ان تقوموا لله مثنى وفرادى ثم تتفكروا

پند میدهم شما را یک چیز که خیزید خدا را دوگانه و یگانه آنگه باخود بیندیشید

ما بصاحبكم من جنة ان هو الا نذير لكم بين يدي عذاب شديد

که برین مرد شما هیچ دیوانگی نیست نیست او مگر بیم نمای شما را فرا پیش عذابی سخت

قل ما سألتكم من أجر فهو لكم إن أجري إلا على الله وهو على كل شيء
بگو هرچه خواهم از شما از مزد آن شمارا باد نیست مزد من مگر بر خدای و او بر همه چیز

شهيد ۝ قل إن ربي يقذف بالحق علام الغيوب ۝ قل جاء الحق
گواه است بگو بدرستی که خداوند من می‌افکند سخن راست دانا نهانها بگو آمد پیغام راست

وما يبدئ الباطل وما يعيد ۝ قل إن ضللت فإنما أضل على
نه باغاز تواند ابلیس باطل و نه بسر انجام بگو اگر گم شوم من از راه بدرستی که گمراهی من بر

نفسي وإن اهتديت فبما يوحي إلي ربي إنه سميع قريب ۝ ولو ترى
منست و اگر بر راه راست روم بآن پیغام است میفرستد بمن خداوند من بدرستی که او شنوا است نزدیک و اگر بینند

إذ فزعوا فلا فوت وأخذوا من مكان قريب ۝ وقالوا آمنا به وأنى
و فرا گیرند از جایگاهی نزدیک وگویند بگرویدیم بخدا و چون

لهم التناوش من مكان بعيد ۝ وقد كفروا به من قبل ويقذفون
از جای دور و بدرستی که کافر شده بودند بایمان از پیش و می‌انداختند

بالغيب من مكان بعيد ۝ وحيل بينهم وبين ما يشتهون كما
بپنهان از جای دور حائل کردند میان ایشان و میان آنچه آرزو میکردند

فعل بأشياعهم من قبل إنهم كانوا في شك مريب
کرده شد با هم دینان ایشان از پیش بدرستی که ایشان بودند در گمانی در دل شوریده

سورة الملائكة خمس وأربعون آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشاینده مهربان

الحمد لله فاطر السموات والأرض جاعل الملائكة رسلا أولي أجنحة
ستایش نیکو خدایرا کردگار آسمانها و زمین آفریننده کار کرد فرشتگان را رسولان خداوندان پرها

مثنى وثلاث ورباع يزيد في الخلق ما يشاء إن الله على كل شيء قدير
دوان و سه‌ان و چهاران می‌افزاید در آفرینش آنچه خواهد بدرستی که خدا بر همه چیز تواناست

ما يفتح الله للناس من رحمة فلا ممسك لها وما يمسك فلا مرسل له
آنچه بگشاید خدا مردمانرا از مهربانی خویش باز گیرنده نیست آنرا و هرچه باز گیرد گشاینده نیست آنرا

من بعده وهو العزيز الحكيم ۝ يا أيها الناس اذكروا نعمت الله
از پس او و اوست توانا دانا ای مردمان یاد کنید نیکوکاری خدا

عليكم هل من خالق غير الله يرزقكم من السماء والأرض لا إله
بر خویشتن هست آفریدگاری جز خدا روزی دهد شمارا از آسمان و زمین نیست خدای

إلا هو فأنى تؤفكون ۝ وإن يكذبوك فقد كذبت رسل من قبلك
مگر او چون می‌گردانند شمارا از راستی و اگر دروغ زن کنند ترا بدرستی که دروغ زن کرده شد فرستادگان از پیش تو

وإلى الله ترجع الأمور ۝ يا أيها الناس إن وعد الله حق فلا تغرنكم
و با خدا گردد همه کار ای مردمان بدرستی که وعده خدا راستست و باید این مباد

الحيوة الدنيا ولا يغرنكم بالله الغرور ۝ إن الشيطان لكم
زندگانی این جهان و مباد که فریفته کند شمارا بخدای فریبنده بدرستی که دیو شمارا

عدو فاتخذوه عدوا إنما يدعوا حزبه ليكونوا من أصحاب السعير
دشمن پس گیرید او را دشمن بدرستی که او میخواند پیروان خویش را تا باشند از اصحاب دوزخ

الذين كفروا لهم عذاب شديد والذين آمنوا وعملوا الصالحات
ایشان که کافر شدند ایشانراست عذابی سخت و ایشان که بگرویدند و کردند کارها نیک

لهم مغفرة وأجر كبير ۝ أفمن زين له سوء عمله فرآه حسنا فإن الله
ایشانراست آمرزش و مزدی بزرگ آنکس که آراسته کرده شد او را بدی کردار او و دید آنرا نیکو بدرستی که خدا

يضل من يشاء ويهدي من يشاء فلا تذهب نفسك عليهم حسرات
گمراه کند آنکس که خواهد و راه نماید آنکس که خواهد پس مشو جان تو بر ایشان حسرت خوردن

گروهی که گرد شمارا

إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ ۝ وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيَاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا

بدرستی که خدا داناست بآنچه ایشان میکنند و خدا آن خدائی است که میکشاند بادها و می انگیزاند میغها

فَسُقْنَاهُ إِلَى بَلَدٍ مَيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ ۝

می رانیم آنرا به شهری مرده پس زنده کنیم بآن زمین را پس مرگ آن همچنین است انگیختن

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ

هر که می خواهد عزت این جهانی و آن جهانی مر خدا راست عزت هر دو باو بر میشود سخنان پاک

وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ

و کردار نیکو بر میدارد او را و آن ایشان که مکر میکنند بدیها و ایشان راست عذابی

شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يَبُورُ ۝ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ

سخت و بسیار و مکر ایشان است که تباه خواهد شد و خدا بیافرید شما را از خاک پس

مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَى وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ

از آب پشت پس گردانید شما را جفت مرد و زن و بار بر نگیرد از مادینه و بار ننهد مگر بدانش او

وَمَا يُعَمَّرُ مِنْ مُعَمَّرٍ وَلَا يُنْقَصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ

و دراز زندگانی نکند دراز زندگانی و نکاهند از عمر دیگری مگر در نوشته است که آن

عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ۝ وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ

بر خدا آسان است و یکسان نیست دو دریا این یکی سخت خوش گوارنده آب او

وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَمِنْ كُلٍّ تَأْكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُونَ

و آن یکی شور تلخ زبان گز و از همه می خورند گوشتی تازه و بیرون می آرید از شوری

حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ فِيهِ مَوَاخِرَ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ

زیور تا می پوشید آنرا و می بینید کشتیها در آن روان و لب دران تا می جوئید از نیکوکاری او

وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۝ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ

و باشد که شما شکر کنید در می آرد شب در روز و می آرد روز

فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُسَمًّى ذَلِكُمُ اللَّهُ

در شب و نرم کرد است شما را خورشید و ماه همه میرود سر انجام نام برده آن خداوند شماست

رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ ۝

و پروردگار شما او راست پادشاهی و ایشان که می پرستید جز از خدای او نیست ایشان پوست خسته خرما نیست

إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ وَيَوْمَ

اگر خوانید ایشان را نشنوند خواندن شما و اگر بشنوند نه پاسخ شنوانند و بکار نیایند شما را و روز

الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ ۝ يَا أَيُّهَا

رستاخیز باز گردند شما کافر شوید و خبر نکند ترا چنان خبر داد و آگاه ای

النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ۝ إِنْ يَشَأْ

مردمان شما درویشانید با خدای و خدای اوست بی نیاز ستوده اگر خواهد

يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ ۝ وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ ۝ وَلَا تَزِرُ

ببرد شما را و بیارد آفریده نو و نیست آن بر خدای دشخوار و هیچ بارکش

وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى وَإِنْ تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَى حِمْلِهَا لَا يُحْمَلْ مِنْهُ شَيْءٌ

بار بد کس نکشد و اگر شی گران بار کرده خود را بکناهان کسی را خواند تا برگیرد از آن چیزی

وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَى إِنَّمَا تُنْذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا

و اگر بود خویشاوند بدرستی که تو آگاه میکنی آنکسان که میترسند از خداوند خویش نادیده و بپای دارند

الصَّلَاةَ وَمَنْ تَزَكَّى فَإِنَّمَا يَتَزَكَّى لِنَفْسِهِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ ۝

نماز و هر که پاکیزه آید پاکیزه آید خویشتن را و با خداست بازگشت همه

وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ ۝ وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ ۝ وَلَا الظِّلُّ

یکسان نیست نابینا و بینا و نه تاریکیها و نه روشنائیها و نه سایه خنک

وَلَا الْحَرُورُ ۝ وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ

و نه تیزی گرما و یکسان نبود زندگانی و نه مردگان بدرستی که خدای می شنواند

من يشاء وما انت بمسمع من في القبور ان انت الا نذير

اكر باكه خواهد و نيستى تو شنوانيده مردكان را در كورها نيستى تو مكر اكاه كننده

انا ارسلناك بالحق بشيرا ونذيرا وان من امة الا خلا فيها نذير

ما فرستاديم ترا براستى بشارت دهنده و بيم نماى و نبود هيچ امتى مكر كذشت در ان بيم كننده

وان يكذبوك فقد كذب الذين من قبلهم جاءتهم رسلهم

و اكر دروغ زن دارند ترا بدرستى كه دروغ زن داشتند ايشان از پيش ايشان بيامد بايشان پيغمبران ايشان

بالبينات وبالزبر وبالكتاب المنير ثم اخذت الذين كفروا

بحجتها روشن و بنامها و به نوشته روشن پس فرا كرفتم ايشان را كه كافر شدند

فكيف كان نكير الم تر ان الله انزل من السماء ماء فاخرجنا

چون بود [illegible] نمى بينى كه خداى فرو فرستاد از اسمان آبى پس بيرون آورديم

به ثمرات مختلفا الوانها ومن الجبال جدد بيض وحمر مختلف

بان ميوها كونا كون رنكها آن و از كوهها خطها سپيد و سرخ كونا كون

الوانها وغرابيب سود ومن الناس والدواب والانعام

رنكهاى آن و [illegible] سياه و از مردمان و جنبندكان و چهارپايان

مختلف الوانه كذلك انما يخشى الله من عباده العلماء ان الله

كوناكون رنكهاى ايشان همچنانكه ترسند از خدا از بندكان او دانايان بدرستى كه خدا

عزيز غفور ان الذين يتلون كتاب الله واقاموا الصلوة

توانا است آمرزكار بدرستى ايشان كه خوانند نامه خداى و بپاى دارند نماز

وانفقوا مما رزقناهم سرا وعلانية يرجون تجارة لن تبور

و نفقه ميكنند از انچه روزى داديم ايشان را پنهان و اشكارا اميد دارند سودى [illegible] زيان زده نباشد آنرا

ليوفيهم اجورهم ويزيدهم من فضله انه غفور شكور والذى

تا كزارد بايشان مزدهاء ايشان و افزايد ايشان را از افزون خويش بدرستى كه او آمرزكار حق شناس است و آنچه

اوحينا اليك من الكتاب هو الحق مصدقا لما بين يديه ان الله

پيغام داديم با تو از ان نامه آن راست است كواه [illegible] آنچه پيش آمد بدرستى كه خدا

بعباده لخبير بصير ثم اورثنا الكتاب الذين اصطفينا من

به بندكان خود آكاه است بينا پس ميراث داديم نامه ايشان كه بركزيديم از

عبادنا فمنهم ظالم لنفسه ومنهم مقتصد ومنهم سابق

بندكان خويش از ايشان كه ستمكار است [illegible] و از ايشان

بالخيرات باذن الله ذلك هو الفضل الكبير جنات عدن يدخلونها

[illegible] آنست آن فضل بزرگوار سراها بهشتها [illegible]

يحلون فيها من اساور من ذهب ولؤلؤا ولباسهم فيها حرير

دران [illegible] دران از دستينها از زر و مرواريد و جامه ايشان دران حرير

وقالوا الحمد لله الذى اذهب عنا الحزن ان ربنا لغفور

و كويند ستايش خداى را آن خداوند كه ببرد از ما اندوه بدرستى خداوند ما آمرزكار

شكور الذى احلنا دار المقامة من فضله لا يمسنا فيها نصب

[illegible] آن كه آورد ما را سراى هميشه از نكوكارى خويش نرسد ما را دران هيچ رنجى

ولا يمسنا فيها لغوب والذين كفروا لهم نار جهنم لا يقضى

و نرسد ما را دران هيچ ماندكى و ايشان كه كافر شدند ايشان راست آتش دوزخ [illegible]

عليهم فيموتوا ولا يخفف عنهم من عذابها كذلك نجزى

بر ايشان بميرند [illegible] از ايشان هيچ عذاب همچنين پاداش دهيم

كل كفور وهم يصطرخون فيها ربنا اخرجنا نعمل صالحا غير الذى

هر ناكرويده و ايشان فرياد ميكنند دران خداوند ما بيرون آر ما را تا كردار نيكو كنيم جز آن

كنا نعمل اولم نعمركم ما يتذكر فيه من تذكر وجاءكم النذير

كه ميكرديم نه زندكانى داديم شما را [illegible] و آمد بشما آكاه كننده

فذوقوا فما للظالمين من نصير ۝ إن الله عالم غيب السموات

می چشید عذاب که ناگرویدگان را یاری دهی نیست بدرستی که خدا داناست بهر نهان در آسمانها

والأرض إنه عليم بذات الصدور ۝ هو الذي جعلكم خلائف

و زمین او داناست بهرچه در دلهاست او آنست که کرد شما را پس نشینان

في الأرض فمن كفر فعليه كفره ولا يزيد الكافرين كفرهم عند ربهم

در زمین هر که ناگرویده شد گرد برو و نفزاید ناگرویدگان را ناگرویدگی شان

إلا مقتا ولا يزيد الكافرين كفرهم إلا خسارا ۝ قل أرأيتم شركاءكم

مگر زیانکاری بگو چه بینید این انباز گرفتگان

الذين تدعون من دون الله أروني ماذا خلقوا من الأرض أم لهم

آنان که خوانند جز از خدای بامن نمایند تا چه چیز آفریدند در زمین یا ایشان را

شرك في السموات أم آتيناهم كتابا فهم على بينة منه

انبازی است در آسمانها یا دادیم ایشان را نامه که ایشان بر نشان درست اند از آن

بل إن يعد الظالمون بعضهم بعضا إلا غرورا ۝ إن الله يمسك

بلکه وعده می دهند ناگرویدگان یکدیگر مگر بفریب و غرور بدرستی که خدا نگاه میدارد

السموات والأرض أن تزولا ولئن زالتا إن أمسكهما من أحد

آسمانها و زمین که از جای بجنبند و اگر بجنبند نگاه ندارد هیچ کس از پس او

من بعده إنه كان حليما غفورا ۝ وأقسموا بالله جهد أيمانهم لئن

از پس او بدرستی که خداست بردبار آمرزگار سوگند خوردند بخدای جهد آنکه توانستند از سوگندان خویش

جاءهم نذير ليكونن أهدى من إحدى الأمم فلما جاءهم نذير ما زادهم

که اگر آید بایشان آگاه کننده باشند ایشان راست راه تر از یکی از امتها در آن هنگام که آمد بایشان آگاه کننده نیفزود ایشان را

إلا نفورا ۝ استكبارا في الأرض ومكر السيئ ولا يحيق المكر

مگر رمیدن گردن کشی در زمین و بدسازی [illegible]

السيئ إلا بأهله فهل ينظرون إلا سنت الأولين فلن تجد لسنت

بد مگر بسازنده را پس چشم نمیدارند مگر در خور آنچه پیشینیان بودند از انجام و نیابی هرگز نهاد

الله تبديلا ولن تجد لسنت الله تحويلا ۝ أولم يسيروا في الأرض

خدا بگردانیدن و نیابی هرگز نهاد خدا را بگردانیدن نه روند در زمین

فينظروا كيف كان عاقبة الذين من قبلهم وكانوا أشد منهم قوة

تا بنگرند و ببینند که چگونه بود سرانجام ایشان از پیش ایشان بودند و بودند سخت نیروتر از ایشان

وما كان الله ليعجزه من شيء في السموات ولا في الأرض إنه كان عليما

و خدا آنکس نیست که عاجز کند او را چیزی نه در آسمانها و نه در زمین بدرستی که او بود دانا

قديرا ۝ ولو يؤاخذ الله الناس بما كسبوا ما ترك على ظهرها من دابة

توانا و اگر می گیرد خدا مردمان را بانچه میکنند بگذارد بر پشت زمین از جنبنده

ولكن يؤخرهم إلى أجل مسمى فإذا جاء أجلهم فإن الله كان بعباده بصيرا ۝

ولیکن باز پس میدارد ایشان را تا بهنگامی نام زد کرده اگر آید هنگام ایشان بدرستی که خدا بود به بندگان خود بینا

سورة يس ثلاث وثمانون آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشنده مهربان

يس ۝ والقرآن الحكيم ۝ إنك لمن المرسلين ۝ على صراط مستقيم ۝

قرآن راست درست که تو از فرستادگانی بر راه راست

تنزيل العزيز الرحيم ۝ لتنذر قوما ما أنذر آباؤهم فهم غافلون ۝

ایشان ناآگاهان اند

لقد حق القول على أكثرهم فهم لا يؤمنون ۝ إنا جعلنا في أعناقهم

درست شد سخن خدا بیشترین ایشان ما ایشان نگروند ما کردیم در گردنهای ایشان

أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ ۝ وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ
زنجیرها پیوسته شده بر زنخدان پس ایشان سر در هوا ماندگان اند و ما پدید کردیم در پیش روی ایشان

سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ۝ وَسَوَاءٌ
دیواری و از پشت ایشان دیواری پس بپوشانیدیم چشمهای ایشان پس ایشان چشم نمی بینند و یکسان است

عَلَيْهِمْ أَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ إِنَّمَا تُنْذِرُ مَنِ اتَّبَعَ
بر ایشان تا نکنی بنه خواهند گروید تو کسی آگاه توانی کرد که پی میبرد

الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ ۝
پند من و میترسد از رحمن نادیده بشارت ده او را با آمرزش و مزدی نیکو

إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَى وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ
ما زنده کنیم مردگان را و می نویسیم نشانها و رسمها و ... که می نهادند و هر چیز دانسته ایم و شمرده ایم آنرا

فِي إِمَامٍ مُبِينٍ ۝ وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا
در لوح محفوظ پیدا و بیان کرد برای ایشان مثل مردمان اهل شهر را آنگه که بایشان آمد

الْمُرْسَلُونَ ۝ إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ
فرستادگان فرستادیم بایشان دو تن دروغ زن کردند قوی کردیم آن دو رسول را بآن دیگر

فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُمْ مُرْسَلُونَ ۝ قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَمَا
پس گفتند ما بشما فرستادگانیم گفتند نیستید شما مگر مردی مانند ما و

أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ ۝ قَالُوا رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّا
فرو نفرستاد خدای چیزی که مگر شما دروغ میگوئید گفتند پروردگار ما میداند که ما

إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ ۝ وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ۝ قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا
بشما فرستادگانیم و نیست بر ما مگر رسانیدن پیغام آشکارا گفتند که ما بشما فال بد گرفتیم

بِكُمْ لَئِنْ لَمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝
بشما اگر باز نه ایستید از سخن شما را سنگسار کنیم و بشما رسد از ما عذابی دردنای

قَالُوا طَائِرُكُمْ مَعَكُمْ أَئِنْ ذُكِّرْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ ۝ وَجَاءَ مِنْ
گفتند آنچه شما را میرسد آن با شآمت با شماست ... شما گروهی گزاف کاران و آمد از

أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ ۝ اتَّبِعُوا مَنْ
دورتر جای از آن شهر مردی که می شتابید گفت ای گروه پی روی کنید فرستادگان را پی روی کنید کسی

لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُهْتَدُونَ ۝ وَمَا لِيَ لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي
که می نخواهد از شما مزدی و ایشان بر راه راست اند و چه رسد مرا که نپرستم آن خداوند که مرا آفرید

وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۝ أَأَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ آلِهَةً إِنْ يُرِدْنِ الرَّحْمَنُ بِضُرٍّ
و شما را همه با او خواهند برد فرا گیرم من جز از خدای خدایان که اگر خواهد بمن رحمن گزندی

لَا تُغْنِ عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا وَلَا يُنْقِذُونِ ۝ إِنِّي إِذًا لَفِي ضَلَالٍ
بکار نیاید مرا شفاعت ایشان چیزی و مرا از آن گزند نرهانند بدرستی که من آنگه در گمراهی

مُبِينٍ ۝ إِنِّي آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمَعُونِ ۝ قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ
روشن بدرستی که من ایمان آوردم بپروردگار شما بشنوید گفتند درای در بهشت گفت کاشکی

قَوْمِي يَعْلَمُونَ ۝ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ ۝ وَمَا أَنْزَلْنَا
گروه من بدانستندی بآنچه بیامرزید مرا پروردگار من و گردانید مرا از نواختگان و فرو نفرستادیم

عَلَى قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ جُنْدٍ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا مُنْزِلِينَ ۝ إِنْ
بر گروه او از پس او هیچ سپاهی از آسمان و فرو نفرستادیم بر ایشان هیچ عذابی

كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ ۝ يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ
نبود مگر بانگی با نهمه جبرئیل پس ایشان همه یکبار مرده شدند ای دریغا بر رهیگان

مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ۝ أَلَمْ يَرَوْا كَمْ
نیامد بایشان هیچ پیغام رسانی مگر آن ... استهزا و افسوس میکردند نمی بینند چند

أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ ۝ وَإِنْ كُلٌّ
هلاک کردیم پیش از ایشان گروه گروه که کسی از ایشان باز نمی آید و نیستند ایشان همه

لما جميع لدينا محضرون ۝ وآية لهم الأرض الميتة أحييناها
وأخرجنا منها حبا فمنه يأكلون ۝ وجعلنا فيها جنات
من نخيل وأعناب وفجرنا فيها من العيون ۝ ليأكلوا من ثمره
وما عملته أيديهم أفلا يشكرون ۝ سبحان الذي خلق الأزواج
كلها مما تنبت الأرض ومن أنفسهم ومما لا يعلمون ۝ وآية لهم
الليل نسلخ منه النهار فإذا هم مظلمون ۝ والشمس تجري لمستقر
لها ذلك تقدير العزيز العليم ۝ والقمر قدرناه منازل حتى
عاد كالعرجون القديم ۝ لا الشمس ينبغي لها أن تدرك القمر
ولا الليل سابق النهار وكل في فلك يسبحون ۝ وآية لهم أنا
حملنا ذريتهم في الفلك المشحون ۝ وخلقنا لهم من مثله
ما يركبون ۝ وإن نشأ نغرقهم فلا صريخ لهم ولا هم ينقذون ۝ إلا رحمة

منا ومتاعا إلى حين ۝ وإذا قيل لهم اتقوا ما بين أيديكم وما خلفكم
لعلكم ترحمون ۝ وما تأتيهم من آية من آيات ربهم إلا كانوا
عنها معرضين ۝ وإذا قيل لهم أنفقوا مما رزقكم الله قال الذين
كفروا للذين آمنوا أنطعم من لو يشاء الله أطعمه إن أنتم إلا
في ضلال مبين ۝ ويقولون متى هذا الوعد إن كنتم صادقين
ما ينظرون إلا صيحة واحدة تأخذهم وهم يخصمون ۝ فلا يستطيعون
توصية ولا إلى أهلهم يرجعون ۝ ونفخ في الصور فإذا هم من
الأجداث إلى ربهم ينسلون ۝ قالوا يا ويلنا من بعثنا من مرقدنا
هذا ما وعد الرحمن وصدق المرسلون ۝ إن كانت إلا صيحة واحدة
فإذا هم جميع لدينا محضرون ۝ فاليوم لا تظلم نفس شيئا ولا تجزون
إلا ما كنتم تعملون ۝ إن أصحاب الجنة اليوم في شغل فاكهون

هم وأزواجهم في ظلال على الأرائك متكئون ۝ لهم فيها فاكهة

ولهم ما يدعون ۝ سلام قولا من رب رحيم ۝ وامتازوا اليوم أيها

المجرمون ۝ ألم أعهد إليكم يا بني آدم أن لا تعبدوا الشيطان

إنه لكم عدو مبين ۝ وأن اعبدوني هذا صراط مستقيم ۝

ولقد أضل منكم جبلا كثيرا أفلم تكونوا تعقلون ۝ هذه جهنم

التي كنتم توعدون ۝ اصلوها اليوم بما كنتم تكفرون ۝ اليوم

نختم على أفواههم وتكلمنا أيديهم وتشهد أرجلهم بما

كانوا يكسبون ۝ ولو نشاء لطمسنا على أعينهم فاستبقوا

الصراط فأنى يبصرون ۝ ولو نشاء لمسخناهم على مكانتهم فما

استطاعوا مضيا ولا يرجعون ۝ ومن نعمره ننكسه في الخلق

أفلا يعقلون ۝ وما علمناه الشعر وما ينبغي له إن هو إلا ذكر

وقرآن مبين ۝ لينذر من كان حيا ويحق القول على الكافرين ۝ أولم

يروا أنا خلقنا لهم مما عملت أيدينا أنعاما فهم لها مالكون ۝

وذللناها لهم فمنها ركوبهم ومنها يأكلون ۝ ولهم فيها منافع

ومشارب أفلا يشكرون ۝ واتخذوا من دون الله آلهة لعلهم

ينصرون ۝ لا يستطيعون نصرهم وهم لهم جند محضرون ۝ فلا

يحزنك قولهم إنا نعلم ما يسرون وما يعلنون ۝ أولم ير الإنسان

أنا خلقناه من نطفة فإذا هو خصيم مبين ۝ وضرب لنا

مثلا ونسي خلقه قال من يحيي العظام وهي رميم ۝ قل يحييها

الذي أنشأها أول مرة وهو بكل خلق عليم ۝ الذي جعل لكم

من الشجر الأخضر نارا فإذا أنتم منه توقدون ۝ أوليس الذي

خلق السموات والأرض بقادر على أن يخلق مثلهم بلى وهو

الخلاق العليم ۝ إنما أمره إذا أراد شيئا أن يقول له كن فيكون ۝
آن آفریدگار آسان آفرین دانا فرمان او آنست که چون خواهد چیزی که گوید باش می بود

فسبحان الذي بيده ملكوت كل شيء وإليه ترجعون ۝
پاکی و بی عیبی آنکس که بدست اوست پادشاهی همه چیزها و با او باز گردیده خواهید شد

سورة والصافات مائة واثنان وثمانون آية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشاینده مهربان

والصافات صفا ۝ فالزاجرات زجرا ۝ فالتاليات ذكرا ۝
بحق فرشتگان صف کشنده صف کشیدنی پس خوانندگان وحی خدای

إن إلهكم لواحد ۝ رب السماوات والأرض وما بينهما ورب
که خداوند شما یکی است خداوند آسمانهاست و زمین و آنچه میان آسمان و زمینست و پروردگار

المشارق ۝ إنا زينا السماء الدنيا بزينة الكواكب ۝ وحفظا
مشرقها آفتاب بدرستی که ما بیاراستیم آسمان دنیا بآرایش ستارگان آن ستارگان نگاه داشت کردیم

من كل شيطان مارد ۝ لا يسمعون إلى الملإ الأعلى ويقذفون
از هر دیوی ستنبه شوخ نمی شنوند بآن گروهان زبرین و می اندازند

من كل جانب ۝ دحورا ولهم عذاب واصب ۝ إلا من خطف
از هر سوی براندن ایشانرا و ایشانراست عذابی پیوست مگر که دیوی دزدد

الخطفة فأتبعه شهاب ثاقب ۝ فاستفتهم أهم أشد خلقا
سخنی را اندر زمان فرسته در پی نشیند شاخی آتش درفشان سوزان پرس از ایشان که ایشان سخت ترند بر آفریدگار در آفرینش

أم من خلقنا إنا خلقناهم من طين لازب ۝ بل عجبت ويسخرون ۝
یا آنکه ما آفریدیم از بنود بیافریدیم ایشانرا از خاکی که او را بیافریدیم از بنود شگفت می آید ترا و افسوس می دارند

وإذا ذكروا لا يذكرون ۝ وإذا رأوا آية يستسخرون ۝ وقالوا
و چون پند دهند ایشانرا پند نپذیرند و اگر ببینند نشانی یکدیگر را بر سخریت میخوانند و گفتند

إن هذا إلا سحر مبين ۝ أإذا متنا وكنا ترابا وعظاما أإنا
این نیست مگر جادویی آشکارا باشی ما آنکه که هلاک گردیم خاک و استخوان یا ما

لمبعوثون ۝ أوآباؤنا الأولون ۝ قل نعم وأنتم داخرون ۝ فإنما هي
برانگیختنی ایم یا پدران پیشینان بگو آری و شما درمانده و کم آمده چون بود جز یک

زجرة واحدة فإذا هم ينظرون ۝ وقالوا يا ويلنا هذا يوم الدين ۝
یک راندن بود که ایشان زنده میشوند می نگرند و میگویند هلاک بر ما و تعجب که این روز شمار و پاداش

هذا يوم الفصل الذي كنتم به تكذبون ۝ احشروا الذين
این روز جدا کردنست آن روز که شما بدروغ میداشتند برانگیزانید ایشانرا

ظلموا وأزواجهم وما كانوا يعبدون ۝ من دون الله فاهدوهم
که ستم کردند و جفتان ایشان و هرچه می پرستیدند از غیر خدای و راه دهید ایشانرا

إلى صراط الجحيم ۝ وقفوهم إنهم مسؤولون ۝ ما لكم
بسوی راه دوزخ باز دارید ایشانرا که ایشانرا پرسیدنی اند چه بوده است شمارا

لا تناصرون ۝ بل هم اليوم مستسلمون ۝ وأقبل بعضهم على بعض
که یکدیگر را یاری نمیدهند بلکه ایشان امروز خویشتن را افکنده و فرا داده روی فرا روی کنند و یکدیگر گویند

يتساءلون ۝ قالوا إنكم كنتم تأتوننا عن اليمين ۝ قالوا بل لم
گروهی که این جست که با هم گویند در آمدید که شما بودید در آمدید از سوی دست راست گویند بلکه شما

تكونوا مؤمنين ۝ وما كان لنا عليكم من سلطان بل كنتم قوما
خود نگرویدید و نبود مارا بر شما هیچ دست رسی بلکه بودید شما گروهی

طاغين ۝ فحق علينا قول ربنا إنا لذائقون ۝ فأغويناكم إنا كنا
از اندازه درگذرنده درست شد بر ما سخن خداوند ما که ما هر دو گروه چشنده عذابیم پس گمراه کردیم شمارا که ما خود بودیم

غاوين ۝ فانهم يومئذ في العذاب مشتركون ۝ انا كذلك نفعل
بالمجرمين ۝ انهم كانوا اذا قيل لهم لا اله الا الله يستكبرون
ويقولون ائنا لتاركوا آلهتنا لشاعر مجنون ۝ بل جاء بالحق
وصدق المرسلين ۝ انكم لذائقوا العذاب الاليم ۝ وما تجزون
الا ما كنتم تعملون ۝ الا عباد الله المخلصين ۝ اولئك لهم
رزق معلوم ۝ فواكه وهم مكرمون ۝ في جنات النعيم
على سرر متقابلين ۝ يطاف عليهم بكاس من معين ۝ بيضاء
لذة للشاربين ۝ لا فيها غول ولا هم عنها ينزفون ۝ وعندهم
قاصرات الطرف عين ۝ كانهن بيض مكنون ۝ فاقبل بعضهم
على بعض يتساءلون ۝ قال قائل منهم اني كان لي قرين ۝ يقول
ائنك لمن المصدقين ۝ ائذا متنا وكنا ترابا وعظاما ائنا

لمدينون ۝ قال هل انتم مطلعون ۝ فاطلع فرآه في سواء الجحيم
قال تالله ان كدت لتردين ۝ ولولا نعمة ربي لكنت من المحضرين
افما نحن بميتين ۝ الا موتتنا الاولى وما نحن بمعذبين ۝ ان
هذا لهو الفوز العظيم ۝ لمثل هذا فليعمل العاملون ۝
اذلك خير نزلا ام شجرة الزقوم ۝ انا جعلناها فتنة للظالمين
انها شجرة تخرج في اصل الجحيم ۝ طلعها كانه رؤوس الشياطين
فانهم لآكلون منها فمالئون منها البطون ۝ ثم ان لهم عليها
لشوبا من حميم ۝ ثم ان مرجعهم لالى الجحيم ۝ انهم الفوا
آباءهم ضالين ۝ فهم على آثارهم يهرعون ۝ ولقد ضل قبلهم
اكثر الاولين ۝ ولقد ارسلنا فيهم منذرين ۝ فانظر كيف
كان عاقبة المنذرين ۝ الا عباد الله المخلصين ۝ ولقد نادانا

نوح فلنعم المجيبون ونجيناه واهله من الكرب العظيم
نوح ای نیک پاسخ کنندگان که ما بودیم و برهانیدیم اورا و قوم اورا از اندوه بزرگ
وجعلنا ذريته هم الباقين وتركنا عليه في الآخرين سلام
وکردیم نژاد او را جهان و جهان داران وگذاشتیم برو در پسینیان درود
على نوح في العالمين انا كذلك نجزي المحسنين انه من عبادنا
بر نوح در جهانیان ما چنانچ پاداش نیکوکارانرا بدرستی که او از بندگان
المؤمنين ثم اغرقنا الآخرين وان من شيعته لابراهيم اذ جاء
گرویدگان ما بود پس بآب هلاک کردیم دیگرانرا واز هم دینان نوح ابرهیم است چون آمد
ربه بقلب سليم اذ قال لابيه وقومه ماذا تعبدون أئفكا
خدای خویش بدلی رسته از گمان چون گفت پدر خویش را و گروه او چه چیز می پرستید بدروغ
آلهة دون الله تريدون فما ظنكم برب العالمين فنظر نظرة
خدایان جز از خدا میخواهید و چه ظن میبرید شما به پروردگار عالمیان بنگریست نگرستنی
في النجوم فقال اني سقيم فتولوا عنه مدبرين فراغ الى آلهتهم
در ستارگان پس گفت من بیمار خواهم شد برگشتند ازو و پشت برو کردند پنهان با خدایان ایشان گفت
فقال الا تأكلون ما لكم لا تنطقون فراغ عليهم ضربا باليمين
گفت چیزی بخورید چرا شما سخن نگویید پنهان گشت بر ایشان بزخم بسو کند که داشت
فأقبلوا اليه يزفون قال اتعبدون ما تنحتون والله خلقكم
راست کرد آنرا روی دادند باو و در شدند دو گفت ابرهیم می پرستید آنچه می تراشید و خدا هم شمارا آورد
وما تعملون قالوا ابنوا له بنيانا فألقوه في الجحيم فارادوا به
و هم آنچه شما میکنید گفتند بنای کنید اورا و افکنید اورا در دوزخ خواستند ابرهیم را
كيدا فجعلناهم الاسفلين وقال اني ذاهب الى ربي سيهدين
دستان خشنی و ما ایشانرا زیر آوردیم وگفت ابرهیم من میروم بخداوند خویش که او خود راه نماید مرا

رب هب لي من الصالحين فبشرناه بغلام حليم فلما بلغ معه
خداوند من مرا پسری ده از صالحان نیکان بشارت دادیم اورا به پسری زیرک چون پسر رسید و با آنجا آمد
السعي قال يا بني اني ارى في المنام اني اذبحك فانظر ماذا
کر باید کار تو گفت ای پسر من من می بینم در خواب میبر ما بیند که گلو باز برم ترا بنگر که در دل خویش چه
ترى قال يا ابت افعل ما تؤمر ستجدني ان شاء الله من الصابرين
بینی گفت ای پدر بکن آنچه ترا میفرمایند یابی مرا اگر خواهد اگر خواهد خدا از شکیبایان
فلما اسلما وتله للجبين وناديناه ان يا ابراهيم قد صدقت
چون هر دو تن بدادند و بر پیشانی او را بر زمین زد آواز دادیم اورا که ای ابرهیم راست کردی
الرؤيا انا كذلك نجزي المحسنين ان هذا لهو البلاء المبين
خواب را بدرستی که ما همچنین پاداش دهیم نیکوکارانرا اینست آن آزمایش آشکارا
وفديناه بذبح عظيم وتركنا عليه في الآخرين سلام على ابراهيم
و فدا دادیم اورا بکشتنی بزرگوار بدرفته وگذاشتیم برو درود پسینان که میگویند درود بر ابرهیم
كذلك نجزي المحسنين انه من عبادنا المؤمنين وبشرناه
همچنین پاداش کنیم نیکوکارانرا که او از بندگان ما بود گرویدگان و بشارت دادیم اورا
باسحق نبيا من الصالحين وباركنا عليه وعلى اسحق ومن ذريتهما
باسحق پیغمبری از نیکان و برکت کردیم برو و بر اسحق و از فرزندان ایشان
محسن وظالم لنفسه مبين ولقد مننا على موسى وهرون ونجيناهما
نیکوکار و ستم کار بر تن خود آشکارا و بدرستی که ما منت نهادیم بر موسی و هارون و برهانیدیم ایشانرا
وقومهما من الكرب العظيم ونصرناهم فكانوا هم الغالبين
و گروه ایشانرا از اندوهی بزرگ و دوست گرفتیم ایشانرا تا ایشان برآمدند و دشمن شکستند
وآتيناهما الكتاب المستبين وهديناهما الصراط المستقيم
و دادیم ایشانرا نامه راستی و درستی راستی پیدا و راه نمودیم ایشانرا راه راست

وتركنا عليهما في الآخرين ۝ سلام على موسى وهرون ۝ انا كذلك

ولذاشتیم برایشان در پسینیان جهانیان درود بر موسی وهارون ما همچنین

نجزي المحسنين ۝ انهما من عبادنا المؤمنين ۝ وان الياس لمن

پاداش کنیم نیکوکاران را بدرستی که ایشان از بندگان ما گرویدگان بودند بدرستی که الیاس از

المرسلين ۝ اذ قال لقومه الا تتقون ۝ اتدعون بعلا وتذرون

فرستادگان ما بود چون گفت گروه خودرا پرهیزید بعل را خدا خوانید وبگذارید

احسن الخالقين ۝ الله ربكم ورب آبائكم الاولين ۝ فكذبوه

نیکوتر آفرینندگان خدا پروردگار شماست وخدای پدران شما پیشینیان دروغ زن کردند اورا

فانهم لمحضرون ۝ الا عباد الله المخلصين ۝ وتركنا عليه

پس ایشان حاضر کردگان اند مگر بندگان خدا پاک دلان وگذاشتیم برو

في الآخرين ۝ سلام على الياسين ۝ انا كذلك نجزي المحسنين ۝

در پسینیان درود بر الیاس ما همچنین پاداش کنیم نیکوکاران را

انه من عبادنا المؤمنين ۝ وان لوطا لمن المرسلين ۝ اذ نجيناه

که از بندگان گرویدگان ما بود وبدرستی که لوط از فرستادگان ما بود چون برهانیدیم او

واهله اجمعين ۝ الا عجوزا في الغابرين ۝ ثم دمرنا الآخرين ۝ وانكم

وکسان اورا همه مگر پیرزنی در باز ماندگان پس دمار برآوردیم از دیگران وشما

لتمرون عليهم مصبحين ۝ وبالليل افلا تعقلون ۝ وان يونس

میروید برایشان روز وبشب در نمی یابید ویونس

لمن المرسلين ۝ اذ ابق الى الفلك المشحون ۝ فساهم فكان من

از فرستادگان بود چون بگریخت بسوی کشتی گران بار تیر انداخت وقرعه زد باز

المدحضين ۝ فالتقمه الحوت وهو مليم ۝ فلولا انه كان

بروی افتاد پس فرو برد اورا ماهی و اورا گناه بود اگر نه آن بودی که او بودی

من المسبحين ۝ للبث في بطنه الى يوم يبعثون ۝ فنبذناه بالعراء

از ستایندگان میبود در شکم ماهی تا روز قیامت پس بینداختیم اورا بصحرا هامون

وهو سقيم ۝ وانبتنا عليه شجرة من يقطين ۝ وارسلناه الى مائة

واو بیمار ورویانیدیم بروی درختی از کدو وبفرستادیم اورا با صد

الف او يزيدون ۝ فامنوا فمتعناهم الى حين ۝ فاستفتهم

هزار مردم وبیش از آن پس بگرویدند برخورداری دادیم ایشان را تا آنگه که اجلها در رسید پس بپرس از ایشان

الربك البنات ولهم البنون ۝ ام خلقنا الملائكة اناثا

آیا خداوند ترا دختران وایشان را پسران یا آفریدیم ما فرشتگان را دختران

وهم شاهدون ۝ الا انهم من افكهم ليقولون ۝ ولد الله وانهم

وایشان حاضر بودند آگاه باشید که از دروغ زنی ایشانست که میگویند فرزند زاد خدای وایشان

لكاذبون ۝ اصطفى البنات على البنين ۝ ما لكم كيف

دروغ زنانند برگزید دختران بر پسران چه بودست شمارا چگونه

تحكمون ۝ افلا تذكرون ۝ ام لكم سلطان مبين ۝ فاتوا

حکم میکنید در نیابید وپند نپذیرید یا شمارا حجتی روشن هست پس بیاورید

بكتابكم ان كنتم صادقين ۝ وجعلوا بينه وبين الجنة نسبا

نامه شما اگر راست میگوئید وگردانیدند میان خدا ومیان فرشتگان نسبی

ولقد علمت الجنة انهم لمحضرون ۝ سبحان الله عما يصفون ۝

وبدانسته اند پریان که پرستارگان ایشان آتشی اند پاک ومنزه است خدا از آن صفت که میگویند

الا عباد الله المخلصين ۝ فانكم وما تعبدون ۝ ما انتم عليه بفاتنين

مگر بندگان خدا پاک دلان شما وآنچه می پرستید نیستید براه کننده کسی را برو که الا

الا من هو صال الجحيم ۝ وما منا الا له مقام معلوم ۝ وانا

مگر کسی که او خود بآتش می اندازد ونیست ما را مگر مقامی دانسته وما

لنحن الصافون ۝ وانا لنحن المسبحون ۝ وان كانوا ليقولون ۝ لو ان
ما قطار دارانیم و ما تسبیح کنانیم و هیچ نبود که می گفتند اگر بودی

عندنا ذكرا من الاولين ۝ لكنا عباد الله المخلصين ۝ فكفروا به فسوف
نزد ما نامه و یادی از قصهای پیشینیان مر آینه بودمانی بندگان خدا پاک دلان پس کافر شدند بان نامه آری

يعلمون ۝ ولقد سبقت كلمتنا لعبادنا المرسلين ۝ انهم لهم
آگاه شوند پیش شد سخنان ما مر بندگان فرستادگان کر ایشان آنند که

المنصورون ۝ وان جندنا لهم الغالبون ۝ فتول عنهم حتى حين ۝
یاری دادگان من اند و سپاه ما ایشانند که برآیند روی گردان از ایشان تا هنگامی

وابصرهم فسوف يبصرون ۝ افبعذابنا يستعجلون ۝ فاذا نزل
و ببین ایشان را زود باشد که بخواهند دید عذاب ما می شتابند اگر فرو آید عذاب

بساحتهم فساء صباح المنذرين ۝ وتول عنهم حتى حين
بر سراهای ایشان بد بامداد آگاه کردگان روی بگردان از ایشان تا یک چندی

وابصر فسوف يبصرون ۝ سبحان ربك رب العزة عما
و می نگر تا بینی که ایشان چه رو بینند پاکست و بی عیب پروردگار تو خداوند بی همتا از آن

يصفون ۝ وسلام على المرسلين ۝ والحمد لله رب العالمين ۝
صفت که دشمنان کنند و درود بر فرستادگان و ستایش خدای را پروردگار جهانیان

سورة ص ثمان وثمانون آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشنده مهربان

ص والقرآن ذي الذكر ۝ بل الذين كفروا في عزة وشقاق ۝ كم اهلكنا
[illegible] بان قرآن و با شرف و بیان که در حمیت و ستیزند و برگشتن از راه صواب و چند هلاک کردیم

من قبلهم من قرن فنادوا ولات حين مناص ۝ وعجبوا ان جاءهم
پیش از ایشان از گروه گروه بانگ در گرفتند چون آمد بایشان عذاب پاسخ و شگفت داشتند که آمد بایشان

منذر منهم وقال الكافرون هذا ساحر كذاب ۝ اجعل
بیم کننده از میان ایشان گفتند کافران این ساحرست دروغ زن آورد

الالهة الها واحدا ان هذا لشيء عجاب ۝ وانطلق الملا منهم
خدایان ما همه با یک خدا این چیز سخت عجب است رفتند مهتران ایشان

ان امشوا واصبروا على الهتكم ان هذا لشيء يراد ۝ ما سمعنا
بانکه بگوید روید و بشکیبید با خدایان خود درستی که این چیزی است که بما میخواهند نشنیدند

بهذا في الملة الاخرة ان هذا الا اختلاق ۝ ءانزل عليه الذكر
این سخن در کیش پسین که ترسایان دارند نیست این مگر دروغی فرا ساخته وو فرستاد بر وی یاد

من بيننا بل هم في شك من ذكري بل لما يذوقوا عذاب ۝ ام عندهم
از میان ما بلکه ایشان در گمان اند از سخن من دروغ نیست که ایشان نچشیده اند عذاب من یا نزد ایشانست

خزائن رحمة ربك العزيز الوهاب ۝ ام لهم ملك السموات
خزینها بخشایش خداوند تو بی همتا فراخ بخش یا ایشانراست پادشاهی آسمانها

والارض وما بينهما فليرتقوا في الاسباب ۝ جند ما هنالك
و زمین و آنچه میان ایشانست بر آیند در درها آسمان این سپاه که آنجا اند هم سپاهی اند

مهزوم من الاحزاب ۝ كذبت قبلهم قوم نوح وعاد وفرعون
چون سپاهها دشمنان پیغمبران دروغ زن گرفتند از پیش ایشان گروه نوح نوح را و عاد هود را و فرعون

ذو الاوتاد ۝ وثمود وقوم لوط واصحاب الايكة اولئك الاحزاب
آن گشنده میخ دروغ گرفت موسی را و گروه لوط لوط را و اصحاب ایکه شعیب را این اند سپاهها دشمنان

ان كل الا كذب الرسل فحق عقاب ۝ وما ينظر هؤلاء الا
نبود از ایشان کس الا که دروغ زن گرفت پیغمبران پس سزا شد عقوبت گشتند نمی نگرند ایشان مگر

صيحة واحدة ما لها من فواق ۝ وقالوا ربنا عجل لنا قطنا قبل
یک بانگ که از آن هیچ برآسودن نه گفتند پروردگار ما بشتاب ما را بهرهٔ پیش
يوم الحساب ۝ اصبر على ما يقولون واذكر عبدنا داود ذا الأيد
از روز شمار صبر کن ای محمد بر آنچه میگویند و یاد کن بندهٔ ما داود خداوند قوت
انه اواب ۝ انا سخرنا الجبال معه يسبحن بالعشي والاشراق
در پرستکاری با به درستی که ما مسخر کردیم کوهها با داود که می ستایند وا شبانگاه و چاشتگاه
والطير محشورة كل له اواب ۝ وشددنا ملكه وآتيناه الحكمة
و مرغان فراهم آورده همه خدا را ستاینده و فرمان برنده قوی کردیم ملک او را و دادیم او را دانش
وفصل الخطاب ۝ وهل اتاك نبؤا الخصم اذ تسوروا المحراب
وگشادن و برگزاردن سخن و هیچ آمد بتو خبر آن خصمان آن هنگام که بر آن کوشک شدند
اذ دخلوا على داود ففزع منهم قالوا لا تخف خصمان بغى بعضنا
چون در شدند بر داود و بیم زده داود از ایشان گفتند مترس دو تن ایم با یکدیگر داوری افزونی میجوید یکی
على بعض فاحكم بيننا بالحق ولا تشطط واهدنا الى سواء الصراط
بر یکی پس داوری کن میان ما براستی و در حکم بیداد مکن و راه نمای ما را راه راست
ان هذا اخي له تسع وتسعون نعجة ولي نعجة واحدة فقال اكفلنيها
این برادری است او را نود و نه میش است مرا یک میش تنها و میگوید آن یکی بعد نصیب من گردان
وعزني في الخطاب ۝ قال لقد ظلمك بسؤال نعجتك الى نعاجه
و غلبه کرد با من در سخن گفتن گفت داود که ستم کرد بر تو بخواستن میش تو که تا با میشان وی بهم بود
وان كثيرا من الخلطاء ليبغي بعضهم على بعض الا الذين آمنوا وعملوا
و فراوانی از انباران افزونی میجویند بعضی از ایشان بر بعضی مگر آنانی که بگرویدند و کردند
الصالحات وقليل ما هم وظن داود انما فتناه فاستغفر ربه
کارهای نیکو و ایشان اندکی اند و بدانست داود که ما بیازمودیم او را آمرزش خواست از خداوند خویش

وخر راكعا واناب ۝ فغفرنا له ذلك وان له عندنا لزلفى وحسن
و سجود کرد و بدل و آهنگ باز گشت پس بیامرزیدیم او را آنگاه و او راست نزد ما نزدیکی و نیکوی
مآب ۝ يا داود انا جعلناك خليفة في الارض فاحكم بين الناس
بازگشتنگاه گفتیم ای داود ما کردیم ترا خلیفه و پس رو خویش در زمین داوری کن میان مردمان
بالحق ولا تتبع الهوى فيضلك عن سبيل الله ان الذين يضلون
براستی و پی رو دل مباش که گمراه کند ترا از راه خدا به درستی آنان که گمراه گشتند
عن سبيل الله لهم عذاب شديد بما نسوا يوم الحساب ۝ وما خلقنا
از راه خدای ایشان راست عذابی سخت بانچه فراموش کردند روز شمار و نیافریدیم ما
السماء والارض وما بينهما باطلا ذلك ظن الذين كفروا فويل
آسمان و زمین و آنچه میان آنست بباطل آن پندار ناگرویدگان است پس وای
للذين كفروا من النار ۝ ام نجعل الذين آمنوا وعملوا الصالحات
آنکسانی که کافر شدند از آتش دوزخ یا کنیم ما گرویدگان و نیکوکاران
كالمفسدين في الارض ام نجعل المتقين كالفجار ۝ كتاب انزلناه
همچون گزافکاران در زمین یا کنیم پرهیزکاران را چون بدکاران نامه ایست که فرو فرستادیم
اليك مبارك ليدبروا آياته وليتذكر اولوا الالباب ۝ ووهبنا
بتو برکت کرده در آن تا در پی آن میروند و تا پند گیرند زیرکان و بخشیدیم
لداود سليمان نعم العبد انه اواب ۝ اذ عرض عليه بالعشي الصافنات
داود را سلیمان نیک بنده ایست بدرستی که او مر ستاینده بود نیکو چون عرض کردند برو بعد از روز آن اسپان
الجياد ۝ فقال اني احببت حب الخير عن ذكر ربي حتى توارت
نیکو و خیر این جهان پس گفت بدرستی که من دوست گرفتم دوستی مال بر یاد خداوند خویش تا آنکه آفتاب در پرده مغرب
بالحجاب ۝ ردوها علي فطفق مسحا بالسوق والاعناق ۝ ولقد
نزدیک آمد که فرو شدی باز گردانیدی آن اسپان بر من در ایستاد در بریدن پایها و گردنهای اسپان بدرستی

فتنا سليمن والقينا على كرسيه جسدا ثم اناب ۝ قال رب

بیازمودیم سلیمان را و افکندیم بر کرسی او کالبدی انگه سلیمان باز گشت گفت خداوند من

۝ اغفر لي وهب لي ملكا لا ينبغي لاحد من بعدي انك انت الوهاب

بیامرز مرا و ببخش مرا پادشاهی که نسزد کسی را از پس من که تو خداوند فراخ بخشی

فسخرنا له الريح تجري بامره رخاء حيث اصاب ۝ والشياطين

پس نرم کردیم او را باد تا میرود بفرمان او آهسته و نرم هرکجا که او خواهد و فرمان بردار کردیم او را دیوان

كل بناء وغواص ۝ واخرين مقرنين في الاصفاد ۝ هذا عطاؤنا

هر دا ورای و گوهر جوی و دیگران در بندها استوار کرده این پادشاهی بخشش است از ما

۝ فامنن او امسك بغير حساب ۝ وان له عندنا لزلفى وحسن ماب

پس منت نه بر که خواهی یا باز دار عطای خود بی شماری و او را نزد ما قربت بقبول طاعت و نیکویی بازگشت

واذكر عبدنا ايوب اذ نادى ربه انى مسنى الشيطان بنصب

و یاد کن بنده ما ایوب چون بخواند پروردگار خود که بمن رساند دیو رنجوری

وعذاب ۝ اركض برجلك هذا مغتسل بارد وشراب ۝ ووهبنا

و عذاب جبرئیل گفت او را بر زمین بزن پای این یک آب خویشتن شوی بوست وان دیگر آشامه بود آبی سرد و بخشیدیم

۝ له اهله ومثلهم معهم رحمة منا وذكرى لاولى الالباب

او را کسان او و همچندان با ایشان بخشایشی از ما و یادگاری زیرکان این امت را

وخذ بيدك ضغثا فاضرب به ولا تحنث انا وجدناه صابرا نعم

و گفتیم او را که بدست خود دسته خاشاک پس بزن ازن را بآن و سوگند خویش را تباه مکن ما یافتیم او را شکیبا نیک

العبد انه اواب ۝ واذكر عبادنا ابرهيم واسحق ويعقوب اولى

بنده که او توبه است یاد کن بندگان ما ابرهیم و اسحق و یعقوب کسان

که او توبه کننده بود

الايدي والابصار ۝ انا اخلصناهم بخالصة ذكرى الدار ۝ وانهم

با دست کارها و باریک بین بدرستی که ما صافی کردیم ایشان را صافی کردنی با نیتی بود یاد نیکو بود و ایشان

عندنا لمن المصطفين الاخيار ۝ واذكر اسمعيل واليسع وذا الكفل

نزد ما از گزیدگان اند و بهینان تند و یاد کن اسمعیل و یسع و ذا الکفل

۝ وكل من الاخيار ۝ هذا ذكر وان للمتقين لحسن ماب

و هر یک از گزیدگان بودند اینست یاد کرد ایشان و پرهیزکاران را نیکویی بازگشتگاه است

جنات عدن مفتحة لهم الابواب ۝ متكئين فيها يدعون فيها

بهشتها همیشه گشاده ایشان را درها تکیه کنندگان در آن میخواهند اینجا

بفاكهة كثيرة وشراب ۝ وعندهم قاصرات الطرف اتراب ۝ هذا

بمیوها بسیار و شرابها فراوان و نزد ایشان باشد کنیزکان فرو داشته چشمان از جز شوهران خویش این است

ما توعدون ليوم الحساب ۝ ان هذا لرزقنا ما له من نفاد ۝ هذا

که وعده میداده اند شما را روز شمار این روزی ماست نیست آنرا بسر آمدنی اینست آنچه بهشتیان را باشد

وان للطاغين لشر ماب ۝ جهنم يصلونها فبئس المهاد ۝ هذا

و بدرستی که نابکاران را بد بازگشتن گاهی است جهنم دوزخ که در شوند بآن بد جای و آسایش گاهی اینست

فليذوقوه حميم وغساق ۝ واخر من شكله ازواج ۝ هذا فوج

باید چشند آب جوشیده و خونابه که از گوشت و پوست دوزخیان میرود از جنس آن عذابها بسیار این گروه

مقتحم معكم لا مرحبا بهم انهم صالوا النار ۝ قالوا بل انتم

در آینده گان اند با شما در دوزخ هیچ مرحبا مباد ایشان را بدرستی که ایشان در آتش در آینده گان اند گویند بلکه شما

لا مرحبا بكم انتم قدمتموه لنا فبئس القرار ۝ قالوا ربنا من قدم

مرحبا باد شما را شما و پیش فرا فرستادید ما را بد آرام گاهی که این است گویند خداوند ما آنکس که پیش فرستاد

لنا هذا فزده عذابا ضعفا في النار ۝ وقالوا ما لنا لا نرى رجالا

ما را بیفزا او را عذابی زیاده در آتش گویند چه رسید ما را نمی بینیم مردانی

۝ كنا نعدهم من الاشرار ۝ اتخذناهم سخريا ام زاغت عنهم الابصار

که ما می شمردیم ایشان را در جهان از بتر بتان می داشتیم ایشان را دست خوش یا امروز نمی آید بر ایشان چشمها

إن ذلك لحق تخاصم أهل النار ۝ قل إنما أنا منذر وما من إله

این جه شمارا گفتیم راستست خصومت کردن اهل دوزخ بکدیکر را بگو من بیم کننده ام ونیست هیچ خدای

إلا الله الواحد القهار ۝ رب السموات والأرض وما بينهما

جز خدا یکتا قهر کننده خداوند آسمانها وزمین وآنچه میان هر دوست

العزيز الغفار ۝ قل هو نبأ عظيم ۝ أنتم عنه معرضون ۝ ما كان

غالب آمرزکار بگو آن خبریست بزرکست شما ازاو روی کردانیده اید نبود

لي من علم بالملإ الأعلى إذ يختصمون ۝ إن يوحى إلي إلا أنما أنا

مرا از دانش بازجوک برترین که با یکدیگر خصومت میکنند بمن پیغام نیست مگر آنکه هستم من

نذير مبين ۝ إذ قال ربك للملائكة إني خالق بشرا من

آگاه کننده بازنماینده که گفت خداوند تو فرشتگان را من خواهم آفرید مردمی از

طين ۝ فإذا سويته ونفخت فيه من روحي فقعوا له ساجدين

گل چون راست کردم وی را ودر دمیدم از جان خویش بروی افتید اورا روی افتادگان

فسجد الملائكة كلهم أجمعون ۝ إلا إبليس استكبر وكان

بروی افتادند فرشتگان همه بهم مگر ابلیس که گردن کشی کرد وبود

من الكافرين ۝ قال يا إبليس ما منعك أن تسجد لما خلقت بيدي

از ناگرویدگان گفت خدا ای ابلیس چه بازداشت ترا که سجود نکردی چیزی را که بیافریدم بدست خویش

أستكبرت أم كنت من العالين ۝ قال أنا خير منه خلقتني

باش گردن کشیدی یا برتر جستی وخود را از برتران دیدی ابلیس گفت من به ازاوام آفریدی مرا

من نار وخلقته من طين ۝ قال فاخرج منها فإنك رجيم ۝

از آتش وآفریدی اورا از گل گفت خدا بیرون شو از آسمان که تو رانده

وإن عليك لعنتي إلى يوم الدين ۝ قال رب فأنظرني إلى يوم

و بر تو نفرین من تا روز شمار گفت خداوند من پس وا درنگ ده تا آن روز

يبعثون ۝ قال فإنك من المنظرين ۝ إلى يوم الوقت المعلوم ۝ قال

که ایشان را برانگیزانند خدا گفت تو از درنگ دادگانی تا روز معلوم روزی که هنگام آن دانسته است ابلیس گفت

فبعزتك لأغوينهم أجمعين ۝ إلا عبادك منهم المخلصين ۝

بعزت تو که ایشان را بی راه کنم همه مگر بندگان تو از ایشان پاک دلان

قال فالحق والحق أقول ۝ لأملأن جهنم منك وممن تبعك منهم

گفت خدا براستی براستی ناچار بهرحال پر کنم دوزخ از تو وازهر که در پی تو رود از ایشان

أجمعين ۝ قل ما أسألكم عليه من أجر وما أنا من المتكلفين ۝

همه بگو مزدی نمیخواهم بر این پیغام رسانیدن مزدی ونیستم من از تکلف کنندگان

إن هو إلا ذكر للعالمين ۝ ولتعلمن نبأه بعد حين

نیست این مگر یادی جهانیان را وبدانید خبر این پس هنگامی

سورة الزمر خمس وثمانون آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشنده مهربان

تنزيل الكتاب من الله العزيز الحكيم ۝ إنا أنزلنا إليك الكتاب

فرو فرستادن این نامه از خدای توانا داناست براستی که ما فرو فرستادیم بتو نامه

بالحق فاعبد الله مخلصا له الدين ۝ ألا لله الدين الخالص والذين اتخذوا

براستی بندگی کن خدارا با خلاص که اوراست دین آگاه که خداراست سزای پرستش پاک از انباز گرفتن وآنکسانی که فرا گرفتند

من دونه أولياء ما نعبدهم إلا ليقربونا إلى الله زلفى إن الله يحكم

از غیر خدا خدایان نمی پرستیم ایشان را مگر نزدیک کنند مارا با خدا نزدیکی بدرستی که خدا حکم کند

بينهم في ما هم فيه يختلفون ۝ إن الله لا يهدي من هو كاذب كفار

میان ایشان در آنچه ایشان در آن خلاف میکنند بدرستی که خدا راه ننماید آنکس که او دروغ گوست ناسپاس

لو اراد الله ان يتخذ ولدا لاصطفى مما يخلق ما يشاء سبحانه هو
اگر خواستی خدای که فرا گیرد فرزندی خود گزیدی از آنچه می آفریند آنچه خواستی پاکی و بی عیبی وی راست او

الله الواحد القهار ۝ خلق السموات والارض بالحق يكور الليل
خدا یکتا، فرو شکسته بیافرید آسمانها و زمین براستی برمی پیچد شب

على النهار ويكور النهار على الليل وسخر الشمس والقمر كل يجري
بر روز و برمی پیچد روز بر شب وروان گرد آفتاب و ماه هر یک میروند

لاجل مسمى الا هو العزيز الغفار ۝ خلقكم من نفس واحدة
هنگامی را نام زد کرده آگاه باشید که اوست توانا آمرزگار بیافرید شما را از یک تن

ثم جعل منها زوجها وانزل لكم من الانعام ثمانية ازواج
پس بیافرید از آن یکتن جفت او و فرو فرستاد شما را از چهارپایان هشت می آفریند جفت

يخلقكم في بطون امهاتكم خلقا من بعد خلق في ظلمات ثلث
می آفریند شما را در شکمهای مادران شما آفرینش از پس آفرینش در تاریکی سه

ذلكم الله ربكم له الملك لا اله الا هو فانى تصرفون ۝ ان تكفروا
اینکس که میکند خداست پروردگار شما او راست پادشاهی نیست خدائی جز او چون میگردانید شما را از راه راست اگر همه کافر شوند

فان الله غني عنكم ولا يرضى لعباده الكفر وان تشكروا يرضه
بدرستی که خدای بی نیاز است از شما و نپسندد بندگان خویش را کفر و اگر سپاس داری کنید بپسندد آن شما را

لكم ولا تزر وازرة وزر اخرى ثم الى ربكم مرجعكم فينبئكم
شما را و نکند هیچ بارکشی بار کسی دیگر پس با خداوند شماست بازگشت شما تا خبر کند شما را

بما كنتم تعملون انه عليم بذات الصدور ۝ واذا مس الانسان ضر
بآنچه میکردید او داناست بهر چه در دلهاست و آنگه که رسد بمردم گزندی

دعا ربه منيبا اليه ثم اذا خوله نعمة منه نسي ما كان يدعوا
خواند خداوند خویش را بازگشته باوی پس آنگه که او را داد نعمتی از و فراموش کرد آنچه بود خواند

اليه من قبل وجعل لله اندادا ليضل عن سبيله قل تمتع بكفرك
با او از پیش و گفت خدا را همتایان تا گم کند خویشتن را از راه بگو روزگار بکفر خود

قليلا انك من اصحاب النار ۝ امن هو قانت اناء الليل ساجدا
اندک که تو از اهل دوزخی آنکس که او ایستاده باشد در پاسهای شب گاه روی بر زمین نهاده

وقائما يحذر الاخرة ويرجوا رحمة ربه قل هل يستوي الذين يعلمون
و گاه ایستاده و بپرهیزد از آخرت و امید میدارد بخشایش خداوند خود بگو هرگز یک باشند ایشان که دانند

والذين لا يعلمون انما يتذكر اولوا الالباب ۝ قل يا عباد
و ایشان که نه دانند ایشان پند پذیرند که خرد دارند بگو ای بندگان من

الذين امنوا اتقوا ربكم للذين احسنوا في هذه الدنيا حسنة
که گرویده اید بپرهیزید از خشم خداوند خود ایشان راست که نیکوئی کردند در این جهان نیکوئی

وارض الله واسعة انما يوفى الصابرون اجرهم بغير حساب ۝
و زمین خدا فراخ است جز این نیست که بسپارند شکیبایان مزد ایشان بی شمار

قل اني امرت ان اعبد الله مخلصا له الدين وامرت لان اكون
بگو مرا فرمودند که پرستم خدا را پاک دارنده او را پرستش و فرمودند مرا که باشم

اول المسلمين ۝ قل اني اخاف ان عصيت ربي عذاب يوم
از کسی از گردن نهادگان بگو بدرستی که من میترسم اگر سر کشم از خداوند خویش از عذاب روز

عظيم قل الله اعبد مخلصا له ديني ۝ فاعبدوا ما شئتم من دونه
بزرگ بگو خدا را پرستم پاک دارنده او را پرستش خویش می پرستید هرچه خواهند فرود از او

قل ان الخاسرين الذين خسروا انفسهم واهليهم يوم القيمة
بگو زیانکاران ایشانند که درمانند از خویشتن و از کسان خویشتن روز قیامت

الا ذلك هو الخسران المبين ۝ لهم من فوقهم ظلل من النار
آگاه باشید که این زیانکاری آشکار است از زبر ایشان طبقها از آتش

وَمِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ذٰلِكَ يُخَوِّفُ اللّٰهُ بِهِ عِبَادَهُ يَا عِبَادِ فَاتَّقُونِ
و از زیر ایشان طبقها از آتش اینست که میترساند خدا بان بندگان خویشرا ای بندگان من پرهیزید از خشم من

وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللّٰهِ لَهُمُ
و ایشان دوری نمایند از بتان که پرستند آنرا و بازگشتند به بندگی خدا ایشانراست

الْبُشْرَىٰ فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ
مژدگانی پس بشارت ده بندگان من آنانی که می شنوند سخن که پی میبرند به نیکوتران

أُولٰئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللّٰهُ وَأُولٰئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ أَفَمَنْ
آنند ایشان که راه نمود ایشانرا خدا و ایشانند که زیرکان اند کسی

حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ أَفَأَنْتَ تُنْقِذُ مَنْ فِي النَّارِ لٰكِنِ
که درست گشت برو وعید خدا بسزاء عذاب گشت باشد تو ای که بیرون آری آنکس که در آتش است لیکن

الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِنْ فَوْقِهَا غُرَفٌ مَبْنِيَّةٌ تَجْرِي
آنان که پرهیزیدند از خشم خدای خود ایشانراست کوشکها از زبر آن کوشکها بجست زرین آورده میرود

مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَعْدَ اللّٰهِ لَا يُخْلِفُ اللّٰهُ الْمِيعَادَ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللّٰهَ
از زیر درختان آن جویها وعدهٔ خداست خلاف نکند خدا وعدهٔ خویشرا نیکوی نبینی که خدا

أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا
فرو فرستاد از آسمان آبی براند آنرا چشمها در زمین پس بیرون آرد بآن کشت زاری

مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا إِنَّ فِي
جدا جدا رنگهای آن پس خشک شود بینی آنرا زرد گشته انگه کند آنرا خرد ریزه ریزه در

ذٰلِكَ لَذِكْرَىٰ لِأُولِي الْأَلْبَابِ أَفَمَنْ شَرَحَ اللّٰهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ
آنچه گفتیم یادگردی است خردمندانرا کسی که بگشاد خدا دل وی را گردن نهادن را

فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ مِنْ رَبِّهِ فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللّٰهِ
او بر روشنائیست از خداوند خویش عذاب سخت دلانرا از یاد خدا

290

أُولٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ اللّٰهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا
ایشان در گمراهی آشکاراند خدا فرو فرستاد نیکو سخنی نامهٔ هموار

مُتَشَابِهًا مَثَانِيَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ
مانند یکدیگر بلرزد و بخیزد از آن پوست ایشان که میترسند از خداوند خویش انگه

تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللّٰهِ ذٰلِكَ هُدَى اللّٰهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ
نرم گرداند پوستهاء ایشان و دلهاء ایشان با یاد خدا این راه نمونی خدا راه می نماید بآن آنکس

يَشَاءُ وَمَنْ يُضْلِلِ اللّٰهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ أَفَمَنْ يَتَّقِي بِوَجْهِهِ سُوءَ
که خواهد و هر که بی راه گرد خدا او را راه نمای نیست آنکس که می پرهیزد بروی خود از آتش

الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَقِيلَ لِلظَّالِمِينَ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ
آتش روز رستاخیز و گویند ستمکارانرا بچشید آنچه گردید

كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَأَتَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ
دروغ زن گرفتند پیغمبران را ایشان که پیش از تو بودند تا بایشان آمد عذاب از آنجا که ندانستند

فَأَذَاقَهُمُ اللّٰهُ الْخِزْيَ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ
بچشانید ایشانرا خدا خواری در زندگانی این جهان و عذاب آن جهان بزرگتر

لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هٰذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ
اگر نیک بدانید مثل زدیم ما مردمانرا در این قرآن از هرسانی

لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ
تا مگر پند پذیرند قرآنی تازی بی هیچ کژی تا مگر از عذاب من پرهیزند

ضَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ
مثل زد خدا مردی غلام در و انبازان باشند بایکدیگر تنک خوی و نابسازکار و مردی غلام رسته از انبازان یک خواجه را

هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا الْحَمْدُ لِلّٰهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ
هر دو یکسان باشند هر دو صفت ستایش نیکو خدایرا بلکه بیشتر ایشان نمیدانند تو مرده روزی و ایشان

مَيِّتُونَ ۝ ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ عِنْدَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ ۝ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ

مرده اند روزی پس شما روز قیامت نزد خداوند شما خصمیها خواهید کرد پس کیست ستمکارتر از آنکس که دروغ

عَلَى اللّٰهِ وَكَذَّبَ بِالصِّدْقِ إِذْ جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِلْكٰفِرِينَ ۝

بر خدا و دروغ شمرد راستی که با او آید نیست پسنده در دوزخ جایگاهی مر کافرانرا

وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولٰئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ۝ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ

و آنکس که آورد راستی و راست داشت بود آن زان ایشان پرهیزنده ایشانراست آنچه خواهند

عِنْدَ رَبِّهِمْ ذٰلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ ۝ لِيُكَفِّرَ اللّٰهُ عَنْهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي

نزد خدای ایشان آن پاداش نیکوکارانست تا بسترد خدای از ایشان بترکار که

عَمِلُوا وَيَجْزِيَهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ أَلَيْسَ اللّٰهُ

کردند و پاداش دهد ایشانرا بمزد ایشان نیکوتر کاری که همی کردند پسنده نیست خدا

بِكَافٍ عَبْدَهُ وَيُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِنْ دُونِهِ وَمَنْ يُضْلِلِ اللّٰهُ فَمَا لَهُ

بنده کان خویش را بداد است و می ترسانند ترا بآن پرستیدگان جز خدا و هر که بی راه کرد خدا او را

مِنْ هَادٍ ۝ وَمَنْ يَهْدِ اللّٰهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُضِلٍّ أَلَيْسَ اللّٰهُ بِعَزِيزٍ ذِي انْتِقَامٍ ۝

رهنمای نیست و هر که راه نمود خدا او را بی راه کننده نیست که خدا توانا است کین ستان

وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللّٰهُ قُلْ

و اگر پرسیدیشان که آفرید آسمانها و زمین هر آینه گویند خدا بگو

أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللّٰهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ

خبر دهید آنچه پرستید جز از خدا اگر بخواهد خدا گزندی ایشان

كٰشِفٰتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكٰتُ رَحْمَتِهِ قُلْ حَسْبِيَ

بازبرنده اند گزند او را یا بخواهد بمن بخشایشی ایشان باز گیرنده بخشایش او را بگو بسنده است

اللّٰهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ ۝ قُلْ يٰقَوْمِ اعْمَلُوا عَلٰى مَكَانَتِكُمْ إِنِّي

مرا خدای بر او پشت بازکنند کارسازان بگوی ای گروه بکنید بر آنچه [illegible] من

عَامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ۝ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ

کننده ام زود باشد که بدانید آید با و عذابی که رسوا کند او را و فرود آید بر آنکس عذابی

مُقِيمٌ ۝ إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتٰبَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنِ اهْتَدٰى

دایم ما فرو فرستادیم بر تو نامه مردم را براستی هر آنکس که براه راست رود

فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ ۝

خویشتن را رود و آنکس که بیراه گردد و گمراهی بر [illegible] نه تو برایشان کارسازنده

اللّٰهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي

خداست که میراند مردمان را بهنگام مرگ و هر کس که نمرده بود در خواب خویش میمیراند و میدارد آنرا

قَضٰى عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرٰى إِلٰى أَجَلٍ مُسَمًّى إِنَّ فِي ذٰلِكَ

که قضا کرده بر و مرگ و باز میفرستد تن آن دیگر تا هنگامی نام زد کرده هر آینه در این

لَآيٰتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۝ أَمِ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللّٰهِ شُفَعَاءَ قُلْ أَوَلَوْ

نشانهاست گروهی که در اندیشند مگر فرا گرفتند جز خدا شفیعان بگو

كَانُوا لَا يَمْلِكُونَ شَيْئًا وَلَا يَعْقِلُونَ ۝ قُلْ لِلّٰهِ الشَّفٰعَةُ جَمِيعًا لَهُ

باشند پادشاه چیزی را و در نیابند بگو خدای راست شفاعت همه او راست

مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۝ وَإِذَا ذُكِرَ اللّٰهُ وَحْدَهُ

پادشاهی آسمانها و زمین پس باوست بازگشتن شما و چون یاد کنند خدا بیکبارگی

اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَإِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ

برمد دلها آنانی که نگروند بآن سرای و چون یاد کنند آنان را که جز او اند

إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ۝ قُلِ اللّٰهُمَّ فَاطِرَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ عٰلِمَ الْغَيْبِ

ایشان شاد شوند بگو خدا کردگار آسمانها و زمین دانا نهان

وَالشَّهٰدَةِ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِي مَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۝

و آشکار تو [illegible] داوری کنی میان بندگان خویش در آنچه بودند مخالف همی شدند

ولو ان للذين ظلموا ما في الارض جميعا ومثله معه لافتدوا به
واگر ایشان را بودی که کافر شدند آنچه در زمین است جمله و همچندان با آن خویشتن را باز خریدندی با آن

من سوء العذاب يوم القيامة وبدا لهم من الله ما لم يكونوا يحتسبون
از بد عذاب روز قیامت و پدید آید ایشان را از خدا که نبود پنداری ایشان

وبدا لهم سيئات ما كسبوا وحاق بهم ما كانوا به يستهزءون
و پدید آید ایشان را بدیها آنچه کردند و فرو آید بایشان آنچه بدان می خندیدند

فاذا مس الانسان ضر دعانا ثم اذا خولناه نعمة منا قال انما اوتيته
چون رسد بمردم گزندی پس چون بخشیم او را نیکویی از ما گوید این دادند

على علم بل هي فتنة ولكن اكثرهم لا يعلمون قد قالها الذين من
بر دانش من نه چنانست که آن آزمایش او را دادند ولکن بیشتر ایشان نمیدانند بدرستی که این سخن چون سخن ایشان نیست

قبلهم فما اغنى عنهم ما كانوا يكسبون فاصابهم سيئات
که پیش از ایشان بود هیچ سود نداشت از ایشان آنچه میکردند برسید بایشان بدیها

ما كسبوا والذين ظلموا من هؤلاء سيصيبهم سيئات ما كسبوا
آنچه کردند و ایشان که کافر شدند از ین بر رسد بایشان بدیها آنچه میکردند

وما هم بمعجزين اولم يعلموا ان الله يبسط الرزق لمن يشاء ويقدر
و ایشان پیش در نشوند ای نمیدانند که خدا میگستراند روزی را آنکس را که خواهد و باندازه فرو میگذارد

ان في ذلك لايات لقوم يؤمنون قل يا عبادي الذين اسرفوا على
در آن نشانها روشنست گروهی را که بگروند بگوای بندگان من آنکسانی که گزاف کاری کردند بر

انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله ان الله يغفر الذنوب جميعا
تنهاء خود ناامید مشوید از رحمت خدا بدرستی که خدا بیامرزد گناهان همه

انه هو الغفور الرحيم وانيبوا الى ربكم واسلموا له من قبل ان
بدرستی که او آمرزنده است مهربان بازگردید با خداوند خویش و گردن نهید او را پیش از آن که

يأتيكم العذاب ثم لا تنصرون واتبعوا احسن ما انزل اليكم
بیاید بشما عذاب و انگه یاری نرسد شما را از کس پی برید نیکوتر آنچه فرو فرستاد بشما

من ربكم من قبل ان يأتيكم العذاب بغتة وانتم لا تشعرون
از خداوند شما پیش از آنکه آید بشما عذاب ناگاه و شما ندانید

ان تقول نفس يا حسرتى على ما فرطت في جنب الله وان كنت لمن
گوید هر تنی را دریغا بدان سستی که کردیم در کار خدا و بودم من که

الساخرين او تقول لو ان الله هداني لكنت من المتقين او تقول
از افسوس گران یا پیش از آن گوید اگر خدا راه نمودی مرا بودمی از پرهیزکاران یا گوید

حين ترى العذاب لو ان لي كرة فاكون من المحسنين بلى قد
آنگه بیند عذاب اگر مرا بازگشتی بودی بودمی از نیکوکاران نه حسرتست بدرستی

جاءتك اياتي فكذبت بها واستكبرت وكنت من الكافرين
که آمد بتو نشانهاء من پس بدروغ داشتی آن و گردن کشی کردی و بودی از کافران

ويوم القيامة ترى الذين كذبوا على الله وجوههم مسودة اليس في
و روز رستاخیز بینی آنکسانی که دروغ گفتند بر خدا رویهاء ایشان سیاه باشد آیا نیست در

جهنم مثوى للمتكبرين وينجي الله الذين اتقوا بمفازتهم
دوزخ جایگاهی بسزا گردن کشان را و برهاند خدا آنانی که پرهیز کردند از آن بازگشتن

لا يمسهم السوء ولا هم يحزنون الله خالق كل شيء وهو على كل شيء
نرسد بایشان بد و ایشان اندوهگین نشوند خدا آفریننده همه چیزست و او بر همه چیز

وكيل له مقاليد السماوات والارض والذين كفروا بايات الله
کارسازنست او راست کلیدهاء آسمانها و زمین و آنانی که کافر شدند با نشانهاء خدا

اولئك هم الخاسرون قل افغير الله تامروني اعبد ايها الجاهلون
ایشانند زیانکاران بگو بجز از خدا میفرمایی مرا که پرستم ای نادانان

ولقد اوحي اليك والى الذين من قبلك لئن اشركت ليحبطن

و پیغام داده‌اند مرا و پیغمبران پیش از تو آنان که بودند پیش از تو اگر انباز گیری هر آینه باطل گردد

عملك ولتكونن من الخاسرين ۝ بل الله فاعبد وكن من الشاكرين

عمل تو و باشی از زیان کاران ور نه خدا پرست و باش از شاکران

وما قدروا الله حق قدره والارض جميعا قبضته يوم القيامة

و ندانستند خدا را سزای دانستن وی و زمین جمله بدست گرفته اوست روز رستاخیز

والسماوات مطويات بيمينه سبحانه وتعالى عما يشركون ۝

و آسمانها در نوردیده در دست راست او پاکی وی عیبی او راست و بعلو برتری از آنچه انباز میگیرند

ونفخ في الصور فصعق من في السماوات ومن في الارض الا من شاء

و در دمند در صور پس مرده شود آنکس که در آسمانها باشد و آنکس که در زمین باشد مگر آنکه خواسته باشد

الله ثم نفخ فيه اخرى فاذا هم قيام ينظرون ۝ واشرقت الارض

خدا پس در دمند در صور دیگر بار پس آنگه ایشان زنده بر پای شوند همی نگرند روشن شود زمین

بنور ربها ووضع الكتاب وجيء بالنبيين والشهداء وقضي

بنور خداوند او و بنهند کتاب کردارها و حاضر گردانند پیغمبران و گواهان و برگزارند کار

بينهم بالحق وهم لا يظلمون ۝ ووفيت كل نفس ما عملت وهو

میان ایشان براستی و از هیچکس چیزی نکاهند و تمام بگزارند پاداش هر تنی با آنچه کرد و خدا

اعلم بما يفعلون ۝ وسيق الذين كفروا الى جهنم زمرا حتى اذا

داناترست بآنچه میکنند و برانند آنکسانی که شرک آوردند بسوی دوزخ گروه گروه تا آنکه

جاءوها فتحت ابوابها وقال لهم خزنتها الم يأتكم رسل

آیند پس بگشایند درهای دوزخ و گویند ایشانرا عذاب یاران نیامدند بشما پیغمبران

منكم يتلون عليكم آيات ربكم وينذرونكم لقاء يومكم هذا

از شما که میخواندند بر شما سخن خداوند شما و بیم میکردند از دیدار این روز

قالوا بلى ولكن حقت كلمة العذاب على الكافرين ۝ قيل ادخلوا

گفتند آری و لیکن واجب گشت سخن خدا که اهل عذاب اند بر ناگرویدگان گویند در روید

ابواب جهنم خالدين فيها فبئس مثوى المتكبرين ۝ وسيق

از درهای دوزخ همیشه دران بد جایست گردن کشانرا و برانند

الذين اتقوا ربهم الى الجنة زمرا حتى اذا جاءوها وفتحت

آنانی که پرهیز کردند از عذاب خداوند خود بسوی بهشت گروه گروه تا آنکه که آیند به بهشت بگشایند

ابوابها وقال لهم خزنتها سلام عليكم طبتم فادخلوها خالدين ۝

درها بهشت گویند ایشانرا از بهشت بانان درود بر شما باد پاک گشتید در آیید درین سرای جاودان

وقالوا الحمد لله الذي صدقنا وعده واورثنا الارض نتبوأ من الجنة

و گویند سپاس خدا را آن خدایی که راست کرد وعده خود و میراث داد ما را زمین بهشت جای میکنیم از بهشت

حيث نشاء فنعم اجر العاملين ۝ وترى الملائكة حافين من حول

هرکجا خواهیم نیکو مزدیست کارکنندگان را و بینی فرشتگان گرد درآیندگان پیرامن

العرش يسبحون بحمد ربهم وقضي بينهم بالحق وقيل الحمد لله رب العالمين ۝

عرش می‌ستایند بشکر خداوند خود و حکم کنند میان ایشان براستی و گویند ستایش نیکو پروردگار جهانیانرا

سورة المؤمن خمس وثمانون آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

حم ۝ تنزيل الكتاب من الله العزيز العليم ۝ غافر الذنب وقابل

بحکم من فرو فرستادن این نامه از خداست این توانا دانا آمرزنده گناه و پذیرنده

التوب شديد العقاب ذي الطول لا اله الا هو اليه المصير ۝

توبه سخت عقوبة بابی نیازی و نیکوکاری نیست خدا جز او باوست بازگشت

مَا يُجَادِلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَغْرُرْكَ تَقَلُّبُهُمْ فِي الْبِلَادِ

خصومت نکند در آیتهای خدای مگر آنانی که کافر شدند فریفته مکناد ترا گشتن ایشان در شهرها

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَالْأَحْزَابُ مِنْ بَعْدِهِمْ وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ

دروغ زن گرفت پیش ازیشان گروه نوح نوح را و سپاهها از پس ایشان و قصد کردند هر گروهی ازیشان بپیغامبر خویش

لِيَأْخُذُوهُ وَجَادَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ

تا او را بگیرند و پیکار کردند بدروغ خویش تا تباه کنند بآن سخن حق فرا گرفتم ایشان را چگونه

كَانَ عِقَابِ ● وَكَذَٰلِكَ حَقَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ

بود گرفتن من بعقوبت و همچنین درست شد سخن پروردگار تو بر کسانی که کافر شدند که ایشان اهل

النَّارِ ● الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ

آتش اند آنانی که برداشته اند عرش را و آنکس پیرامن عرش میگردند تسبیح میکنند بستایش پروردگار خویش و بگرویده اند

بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا

بوی و آمرزش میخواهند آنکسانی را که بگرویدند میگویند خداوند ما رسیده است بهر چیزی بخشایش و دانش

فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ●

بیامرز کسانی را که بازگشتند از شرک و بر پی راه تو رفتند و نگه دار ایشان را از عذاب دوزخ

رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ

ای پروردگار ما در آور ایشان را بهشتها همیشه آنکه وعده دادی ایشان را و آنکس نیک کار شد از پدران ایشان

وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ● وَقِهِمُ

و جفتان ایشان و فرزندان ایشان که تو خداوند توانا دانایی و باز دار ازیشان

السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذَٰلِكَ هُوَ

بدیها آنجهان و آنکس که باز داشتی از و بدیها آن روز بخشودی بر وی و آنست آن

الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ● إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنَادَوْنَ لَمَقْتُ اللَّهِ أَكْبَرُ

فیروزی بزرگ هر آینه آنکسانی که کافر شدند آواز دهند که دشمنی خدا شما را در دنیا بزرگتر

مِنْ مَقْتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى الْإِيمَانِ فَتَكْفُرُونَ ● قَالُوا

از دشمنی شما امروز خویشتن را چون بخواندند شما را بسوی ایمان پس کافر شدند گویند

رَبَّنَا أَمَتَّنَا اثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا

خداوند ما بمیرانیدی ما را دو بار و زنده گردانیدی ما را دو بار اقرار کردیم بگناهان خویش

فَهَلْ إِلَىٰ خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ ● ذَٰلِكُمْ بِأَنَّهُ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ كَفَرْتُمْ وَإِنْ

هیچ بیرون آمدنست و هیچ راهی هست این شما را آن بود که میخواندند خدا را یکتا کافر شدید و اگر

يُشْرَكْ بِهِ تُؤْمِنُوا فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ ● هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ آيَاتِهِ وَيُنَزِّلُ

انباز میکردند باو باز میگرویدید و حکم کردن خدای راست برتر بزرگوار او است آن خدای می نماید شما را نشانها و فرو میفرستد

لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ رِزْقًا وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَنْ يُنِيبُ ● فَادْعُوا اللَّهَ

شما را از آسمان روزی و پند نپذیرد مگر آنکه دل با من دارد بخوانید خدا را

مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ● رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ

بدلی پاک که او راست فرمان برداری خویش اگرچه کراهت دارند کافران بردارنده پایها خداوند عرش

يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ لِيُنْذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ

می افکند وحی از فرمان خود بر آنکس که خواهد از بندگان خود تا بیم کند روز رستاخیز

يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ لَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ

آن روز که آشکارا باشند ایشان چشمها پوشیده نشود بر خدا از ایشان چیزی کراست پادشاهی امروز خدای راست

الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ ● الْيَوْمَ تُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ إِنَّ اللَّهَ

یکتا فرو شکننده امروز جزا دهند هر تنی را بآنچه کرد ستم نیست امروز بدرستی که خدا

سَرِيعُ الْحِسَابِ ● وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْآزِفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ

زود حسابست و بیم کن ایشان را روز قیامت چون دلها بر گلوها آید

كَاظِمِينَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ ● يَعْلَمُ خَائِنَةَ

خشم فرو خورندگان نیست ستمکاران را از دوستی و نه شفاعت کننده سخن او کار بندند میداند خیانتها

الأعين وما تخفي الصدور ۝ والله يقضي بالحق والذين يدعون

چشمها و آنچه پنهان کند سینها و خدا حکم میکند براستی و آنانی که میخوانند

من دونه لا يقضون بشيء إن الله هو السميع البصير ۝ أولم يسيروا

جز او نکنند هیچ کار و هیچ نگذارند درستی که خدا اوست شنوا بینا نروند

في الأرض فينظروا كيف كان عاقبة الذين كانوا من قبلهم

در زمین پس بنگرند که چگونه بود سرانجام آنانی که بودند از پیش ایشان

كانوا هم أشد منهم قوة وآثارا في الأرض فأخذهم الله بذنوبهم

که بودند ایشان سخت تر از ایشان بنیروی و نشانها در زمین پس گرفت ایشانرا خدا بگناهان ایشان

وما كان لهم من الله من واق ۝ ذلك بأنهم كانت تأتيهم رسلهم

و نبود ایشانرا از خدا هیچ بازپوشیده آن بآن بود که بیامد بایشان پیغمبران

بالبينات فكفروا فأخذهم الله إنه قوي شديد العقاب ۝ ولقد

بحجتها روشن پس کافر شدند پس بگرفت ایشانرا خدا درستی که او نیرومند سخت عقوبة بدرستی

أرسلنا موسى بآياتنا وسلطان مبين ۝ إلى فرعون وهامان

که بفرستادیم موسی بنشانها و حجتی آشکارا بسوی فرعون وهامان

وقارون فقالوا ساحر كذاب ۝ فلما جاءهم بالحق من عندنا قالوا

و قارون پس گفتند جادو هست دروغ زن چون بیامد بایشان موسی به تمام راستی از پیش ما گفتند

اقتلوا أبناء الذين آمنوا معه واستحيوا نساءهم وما كيد

بکشید پسران آنانی که ایمان آوردند با موسی و زنده گذارید دختران ایشان و نبود کید

الكافرين إلا في ضلال ۝ وقال فرعون ذروني أقتل موسى وليدع

کافران مگر در بیراهی گفت فرعون بگذاری مرا تا بکشم موسی را و تا بخواند

ربه إني أخاف أن يبدل دينكم أو أن يظهر في الأرض الفساد

خدای خویش من میترسم که بگرداند کیش شما یا آنکه بدید آید در زمین مصر تباهی

وقال موسى إني عذت بربي وربكم من كل متكبر لا يؤمن

و گفت موسی من پناه میگیرم بخداوند من و خداوند شما از هر گردن کشی که ایمان ندارد

بيوم الحساب ۝ وقال رجل مؤمن من آل فرعون يكتم إيمانه أتقتلون

بروز حساب و گفت مردی مومن از آل فرعون که پنهان میداشت ایمان خود میکشید

رجلا أن يقول ربي الله وقد جاءكم بالبينات من ربكم وإن يك

مردی که میگوید خدای من خداست بدرستی که آورد بشما نشانها از پروردگار شما اگر

كاذبا فعليه كذبه وإن يك صادقا يصبكم بعض الذي يعدكم

دروغ میگوید او را دروغ زیان دارد و اگر راست میگوید برسد بشما بعضی از آنچه وعده میدهد شمارا

إن الله لا يهدي من هو مسرف كذاب ۝ يا قوم لكم الملك اليوم

بدرستی که خدا راه ننماید آنکس که او گزاف کار و دروغ زن باشد ای گروه شماراست پادشاهی امروز

ظاهرين في الأرض فمن ينصرنا من بأس الله إن جاءنا قال فرعون ما

غالب گشته در زمین مصر پس کیست که یاری دهد مارا از سختی گرفتن خدا اگر آید با گفت فرعون نه

أريكم إلا ما أرى وما أهديكم إلا سبيل الرشاد ۝ وقال الذي

نمایم شمارا مگر آنچه صواب بینم و راه ننمایم شمارا مگر براه راست گفت آنکسی

آمن يا قوم إني أخاف عليكم مثل يوم الأحزاب ۝ مثل دأب

که ایمان آورد من میترسم بر شما از روزی چون روزها سپاهها چون روز

قوم نوح وعاد وثمود والذين من بعدهم وما الله يريد ظلما للعباد

گروه نوح و گروه عاد و ثمود صالح و آنانی که از پس ایشان بودند نیست خدا بیداد خواهنده مر بندگانرا

ويا قوم إني أخاف عليكم يوم التناد ۝ يوم تولون مدبرين ما لكم

ای گروه من میترسم بر شما در روزی که خوانند یکدیگررا روزی برمیگردانند پشتها نیست مر شمارا

من الله من عاصم ومن يضلل الله فما له من هاد ۝ ولقد جاءكم

از خدا نگاه دارنده و آنکس که بی راه کرد خدا او را نیست او را ره نماینده بدرستی که بیامد بشما

يوسف من قبل بالبينات فما زلتم في شك مما جاءكم به حتى اذا
یوسف از پیش به پیغامهاء روشن همیشه در گمان بودید ازانچه آورد بشما او تا آنکه
هلك قلتم لن يبعث الله من بعده رسولا كذلك يضل الله من
بمرد گفتید برانگیزاند خدای از پس او فرستاده همچنین بی راه کند خدا آنکس
هو مسرف مرتاب الذين يجادلون في آيات الله بغير سلطان اتاهم
که او گزاف کار بود بگمان آنانی که خصومت کنند در آیتهاء خدا بی حجتی که آمد بایشان
كبر مقتا عند الله وعند الذين آمنوا كذلك يطبع الله على كل قلب
بزرگست سخطی نزد خدا و نزد آنانی که ایمان آوردند همچنین مهر کند خدا بر دل هر دل
متكبر جبار وقال فرعون يا هامان ابن لي صرحا لعلي ابلغ الاسباب
گردن کشی مکار گفت فرعون ای هامان بنا کن مرا کوشکی مگر برسم بدرها
اسباب السموات فاطلع الى اله موسى واني لاظنه كاذبا وكذلك
درها آسمان تا دیدار افتد مرا با خدای موسی و من گمان میبرم که دروغ میگوید همچنین
زين لفرعون سوء عمله وصد عن السبيل وما كيد فرعون الا في تباب
آراسته شد فرعون را بدی عمل و گردانیده شد از راه راست و نبود بد سگالیدن فرعون مگر در هلاکت
وقال الذي آمن يا قوم اتبعون اهدكم سبيل الرشاد يا قوم انما
و گفت آنکس که ایمان آورد ای گروه پیروی کنید مرا تا بنمایم شما را راه راست ای گروه نیست
هذه الحيوة الدنيا متاع وان الآخرة هي دار القرار من عمل سيئة
این زندگانی دنیا مگر برخورداری ناپاینده و آنجهان سرای قرار و پاینده است آنکس که کرد بد
فلا يجزى الا مثلها ومن عمل صالحا من ذكر او انثى وهو مؤمن
جزا نیابد مگر مانند آن و آنکس که کار نیک کند از مرد و زن و او گرویده باشد
فاولئك يدخلون الجنة يرزقون فيها بغير حساب ويا قوم ما لي
ایشانرا درآورند در بهشت روزی میدهند ایشانرا در آن بی شمار ای گروه این چیست

ادعوكم الى النجوة وتدعونني الى النار تدعونني لاكفر بالله
که میخوانم شما را بسوی رستگاری و شما میخوانید مرا با دوزخ میخوانید مرا تا کافر شوم بخدا
واشرك به ما ليس لي به علم وانا ادعوكم الى العزيز الغفار لا جرم
و شرک آورم با او که من او را انباز ندانم و من میخوانم شما را بسوی توانای آمرزگاری ناچار
انما تدعونني اليه ليس له دعوة في الدنيا ولا في الآخرة وان مردنا
آنکه میخوانید مرا با وی نیست او را خواندنی در دنیا و نه در آخرة و بازگشت ما
الى الله وان المسرفين هم اصحاب النار فستذكرون ما اقول
با خدای است و گزاف کاران ایشان اهل دوزخ اند آری یاد کنید اسکای آنچه میگویم
لكم وافوض امري الى الله ان الله بصير بالعباد فوقيه الله
شما را و گذاشتم کار خویش با خدا بدرستی که خدا بیناست به بندگان باز داشت ازو خدا
سيئات ما مكروا وحاق بآل فرعون سوء العذاب النار يعرضون
بدیها آنچه ساختند از سازند و فرو آمد بال فرعون بد عذاب آتشیست که عرضه کنند
عليها غدوا وعشيا ويوم تقوم الساعة ادخلوا آل فرعون
بران بامداد و شبانگاه و آنروز که برپای شود قیامت گویند در شوید ای فرعون و کسان او
اشد العذاب واذ يتحاجون في النار فيقول الضعفاء للذين
در سخت تر عذاب و آنگه پیکار کنند در آتش گویند زیردستان مر
استكبروا انا كنا لكم تبعا فهل انتم مغنون عنا نصيبا من
گردن کشان را بدرستی که ما بودیم شما را پی رو هیچ توانید که بکار آیید که از ما باز دارید بعضی از
النار قال الذين استكبروا انا كل فيها ان الله قد حكم بين
آتش گویند آنانی که گردن کشی کردند بدرستی که ما همه در آتشیم بدرستی که خدا حکم کرد میان
العباد وقال الذين في النار لخزنة جهنم ادعوا ربكم يخفف
بندگان و گویند آنانی که در آتش اند خازنان دوزخ را بخوانید خداوند خویش تا سبک کند

عنا يوما من العذاب ۝ قالوا اولم تك تاتيكم رسلكم بالبينات
از ما روزی از عذاب گویند ای نیاید بشما پیغمبر شما با سخنهای روشن

قالوا بلى قالوا فادعوا وما دعاء الكافرين الا في ضلال ۝ انا
گفتند آری گفتند بخوانید و نیست خواندن کافران مگر در گمراهی بدرستی که ما

لننصر رسلنا والذين امنوا في الحيوة الدنيا ويوم يقوم الاشهاد ۝
یاری میدهیم پیغمبرانرا و آنانی که بگرویدند در زندگانی دنیا و روزی که برخیزند برای گواهان

يوم لا ينفع الظالمين معذرتهم ولهم اللعنة ولهم سوء الدار ۝
روزی که سودمند نباشد ستمکارانرا عذر آوردن ایشان و ایشانراست نفرین و ایشانراست بد سرای

ولقد اتينا موسى الهدى واورثنا بني اسرائيل الكتاب ۝ هدى
و بدرستی که بدادیم موسی نامه را شناختن و بمیراث فرزندان یعقوب را توریة راه نمون

وذكرى لاولي الالباب ۝ فاصبر ان وعد الله حق واستغفر لذنبك
و یادی خداوندان خرد را شکیبایی کن که وعده خدا راستست و آمرزش خواه گناه خویشرا

وسبح بحمد ربك بالعشي والابكار ۝ ان الذين يجادلون في
و بستای بستایش نیکو خداوند خودرا شبانگاهان و بامدادان انانی که پیکار کردند در

ايات الله بغير سلطان اتيهم ان في صدورهم الا كبر ما هم
آیتهای خدا بی حجتی که بایشان آمد نیست در سینه ایشان مگر مرادی بزرگ که هرگز

ببالغيه فاستعذ بالله انه هو السميع البصير ۝ لخلق السموات
بان نرسند پناه گیر بخدا که او شنوا و بیناست آفرینش آسمان

والارض اكبر من خلق الناس ولكن اكثر الناس لا يعلمون ۝
و زمین بزرگترست از آفرینش مردمان ولکن بیشتر مردمان نمیدانند

وما يستوي الاعمى والبصير ۝ والذين امنوا وعملوا الصالحات ولا
و نیست یکسان نابینا و بینا و آنان که ایمان آوردند و کردند کارهای نیک یکسان نباشند

المسيء قليلا ما تتذكرون ۝ ان الساعة لاتية لا ريب فيها
گروندگان و بدکاران اندکی باشد که پند پذیرند بدرستی که قیامت آینده است نیست هیچ شک در آن

ولكن اكثر الناس لا يؤمنون ۝ وقال ربكم ادعوني استجب لكم
و لکن بیشتر مردمان نمیگروند گفت پروردگار شما بخوانید مرا تا پاسخ کنم شمارا

ان الذين يستكبرون عن عبادتي سيدخلون جهنم داخرين ۝
بدرستی انانی که گردنکشی کردند از بندگان من زود باشد که درآورند ایشانرا در دوزخ بیچاره و خوار

الله الذي جعل لكم الليل لتسكنوا فيه والنهار مبصرا ان الله
خدا آن خداست که آفرید شمارا شب تا بیارامید در او و روز آفرید تا ببینید در و بدرستی که خدا

لذو فضل على الناس ولكن اكثر الناس لا يشكرون ۝ ذلكم الله
خداوند افزونیست بر مردم ولکن بیشتر مردم سپاسداری نمیکنند آن خداست

ربكم خالق كل شيء لا اله الا هو فانى تؤفكون ۝ كذلك يؤفك
خداوند شما آفریدگار هر چیز نیست خدا جز او شمارا چون برمیگردانند همچنین برمیگردانیدند

الذين كانوا بايات الله يجحدون ۝ الله الذي جعل لكم الارض
آنانی که بودند بایتهای خدا منکر خدا آن خداست که بیافرید شمارا زمین

قرارا والسماء بناء وصوركم فاحسن صوركم ورزقكم من
قرارگاه و آسمانرا سقفی و بنگاشت شمارا و نیکو بنگاشت و روزی داد شمارا از

الطيبات ذلكم الله ربكم فتبارك الله رب العالمين ۝ هو الحي
پاکیها آن خداست خدای شما که آن گردجون پاک و برتر خدای جهانیان اوست زنده پاینده

لا اله الا هو فادعوه مخلصين له الدين الحمد لله رب العالمين ۝
نیست هیچ خدایی جز او بخوانید اورا بدلی پاک اوراست پرستش و کردار سپاس خدایرا خداوند جهانیان

قل اني نهيت ان اعبد الذين تدعون من دون الله لما جاءني
بگو مرا باز زده اند که پرستم آنانی که ایشانرا خدایان خوانی بجز خدای آنگه آمد بمن

البينات من ربي وأمرت أن أسلم لرب العالمين ● هو الذي
پیغام از خداوند من و مرا فرمودند تا گردن نهم خداوند جهانیانرا او آن خدایست

خلقكم من تراب ثم من نطفة ثم من علقة ثم يخرجكم طفلا
که آفرید شمارا از خاک پس از آبی پس از خون بسته پس برون کند شمارا کوچک

ثم لتبلغوا أشدكم ثم لتكونوا شيوخا ومنكم من يتوفى من قبل
پس تا رسیدی بروز جوانی خویش پس شوند پیران و از شما کس باشد که بمیرد و پیش ازین

ولتبلغوا أجلا مسمى ولعلكم تعقلون ● هو الذي يحيي ويميت
و بمیرد تا هنگامی نامزد کرده تا مگر که بخرد رسید اوست آن خدایی که زنده کند و بمیراند

فإذا قضى أمرا فإنما يقول له كن فيكون ● ألم تر إلى الذين
چون کاری راند و فرمانی براند گوید آنرا باش پس بود نمی بینی با آن کسانی که

يجادلون في آيات الله أنى يصرفون ● الذين كذبوا بالكتاب
پیکار میکنند در آیتهاء خدا که چون برگردانده اند ایشانرا آن ایشان که دروغ زن میگیرند با این نامه

وبما أرسلنا به رسلنا فسوف يعلمون ● إذ الأغلال في أعناقهم
و با آنچه فرستادیم بان پیغمبران زود باشد که بدانند چون غلها در گردنهاء ایشان

والسلاسل يسحبون ● في الحميم ثم في النار يسجرون ● ثم قيل لهم
و زنجیرها در ایشان کشیده و برویها می کشند در دوزخ پس در دوزخ می تابند ایشانرا پس گویند ایشانرا

أين ما كنتم تشركون من دون الله قالوا ضلوا عنا بل لم نكن ندعوا
کجاست آنچه انبازی میاوردید جز از خدا گویند گم شدند از ما بلکه نگفتیم و نخواندیم

من قبل شيئا كذلك يضل الله الكافرين ● ذلكم بما كنتم تفرحون
در دنیا هیچ انبازی همچنین گمراه میکند خدا کافرانرا این بانست که شما در دنیا شادی میکردید

في الأرض بغير الحق وبما كنتم تمرحون ● ادخلوا أبواب جهنم
در زمین بباطل و با آنچه نشاط میکردید در آیید از درهاء دوزخ

خالدين فيها فبئس مثوى المتكبرين ● فاصبر إن وعد الله حق
همیشه باشید دران و بد جایگاهست گردن کشانرا دوزخ صبر کن که وعده خدا حق است

فإما نرينك بعض الذي نعدهم أو نتوفينك فإلينا يرجعون ●
اگر باز نمائیم بحق ازآن که وعده دادیم ایشانرا از عذاب یا پیش ازان بمیرانیم ترا بماست بازگشت ایشان

ولقد أرسلنا رسلا من قبلك منهم من قصصنا عليك ومنهم
و بدرستی که فرستادیم پیغمبران از پیش تو از ایشان قصه گفتیم بر تو و از ایشان

من لم نقصص عليك وما كان لرسول أن يأتي بآية إلا بإذن الله
بعضی قصه نگفتیم بر تو و نبود هیچ پیغمبر را که آورد عذابی مگر بدستوری خدا

فإذا جاء أمر الله قضي بالحق وخسر هنالك المبطلون ● الله الذي
چون بیاید فرمان خدا کار بگذارند بحق زیان کار مانند دروغ زنان و نابراستان خدا آن خداست

جعل لكم الأنعام لتركبوا منها ومنها تأكلون ● ولكم فيها منافع
که بیافرید شمارا چهارپایان تا سوار شوید و ازان بخورید و شمارا است در آن منفعتها

ولتبلغوا عليها حاجة في صدوركم وعليها وعلى الفلك تحملون ●
و تا میرسید بران بدربایست خویش و مرادی که در دل دارید و بر چهارپایان و بر کشتی شمارا بر میدارند

ويريكم آياته فأي آيات الله تنكرون ● أفلم يسيروا في الأرض فينظروا
و مینماید شمارا نشانهاء خویش بکدام نشانهاء خدا منکر میشوید آیا نمیروند در زمین تا بنگرند

كيف كان عاقبة الذين من قبلهم كانوا أكثر منهم وأشد قوة
که چگونه بود سرانجام آنانی که از پیش ایشان بودند بودند بیشتر ایشان و سخت نیروتر

وآثارا في الأرض فما أغنى عنهم ما كانوا يكسبون ● فلما جاءتهم
و با نشانهاء در زمین سود نکرد از ایشان را آنچه بودند کسب میکردند چون آمد بایشان

رسلهم بالبينات فرحوا بما عندهم من العلم وحاق بهم ما كانوا
پیغمبران بحجتها شاد شدند بآنچه نزد ایشان بود از دانش تا فرو آمد بایشان آنچه بدان

به يستهزؤن ۝ فلما راوا باسنا قالوا امنا بالله وحده وكفرنا بما
با ان افسوس ميكردند ۝ راست كه بديدند عذاب ما كفتند بكرويديم بخدا كه يكيست و كافر شديم بانچه

كنا به مشركين ۝ فلم يك ينفعهم ايمانهم لما راوا باسنا سنت
بود از انباز كرفتن ۝ سود نكرد ايشانرا كرويدن ايشان چون ديدند عذاب ما نهاد

الله التي قد خلت في عباده وخسر هنالك الكافرون ۝
خدا آن كه بود در روزكار كذشته در بندكان او و زيان كار و نا اميد ماندند انجا ناكرويدكان

سورة الأقوات اربع وخمسون آية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداى بخشنده بخشاينده

حم ۝ تنزيل من الرحمن الرحيم ۝ كتاب فصلت اياته قرانا عربيا
بنام خدا و فرو فرستادنيست از بخشاينده مهربان ۝ نامه است پيدا كرده آيتها آن قرآنى تازى

لقوم يعلمون ۝ بشيرا ونذيرا فاعرض اكثرهم فهم لا يسمعون ۝
مر كروهى را كه بدانند ۝ مژده دهنده و بيم كننده روى كردانيدند بيشتر ايشان تا نمى شنوند

وقالوا قلوبنا في اكنة مما تدعونا اليه وفي اذاننا وقر ومن بيننا
كفتند دلهاء ما در پوششى است از انچه ميخوانى ما بسوى آن و در كوشهاء ما كرانيست و از ميان ما

وبينك حجاب فاعمل اننا عاملون ۝ قل انما انا بشر مثلكم
و ميان تو پرده است تو همان كن كه ميكردى ما همان كنيم كه ميكرديم ۝ بكو من آدمى ام مانند شما

يوحى الي انما الهكم اله واحد فاستقيموا اليه واستغفروه
وحى فرستادند بمن كه خداى شما يكى است راست بايستيد بتوحيد او و آمرزش خواهيد ازو

وويل للمشركين ۝ الذين لا يؤتون الزكوة وهم بالاخرة هم كافرون ۝
و واى بر انباز كيران ۝ آنانى كه ندهند زكوة و ايشان كه بر ستاخيز ايشانند كافران

ان الذين امنوا وعملوا الصالحات لهم اجر غير ممنون ۝ قل ائنكم
بدرستى كه آنان كه ايمان آوردند و كار نيكو كردند ۝ ايشانراست مزدى جز ناكاستنى ۝ بكو شما

لتكفرون بالذي خلق الارض في يومين وتجعلون له اندادا ذلك
كه كافر ميشويد بآن خداى كه بيافريد زمين در دو روز و ميكنيد اورا در سخن همانان و او

رب العالمين ۝ وجعل فيها رواسي من فوقها وبارك فيها وقدر فيها
خداوند جهانيانست ۝ و آورد در زمين كوهها از بالاء آن

اقواتها في اربعة ايام سواء للسائلين ۝ ثم استوى الى السماء وهي
پس كرد به آسمان و آن

دخان فقال لها وللارض ائتيا طوعا او كرها قالتا اتينا طائعين ۝
دود بود پس كفت آسمانرا و زمين را بيائيد از فرمان و خوش كام و نا كام كفتند آمديم فرمان بردار

فقضيهن سبع سموات في يومين واوحى في كل سماء امرها وزينا
سپرى كرد آنرا هفت آسمان در دو روز و وحى كرد در هر آسمانى فرمان آن و بياراستيم

السماء الدنيا بمصابيح وحفظا ذلك تقدير العزيز العليم ۝ فان
آسمان دنيا بچراغها و نكاه داشتى آن باز اندختن آن تواناى داناست ۝ اكر

اعرضوا فقل انذرتكم صاعقة مثل صاعقة عاد وثمود ۝ اذ جاءتهم
روى كردانند بكو آكاه كردم شمارا بصاعقه مانند صاعقه عاد و ثمود با كى سوزان چون بيامد بايشان

الرسل من بين ايديهم ومن خلفهم الا تعبدوا الا الله قالوا لو شاء
پيغمبران از پيش ايشان و از پس ايشان كه مپرستيد بجز از خدا كفتند اكر خواستى

ربنا لانزل ملائكة فانا بما ارسلتم به كافرون ۝ فاما عاد
پروردكار ما فرو فرستادى فرشته تا بانچه بفرستادند شمارا بآن كافرانيم ۝ اما عاد

فاستكبروا في الارض بغير الحق وقالوا من اشد منا قوة اولم يروا
كردن كشيدند در زمين بجز حق و كفتند كيست سختتر از ما بنيروى آيا نمى بينند

أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ

که خدای آن خدایست که بیافرید ایشانرا او سخت ترازایشان است بنیروی و بودند بآیتهای ما منکر میشوند

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَحِسَاتٍ لِنُذِيقَهُمْ عَذَابَ

فرستادیم برایشان بادی سخت در روزها نحس شوم تا بچشانیم ایشانرا عذابی

الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَخْزَى وَهُمْ لَا يُنْصَرُونَ

رسوا در زندگانی دنیا و عذاب آنجهان رسوا کننده تر وایشان را یاری ندهند

وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَى عَلَى الْهُدَى فَأَخَذَتْهُمْ صَاعِقَةُ

اما ثمود ما راه دادیم ایشانرا برگزیدند نادانی و نادیده راه بر راست راهی فراگرفت ایشانرا بانگ

الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ وَنَجَّيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا

عذاب با خواری بآن کرد که میکردند و برهانیدیم آنانی که ایمان آوردند و از شرک

يَتَّقُونَ وَيَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ حَتَّى إِذَا

پرهیزیدند آن روز که برانگیزانند دشمنان خدا بدوزخ ایشان تا آنکه

مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا

که آیند بدوزخ گواهی دهند برایشان گوشهاء ایشان و چشمهاء ایشان و پوستهاء ایشان بانچه

يَعْمَلُونَ وَقَالُوا لِجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي

کردند و گویند پوستهاء ایشان چرا گواهی میدهید بر ما گویند گویا گردانیده است ما را خدا آن خدای

أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ وَمَا كُنْتُمْ

که گویا کرد همه چیز و او آفرید شمارا اول بار و با اوست بازگشتن شما و نبودید

تَسْتَتِرُونَ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَارُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ

که پوشیده دارید تا گواهی ندهند بر شما گوش شما و نه چشم شما و نه پوستهاء شما

وَلَكِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِمَّا تَعْمَلُونَ وَذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي

ولکن گمان بردید شما که خدا نمیداند بیشتر از آنچه میکنید و آن گمان که بخدا میبردید

ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرْدَاكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ فَإِنْ يَصْبِرُوا فَالنَّارُ

اگر صبر کنید دوزخ

مَثْوًى لَهُمْ وَإِنْ يَسْتَعْتِبُوا فَمَا هُمْ مِنَ الْمُعْتَبِينَ وَقَيَّضْنَا لَهُمْ

جای ایشانست و اگر طلب خشنودی کنند ایشان خشنود نشوند و برگماشتیم بر ایشان

قُرَنَاءَ فَزَيَّنُوا لَهُمْ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ

همنشینان تا بیاراستند ایشانرا آنچه فراپیش ایشانست و آنچه فراپس ایشانست و درست شد بر ایشان گفتار خدا

فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ

در گروهانی که گذشتند از پیش ایشان از پری و آدمی بدرستی که ایشان بودند زیان کاران

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُونَ

و گفت آنانی که کافر شدند مشنوید این قرآنرا و سخن ناپکار در و گویید مگر شما او را از خداوند بازشکنید

فَلَنُذِيقَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا عَذَابًا شَدِيدًا وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي كَانُوا

هرآینه بچشانیم آنکسانی را که کافر شدند عذابی سخت و جزا دهیم ایشانرا بدتر آنچه

يَعْمَلُونَ ذَلِكَ جَزَاءُ أَعْدَاءِ اللَّهِ النَّارُ لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ جَزَاءً بِمَا

میکردند آنست پاداش دشمنان خدا آتش ایشانرا باشد دران سرای جاوید پاداش داشت بانچه

كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا أَرِنَا الَّذَيْنِ أَضَلَّانَا

بودند بآیتهاء ما منکران و گویند آنان که کافر شدند پروردگار ما بنمای ما را هر دو که گمراه گردانیدند

مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ نَجْعَلْهُمَا تَحْتَ أَقْدَامِنَا لِيَكُونَا مِنَ الْأَسْفَلِينَ

از پری و آدمی تا ایشانرا آوریم در زیر قدمهاء خود تا باشند از زیرتریان

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ

بدرستی که آنان که گفتند پروردگار ما خداست پس پایندگان فرود آیند برایشان فرشتگان بوقت مرگ

أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ نَحْنُ

که مترسید و اندوه مبرید و شاد باشید بهشتی که شمارا وعده داده اند ما

اولياؤكم في الحيوة الدنيا وفي الاخرة ولكم فيها ما تشتهي انفسكم

دوستان شما در زندگانی این جهان و در آن جهان و شمارا است در آن بهشت هرچه آرزو کند تنهای شما

ولكم فيها ما تدعون نزلا من غفور رحيم ومن احسن قولا

و شمارا است در آن بهشت آنچه دل شما خواهد پیش آورده است از آمرزگاری مهربان کیست راست گوی تر

ممن دعا الى الله وعمل صالحا وقال انني من المسلمين ولا تستوي

از آنکس که بخواند بسوی خدای و کار نیک کند و گوید که من از مسلمانانم و یکسان نباشد

الحسنة ولا السيئة ادفع بالتي هي احسن فاذا الذي بينك

نیکوی و بدی باززن بآنچه آن نیکوتر است که آنکس که میان تو

وبينه عداوة كانه ولي حميم وما يلقاها الا الذين صبروا وما

و میان او دشمنی است گویا دوستی است یاری و ندهند آن خصلت مگر شکیبایان و

يلقاها الا ذو حظ عظيم واما ينزغنك من الشيطان نزغ

[illegible] آن مگر بهره بزرگ و هرگاه که بتو رسد از دیو وسوسه کردنی

فاستعذ بالله انه هو السميع العليم ومن اياته الليل والنهار

پناه گیر بخدای بدرستی که او شنوا و دانا است و از آیات قدرت خدا است شب و روز

والشمس والقمر لا تسجدوا للشمس ولا للقمر واسجدوا لله الذي

و آفتاب و ماه سجده مکنید آفتاب را و ماه را و سجده کنید خدا را آن خدای

خلقهن ان كنتم اياه تعبدون فان استكبروا فالذين عند ربك

اگر گردن کشی کنند پس آنانی که نزد پروردگار تو اند

يسبحون له بالليل والنهار وهم لا يسأمون ومن اياته انك

میپرستند او را بشب و روز و ایشان سیر نیایند و از آیات قدرت اوست آنکه

ترى الارض خاشعة فاذا انزلنا عليها الماء اهتزت وربت ان

که می بینی زمین آرامیده چون فرو فرستادیم بر آن آب بجنبد و بر دمد بدرستی

سجدة

الذي احياها لمحيي الموتى انه على كل شيء قدير ان الذين

آنکه زنده کرد آنرا زنده کننده مردگان است بدرستی که او بر همه چیز توانا است بدرستی که آنانی

يلحدون في اياتنا لا يخفون علينا افمن يلقى في النار خير ام من

که کژ میروند در سخنان ما پوشیده نشوند بر ما آنکسی که در انداخته شود در آتش بهتر است یا آنکه

ياتي امنا يوم القيمة اعملوا ما شئتم انه بما تعملون بصير ان الذين

بیاید ایمن روز قیامت بکنید آنچه خواهید بدرستی که او بآنچه میکنید بینا است بدرستی که آنان

كفروا بالذكر لما جاءهم وانه لكتاب عزيز لا ياتيه الباطل من

که کافر شدند بسخن چون آمد بایشان بدرستی که آن نامه ایست بشکوه نیاید او را باطل از

بين يديه ولا من خلفه تنزيل من حكيم حميد ما يقال لك الا ما

پیش آن و نه از پس آن فرو فرستاده است از دانا ستوده گفته نشد ترا مگر آنچه

قد قيل للرسل من قبلك ان ربك لذو مغفرة وذو عقاب اليم

گفته شد پیغمبران پیش از تو بدرستی که خداوند تو خداوند آمرزش و خداوند عقوبت دردناک

ولو جعلناه قرانا اعجميا لقالوا لولا فصلت اياته ءاعجمي وعربي

و اگر کردانیدیم این نامه را بزبان عجم [illegible]

قل هو للذين امنوا هدى وشفاء والذين لا يؤمنون في اذانهم وقر

بگو این سخن گروهی را که گرویدند راه نمونیست و شفا [illegible]

وهو عليهم عمى اولئك ينادون من مكان بعيد ولقد اتينا

و آن نامه بر ایشان کوری است ایشانرا میخوانند از جای دور و بدرستی که دادیم

موسى الكتاب فاختلف فيه ولولا كلمة سبقت من ربك لقضي

موسی را نامه در خلاف کردند و اگر نه سخنی بودی که پیشی گرفت از خداوند تو برگزاردی

بينهم وانهم لفي شك منه مريب من عمل صالحا فلنفسه ومن

میان ایشان و بدرستی که ایشان در گمان اند ازو پندار نمایی آنکس که عمل نیک کرد [illegible]

أساء فعليها وما ربك بظلام للعبيد ۝ إليه يرد علم الساعة وما

که بد کرد بر تن خود کرد و نیست خداوند تو ستم کننده بندگان را ۝ با و باز گردانیده دانستن رستاخیز و

تخرج من ثمرة من أكمامها وما تحمل من أنثى ولا تضع إلا

بیرون نیاید هیچ میوه از غلاف خویش و بار برندارد هیچ مادینه و بار ننهد مگر

بعلمه ويوم يناديهم أين شركائي قالوا آذناك ما منا من شهيد

بدانش او و آن روز که آواز دهد ایشان را گوید کجااند انبازان من گویند آگاه کردیم ترا امروز از ما هیچ گواهی نیست

وضل عنهم ما كانوا يدعون من قبل وظنوا ما لهم من محيص ۝ لا

و گم شود از ایشان آنچه می خواندند از پیش و گمان برند که ایشان را نیست جای گریز ۝ ملالت

يسأم الإنسان من دعاء الخير وإن مسه الشر فيؤس قنوط

سیر نیاید مردم از خواستن خیر و اگر بدو رسد بدی پس نومید بود نومید

ولئن أذقناه رحمة منا من بعد ضراء مسته ليقولن هذا لي وما

و اگر بچشانیم او را بخشایشی از ما از پس سختی که بدو رسید هر آینه گوید سزای من است و نه

أظن الساعة قائمة ولئن رجعت إلى ربي إن لي عنده للحسنى

پندارم که رستاخیز بپای شونده است و اگر باز گردانیده شوم با خداوند خویش هر آینه که مرا باشد نزدیک او حال نیکو

فلننبئن الذين كفروا بما عملوا ولنذيقنهم من عذاب غليظ

هر آینه آگاه کنیم آنانی که کافر شدند بآنچه کردند و بچشانیم ایشان را از عذابی بزرگ

وإذا أنعمنا على الإنسان أعرض ونأى بجانبه وإذا مسه

و چون نیکوی کنیم با مردم روی گرداند و یکسوی بیرون شود و چون بدو رسد

الشر فذو دعاء عريض ۝ قل أرأيتم إن كان من عند الله ثم كفرتم به

بدی پس خداوند دعای فراوان بود ۝ بگو چه بینید اگر باشد از نزد خدای پس کافر شوید بآن

من أضل ممن هو في شقاق بعيد ۝ سنريهم آياتنا في الآفاق

بگوی کیست گمراه تر از آنکه در ستیزه است از راستی دور ۝ زود باشد که بنمائیم ایشان را نشانهای خویش در جهان

وفي أنفسهم حتى يتبين لهم أنه الحق أولم يكف بربك أنه على كل شيء

و در تنهای ایشان تا آنکه پیدا شود ایشان را که قرآن حق است ۝ آیا بسنده نیست خدای تو که او بر همه چیز

شهيد ۝ ألا إنهم في مرية من لقاء ربهم ألا إنه بكل شيء محيط ۝

گواه است بدان که ایشان در گمان اند از دیدار خداوند خویش بدانید که خدا بهمه چیز داناست

سورة الشورى ثلاث وخمسون آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

حم ۝ عسق ۝ كذلك يوحي إليك وإلى الذين من قبلك الله

این سوره همچنین وحی میکند بتو و بایشان که پیش از تو بودند آن خدای

العزيز الحكيم ۝ له ما في السموات وما في الأرض وهو العلي العظيم

بی همتا راستکار ۝ او راست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و اوست برتر و بزرگوار

تكاد السموات يتفطرن من فوقهن والملائكة يسبحون بحمد

نزدیک است آسمانها شکافته شوند از بالای ایشان و فرشتگان پاکی می ستایند و شکر میکنند

ربهم ويستغفرون لمن في الأرض ألا إن الله هو الغفور الرحيم

خداوند خویش را و آمرزش میخواهند کسانی را که در زمین اند بدانید که خدا اوست آمرزنده مهربان

والذين اتخذوا من دونه أولياء الله حفيظ عليهم وما أنت

و آنانی که فرا گرفتند جز از خدا خدایان خدا نگاهبان است کردار ایشان و نیستی تو

عليهم بوكيل ۝ وكذلك أوحينا إليك قرآنا عربيا لتنذر أم

بر ایشان کارساز ۝ و همچنین وحی کردیم بتو کتابی عربی تا بیم کنی اهل

القرى ومن حولها وتنذر يوم الجمع لا ريب فيه فريق في الجنة

مکه و آنکس که پیرامون آنند و بیم کنی روز قیامت که هیچ شک در آن نیست گروهی در بهشت باشند

وفريق في السعير ۝ ولو شاء الله لجعلهم أمة واحدة ولكن يدخل
وگروهی در دوزخ واگر خواستی خدا هرآینه آفریدی ایشانرا یک گروه گرویده لیکن در می آرد

من يشاء في رحمته والظالمون ما لهم من ولي ولا نصير ۝ أم اتخذوا
آنکس که خواهد در بخشایش خویش وستمکاران نیست ایشانرا هیچ فریادرسی و یاری دهی یا گرفتند

من دونه أولياء فالله هو الولي وهو يحيي الموتى وهو على كل شيء قدير ۝
جز ازو خدایان پس خدا اوست که یار و فریادرس است و او زنده کننده مردگانست و او بر همه چیز تواناست

وما اختلفتم فيه من شيء فحكمه إلى الله ذلكم الله ربي عليه
و هر چیزی که مختلف گوید در آن از هر چه بود برگزاردن آن بخداست آن خداست خداوند من بر او

توكلت وإليه أنيب ۝ فاطر السماوات والأرض جعل لكم من أنفسكم
اعتماد کردم و باو میگردم کردگار آسمانها و زمین آفرید شمارا از تنهاء شما

أزواجا ومن الأنعام أزواجا يذرؤكم فيه ليس كمثله شيء وهو
جفتان و از چهارپایان جفتها میدارد شمارا بان نیست همتای او هیچ چیز و او

السميع البصير ۝ له مقاليد السماوات والأرض يبسط الرزق لمن
شنواء بیناست اوراست کلیدهاء آسمانها و زمین می گستراند روزی مرآنکس

يشاء ويقدر إنه بكل شيء عليم ۝ شرع لكم من الدين ما وصى به
که خواهد و فرو میگیرد باندازه درستی که او بهمه چیز داناست پیدا کرد شمارا از دین آن چیز که وصیت کرد بدان

نوحا والذي أوحينا إليك وما وصينا به إبراهيم وموسى وعيسى
نوح را و آنچه پیغام دادیم بتو و آنچه وصیت کردیم بان ابراهیم و موسی و عیسی

أن أقيموا الدين ولا تتفرقوا فيه كبر على المشركين ما تدعوهم إليه
که بپای دارید دین را و پراکنده نشوید در آن بزرگ شد بر انبازگیران آنچه میخوانی ایشانرا بان

الله يجتبي إليه من يشاء ويهدي إليه من ينيب ۝ وما تفرقوا إلا
خدا می گزیند بخود اورا که خواهد و راه مینماید بخود آنکه بکردار و دل با او گراید و دو گروه نشدند مگر

من بعد ما جاءهم العلم بغيا بينهم ولولا كلمة سبقت من
پس آنکه آمد بایشان دانائی از او زوننجویی میان ایشان اگر نه آن بودی سخنی پیشی کرد از

ربك إلى أجل مسمى لقضي بينهم وإن الذين أورثوا الكتاب
خداوند من تو تا هنگامی نامزد کرده حکم کردندی میان ایشان و بدرستی که آنان که دادند کتاب قرآن ایشانرا

من بعدهم لفي شك منه مريب ۝ فلذلك فادع واستقم كما أمرت
از پس ایشان در گمانی از این پیغام دل راشورنده پاک دین میخوان و براست دار چنانکه فرمودند ترا

ولا تتبع أهواءهم وقل آمنت بما أنزل الله من كتاب وأمرت لأعدل
و از پی هواهاء ایشان مرو و بگو ایمان آوردم بانچه فرو فرستاد خدا از نامه و مرا فرمودند تا راستی کنم

بينكم الله ربنا وربكم لنا أعمالنا ولكم أعمالكم لا حجة بيننا
میان شما خدا پروردگار ما و پروردگار شما ماراست کارهاء ما و شماراست کارهاء شما هیچ حجتی نیست میان ما

وبينكم الله يجمع بيننا وإليه المصير ۝ والذين يحاجون في الله
و میان شما خدا جمع کند میان ما و باوست بازگشت همه و آنانی که پیکار میکنند در خدا

من بعد ما استجيب له حجتهم داحضة عند ربهم وعليهم
از پس آنکه پاسخ کردند و بگرویدند با وحجت ایشان ناچیز گرد خداوند ایشان و بر ایشانست

غضب ولهم عذاب شديد ۝ الله الذي أنزل الكتاب بالحق
خشم خدا و ایشانراست عذابی سخت خدا آن خداییست که فرو فرستاد نامه براستی

والميزان وما يدريك لعل الساعة قريب ۝ يستعجل بها الذين لا
و ترازو وچه دانید مگر که قیامت نزدیک شد شتاب میکنند بان آنانی که نه

يؤمنون بها والذين آمنوا مشفقون منها ويعلمون أنها الحق ألا إن
گرویده اند بان و آنانی که ایمان آورده اند ترسان اند از آن و میدانند که آن راستست بدانید که

الذين يمارون في الساعة لفي ضلال بعيد ۝ الله لطيف بعباده يرزق
آنکسانی که جی میکنند در کار قیامت در گمراهی اند دور خدا نیکو کارست [illegible] روزی میدهد

من يشاء وهو القوي العزيز ۝ من كان يريد حرث الآخرة نزد له في حرثه
آنکس که خواهد واوست با نیروی بی همتا آنکس که خواهد بر آن جهان بیفزاییم اورا در بر آنجهان
نؤته منها
ومن كان يريد حرث الدنيا وما له في الآخرة من نصيب ۝ أم لهم شركاء
وآنکس که خواهد بر این جهان بدهیم اورا از آن جز و نباشد اورا در آنجهان بهره یا هست ایشانرا انبازان
شرعوا لهم من الدين ما لم يأذن به الله ولولا كلمة الفصل
که مینهند ایشانرا از دین که خدا نپسندند و دستوری نداد بآن خدا واگر نه آن بودی که سخن خداراست و درست بودی
لقضي بينهم وإن الظالمين لهم عذاب أليم ۝ ترى الظالمين
داوری کنم میان ایشان ستمکارانرا عذابیست دردناک بینی ستمکارانرا
مشفقين مما كسبوا وهو واقع بهم والذين آمنوا وعملوا الصالحات
ترسان و هراسان از آنچه کردند وآنچه بودنی است با ایشان وآنانی که بگرویدند و کردند کارهاء نیک
في روضات الجنات لهم ما يشاءون عند ربهم ذلك هو الفضل
در مرغزارهاء بهشتها ایشانراست آنچه خواهند نزد خداوند ایشان آنست فضل
الكبير ۝ ذلك الذي يبشر الله عباده الذين آمنوا وعملوا الصالحات
بزرگ این آنست که بشارت دهد خدا بندگان خودرا آنانی که بگرویدند و کردند کارهاء نیکو
قل لا أسألكم عليه أجرا إلا المودة في القربى ومن يقترف حسنة
بگو نمیخواهم از شما برو مزدی مگر دوست داشتن هر کس که نزدیکی جوید بخدا و هرکه کند یک نیکی
نزد له فيها حسنا إن الله غفور شكور ۝ أم يقولون افترى على الله
زیادت کنیم در آن نیکویی بدرستی که خدا آمرزگارست سپاس دار یا میگویند که دروغ ساخت بر خدا
كذبا فإن يشإ الله يختم على قلبك ويمح الله الباطل ويحق الحق بكلماته
دروغی اگر خواهد خدای مهر کند بر دل تو و ببرد خدا باطل کژی و راست درست کند بسخنان خویش
إنه عليم بذات الصدور ۝ وهو الذي يقبل التوبة عن عباده ويعفو
بدرستی که او داناست بآنچه در سینهاست واوست آن خدایی که بپذیرد توبه از بندگان خویش و فرو میگذارد

عن السيئات ويعلم ما تفعلون ۝ ويستجيب الذين آمنوا وعملوا
از بدیها و میداند آنچه میکنند و پاسخ کند آنانی که ایمان آوردند و کردند
الصالحات ويزيدهم من فضله والكافرون لهم عذاب شديد ۝
کارهاء نیک و زیادت کند از فضل خود و ناگرویدگان ایشانراست عذابی سخت
لعباده
ولو بسط الله الرزق لبغوا في الأرض ولكن ينزل بقدر ما يشاء إنه
واگر فراخ بگستراند خدا روزی نافرمان و از حد بیرون شوند در زمین ولیکن فرو فرستد باندازه آنچه خواهد بدرستی که او
بعباده خبير بصير ۝ وهو الذي ينزل الغيث من بعد ما قنطوا
به بندگان خویش آگاهست بینا واوست آن خدایی که فرو فرستد باران از پس نا امیدی
وينشر رحمته وهو الولي الحميد ۝ ومن آياته خلق السماوات
و آشکارا کند بخشایش خود واوست یاری دهنده ستوده و از نشانها قدرت او آفریدن آسمانها
والأرض وما بث فيهما من دابة وهو على جمعهم إذا يشاء
و زمین وآنچه پراکند در زمین و آسمان از جنبندگان واو بر گرد کردن ایشان چون خواهد
قدير ۝ وما أصابكم من مصيبة فبما كسبت أيديكم ويعفو عن
تواناست وآنچه رسد بشما از رسیدنی بدان که بکرد دستهاء شما و فرو میگذارد از
كثير ۝ وما أنتم بمعجزين في الأرض وما لكم من دون الله من ولي
بسیاری نیستید شما که اورا عاجز آرید در زمین نیست شمارا جز از خدا از یاری دهی
ولا نصير ۝ ومن آياته الجوار في البحر كالأعلام ۝ إن يشأ يسكن
و نه فریادرسی از آیتهاء قدرت اوست که کشتیها در دریا همچون کوهها اگر خواهد ساکن گرداند
الريح فيظللن رواكد على ظهره إن في ذلك لآيات لكل صبار
باد کشتیها را ساکن شوند بر پشت آب فرو ایستاده بر پشت وی بدرستی که در آن نشانهاست هر شکیبایی
شكور ۝ أو يوبقهن بما كسبوا ويعف عن كثير ۝ ويعلم الذين
سپاس دارنده یا هلاک کند ایشانرا بآنچه کسب کردند و در گذرد از بسیاری و میداند آنانی

يجادلون في آياتنا ما لهم من محيص ۝ فما أوتيتم من شيء فمتاع الحيوة
که خصومت میکنند در آیتهای ما نیست ایشانرا هیچ گریزگاهی از عذاب پس آنچه شما را دادند از چیز و برخورداری زندگانی

الدنيا وما عند الله خير وأبقى للذين آمنوا وعلى ربهم يتوكلون ۝
دنیا و آنچه نزد خداست بهترست و پاینده تر آنانی را که بگرویدند و بر پروردگار خویش اعتماد کنند

والذين يجتنبون كبائر الإثم والفواحش وإذا ما غضبوا هم يغفرون ۝
و آنانی که دور شوند از گناهان بزرگ و ناشایست و آنگه که بخشم آورند ایشانرا درگذارند

والذين استجابوا لربهم وأقاموا الصلوة وأمرهم شورى بينهم
و آنانی که پاسخ کنند خداوند خویشرا و بپای داشتند نمازرا و کار ایشان بمشورت بود میان شان

ومما رزقناهم ينفقون ۝ والذين إذا أصابهم البغي هم ينتصرون
و آنچه روزی دادیم ایشانرا نفقه کنند و آنانی که چون رسد بایشان افزون جستن ایشان کین میکشند

وجزاء سيئة سيئة مثلها فمن عفا وأصلح فأجره على الله إنه
و پاداش بدی بدی باشد مانند آن پس آنکه درگذارد و آشتی کند پس مزد او بر خدای باد بدرستی که او

لا يحب الظالمين ۝ ولمن انتصر بعد ظلمه فأولئك ما عليهم
دوست ندارد ستمکاران را و هر که کین کشد از ستمکار خویش آن گروه نیست بر ایشان

من سبيل ۝ إنما السبيل على الذين يظلمون الناس ويبغون
هیچ راه راه بدنامی بر ایشانست که ستم میکنند بر مردم و افزونی میجویند

في الأرض بغير الحق أولئك لهم عذاب أليم ۝ ولمن صبر وغفر إن ذلك
در زمین بی راستی ایشانراست عذابی دردناک و هر که شکیبائی کند و بیامرزد آن

لمن عزم الأمور ۝ ومن يضلل الله فما له من ولي من بعده وترى
از کارها خداست و قصدهاء درست آنکس که گمراه کند خدا نیست او را یاری دهی از پس بیراه کردن و بینی

الظالمين لما رأوا العذاب يقولون هل إلى مرد من سبيل ۝
ستمکاران چون ببینند عذاب را گویند هیچ هست بازبردنی از راهی

وتراهم يعرضون عليها خاشعين من الذل ينظرون من طرف
و می بینی که ایشانرا مینمایند آتش فرومانده و فرو افتاده از خواری مینگرند از چشمی

خفي وقال الذين آمنوا إن الخاسرين الذين خسروا أنفسهم
نهانی و گویند آنانی که ایمان آوردند بدرستی که زیانکاران ایشانند که زیان کردند خویشتن را

وأهليهم يوم القيمة ألا إن الظالمين في عذاب مقيم ۝ وما كان
و کسان خویش در روز قیامت بدانند که ستمکاران در عذابی دایم اند و نیست

لهم من أولياء ينصرونهم من دون الله ومن يضلل الله فما له من سبيل ۝
ایشانرا از فریادرسی که یاری دهند بجز از خدا و آنکس که گمراه کند خدا او را نیست هیچ راهی

استجيبوا لربكم من قبل أن يأتي يوم لا مرد له من الله ما لكم من ملجأ
پاسخ کنید خداوند خود را پیش از آنکه بیاید روزی بازبردنی نیست از خدا نیست شما را از پناه جای

يومئذ وما لكم من نكير ۝ فإن أعرضوا فما أرسلناك عليهم حفيظا
آنروز و نتوانید شما که گویید این نبایستی اگر روی بگردانند نفرستادیم ترا بر ایشان نگهبان

إن عليك إلا البلاغ وإنا إذا أذقنا الإنسان منا رحمة فرح
نیست بر تو مگر رسانیدن و ما چون بچشانیم مردم را از ما بخشایشی شاد شود

بها وإن تصبهم سيئة بما قدمت أيديهم فإن الإنسان
بآن و اگر برسد بشما بدی با آنچه فرا پیش شد دستهاء ایشان بدرستی که مردم

كفور ۝ لله ملك السموات والأرض يخلق ما يشاء يهب لمن يشاء
ناسپاس اند خدا راست پادشاهی آسمانها و زمین می آفریند آنچه خواهد ببخشد آنکس که خواهد

إناثا ويهب لمن يشاء الذكور ۝ أو يزوجهم ذكرانا وإناثا ويجعل
دختران و ببخشد آنکس که خواهد نرینه پسران یا جفت کند ایشانرا نرینان و مادینان و گرداند

من يشاء عقيما إنه عليم قدير ۝ وما كان لبشر أن يكلمه الله
آنکه خواهد نازاینده بدرستی که او داناست توانا و نبود هیچ مردم را که سخن گوید خدا با او

إلا وحيا أو من وراء حجاب أو يرسل رسولا فيوحي بإذنه ما يشاء
مگر نمودن در خواب یا از پس پرده یا بفرستد یا و فرستاده تا وحی کند دستوری وی انچه خواهد

إنه علي حكيم ۝ وكذلك أوحينا إليك روحا من أمرنا ما كنت
درستی که او بزرگوارست درست کار همچنین وحی کردیم بتو نامه زندگانی دلها از فرمان تو

تدري ما الكتاب ولا الإيمان ولكن جعلناه نورا نهدي به من نشاء
ندانستی که چیست نامه و ندانستی که ایمان چه بود و لکن گردانیدیم آنرا روشنایی که راه می نماییم بآن انکه خواهیم

من عبادنا وإنك لتهدي إلى صراط مستقيم ۝ صراط الله الذي
از بندگان ما و بدرستی که تو راه نمایی با راه راست راه خدای آن خدایی

له ما في السماوات وما في الأرض ألا إلى الله تصير الأمور ۝
که او راست آنچه در آسمانها و انچه در زمین است آگاه باشید که با خداست بازگشت کارها

سورة الزخرف تسع وثمانون آية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشاینده مهربان

حم ۝ والكتاب المبين ۝ إنا جعلناه قرآنا عربيا لعلكم تعقلون
حکم من و بحق نامه روشن روشن کننده درستی که کردیم آنرا قرآنی تازی تا مگر شما دریابید

وإنه في أم الكتاب لدينا لعلي حكيم ۝ أفنضرب عنكم الذكر
وان نامه در مهینه همه کتابهاست نزدیک ما و نامه ایست بلند و راست بازگردانیم از شما این سخن

صفحا أن كنتم قوما مسرفين ۝ وكم أرسلنا من نبي في الأولين ۝
از بهر انکه شما گزاف کارانید و چند که فرستادیم از پیغمبری در پیشینیان

وما يأتيهم من نبي إلا كانوا به يستهزؤون ۝ فأهلكنا أشد منهم
نیامد بایشان هیچ پیغمبر مگر که بآن افسوس کردند هلاک کردیم سخت از ایشان

بطشا ومضى مثل الأولين ۝ ولئن سألتهم من خلق السماوات
گرفتی و وقت گذشته مثل نشدهان پیشینیان و اگر پرسی از ایشان که آفرید آسمانها

والأرض ليقولن خلقهن العزيز العليم ۝ الذي جعل لكم الأرض
و زمین گویند آفرید آنرا آن توانا و دانا آن خدایی که آورد شما را زمین

مهدا وجعل لكم فيها سبلا لعلكم تهتدون ۝ والذي نزل من السماء
آرامگاهی و کرد شما را دران راهها تا مگر شما راه یابید و آن خدایی که فرو فرستاد از آسمان

ماء بقدر فأنشرنا به بلدة ميتا كذلك تخرجون ۝ والذي خلق
آبی باندازه پس زنده کردیم بان آب زمینی مرده همچنین مردگان زنده گردانیم و آن خدایی که آفرید

الأزواج كلها وجعل لكم من الفلك والأنعام ما تركبون ۝
جفتها و گونها جنبها و پیدا کرد شما را از کشتیها و ستوران انچه بران نشینید

لتستووا على ظهوره ثم تذكروا نعمة ربكم إذا استويتم عليه
تا راست نشینید بر پشتها ستوران پس یاد کنید بخشایش پروردگار شما چون بر ستور راست بنشینید

وتقولوا سبحان الذي سخر لنا هذا وما كنا له مقرنين ۝ وإنا إلى
انگه گویند پاک و بی عیبی او را آن خدای که زیردست کرد ما را بستور و نبودیم ما که با او توانستیم و ما با

ربنا لمنقلبون ۝ وجعلوا له من عباده جزءا إن الإنسان لكفور
خداوند خویش میگردیم و گردانیدند او را از بندگان او پاره درستی که مردم ناسپاسیست

مبين ۝ أم اتخذ مما يخلق بنات وأصفاكم بالبنين ۝ وإذا بشر
پیدا و گرفت از انچه می آفریند دختران و برگزید شما را به پسران و چون مژدگانی دهند

أحدهم بما ضرب للرحمن مثلا ظل وجهه مسودا وهو كظيم ۝
یکی از ایشان با نچه بدید کرد رحمن داستانی همیشه روی وی سیاه گردد و او پر اندوه

أومن ينشأ في الحلية وهو في الخصام غير مبين ۝ وجعلوا الملائكة
یا انکه بر آید در زیور و او در داوری خصومت ناپیدا و گردانیدند فرشتگان

الذين هم عباد الرحمن اناثا اشهدوا خلقهم ستكتب شهادتهم
گردانیدند بندگان خدای را مادینان کردند آیا حاضر بودند که می آفریدند ایشان را زود باشد که نوشته شود گواهی ایشان

ويسئلون ۝ وقالوا لو شاء الرحمن ما عبدناهم ما لهم بذلك من علم
و از ایشان بپرسند و گویند اگر خواستی رحمن نپرستیدیم ایشان را نیست ایشان را بآن دانشی

ان هم الا يخرصون ۝ ام اتيناهم كتابا من قبله فهم به مستمسكون ۝
نیستند ایشان مگر دروغ زنان یا بدادیم ایشان را نامه پیش از قرآن که ایشان دران دست زده

بل قالوا انا وجدنا اباءنا على امة وانا على اثارهم مهتدون ۝ وكذلك
بلکه گفتند ما یافتیم پدران ما بر یک کیش و ما بر پی ایشان راه میبریم و همچنین

ما ارسلنا من قبلك في قرية من نذير الا قال مترفوها انا وجدنا
نفرستادیم پیش از تو در هیچ دهی بیم کننده مگر که گفتند جهانداران آن ده ما یافتیم

اباءنا على امة وانا على اثارهم مقتدون ۝ قال اولو جئتكم
پدران ما بر یک کیش و ما بر پی ایشان پس روی باشیم بگو اگر بیاورم بشما

باهدى مما وجدتم عليه اباءكم قالوا انا بما ارسلتم به كافرون ۝
راسترا از آنچه یافتید بران پدران شما گفتند ما آنچه فرستاده باو کافرانیم

فانتقمنا منهم فانظر كيف كان عاقبة المكذبين ۝ واذ قال
پس کین کشیدیم از ایشان بنگر که چگونه بود سرانجام دروغ زن گیران چون گفت

ابرهيم لابيه وقومه انني براء مما تعبدون ۝ الا الذي فطرني
ابرهیم پدر خویش را و گروه وی را بدرستی که من بیزارم از آنچه شما میپرستید بجز آن خدا که آفرید مرا

فانه سيهدين ۝ وجعلها كلمة باقية في عقبه لعلهم
بدرستی که او راه نماید و گردانید آن سخن را سخن پاینده در ... شاید که ایشان

يرجعون ۝ بل متعت هؤلاء واباءهم حتى جاءهم الحق ورسول
باز گردند بلکه برخورداری دادم این گروه و پدران ایشان تا آمد بایشان قرآن و فرستاده

مبين ۝ ولما جاءهم الحق قالوا هذا سحر وانا به كافرون ۝ وقالوا
آشکارا که آمد بایشان چیزی حق گفتند این جادوییست و ما بان ناگرویدگانیم و گفتند

لولا نزل هذا القران على رجل من القريتين عظيم ۝ اهم يقسمون
چرا فرو فرستاده نشد این قرآن بر مردی از یکی ازین دو ده بزرگ که وطاعت ایشان قسمت میکنند

رحمت ربك نحن قسمنا بينهم معيشتهم في الحيوة الدنيا
بخشایش خدای تو ما قسمت کردیم میان ایشان زندگانی ایشان در زندگانی دنیا

ورفعنا بعضهم فوق بعض درجات ليتخذ بعضهم بعضا سخريا
و برداشتیم لختی از ایشان بالاء لختی پایها تا فرا گیرد لختی ایشان لختی را بکارگری و بندگی

ورحمت ربك خير مما يجمعون ۝ ولولا ان يكون الناس امة
و بخشایش خداوند تو بهتر از آنچه جمع میکنند اگر نه آن بودی که ما خواستیم مردمان گروهی

واحدة لجعلنا لمن يكفر بالرحمن لبيوتهم سقفا من فضة
یگانه گردیدیم ما آنکس را که کافر شود برحمن خانهاء ایشان را سقفی از نقره

ومعارج عليها يظهرون ۝ ولبيوتهم ابوابا وسررا عليها يتكئون ۝
و نردبانها که بران میشدندی و خانهاء ایشان را با درها و تختها کردند که بران تکیه میزدند

وزخرفا وان كل ذلك لما متاع الحيوة الدنيا والاخرة عند ربك
و طلا نیز دادیم و نیست همه آنچه یاد کرده شد مگر برخورداری زندگانی این جهان و آنجهان نزد خداوند تو

للمتقين ۝ ومن يعش عن ذكر الرحمن نقيض له شيطانا فهو له قرين ۝
پرهیزکاران راست و هر که اعراض کند از یاد کردن خدای فرادست او سازیم دیوی را تا او را دم ساز بود

وانهم ليصدونهم عن السبيل ويحسبون انهم مهتدون ۝
و بدرستی که ایشان از ایشان میبرند از راه و ایشان می پندارند که ایشان بر راه یافت اند

حتى اذا جاءنا قال يا ليت بيني وبينك بعد المشرقين فبئس القرين ۝
تا آنکه که آیند بما گوید کاشکی میان من و میان تو چندان دوری بودی که میان ... بد دمسازی که توی

وَلَن يَنفَعَكُمُ الْيَوْمَ إِذ ظَّلَمْتُمْ أَنَّكُمْ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ ۝

سود نکند شما را امروز چون ستم کردید که شما در عذاب شریکان اید

أَفَأَنتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ أَوْ تَهْدِي الْعُمْيَ وَمَن كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ۝

آیا تو گوش و دل کرزدلان بشنوانی یا چشم دل نابینا دلان راه نمائی وانکس که بود در گمراهی روشن باز آری

فَإِمَّا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُم مُّنتَقِمُونَ ۝ أَوْ نُرِيَنَّكَ الَّذِي وَعَدْنَاهُمْ

اگر ببرند از تو ما از ایشان کین خواهیم یا بنمائیم ترا انچه وعده کردیم ایشان را

فَإِنَّا عَلَيْهِم مُّقْتَدِرُونَ ۝ فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ إِنَّكَ

بدرستی که ما بر ایشان قادریم سخت دار و دست محکم زن درین پیغام فرستادند بتو بدرستی که تو

عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ۝ وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ

بر راه راستی وانن قران ترا وگروه ترا و زود باشد که از تو در پرسند

وَاسْأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ مِن رُّسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِن دُونِ الرَّحْمَٰنِ

و بپرس انکس را که فرستادیم از پیش از پیغمبران ما گردیم ما بجز از رحمن

آلِهَةً يُعْبَدُونَ ۝ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَإِيْهِ

خدایان که پرستند بدرستی که فرستادیم موسی را بحجتها بسوی فرعون وگروهی

فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ فَلَمَّا جَاءَهُم بِآيَاتِنَا إِذَا هُم

گفت بدرستی که من رسول خداوند جهانیانم چون بیاورد آیتها ما ایشان

مِّنْهَا يَضْحَكُونَ ۝ وَمَا نُرِيهِم مِّنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا وَأَخَذْنَاهُم

ازان خنده درگرفتند ننمودیم ایشانرا هیچ نشان مگر همه مهتر و بهتر از یکدیگر و فرا گرفتیم ایشانرا

بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ۝ وَقَالُوا يَا أَيُّهَ السَّاحِرُ ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا

بعذاب مگر که ایشان بازگردند وگفتند ای جادو بخوان ما را

عَهِدَ عِندَكَ إِنَّنَا لَمُهْتَدُونَ ۝ فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِذَا هُمْ

خداوند تو با نچه عهد کرد نزدیک تو پس آنهنگام که ببردیم ما از ایشان عذاب انگاه ایشان

يَنكُثُونَ ۝ وَنَادَىٰ فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ

عهد بشکستند و آواز داد فرعون در گروه خود گفت ای گروه نه مراست پادشاهی زمین مصر

وَهَٰذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ ۝ أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِّنْ هَٰذَا

وانن جویها روان میشود از زیر کوشک من نمی بینی آیا من بهترم ازین مرد

الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ ۝ فَلَوْلَا أُلْقِيَ عَلَيْهِ أَسْوِرَةٌ مِّن

که او خوارست و نمیتواند که سخن گشاید چرا بنیفکندند برو دست اورنجنها از

ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِكَةُ مُقْتَرِنِينَ ۝ فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ

زر یا بیاید با او فرشته دست در دست سبک آمد گروه او پس فرمان بردند اورا

إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ۝ فَلَمَّا آسَفُونَا انتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ

که ایشان بودند گروهی نافرمانان و بدان چون ما را بخشم آوردند کین خواستیم از ایشان بآب هلاک کردیم ایشانرا

أَجْمَعِينَ ۝ فَجَعَلْنَاهُمْ سَلَفًا وَمَثَلًا لِّلْآخِرِينَ ۝ وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ

همه وگردانیدیم ایشانرا سرگذشتی و داستانی پسینیان را چون مثل زدند بپسر مریم

مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ ۝ وَقَالُوا أَآلِهَتُنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوهُ

مثلی چون گروه تو ازان بانگ و خنده درگرفتند وگفتند خدایان ما بهتر که سازند یا عیسی مثل زدند

لَكَ إِلَّا جَدَلًا بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ ۝ إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ

ترا مگر بپیکار بلکه ایشان گروهی جنگین نیست عیسی مگر بنده بنواختیم اورا

وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ ۝ وَلَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا مِنكُم مَّلَائِكَةً

وگردانیدیم اورا عبرتی بنی اسرائیل را واگر خواهیم گردانیم از شما فرشتگان

فِي الْأَرْضِ يَخْلُفُونَ ۝ وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ

در زمین می بودند بدرستی که عیسی آگاهی خلق است رستاخیز را تا گمان نبرند در رستخیز و تو گوی بر پی من ایید

هَٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ ۝ وَلَا يَصُدَّنَّكُمُ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ۝

است راه راست و نباید که بگرداند شما را شیطان بدرستی که او شما را دشمن آشکار است

وَلَمَّا جَاءَ عِيسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَلِأُبَيِّنَ لَكُمْ
چون بیامد عیسی بمعجزها کفت آوردم شمارا سخن راست و درست وتا روشن کنم شمارا

بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ ۝ إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي
بعضی انچه دران مختلف کشتند درو بترسید از خدا و فرمان برید بدرستی که خدا اوست پروردکار من

وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَٰذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ۝ فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ
و پروردکار شما پرستید اورا اینست راه راست مختلف شدند سپاهها

مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابِ يَوْمٍ أَلِيمٍ ۝ هَلْ يَنْظُرُونَ
ازمیان ترسایان وای آنانی که ستم کردند از عذاب روزی دردناک هیچ چشم میدارند

إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۝ الْأَخِلَّاءُ يَوْمَئِذٍ
مکر رستاخیز را که بایشان آید ناکاه وایشان نمیدانند دوستان آنروز

بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ ۝ يَا عِبَادِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ
بعضی ازیشان بعضی را دشمن باشند مکر پرهیزکاران ای بندکان من هیچ ترسی نیست برشما

الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ۝ الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا مُسْلِمِينَ ۝
امروز ونه انکه شما اندوه برید انانی که ایمان آوردند بآیتهاء ما و بودند مسلمانان

ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ ۝ يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ
درآیید دربهشت شما وزنان شما شادان میکردانند برایشان کاسها

مِنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ
زرین وآب دستهاء زرین ودران بهشت انچه آرزو کند تن وخوش آید چشمهارا

وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۝ وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ
وشما دران جاویدان وآن بهشت آنست که شمارا میراث دادند بانچه میکردید

لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِنْهَا تَأْكُلُونَ ۝ إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابِ جَهَنَّمَ
شمار است دران میوه بسیار ازان میخورید بدرستی که کناهکاران در عذاب دوزخ باشند

خَالِدُونَ ۝ لَا يُفَتَّرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ ۝ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ
جاودان سست نشود ازیشان عذاب وایشان دران عذاب اند نومید و ما ظلم نکردیم

وَلَٰكِنْ كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ ۝ وَنَادَوْا يَا مَالِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ
لیکن بودند ایشان ستمکاران وآواز دهند که ای مالک باید که بمیراند مارا خداوند تو

قَالَ إِنَّكُمْ مَاكِثُونَ ۝ لَقَدْ جِئْنَاكُمْ بِالْحَقِّ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَكُمْ
کوید مالک شما اینجا که خواهید بودن بدرستی که آوردیم شمارا در دنیا براستی ولیکن بیشترین شما

لِلْحَقِّ كَارِهُونَ ۝ أَمْ أَبْرَمُوا أَمْرًا فَإِنَّا مُبْرِمُونَ ۝ أَمْ يَحْسَبُونَ
سخن راست دشوار داشتند یا فراهم بسیارند کاری ما نیز کاری فراهم بسازیم یا میپندارند ایشان

أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ بَلَىٰ وَرُسُلُنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ ۝
که ما نمی شنویم نهانها ایشان وراز ایشان آری می شنویم و فرستادکان ما نزد ایشان منویسند

قُلْ إِنْ كَانَ لِلرَّحْمَٰنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ الْعَابِدِينَ ۝ سُبْحَانَ رَبِّ السَّمَاوَاتِ
بکو اکر بودی رحمن را فرزندی من اول کسی بودمی که بندکی او کردمی پاکست خداوند آسمانها

وَالْأَرْضِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ ۝ فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا
وزمین خداوند عرش از انچه صفت میکنند اورا رها کن ایشانرا تا همان بکار میکنند وبازی می کنند

حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ ۝ وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَٰهٌ
تا انکه رسند بآن روز که ایشانرا وعده داده اند واوست انخدای که در آسمان خداست

وَفِي الْأَرْضِ إِلَٰهٌ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ ۝ وَتَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ
ودر زمین خداست واوست درستکار دانا وبزرکوارست آن خدایی که اوراست پادشاهی آسمانها

وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَعِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۝ وَلَا
وزمین وانچه میان هردو است ونزد اوست دانش روز قیامت وباوست بازکشت همه

يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ
مالک شفاعت نباشند ایشان که میخوانند از غیر خدا شفاعت مکر کسی که کواهی دهد براستی وایشان

يعلمون ۝ ولئن سألتهم من خلقهم ليقولن الله فأنى يؤفكون ۝

وقيله يا رب إن هؤلاء قوم لا يؤمنون ۝ فاصفح عنهم وقل سلام فسوف يعلمون ۝

سورة الدخان تسع وخمسون آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

حم ۝ والكتاب المبين ۝ إنا أنزلناه في ليلة مباركة إنا كنا

منذرين ۝ فيها يفرق كل أمر حكيم ۝ أمرا من عندنا إنا كنا مرسلين ۝

رحمة من ربك إنه هو السميع العليم ۝ رب السموات والأرض وما

بينهما إن كنتم موقنين ۝ لا إله إلا هو يحيي ويميت ربكم ورب

آبائكم الأولين ۝ بل هم في شك يلعبون ۝ فارتقب يوم تأتي السماء

بدخان مبين ۝ يغشى الناس هذا عذاب أليم ۝ ربنا اكشف عنا

العذاب إنا مؤمنون ۝ أنى لهم الذكرى وقد جاءهم رسول مبين ۝

ثم تولوا عنه وقالوا معلم مجنون ۝ إنا كاشفوا العذاب قليلا إنكم

عائدون ۝ يوم نبطش البطشة الكبرى إنا منتقمون ۝ ولقد

فتنا قبلهم قوم فرعون وجاءهم رسول كريم ۝ أن أدوا إلي عباد

الله إني لكم رسول أمين ۝ وأن لا تعلوا على الله إني آتيكم

بسلطان مبين ۝ وإني عذت بربي وربكم أن ترجمون ۝ وإن لم

تؤمنوا لي فاعتزلون ۝ فدعا ربه أن هؤلاء قوم مجرمون ۝ فأسر بعبادي

ليلا إنكم متبعون ۝ واترك البحر رهوا إنهم جند مغرقون ۝

كم تركوا من جنات وعيون ۝ وزروع ومقام كريم ۝ ونعمة

كانوا فيها فاكهين ۝ كذلك وأورثناها قوما آخرين ۝ فما بكت

عليهم السماء والأرض وما كانوا منظرين ۝ ولقد نجينا بني إسرائيل

من العذاب المهين ۝ من فرعون إنه كان عاليا من المسرفين ۝ ولقد

اخترناهم على علم على العالمين ۝ وآتيناهم من الآيات ما فيه بلاء
که برگزیدیم ایشانرا بر دانشی بر جهانیان وبدادیم ایشانرا از نشانها انچه دران آزمایش بود

مبين ۝ إن هؤلاء ليقولون ۝ إن هي إلا موتتنا الأولى وما نحن
اشکارا بدرستی که این گروه میگویند نیست این مگر مردن اول بار و نیستیم ما

بمنشرين ۝ فأتوا بآبائنا إن كنتم صادقين ۝ أهم خير أم قوم تبع والذين
برانگیخته شدن پس بیارید پدران ما اگر راست میگویید یا ایشان بهترند یا گروه تبع و ایشان که

من قبلهم أهلكناهم إنهم كانوا مجرمين ۝ وما خلقنا السماوات
پیش از ایشان بودند نیست کردیم ایشانرا بدرستی که ایشان بودند بزهکاران و نیافریدیم ما آسمانها

والأرض وما بينهما لاعبين ۝ ما خلقناهما إلا بالحق ولكن
و زمین و انچه میان این هردوست ببازی نیافریدیم آن هردو را مگر براستی ولیکن

أكثرهم لا يعلمون ۝ إن يوم الفصل ميقاتهم أجمعين ۝ يوم لا يغني
بیشترین ایشان نمیدانند بدرستی که روز جدا وعده گاه ایشانست همه آنروز که هیچ سود ندارد

مولى عن مولى شيئا ولا هم ينصرون ۝ إلا من رحم الله إنه
هیچ خویش خویشرا بچیزی و ایشانرا یاری دهند مگر انکه بخشایش کند خدای بدرستی که او

هو العزيز الرحيم ۝ إن شجرت الزقوم ۝ طعام الأثيم ۝ كالمهل يغلي
او توانا است مهربان بدرستی که درخت زقوم خورشی است گناهکارانرا همچون مس گداخته میجوشد

في البطون ۝ كغلي الحميم ۝ خذوه فاعتلوه إلى سواء الجحيم ۝ ثم
در شکمها همچون جوشیدن آب گرم کرده فراگیرید اورا و بکشید تا میان دوزخ پس

صبوا فوق رأسه من عذاب الحميم ۝ ذق إنك أنت العزيز الكريم ۝
بریزید بالای سر او از عذاب آب گرم کرده بچش بدرستی که تو عزیز و کریمی

إن هذا ما كنتم به تمترون ۝ إن المتقين في مقام أمين ۝ في جنات
بدرستی که آن انست که بودید بان بشکان بودید بدرستی که پرهیزکاران در جایگاهی امین در بوستانها

وعيون ۝ يلبسون من سندس وإستبرق متقابلين ۝ كذلك
و چشمها و می پوشند از دیبای تنک و دیبای ستبر همه برابر یکدیگر همچنین

وزوجناهم بحور عين ۝ يدعون فيها بكل فاكهة آمنين ۝
و جفت کردیم ایشانرا اگنیزکان سخت سیاه چشم فرامیخواهند دران بهشت بهر میوه بی ترس و بی بیم

لا يذوقون فيها الموت إلا الموتة الأولى ووقاهم عذاب
نچشند دران مرگ مگر مرگ اول و نگه دارد ایشانرا از عذاب

الجحيم ۝ فضلا من ربك ذلك هو الفوز العظيم ۝ فإنما يسرناه
دوزخ نیکویی از خداوند تو انست فیروزی بزرگ بدرستی که ما آسان گردانیدیم

بلسانك لعلهم يتذكرون ۝ فارتقب إنهم مرتقبون ۝
بزبان تو تا مگر ایشان دریابند و پند پذیرند چشم میدار تا ایشان چشم میدارند

سورة الجاثية سبع وثلثون آية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشاینده مهربان

حم ۝ تنزيل الكتاب من الله العزيز الحكيم ۝ إن في السماوات والأرض
بحکم خدا فرو فرستادن این نامه از خدای قادر دانا بدرستی که در آسمانها و زمین

لآيات للمؤمنين ۝ وفي خلقكم وما يبث من دابة آيات لقوم
نشانهاست گرویدگانرا و در آفرینش شما و انچه میرود از جنبنده نشانهاست گروهی

يوقنون ۝ واختلاف الليل والنهار وما أنزل الله من السماء من
گرویدگانرا و در آمد شد شب و روز و انچه فرو فرستاد خدا از آسمان از

رزق فأحيا به الأرض بعد موتها وتصريف الرياح آيات لقوم
روزی پس زنده گردانید بان زمین را پس از مردن آن و گردانیدن بادها نشانهاست گروهی را

يعقلون ۝ تلك آيات الله نتلوها عليك بالحق فبأي حديث بعد الله
كه دريابند ۝ اين آيات خداست كه ميخوانيم آنرا بر تو بدرستى بكدام سخن پس سخن خدا

وآياته يؤمنون ۝ ويل لكل أفاك أثيم ۝ يسمع آيات الله تتلى عليه
و آيتهاى وى خواهيد گرويدن واى بر هر دروغ زنى گناهكارى كه مى شنود آيتهاى خدا كه برخوانده شود بروى

ثم يصر مستكبرا كأن لم يسمعها فبشره بعذاب أليم ۝ وإذا علم
پس مى ستيهد بسرگردن كشى گويا كه خود نشنيد آنرا مژده ده او را بعذاب دردناك و چون بداند

من آياتنا شيئا اتخذها هزوا أولئك لهم عذاب مهين ۝
از آيتهاى ما چيزى فرا گرفت آنرا بافسوس آن گروه ايشانراست عذابى خوار كننده

من ورائهم جهنم ولا يغني عنهم ما كسبوا شيئا ولا ما اتخذوا
از پس ايشانست دوزخ و كار نيايد ايشانرا آنچه كردند چيزى و نه آنچه فرا گرفتند

من دون الله أولياء ولهم عذاب عظيم ۝ هذا هدى والذين
بجز از خدا دوستان و ايشانراست عذابى بزرگ اينست راه و آنان

كفروا بآيات ربهم لهم عذاب من رجز أليم ۝ الله الذي
كه كافر شدند بآيتهاى خداوند ايشان ايشانراست عذابى از عذاب سخت خدا آن خداست

سخر لكم البحر لتجري الفلك فيه بأمره ولتبتغوا من فضله
كه مسخر كرد شما را دريا تا روان شود كشتى در وى بفرمان وى و تا بجوئيد از فضل وى

ولعلكم تشكرون ۝ وسخر لكم ما في السموات وما في الأرض
و مگر كه شما شكر گوييد و مسخر كرد شما را آنچه در آسمانها و آنچه در زمين است

جميعا منه إن في ذلك لآيات لقوم يتفكرون ۝ قل للذين آمنوا
همه از وست بدرستى كه در آن آيتهاست گروهى را كه انديشند بگو آنانى را كه بگرويدند

يغفروا للذين لا يرجون أيام الله ليجزي قوما بما كانوا يكسبون
درگذارند مر آنكسانى كه اميد ندارند روزهاى عذاب خدا تا پاداش دهد گروهى را بآنچه كردند

من عمل صالحا فلنفسه ومن أساء فعليها ثم إلى ربكم ترجعون ۝
هركس كه كار كرد نيكو تن خود را كرد و هر كس كه بد كرد بر خود كرد پس با پروردگار شما باز گردانيده شويد

ولقد آتينا بني إسرائيل الكتاب والحكم والنبوة ورزقناهم من
و بدرستى كه بداديم فرزندان يعقوب را نامه و حكمت و پيغمبرى و روزى داديم ايشانرا از

الطيبات وفضلناهم على العالمين ۝ وآتيناهم بينات من الأمر
پاكيها و افزونى داديم ايشانرا بر جهانيان و بداديم ايشانرا نشانهاى روشن از كار [illegible]

فما اختلفوا إلا من بعد ما جاءهم العلم بغيا بينهم إن ربك
دو گروه نشدند مگر بعد از آنكه آمد بايشان دانش از ستم كردن بر خود بدرستى كه خداوند تو

يقضي بينهم يوم القيامة فيما كانوا فيه يختلفون ۝ ثم جعلناك
حكم كند ميان ايشان روز قيامت در آنچه بودند در آن دو گروه مى باشند پس كرديم ترا

على شريعة من الأمر فاتبعها ولا تتبع أهواء الذين لا يعلمون ۝
بر راهى ساخته از فرمان بر پى آن مىرو و بر پى خواهش [illegible] نادانان مرو

إنهم لن يغنوا عنك من الله شيئا وإن الظالمين بعضهم أولياء
بدرستى كه ايشان بكار نيايند ترا از خدا چيزى و بدرستى كه ستمكاران ايشان يار بعضها

بعض والله ولي المتقين ۝ هذا بصائر للناس وهدى ورحمة
بدى و خدا نيكو يار پرهيزگاران اين قرآن بازنمودهاست مردمانرا و راه نمونى و بخشايش

لقوم يوقنون ۝ أم حسب الذين اجترحوا السيئات أن نجعلهم
گروهى را كه بى گمان اند يا پنداريد آنانى كه كردند بديها و كه كنيم ايشانرا

كالذين آمنوا وعملوا الصالحات سواء محياهم ومماتهم ساء
همچون آنانى كه ايمان آوردند و كارهاى نيك كردند يكسانست زندگانى ايشان و مردن ايشان بد

ما يحكمون ۝ وخلق الله السموات والأرض بالحق ولتجزى كل نفس
حكم و داورى كه مى كنند و بيافريد خدا آسمانها و زمين براستى و تا پاداش داده شود هر تنى

بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ۝ أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَٰهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ

بانچه کرد وایشانرا ظلم نکنند چه بینی آنکس راکه فرا گرفت خدای خویش خود پسند خویش و گمراه کرداند اورا

اللّٰهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً

خدا بر دانش ومهر نهاد بر گوش او ودل او وکرد بر بینایی وی پوششی

فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللّٰهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ۝ وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا

پس کیست که راه نماید اورا از پس خدا آیا پند نپذیرند وگفتند نیست مگر زندگانی ما این جهانی

نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُمْ بِذَٰلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ

میریم وزنده شویم وهلاک نکند مارا مگر روزگار نیست ایشانرا بآن دانشی نیستند ایشان

إِلَّا يَظُنُّونَ ۝ وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ مَا كَانَ حُجَّتَهُمْ إِلَّا

مگر پندارنده که می پندارند وچون برخوانند برایشان آیتهای ما روشن نباشد حجت ایشان مگر

أَنْ قَالُوا ائْتُوا بِآبَائِنَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝ قُلِ اللّٰهُ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ

که گویند بیارید پدران مارا اگر هستید شما راست گویان بگو خدا زنده کند شمارا پس بمیراند شمارا

ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا

پس گرد کند شمارا تا روز قیامت هیچ شک نیست درو ولیکن بیشتر مردم نه

يَعْلَمُونَ ۝ وَلِلّٰهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يَوْمَئِذٍ

میدانند وخدایراست پادشاهی آسمانها وزمین وآنروز که برخیزد رستاخیز آنروز زیان

يَخْسَرُ الْمُبْطِلُونَ ۝ وَتَرَىٰ كُلَّ أُمَّةٍ جَاثِيَةً كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَىٰ إِلَىٰ كِتَابِهَا

زیانکار باشند دروغ زنان وتباهکاران وبینی هر گروهی را بزانو افتاده هر گروهی را بخوانند بنامه کردار ایشان

الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ هَٰذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ

گویند امروز پاداش دهند شمارا بانچه کردند این نامه ماست که گواهی میدهد بر شما براستی

إِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

که ما نسخت می نمودیم آنچه شما میکردید اما آنان که بگرویدند وکردند کارهای نیک

فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ ۝ وَأَمَّا الَّذِينَ

پس درآورد ایشانرا در بخشایش وی آنست آن پیروزی بزرگوار اما آنانی

كَفَرُوا أَفَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَاسْتَكْبَرْتُمْ وَكُنْتُمْ قَوْمًا مُجْرِمِينَ ۝

که کافر شدند ای بشما نیامد سخن من میخواندند بر شما گردن کشی کردید وبودید گروهی بدکرداران

وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا قُلْتُمْ مَا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ

وچون گفته شدی وعده خدا حق است وقیامت هیچ شک نیست دران گفتید ما نمیدانیم که چیست قیامت

إِنْ نَظُنُّ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُسْتَيْقِنِينَ ۝ وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا

نه مگر پنداره که می پنداریم ونیستیم ما بی گمانان بادید آمد ایشانرا سزای بدانچه میکردند

وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ۝ وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنْسَاكُمْ كَمَا

وفرو آمد بایشان آنچه بودند بآن افسوس میکردند وگفته شد که امروز فرو گذاریم شمارا همچنان

نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ۝

که شما در دنیا فراموش کردید دیدار ما امروز بازگاه شما آتش است ونیست شمارا یاری دهنده

ذَٰلِكُمْ بِأَنَّكُمُ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللّٰهِ هُزُوًا وَغَرَّتْكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ

آن بانست که فرا گرفتید آیتهای خدا بافسوس وبفریفت شمارا زندگانی این جهان امروز

لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ ۝ فَلِلّٰهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَاوَاتِ

بیرون نیارند ازان ونگذارند ایشانرا خشنودی جستن خدا است ستایش نیکو خداوند آسمانها

وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

وخداوند زمین خداوند جهانیان واوراست بزرگواری در آسمانها وزمین واوست یکتا توانا

سُورَةُ الْأَحْقَافِ خمس وثلثون آية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

الجزء السادس والعشرون

حمٓ تنزيل الكتاب من الله العزيز الحكيم ما خلقنا السموات
اين حروف فرو فرستاده نامه است از خدا ان توانا دانا نيافريديم آسمانها
والارض وما بينهما الا بالحق واجل مسمى والذين كفروا
و زمين و آنچه ميان ايشانست مگر براستى و زمانى نام زد كرده و آنان كه كافر شدند
عما انذروا معرضون قل ارايتم ما تدعون من دون الله اروني
از آنچه بيم كرده شدند روى گردانيدگانند بگو چه بينيد آنچه ميپرستيد فرود از خدا بنمائيد مرا
ماذا خلقوا من الارض ام لهم شرك في السموات ائتوني بكتاب من قبل
كه چه آفريدند از زمين يا ايشان راست انبازى در آسمانها بياوريد بنامه از پيش
هذا او اثارة من علم ان كنتم صادقين ومن اضل ممن يدعوا من
اين قرآن يا نشانى از دانش اگر هستيد راست گويان كيست گمراه تر از آنكه ميخواند از
دون الله من لا يستجيب له الى يوم القيمة وهم عن دعائهم غافلون
غير خدا چيزى كه پاسخ نكند اورا تا روز قيامت و ايشان از خواندن ايشان غافلانند
واذا حشر الناس كانوا لهم اعداء وكانوا بعبادتهم كافرين واذا
و چون برانگيخته شوند مردم باشند ايشان را دشمنان و باشند بپرستيدن ناگرويدگان و چون
تتلى عليهم اياتنا بينات قال الذين كفروا للحق لما جاءهم هذا سحر
خوانده شود بر ايشان آيتهاى ما روشن گويند آنان كه كافر شدند مر راست را چون بيامد ايشان را اين جادوئيست
مبين ام يقولون افتريه قل ان افتريته فلا تملكون لي من الله
روشن يا گويند فرا ساخت اين سخن بگو اگر من فرا ساختم نتوانيد مرا از خدا
شيئا هو اعلم بما تفيضون فيه كفى به شهيدا بيني وبينكم
چيزى او داناتر است بآنچه شما ميرويد در آن بسنده است بگواهى ميان من و ميان شما
وهو الغفور الرحيم قل ما كنت بدعا من الرسل وما ادري ما يفعل
و اوست آمرزگار مهربان بگو نبودم از نوپيغمبران و نميدانم كه چه خواهند كرد

بي ولا بكم ان اتبع الا ما يوحى الي وما انا الا نذير مبين قل
با من و نه با شما و من پيروى نكنم مگر آنچه وحى فرستادند بمن و نيستم من مگر بيم كننده آشكارا بگو
ارايتم ان كان من عند الله وكفرتم به وشهد شاهد من بني
چه بينيد اگر باشد اين سخن از نزد خدا و كافر شديد بآن و گواهى بداد گواهى از فرزندان
اسراءيل على مثله فامن واستكبرتم ان الله لا يهدي القوم
يعقوب بر مانند آن ايمان آورد و گردن كشيديد درستى كه خدا راه ننمايد گروه
الظالمين وقال الذين كفروا للذين امنوا لو كان خيرا ما سبقونا
ستمكاران و گفتند آنان كه كافر شدند مر آنان را كه گرويدند اگر بودى اين دين نيك پيش نگرفتندى ما را
اليه واذ لم يهتدوا به فسيقولون هذا افك قديم ومن قبله
بآن و چون راه نيافتند بآن زود باشد كه گويند اين دروغى ديرينه است و پيش از آن
كتاب موسى اماما ورحمة وهذا كتاب مصدق لسانا عربيا
نامه موسى پيشوا بود و بخشايش و اين قرآن نامه ايست راست دارنده زبانى تازى
لينذر الذين ظلموا وبشرى للمحسنين ان الذين قالوا ربنا الله
تا بيم نمايد آنانرا كه ستم كردند و بشارتى نيكوكاران را درستى كه آنان كه گفتند خداوند ما خداست
ثم استقاموا فلا خوف عليهم ولا هم يحزنون اولئك اصحاب
انگه بپايدند بران هيچ ترسى نيست بر ايشان و نه ايشان اندوهگين باشند آن گروه اهل
الجنة خالدين فيها جزاء بما كانوا يعملون ووصينا الانسان
بهشت اند جاويدان در ان پاداشن بآنچه كردند و اندرز كرديم مردم را
بوالديه احسانا حملته امه كرها ووضعته كرها وحمله
با مادر و پدر نيكوئى كردن بر داشت او را مادر بدشوارى و فرو نهاد او را بدشوارى و بر داشتن او
وفصاله ثلثون شهرا حتى اذا بلغ اشده وبلغ اربعين سنة
و شير دادن او يا از شير باز كردن سى ماه تا اگر برسد بمردى خويش و برسد بچهل سالگى

قال رب اوزعني ان اشكر نعمتك التي انعمت علي وعلى
گفت خداوند من فرا دل من ده که شکر کنم نیکویی را که با من کردی و نعمت که با من نهادی و بر

والدي وان اعمل صالحا ترضيه واصلح لي في ذريتي اني تبت
پدر و مادر من و انکه کاری کنم نیکو که تو بپسندی و نیکو کن فرزندان و نژاد من درستی که باز گشتم

اليك واني من المسلمين ○ اولئك الذين نتقبل عنهم احسن
بتو و من از مسلمانانم آن گروه آنانند فرا پذیرند از ایشان نیکوتر

ما عملوا ونتجاوز عن سياتهم في اصحاب الجنة وعد الصدق
انکه کردند و فرا گذارند از بدیهای ایشان و ایشان با بهشتیان در بهشت وعدهٔ راست

الذي كانوا يوعدون ○ والذي قال لوالديه اف لكما اتعدانني
آن وعده که ایشان را میدادند انکه گفت پدر و مادر خود را اف شما را آیا وعده میدهید که مرا از گور

ان اخرج وقد خلت القرون من قبلي وهما يستغيثان الله
بیرون خواهند اورد و گذشتند گروه بسیار و مردند از پیش من و مادر و پدر از خدا فریاد رس میخواستند از خدا او

ويلك امن ان وعد الله حق فيقول ما هذا الا اساطير الاولين ○
ویل بر تو بپذیر درستی که وعدهٔ خدا راستست میگوید نیست این سخن مگر افسانه پیشینیان

اولئك الذين حق عليهم القول في امم قد خلت من قبلهم
آن گروه آنانند که درست شد بر ایشان سخن عذاب در گروهانی که گذشتند از پیش ایشان

من الجن والانس انهم كانوا خاسرين ○ ولكل درجات مما عملوا
از پری و آدمی درستی که ایشان بودند زیان کاران و هر یکی را پایهٔ هست از انچه کردند

وليوفيهم اعمالهم وهم لا يظلمون ○ ويوم يعرض الذين كفروا
و تمام بدهند جزاء عملهاء ایشان و هیچ چیز با کم نکنند و آن روز که آرند آنان که کافر شدند

على النار اذهبتم طيباتكم في حياتكم الدنيا واستمتعتم بها
بر دوزخ گویند ببردید خوشیها خویش در زندگانی خویش درین جهان و بخوردید بران

فاليوم تجزون عذاب الهون بما كنتم تستكبرون في الارض بغير
امروز شما را پاداش دهند عذاب خوار بانچه گردن کشی میکردند در زمین بجز

الحق وبما كنتم تفسقون ○ واذكر اخا عاد اذ انذر قومه بالاحقاف
حق و بانچه بودند از طاعت خدا بیرون می‌امدند و یاد کن آن مرد عاد هود چون بیم کرد گروه خود را بریگستانها

وقد خلت النذر من بين يديه ومن خلفه الا تعبدوا الا
و پیش از و پیغمبران بیم نمایان و اگاه کنان بودند و گذشتند و از پس او بودند و گذشتند اگاه کرد که مپرستید مگر

الله اني اخاف عليكم عذاب يوم عظيم ○ قالوا اجئتنا لتافكنا
خدا را براستی که من میترسم بر شما عذاب روزی بزرگ گفتند تو آمدی تا بگردانی ما را

عن الهتنا فاتنا بما تعدنا ان كنت من الصادقين ○ قال
از خدایان ما بیاور انچه وعده میدهی ما را اگر باشی از راست گویان گفت

انما العلم عند الله وابلغكم ما ارسلت به ولكني اريكم قوما
دانش آن نزد خداست و میرسانم بشما انچه مرا فرستادند بآن و لیکن من می بینم شما را گروهی

تجهلون ○ فلما راوه عارضا مستقبل اوديتهم قالوا هذا
که نمیدانند چون بدیدند پارهٔ میغ که از برابر رودها بدید آید گفتند این

عارض ممطرنا بل هو ما استعجلتم به ريح فيها عذاب اليم ○
میغی است که باران خواهد بارید بر ما بلکه آن بارانیست که می شتابیدید بآن بادی است در آن عذاب دردناک

تدمر كل شيء بامر ربها فاصبحوا لا يرى الا مساكنهم كذلك نجزي
هلاک کند هر چیز که بآن بفرمان خدا آن رسد پس بامداد کردند و نه بینند که نشستگاه ایشان همچنین پاداش دهیم

القوم المجرمين ○ ولقد مكناهم فيما ان مكناكم فيه وجعلنا
گروه گناهکاران و بدرستی که دست دادیم ایشان را در انچه که بشما نداديم آن و دادیم

لهم سمعا وابصارا وافئدة فما اغنى عنهم سمعهم ولا ابصارهم
ایشانرا شنوای و بینائیها و دلها سود نکرد ایشانرا شنوائی ایشان و نه بینائیهای ایشان

ولا أفئدتهم من شيء إذ كانوا يجحدون بآيات الله وحاق بهم ما كانوا

و نه دلهاء ایشان از چیزی چون بودند انکار میکردند با نشانها خدا و فرود آمد با ایشان آنچه

به يستهزءون ۞ ولقد أهلكنا ما حولكم من القرى وصرفنا

بان افسوس میکردند و هر آینه هلاک کردیم آنکسانی که پیرامون شما بودند از شهرها و میگردانیدیم

الآيات لعلهم يرجعون ۞ فلولا نصرهم الذين اتخذوا من دون الله

آیتها مگر ایشان باز گردند چرا یاری نداوند ایشان را آنان که گرفتند آن پرستیدند بجز خدا

قربانا آلهة بل ضلوا عنهم وذلك إفكهم وما كانوا يفترون

نزدیکی جستند خدایان بلکه گم گشتند از ایشان و آنچه میگفتند از دروغ ایشان و آنچه ساخته بودند

وإذ صرفنا إليك نفرا من الجن يستمعون القرآن فلما حضروه

و چون گردانیدیم سوی تو گروهی از پریان می نیوشیدند قرآن چون بوی رسیدند

قالوا أنصتوا فلما قضي ولوا إلى قومهم منذرين ۞ قالوا يا قومنا

گفتند خاموش گردید چون قرآن خواندن سپری گردید برگشتند با قوم خویش آگاه کنان گفتند ای قوم ما

إنا سمعنا كتابا أنزل من بعد موسى مصدقا لما بين يديه يهدي

ما شنیدیم نامه فرو فرستادند از پس موسی راست دارنده مر آنچه پیش از آن فرستادند راه مینماید

إلى الحق وإلى طريق مستقيم ۞ يا قومنا أجيبوا داعي الله وآمنوا

براستی و با راه راست ای گروه ما پاسخ کنید خواننده را با خدا و بگروید

به يغفر لكم من ذنوبكم ويجركم من عذاب أليم ۞ ومن لا يجب

با او تا بیامرزد شما را و پاک کند از گناهان شما را و امان دهد شما را از عذاب دردناک و آنکس که پاسخ نکند

داعي الله فليس بمعجز في الأرض وليس له من دونه أولياء أولئك

خواننده با خدای او را از خدای پیش نشود در زمین و نیست او را بجز از خدا یاران آن گروه

في ضلال مبين ۞ أولم يروا أن الله الذي خلق السموات والأرض

در گمراهی اند آشکارا نمی بینند که خدا آن خدا است که آفرید آسمانها و زمین

ولم يعي بخلقهن بقادر على أن يحيي الموتى بلى إنه على كل شيء

و در نماند با آفریدن آن توانا است بر آنکه زنده کند مردگان را بلی او بر همه چیز

قدير ۞ ويوم يعرض الذين كفروا على النار أليس هذا بالحق

توانا است و آن روز که نمایند آنکسانی که کافر شدند بر آتش نیست این درست

قالوا بلى وربنا قال فذوقوا العذاب بما كنتم تكفرون ۞ فاصبر

گویند آری خداوند ما گفت بچشید عذاب با آنچه بودید کافران شکیبائی کن

كما صبر أولوا العزم من الرسل ولا تستعجل لهم كأنهم يوم يرون

همچنان که شکیبائی کردند خداوندان آهنگ درست از پیغمبران و شتاب مکن ایشان را گوئیا ایشان آن روز که بینند

ما يوعدون لم يلبثوا إلا ساعة من نهار بلاغ فهل يهلك إلا القوم الفاسقون

آنچه وعده میدادند درنگ نکردند مگر یکساعت از روز [illegible] هلاک کرده نشوند مگر گروه [illegible]

سورة محمد صلعم ثمان وثلثون آية مدنية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداء بخشاینده مهربان

الذين كفروا وصدوا عن سبيل الله أضل أعمالهم ۞ والذين

آنانی که کافر شدند و برگشتند از راه خدا باطل کرد اعمال ایشان و آنکسانی

آمنوا وعملوا الصالحات وآمنوا بما نزل على محمد وهو الحق

که ایمان آوردند و کردند کارهای نیک و بگرویدند بانچه فرو فرستادند بر محمد صلعم و آن راست

من ربهم كفر عنهم سيئاتهم وأصلح بالهم ۞ ذلك بأن الذين

از خدای ایشان بسترد از ایشان گناهان ایشان و بهتر کرد کار ایشان آن از بهر آن که آنکسان

كفروا اتبعوا الباطل وأن الذين آمنوا اتبعوا الحق من ربهم

کافر شدند و پیرو باطل شدند و آنان که ایمان آوردند پیروی حق کردند از خدای خویش

كذلك يضرب الله للناس امثالهم ۞ فاذا لقيتم الذين كفروا
همچنين ميزنند خدا مردم را مثلها چون بينيد آنانی كه كافر شدند

فضرب الرقاب حتى اذا اثخنتموهم فشدوا الوثاق فاما منا
پس زدنيد گردن تا آنكه بسيار كشتيد ايشان پس محكم بنديد اسيران و سخت مى بنديد يا منت بر نهيد

بعد واما فداء حتى تضع الحرب اوزارها ۞ ذلك ولو يشاء الله
و رها كنيد يا بازخرند تا فرو نهد جنگ ساخت خويش آن و اگر خواسته باشد خدا

لانتصر منهم ولكن ليبلو بعضكم ببعض والذين قتلوا
كين ستاند از ايشان و ليكن مى آزمايد لختى از شما لختى را و آنانی كه كشته شدند

في سبيل الله فلن يضل اعمالهم ۞ سيهديهم ويصلح بالهم ۞
در راه خدا باطل نكند كردار ايشان زود باشد كه خدا راه نمايد ايشان را و باسامان آرد كار ايشان

ويدخلهم الجنة عرفها لهم ۞ يا ايها الذين امنوا ان تنصروا
و در آورد ايشان را بهشت آن را شناخته ايشان گرداند اى آنانی كه ايمان آوردند اگر يارى دهيد

الله ينصركم ويثبت اقدامكم ۞ والذين كفروا فتعسا
خدا را يارى دهد شما را خدا و ثابت دارد قدمهاى شما و آنانی كه كافر شدند هلاك باد

لهم واضل اعمالهم ۞ ذلك بانهم كرهوا ما انزل الله فاحبط
ايشان را و باطل كند عملهاى ايشان آن بآنست كه دشوار آمد آنچه فرو فرستاد خدا پس باطل كرد

اعمالهم ۞ افلم يسيروا في الارض فينظروا كيف كان عاقبة الذين
كردارهاى ايشان نرفتند در زمين پس بنگرند كه چگونه بود سرانجام آنانی

من قبلهم دمر الله عليهم وللكافرين امثالها ۞ ذلك بان
كه از پيش ايشان بودند هلاك آورد خدا بر ايشان و ناگرويدگان را هست مانند آن آن بآنست كه

الله مولى الذين امنوا وان الكافرين لا مولى لهم ۞ ان الله يدخل
خدا يار آنانست كه گرويده باشند و بدرستى كه كافران نيست يار بدرستى كه خدا در آورد

الذين امنوا وعملوا الصالحات جنات تجري من تحتها الانهار
آنانی كه بگرويدند و كردند كارهاى نيكو بستانها روان ميشود از زير درختهاى آن جويها

والذين كفروا يتمتعون ويأكلون كما تأكل الانعام والنار
و آنانی كه كافر شدند برخوردارى ميگيرند و ميخورند همچنان كه خورند چهارپايان و آتش

مثوى لهم ۞ وكاين من قرية هي اشد قوة من قريتك التي اخرجتك
جاى ايشانست اى بسا شهرها كه ايشان سخت‌تر بودند در نيروى از شهر تو كه مكه است كه بيرون كردند ترا

اهلكناهم فلا ناصر لهم ۞ افمن كان على بينة من ربه كمن زين
كه هلاك كرديم ايشان را آيا آنكسى كه بود بر دوستى و بيدايست از خداوند خويش همچنانست كه آراسته شد

له سوء عمله واتبعوا اهواءهم ۞ مثل الجنة التي وعد المتقون
او را بد عمل وى و پس روى كردند هواى خود را مانند بهشت كه وعده داده‌اند پرهيزكاران را

فيها انهار من ماء غير اسن وانهار من لبن لم يتغير طعمه
در آنست جويها از آب روان كه نيست گنديده و جويها از شير كه از حال خود نگشته طعم او

وانهار من خمر لذة للشاربين ۞ وانهار من عسل مصفى
و جويها از مى كه خوش آيد آشامندگان را و جويها از عسل پاك از غش

ولهم فيها من كل الثمرات ومغفرة من ربهم كمن هو
و ايشان راست در آن از هر ميوه و آمرزشى از خداوند ايشان همچنان باشد كه آنكس كه او

خالد في النار وسقوا ماء حميما فقطع امعاءهم ۞ ومنهم
جاويد در آتش باشد و مى آشامند آبى جوشانيده كه پاره پاره كند روده‌ها و از ايشان

من يستمع اليك حتى اذا خرجوا من عندك قالوا للذين اوتوا
كسى هست كه گوش ميدارد با تو تا آنكه كه بيرون روند از نزد تو گويند مر كسانى كه داد

العلم ماذا قال انفا اولئك الذين طبع الله على قلوبهم
دانش چه گفت اين ساعت آنانی كه ايشان را مهر نهاد خدا بر دلهاى ايشان

وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ ۝ وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ

و پی روی کردند هوای خویش را ۝ و آنانی که بر راه راست ایستادند افزود خدا ایشان را راست راهی و داد ایشان را

تَقْوَاهُمْ ۝ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ

پرهیزکاری ۝ هیچ انتظار میکشند مگر رستاخیز را که بیاید بایشان ناگاه بدرستی که آمد

أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ ۝ فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَٰهَ

نشانهاء آن از کجا ایشان را جای پذیرفتن باشد آمده بایشان رستاخیز ۝ بدان که هیچ خدا نیست

إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ

مگر خدا و آمرزش خواه گناهان خود و مومنان را و زنان مومنه را خدا میداند

مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَاكُمْ ۝ وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْلَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ

گردیدن شما و بارگاه شما ۝ و گویند آنانی که ایمان آوردند چرا فرو نفرستند سوره از قرآن

فَإِذَا أُنْزِلَتْ سُورَةٌ مُحْكَمَةٌ وَذُكِرَ فِيهَا الْقِتَالُ رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي

چون فرو فرستند سوره برجای بداشته و یاد کرده در آن کشتن کردن با دشمنان خدا تو ببینی آنانی که در

قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشِيِّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ

دلهاشان شک و نفاقی باشد می نگرند بتو چنانکه در ملک الموت نگرد کسی که درآمد بر وی مرگ

فَأَوْلَىٰ لَهُمْ ۝ طَاعَةٌ وَقَوْلٌ مَعْرُوفٌ فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرُ فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهَ

نزدیک آمد بایشان ماندو سختی پسندیده چون بیاید کارها از کارها اگر راست میرفتند با خدا

لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ ۝ فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ

بودی بهتر ایشان را هیچ شاید بود که چون ولایت دار شوید فساد کنید در زمین

وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ ۝ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ

و پیوند خویشاوندیها ۝ آن گروه آنانند که لعنت کرد ایشان را خدا و کر گردانید

وَأَعْمَىٰ أَبْصَارَهُمْ ۝ أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا

و کور گرد بینائیهای ایشان ۝ در نیندیشند در قرآن یا بر دلها قفلهاست

إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى الشَّيْطَانُ

بدرستی آنان که برگشتند از دین خویش از پس آن پیدا گشت ایشان را راه ۝ دیو

سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَىٰ لَهُمْ ۝ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ

بر آراست ایشان را و اندیشه دراز نمود ایشان را ۝ آن از بهر آنست که گفتند ایشان که دشواری آید ایشان را آنکه فرو فرستاده

اللَّهُ سَنُطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ ۝ فَكَيْفَ إِذَا

خدای از قرآن زود باشد که فرمان بریم شما را در لختی کار و خدا میداند نهانیهاء ایشان ۝ چگونه باشد آنگه

تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ ۝ ذَٰلِكَ

که بمیراند ایشان را فرشتگان میزنند بر رویهاء ایشان و بر قفاء ایشان ۝ آن

بِأَنَّهُمُ اتَّبَعُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهَ وَكَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ ۝ أَمْ

بآنست که در پی آن بودند که خشم خدا در آن بود و دشوار آمد ایشان را پسند خدا تباه کرد و نیست کرد عملهاء ایشان ۝ یا

حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَنْ لَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ أَضْغَانَهُمْ

پنداشتند آنانی که در دلهاء ایشان بود بیماری بیرون نیارد خدا ایشان

وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكَهُمْ فَلَعَرَفْتَهُمْ بِسِيمَاهُمْ ۝ وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ

و اگر خواهیم بتو نمائیم ایشان را هر آینه بشناسی ایشان ۝ و بشناسی ایشان را در

الْقَوْلِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ ۝ وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ

سخن و خدا میداند کردارهاء شما ۝ و ناچاره بیازماید شما را تا ببینیم که کوشنده کیست

مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَنَبْلُوَ أَخْبَارَكُمْ ۝ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ

از شما و صبر کنندگان و تا بر رسیم بخبرهاء شما ۝ بدرستی که آنان که کافر شدند و برگشتند از

سَبِيلِ اللَّهِ وَشَاقُّوا الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ لَنْ يَضُرُّوا

راه خدا و خلاف کردند با رسول پس از آنکه روشن شد ایشان را راهی هیچ نگزایند

اللَّهَ شَيْئًا وَسَيُحْبِطُ أَعْمَالَهُمْ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ

خدا را چیزی و زود باطل کند کردارهاء ایشان ۝ ای آنانی که بگرویدید فرمان برید خدا را

وَاَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا اَعْمَالَكُمْ ۝ اِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا
و فرمان برید رسول را و باطل مکنید عملهاء خویش درستی آنانی که کافر شدند

وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ ثُمَّ مَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يَغْفِرَ اللّٰهُ لَهُمْ ۝
و برگشتند از راه خدا پس بمردند وایشان ناگرویدگان بودند نیامرزد خدا ایشانرا

فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا اِلَى السَّلْمِ وَاَنْتُمُ الْاَعْلَوْنَ وَاللّٰهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتِرَكُمْ
سستی مکنید و مخوانید صلح و آشتی و شما برترید و خدا با شماست و نکاهد از شما

اَعْمَالَكُمْ ۝ اِنَّمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَاِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا
کردار شما چیزی درستی که زندگانی این جهانی بازی است و مشغولی و اگر بگروید و پرهیزکار باشید

يُؤْتِكُمْ اُجُورَكُمْ وَلَا يَسْئَلْكُمْ اَمْوَالَكُمْ ۝ اِنْ يَسْئَلْكُمُوهَا
بشما دهد مزدهاء شما و نمیخواهند از شما مالهاء شما اگر خواهد از شما آنرا

فَيُحْفِكُمْ تَبْخَلُوا وَيُخْرِجْ اَضْغَانَكُمْ ۝ هَا اَنْتُمْ هٰؤُلَاءِ تُدْعَوْنَ لِتُنْفِقُوا
و هر چند که بر شما سخت بخواهد بخیل آیید و بیرون کینها شما آگاهید شما که شما را میخوانند تا نفقه کنید

فِي سَبِيلِ اللّٰهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخَلُ وَمَنْ يَبْخَلْ فَاِنَّمَا يَبْخَلُ عَنْ نَفْسِهِ
در راه خدا از شما کس هست که بخیلی میکند و آنکس که بخیلی درستی که دست از خود فرو بندد

وَاللّٰهُ الْغَنِيُّ وَاَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ وَاِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا
و خدا بی نیاز است و شما درویشان و اگر بر گردید بجای شما آرد خدا گروهی

غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا اَمْثَالَكُمْ ۝
غیر شما پس اگر چون شما نباشند کوشنده تر

سُورَةُ الْفَتْحِ تِسْعٌ وَعِشْرُونَ آيَةً مَدَنِيَّةٌ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشاینده مهربان

اِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا ۝ لِيَغْفِرَ لَكَ اللّٰهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ
درستی که ما بگشادیم ترا گشادنی روشن تا بیامرزد ترا خدا آنچه گذشت از گناه تو

وَمَا تَاَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيَكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ۝
و آنچه خواهی کرد از پس و تمام کند نعمت خود بر تو و راه نماید ترا براه راست

وَيَنْصُرَكَ اللّٰهُ نَصْرًا عَزِيزًا ۝ هُوَ الَّذِي اَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ
و یاری دهد ترا خدا یاری دادنی بزرگ اوست آن خدای که فرو فرستاد آرام ایمان در دلهاء

الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا اِيمَانًا مَعَ اِيمَانِهِمْ وَلِلّٰهِ جُنُودُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ
گرویدگان تا زیادت کنند گرویدنی با گرویدن ایشان و خدا راست لشکرهاء آسمانها و زمین

وَكَانَ اللّٰهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ۝ لِيُدْخِلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي
و بود خدا داناء درست کردار تا در آورد گرویدگان و زنان گرویده به بستانها که روان میشود

مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَيُكَفِّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَكَانَ ذٰلِكَ
از زیر آن جویها جاودان باشند در آن و بسترد از ایشان گناهان ایشان و بود آن

عِنْدَ اللّٰهِ فَوْزًا عَظِيمًا ۝ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ
نزد خدا فیروزی بزرگ و عذاب کند دورویان را و زنان دوروی

وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّانِّينَ بِاللّٰهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ
و انباز گیران و زنان انباز گیرنده گمان برندگان بخدای گمان بردن بد بر ایشان جهان گرد

السَّوْءِ وَغَضِبَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَاَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ
بد و خشم گرفت خدا بر ایشان و لعنت کرد ساخت ایشانرا دوزخ و بد جایگاهی

مَصِيرًا ۝ وَلِلّٰهِ جُنُودُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَكَانَ اللّٰهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ۝
بازگشتی که آنست و خدا راست سپاهها آسمانها و زمین و بود خدا توانا و دانا

اِنَّا اَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ۝ لِتُؤْمِنُوا بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ
درستی که ما بفرستادیم ترا گواه تا بشارت دهی مومنانرا و بیم دهی کافرانرا تا بگروند بخدا و فرستاده او

وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ۝ إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ
ویاری دهید اورا وشکوه دارید اورا وبستایید خدارا بامداد وشبانگاه بدرستی که انان که بیعت میکنند باتو

إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى
بدرستی که بیعت میکنند با خدا دست خدا زبر دست ایشانست انکس که عهد بشکست اشکستن وبدنامی بر

نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهُ اللَّهَ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ۝
تن خود ی ارد انکس که وفا کرد بانچه عهد بست بران با خدا زود باشد که بدهیم اورا مزدی بزرگ

سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا
زود باشد که گویند ترا بازپس کردگان ازین عربان بادیه نشین برداخته داشت ما را مالهاء ما وفرزندان ما

فَاسْتَغْفِرْ لَنَا يَقُولُونَ بِأَلْسِنَتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ
وامرزش خواه ما را میگویند بزبانها انچه نیست در دلهاء ایشان بگو

لَكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ نَفْعًا بَلْ كَانَ اللَّهُ بِمَا
شمارا از خدا چیزی اگر خواهد بشما زیان یا خواهد بشما سودی بلکه بود خدا بانچه

تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ۝ بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَى
میکنید اگاه بلکه گمان میبرید که بازنگردد رسول وگروندگان با

أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَزُيِّنَ ذَلِكَ فِي قُلُوبِكُمْ وَظَنَنْتُمْ ظَنَّ السَّوْءِ وَكُنْتُمْ
کسان خویش همیشه وآراسته شد آن بنداز در دلهاء ایشان وگمان بردید گمان بد وبودید شما

قَوْمًا بُورًا ۝ وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ
گروهی نیست شده وانکس که ایمان نیاورد بخدا ورسول وی بدرستی که ما ساختیم کافرانرا

سَعِيرًا ۝ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ
آتش افروخته وخدا راست پادشاهی آسمانها وزمین بیامرزد انکس که خواهد وعذاب کند

مَنْ يَشَاءُ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۝ سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انْطَلَقْتُمْ
انکس که خواهد وبود ودست خدا آمرزگار بخشاینده زود باشد که گویند بازپس افتادگان چون برفتید

إِلَى مَغَانِمَ لِتَأْخُذُوهَا ذَرُونَا نَتَّبِعْكُمْ يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ
بسوی غنیمتها تا فراگیرید آنرا بگذارید ما را تا پیروی کنیم شمارا میخواهند که بگردانند سخن خدا

قُلْ لَنْ تَتَّبِعُونَا كَذَلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلُ فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَحْسُدُونَنَا
بگو پیروی نکنید ما را همچنین گفت خدا از پیش زود باشد که گویند بلکه حسد میبرید بر ما

بَلْ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا ۝ قُلْ لِلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ
بلکه ایشان نمیدانستند مگر اندکی بگو بازپس افتادگان از بادیه نشین

سَتُدْعَوْنَ إِلَى قَوْمٍ أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ تُقَاتِلُونَهُمْ أَوْ يُسْلِمُونَ فَإِنْ
زود باشد که بخوانند شمارا با گروهی خداوند بازور سخت که کارزار کنید با ایشان تا مسلمان شوند اگر

تُطِيعُوا يُؤْتِكُمُ اللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا وَإِنْ تَتَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُمْ مِنْ قَبْلُ
فرمان بردید بدهد شمارا خدا مزدی نیکو واگر برگردید همچنان که برگشتید از پیش

يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ۝ لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ
عذاب کند شمارا عذابی دردناک نیست بر نابینا بزه برجهاد کردن ونه بر لنگ بزه

وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي
ونه بر بیمار بزه هرکس که فرمان برد خدارا ورسول اورا درآرد اورا در بهشتها که میرود

مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَنْ يَتَوَلَّ يُعَذِّبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا ۝ لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ
از زیر درختان آن جویها وانکس که برگردد از فرمان عذاب کند اورا عذابی دردناک بدرستی که راضی شد

عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ
از گروندگان انگه که بیعت کردند باتو در زیر درخت بدانست خدا انچه در دلهاء ایشانست وفرو فرستاد

السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا ۝ وَمَغَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا
آرام برایشان وپاداش ایشان پیروزی نزدیک وغنیمتهاء بسیار که فراگیرند آنرا

وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ۝ وَعَدَكُمُ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا
وبود خدا توانا دانا وعده داد شمارا خدا غنیمتهاء بسیار که فراگیرید آنرا

فعجل لكم هذه وكف ايدي الناس عنكم ولتكون اية للمؤمنين
بشتابید شمارا این وبازداشت دستهاء مردمان ازشما تاباشد نشانی گرویدگانرا

ويهديكم صراطا مستقيما ۝ واخرى لم تقدروا عليها قد احاط
وراه نماید شمارا راهی راست وچیزی دیگر که دست نیافتید بران ورسیده است

الله بها وكان الله على كل شيء قديرا ۝ ولو قاتلكم الذين كفروا
خدا بان وبود خدا بر همه چیز توانا واگر کارزار کردندی باشما انان که کافر شدند

لولوا الادبار ثم لا يجدون وليا ولا نصيرا ۝ سنة الله التي قد
برگردانیدندی پشت انگه نه یافتندی یاری ونه فریادرسی این ازنهاد خداست که

خلت من قبل ولن تجد لسنت الله تبديلا ۝ وهو الذي كف
روزگار گذشت بران ازپیش ونیابی نهاد خدارا جز گردانی واوست آن خدا که بازداشت

ايديهم عنكم وايديكم عنهم ببطن مكة من بعد ان اظفركم
دستهاء ایشان ازشما ودستهاء شما ازایشان درمیان مکه ازپس انکه دست داد شمارا

عليهم وكان الله بما تعملون بصيرا ۝ هم الذين كفروا وصدوكم
برایشان وبود خدا بانچه میکنید بینا ایشان آنند که کافر شدند وبرگردانیدند شمارا

عن المسجد الحرام والهدي معكوفا ان يبلغ محله ولولا رجال
از طواف مسجد حرام وبازگردانیدند شتران که بهدیه آورده بودند بازداشته تا نرسد بجای کشتن واگرنه مردان

مؤمنون ونساء مؤمنات لم تعلموهم ان تطؤهم فتصيبكم
گرویدگان وزنان گرویدگان بودندی که نمیدانید شما حال ایشان وآگاهی نداشتند ازایشان رسیدی شمارا

منهم معرة بغير علم ليدخل الله في رحمته من يشاء لو تزيلوا
ازایشان گزندی بی دانشی تا درآورد خدا دررحمت خویش آنرا که خواهد اگر آن مردمان جدا شدندی

لعذبنا الذين كفروا منهم عذابا اليما ۝ اذ جعل الذين كفروا
عذاب کردیمی آنانی که کافر شدند ازایشان عذابی دردناک چون کرد آنانی که کافر شدند

في قلوبهم الحمية حمية الجاهلية فانزل الله سكينته على
در دلهاء ایشان زور وکین کین نادانانه فرو فرستاد خدا آرام خود بر

رسوله وعلى المؤمنين والزمهم كلمة التقوى وكانوا احق بها
رسول خود وبر گرویدگان وببست درایشان سخن اهل پرهیز وبودند ایشان سزاوارتر بان

واهلها وكان الله بكل شيء عليما ۝ لقد صدق الله رسوله الرؤيا
واهل آن وبود خدا بهمه چیزی دانا بدرستی که راست گفت خدا ورسول او خواب دیدن

بالحق لتدخلن المسجد الحرام ان شاء الله امنين محلقين رءوسكم
بدرستی که ناچار درروید مسجد مکه را اگر خواسته باشد خدا ناترسیدگان سرستردگان بعضی ازشما

ومقصرين لا تخافون فعلم ما لم تعلموا فجعل من دون ذلك فتحا
وموی ازسر کم کردگان وشما ازکسی نترسید آن دانست که شما نمیدانید کرد خدا پیش از دخول مسجد فتحی

قريبا ۝ هو الذي ارسل رسوله بالهدى ودين الحق ليظهره على
نزدیک اوست آن خدائی که فرستاد رسول او براست راهی ودین راست تا ظاهر کند بر

الدين كله وكفى بالله شهيدا ۝ محمد رسول الله
دینها همه وبسندست بخدا گواهی که محمد فرستاده خداست

والذين معه اشداء على الكفار رحماء بينهم تريهم ركعا
وانانی که بااو بودند سخت اند بر ناگرویدگان ومهربانند بایکدیگر ببینی ایشانرا که در رکوع اند

سجدا يبتغون فضلا من الله ورضوانا سيماهم في وجوههم
وسجود میجویند افزونی از خدا وخشنودی نشان ایشان در روئیهاء ایشان

من اثر السجود ذلك مثلهم في التورية ومثلهم في الانجيل كزرع
ازنشان نماز وسجده اینست صفت ایشان در توریة ومثل ایشان در انجیل چون کشتی

اخرج شطأه فازره فاستغلظ فاستوى على سوقه يعجب الزراع
که بیرون آورد شاخ خود ... بیرون آورد شاخ آن تا محکم شد ونیروی گرفت ... خوش آید برزگران ایشانرا

لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا
باندرداردایشان کافران را وعده داد خدا آنکسانی که بگرویدند و کردند کارها

الصَّالِحَاتِ مِنْهُم مَّغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا
نیکو ازایشان آمرزشی و مزدی بزرگ

سورة الحجرات ثماني عشرة آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشاینده مهربان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ
ای آنان که بگرویدید درمشوید پیش خدا ورسول او وبترسید از عذاب خدا

إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ
که خدا شنوا داناست ای آنانی که ایمان آوردید بلند مکنید آوازها شما

فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ
بالای آواز پیغمبر وبا او بلند مگوید بسخن همچون آشکارا خواندن شما با یکدیگر

أَن تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ
که باطل گردد کردارها شما وشما ندانید درستی که آنانی که فرو دارند آوازها خود

عِندَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَىٰ لَهُم
نزد رسول خدا آن گروه آنانند که رسید باصلاح خدا دلهای ایشان پرهیز را ایشان راست

مَّغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِن وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ
آمرزش و مزدی بزرگ درستی که آنانی که میخوانند ترا بانگ از پس حجرها بیشتر ایشان

لَا يَعْقِلُونَ وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّىٰ تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ
نادان اند واگر ایشان شکیبایی کردندی تا بیرون آمدی برایشان بودی بهتر ایشان را

وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَإٍ
وخدا آمرزگارست مهربان ای آنانی که بگرویدید اگر بیاید بشما نادانی بخبری

فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ
نیک بررسید که برسانید بگروهی بنادانی بدی که پشیمان شوید برانچه کردید پشیمان

وَاعْلَمُوا أَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ
وبدانید که درمیان شما رسول خدا اگر درفرمان شما شود دربسیاری از کارها

لَعَنِتُّمْ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ
در تباهی افتید ولکن خدا دوست کرد بشما ایمان را وبیاراست در دلهاء شما

وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَٰئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ
ودشوار کرد بشما ناگرویدن وسرکشی ونافرمانی آن گروه آنانند راست راهان و رستگار

فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَنِعْمَةً وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ وَإِن طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ
نیکوکاری از خدا و نواخت او وخدا داناست راست دانش واگر دو گروه از گروندگان

اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِن بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ
باهم درافتند آشتی کنید میان ایشان اگر ستم کند وافزونی جوید بر دیگری

فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِن فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا
جنگ کنید با آن افزون جوی تا بازگردد بفرمان خدا اگر افزونی جوی باز آید آشتی سازید میان ایشان

بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ
براستی و دادکار باشید بدرستی که خدا دوست دارد دادگران را بدرستی که مومنان

إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ
برادران اند آشتی کنید میان دو برادر خویش وبترسید از عذاب خدا تا مگر بر شما بخشایند

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا
ای آنان که بگرویدید افسوس مکنند هیچ گروهی از هیچ گروهی مگر که ایشان باشند به

منهم ولا نساء من نساء عسى ان يكن خيرا منهن ولا تلمزوا

انفسكم ولا تنابزوا بالالقاب بئس الاسم الفسوق بعد

الايمان ومن لم يتب فاولئك هم الظالمون يا ايها الذين امنوا

اجتنبوا كثيرا من الظن ان بعض الظن اثم ولا تجسسوا ولا

يغتب بعضكم بعضا ايحب احدكم ان ياكل لحم اخيه ميتا

فكرهتموه واتقوا الله ان الله تواب رحيم يا ايها الناس انا

خلقناكم من ذكر وانثى وجعلناكم شعوبا وقبائل لتعارفوا

ان اكرمكم عند الله اتقاكم ان الله عليم خبير قالت

الاعراب امنا قل لم تؤمنوا ولكن قولوا اسلمنا ولما يدخل

الايمان في قلوبكم وان تطيعوا الله ورسوله لا يلتكم من اعمالكم

شيئا ان الله غفور رحيم انما المؤمنون الذين امنوا بالله ورسوله

ثم لم يرتابوا وجاهدوا باموالهم وانفسهم في سبيل الله

اولئك هم الصادقون قل اتعلمون الله بدينكم والله يعلم ما في

السموات وما في الارض والله بكل شيء عليم يمنون عليك

ان اسلموا قل لا تمنوا علي اسلامكم بل الله يمن عليكم

ان هداكم للايمان ان كنتم صادقين ان الله

يعلم غيب السموات والارض والله بصير بما تعملون

سورة ق مكية خمس واربعون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداى بخشاينده مهربان

ق والقران المجيد بل عجبوا ان جاءهم منذر منهم فقال

الكافرون هذا شيء عجيب ائذا متنا وكنا ترابا ذلك رجع

بعيد قد علمنا ما تنقص الارض منهم وعندنا كتاب حفيظ

بل كذبوا بالحق لما جاءهم فهم في امر مريج ۝ افلم ينظروا الى السماء
بلکه بدروغ شمردند سخن راست که آمد بایشان وایشان درکاری بودند شوریده آیا نمی نگرید به آسمان

فوقهم كيف بنيناها وزيناها وما لها من فروج ۝ والارض
که بالای سر ایشانست چگونه افراشتیم و بیاراستیم ونیست آنرا از شکافی وزمین را

مددناها والقينا فيها رواسي وانبتنا فيها من كل زوج
بازکشیدیم وافکندیم دران کوههاء بلند وبرویانیدیم دران از هر نوعی

بهيج ۝ تبصرة وذكرى لكل عبد منيب ۝ ونزلنا من السماء
نیکو بازنمودن را ویاد دادن را مر هر بندهٔ بازگردنده بدل وفرو فرستادیم از آسمان

ماء مباركا فانبتنا به جنات وحب الحصيد ۝ والنخل باسقات
آبی مبارک بابرکت پس برویانیدیم بان ابستانها و دانه درووده ودرخت خرما بلند بارآور

لها طلع نضيد ۝ رزقا للعباد واحيينا به بلدة ميتا كذلك
اورا خوشه میوه ان درهم انشسته داشت بندکانرا وزنده کردیم بان زمین مرده همچنین

الخروج ۝ كذبت قبلهم قوم نوح واصحاب الرس وثمود
بیرون آوردن ازگور بدروغ داشتند ایش ایشان گروه نوح نوح را واصحاب چاه وثمود قوم صالح

وعاد وفرعون واخوان لوط ۝ واصحاب الايكة وقوم تبع
وعاد قوم هود وفرعون موسی وکسان لوط وقوم شعیب وگروه تبع

كل كذب الرسل فحق وعيد ۝ افعيينا بالخلق الاول بل هم في
همه دروغ زن کردند فرستادکانرا واجب گشت سزا ایشانرا ماندیم بافرینش نخستین بلکه ایشان در

لبس من خلق جديد ۝ ولقد خلقنا الانسان ونعلم ما توسوس
کمان اند از افرینش نو وبدرستی که بیافریدیم مردم را ومیدانیم انچه می اندیشد

به نفسه ونحن اقرب اليه من حبل الوريد ۝ اذ يتلقى المتلقيان
دردل او تن او وما نزدیکتریم باو از رگ گردن چون می ربایند آن دو سخن ربای

باجه وعده داده بودم

عن اليمين وعن الشمال قعيد ۝ ما يلفظ من قول الا لديه
از سوی راست وازسوی چپ نشسته بیرون نندهد از گفتاری مگر که نزد او

رقيب عتيد ۝ وجاءت سكرة الموت بالحق ذلك ما كنت منه
نگهبانیست حاضر وساخته آمد آورد مستی مرگ کار راست آن

تحيد ۝ ونفخ في الصور ذلك يوم الوعيد ۝ وجاءت كل نفس
دردمند درصور آن روز بیم وترس است وآمد هر تنی را وزوا

معها سائق وشهيد ۝ لقد كنت في غفلة من هذا فكشفنا
با او راننده بهشت یا دوزخ وگواهی بدرستی که بودی دربی آگاهی ازین پس بازبردیم
مرکار ویکی و مؤمن با بان

عنك غطاءك فبصرك اليوم حديد ۝ وقال قرينه هذا ما لدي
از تو پرده کان تو چشم تو امروز تیزبین است وگوید قرین او یعنی فرشته این آن کردار است
که نزدیک من

عتيد ۝ القيا في جهنم كل كفار عنيد ۝ مناع للخير معتد
ساخته اند افکنید وبیندازید در دوزخ هر ناگرونده گردن کشی سر شوخ بازدارنده از نیکی اندازه

مريب ۝ الذي جعل مع الله الها اخر فالقياه في العذاب
درگذارنده بی گمان آنکه کرد اینید ورستید با خدا خدایان دیگر پس درافکنید اورا درعذاب

الشديد ۝ قال قرينه ربنا ما اطغيته ولكن كان في ضلال
سخت گوید دیو او پروردگارا ما نداشتیم بر نافرمانی اورا ولیکن بود در گمراهی

بعيد ۝ قال لا تختصموا لدي وقد قدمت اليكم بالوعيد
دور اگه گوید جنگ مکنید نزد من وپیش بان سخن خویش پیش آینده بودم بشما بوعید

ما يبدل القول لدي وما انا بظلام للعبيد ۝ يوم نقول
بگرداند سخن من نزدیک من ومن نیستم ستمکار بندکانرا امروز که گوییم

لجهنم هل امتلات وتقول هل من مزيد ۝ وازلفت الجنة للمتقين
دوزخ هیچ پر شدی گوید هیچ ایز داری ونزدیک آورند بهشت پرهیزکارانرا

غَيْرَ بَعِيدٍ ۝ هَٰذَا مَا تُوعَدُونَ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيظٍ ۝ مَنْ خَشِيَ الرَّحْمَٰنَ
جز دور · گویند این آنست که وعده دادند هر بازگردنده با خدا نگاه دارنده فرمان او · آنکس که بترسد از رحمن

بِالْغَيْبِ وَجَاءَ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ ۝ ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ ۝
نادیده و بیاید بدلی گراینده با او · درآورند او را بسلامت آن روز جاویدی است

لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ ۝ وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ
ایشان راست آنچه خواهند در آن و نزد ماست افزون از خواسته · و نیست کردیم پیش از ایشان از گروه

هُمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِنْ مَحِيصٍ ۝ إِنَّ فِي
که ایشان سختتر از ایشان و برکوشنده تر دور شدند و فرا وان رسند در میر و شهرها نگر با هیچ رستند · بدرستی که در

ذَٰلِكَ لَذِكْرَىٰ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ ۝
این سخن پندست آنکس را که بود او را دل زنده یا فرا دارد گوش و او دریافت را حاضرست

وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ
و بدرستی که بیافریدیم آسمانها و زمین و آنچه میان ایشان است در شش روز

وَمَا مَسَّنَا مِنْ لُغُوبٍ ۝ فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ
و نرسید با هیچ رنج و ماندگی · شکیبایی کن بر آنچه میگویند · و نماز کن بشکر پروردگار تو

قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ ۝ وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَأَدْبَارَ
پیش از برآمدن آفتاب و پیش از فروشدن آن · و از شب نماز کن او را و پس نماز شب

السُّجُودِ ۝ وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ ۝ يَوْمَ يَسْمَعُونَ
بروقت دمیدن صبح و گوش بازدار آن روز که آواز دهد آواز دهنده از جای نزدیک · آن روز که بشنوند

الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ ۝ إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَإِلَيْنَا
بانگ بکارپیش شدنی · این آن روزست که بیرون آیند از گورها · بدرستی که ما زنده کنیم و بمیرانیم و بماست

الْمَصِيرُ ۝ يَوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَٰلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ
بازگشت · روزی که شکافته شود زمین از ایشان شتابان آن فراهم آوردنیست بر ما آسان

نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَعِيدِ ۝
ما داناتریم بآنچه میگویند فر ترا و نیستی تو بر ایشان نه پادشاه و نه کامران بند ده بقرآن آنکس که بترسد بیم ما و تهدید ما

سُورَةُ وَالذَّارِيَاتِ سِتُّونَ آيَةً مَكِّيَّةٌ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشاینده مهربان

وَالذَّارِيَاتِ ذَرْوًا ۝ فَالْحَامِلَاتِ وِقْرًا ۝ فَالْجَارِيَاتِ يُسْرًا ۝ فَالْمُقَسِّمَاتِ
یاد باد که خرمن بر میکیند برکندنی · بمیغها که بار گران میکشد · بروندگان که باسانی میروند · بفرشتگان که روزی بخش

أَمْرًا ۝ إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٌ ۝ وَإِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ ۝ وَالسَّمَاءِ ذَاتِ
بفرمان · بدرستی آنچه وعده داده اند راستست · و بدرستی که پاداش افتادنی بود · بهشت با آن آسمان با راش

الْحُبُكِ ۝ إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُخْتَلِفٍ ۝ يُؤْفَكُ عَنْهُ مَنْ أُفِكَ ۝ قُتِلَ
محکم · که شما در گفتاری گوناگون ناراست اید · برمیگردانند ازو آنکس که برگردانیده اند · نفرین باد

الْخَرَّاصُونَ ۝ الَّذِينَ هُمْ فِي غَمْرَةٍ سَاهُونَ ۝ يَسْأَلُونَ أَيَّانَ يَوْمُ
آن دروغ زنان · آنانی که در نایافت از باز ماندگان است · می پرسند · روز پاداش و روز

الدِّينِ ۝ يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ ۝ ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ هَٰذَا الَّذِي
شمارگی است · آن روز در آتش می رسند که در دنیا بر چه بودند بچشند پاداش آنچه پاسخ دادید آنست

كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ ۝ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ۝ آخِذِينَ مَا
که بازی می شتابیدید · بدرستی که پرهیزکاران در بستانها و چشمها · فراگیرندگان آنچه

آتَاهُمْ رَبُّهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَٰلِكَ مُحْسِنِينَ ۝ كَانُوا قَلِيلًا
بداد ایشان را خداوند ایشان · بدرستی که بودند پیش از آن نیکوکاران · بودند اندکی

مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ ۝ وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ ۝ وَفِي أَمْوَالِهِمْ
از شب که بخفتندی · و بسحرها ایشان آمرزش خواهند · و در مالهاء ایشان

حق للسائل والمحروم ۝ وفي الأرض آيات للموقنين ۝ وفي أنفسكم

حقی میداشتند خواهنده کان را و ناخواهنده ۝ و در زمین نشانهاست بی گمانان را ۝ و در تنهاء شما

أفلا تبصرون ۝ وفي السماء رزقكم وما توعدون ۝ فورب

آیا نمی نگرید ۝ و در آسمانست روزی شما و آنچه شما را وعده میدهند ۝ ~~بحق خدای~~

~~السماء رزقكم وما توعدون~~ فورب السماء والأرض إنه

~~آسمان~~ بحق خدای آسمان و زمین درستی این سخن راستست

لحق مثل ما أنكم تنطقون ۝ هل أتاك حديث ضيف إبراهيم

که همچنان راستست که شما سخن میگوئید ۝ رسید بتو حدیث مهمان ابراهیم

المكرمين ۝ إذ دخلوا عليه فقالوا سلاما قال سلام قوم

از گرامیان ۝ چون درآمدند برو ۝ گفتند سلام میکنیم بر تو گفت ابراهیم پاسخ میدهیم سلام شما گروهی

منكرون ۝ فراغ إلى أهله فجاء بعجل سمين ۝ فقربه إليهم قال

نمی شناسیم این گروه را ۝ پنهان با اهل خویش گشت آورد گوساله فربه ۝ و نزدیک کرد با ایشان گفت

ألا تأكلون ۝ فأوجس منهم خيفة قالوا لا تخف وبشروه

چرا نمیخورید ۝ بترسید از ایشان ترسیدنی ۝ گفتند مترس و مژده دادند اورا

بغلام عليم ۝ فأقبلت امرأته في صرة فصكت وجهها وقالت

به پسری دانا ۝ روی کرد زنش با آوازی بلند انگشتان دست خویش خود زد و گفت

عجوز عقيم ۝ قالوا كذلك قال ربك إنه هو الحكيم العليم

پیر نازاینده ۝ گفتند فرشتگان همچنین شد گفت خداوند تو که او خداست دانا نیکودان

قال فما خطبكم أيها المرسلون ۝ قالوا إنا أرسلنا إلى قوم مجرمين

گفت ابراهیم چیست حال شما و بچه کار آمده اید ای رسولان ۝ گفتند ما فرستاده شدیم با گروهی گناه کاران

لنرسل عليهم حجارة من طين ۝ مسومة عند ربك للمسرفين ۝ فأخرجنا

تا فرو گذاریم بر ایشان سنگها از گل ۝ نشان کرده و نام نوشته نزد خداوند تو گزاف کاران را ۝ بیرون آوردیم

من كان فيها من المؤمنين ۝ فما وجدنا فيها غير بيت من المسلمين ۝

آنکس که بود در آن شارستان از گرویدگان ۝ نیافتیم ما در آن جز خانه از مسلمانان

وتركنا فيها آية للذين يخافون العذاب الأليم ۝ وفي موسى

وبگذاشتیم در آن نشانی همه کسانی را که میترسند عذاب دردناک ۝ و در موسی عبرتست

إذ أرسلناه إلى فرعون بسلطان مبين ۝ فتولى بركنه وقال

چون بفرستادیم اورا بسوی فرعون بحجتی آشکارا ۝ برگشت او با سپاه خویش از وی آن بر داری وگفت

ساحر أو مجنون ۝ فأخذناه وجنوده فنبذناهم في اليم وهو مليم

جادوییست یا دیوانه ۝ بگرفتیم اورا و لشکر او پس بینداختیم ایشان را در دریا و او بجای ملامت بود

وفي عاد إذ أرسلنا عليهم الريح العقيم ۝ ما تذر من شيء

و نشانی آشکاراست در عاد چون فرو گشادیم بر ایشان باد نزا ۝ نگذاشت هیچ چیز

أتت عليه إلا جعلته كالرميم ۝ وفي ثمود إذ قيل لهم تمتعوا

آمد برو مگر آنچیز که خود کرد همچون استخوان ریزیده ۝ و در ثمود نشانی آشکاراست چون گفتند ایشان را برخوردار بوید

حتى حين ۝ فعتوا عن أمر ربهم فأخذتهم الصاعقة وهم

تا زمان سه روز ۝ برگشتند بسرکشی از فرمان خداوند خویش فرا گرفت ایشان را بانگ با عذاب و ایشان

ينظرون ۝ فما استطاعوا من قيام وما كانوا منتصرين ۝ وقوم

چشمها گشاده ۝ از آن افتادن هیچ برخواستن نتوانستند و از رسیده خویش کین ستدن نتوانستند ۝ و گروه

نوح من قبل إنهم كانوا قوما فاسقين ۝ والسماء بنيناها بأيد

نوح را گرفتیم پیش از گروه لوط و عاد و ثمود که ایشان بودند گروهی از فرمان داری بیرون ۝ و آسمانها برافراشتیم به نیرو

وإنا لموسعون ۝ والأرض فرشناها فنعم الماهدون ۝ ومن كل

و ما فراخ توانان و فراخ دارانیم ۝ و زمین بگسترانیدیم بهمین باز کردیم نیکو گسترانندگان که ماییم ۝ و از هر

شيء خلقنا زوجين لعلكم تذكرون ۝ ففروا إلى الله إني لكم منه

چیز بیافریدیم جفتی ۝ تا مگر که شما پند پذیرید ۝ بگریزید با خدا که من شما را ازو

نذير مبين ۝ ولا تجعلوا مع الله الها آخر انى لكم منه نذير مبين

كذلك ما اتى الذين من قبلهم الا قالوا ساحر او مجنون ۝ اتواصوا

من رسول
هیچ فرستاده

به بل هم قوم طاغون ۝ فتول عنهم فما انت بملوم ۝ وذكر

فان الذكرى تنفع المؤمنين ۝ وما خلقت الجن والانس

الا ليعبدون ۝ ما اريد منهم من رزق وما اريد ان يطعمون

ان الله هو الرزاق ذو القوة المتين ۝ فان للذين ظلموا ذنوبا

مثل ذنوب اصحابهم فلا يستعجلون ۝ فويل للذين كفروا من يومهم

سورة والطور تسع واربعون

الذي يوعدون

بسم الله الرحمن الرحيم

والطور ۝ وكتاب مسطور ۝ في رق منشور ۝ والبيت المعمور

والسقف المرفوع ۝ والبحر المسجور ۝ ان عذاب ربك لواقع ۝ ما له

من دافع ۝ يوم تمور السماء مورا ۝ وتسير الجبال سيرا ۝ فويل

يومئذ للمكذبين ۝ الذين هم في خوض يلعبون ۝ يوم يدعون

الى نار جهنم دعا ۝ هذه النار التي كنتم بها تكذبون

افسحر هذا ام انتم لا تبصرون ۝ اصلوها فاصبروا او لا تصبروا

سواء عليكم انما تجزون ما كنتم تعملون ۝ ان المتقين في جنات

ونعيم ۝ فاكهين بما آتاهم ربهم ووقاهم ربهم عذاب

الجحيم ۝ كلوا واشربوا هنيئا بما كنتم تعملون ۝ متكئين على

سرر مصفوفة وزوجناهم بحور عين ۝ والذين آمنوا واتبعتهم

ذريتهم بايمان الحقنا بهم ذريتهم وما التناهم من عملهم

من شيء كل امرئ بما كسب رهين ۝ وامددناهم بفاكهة

ولحم مما يشتهون ۝ يتنازعون فيها كأسا لا لغو فيها ولا

تأثيم ۝ ويطوف عليهم غلمان لهم كأنهم لؤلؤ مكنون
و دشنام و دروغ زن گرفتن و میگردند برایشان غلامکان ایشان گوییا ایشان مروارید اند در صدف
وأقبل بعضهم على بعض يتساءلون ۝ قالوا إنا كنا قبل في
روی فرا یکدیگر کرده اند و از گذشتها می پرسند گویند که ما بودیم پیش در
أهلنا مشفقين ۝ فمن الله علينا ووقانا عذاب السموم ۝
میان کسان خویش ترسان منت نهاد خدا بر ما و نگه داشت ما را از عذاب آتش
إنا كنا من قبل ندعوه إنه هو البر الرحيم ۝ فذكر فما أنت بنعمت
بدرستی که بودیم ما از پیش میخواندیم او را بدرستی که او نیکوکار مهربان است یاد کن و پند ده نیستی تو بان نیکویی
ربك بكاهن ولا مجنون ۝ أم يقولون شاعر نتربص به ريب
که خداوند تو با تو کرد اخترگوی و نه دیوانه یا میگویند که شعرگوی است چشم میداریم بان بد افتادن
المنون ۝ قل تربصوا فإني معكم من المتربصين ۝ أم تأمرهم
جهان بگو چشم دارید که من نیز با شما چشم میدارم یا میفرماید ایشانرا
أحلامهم بهذا أم هم قوم طاغون ۝ أم يقولون تقوله بل لا
خردها ایشان بان یا ایشان گروهی اند شوخ از اندازه بیرون یا میگویند فرا نهاد این سخن نساخت نه
يؤمنون ۝ فليأتوا بحديث مثله إن كانوا صادقين ۝ أم خلقوا
میگروند باید که بیاورند سخنی مانند این اگر هستید راست گویان یا آفریده شدند
من غير شيء أم هم الخالقون ۝ أم خلقوا السموات والأرض بل لا
بجز از آفریدگاری یا ایشان آفریننده اند یا آفریده اند آسمانها و زمین بلکه ایشان
يوقنون ۝ أم عندهم خزائن ربك أم هم المسيطرون ۝ أم لهم
بی گمان نمی باشند یا نزد ایشانست خزانها خدای تو یا ایشان پادشاهانند و کامکاران یا ایشانرا
سلم يستمعون فيه فليأت مستمعهم بسلطان مبين ۝
نردوانیست که بآسمان میشنوند ان گوی آرد شنونده ایشان بآسمان حجتی آشکارا

أم له البنات ولكم البنون ۝ أم تسألهم أجرا فهم من مغرم
یا او را دختران و شما را پسران یا میخواهی از ایشان مزدی که ایشان از تاوان مزد
مثقلون ۝ أم عندهم الغيب فهم يكتبون ۝ أم يريدون كيدا
گران بارانند یا نزد ایشانست نهان و ایشان یا بسازند دستانی و سازند
فالذين كفروا هم المكيدون ۝ أم لهم إله غير الله سبحان الله عما
انانی که کافر شدند ایشان خداوند و دستان ساز نهانی او یا ایشانرا هست خدا جز خدا پاکی خدا را از آنچه
يشركون ۝ وإن يروا كسفا من السماء ساقطا يقولوا سحاب مركوم
انباز میگویند و اگر بینند که پاره از آسمان فرو افتد گویند ابریست برهم نشسته
فذرهم حتى يلاقوا يومهم الذي فيه يصعقون ۝ يوم لا يغني عنهم
رها کن ایشانرا تا برسند بروزی که در آن روز بر روی در عذاب افتند آن روزی که سود نکند از ایشان
كيدهم شيئا ولا هم ينصرون ۝ وإن للذين ظلموا عذابا دون
بدسگالی چیزی و یاری نه دهند ایشانرا بدرستی که آنانی که ستم کاراند عذابیست در دنیا و در گور جز
ذلك ولكن أكثرهم لا يعلمون ۝ واصبر لحكم ربك فإنك بأعيننا
از عذاب دوزخ ولکن بیشترین ایشان نمیدانند و صبر کن حکم خداوند خویش بدرستی که تو به دیدار چشم ما
وسبح بحمد ربك حين تقوم ۝ ومن الليل فسبحه وإدبار النجوم ۝
و پاکی بستا خداوند خویش را آنگه برخیزی از خواب و بشب نماز کن او را و به پی غیبها یاد کن و پس نهان شدن

سورة والنجم اثنان وستون آية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشاینده مهربان

والنجم إذا هوى ۝ ما ضل صاحبكم وما غوى ۝ وما ينطق عن
بحق ستاره قرآن چون فرو آید از آسمان که گمراه نشد این مرد شما و راه گم نرفت و سخن نگفت از

الهوى ان هو الا وحى يوحى علمه شديد القوى ذو مرة

دانست خویش نیست ان مگر پیغامی که میدهند درآموخت در وی سخت نیروها آن محکم نیرو

فاستوى وهو بالافق الاعلى ثم دنا فتدلى فكان قاب

راست شد واو بان سوی برترین پس نزدیک شد وفرواید پس بود تا اندازه

قوسين او ادنى فاوحى الى عبده ما اوحى ما كذب

دو کمان گشت در نزدیکی یا نزدیکتر وحی کرد بابنده خود انچه او کند دروغ ندید

الفؤاد ما راى افتمارونه على ما يرى ولقد راه نزلة اخرى

دل انچه دید مکنند با او بر انچه او دید بدرستی که او دید یکبار دیگر دیدار وی

عند سدرة المنتهى عندها جنة الماوى اذ يغشى السدرة

نزد سدره انجاکه دانش خلق را انجا بیش رسد نزد آن درخت بهشت که جای دوستانست اکه می پجید در آن درخت

ما يغشى ما زاغ البصر وما طغى لقد راى من ايات ربه

انچه می پجید ازان کژ نشد چشم رسول وازراست بیرون درنگذشت وحقاکه دید از نشانها خداوند خود

الكبرى افرايتم اللات والعزى ومناة الثالثة الاخرى

بزرگ ... چه بینید این که می پرستند لات وعزی ومنات این توانند که خدا توانند

الكم الذكر وله الانثى تلك اذا قسمة ضيزى ان هى

باشد شما را پسر واورا دختر اکنون پس بخشش است کژ وستم کار نیست این

الا اسماء سميتموها انتم واباؤكم ما انزل الله بها من

مگر نامها که شما کردید ان شما وپدران شما فرو نفرستاد خدا بان از

سلطان ان يتبعون الا الظن وما تهوى الانفس ولقد جاءهم

حجتی نمیکنند پیروی مگر گمان بردن وانچه آرزو کند تنها بدرستی که آمد ایشانرا

من ربهم الهدى ام للانسان ما تمنى فلله الاخرة والاولى

از خداوند ایشان کار راست یا باشد هرچه مردم آرزو کند خداراست آنجهان واین جهان

حزب

وكم من ملك فى السموات لا تغنى شفاعتهم شيئا الا من بعد

بسا از فرشته که در آسمانهاست سود نکند شفاعت ایشان چیزی مگر پس

ان ياذن الله لمن يشاء ويرضى ان الذين لا يؤمنون بالاخرة

اکه دستوری یابد از خدا آنکس را که خواهد وبپسندد بدرستی انانی که نگروند ...

ليسمون الملائكة تسمية الانثى وما لهم به من علم

نام نهادند فرشتگان را نام کردن مادگان ونیست ایشانرا بان هیچ دانشی

ان يتبعون الا الظن وان الظن لا يغنى من الحق شيئا فاعرض

پیروی نمیکنند مگر گمانی بدرستی که گمان سود نکند از راست چیزی روی گردان

عن من تولى عن ذكرنا ولم يرد الا الحيوة الدنيا ذلك مبلغهم

ازانکس که برگشت از یاد ما ونخواست مگر زندگانی این جهان رسید ایشان

من العلم ان ربك هو اعلم بمن ضل عن سبيله وهو اعلم بمن اهتدى

از دانش بدرستی که خدا او است داناتر بانکس که گمگشت از راه خدا واو داناتر بانکس که راه یافت

ولله ما فى السموات وما فى الارض ليجزى الذين اساءوا بما عملوا

وخدا راست انچه در آسمانها وانچه در زمین است تا پاداش دهد انانی که بد کردند با نچه کردند

ويجزى الذين احسنوا بالحسنى الذين يجتنبون كبائر الاثم

وپاداش دهد انانی که نیکو کردند پاداش نیکو انانی که دوری جویند از بزرگ گناه

والفواحش الا اللمم ان ربك واسع المغفرة هو اعلم بكم

وزشتیها مگر اندک ... بدرستی که خدای تو فراخ آمرزش است او داناتر بشما

اذ انشاكم من الارض واذ انتم اجنة فى بطون امهاتكم فلا

اکه آفرید شمارا از زمین وچون بودید شما نازاده در شکمها مادران شما

تزكوا انفسكم هو اعلم بمن اتقى افرايت الذى تولى واعطى قليلا

بی گناه منمائید تنها خود او داناتر بانکس ... آیا بینی آنکس که برگشت ... وداد اندکی

وَاَعْطٰى قَلِيلًا وَاَكْدٰى ۝ اَعِنْدَهُ عِلْمُ الْغَيْبِ فَهُوَ يَرٰى ۝ اَمْ لَمْ يُنَبَّاْ بِمَا فِى صُحُفِ مُوسٰى ۝

واكاه آيا نزد او دانش نهان كه او مى بيند يا او را اكاه نكردند بانچه در صحيفه موسى

وَاِبْرٰهِيمَ الَّذِى وَفّٰى ۝ اَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ اُخْرٰى ۝ وَاَنْ لَيْسَ

وابرهيم كه سپرى كرد ونكذارد نكشند هيچ بارکش بار كسى ديكر ونيست

لِلْاِنْسَانِ اِلَّا مَا سَعٰى ۝ وَاَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرٰى ۝ ثُمَّ يُجْزٰيهُ

مردم را از پاداش مكر انچه خود كرد وبدرستى كه كردار او بازنمانيد او را انكه پاداش دهند او را

الْجَزَآءَ الْاَوْفٰى ۝ وَاَنَّ اِلٰى رَبِّكَ الْمُنْتَهٰى ۝ وَاَنَّهُ هُوَ اَضْحَكَ وَاَبْكٰى ۝

پاداش سپرى تر وبدرستى بسوى پروردكار تو واوست ان خدا كه بخندانيد وبكريانيد

وَاَنَّهُ هُوَ اَمَاتَ وَاَحْيَا ۝ وَاَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْاُنْثٰى ۝

واو آن خداست كه بميرانيد وزنده كرد واوست كه بيافريد هر دو جفت نرينه وماديينه

مِنْ نُطْفَةٍ اِذَا تُمْنٰى ۝ وَاَنَّ عَلَيْهِ النَّشْاَةَ الْاُخْرٰى ۝ وَاَنَّهُ هُوَ اَغْنٰى

از نطفه انكه او را بازندارد وبروست آفرينش پسين واوست كه بى نيازكرد

وَاَقْنٰى ۝ وَاَنَّهُ هُوَ رَبُّ الشِّعْرٰى ۝ وَاَنَّهُ اَهْلَكَ عَادًا الْاُولٰى ۝

ومال داد واوست خداوند ستاره كه شعرا خوانند واوست كه هلاك كرد عاديان اول

وَثَمُودَ فَمَا اَبْقٰى ۝ وَقَوْمَ نُوحٍ مِنْ قَبْلُ اِنَّهُمْ كَانُوا هُمْ اَظْلَمَ وَاَطْغٰى ۝

وثمود را هيچ بازمانده نكذاشت وكروه نوح را هلاك كرد پيش عاد وثمود بدرستى كه ايشان بودند ستمكارتر وافزونتر

وَالْمُؤْتَفِكَةَ اَهْوٰى ۝ فَغَشّٰيهَا مَا غَشّٰى ۝ فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكَ

وبان نكونساران را نكونسار در نشيب افكند وفرا ايشان نشاند انچه نشاند بكدام نعمتها خويش

تَتَمَارٰى ۝ هٰذَا نَذِيرٌ مِنَ النُّذُرِ الْاُولٰى ۝ اَزِفَتِ الْاٰزِفَةُ ۝ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ

مى نكروى اينست اكاه كننده از اكاه كنندكان پيش نزديك شد قيامت نيست او را بجز از

اللّٰهِ كَاشِفَةٌ ۝ اَفَمِنْ هٰذَا الْحَدِيثِ تَعْجَبُونَ ۝ وَتَضْحَكُونَ وَلَا

خدا بازبند از اين سخن شكفت ميداريد وميخنديد ونه

تَبْكُونَ ۝ وَاَنْتُمْ سَامِدُونَ ۝ فَاسْجُدُوا لِلّٰهِ وَاعْبُدُوا ۝

ميكرييد وشما بازى وافسوس كنيد بان سخن سجده كنيد خدا را واو را پرستيد

سورة الساعة خمس وخمسون آية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداى بخشاينده مهربان

اِقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ ۝ وَاِنْ يَرَوْا اٰيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا

نزديك شد قيامت وشكافته شد ماه واكر بينند نشانى روى بكردانند وكويند

سِحْرٌ مُسْتَمِرٌّ ۝ وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا اَهْوَآءَهُمْ وَكُلُّ اَمْرٍ مُسْتَقِرٌّ ۝

جادوئيست شدنى وتباه كشتنى ودروغ زن كرفتند رسول و پيروى هوا خود كنند وهر كارى آخر بجاى خويش قرار كيرد

وَلَقَدْ جَآءَهُمْ مِنَ الْاَنْبَآءِ مَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ ۝ حِكْمَةٌ بَالِغَةٌ

بدرستى كه آمد بايشان از خبرها انچه در آن جاى آن هست كه بازمانند از بد وباز ايستند ازين سخنى راست برجاى خويش رسيدنى

فَمَا تُغْنِ النُّذُرُ ۝ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ اِلٰى شَيْءٍ نُكُرٍ ۝

وچه بكار آيد اكاه كنندكان روى كردان از ايشان روزى كه بخواند خواننده با چيزى دشوار

خُشَّعًا اَبْصَارُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْاَجْدَاثِ كَاَنَّهُمْ جَرَادٌ مُنْتَشِرٌ ۝

فروشكسته چشمها ايشان بيرون آيند از كورها كويا كه ملخها اند پراكنده

مُهْطِعِينَ اِلَى الدَّاعِ يَقُولُ الْكَافِرُونَ هٰذَا يَوْمٌ عَسِرٌ ۝ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ

شتابان بسوى خواننده كويند ناكرويدكان اين روزى دشوار دروغ شمردند پيش ايشان

قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَازْدُجِرَ ۝ فَدَعَا رَبَّهُ اَنِّى

كروه نوح دروغ زن داشتند بنده ما وكفتند ديوانه ايست ومى ترسانيدند پس بخواند خداوند را كه من

مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ ۝ فَفَتَحْنَا اَبْوَابَ السَّمَآءِ بِمَآءٍ مُنْهَمِرٍ ۝

كم آوردند وبار شكسته كين كش بكشاديم درها آسمان بآبى سخت بارنده وريزان

وفجرنا الأرض عيونا فالتقى الماء على أمر قد قدر ۝ وحملناه على
وبرکنادیم زمین را چشمها درهم رسید آب بکاری بازانداخته وساخته وبرداشتیم بر

ذات ألواح ودسر ۝ تجري بأعيننا جزاء لمن كان كفر ۝
کشتی ازتخته ومیخ تختها ومیخها میرود بردیدار ما پاداش مر آنکه بود ناگرویده

ولقد تركناها آية فهل من مدكر ۝ فكيف كان عذابي ونذر
ودرستی که بگذاشتیم ازان نشانی هیچ پند پذیر هست چگونه بود عذاب من وترسانیدن من

ولقد يسرنا القرآن للذكر فهل من مدكر ۝ كذبت عاد فكيف
وآسان گردانیدیم قرآن خواندن را و یاد گرفتن را هست خواننده علم ما یاری دهند او را برپافت آن دروغ زن کردند عاد

كان عذابي ونذر ۝ إنا أرسلنا عليهم ريحا صرصرا في يوم نحس
بود گرفتن من وترسانیدن من که فرو گشادیم برایشان بادی سخت وسرد در روزی شوم

مستمر ۝ تنزع الناس كأنهم أعجاز نخل منقعر ۝ فكيف كان
شر او برجای درمیکشد مردمان گویی ایشان بنها خرما بانند از زمین برافتاده چگونه بود

عذابي ونذر ۝ ولقد يسرنا القرآن للذكر فهل من مدكر ۝
عذاب من وترسانیدن وآسان گردانیدیم قرآن یاد گرفتن را هیچ هست پند پذیری

كذبت ثمود بالنذر ۝ فقالوا أبشرا منا واحدا نتبعه إنا إذا لفي
دروغ زن گرفتند ثمود بیم نمایان را گفتند باشد یک مردم از ما که بر پس او باید رفت اکنون در

ضلال وسعر ۝ أألقي الذكر عليه من بيننا بل هو كذاب أشر ۝
خطاییم ودر بیهوشی افکنده آمد برو از میان ما نه که او دروغ زنیست بطر گرفته

سيعلمون غدا من الكذاب الأشر ۝ إنا مرسلو الناقة فتنة لهم
زود بدانند فردا از دروغ بطر گرفته درستی که فرستاده ایم شتر ماده آزمایش ایشان را

فارتقبهم واصطبر ۝ ونبئهم أن الماء قسمة بينهم كل شرب
تو چشم بر ایشان … آب بخشش میان ایشان وشتر هر نصیبی

محتضر ۝ فنادوا صاحبهم فتعاطى فعقر ۝ فكيف كان عذابي
تا بن آمدنی اند آواز دادند آن مرد خویش را دست برد ناقه پی زد چون بود گرفتن من

ونذر ۝ إنا أرسلنا عليهم صيحة واحدة فكانوا كهشيم المحتظر ۝
وترسانیدن بدرستی که فرو گشادیم برایشان یک آواز وشدند همچون برگ گیاه ریزنده … وان سپارنده

ولقد يسرنا القرآن للذكر فهل من مدكر ۝ كذبت قوم لوط
وبدرستی که آسان کردیم قرآن را خواندن و یاد داشت را هیچ پند پذیر هست دروغ زن داشتند گروه لوط

بالنذر ۝ إنا أرسلنا عليهم حاصبا إلا آل لوط نجيناهم بسحر ۝
بیم کنندگان بدرستی که فرستادیم برایشان سنگ باران مگر کسان لوط برهانیدیم ایشان را باخر شب

نعمة من عندنا كذلك نجزي من شكر ۝ ولقد أنذرهم بطشتنا
به نیکوکاری از نزد ما همچنین پاداش دهیم آنکس که سپاس داری کند بدرستی که لوط ترسانید ایشان را از گرفتن ما

فتماروا بالنذر ۝ ولقد راودوه عن ضيفه فطمسنا أعينهم
سکار کردند با آگاه کنندگان ما بدرستی که می جستند نابایست از مهمان او ناپدید کردیم چشمهای ایشان را

فذوقوا عذابي ونذر ۝ ولقد صبحهم بكرة عذاب مستقر ۝
بچشید عذاب من وترسانیدن من بدرستی که بامداد کرد ایشان را بامدادان عذابی پاینده

فذوقوا عذابي ونذر ۝ ولقد يسرنا القرآن للذكر فهل من مدكر ۝
بچشید عذاب من وترسانیدن من وبدرستی که آسان کردیم قرآن و پند گرفتن هیچ پند پذیری هست

ولقد جاء آل فرعون النذر ۝ كذبوا بآياتنا كلها فأخذناهم
وبدرستی که آمد بکسان فرعون آگاه کنندگان دروغ زن گرفتند بنشانهای ما همه فرا گرفتیم ایشان را

أخذ عزيز مقتدر ۝ أكفاركم خير من أولئكم أم لكم
چنانکه سخت گیر فراخ توان گیرد ناسپاسکاران شما بهتر از ایشان همه یا شما را

براءة في الزبر ۝ أم يقولون نحن جميع منتصر ۝ سيهزم الجمع
نامه است از عذاب در نامهای پیغمبر بود یا می گویند ما گروهی ایم جمع شده یاری دهنده یکدیگر زود گروه روی برتابند

ويولّون الدبر ۞ بل الساعة موعدهم والساعة ادهى وامرّ ۞

و برگردانند پشت گریختن ۞ بلکه رستاخیز وعده ایشانست و قیامت سخت تر و تلخ تر

انّ المجرمين في ضلال وسعر ۞ يوم يسحبون في النار على وجوههم

بدرستی که بدکاران در گمراهی اند و سگساری ۞ روزی که کشند ایشانرا در آتش بر رویهاشان

ذوقوا مسّ سقر ۞ انّا كلّ شيء خلقناه بقدر ۞ وما امرنا الّا

گویند بچشید رسیدن دوزخ ۞ بدرستی که ما هر چیزی که هست آفریدیم باندازه ۞ و نیست فرمان ما مگر

واحدة كلمح بالبصر ۞ ولقد اهلكنا اشياعكم فهل من

یکی چون گشادن چشم ۞ و بدرستی که هلاک کردیم چون شما فراوان ایچ پند پذیر

مدّكر ۞ وكلّ شيء فعلوه في الزبر ۞ وكلّ صغير وكبير مستطر ۞

پند پذیرنده ۞ و هر چیز که کردند آن در نامهاست ۞ و هر کار کوچک و بزرگ نوشت

انّ المتّقين في جنّات ونهر ۞ في مقعد صدق عند مليك مقتدر ۞

بدرستی که پرهیزکاران در بهشتها اند و جویها ۞ در نشستگاه راستی نزد پادشاه توانا

سورة الرحمن ثمان وسبعون آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

الرحمن ۞ علّم القرآن ۞ خلق الانسان ۞ علّمه البيان ۞ الشمس

بخشاینده بیاموخت قرآن ۞ بیافرید آدمی را ۞ بیاموخت وی را سخن گفتن ۞ آفتاب

والقمر بحسبان ۞ والنجم والشجر يسجدان ۞ والسماء رفعها

و ماه میروند بشمار ۞ و گیاه و درخت سجده میکنند ۞ و آسمانرا برداشت

ووضع الميزان ۞ الّا تطغوا في الميزان ۞ واقيموا الوزن بالقسط

و بنهاد ترازو ۞ از بهر آن تا گزاف کار نکنید در ترازو ۞ و بپای دارید وزن براستی

ولا تخسروا الميزان ۞ والارض وضعها للانام ۞ فيها فاكهة

و زیان مکنید در ترازو ۞ و زمین را بنهاد جانورانرا ۞ در آن زمین میوهاست

والنخل ذات الاكمام ۞ والحبّ ذو العصف والريحان ۞ فبايّ آلاء

و خرما بنها خداوند خوشها ۞ و دانه با کاه ۞ و ریحان ۞ بکدام نعمتها

ربّكما تكذّبان ۞ خلق الانسان من صلصال كالفخّار ۞ وخلق الجانّ

خداوند شما دروغ گویید ۞ بیافرید مردم را از گل خشک همچو سفال خام ۞ و بیافرید پریان

من مارج من نار ۞ فبايّ آلاء ربّكما تكذّبان ۞ ربّ المشرقين

از آتش بی دود ۞ بکدام نعمتهای خداوند شما دروغ گویید ۞ خداوند دو مشرق

وربّ المغربين ۞ فبايّ آلاء ربّكما تكذّبان ۞ مرج البحرين

و خداوند دو مغرب ۞ بکدام نعمتها خداوند شما دروغ گویید ۞ و بهم کرد دو دریا

يلتقيان ۞ بينهما برزخ لا يبغيان ۞ فبايّ آلاء ربّكما

در هم رسند ۞ میان آن دو دریا حاجزی ۞ بکدام نعمتها خداوند شما

تكذّبان ۞ يخرج منهما اللؤلؤ والمرجان ۞ فبايّ آلاء ربّكما

دروغ گویید ۞ بیرون آرد از ایشان مروارید بزرگ و مروارید خرد ۞ بکدام نعمتها خداوند شما

تكذّبان ۞ وله الجوار المنشآت في البحر كالاعلام ۞

دروغ گویید ۞ و او راست کشتیها بر داشته در دریا همچون کوهها

فبايّ آلاء ربّكما تكذّبان ۞ كلّ من عليها فان ۞ ويبقى وجه ربّك

بکدام نعمتها خداوند شما دروغ گویید ۞ هر چه بر زمین است فانیست ۞ و بماند خداوند تو

ذو الجلال والاكرام ۞ فبايّ آلاء ربّكما تكذّبان ۞ يسئله من

خداوند بزرگوار و با نواخت ۞ بکدام نعمتها خداوند شما دروغ گویید ۞ می خواهد ازو

من في السموات والارض كلّ يوم هو في شان ۞ فبايّ آلاء ربّكما

هر که در آسمانها و زمین است ۞ هر روزی او در کاریست ۞ بکدام نعمتها خداوند شما

تُكَذِّبَانِ سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَ الثَّقَلَانِ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا
دروغ گویید اری بازپردازیم باشما ای ادپیان بکدام نعمتها خداوند شما

تُكَذِّبَانِ يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ
دروغ گویید ای گروه پری و آدمی اگر توانید که بیرون از کنارهاء

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ فَبِأَيِّ
آسمانها و زمین بیرون شوید و دور نشوید مگر بحجتی بکدام

آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِنْ نَارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا
نعمتها خداوندشما دروغ گویید ورکشانند برشما شاخی از آتش بی دود و شاخی دود بی آتش

تَنْتَصِرَانِ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ فَإِذَا انْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ
با یکدیگر کین نتوانید بکدام نعمتها خداوندشما دروغ گویید چون بشکافته شود آسمان پس باشد

وَرْدَةً كَالدِّهَانِ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ فَيَوْمَئِذٍ لَا
گلگون چون ادیم رنگین بکدام نعمتها پروردگار را تکذیب میکنند آن روز نه

يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
پرسند از گناه وی نه آدمی و نه پری بکدام نعمتها خداوندشما دروغ میگویید

يُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ فَبِأَيِّ
بشناسند گناهکاران را بنشان ایشان روی سیاه پس گیرند موی سر و پایها بکدام

آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ يَطُوفُونَ
نعمتها خداوندشما دروغ میگویید اینست دوزخ که دروغ زن میکردند آنرا کافران میگردند

بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ آنٍ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ وَلِمَنْ خَافَ
میان آن و میان آب جوشیده و رسیده بغایت بکدام نعمتها خداوند شما دروغ میگویید آنرا که ترسد

مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّتَانِ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ذَوَاتَا أَفْنَانٍ فَبِأَيِّ
از ایستادنگاه پیش خداوند خویش او را دو بهشت بکدام نعمتها پروردگار شما دروغ میگویند آن دو بهشت بر درختان است و شاخساران بکدام

آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا
نعمتها خداوندشما دروغ میگویند دران دو بهشت دو چشمه روان است بکدام نعمتها خداوندشما

تُكَذِّبَانِ فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا
دروغ میگویند دران دو بهشت از هر میوه دو جفت بکدام نعمتها خداوندشما

تُكَذِّبَانِ مُتَّكِئِينَ عَلَى فُرُشٍ بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ
دروغ میگویند باز نشسته گاه اند بر جایهاء باز گسترده آن فراش از دیباء سبز و میوه آن دو بهشت خمیده گان

دَانٍ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ
نزدیک بکدام نعمتها خداوندشما دروغ میگویند دران فرشها کنیزکان اند فرو داشته چشمان

لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
دست با ایشان نبرده هیچ آدمی پیش از ایشان و نه پری بکدام نعمتها خداوندشما دروغ میگویند

كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
گویا ایشان بروشنائی یاقوت و بسپیدی مروارید اند بکدام نعمتها خداوندشما دروغ میگویند

هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
هست پاداش نیکوئی مگر نیکوئی بکدام نعمتها خداوندشما دروغ میگویند

وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
وجز از آن دو بهشت دو بهشت دیگر اند بکدام نعمتها خداوندشما دروغ میگویید

مُدْهَامَّتَانِ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ
دو بهشت سخت زرق رنگ و سیراب بکدام نعمتها خداوندشما دروغ میگویند دران دو بهشت دو چشمه اند که آب از بوم بر میارند فرو میجوشند

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ
بکدام نعمتها خداوندشما دروغ میگویند دران دو بهشت میوه است و خرماستان و انار

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ فَبِأَيِّ آلَاءِ
بکدام نعمتها خداوندشما دروغ میگویند دران بهشتها کنیزکان اند نیکو بکدام نعمتها

رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ حُورٌ مَقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ فَبِأَيِّ آلَاءِ

خداوند شما دروغ مکوئید سیاه چشمان اند ازچشمها نکاه داشتکان کرده شده در خیمها بکدام نعمتها

رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ

خداوند شما دروغ مکوئید دست باز نکرده است پیش ازیشان آدمی و نه پری

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ مُتَّكِئِينَ عَلَىٰ رَفْرَفٍ خُضْرٍ

بکدام نعمتها خداوند شما دروغ مکوئید باز نشستکانها اند بر رفوف سبز

وَعَبْقَرِيٍّ حِسَانٍ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ تَبَارَكَ

و بساطها کرانمایه نیکو بکدام نعمتها خداوند شما دروغ مکوئید پاکست

اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

نام خداوند تو خداوند بزرکواری و بنده نوازی

سورة الواقعة ست وتسعون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدا بخشاینده مهربان

إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ لَيْسَ لِوَقْعَتِهَا كَاذِبَةٌ خَافِضَةٌ رَافِعَةٌ

چون بود نی بود وافتادنی سعتد نیست بر افتادن آن دروغ زوبرنده ناکرویدکان را بردارنده

إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًّا وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا فَكَانَتْ هَبَاءً

جون بجنبانند زمین را جنبانیدنی و برکنند کوهها برکندنی تا شود کردی ازمیز

مُنْبَثًّا وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ

حیران ریزان و شما سه کروه اید ازسه کونه پس اصحاب دست راست چه اصحاب

الْمَيْمَنَةِ وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ وَالسَّابِقُونَ

دست چپ و مردمان دست چپ چه مردمان اند دست چپ و پیشوایان

السَّابِقُونَ أُولَٰئِكَ الْمُقَرَّبُونَ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ثُلَّةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ

بزمان برداری ایشانند نزدیکان در بهشتها اند با ناز کروهی ازپیشینیان

وَقَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ عَلَىٰ سُرُرٍ مَوْضُونَةٍ مُتَّكِئِينَ عَلَيْهَا مُتَقَابِلِينَ

واندکی از پسینیان بر تختها زر بافت نهاده نشستکان بران تختها پیش

يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقَ وَكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ

پیشت باز نهادکان میکردد بر سر ایشان غلامان جاویدمانده بر هیات کودکی باکوزها وابریقها و جامها ازشرابی که روانست

لَا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنْزِفُونَ وَفَاكِهَةٍ مِمَّا يَتَخَيَّرُونَ وَلَحْمِ

درد سر نکشند ازان شراب و نه بی عقل و بیهوش شوند و میوه ازانچه اختیار کنند و کوشت

طَيْرٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ وَحُورٌ عِينٌ كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ

مرغ ازانچه آرزو کنند وکنیزکان سیاه چشمان همچو مانند مروارید درصدف پرده کرده

جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْثِيمًا

پاداش انچه میکردند نشنوند دران بهشت ناکار و نه هیچ بزه

إِلَّا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ

کمر سخنی بی رنج سخنی ازجفا دور و خداوندان دست راست چه اند خداوندان دست راست

فِي سِدْرٍ مَخْضُودٍ وَطَلْحٍ مَنْضُودٍ وَظِلٍّ مَمْدُودٍ وَمَاءٍ مَسْكُوبٍ

درزیر درخت کنار بی خار درخت موزها برهم چیده وسایه درهم کشیده وآبی برروی زمین روان

وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ وَفُرُشٍ مَرْفُوعَةٍ إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ

و میوه بسیار که بر ساند و نه منع کرده شده ازخورنده و کستردنیها برداشته شده ما پدید آوردیم ایشان را

إِنْشَاءً فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا عُرُبًا أَتْرَابًا لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ ثُلَّةٌ

آوردنی پس کردانیدیم ایشانرا دوشیزکان سوی دوستان هم بالا و همزادان این همه خداوندان دست راست کروهی اند

مِنَ الْأَوَّلِينَ وَثُلَّةٌ مِنَ الْآخِرِينَ وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ

ازپیشینیان وکروهی از پسینیان و خداوندان دست چپ چه مردمانی اند دست چپ

فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ ۝ وَظِلٍّ مِنْ يَحْمُومٍ ۝ لَا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ ۝ إِنَّهُمْ

که ایشان اند در آتش و آبی جوشنده و سایه دود صعب سیاه نه خنک و نه آسان ایشان

كَانُوا قَبْلَ ذَٰلِكَ مُتْرَفِينَ ۝ وَكَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنْثِ الْعَظِيمِ ۝ وَكَانُوا

بودند پیش آن و بودند و بودند

يَقُولُونَ أَئِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ ۝ أَوَآبَاؤُنَا

میگفتند اگر که بمیریم ما و باشیم خاک و استخوان آیا ما را برانگیزانند آیا پدران

الْأَوَّلُونَ ۝ قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ

که گذشتند بگو که پیشینان و پسینان همه با هم آورده شوند تا هنگام روزی

مَعْلُومٍ ۝ ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيُّهَا الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ ۝ لَآكِلُونَ مِنْ شَجَرٍ

دانسته پس اکنه شما ای گم راهان دروغ زن گیران میخورند از درختی

مِنْ زَقُّومٍ ۝ فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ ۝ فَشَارِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ

از زقوم تا پر میکنند از آن شکمها با که می آشامند بر آن از آب جوشان

فَشَارِبُونَ شُرْبَ الْهِيمِ ۝ هَٰذَا نُزُلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ ۝ نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ

می آشامند ی آشامیدن رگ خشک با شتران تشنه این مهمانی ایشان روز پاداش ما بیافریدیم شمارا

فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ ۝ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ ۝ أَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ

پس چرا استوار نمیدارید چه بینید آن آب زه که می افکنید شما وی می آورید یا ما

الْخَالِقُونَ ۝ نَحْنُ قَدَّرْنَا بَيْنَكُمُ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ ۝

آفریدگارانیم ما اندازه کردیم میان شما مرگ و ما ناتوان نیستیم

عَلَىٰ أَنْ نُبَدِّلَ أَمْثَالَكُمْ وَنُنْشِئَكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ ۝ وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ

که امثال شما بر شما بدل آریم و می آفرینیم شما را از هر صورت که خواهیم و شما ندانید و بدرستی که شما دانستید

النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ ۝ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ ۝ أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ

آفریدن اول چرا آفریدن اول در یاد نیارید چه بینید این کشت که می ورزند آیا شما می رویانید

أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ ۝ لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ ۝

یا ما می رویانیم اگر خواهیم کنیم آن سوز ناگاه تا شما در تعجب خوردن اید

إِنَّا لَمُغْرَمُونَ ۝ بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ ۝ أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ ۝

ما را تاوان آمد بلکه ما بی روزی کرده شدیم چه بینید آب را که می آشامید

أَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنْزِلُونَ ۝ لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أُجَاجًا

آیا شما فرو می آورید آنرا از ابر یا ما فرو آوریم اگر خواهیم بکنیم آن آب را شور تلخ

فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ ۝ أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ ۝ أَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ

چرا شکر نمیکنید مرا چه بینید آتش را که آن آتش را می افروزند آیا شما می آورید

شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنْشِئُونَ ۝ نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذْكِرَةً وَمَتَاعًا لِلْمُقْوِينَ ۝

درخت آتش یا ما آفریدگارانیم ما کردانیدیم آنرا یادگار آتش و بکار در بایست مسافران

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ۝ فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ ۝ وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ

بپاکی یاد کن خدای را آن خداوند بزرگوار سوگند می خورم با فرو آمدن گاه قرآن و این سوگندیست اگر

تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ ۝ إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ ۝ فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ ۝ لَا يَمَسُّهُ

دانید بزرگ است بدرستی که آن قرآن نیکوست در نامه پوشیده نوشته بنبرد دست بر آن

إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ ۝ تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ أَفَبِهَٰذَا الْحَدِيثِ

مگر پاکان فرو فرستاده است از پروردگار جهانیان آیا باین سخن

أَنْتُمْ مُدْهِنُونَ ۝ وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنَّكُمْ تُكَذِّبُونَ ۝ فَلَوْلَا إِذَا

شما دروغ منکرید و میکردانید شکر روزی شما آنست که روزی دهنده را دروغ زن کیرید چرا اکر اگه

بَلَغَتِ الْحُلْقُومَ ۝ وَأَنْتُمْ حِينَئِذٍ تَنْظُرُونَ ۝ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ

اگر شما نه جان بحنجر گلو و شما آنگاه می نگرید و ما نزدیکتریم باو از شما

وَلَٰكِنْ لَا تُبْصِرُونَ ۝ فَلَوْلَا إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ ۝ تَرْجِعُونَهَا إِنْ

ولکن نمی بینی چرا اگر شما نه انگیختنی و پاداش دادنی آن جان از گلو باز نگر

كنتم صادقين ۝ فاما ان كان من المقربين ۝ فروح وريحان
شما راست مگويند اما انكس كه بود از نزديكان اورا آسايش است وآساني

وجنة نعيم ۝ واما ان كان من اصحاب اليمين ۝ فسلام لك
وبهشت نازيدن وناز اما انكسي كه بود از خداوند دست راست تو رستي از اندوه

من اصحاب اليمين ۝ واما ان كان من المكذبين الضالين ۝ فنزل
خداوندان دست راست واما انكس كه بود از دروغ زن گيران وگم راهان ۝ فرود آمدي

من حميم ۝ وتصلية جحيم ۝ ان هذا لهو حق اليقين ۝ فسبح باسم ربك العظيم ۝
سر اينست از آب جوشيده ودر امد در دوزخ اين سخن راست وبي گمان است بپاكي يادكن خداي بزرگوار خويشرا

سورة الحديد مدنية اربع وعشرون آية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداي بخشاينده مهربان

سبح لله ما في السموات والارض وهو العزيز الحكيم ۝ له ملك
بپاكي بستاد خدارا انچه در آسمانها وزمين است واوست توانا دانا اوراست پادشاهي

السموات والارض يحيي ويميت وهو على كل شيء قدير ۝ هو الاول
آسمانها وزمين زنده كننده وميرانده واو بر همه چيز تواناست اوست آن پيشين

والاخر والظاهر والباطن وهو بكل شيء عليم ۝ هو الذي خلق
وپسين وآشكارا ونهان واو بهمه چيز داناست اوست آن خداي كه بيافريد

السموات والارض في ستة ايام ثم استوى على العرش يعلم ما
آسمانها وزمين در شش روز پس مستوي شد بر عرش ميداند انچه

يلج في الارض وما يخرج منها وما ينزل من السماء وما يعرج فيها
شود در زمين وانچه بيرون آيد از آن وانچه فرود آيد از آسمان وانچه بر شود بر آسمان

وهو معكم اين ما كنتم والله بما تعملون بصير ۝ له ملك السموات
واو با شماست هرجا باشيد وخدا بانچه ميكنيد بيناست اوراست پادشاهي آسمانها

والارض والى الله ترجع الامور ۝ يولج الليل في النهار ويولج
وزمين وبا خداست بازگشت كارها در مي آورد شب در روز ودر مي آورد

النهار في الليل وهو عليم بذات الصدور ۝ امنوا بالله ورسوله
روز در شب واو داناست بانچه در سينهاست بگرويد بخدا وفرستاده وي

وانفقوا مما جعلكم مستخلفين فيه فالذين امنوا منكم
ونفقه كنيد از انچه كردانيد شمارا از بازماندگان در وي آنانيكه بگرويدند از شما

وانفقوا لهم اجر كبير ۝ وما لكم لا تؤمنون بالله والرسول يدعوكم
ونفقه كردند ايشانراست مزدي بزرگ چه بوده است شمارا كه نميگرويد بخدا ورسول او ميخواند شمارا

لتؤمنوا بربكم وقد اخذ ميثاقكم ان كنتم مؤمنين ۝ هو الذي
تا ايمان آوريد بخداوند خود وگرفت پيمان شما اگر هستيد گرويدگان آن خدا

ينزل على عبده ايات بينات ليخرجكم من الظلمات الى
كه فرو فرستاد بر بنده خود سخناني پيدا وروشن تا بيرون كند شمارا از تاريكي با

النور وان الله بكم لرءوف رحيم ۝ وما لكم الا تنفقوا في سبيل
روشنائي وبدرستي كه خدا بشما مهربانست بخشاينده وچه بوده است شمارا كه نفقه نميكنيد در راه

الله ولله ميراث السموات والارض لا يستوي منكم من انفق
خدا وخداراست ميراث آسمانها وزمين يكسان نيست از شما انكس كه نفقه كرد

من قبل الفتح وقاتل اولئك اعظم درجة من الذين انفقوا
از پيش فتح مكه وجنگ كرد با ايشان آن گروه بزرگتر پايه از آنان كه نفقه كردند

من بعد وقاتلوا وكلا وعد الله الحسنى والله بما تعملون خبير ۝
از پس وكارزار كردند وهمه را وعده كرد خدا بهشت وخدا بانچه ميكنيد آگاه است

من ذا الذی یقرض الله قرضا حسنا فیضاعفه له وله اجر
کیست آنکس که وام دهد خدا را وامی نیکو تا آن وام دو توی کند او را و او راست مزدی

کریم ۝ یوم تری المؤمنین والمؤمنات یسعی نورهم بین ایدیهم
نیکو دران روز که بینی گرویدگان مردان و زنان گرویدگان می شتابد روشنائی ایشان در پیش ایشان

وبایمانهم بشریکم الیوم جنات تجری من تحتها الانهار خالدین
و از راست ایشان گویند بشارت باد شما را امروز بهشتها که همی رود از زیر آن جویها همیشه

فیها ذلک هو الفوز العظیم ۝ یوم یقول المنافقون والمنافقات
دران آنست آن فیروزی بزرگ امروز که گویند دورویان مردان و دورویان زنان

للذین امنوا انظرونا نقتبس من نورکم قیل ارجعوا وراءکم
مر آنکسانی که ایمان آوردند بنگرید ما را تا از روشنائی شما خویشتن را روشنائی فروزیم گویند ایشان را باز گردید
و بدنیا روید

فالتمسوا نورا فضرب بینهم بسور له باب باطنه فیه الرحمة
و بجوئید آنجا روشنائی پس بزنند میان این گروه و آن گروه بارویی بران باروی دری باشد اندران بارو بهشت باشد

وظاهره من قبله العذاب ۝ ینادونهم الم نکن معکم قالوا
و بیرون آن نار دوزخ بخوانند ایشان را و گویند آیا نبودیم با شما گفتند

بلی ولکنکم فتنتم انفسکم وتربصتم وارتبتم وغرتکم
آری و لیکن شما در فتنه افکندند شما خویشتن را و چشم براه بماندید و در گمان افتادید و بفریفت شما را

الامانی حتی جاء امر الله وغرکم بالله الغرور ۝ فالیوم لا یؤخذ
دروغها که دران بودند تا اینکه آمد فرمان خدا و بفریفت شما را بخدا دیو فریبنده امروز از روی نستانند

منکم فدیة ولا من الذین کفروا ماواکم النار هی مولاکم
از شما فداء و نه از آنان که کافر شدند جایگاه شما آتش آن سزاوارتر بشما

وبئس المصیر ۝ الم یان للذین امنوا ان تخشع قلوبهم لذکر الله
و بد جایگاه و شدن گاه است آیا نگشت آنان که آوردند ایمان فروتن شود دلهاء شما یاد کردن خدا را

وما نزل من الحق ولا یکونوا کالذین اوتوا الکتاب من قبل فطال
و آنچه فرو فرستاد از سخن راست و نباشند همچون ایشان که دادند ایشان را توریه و انجیل از پیش دراز شد

علیهم الامد فقست قلوبهم وکثیر منهم فاسقون ۝
بر ایشان پس سخت شد دلهاء ایشان و بیشتر از ایشان نافرمان بودند

اعلموا ان الله یحیی الارض بعد موتها قد بینا لکم الایات لعلکم
بدانید که خدا زنده کند زمین پس از مردن آن به درستی که روشن کردیم شما را نشانها تا مگر شما

تعقلون ۝ ان المصدقین والمصدقات واقرضوا الله قرضا حسنا
دریابید ایشان که صدقه دهندگان از مردان و زنان و وام دادند خدا را وامی نیکو

یضاعف لهم ولهم اجر کریم ۝ والذین امنوا بالله ورسله
تو بر توی کنند ایشان را و ایشان را باشد مزدی نیکو و آنانی که ایمان آوردند بخدا و رسول او

اولئک هم الصدیقون والشهداء عند ربهم لهم اجرهم ونورهم
ایشان اند که راست ایمان اند و شهیدان نزد خدای ایشان ایشان راست مزد ایشان و روشنائی ایشان

والذین کفروا وکذبوا بایاتنا اولئک اصحاب الجحیم ۝
و آنانی که نگرویدند و دروغ زن داشتند آیتهاء ما ایشان اهل دوزخ اند

اعلموا انما الحیوة الدنیا لعب ولهو وزینة وتفاخر بینکم
بدانید که زندگانی دنیا بازیست و نابکاری و آرایش و فخر آوردن میان یکدیگر

وتکاثر فی الاموال والاولاد کمثل غیث اعجب الکفار نباته
و بسیاری در مالها و فرزندان مانند بارانی که بشگفت آرد کفار را بر رستن آن

ثم یهیج فتراه مصفرا ثم یکون حطاما وفی الاخرة عذاب شدید
پس خشک گردد پس بینی او را زرد گشته پس باشد کاه رفته و خرد کرده و دران جهان عذابی سخت

ومغفرة من الله ورضوان وما الحیوة الدنیا الا متاع الغرور
و مغفره از خدا و خشنودی و نیست زندگانی این جهان مگر فریفتنی

سابقوا الى مغفرة من ربكم وجنة عرضها كعرض السماء والارض
بشتابيد با مرزش از خداوند شما و بهشتی که پهناء همچون پهناء اسمان و زمين

اعدت للذين امنوا بالله ورسله ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء
ساخته اند مر گرويدگان را که بخدا و رسول او اين نيکوکاری خداست بدهد انکس را که خواهد

والله ذو الفضل العظيم ما اصاب من مصيبة في الارض ولا
و خدا خداوند نيکوکاريست بزرگ نرسيد هيچ رسيدنی بد در زمين و نه

في انفسكم الا في كتاب من قبل ان نبراها ان ذلك على الله يسير
در تنهاء شما مگر در نامه از پيش انکه زمين آفريدم و تنهاء شما بدرستی که داشتن آن بر خدا اسانست

لكي لا تاسوا على ما فاتكم ولا تفرحوا بما اتاكم والله لا يحب كل
تا اندوه نبرند بر انچه در گذشت از شما و شادی مکنيد بانچه داد شما را از جهان و خدا دوست ندارد هيچ

مختال فخور الذين يبخلون ويامرون الناس بالبخل ومن يتول
در خود لاف زنی خويشتن ستان انانی که دست خويش فروبندند از بخشش و ميفرمايند مردم را به بخيلی و انکس که برگردد

فان الله هو الغني الحميد لقد ارسلنا رسلنا بالبينات
بدرستی که خدا اوست بی نياز ستوده بدرستی که بفرستاديم پيغمبران ما بحجتهاء روشن

وانزلنا معهم الكتاب والميزان ليقوم الناس بالقسط
و فرو فرستاديم با ايشان نامها و ترازو تا بايستند مردمان بدادگری

وانزلنا الحديد فيه باس شديد ومنافع للناس وليعلم الله
و فرو فرستاديم آهن که در وست زور سخت و منفعتها مردمان را تا بداند خدا

من ينصره ورسله بالغيب ان الله قوي عزيز ولقد ارسلنا
که آن کيست که ياری دهد خدا را و رسول او را نا ديده بدرستی که خدا با نيرو يست توانا و بدرستی که بفرستاديم

نوحا وابراهيم وجعلنا في ذريتهما النبوة والكتاب فمنهم
نوح را و ابرهيم را و گرديم در فرزندان ايشان پيغمبری و نامه و از ايشان

مهتد وكثير منهم فاسقون ثم قفينا على اثارهم برسلنا
راه يافته و بيشتر از ايشان از فرمان بيرون اند پس در پی ايشان داشتيم پيغمبران

وقفينا بعيسى ابن مريم واتيناه الانجيل وجعلنا في قلوب الذين
و از پی همه وا داشتيم عيسی پسر مريم و بداديم او را انجيل و گرديم در دلهاء انانی

اتبعوه رافة ورحمة ورهبانية ابتدعوها ما كتبناها عليهم
که پيروی کردند او را مهربانی و بخشايش و رهبانيه يعنی دور بودن از زنان که از خود ساختند که ما ننوشتيم آنرا بر ايشان

الا ابتغاء رضوان الله فما رعوها حق رعايتها فاتينا الذين
مگر جستن رضاء خدا به نکوشيدند سزای کوشيدن ان پس بداديم انانی

امنوا منهم اجرهم وكثير منهم فاسقون يا ايها الذين امنوا
که بگرويدند از ايشان مزد ايشان و بيشتر از ايشان فاسقان اند ای انانی که بگرويدند

اتقوا الله وامنوا برسوله يؤتكم كفلين من رحمته ويجعل لكم
بترسيد از خدا و بگرويد برسول او تا بدهد شما را دو بهره از رحمت خود و کرداند شما را

نورا تمشون به ويغفر لكم والله غفور رحيم لئلا يعلم اهل
روشنائی تا برويد بان و بيامرزد شما را و خدا امرزنده است مهربان تا بداند اهل

الكتاب الا يقدرون على شيء من فضل الله وان الفضل
کتاب که جهود و ترسايان اند که ايشان توانا نيستند بر هيچ چيز از پاداش خدا و بدرستی که پاداش

بيد الله يؤتيه من يشاء والله ذو الفضل العظيم
بدست خداست ميدهد انرا که خواهد و خدا خداوند نيکوکاری بزرگوارست

سورة المجادلة اثنان وعشرون آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدا بخشاينده مهربان

قد سمع الله قول التى تجادلك فى زوجها وتشتكى الى الله والله
درستی که شنید خدا گفتار آن زن که می بحثد در شوهر خود و می نالید به خدا و خدا

يسمع تحاوركما ان الله سميع بصير ۝ الذين يظاهرون منكم
میشنود گفت وگوی شما درستی که خدا شنواست بینا آنانی که ظهار کنند از مردان شما

من نسائهم ما هن امهاتهم ان امهاتهم الا اللائى ولدنهم
از زنان خویش نیستند ایشان مادران ایشان نیستند مادران ایشان مگر آنانی که زادند ایشان را

وانهم ليقولون منكرا من القول وزورا وان الله لعفو غفور ۝
درستی که ایشان میگویند سخن ناپسندیده از گفتار و دروغ درستی که خدا فروگذارنده مهربان است

والذين يظاهرون من نسائهم ثم يعودون لما قالوا فتحرير رقبة
وآنانی که ظهار میکنند از زنان ایشان پس باسخن خود میگردند مرانچه گفتند کفارت آن پس آزاد کردن بنده است

من قبل ان يتماسا ذلكم توعظون به والله بما تعملون خبير ۝
پیش از آن که بهم رسند این شما را پند میدهند بآن وخدا بانچه میکنید آگاه است

فمن لم يجد فصيام شهرين متتابعين من قبل ان يتماسا
پس آنکه نیابد بنده کفارت او روزه دو ماه است پیاپی پیش از آن که بهم رسند

فمن لم يستطع فاطعام ستين مسكينا ذلك لتؤمنوا بالله
پس هر که نتواند روزه طعام دادن شصت درویش است این پند از برای آنست تا فرمان برید خدا را

ورسوله وتلك حدود الله وللكافرين عذاب اليم ۝ ان الذين
و رسول را واین اندازهاء خداست و مر کافران راست عذابی دردناک درستی که آنان

يحادون الله ورسوله كبتوا كما كبت الذين من قبلهم وقد
که خلاف می ورزند با خدا و رسول او خوار و رسوا خواهند کرد چنانکه کردند آنان که از پیش ایشان بودند بدرستی که

انزلنا آيات بينات وللكافرين عذاب مهين ۝ يوم يبعثهم
فرو فرستادیم آیتها روشن و مر ناگروندگان راست عذابی خوارکننده آن روز که برانگیزد ایشان را

الله جميعا فينبئهم بما عملوا احصاه الله ونسوه والله على كل
خدا همه پس آگاه سازد بانچه کردند و فراموش کرده اند او و خدا بر همه

شىء شهيد ۝ الم تر ان الله يعلم ما فى السموات وما فى الارض
چیز گواه و حاضر است ای نبی نمی بینی که خدا میداند آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است

ما يكون من نجوى ثلثة الا هو رابعهم ولا خمسة الا هو
نباشد از راز گفتن سه کس مگر که خدا چهارم ایشان است و نه پنج کس مگر که او

سادسهم ولا ادنى من ذلك ولا اكثر الا هو معهم اين ما كانوا
ششم ایشان است و نه کمتر از سه و نه بیشتر از شش مگر که او با ایشانست هر جا که باشند

ثم ينبئهم بما عملوا يوم القيمة ان الله بكل شىء عليم ۝ الم تر
پس آگاه سازد ایشان را بانچه کردند روز قیامت بدرستی که خدا به همه چیز داناست ای نبی نگری

الى الذين نهوا عن النجوى ثم يعودون لما نهوا عنه ويتناجون
بانکسان که نهی کرده شدند از راز گفتن پس دیگر باز میشوند بر انچه نهی کرده بودند از آن و راز میکنند

بالاثم والعدوان ومعصيت الرسول واذا جاؤك حيوك بما
به بزه و ستم و نافرمانی او نافرمانی از رسول و چون بیایند بتو تحیت کنند بتو به

لم يحيك به الله ويقولون فى انفسهم لولا يعذبنا الله بما نقول
آن تحیت که نگفته است خدا و میگویند با تنهاء خود چونیست که عذاب نکند ما را خدا بانچه میگوییم

حسبهم جهنم يصلونها فبئس المصير ۝ يا ايها الذين امنوا
بس است ایشان را دوزخ که شوند بآن و بد جایگاهی است ای آنان که بگرویدند

اذا تناجيتم فلا تتناجوا بالاثم والعدوان ومعصيت الرسول
چون راز کنید بایکدیگر راز مکنید به بزه و ستم و نافرمانی رسول

وتناجوا بالبر والتقوى واتقوا الله الذى اليه تحشرون ۝
و راز کنید به نیکوی و پرهیزکاری و بترسید از آن خدای که شما را بهم خواهد آورد

انما النجوى من الشيطان ليحزن الذين آمنوا وليس بضارهم شيئا
این رازکردن از دیوست تا اندوهگن کند انانی که ایمان آوردند ونیست گزند کننده ایشان چیزی

الا باذن الله وعلى الله فليتوكل المؤمنون ۝ يا ايها الذين آمنوا
مگر بدستوری خدا وبر خدا اعتماد کنند مومنان ای انانی که ایمان آورده اید

اذا قيل لكم تفسحوا في المجالس فافسحوا يفسح الله لكم واذا قيل انشزوا
چون گویند شمارا فراختر نشینید در مجلسها فراخ نشینید تا فراخ کند شمارا جای وچون گویند بر جهید

فانشزوا يرفع الله الذين آمنوا منكم والذين اوتوا العلم درجات
بر جهید تا بردارد خدا انان که بگرویدند از شما وانانی که دادند ایشارا دانش درجهاست

والله بما تعملون خبير ۝ يا ايها الذين آمنوا اذا ناجيتم الرسول
وخدا با نچه میکنید آگاهست ای انانی که ایمان آوردید چون خواهید که راز گویید با رسول من

فقدموا بين يدي نجواكم صدقة ذلك خير لكم واطهر فان لم
فرا فرستید پیش از راست گفتن صدقه که آن بهتر باشد شمارا وپاک دارنده تر بود واگر نه

تجدوا فان الله غفور رحيم ۝ ءاشفقتم ان تقدموا بين يدي
یابند بدرستی که خدا آمرزنده است مهربان آیا میترسید که فرستید پیش از راز خود

نجواكم صدقات فاذ لم تفعلوا وتاب الله عليكم فاقيموا الصلوة
راز خود صدقها اکنون که نکردید وپذیرفت خدا بر شما پس بپای دارید نماز

وآتوا الزكوة واطيعوا الله ورسوله والله خبير بما تعملون ۝
وبدهید زکوة وفرمان برید خدارا ورسول اورا وخدا آگاهست با نچه میکنید

الم تر الى الذين تولوا قوما غضب الله عليهم ما هم منكم
نمی بینند با انانی که بدوستی گرفتند گروهی که بخشم است خدا برایشان نیستند ایشان از شما

ولا منهم ويحلفون على الكذب وهم يعلمون ۝ اعد الله لهم عذابا
ونه از ایشان وسوگند میخورند بر دروغ وایشان میدانند ساخت خدا ایشان را عذابی

شديدا انهم ساء ما كانوا يعملون ۝ اتخذوا ايمانهم جنة
سخت بدرستی که ایشان بد کردارند انچه میکنند گرفتند سوگندان خویش سپر

فصدوا عن سبيل الله فلهم عذاب مهين ۝ لن تغني عنهم اموالهم
تا برگشتند از راه خدا ایشان راست عذابی خوار کننده بکار نیایدشان نه مالهاشان

ولا اولادهم من الله شيئا اولئك اصحاب النار هم فيها
ونه فرزندانشان از خدا چیزی ان گروهان اهل دوزخ اند ایشان دران

خالدون ۝ يوم يبعثهم الله جميعا فيحلفون له كما يحلفون
همیشه باشند انروز که برانگیزاند ایشارا خدا همه سوگند خورند اورا همچنان که سوگند میخورند

لكم ويحسبون انهم على شيء الا انهم هم الكاذبون ۝ استحوذ
شمارا وپندارند که ایشان بر چیزی اند بدان که ایشانند دروغ زنان چیره شد

عليهم الشيطان فانسيهم ذكر الله اولئك حزب الشيطان
برایشان دیو فراموش کردند یاد خدا ان گروه سپاه شیطان

الا ان حزب الشيطان هم الخاسرون ۝ ان الذين يحادون الله
بدان که سپاه دیو ایشانند زیان کاران بدرستی که انان که خلاف میکنند با خدا

ورسوله اولئك في الاذلين ۝ كتب الله لاغلبن انا ورسلي ان
ورسول او ان گروه در گروه خواراند بنوشت خدا که من غالب گردم ورسول من بدرستی

الله قوي عزيز ۝ لا تجد قوما يؤمنون بالله واليوم الآخر يوادون
که خدا تواناست نیابی گروهی که بگروند بخدا وروز بازپسین که دوستی دارند

من حاد الله ورسوله ولو كانوا آباءهم او ابناءهم او اخوانهم
انکس که خلاف دارد با خدا ورسول او واگرچه باشند پدران ایشان یا پسران ایشان یا برادران ایشان

او عشيرتهم اولئك كتب في قلوبهم الايمان وايدهم بروح
یا خاندان ایشان ایشان اند که نوشت خدا در دلهای ایشان ایمان ونیرو داد ایشارا بجانی

مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ

از خود و در آورد ایشان را بستانها که روان شود از زیر درختان آن جویها جاودان در آن خشنود

اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَٰئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

خدا از ایشان و خشنود ایشان از وی آن سپاه خدا اند آگاه باشید که سپاه خدا ایشان پیروزند

سورة الحشر اربع وعشرون آية مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

پاکی میستاید خدا را آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و اوست توانا راست کار

هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ

اوست آن خدای که بیرون کرد آنانکه کافر شدند از اهل کتاب توریه از خانهاشان نخست

الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ

فراهم آوردن خلق [illegible] بیرون روید و گمان بردند که ایشان که دارد ایشان را حصارهاشان

مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ

از عذاب خدا آمد بایشان فرمان خدا از آنجا که نپنداشتند و بینداخت در دلهای ایشان

الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا

ترس خراب میکردند خانهاشان بدستهاشان و دستهای مومنان پند گیرید

يَا أُولِي الْأَبْصَارِ وَلَوْلَا أَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ

ای خداوندان بینایها اگر نه آن بودی که نوشته بود خدا بر ایشان [illegible] عذاب کردی ایشان را

فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ

در این جهان و ایشان را در آنجهان عذاب آتش آن بآن بود که خلاف کردند خدا

وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِّ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ مَا قَطَعْتُمْ

و رسول و انکه مخالفت خدا کند بدرستی که خدا سخت عقوبتست هرچه ببریدید

مِنْ لِينَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَىٰ أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيُخْزِيَ

از درختان خرما یا بگذاشتید آن را ایستاده بر پای آن بدستوری خدا بود و تا رسوا کند

الْفَاسِقِينَ وَمَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ

نافرمانان را و آنچه گردانید خدا بر رسول او از ایشان [illegible]

مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ

اسپ تاختید و نه اشتر و لیکن خدای کارد پیغمبران برکسی که خواهد و خدا

عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ

بر همه چیز تواناست هرچه گردانید خدا بر رسول از جایهای [illegible] از آن خداست و رسول را

وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا

و خداوند خویشاوندان و بی پدران و مسکینان و راه گذران تا

يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا

[illegible] میان توانگران از شما و آنچه دهد شما را رسول فرا گیرید ازا و آنچه

نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

شما را باز دارد از آن باز ایستید و بپرهیزید از خشم خدا بدرستی که خدا سخت عقوبت است

لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ

درویشان راست [illegible] آنانکه بیرون کردند از خانهاشان و مالهاشان میجویند

فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَٰئِكَ هُمُ

افزونی از خدا و خشنودی و یاری میدهند خدا را و رسول او را آن گروه ایشانند

الصَّادِقُونَ وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ

راست گویان و آنان که جای گرفتند [illegible] از مهاجران دوست میدارند

من هاجر اليهم ولا يجدون في صدورهم حاجة مما اوتوا

کسی که آید بایشان و نیابند در سینهاء خویش حاجتی از آنچه خدا داده مهاجران را

ويؤثرون على انفسهم ولو كان بهم خصاصة ومن يوق

و بر گزینند ایشان را بر تنهاء خویش و اگرچه بود ایشان را حاجت بطعام و هر که بازداشته شد

شح نفسه فاولئك هم المفلحون والذين جاؤ من بعدهم

از بخیلی نفس خویش پس ایشان آنند که رستگاراند و آنانی که آیند از پس مهاجران و انصار

يقولون ربنا اغفر لنا ولاخواننا الذين سبقونا بالايمان

میگویند خداوندا بیامرز ما را و برادران ما را که پیشی کردند بما بایمان

ولا تجعل في قلوبنا غلا للذين امنوا ربنا انك رءوف رحيم

و منه در دلهاء ما کینه گروندگان را خداوندا بدرستی که تو مهربان بخشاینده

الم تر الى الذين نافقوا يقولون لاخوانهم الذين كفروا من اهل

نمی بینی بآنکه دورویی کردند میگویند برادران خویش را آنانی که کافر شدند از اهل

الكتاب لئن اخرجتم لنخرجن معكم ولا نطيع فيكم احدا

کتاب اگر بیرون کنند شما را هر آینه بیرون آییم با شما و فرمان نبریم در حق شما کسی را

ابدا وان قوتلتم لننصرنكم والله يشهد انهم لكاذبون

همیشه و اگر با شما جنگ کنند یاری دهیم شما را و خدا گواهی میدهد که ایشان دروغ زنانند

لئن اخرجوا لا يخرجون معهم ولئن قوتلوا لا ينصرونهم ولئن

اگر بیرون کنند بیرون نیایند با ایشان و اگر جنگ کنند یاری ندهند ایشان را و اگر

نصروهم ليولن الادبار ثم لا ينصرون لانتم اشد رهبة في صدورهم

یاری دهند ایشان را هر آینه بگردانند پشتها پس یاری داده نشوند براستی که شما سخت ترسنده تر در دلهاء ایشان

من الله ذلك بانهم قوم لا يفقهون لا يقاتلونكم جميعا الا في

از خدا این بآنست که ایشان گروهی اند که حق در نمی یابند با شما جنگ نکنند همگی مگر در

قرى محصنة او من وراء جدر بأسهم بينهم شديد تحسبهم

دیهها دیوارهاست یا از پس دیوارها زور ایشان با یکدیگر سخت است تو پنداری که ایشان

جميعا وقلوبهم شتى ذلك بانهم قوم لا يعقلون كمثل

یکدل اند و دلهاء پراکنده اند آن بآنست که ایشان گروهی اند که عقل ندارند همچون مثل

الذين من قبلهم قريبا ذاقوا وبال امرهم ولهم عذاب اليم

جهودان که نزدیک پیش ایشان بودند چشیدند بدی کار خویش و ایشان راست عذابی دردناک

كمثل الشيطان اذ قال للانسان اكفر فلما كفر قال اني بريء

راست همچون دیو چون گفت آدمی را که کافر شو چون کافر شد گفت من بیزارم

منك اني اخاف الله رب العالمين فكان عاقبتهما انهما

از تو بدرستی که من میترسم از خدا که پروردگار عالمیانست پس سرانجام آن هر دو آنست که ایشان

في النار خالدين فيها وذلك جزاؤا الظالمين يا ايها الذين

در آتش اند جاویدان در آن و آن پاداش ستمکارانست ای آنانی

امنوا اتقوا الله ولتنظر نفس ما قدمت لغد واتقوا الله ان الله

که گرویدند بترسید از خدا و بنگرد تن آنچه فرستاد فردا را و بترسید از خدا که خدا

خبير بما تعملون ولا تكونوا كالذين نسوا الله فانسيهم انفسهم

آگاهست بآنچه میکنید و مباشید همچون ایشان که فراموش کردند خدا را فراموش گردانید ایشان را

اولئك هم الفاسقون لا يستوي اصحاب النار واصحاب

آنان ایشان اند که از فرمان بیرون اند یکسان نباشند اهل دوزخ و اهل

الجنة اصحاب الجنة هم الفائزون لو انزلنا هذا القران على

بهشت اهل بهشت ایشان اند که رستگاراند اگر فرو فرستادیدی این قرآن بر

جبل لرايته خاشعا متصدعا من خشية الله وتلك الامثال

کوه هر آینه دیدی آن کوه فروشده پاره پاره شکافته از ترس خدا و این مثلها

نضربها للناس لعلهم يتفكرون ۝ هو الله الذى لا اله الا هو

میزنیم مردمانرا تا مگر ایشان در اندیشند اوست آن خدائی که هیچ خدا نیست مگر او

عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم ۝ هو الله الذى لا اله الا

داناء نهان و آشکارا اوست بخشاینده مهربان اوست آن خدائی که نیست هیچ خدا مگر

هو الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر

او که پادشاه است پاک بی عیب ایمن کننده گواه راست بی همتا غالب برمراد خود دارنده بزرگوار

سبحان الله عما يشركون ۝ هو الله الخالق البارئ المصور له

پاکست و منزه خدا از آنچه او را شریک گیرند اوست خدائی که آفریننده است نوآفریننده صورت نگار اوراست

الاسماء الحسنى يسبح له ما فى السموات والارض وهو العزيز الحكيم ۝

نامهاء نیکو پاکی میستایند او را آنچه در آسمانها و زمین است و اوست بی همتا درستکار

سورة الممتحنة ثلاث عشرة آية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

يا ايها الذين آمنوا لا تتخذوا عدوى وعدوكم اولياء تلقون

ای آنانی که ایمان آوردید فرا مگیرید دشمن مرا و دشمن شما را دوستان می افکنید

اليهم بالمودة وقد كفروا بما جاءكم من الحق يخرجون الرسول

با ایشان بدوستی و درستی که کافر شدند بآنچه آمد بشما از پیغام راست بیرون میکنند رسول را

واياكم ان تؤمنوا بالله ربكم ان كنتم خرجتم جهادا فى سبيلى

و شمارا که ایمان آوردید بخدا که پروردگار شماست اگر هستید بیرون آمدید کوشندگان در راه من

وابتغاء مرضاتى تسرون اليهم بالمودة وانا اعلم بما اخفيتم

و جستن خشنودی من در نهان با ایشان دوستی مینمائید و من داناترم بانچه پنهان میکنید

وما اعلنتم ومن يفعله منكم فقد ضل سواء السبيل ۝ ان

و آنچه آشکارا میکنید و آنکس که بکند آنرا از شما گم راه شد از راه راست اگر

يثقفوكم يكونوا لكم اعداء ويبسطوا اليكم ايديهم والسنتهم

دریابند شمارا جای باشند شمارا دشمنان دست درازی کنند بایشان و زبانها گشایند

بالسوء وودوا لو تكفرون ۝ لن تنفعكم ارحامكم ولا اولادكم

بیدی و آرزو کنند که شما کافر شوید سودمند نشود شمارا خویشاوندان شما و نه فرزندان شما

يوم القيمة يفصل بينكم والله بما تعملون بصير ۝ قد كانت لكم

روز قیامت جدا کند میان شما و خدا بانچه میکنید بیناست بدرستی که شمارا است

اسوة حسنة فى ابرهيم والذين معه اذ قالوا لقومهم انا

پی بردنی نیکو در ابرهیم و در سیرت او و آنانی که با او چون گفتند مر گروه خویش را که ما

برآء منكم ومما تعبدون من دون الله كفرنا بكم وبدا بيننا

بیزاریم از شما و آنچه میپرستید بجز از خدا کافر شدیم بان بشما و پیدا شد میان ما

وبينكم العداوة والبغضاء ابدا حتى تؤمنوا بالله وحده الا

و میان شما دشمنی و بزورمندی همیشه تا ایمان آورید بخدای یگانه مگر

قول ابرهيم لابيه لاستغفرن لك وما املك لك من الله

گفتن ابرهیم پدر خود را که آمرزش خواهم ترا و نیست بدست من ترا از خدا

من شىء ربنا عليك توكلنا واليك انبنا واليك

هیچ چیز خداوندا بر تو است اعتماد کردن ما و بتو بازگشتیم و بتو

المصير ۝ ربنا لا تجعلنا فتنة للذين كفروا واغفر لنا

بازگشت همه خداوندا مگردان مارا آزمون کافرانرا و بیامرز مارا

ربنا انك انت العزيز الحكيم ۝ لقد كان لكم فيهم اسوة حسنة

خداوندا که تو آن خدائی بی همتا درستکار بدرستی بود شمارا در ایشان پی بردنی نیکو

لمن كان يرجوا الله واليوم الاخر ومن يتول فان الله هو الغنى

مر آنكس را كه بود اميدوار بخدا و بروز بازپسين وانكس كه برگردد از ما بدرستى كه خداى بى نيازست

الحميد ۝ عسى الله ان يجعل بينكم وبين الذين عاديتم منهم

ستوده خدا اكند ميان شما وميان ايشان كه دشمنى داريد از كافران

مودة والله قدير والله غفور رحيم ۝ لا ينهكم الله عن الذين

دوستى وخدا قادرست وخدا آمرزنده هست مهربان بازندارد شمارا خدا از آنكسانى

لم يقاتلوكم في الدين ولم يخرجوكم من دياركم ان تبروهم

كه جنگ نكردند در كار دين وبيرون نكردند شمارا از خانهاء خويش كه نيكويى كنيد با ايشان

وتقسطوا اليهم ان الله يحب المقسطين ۝ انما ينهكم الله

و داد ايشان بدهيد بدرستى كه خدا دوست دارد دادگران بدرستى كه باز ميدارد شمارا خدا

عن الذين قاتلوكم في الدين واخرجوكم من دياركم وظاهروا على

از آنكسان كه جنگ كردند در كار دين وبيرون كردند شمارا از خانها شما ويارى دادند بر

اخراجكم ان تولوهم ومن يتولهم فاولئك هم الظالمون ۝

بيرون كردن شما از آنكه با ايشان دوستى كنيد وهركه كند با ايشان دوستى ايشان بر خود ستمكاراند

يا ايها الذين امنوا اذا جاءكم المؤمنات مهاجرات فامتحنوهن

اى آنانى كه ايمان آورده ايد چون بيايند زنان مومنه هجرت كنندگان بيازماييد ايشان

الله اعلم بايمانهن فان علمتموهن مؤمنات فلا ترجعوهن الى

خدا داناترست بايمان ايشان چون بدانسته باشيد كه ايشان گرويدگانند باز مفرستيد ايشانرا با

الكفار لا هن حل لهم ولا هم يحلون لهن واتوهم ما انفقوا

كافران نه زنان گرويده حلال اند ايشان ونه مردان كافر حلال اند زنان مسلمانرا بازفرستيد ايشانرا

ولا جناح عليكم ان تنكحوهن اذا اتيتموهن اجورهن ولا تمسكوا

آنچه كابين كردند مهاجرات را ونيست تنگى برشما كه آن مهاجران را زن كنيد چون بدهيد ايشانرا كابين و مابينيد

بعصم الكوافر واسئلوا ما انفقتم وليسئلوا ما انفقوا ذلكم

بنگه داشتن زنان كافر آن

حكم الله يحكم بينكم والله عليم حكيم ۝ وان فاتكم شىء

حكم خداست كه كار ميگزارد ميان شما وخدا داناء نيك دانست واگر زيان شود چيزى

من ازواجكم الى الكفار فعاقبتم فاتوا الذين ذهبت ازواجهم

از زنان شما بسوى كفار وازپى آن غزا كنيد وغنيمت يابيد آن اهل غنيمت كاوين زنان شده را

مثل ما انفقوا واتقوا الله الذى انتم به مؤمنون ۝ يا ايها

مانند آنچه نفقه كرده اند وبترسيد از خدا كه شما بآن گرويده ايد اى

النبى اذا جاءك المؤمنات يبايعنك على ان لا يشركن بالله شيئا

پيغمبر چون بيايند سوى تو زنان گرويده كه بيعت كنند با تو براينكه شرك نياورند بخدا چيزى

ولا يسرقن ولا يزنين ولا يقتلن اولادهن ولا ياتين ببهتان

و دزدى نكنند و زنا نكنند و نكشند فرزندان خود و نيارند فرزندان حرام

يفترينه بين ايديهن وارجلهن ولا يعصينك في معروف

و در تو عاصى نشوند در فرمان نيكو

فبايعهن واستغفر لهن الله ان الله غفور رحيم ۝ يا ايها الذين

بيعت با ايشان ده وآمرزش خواه ايشانرا از خدا كه خدا آمرزگارست مهربان اى آنانى

امنوا لا تتولوا قوما غضب الله عليهم قد يئسوا من الاخرة

كه ايمان آورده ايد يارى مگيريد گروهى كه خشم گرفت خدا برايشان كه نا اميد شدند از آخرت

كما يئس الكفار من اصحاب القبور ۝

همچنانكه نا اميد شدند ناگرويدگان از كه در گور گشتند

سورة الصف اربع عشرة آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداى بخشاينده مهربان

سبح لله ما في السموات وما في الارض وهو العزيز الحكيم
بپاكى ياد كرد خدا را انچه در آسمانها وانچه در زمين است واوست بى همتاى كاردان

يا ايها الذين امنوا لم تقولون ما لا تفعلون كبر مقتا عند
اى انانى كه بگرويدند چرا ميگويند آنچه نميكنيد بزرگ شد دشمنى نزد

الله ان تقولوا ما لا تفعلون ان الله يحب الذين يقاتلون في
خدا كه گويند آنچه نميكنند بدرستى كه خدا دوست دارد آنان كه كارزار كنند در

سبيله صفا كانهم بنيان مرصوص واذ قال موسى لقومه
راه وى چون صف بركشيدند گويا در صف قتال ديوارى اند رسته وچون گفت موسى گروه خويش را

يا قوم لم تؤذونني وقد تعلمون اني رسول الله اليكم فلما زاغوا
اى چرا مى رنجانيد مرا وميدانيد كه من رسول خداام با شما چون بگشتند از فرمان

ازاغ الله قلوبهم والله لا يهدي القوم الفاسقين واذ قال
بگردانيد خدا دلها را از ايشان وخدا راه ننمايد گروهى كه از فرمان بيرون شدند وچون گفت

عيسى ابن مريم يا بني اسرائيل اني رسول الله اليكم مصدقا
عيسى پسر مريم اى فرزندان يعقوب من فرستاده خداام با شما باور دارنده

لما بين يدي من التورية ومبشرا برسول ياتي من بعدي اسمه
انچه فراپيش شماست از توريت وبشارت دهنده ام به پيغمبرى كه بيايد از پس من نام او

احمد فلما جاءهم بالبينات قالوا هذا سحر مبين ومن اظلم
احمد چون بيامد بايشان نشانها پيدا گفتند اين سحريست روشن كيست ستمكارتر

ممن افترى على الله الكذب وهو يدعى الى الاسلام والله
از آنكه مى سازد بر خدا دروغ واورا ميخوانند با مسلمانى وخدا

نصف الحزب

لا يهدي القوم الظالمين يريدون ليطفئوا نور الله بافواههم
راه ننمايد گروه ستمكاران ميخواهند كه بنشانند روشنائى خدا بدهنها خود

والله متم نوره ولو كره الكافرون هو الذي ارسل رسوله
وخدا تمام كننده است روشنائى او واگرچه دشوار آيد منكران اوست آن خدائى كه بفرستاد رسول خود

بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين كله ولو كره المشركون
براه نموني ودين راست تا برداردش برهمه كيشها واگرچه دشوار آيد مشركان را

يا ايها الذين امنوا هل ادلكم على تجارة تنجيكم من عذاب
اى آنان كه ايمان آورديد هيچ دلالت شما را بر بازرگانى كه نجات دهد شما را از عذابى

اليم تؤمنون بالله ورسوله وتجاهدون في سبيل الله باموالكم
دردناك ايمان آوريد بخدا ورسول او وجنگ كنيد با دشمنان در راه خدا با مالها شما

وانفسكم ذلكم خير لكم ان كنتم تعلمون يغفر لكم ذنوبكم
وتنها شما اين بهترست شما را اگر ميدانيد تا بيامرزد مر شما را گناهان شما

ويدخلكم جنات تجري من تحتها الانهار ومساكن طيبة
ودرآورد شما را به بستانها كه ميرود از زير درختان آن جويها وخانها وقصرها نيكو

في جنات عدن ذلك الفوز العظيم واخرى تحبونها نصر
در بهشتها هميشه آن فيروزيست بزرگ ومر شما راست نعمتى ديگر كه از او دوست ميداريد يارى

من الله وفتح قريب وبشر المؤمنين يا ايها الذين امنوا
از خدا ودولت گشادنى نزديك وبشارت ده گرويدگان را اى آنان كه گرويديد

كونوا انصار الله كما قال عيسى ابن مريم للحواريين من انصاري
باشيد ياران دين خدا همچنان كه گفت عيسى پسر مريم مر حواريان كه خواص او بودند كيست كه يار من اند

الى الله قال الحواريون نحن انصار الله فامنت طائفة من بني
با خدا گفتند حواريان ما ايم يارى دهندگان خدا پس بگرويدند گروهى از فرزندان

اسرائيل وكفرت طائفة فايدنا الذين امنوا على عدوهم فاصبحوا ظاهرين
يعقوب و كافر شدند گروهی و دست دادیم آنانی که ایمان آوردند بر دشمنان شان تا بر ایشان برتری یافتند و پیروز

سورة الجمعة احدى عشرة آية مدنية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشاینده مهربان

يسبح لله ما في السموات وما في الأرض الملك القدوس العزيز
پاکی یاد میکنند خدارا انچه در آسمانها و انچه در زمین است پادشاه پاک ستوده بی عیب درستکار

الحكيم ۝ هو الذي بعث في الاميين رسولا منهم يتلوا عليهم
غالب او آن خداست که بفرستاد در میان نانویسندگان فرستاده از ایشان میخواند برایشان

اياته ويزكيهم ويعلمهم الكتاب والحكمة وان كانوا من
آیتهاء کلام خدا و پاک کند ایشانرا و می‌آموزاند قرآن و دین و علم راست و شدند پیش از

قبل لفي ضلال مبين ۝ وآخرين منهم لما يلحقوا بهم وهو
بعثت محمد در گمراهی روشن و دیگرانند هم از ایشان که در نرسیده اند بایشان و او

العزيز الحكيم ۝ ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء والله ذو الفضل
غالب درستکار این نبوة افزونی کرم خداست دهد اورا که خود خواهد و خدا خداوند فضل

العظيم ۝ مثل الذين حملوا التورية ثم لم يحملوها كمثل الحمار
بزرگ مثل آن گروه که گفتند بردارید توریة پس برنداشتند انرا همچون مثل خر است

يحمل اسفارا بئس مثل القوم الذين كذبوا بايات الله والله
که برگیرد کتابها بد مثلی است گروه آنان که بدروغ داشتند نشانها خدا و خدا

لا يهدي القوم الظالمين ۝ قل يا ايها الذين هادوا ان زعمتم
راه ننماید گروه ستمکاران بگو ای آنکسان که جهود شدند و برگشتند اگر میگویید

انكم اولياء لله من دون الناس فتمنوا الموت ان كنتم صادقين ۝
که شما دوستان خدااید بجز مردمان آرزو کنید مرگ اگر راست میگویید

ولا يتمنونه ابدا بما قدمت ايديهم والله عليم بالظالمين ۝
و آرزو نکنند مرگ را همیشه بآن کارها که پیش فرستاده دستهاشان و خدا داناست بان ستمکاران

قل ان الموت الذي تفرون منه فانه ملاقيكم ثم تردون
بگو که آن مرگ که از آن میگریزند از آن بدرستی که آن خواهد رسید بشما پس بازگردانند

الى عالم الغيب والشهادة فينبئكم بما كنتم تعملون ۝ يا ايها
بسوی داننده ناپیدا و پیدا پس آگاه کند شمارا بانچه بودید شما و میکردید ای

الذين امنوا اذا نودي للصلوة من يوم الجمعة فاسعوا الى ذكر
انان که ایمان آوردید چون بانگ زنند نمازرا از روز جمعه بشتابید بسوی ذکر

الله وذروا البيع ذلكم خير لكم ان كنتم تعلمون ۝ فاذا قضيت
خدا و دست بدارید فروخت آن شمارا بهتست اگر هستید میدانید چون بگزارید

الصلوة فانتشروا في الأرض وابتغوا من فضل الله واذكروا الله
نمازرا بپراکنید در زمین و بجویید از فضل خدا و یاد کنید خدارا

كثيرا لعلكم تفلحون ۝ واذا راوا تجارة او لهوا انفضوا اليها
بسیار مگر که شما رستگاری یابید و چون ببینند بازرگانی یا آواز بازی شنوند پراکنند بسوی آن

وتركوك قائما قل ما عند الله خير من اللهو ومن التجارة والله خير الرازقين ۝
و بگذارند ترا بر پای ایستاده بگو انچه نزد خداست بهتر از آن آواز و از بازرگانی و خدا بهتر روزی رسانان

سورة النفاق احدى عشرة آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشاینده مهربان

إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ

چون بیاید بتو دورویان گویند گواهی میدهیم درستی که تو رسول خدائی وخدا میداند

إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ اتَّخَذُوا

که تو رسول خدائی وخدا گواهی میدهد که دورویان دروغ زنانند فرا گرفتند

أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

سوگندهای ایشان سپری پس برگشتند از راه خدا درستی که ایشان بد کرداران اند

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ

این بانست که بگرویدند پس کافر شدند تا مهر نهاد بر دلهای ایشان تا راستی دران دلها نشود

وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعْ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهُمْ

چون بینی تو ایشانرا عجب آورد تنهای ایشان واگر سخن گویند گوش نهی سخن ایشانرا گوئی ایشان

خُشُبٌ مُسَنَّدَةٌ يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ

تنهائی اند بادیوار نهاده میپندارند که هر بانگی را برخویشتن از بددلی ایشان دشمنان اند پرهیز کن ازیشان

قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ

نفرین خدا ایشانرا چه چیز ایشانرا میگرداند وچون گویند ایشانرا بیائید تا امرزش خواهد شمارا

رَسُولُ اللَّهِ لَوَّوْا رُءُوسَهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ

رسول خدا برگردانند سرهای ایشان وبینی ایشانرا برمیگردند وایشان گردن کشان اند

سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ

یکسانست برایشان که آمرزش خواهی یا نخواهی آمرزش ایشانرا نیامرزد خدا ایشانرا

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا

درستی که خدا راه ننماید گروه نافرمانان ایشان آنند که میگویند نفقه مکنید

عَلَى مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُّوا وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

برکسانی که نزد رسول خدا اند تا پراکنده شوند وخدا راست خزینها آسمانها وزمین

وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ

ولیکن دورویان درنمی یابند میگویند اگر باز گردیم با مدینه

لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ

هرآینه بیرون کند عزیزتر ازان خوارتر وخدا راست عز ورسول وی وگروندگان ولیکن

الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ

دورویان نمیدانند ای کسانی که ایمان آوردید مشغول مکناد شمارا مالهای شما

وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ

ونه فرزندان شما از یاد خدا وانکس که کند آن ایشانند

الْخَاسِرُونَ وَأَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ

زیان کاران ونفقه کنید از انچه روزی دادیم شمارا از پیش انکه بیاید یکی از شما

الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ

مرگ گوید خداوند من چرا در تاخیر نداری حیاة من تا زمانی نزدیک تا صدقه دهم

وَأَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ

وباشم از نیکوکاران ودر تاخیر نگذارد وباز پس ندارد خدا هیچ تن را چون آید

أَجَلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

اجل او وخدا آگاه است بانچه میکنید

سورة التغابن ثمان عشرة آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ

پاکی میستاید خدارا آنچه در آسمانها وآنچه در زمین است اوراست پادشاهی واوراست ستایش واو

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ
بر همه چیز تواناست اوست آن خدائی که بیافرید شما را پس از شما که ناگرویده است و از شماست

مُؤْمِنٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ
که گرویده و خدا بانچه میکنید بیناست بیافرید آسمانها و زمین براستی

وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ ۝ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ
و بنگاشت شما را و نیکو کرد پیکرها شما را و باوست بازگشت شما میداند انچه در آسمانها

وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۝
و زمینست و میداند انچه پنهان میکنید و آنچه آشکارا میکنید و خدا داناست بانچه در دلها

أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ فَذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ
نیامد بشما خبر انانی که کافر شدند از پیش پس چشیدند گران باری کار خویش و ایشانرا ست

عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ ذَلِكَ بِأَنَّهُ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ
عذابی دردناک این بانست که آمد بایشان پیغمبران به پیغامهاء روشن

فَقَالُوا أَبَشَرٌ يَهْدُونَنَا فَكَفَرُوا وَتَوَلَّوْا وَاسْتَغْنَى اللَّهُ وَاللَّهُ غَنِيٌّ
گفتند مردمان راه نمایند مارا پس کافر شدند و برگشتند و بی نیازی جود اند از ایشان خدا و خدای بی نیازست

حَمِيدٌ ۝ زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلَى وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ
ستوده اوراکفتند ناگرویدگان که از گور بر انگیزند بگو آری بخدا من که بر انگیزند شمارا

ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ۝ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ
پس آگاه سازند شمارا بانچه کردید و آن بر خدا آسانست پس ایمان آورید بخدا و رسول او

وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۝ يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ
و بروشنائی که فرو فرستادیم و خدا بانچه میکنید آگاهست آن روز که جمع کند شمارا

لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكَفِّرْ
روزی که جمع کردن آنروز غبن آوردنست بر یکدیگر و انکس که بگرود بخدا و کرد نیکوئی بسترد

عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا
از و بدیها و درآورد اورا به بستانها که میرود از زیر درختان آن جویها جاویدان در آن

أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۝ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا
همیشه آن پیروزیست بزرگ و انانی که کافر شدند و بدروغ داشتند سخنان ما

أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ۝ مَا أَصَابَ
ایشان اهل دوزخ اند جاوید در آن و بد بازگشتی نرسید

مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ
هیچ رسیدنی مگر بدستوری خدا و انکس که بگرود بخدا راه نماید خدا دل اورا و خدا بهمه

شَيْءٍ عَلِيمٌ ۝ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَى
چیز داناست و فرمان برید خدارا و فرمان برید رسول اگر برگردید بدرستی که بر

رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ۝ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ
رسول ما رسانیدنست روشن خدا اوست که نیست خدا بجز او و بر خدا باشد اعتماد

الْمُؤْمِنُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا
مومنان ای انانی که ایمان آوردید بدرستی که از جفتان شما و فرزندان شما دشمن اند

لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعْفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ
شمارا پرهیزید از ایشان و اگر عفو کنید و درگذرید و بیامرزید بدرستی که خدا آمرزنده

رَحِيمٌ ۝ إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ
مهربانست مالهاء شما و فرزندان شما فتنه دل اند و خدا نزد اوست مزدی بزرگ

فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا
بپرهیزید از خدا هرچند که توانید و بشنوید و فرمان برید و نفقه کنید بهترست

لِأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝ إِنْ تُقْرِضُوا
مر تنهاء شما و هر که باز داشته شد بخیلی تن خویش ایشانند رستگاران اگر وام دهید

اللّٰه قرضًا حسنًا يضاعفه لكم ويغفر لكم واللّٰه شكور
خدا را وامی نیکو دو تو کند شما را و بیامرزد شما را و خدا سپاس دار است

حليم ۝ عالم الغيب والشهادة العزيز الحكيم ۝
بردبار داننده ناپیدا و پیدا آن توانا داننده

سورة الطلاق اثنا عشرة آية مدنية

بسم اللّٰه الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشاینده مهربان

يا ايها النبي اذا طلقتم النساء فطلقوهن لعدتهن واحصوا
ای پیغمبر چون دست باز دارید زنان را رها کنید ایشان را در عدتهای ایشان و بشمارید

العدة واتقوا اللّٰه ربكم لا تخرجوهن من بيوتهن ولا يخرجن الا
عدت را و بترسید از خشم خداوند خود بیرون مکنید ایشان را از خانهای ایشان و باید که بیرون نیایند از خانه مگر

ان يأتين بفاحشة مبينة وتلك حدود اللّٰه ومن يتعد حدود اللّٰه
که فاحشه برایشان درست گردد و این اندازها خداست و هر که درگذرد از اندازه حق

فقد ظلم نفسه لا تدري لعل اللّٰه يحدث بعد ذلك امرًا ۝ فاذا بلغن
بدرستی که ستم کرده بر تن خود را و ندانی مگر خدا کاری نو آرد پس از آن کاری چون رسید آن زنان

اجلهن فامسكوهن بمعروف او فارقوهن بمعروف واشهدوا ذوي
عدت خویش باز آرید ایشان را به نیکویی یا دست بدارید به نیکویی و گواه بگیرید دو مرد

عدل منكم واقيموا الشهادة للّٰه ذلكم يوعظ به من كان يؤمن باللّٰه
عدل از میان خویش و بپای دارید گواهی دادن از بهر خدا این سخن پند میدهد شما را که بگروید به خدا

واليوم الاخر ۝ ومن يتق اللّٰه يجعل له مخرجًا ۝ ويرزقه من حيث لا يحتسب
و روز بازپسین و آنکس که پرهیزد از خدا گرداند او را بیرون آمدن و روزی دهد او را از آنجا که بنپندارد

ومن يتوكل على اللّٰه فهو حسبه ان اللّٰه بالغ امره قد جعل اللّٰه لكل
و هر که پشت بر خدا باز کند بسنده اوست که او را بدرستی خدا تمام کرد و کار خویش را بدرستی که کرد خدا مر
بکس نیاز مند نکند

شيء قدرًا ۝ واللائي يئسن من المحيض من نسائكم ان ارتبتم
چیزی را اندازه و آن زنان که نومید گشته از پیری از حیض از زنان شما اگر در گمان آید

فعدتهن ثلثة اشهر واللائي لم يحضن واولات الاحمال اجلهن
پس عدت ایشان سه ماهست و آن زنان که حیض ندیده اند هم سه ماهست و باروران عدت ایشان

ان يضعن حملهن ومن يتق اللّٰه يجعل له من امره يسرًا ۝ ذلك
آنکه بگذرد که بنهند بار خود و هر که از حرام بپرهیزد گرداند او را از کار او آسانی این

امر اللّٰه انزله اليكم ومن يتق اللّٰه يكفر عنه سيئاته ويعظم
فرمان خداست که فرو فرستاد آنرا و هر که بترسد از خدا بسترد از و گناهان او و بزرگ گرداند

له اجرًا ۝ اسكنوهن من حيث سكنتم من وجدكم ولا تضاروهن
او را مزدی فرود آرید ایشان را از آنجا ساکن بشوید از وسع خود یعنی مسکن ایشان خوش دارید و ستیزه مکنید با ایشان

لتضيقوا عليهن وان كن اولات حمل فانفقوا عليهن حتى
تا تنگ کنید بر ایشان و اگر باشند از زنان آبستن پس نفقه کنید بر ایشان تا

يضعن حملهن فان ارضعن لكم فآتوهن اجورهن واتمروا
بنهند فرزند خویش شما را و اگر شیر دهند فرزند خویش شما را بدهید مزد ایشان را و با یکدیگر

بينكم بمعروف وان تعاسرتم فسترضع له اخرى ۝ لينفق ذو سعة
مشاورت کنید به نیکویی و اگر ناهموار باشند تا شیر دهد او را دیگری نفقه باید که او توان دارد

من سعته ومن قدر عليه رزقه فلينفق مما آتيه اللّٰه لا يكلف اللّٰه
از توان خویش و هر که اندازه کرد بر وی روزی او نفقه کن از آنچه داد او را خدا بر هیچ کس بار ننهد خدا

نفسًا الا ما آتيها سيجعل اللّٰه بعد عسر يسرًا ۝ وكاين من قرية عتت
مگر آنچه او را داد پس گرداند خدا پس هم دشواری آسانی ای بسا از شهر که گردن کشیدند

عن امر ربها ورسله فحاسبناها حسابا شديدا وعذبناها
از فرمان خداوند خویش و رسول او شمار کردیم ایشان را شمار کردنی سخت و عذاب کردیم ایشان را

عذابا نکرا ۞ فذاقت وبال امرها وكان عاقبة امرها خسرا ۞
عذابی که جهان ندیده بود و ناشناخته بچشید گرانی بد سرانجامی خویش و بود سرانجام کار ایشان زیانکاری

اعد الله لهم عذابا شديدا فاتقوا الله يا اولى الالباب ۞ الذين
ساخته کرد خدا ایشان را عذابی سخت بترسید از خدا ای خداوندان خردها آنانی

امنوا قد انزل الله اليكم ذكرا ۞ رسولا يتلوا عليكم ايات
که بگرویدند درستی که فرو فرستاد خدا بشما یاد کردنی پیغمبری که میخواند بر شما سخنان

الله مبينات ليخرج الذين امنوا وعملوا الصالحات من الظلمات
خدا روشن کرده تا بیرون آرد آنانی که بگرویدند و کردند کارها نیکو از تاریکیها

الى النور ومن يؤمن بالله ويعمل صالحا يدخله جنات تجرى
با روشنائی و آنکس که بگرود بخدای و کند نیکوئی درآورد او را بستانها که میرود

من تحتها الانهار خالدين فيها ابدا قد احسن الله له رزقا ۞
از زیر درختها آن جویها جاویدان در آن همیشه بدرستی که نیکوتر داد خدا او را روزی

الله الذى خلق سبع سموات ومن الارض مثلهن يتنزل
خدا آن خدائیست که بیافرید هفت آسمان و از زمین مانند آن فرو می آید

الامر بينهن لتعلموا ان الله على كل شئ قدير ۞
میان آسمانها و زمینها تا بدانی که خدا بر همه چیز تواناست

وان الله قد احاط بكل شئ علما ۞
و خدا میداند و میرسد بهر چیز چنانکه آن چیز

سورة التحريم اثنا عشرة آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشاینده مهربان

يا ايها النبى لم تحرم ما احل الله لك تبتغى مرضات ازواجك
ای پیغامبر چرا حرام میکنی آنچه حلال کرد خدا ترا می جوئی خشنودی زنان خود

والله غفور رحيم ۞ قد فرض الله لكم تحلة ايمانكم والله موليكم
و خدا آمرزگارست مهربان درستی که فرض کرد خدا شما را گشادگی سوگندان شما و خدا یار شماست

وهو العليم الحكيم ۞ واذ اسر النبى الى بعض ازواجه حديثا
و اوست دانا راست دانش و چون نهان کرد پیغمبر با بعضی از زنان خویش سخنی

فلما نبات به واظهره الله عليه عرف بعضه واعرض عن
راست بگفت آن سخن دیگری را و خدا او را آگاه کرد از آن گفتنی از قصه بازگفت و بعضی باز نگفت

بعض فلما نباها به قالت من انباك هذا قال نبانى العليم
چون آن زنان خبر کرد بان گفت که این خبر کرد ترا گفت خبر کرد مرا دانا

الخبير ۞ ان تتوبا الى الله فقد صغت قلوبكما وان تظاهرا
آگاه اگر بتوبه هر دو بازگردی بخدا بدرستی که هست جای آنکه دلها شما گشته از طاعت و اگر هم پشت

عليه فان الله هو موليه وجبريل وصالح المؤمنين والملائكة
شو بدرستی که خدا او یار اوست و جبرئیل یار اوست و همه نیکان گروندگان و فرشتگان

بعد ذلك ظهير ۞ عسى ربه ان طلقكن ان يبدله ازواجا
پس از آن یار او اند سزاست رسول را از خداوند که طلاق شما که زنان او بدل دهد او را زنان

خيرا منكن مسلمات مؤمنات قانتات تائبات عابدات
بهتر از شما اقرار کنندها بوحدانیه تصدیق کنندها نمازگزارندگان بازگشتگان از گناه پرستندها

سائحات ثيبات وابكارا ۞ يا ايها الذين امنوا قوا انفسكم
هجرت کنندها سوی دیدگان و دوشیزگان ای آنانی که ایمان آورده اید نگه دارید تنها خویشتن را

وَاَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ
وکسان خود از آتش هیزم آن مردان باشند و سنگ بران کماشتکان اند فرشتکان

غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللّٰهَ مَا اَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ
ستبر سخت سرکشند ایشان خدا را از هرچه فرمود ایشان را و میکنند آنچه ایشان را فرمودند

يَا اَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ اِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ
ای کسانی که کافر شدند عذر میاورید امروز جز اخواهید یافت آنچه کردید

يَا اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا تُوبُوا اِلَى اللّٰهِ تَوْبَةً نَصُوحًا عَسٰى رَبُّكُمْ اَنْ يُكَفِّرَ
ای آنان که ایمان آوردید بازگردید با خدا بازگشتنی راست برخود واجب گردد خدا که بسترد

عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا
از شما کناهان شما و درآورد شما را که میعهد آنهم رود از زیر درختان آن

الْاَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللّٰهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ اٰمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ
جویها روزی که رسوا نگند خدا پیغمبر و آنان که ایمان آوردند با او میشتابد روشنائی ایشان

يَسْعٰى بَيْنَ اَيْدِيهِمْ وَبِاَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا
پیش ایشان و از دست ایشان راست کویند خداوندا تمام کن ما را روشنائی ما

وَاغْفِرْ لَنَا اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ يَا اَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ
بیامرز ما را که تو بر همه چیز توانائی ای پیغامبر غزا کن

الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَاْوٰيهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ
با کافران و دوروریان و درشتی کن بدایشان و جای ایشان دوزخ است و بد

الْمَصِيرُ ۝ ضَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَاَتَ نُوحٍ وَامْرَاَتَ
جایگاهی که آنست زد خدا مثل مرکسانی که کافر شدند زن نوح و زن

لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ
لوط که بودند هردو در زنی دو بنده از بندگان ما نیکان کژ روشدند هردو با ایشان

يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللّٰهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ
بکار نیامدند هردو پیغمبران او وزنان را از خدا چیزی و گفتند در روید در دوزخ با دوزخیان

وَضَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ اٰمَنُوا امْرَاَتَ فِرْعَوْنَ اِذْ قَالَتْ رَبِّ
و زد خدا مثل مرکسانی که ایمان آوردند زن فرعون چون گفت خداوند من

ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ
بنا کن مرا نزد تو خانه در بهشت و برهان مرا از فرعون و کار او

وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۝ وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي اَحْصَنَتْ
و برهان مرا از گروه ستمکاران و مریم دختر عمران آن زنی که پاک داشت

فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتُبِهِ وَكَانَتْ مِنَ الْقَانِتِينَ
فرج خود پس در دمیدیم در وی از روح خویش و بسدرفت و استوار گرفت سخن خداوند خویش و نامه او و بود از فرمان برداران

سورة الملك ثلثون آية مكية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشاینده مهربان

تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ الَّذِي خَلَقَ
بزرگست آن خدای که بدست اوست پادشاهی و او بر همه چیز تواناست آن خدای که بیافرید

الْمَوْتَ وَالْحَيٰوةَ لِيَبْلُوَكُمْ اَيُّكُمْ اَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ ۝
مرگ را و زندگانی تا بیازماید شما را که کدام از شما نیکوکردارتر و اوست بی همتا آمرزکار

الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمٰوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرٰى فِي خَلْقِ الرَّحْمٰنِ مِنْ تَفَاوُتٍ
آن خدای که بیافرید هفت آسمان طبق طبق نبینی در آفرینش بخشاینده هیچ تفاوتی

فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرٰى مِنْ فُطُورٍ ۝ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ
پس باز گردان بینائی نیک در نگر تا بینی هیچ شکافی پس بازگردان چشم دوم بار باز آید

إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ ۝ وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا
تا تو چشم از نگرستن و عیب جستن وا وامانده و باز ایستاده مر درستی که پیاراستیم آسمان دنیا

بِمَصَابِيحَ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ
بچراغها و گردانیدیم آنرا ماباریدن از شیاطین و ساختیم ایشانرا عذاب

السَّعِيرِ ۝ وَلِلَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ۝
دوزخ و آنانرا که کافر شدند بخداوند خود عذاب دوزخ و بد جایگاهی است

إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا وَهِيَ تَفُورُ ۝ تَكَادُ تَمَيَّزُ مِنَ
چون در اندازند ایشانرا دران شنوند آوازی زشت صعب و آن می جوشد خواهند پاره پاره کردن از

الْغَيْظِ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ ۝ قَالُوا
خشم هر که در اندازند دران گروهی بپرسند عذاب ساران نیامد بشما هیچ آگاه کننده گویند

بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا
آری آمد با آگاه کننده دروغ زن کردیم اورا و گفتیم فرو نفرستاد خدا از چیزی نیستید شما مگر

فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ ۝ وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ
در گمراهی بزرگ و گویند اگر ما شنودیمی یا دریافتیمی نبودیمی اهل

السَّعِيرِ ۝ فَاعْتَرَفُوا بِذَنْبِهِمْ فَسُحْقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ ۝ إِنَّ الَّذِينَ
دوزخ اقرار کردند بگناهان خویش روزی باد دور چنان را عذاب آتش افروخته مر درستی که آنان

يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ۝ وَأَسِرُّوا قَوْلَكُمْ
که میترسند از خداوند خود نا دیده ایشانراست آمرزش و مزدی بزرگ و نهان دارید گفتار خویش

أَوِ اجْهَرُوا بِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۝ أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ
یا آشکارا کنید آن گفتار که او داناست بآنچه در سینهاست آیا نمیداند آنکس که آفرید و او باریک دان است

الْخَبِيرُ ۝ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا
آگاه او آن خداوندست که بیافرید شما را زمین فرودست و فرمان بردار بروید در کنارهای زمین و بخورید

مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ ۝ أَأَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمُ
از روزی وی و باو باز گشتن از گور یا ایمن باشید از و که در آسمانست که فرو برد بزمین شما را

الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورُ ۝ أَمْ أَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ
بزمین پس زمین بآب در گردد یا ایمن شدید از آنکس که در آسمانست که بفرستد بر شما

حَاصِبًا فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرِ ۝ وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ
سنگ باران زود باشد که بدانید که چگونه بود آنچه بیم کردم و مر درستی که دروغ زن گرفتند آنان که از پیش ایشان بودند

فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ۝ أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَافَّاتٍ وَيَقْبِضْنَ
چون بود نشان ناخشنودی من نمی بینید مرغ زبر ایشان صف بر کشیده و پر فراهم آرنده پریدن را

مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَٰنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ ۝ أَمَّنْ هَٰذَا الَّذِي
که نمیدارد آنرا چنان مگر رحمن مر درستی که او بهر چیزی بیناست آیا آن کیست

هُوَ جُنْدٌ لَكُمْ يَنْصُرُكُمْ مِنْ دُونِ الرَّحْمَٰنِ إِنِ الْكَافِرُونَ إِلَّا فِي غُرُورٍ ۝
که سپاه است شما را که یاری دهد شما را از غیر خدا نیستند ناگروندگان مگر در فریب

أَمَّنْ هَٰذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ بَلْ لَجُّوا فِي عُتُوٍّ وَنُفُورٍ ۝
یا کیست که روزی دهد شما را اگر باز گیرد روزی از شما نیست چرا که می ستهند در شوخی و دور رمیدن

أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَىٰ وَجْهِهِ أَهْدَىٰ أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ
یا کیست که میرود نگونسار بر روی خود راست راه تر یا کیست که میرود راست بر راه

مُسْتَقِيمٍ ۝ قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ
راست بگو اوست که بیافرید شما را و کرد شما را شنوائی و بینائی

وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ ۝ قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ
و دلها اندک که سپاس داری میکنید بگو اوست آن خدائی که بیافرید شما را در زمین و باو

تُحْشَرُونَ ۝ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝ قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ
حشر خواهند کرد شما را و میگویند تا کی این وعده دهید اگر هستید راست گویان بگو که دانائی

عند الله وانما انا نذير مبين فلما راوه زلفة سيئت وجوه

نزد خداست ومن بیم کننده ام روشن چون ببینند ازنزدیک بد وانده شود رویها

الذين كفروا وقيل هذا الذي كنتم به تدعون قل ارايتم ان

آنانکه کافر شدند و گفته شد این آن روز است که بودید بآن میخواندند بگو بینید اگر

اهلكني الله ومن معي او رحمنا فمن يجير الكافرين من عذاب

هلاک کند مرا خدا و آنکه با من است یا بخشاید ما را پس کیست که زنهار دهد کافران را از عذاب

اليم قل هو الرحمن آمنا به وعليه توكلنا فستعلمون من هو

دردناک بگو اوست فراخ بخشش گرویدیم باو و بر وی اعتماد کردیم زود باشد که بدانید کیست

في ضلال مبين قل ارايتم ان اصبح ماؤكم غورا فمن

در گمراهی روشن بگو چه بینید اگر بامداد کند آب شما فرو شود بزمین آن کیست

يأتيكم بماء معين

که شما آب آرد آشکارا بروی زمین روان

سورة القلم اثنان وخمسون آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

ن والقلم وما يسطرون ما انت بنعمة ربك بمجنون

[illegible]

وان لك لاجرا غير ممنون وانك لعلى خلق عظيم فستبصر

[illegible]

ويبصرون بايكم المفتون ان ربك هو اعلم بمن ضل عن سبيله

[illegible]

وهو اعلم بالمهتدين فلا تطع المكذبين ودوا لو تدهن فيدهنون

و او دانا تراست براه یافتگان فرمان مبر دروغ زن گیران آرزو کردند که فرا ...

ولا تطع كل حلاف مهين هماز مشاء بنميم مناع للخير

و فرمان مبر هر سوگند خواری بدروغ خواری ... سخن چینی از نیکی بازداری

معتد اثيم عتل بعد ذلك زنيم ان كان ذا مال وبنين

[illegible]

اذا تتلى عليه آياتنا قال اساطير الاولين سنسمه على الخرطوم

چون بر خوانند بر وی آیتها ما گوید افسانه پیشینیانست ... داغ نهیم

انا بلوناهم كما بلونا اصحاب الجنة اذ اقسموا ليصرمنها

[illegible]

مصبحين ولا يستثنون فطاف عليها طائف من ربك وهم

[illegible]

نائمون فاصبحت كالصريم فتنادوا مصبحين ان اغدوا على

[illegible]

حرثكم ان كنتم صارمين فانطلقوا وهم يتخافتون ان لا

[illegible]

يدخلنها اليوم عليكم مسكين وغدوا على حرد قادرين

[illegible]

فلما راوها قالوا انا لضالون بل نحن محرومون قال اوسطهم

[illegible]

الم اقل لكم لولا تسبحون قالوا سبحان ربنا انا كنا ظالمين

[illegible]

فاقبل بعضهم على بعض يتلاومون ۝ قالوا يا ويلنا انا كنا
پس ایشان روی در روی یکدیگر کردند و ملامت کردند گفتند ای وای خداوندا که ما بودیم
طاغين ۝ عسى ربنا ان يبدلنا خيرا منها انا الى ربنا راغبون
نافرمانان امید دارید که خداوند ما بدل دهد بهتر ازان که ما با خداوند خود میگردیم
كذلك العذاب ولعذاب الآخرة اكبر لو كانوا يعلمون ۝
همچنین عذاب این جهانی و عذاب آن جهان بزرگتر است اگر دانستند
ان للمتقين عند ربهم جنات النعيم ۝ افنجعل المسلمين
بدرستی که پرهیزکاران است نزد خداوند ایشان بستانهای پر نعمت ایا بکردانیم مومنان را
كالمجرمين ۝ ما لكم كيف تحكمون ۝ ام لكم كتاب فيه
چون گناهکاران چه بود است شمارا چه حکمت میکنید یا شمارا هست نامه که در آن
تدرسون ۝ ان لكم فيه لما تخيرون ۝ ام لكم ايمان علينا بالغة
همی خوانید که شمارا است آنچه حکم میکنید یا شمارا هست سوگندان و پیمان برما
الى يوم القيامة ان لكم لما تحكمون ۝ سلهم ايهم بذلك
تا روز قیامت بدرستی که شماراست آنچه حکم میکنید بپرس که کدام از ایشان
زعيم ۝ ام لهم شركاء فليأتوا بشركائهم ان كانوا صادقين
میانجی است یا این را هست انبازان بیارند انبازان خود را اگر بودند از راستگویان
يوم يكشف عن ساق ويدعون الى السجود فلا يستطيعون ۝
آن روز که پرده برکشند از ساق و بخوانند با سجود کردن نتوانند کافران که سجود کنند
خاشعة ابصارهم ترهقهم ذلة وقد كانوا يدعون الى السجود
فروشده چشمهای ایشان بر روی ایشان نشسته خواری و چون ایشان را میخواندند با سجود
وهم سالمون ۝ فذرني ومن يكذب بهذا الحديث سنستدرجهم
وایشان با سلامت بودند بامن گذار کسی که دروغ میشمرد این سخن زود باشد که ایشان را نادیم گیریم

من حيث لا يعلمون ۝ واملي لهم ان كيدي متين ۝ ام تسألهم
از آنجا که ندانند و مهلت دهیم ایشان را که بدرستی حیله من سخت است یا میخواهی از ایشان
اجرا فهم من مغرم مثقلون ۝ ام عندهم الغيب فهم
مزدی ایشان از وام افتاد گران بار کشند یا نزد ایشان هست نهان ایشان
يكتبون ۝ فاصبر لحكم ربك ولا تكن كصاحب الحوت
مینویسند شکیبائی کن فرموده خداوند تو و مباش چون مرد ماهی
اذ نادى وهو مكظوم ۝ لولا ان تداركه نعمة من ربه لنبذ
چون خواند مارا و او پر غم بود اگر نه آن بودی که دریافتی او را نعمت از خداوند او
بالعراء وهو مذموم ۝ فاجتباه ربه فجعله من الصالحين ۝
برکنده اوراندی و او بدکار بود پس گزید او را خداوند او و کرد او را از نیکان
وان يكاد الذين كفروا ليزلقونك بابصارهم لما سمعوا الذكر
نزدیک آن بود که کافران اندازند ترا بتیز چشم چون بشنیدندی ذکر قرآن
ويقولون انه لمجنون ۝ وما هو الا ذكر للعالمين ۝
و میگویند که او دیوانه است و نیست او مگر شرف دو گیتی

سورة الحاقة اثنان وخمسون آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشاینده مهربان
الحاقة ۝ ما الحاقة ۝ وما ادراك ما الحاقة ۝ كذبت ثمود
آن روز و آن کار بودنی و چه چیز داناکرد ترا که چه آن کار بودنی دروغ زن کرد ثمود
وعاد بالقارعة ۝ فاما ثمود فاهلكوا بالطاغية ۝ واما عاد
و عاد بروز رستاخیز اما ثمود هلاک کردند ببادی سخت از حد درگذشته و اما عاد

فاهلكوا بريح صرصر عاتية ○ سخرها عليهم سبع ليال وثمانية
تباه كردند باد نابهرمانان بادی سخت از حد درگذرنده برگماشت آن را بر ایشان هفت شب و هشت

ايام حسوما فترى القوم فيها صرعى كانهم اعجاز نخل خاوية ○
روز پیوسته برهم روز تو بینی آن گروه را در جای بی جان انداخته گویا که ایشان خرمابنان بیخ افکنده

فهل ترى لهم من باقية ○ وجاء فرعون ومن قبله والمؤتفكات
هیچ بینی از ایشان که مانده است و آمد فرعون و گروه وی که با وی بودند و قوم لوط

بالخاطئة ○ فعصوا رسول ربهم فاخذهم اخذة رابية ○ انا
بد خویش آوردند پس نافرمانی کردند فرستاده خداوندشان پس فرا گرفت ایشان را فرا گرفتنی افزون

لما طغى الماء حملناكم في الجارية ○ لنجعلها لكم تذكرة وتعيها
تا فرمان شد آب برداشتیم شما را در کشتی روان تا یادگاری کنیم آن را تا جهان بود و دریابد

اذن واعية ○ فاذا نفخ في الصور نفخة واحدة ○ وحملت الارض
گوشی دریابنده چون نفخه در صور دمند یک نفخه و بردارند زمین

والجبال فدكتا دكة واحدة ○ فيومئذ وقعت الواقعة ○
و کوهها و درهم کوبند آن را یکبارگی و هم کوفتن پس آن روز آنست که بودنی ببود

وانشقت السماء فهي يومئذ واهية ○ والملك على ارجائها
و شکافته شود آسمان و آسمان آن روز سست شود و فرشتگان بر کنارهای آسمان ...

ويحمل عرش ربك فوقهم يومئذ ثمانية ○ يومئذ تعرضون لا
و بر دارند عرش خداوند تو زبر ایشان آن روز هشت فرشته باشند آن روز پیش آرند شما را

تخفى منكم خافية ○ فاما من اوتي كتابه بيمينه فيقول
پوشیده نماند از شما هیچ نهان اما آنکس که بدهند او را نامه به دست راست وی پس گوید

هاؤم اقرءوا كتابيه ○ اني ظننت اني ملاق حسابيه ○ فهو في
فرا گیرید و بخوانید نامه من و من بی گمان بودم و میدانستم که من با دید شمار پس او در

عيشة راضية ○ في جنة عالية ○ قطوفها دانية ○ كلوا
زندگانی است پسندیده در بهشتی در بالا خوشهای آن نزدیک گویند بخورید

واشربوا هنيئا بما اسلفتم في الايام الخالية ○ واما من اوتي
و بیاشامید گوارنده باد شما را با آنچه کردید در روزهای گذشته و اما آنکس که بدهند او را

كتابه بشماله فيقول يا ليتني لم اوت كتابيه ○ ولم ادر ما حسابيه ○
نامه او بدست چپ گوید کاشکی مرا ندادندی نامه من و ندانستمی که حساب چیست

يا ليتها كانت القاضية ○ ما اغنى عني ماليه ○ هلك عني
کاشکی آن مرگ بودی مرا همیشه هیچ سود نکرد مرا مال و خواسته تباه شد از من

سلطانيه ○ خذوه فغلوه ○ ثم الجحيم صلوه ○ ثم في سلسلة
توان من بگیرید او را و دستها بر گردن او بندید پس به دوزخ رسانید او را پس در زنجیری

ذرعها سبعون ذراعا فاسلكوه ○ انه كان لا يؤمن بالله العظيم ○
کشید او را که درازی آن هفتاد گز باشد اندر کشید او را که او نبود گرویده بخدای بزرگ

ولا يحض على طعام المسكين ○ فليس له اليوم ههنا حميم ○
و نمی انگیخت بر طعام دادن مسکین را نیست او را امروز اینجا نه خویشی و نه دوستی

ولا طعام الا من غسلين ○ لا ياكله الا الخاطئون ○ فلا اقسم
و خورشی نیست او را مگر هرچه از تنها فرو چکد نخورد آن را مگر خطاکاران سوگند میخورم

بما تبصرون ○ وما لا تبصرون ○ انه لقول رسول كريم ○ وما هو بقول
بانچه می بینید و آنچه نمی بینید که او باز گفت فرستاده استوار است و نیست آن سخن

شاعر قليلا ما تؤمنون ○ ولا بقول كاهن قليلا ما تذكرون ○
شعرگوی اندکی آمد که میگروید و نه گفتار فالگوی چون اندک سند می پذیرید

تنزيل من رب العالمين ○ ولو تقول علينا بعض الاقاويل ○ لاخذنا
فرو فرستاده از پروردگار جهانیان و اگر گوید بر ما لختی گفتها ما بگرفتیم

مِنْهُ بِالْيَمِينِ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ
ازو بدست راست پس بگسستیمی ازو رگ دل او هیچکس از شما عذاب ما ازو

حَاجِزِينَ وَإِنَّهُ لَتَذْكِرَةٌ لِلْمُتَّقِينَ وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ
باز دارنده نیست وان سخن یادکاریست پرهیزکارانرا وما میدانیم که از شما هست

مُكَذِّبِينَ وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ
دروغ زن گیران وان دریغ حسرتست بر کافران وان راستست بدرستی یادکن بنام خدا خویش بزرگوار

سُورَةُ الْمَعَارِجِ أَرْبَعٌ وَأَرْبَعُونَ آيَةً

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بنام خدا بخشنده مهربان

سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ مِنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ
بپرسد پرسنده از عذاب بودنی است ناگرویدگانرا نیست ازا باز دارنده از خدا خداوند صعدهای بلند

تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ
سوی او بر شود فرشتگان و جبرئیل در روزی که بود اندازه آن پنجاه

أَلْفَ سَنَةٍ فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا وَنَرَاهُ قَرِيبًا
هزار سال صبر کن صبری نیکو که می بینند ایشان انرا از دور و میبینیم انرا از نزدیک

يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ وَلَا يَسْأَلُ
آن روز که باشد آسمان همچون مس گداخته و باشد کوهها همچون پشم و بر نپرسید

حَمِيمٌ حَمِيمًا يُبَصَّرُونَهُمْ يَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ
هیچ کس خویش و دوست می بینند ایشان آرزو میکند گناهکار که باز خرد از عذاب آن روز

بِبَنِيهِ وَصَاحِبَتِهِ وَأَخِيهِ وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ
بپسران خویش و زن خویش و برادر خویش و خاندان او که میدادشتند او را و هر که در زمین هست

جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ كَلَّا إِنَّهَا لَظَى نَزَّاعَةً لِلشَّوَى تَدْعُو مَنْ أَدْبَرَ
همه پس برهاند او را نیست آن او را آتشی است زبانه زن که پوست از سر در کشد میخواند آنکس را که پشت

وَتَوَلَّى وَجَمَعَ فَأَوْعَى إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ
گرداند و مال گرد کرد بدرستی که مردم را آفریدند تنگدل و حریص چون رسد او را بدی و درویشی

جَزُوعًا وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا إِلَّا الْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَلَى
زاینده بود و چون رسد بدو نیکی و مال باز دارنده بود مگر نمازگزاران آنان که بر

صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ لِلسَّائِلِ
نماز ایشان پاینده اند همیشه و آنانی که در مالهاء ایشان حقی میدانند خواهنده را

وَالْمَحْرُومِ وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ وَالَّذِينَ هُمْ مِنْ عَذَابِ
و درمانده را و ایشان که راست دارند بروز جزا دادن و ایشان که از عذاب

رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَأْمُونٍ وَالَّذِينَ هُمْ
خداوند خویش ترسانند بدرستی که عذاب خداوند ایشان نا ایمن بودنی است و آنانی که

لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ
مر فرجها خویش نگه داران اند مگر بر زنان خویش یا زیردستان یعنی کنیزان

فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ فَمَنِ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ
که ایشان نیستند بجای سرزنش پس آنکه افزونی جوید پس ازین ایشان اند

الْعَادُونَ وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ وَالَّذِينَ هُمْ
که از اندازه درگذرندگان اند و آنان که امانات خویشرا و پیمانهاء ایشان نگه دارند گاه و آنانی که

بِشَهَادَاتِهِمْ قَائِمُونَ وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ
بگواهیهاء ایشان ایستادگانند و آنانی که ایشان بر نمازهاء ایشان هنگام کوشیدگانند

أُولَئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُكْرَمُونَ فَمَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا قِبَلَكَ مُهْطِعِينَ
ان گروه در بستانها اند نواختگان چه رسیدست مران کافران که گرد بر گرد تو چشمها نهاده

عن اليمين وعن الشمال عزين ۝ ايطمع كل امرئ منهم ان يدخل
از راست و از چپ توجوک جوک طمع میکند هر یکی از ایشان که در آرند او را

جنة نعيم ۝ كلا انا خلقناهم مما يعلمون ۝ فلا اقسم برب
در بهشت با ناز نه نیست ایشانرا بدرستی که ما بیافریدیم ایشانرا از آنچه میدانند سوگند میخورم بخداوند

المشارق والمغارب انا لقادرون ۝ على ان نبدل خيرا منهم
مشرق و مغرب که ما توانا ایم بر آنکه بهتر آریم از ایشان

وما نحن بمسبوقين ۝ فذرهم يخوضوا ويلعبوا حتى يلاقوا
و در هیچ کار در نمانیم رها کن ایشانرا و بازی همی کنند تا ببینند

يومهم الذي يوعدون ۝ يوم يخرجون من الاجداث سراعا
روز خویش آن روزی که وعده میدهند شمارا آنروز که بیرون آیند از گورها می شتابند

كانهم الى نصب يوفضون ۝ خاشعة ابصارهم ترهقهم
گوئی که ایشان دمنده در صور میشتابند فروشده چشمها ایشان بر ایشان نشسته

ذلة ذلك اليوم الذي كانوا يوعدون ۝
خواری این آنروزست که در گیتی ایشانرا بودند وعده دمنده

سورة نوح ثمان وعشرون آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشاینده مهربان

انا ارسلنا نوحا الى قومه ان انذر قومك من قبل ان ياتيهم
بدرستی که بفرستادیم نوح را با گروهی وگفتیم بیم کن گروه خود را از پیش آنکه بیاید بایشان

عذاب اليم ۝ قال يا قوم اني لكم نذير مبين ۝ ان اعبدوا الله
عذابی دردناک گفت ای گروه بدرستی که من شمارا بیم کننده روشنم که پرستید خدارا

واتقوه واطيعون ۝ يغفر لكم من ذنوبكم ويؤخركم الى اجل
و بترسید از عذاب او و فرمان برید تا بیامرزد شمارا از گناهان شما و وا پس افکند تا هنگامی

مسمى ان اجل الله اذا جاء لا يؤخر لو كنتم تعلمون ۝ قال
نام زد کرده بدرستی که هنگام نام زد کرده خدا چون آید باز پس نیفکند اگر میدانید گفت نوح

رب اني دعوت قومي ليلا ونهارا ۝ فلم يزدهم دعاءي الا فرارا ۝
خداوند من بدرستی که من خواندم گروهی را بشب و روز و زیادت نشد خواندن من مگر گریختن

واني كلما دعوتهم لتغفر لهم جعلوا اصابعهم في آذانهم
و بدرستی که من هر گاه که بخوانم ایشانرا تا بیامرزی ایشانرا نهند انگشتان خود در گوش تا سخن من نشنوند

واستغشوا ثيابهم واصروا واستكبروا استكبارا ۝ ثم اني
و در سر کشیدند جامها خویش و بستهیدند و گردن کشیدند گردن کشیدنی پس من

دعوتهم جهارا ۝ ثم اني اعلنت لهم واسررت لهم اسرارا ۝
بخواندم ایشانرا آشکار پس من آشکارا کردم بار خواندن ایشان و نهان کردم ایشانرا باز خواندن نهان کردنی

فقلت استغفروا ربكم انه كان غفارا ۝ يرسل السماء
پس گفتم آمرزش خواهید خداوند خویش را که او بود آمرزگار فرو گشاید از آسمان

عليكم مدرارا ۝ ويمددكم باموال وبنين ويجعل لكم جنات
بر شما باران و فراهم سازد شمارا با مالها و پسران و گرداند شمارا بستانها

ويجعل لكم انهارا ۝ ما لكم لا ترجون لله وقارا ۝ وقد خلقكم
و سازد شمارا جویها چه رسد شمارا که نمی ترسید از خدا شکوه و بیافرید شمارا چند بارها

اطوارا ۝ الم تروا كيف خلق الله سبع سموات طباقا ۝ وجعل
نمی بینید که چگونه بیافرید خدا هفت آسمان طبق طبق و کرد

القمر فيهن نورا وجعل الشمس سراجا ۝ والله انبتكم من الارض
ماه در آن روشنائی و کرد آفتاب چراغی و خدا برویانید شمارا از زمین

نباتا ۝ ثم يعيدكم فيها ويخرجكم اخراجا ۝ والله جعل لكم الارض

بساطا ۝ لتسلكوا منها سبلا فجاجا ۝ قال نوح رب انهم

عصوني واتبعوا من لم يزده ماله وولده الا خسارا ۝ ومكروا

مكرا كبارا ۝ وقالوا لا تذرن الهتكم ولا تذرن ودا ولا

سواعا ولا يغوث ويعوق ونسرا ۝ وقد اضلوا كثيرا ۝ ولا تزد الظالمين

الا ضلالا ۝ مما خطيئاتهم اغرقوا فادخلوا نارا ۝ فلم يجدوا لهم

من دون الله انصارا ۝ وقال نوح رب لا تذر على الارض من الكافرين

ديارا ۝ انك ان تذرهم يضلوا عبادك ولا يلدوا الا فاجرا

كفارا ۝ رب اغفر لي ولوالدي ولمن دخل بيتي مؤمنا

وللمؤمنين والمؤمنات ولا تزد الظالمين الا تبارا ۝

سورة الجن ثمان وعشرون آية مكية

نصف الجزو

بسم الله الرحمن الرحيم

قل اوحي الي انه استمع نفر من الجن فقالوا انا سمعنا قرانا عجبا

يهدي الى الرشد فامنا به ولن نشرك بربنا احدا ۝ وانه تعالى

جد ربنا ما اتخذ صاحبة ولا ولدا ۝ وانه كان يقول سفيهنا

على الله شططا ۝ وانا ظننا ان لن تقول الانس والجن على الله

كذبا ۝ وانه كان رجال من الانس يعوذون برجال من الجن

فزادوهم رهقا ۝ وانهم ظنوا كما ظننتم ان لن يبعث الله احدا ۝

وانا لمسنا السماء فوجدناها ملئت حرسا شديدا وشهبا ۝

وانا كنا نقعد منها مقاعد للسمع فمن يستمع الان يجد له

شهابا رصدا ۝ وانا لا ندري اشر اريد بمن في الارض ام اراد بهم

ربهم رشدا ۝ وانا منا الصالحون ومنا دون ذلك كنا

طرائق قددا ۝ وانا ظننا ان لن نعجز الله في الارض ولن نعجزه
هربا ۝ وانا لما سمعنا الهدى امنا به فمن يؤمن بربه فلا يخاف
بخسا ولا رهقا ۝ وانا منا المسلمون ومنا القاسطون فمن
اسلم فاولئك تحروا رشدا ۝ واما القاسطون فكانوا لجهنم
حطبا ۝ وان لو استقاموا على الطريقة لاسقيناهم ماء غدقا ۝
لنفتنهم فيه ومن يعرض عن ذكر ربه يسلكه عذابا صعدا ۝
وان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احدا ۝ وانه لما قام عبد الله
يدعوه كادوا يكونون عليه لبدا ۝ قل انما ادعوا ربي ولا اشرك
به احدا ۝ قل اني لا املك لكم ضرا ولا رشدا ۝ قل اني لن يجيرني
من الله احد ولن اجد من دونه ملتحدا ۝ الا بلاغا من الله
ورسالاته ومن يعص الله ورسوله فان له نار جهنم خالدين

فيها ابدا ۝ حتى اذا راوا ما يوعدون فسيعلمون من اضعف ناصرا
واقل عددا ۝ قل ان ادري اقريب ما توعدون ام يجعل له ربي
امدا ۝ عالم الغيب فلا يظهر على غيبه احدا ۝ الا من ارتضى
من رسول فانه يسلك من بين يديه ومن خلفه رصدا ۝ ليعلم
ان قد ابلغوا رسالات ربهم واحاط بما لديهم واحصى كل شيء عددا ۝

سورة المزمل عشرون آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

يا ايها المزمل ۝ قم الليل الا قليلا ۝ نصفه او انقص منه قليلا ۝
او زد عليه ورتل القران ترتيلا ۝ انا سنلقي عليك قولا ثقيلا ۝
ان ناشئة الليل هي اشد وطأ واقوم قيلا ۝ ان لك في النهار
سبحا طويلا ۝ واذكر اسم ربك وتبتل اليه تبتيلا ۝ رب المشرق

والمغرب لا اله الا هو فاتخذه وكيلا ۝ واصبر على ما يقولون واهجرهم

ومغرب هيچ معبودی سزای پرستش نیست مگر او پس فرا گیر او را کارساز خود ۝ و صبر کن بر آنچه میگویند و ببر از ایشان

هجرا جميلا ۝ وذرني والمكذبين اولي النعمة ومهلهم قليلا ۝

بریدنی نیکو و بگذار مرا با مکذبان خداوندان نعمت و مهلت ده ایشانرا مهلتی اندک

ان لدينا انكالا وجحيما ۝ وطعاما ذا غصة وعذابا اليما ۝

بدرستی که نزد ماست بندهای گران و آتشی بزرگ و خوردنی با صفت در گلو گرفتن و عذابی دردناک

يوم ترجف الارض والجبال وكانت الجبال كثيبا مهيلا ۝

روزی بلرزد زمین و کوهها و باشد کوهها ریگ پراکنده از هیبت آن روز

انا ارسلنا اليكم رسولا ۝ شاهدا عليكم كما ارسلنا الى

بدرستی که ما فرستادیم بسوی شما فرستاده گواه بر احوال شما همچنانکه فرستادیم بسوی فرعون بسوی

فرعون رسولا ۝ فعصى فرعون الرسول فاخذناه اخذا وبيلا ۝

فرعون رسولی چون موسی پس عاصی شد فرعون آن رسول پس فرو گرفتیم او را گرفتنی سخت

فكيف تتقون ان كفرتم يوما يجعل الولدان شيبا ۝ السماء

پس چگونه نگاه میدارید نفس خود را اگر باشید کافر خود روزی گرداند کودکان را پیران آسمان

منفطر به كان وعده مفعولا ۝ ان هذه تذكرة فمن شاء اتخذ

شکافته شده باشد هست وعده خدای بودنی بدرستی این آیتها پندی و عبرتست پس هر که خواهد فرا گیرد

الى ربه سبيلا ۝ ان ربك يعلم انك تقوم ادنى من ثلثي الليل

بقرب آفریدگار خود راهی بدرستی که پروردگار تو میداند آنکه تو بر میخیزی در شب برای نماز کمتر از چهار دانگ شب

ونصفه وثلثه وطائفة من الذين معك والله يقدر الليل

و نیمه از آن و سیکی از آن و بر میخیزد بر همین منوال طایفه از آنان که با تواند و خدای اندازه میکند شب

والنهار علم ان لن تحصوه فتاب عليكم فاقرءوا ما تيسر من

و روز دانست که نمی‌توانید طاقت نداریده پس بازگشت بر شما پس بخوانید آنچه آسان بود از

القران علم ان سيكون منكم مرضى واخرون يضربون في الارض

قرآن داند خدای که باشد از شما بیماران و دیگران که سفر کنند در زمین

يبتغون من فضل الله واخرون يقاتلون في سبيل الله فاقرءوا

میطلبند از فضل خدای و دیگران که کارزار میکنند در راه خدای پس بخوانید

ما تيسر منه واقيموا الصلوة واتوا الزكوة واقرضوا الله قرضا

آنچه میسر شود از قرآن و بپای دارید نماز و بدهید زکوة واجب و قرض دهید خدای قرضی نیکو

حسنا وما تقدموا لانفسكم من خير تجدوه عند

نیکو و آنچه پیش فرستید برای نفسهای خود از نیکی بیابید آنرا نزد

الله هو خيرا واعظم اجرا واستغفروا الله ان الله غفور رحيم ۝

خدای او بهتر و بزرگتر از روی مزد و طلب آمرزش کنید از خدای بدرستی که خدای آمرزنده و مهربانست

سورة المدثر مكية ست وخمسون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

يا ايها المدثر ۝ قم فانذر ۝ وربك فكبر ۝ وثيابك فطهر ۝ والرجز

ای جامه پوشیده برخیز پس بیم کن و پروردگار خود را بتعظیم یاد کن و جامهای خود را پاک ساز و از گناهان

فاهجر ۝ ولا تمنن تستكثر ۝ ولربك فاصبر ۝ فاذا نقر في الناقور ۝

کناره کن و منت منه بخدای تا آنرا بسیار شماری و برای رضای پروردگار صبر کن پس چون دمیده شود در صور یعنی نفخه ثانی

فذلك يومئذ يوم عسير ۝ على الكافرين غير يسير ۝ ذرني ومن

پس آن دمیدن در آن روز روزیست دشوار بر ناگرویدگان نه آسان بگذار مرا و آنکه

خلقت وحيدا ۝ وجعلت له مالا ممدودا ۝ وبنين شهودا ۝

آفریدم او را تنها و دادیم او را مالی کشیده و پسران حاضر که

وَمَهَّدتُّ لَهُ تَمهِيدًا ۝ ثُمَّ يَطمَعُ أَن أَزِيدَ ۝ كَلَّا إِنَّهُ كَانَ
و بگسترانیدم برای او بساط جاه و ریاست   پس طمع میدارد که زیاده کنم عطیات خود زیاده نکنم   بدرستی که او هست

لِآيَاتِنَا عَنِيدًا ۝ سَأُرهِقُهُ صَعُودًا ۝ إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ ۝ فَقُتِلَ
کلام ما را منکر   زود باشد که در رسانم او را به صعود   بدرستی که او فکر کرد و اندازه راست کرد پس لعنت کرده باد

كَيفَ قَدَّرَ ۝ ثُمَّ قُتِلَ كَيفَ قَدَّرَ ۝ ثُمَّ نَظَرَ ۝ ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ ۝ ثُمَّ أَدبَرَ
که چگونه تقدیر کرد   پس ملعون باد که چگونه اندازه گرفت   پس نظر کرد   پس روی ترش کرد و پیشانی درهم کشید   پس روی بگردانید

وَاستَكبَرَ ۝ فَقَالَ إِن هَذَا إِلَّا سِحرٌ يُؤثَرُ ۝ إِن هَذَا إِلَّا قَولُ
و گردن کشی کرد از حق   پس گفت نیست این کلام مگر سحری که تعلیم گرفته شود   نیست این کلام مگر قول

البَشَرِ ۝ سَأُصلِيهِ سَقَرَ ۝ وَمَا أَدرَاكَ مَا سَقَرُ ۝ لَا تُبقِي وَلَا تَذَرُ
آدمی   زود باشد که در آریم او را در طبقه دوزخ   و چه چیز دانا کرد ترا که چیست سقر   آتشی که باقی نگذارد گوشت بر دوزخی و دست بازندارد تا دیگر

لَوَّاحَةٌ لِلبَشَرِ ۝ عَلَيهَا تِسعَةَ عَشَرَ ۝ وَمَا جَعَلنَا أَصحَابَ النَّارِ
بسوزد پوست کافران برآن آتش نوزده ملک موکل باشند   و ما نگردانیدیم خازنان دوزخ

إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلنَا عِدَّتَهُم إِلَّا فِتنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا
مگر فرشتگان   و نساختیم شماره آنرا که نوزده است عددی الا که سبب فتنه باشد مر آنان که کافر شدند

لِيَستَيقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الكِتَابَ وَيَزدَادَ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا
تا یقین شوند آنان که داده اند کتاب   تا بیفزاید آنان که گرویده اند گرویدنی و تا شک نیارند

وَلَا يَرتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الكِتَابَ وَالمُؤمِنُونَ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ
آنان که عطا داده شده اند توریت   و گرویدگان   و تا گویند   آنانکه

فِي قُلُوبِهِم مَرَضٌ وَالكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا
در دل ایشان بیماریست و کافران   چه خواست خدای بدین عدد که عجیب است

كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَيَهدِي مَن يَشَاءُ وَمَا يَعلَمُ جُنُودَ
همچنین گمراه میکند خدای هر که میخواهد و راه مینماید هر کرا میخواهد و نمیداند لشکر

رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكرَى لِلبَشَرِ ۝ كَلَّا وَالقَمَرِ ۝ وَاللَّيلِ
خدای تو مگر هم او و نیست سقر مگر پندی برای آدمیان   نه چنین است سوگند بماه و بحرمت شب

إِذ أَدبَرَ ۝ وَالصُّبحِ إِذَا أَسفَرَ ۝ إِنَّهَا لَإِحدَى الكُبَرِ ۝ نَذِيرًا لِلبَشَرِ
چون باز گردد روز   و بصبح چون روشن گرداند عالم   بدرستی که سقر یکی از درکات بزرگ دوزخ است بیم کننده مر آدمیان

لِمَن شَاءَ مِنكُم أَن يَتَقَدَّمَ أَو يَتَأَخَّرَ ۝ كُلُّ نَفسٍ بِمَا كَسَبَت
هر که خواهد از شما آنکه پیش شود یا بازایستد   هر نفسی   از آنچه   کرده

رَهِينَةٌ ۝ إِلَّا أَصحَابَ اليَمِينِ ۝ فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ ۝ عَنِ
از کردار خود در گروست مگر اصحاب دست راست   در بوستانها   مسئله کنند   از

المُجرِمِينَ ۝ مَا سَلَكَكُم فِي سَقَرَ ۝ قَالُوا لَم نَكُ مِنَ المُصَلِّينَ ۝
احوال مشرکان چه چیز آورد شما را   در دوزخ   مجرمان گویند نبودیم ما از نماز گذارندگان

وَلَم نَكُ نُطعِمُ المِسكِينَ ۝ وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الخَائِضِينَ ۝ وَكُنَّا
و نبودیم ما که طعام دهیم مسکینان   و بودیم که شروع میکردیم در شان محمد شروع کنندگان   و بودیم

نُكَذِّبُ بِيَومِ الدِّينِ ۝ حَتَّى أَتَانَا اليَقِينُ ۝ فَمَا تَنفَعُهُم شَفَاعَةُ
که تکذیب میکردیم روز جزا   تا وقتی که آمد ما را مرگ   پس سود نکند ایشان را شفاعت

الشَّافِعِينَ ۝ فَمَا لَهُم عَنِ التَّذكِرَةِ مُعرِضِينَ ۝ كَأَنَّهُم حُمُرٌ مُستَنفِرَةٌ ۝
شفیعان   ... را با موعظت اعراض کنندگان   گوییا ایشان خران وحشی اند

فَرَّت مِن قَسوَرَةٍ ۝ بَل يُرِيدُ كُلُّ امرِئٍ مِنهُم أَن يُؤتَى صُحُفًا مُنَشَّرَةً ۝
که گریخته باشند از شیر   بلکه میخواهد هر مردی از ایشان   آنکه داده شود نامهای سر گشاده

كَلَّا بَل لَا يَخَافُونَ الآخِرَةَ ۝ كَلَّا إِنَّهُ تَذكِرَةٌ ۝ فَمَن شَاءَ ذَكَرَهُ ۝
نه چنین است بلکه نمی ترسند از عذاب آخرة   حقا که نیست این مگر پندی   پس هر که خواهد پند گیرد

وَمَا يَذكُرُونَ إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهلُ التَّقوَى وَأَهلُ المَغفِرَةِ ۝
یاد نکنند او را مگر آنکه خواهد خدای که یاد کنند اوست سزاوار آنکه ازو ترسند و سزاوار آمرزیدن ترسندگان

إذ أدبر

حزب

سورة القيمة اربعون آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

لا أقسم بيوم القيمة ولا أقسم بالنفس اللوامة أيحسب الانسان

ان لن نجمع عظامه بلى قادرين على ان نسوي بنانه بل يريد

الانسان ليفجر امامه يسئل ايان يوم القيمة فاذا برق

البصر وخسف القمر وجمع الشمس والقمر يقول الانسان

يومئذ اين المفر كلا لا وزر الى ربك يومئذ المستقر

ينبؤا الانسان يومئذ بما قدم واخر بل الانسان على نفسه

بصيرة ولو القى معاذيره لا تحرك به لسانك لتعجل به ان

علينا جمعه وقرانه فاذا قرأناه فاتبع قرانه ثم ان علينا بيانه

كلا بل تحبون العاجلة وتذرون الاخرة وجوه يومئذ ناضرة

الى ربها ناظرة ووجوه يومئذ باسرة تظن ان يفعل بها فاقرة

كلا اذا بلغت التراقي وقيل من راق وظن انه الفراق والتفت

الساق بالساق الى ربك يومئذ المساق فلا صدق ولا

صلى ولكن كذب وتولى ثم ذهب الى اهله يتمطى

اولى لك فاولى ثم اولى لك فاولى ايحسب الانسان ان

يترك سدى الم يك نطفة من مني يمنى ثم كان علقة

فخلق فسوى فجعل منه الزوجين الذكر والانثى

اليس ذلك بقادر على ان يحيي الموتى

سورة الدهر احدى وثلثون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

هل اتى على الانسان حين من الدهر لم يكن شيئا مذكورا انا خلقنا

الانسان من نطفة امشاج نبتليه فجعلناه سميعا بصيرا
آدمیان را از آبی اندک آمیختها می آزماییم او را پس گردانیدیم او را شنوا و بینا

انا هديناه السبيل اما شاكرا واما كفورا انا اعتدنا للكافرين
بدرستی که ما نمودیم او را راه راست یا سپاس دارنده یا ناسپاس بدرستی که ما آماده کردیم برای ناگرویدگان

سلاسل واغلالا وسعيرا ان الابرار يشربون من كاس كان
زنجیرها و غلها و آتش افروخته بدرستی که نیکوکاران می آشامند از جام خمری که هست

مزاجها كافورا عينا يشرب بها عباد الله يفجرونها تفجيرا
آمیختگی آن کافور کافور چشمه ایست که می آشامند از آن بندگان خدای میرانند آن چشمه را راندنی آسان

يوفون بالنذر ويخافون يوما كان شره مستطيرا ويطعمون
وفا مینمایند بنذره که کردند و میترسند از روزی که هست بدی آن فاش و آشکارا و میدهند

الطعام على حبه مسكينا ويتيما واسيرا انما نطعمكم
خوردنی بر دوستی خدای درویش بی چیز و خرد سال بی پدر و اسیری گرفتار گویند جز این نیست که میخورانیم شما را

لوجه الله لا نريد منكم جزاء ولا شكورا انا نخاف من ربنا يوما
برای طلب رضاء خدا نمیخواهیم از شما پاداشی و مکافاتی و نه سپاسی بدرستی که ما میترسیم از آفریدگار ما از عذاب روزی

عبوسا قمطريرا فوقاهم الله شر ذلك اليوم ولقاهم نضرة
که رویها ترش شود روزی سخت پس نگاه دارد خدای از بدی آن روز و پیش آرد ایشان را تازگی

وسرورا وجزاهم بما صبروا جنة وحريرا متكئين فيها على
و شادی و عوض دهد ایشان را بسبب صبری که در دنیا کردند بوستانی و خلعت حریر در حالتی که تکیه زده در بهشت بر

الارائك لا يرون فيها شمسا ولا زمهريرا ودانية عليهم
تختهای آراسته نبینند در بهشت آفتاب را و نه سرما یعنی هوای آن معتدل باشد و نزدیک است بر ایشان

ظلالها وذللت قطوفها تذليلا ويطاف عليهم بانية
سایهای درختان و رام کرده شده میوهای آن رام کردنی گردانیده شود بر ایشان جامها

من فضة واكواب كانت قواريرا قواريرا من فضة قدروها
از سیم و جام بزرگ که باشد مانند آبگینها آبگینها از سیم اندازه کرده باشند

تقديرا ويسقون فيها كاسا كان مزاجها زنجبيلا عينا
اندازه کرده باشند و آشامیده شوند در بهشت خمری که باشد آمیزش آن زنجبیل چشمه ایست

فيها تسمى سلسبيلا ويطوف عليهم ولدان مخلدون
در بهشت نام نهاده شده سلسبیل و طواف کننده بر ایشان پسران جاودان مانده بر حال طفولیت

اذا رايتهم حسبتهم لؤلؤا منثورا واذا رايت ثم رايت
چون ببینی تو ایشان را پنداری ایشان را مروارید افشانده شده و چون بنگری آنجا بینی تو

نعيما وملكا كبيرا عاليهم ثياب سندس خضر واستبرق
نعمتها و ملکی بزرگ زبر بهشتیان جامها دیبای نازک سبز است و دیبای محکم ستبر

وحلوا اساور من فضة وسقاهم ربهم شرابا طهورا ان هذا
و پیرایه و زینت بسته شوند دستوانها از نقره و بیاشامید پروردگار ایشان را شرابی پاک بدرستی که این کرامتها

كان لكم جزاء وكان سعيكم مشكورا انا نحن نزلنا عليك
هست شما را پاداش کردار شما و هست سعی شما پسندیده و لایق بدرستی که ما فرو فرستادیم بر تو

القران تنزيلا فاصبر لحكم ربك ولا تطع منهم اثما او كفورا
قرآن فرو فرستادنی پس صبر کن مر حکم پروردگار خود و فرمان مبر از ایشان گناهکاری یا ناسپاسی

واذكر اسم ربك بكرة واصيلا ومن الليل فاسجد له وسبحه
و یاد کن نام پروردگار خود بامداد و شبانگاه و در بعضی از شب پس سجود کن مر او را و نماز گذار

ليلا طويلا ان هؤلاء يحبون العاجلة ويذرون وراءهم يوما
در شبها دراز بدرستی که این قوم یعنی کفار دوست میدارند سرای شتابنده و گذاشته اند از پس پشت روز

ثقيلا نحن خلقناهم وشددنا اسرهم واذا شئنا بدلنا امثالهم
گران ما بیافریدیم ایشان را و محکم کردیم آفرینش ایشان و چون خواهیم بدل کنیم امثال ایشان

تبديلا ﴿﴾ إن هذه تذكرة فمن شاء اتخذ إلى ربه سبيلا ﴿﴾ وما

بدل کردنی بدرستی که این سوره پندی و موعظت است پس هر که خواهد کو فراگیرد بسوی پروردگار خود راهی و نه

تشاؤون إلا أن يشاء الله إن الله كان عليما حكيما ﴿﴾

خواهید شما هیچ راهی مگر آنکه خدا خواهد بدرستی که خدا هست دانا صواب کار

يدخل من يشاء في رحمته والظالمين أعد لهم عذابا أليما

درآورد هر کرا خواهد در بخشش خود و ستمکاران آماده کرده برای ایشان عذابی دردناک

سورة والمرسلات خمسون آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

والمرسلات عرفا ﴿﴾ فالعاصفات عصفا ﴿﴾ والناشرات نشرا ﴿﴾

[illegible]

فالفارقات فرقا ﴿﴾ فالملقيات ذكرا ﴿﴾ عذرا أو نذرا ﴿﴾ إنما توعدون

[illegible]

لواقع ﴿﴾ فإذا النجوم طمست ﴿﴾ وإذا السماء فرجت ﴿﴾ وإذا الجبال

[illegible]

نسفت ﴿﴾ وإذا الرسل أقتت ﴿﴾ لأي يوم أجلت ﴿﴾ ليوم الفصل ﴿﴾

[illegible]

وما أدراك ما يوم الفصل ﴿﴾ ويل يومئذ للمكذبين ﴿﴾ ألم نهلك

[illegible]

الأولين ﴿﴾ ثم نتبعهم الآخرين ﴿﴾ كذلك نفعل بالمجرمين ﴿﴾

[illegible]

ويل يومئذ للمكذبين ﴿﴾ ألم نخلقكم من ماء مهين ﴿﴾ فجعلناه

وای آنروز مکذب کنندگان را آیا نیافریدیم شما را از آبی خوار بی‌مقدار پس نگاه داشتیم

في قرار مكين ﴿﴾ إلى قدر معلوم ﴿﴾ فقدرنا فنعم القادرون ﴿﴾ ويل

در قرارگاه استوار تا مقداری دانسته پس توانا بودیم پس نیکو توانایانیم وای

يومئذ للمكذبين ﴿﴾ ألم نجعل الأرض كفاتا ﴿﴾ أحياء وأمواتا ﴿﴾ وجعلنا

آنروز مرآنان را که تکذیب میکنند آیا نکردانیدیم زمین را پوشیده مر زندگان و مردگان را و بیافریدیم

فيها رواسي شامخات وأسقيناكم ماء فراتا ﴿﴾ ويل يومئذ للمكذبين

در زمین کوههای پابرجای بلند و بیاشامانیدیم شما را آب شیرین وای

انطلقوا إلى ما كنتم به تكذبون ﴿﴾ انطلقوا إلى ظل ذي ثلاث شعب ﴿﴾

بروید بآن مکانی که بودید که تکذیب میکردید بروید بسایۀ خداوند سه شاخ

لا ظليل ولا يغني من اللهب ﴿﴾ إنها ترمي بشرر كالقصر ﴿﴾ كأنه

نه سایۀ خنک و دفع نکند از دوزخ ... بدرستی که دوزخ می‌افکند شراره‌ها ...

جمالت صفر ﴿﴾ ويل يومئذ للمكذبين ﴿﴾ هذا يوم لا ينطقون ﴿﴾ ولا

شتران زرد ... این روزیست که سخن نگویند ...

يؤذن لهم فيعتذرون ﴿﴾ ويل يومئذ للمكذبين ﴿﴾ هذا يوم الفصل

... وای آنروز ... این روز جدا کردنست

جمعناكم والأولين ﴿﴾ فإن كان لكم كيد فكيدون ﴿﴾ ويل يومئذ

جمع کردیم شما را و پیشینیان را ... وای آنروز

للمكذبين ﴿﴾ إن المتقين في ظلال وعيون ﴿﴾ وفواكه مما يشتهون ﴿﴾

مر دروغ گویان را بدرستی که پرهیزکاران در سایه درختان ... و میوه‌ها از آنچه آرزو کنند

كلوا واشربوا هنيئا بما كنتم تعملون ﴿﴾ إنا كذلك نجزي المحسنين ﴿﴾

بخورید و بیاشامید ... بدرستی که ما همچنین جزا دهیم نیکوکاران را

ويل يومئذ للمكذبين ۝ كلوا وتمتعوا قليلا انكم مجرمون

ويل يومئذ للمكذبين ۝ واذا قيل لهم اركعوا لا يركعون

ويل يومئذ للمكذبين ۝ فباي حديث بعده يؤمنون

سورة النبأ اربعون آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

عم يتساءلون ۝ عن النبإ العظيم ۝ الذي هم فيه مختلفون

كلا سيعلمون ۝ ثم كلا سيعلمون ۝ الم نجعل الارض مهادا

والجبال اوتادا ۝ وخلقناكم ازواجا ۝ وجعلنا نومكم سباتا

وجعلنا الليل لباسا ۝ وجعلنا النهار معاشا ۝ وبنينا

فوقكم سبعا شدادا ۝ وجعلنا سراجا وهاجا ۝ وانزلنا من المعصرات

ماء ثجاجا ۝ لنخرج به حبا ونباتا ۝ وجنات الفافا ۝ ان يوم

الفصل كان ميقاتا ۝ يوم ينفخ في الصور فتاتون افواجا

وفتحت السماء فكانت ابوابا ۝ وسيرت الجبال فكانت سرابا

ان جهنم كانت مرصادا ۝ للطاغين مآبا ۝ لابثين فيها احقابا

لا يذوقون فيها بردا ولا شرابا ۝ الا حميما وغساقا ۝ جزاء وفاقا

انهم كانوا لا يرجون حسابا ۝ وكذبوا باياتنا كذابا ۝ وكل

شيء احصيناه كتابا ۝ فذوقوا فلن نزيدكم الا عذابا ۝ ان للمتقين

مفازا ۝ حدائق واعنابا ۝ وكواعب اترابا ۝ وكاسا دهاقا

لا يسمعون فيها لغوا ولا كذابا ۝ جزاء من ربك عطاء

حسابا ۝ رب السموات والارض وما بينهما الرحمن لا يملكون

منه خطابا ۝ يوم يقوم الروح والملائكة صفا لا يتكلمون

الا من اذن له الرحمن وقال صوابا ۝ ذلك اليوم الحق فمن شاء

يتخذ الى ربه مابا ۝ انا انذرناكم عذابا قريبا ۝ يوم ينظر المرء
گرفتگیرد بسوی پروردگار بازگشتی بدرستی که ما بیم کردیم شما را از عذابی نزدیک روزی که بنگرد آدمی

ما قدمت يداه ويقول الكافر يا ليتني كنت ترابا ۝
آنچه پیش فرستاده دو دست او و گوید ناگرویده در آن روز ای کاشکی من بودمی خاک

سورة والنازعات ست واربعون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

والنازعات غرقا ۝ والناشطات نشطا ۝ والسابحات سبحا ۝
سوگند بکشندگان بقوة و شدة و بفرشتگان بیرون برنده ارواح و بملایکه شتابنده کشنده شناکردنی

فالسابقات سبقا ۝ فالمدبرات امرا ۝ يوم ترجف الراجفة ۝
پس بفرشتگان پیشی گیرنده با هم پیش گرفتنی پس بملایکه که تدبیر امور میکنند یاد کن آن روز که بجنبد جنبنده یعنی زمین و کوه

تتبعها الرادفة ۝ قلوب يومئذ واجفة ۝ ابصارها خاشعة ۝
از پی در آید آنرا از پی در آینده دلها در آن روز ترسان بود دیدها خوابانیده باشند

يقولون ائنا لمردودون في الحافرة ۝ ائذا كنا عظاما نخرة ۝
میگویند آیا ما بر گردنده شدگانیم در حالة اولی آیا چون گردیم ما استخوانهای پوسیده

قالوا تلك اذا كرة خاسرة ۝ فانما هي زجرة واحدة ۝ فاذا هم
گفتند آن زمان آن بازگشتن الحاله بازگشتنی با زیان پس جز این نیست که آن یک فریاد است تنها پس آنگاه ایشان

بالساهرة ۝ هل اتاك حديث موسى ۝ اذ ناداه ربه بالواد المقدس
بر روی زمین سعید و هموار باشند آیا آمد بتو سخن موسی یاد کن چون بخواند موسی پروردگار خود بوادی پاکیزه

طوى ۝ اذهب الى فرعون انه طغى ۝ فقل هل لك الى ان تزكى ۝
یعنی طوی ندا کرده شد که برو بسوی فرعون بدرستی که او از حد گذشته در تکبر پس بگو هیچ هست مر ترا میلی بسوی آنکه پاکیزه شوی

واهديك الى ربك فتخشى ۝ فاريه الاية الكبرى ۝ فكذب
و بنمایم ترا راه بسوی پروردگار تو تا بترسی پس بنمود موسی او را معجزه بزرگتر پس تکذیب کرد موسی را

وعصى ۝ ثم ادبر يسعى ۝ فحشر فنادى ۝ فقال انا ربكم الاعلى ۝
و عاصی شد پس پشت بموسی کرد میشتافت با بطال امر او پس جمع کرد قوم خود پس ندا کرد پس گفت منم پروردگار بزرگتر شما

فاخذه الله نكال الاخرة والاولى ۝ ان في ذلك لعبرة لمن يخشى ۝
پس گرفت او را خدای بر عقوبت آخرة و بعذاب دنیا که غرق شد بدرستی که در گرفتن فرعون پندیست مر کسی که بترسد

ءانتم اشد خلقا ام السماء بناها ۝ رفع سمكها فسويها ۝
آیا شما منکران بعث سختر و دشوار تر بود از روی آفرینش یا آسمان بنا کرد آنرا بر داشت سقف آسمان پس راست کرد آنرا

واغطش ليلها واخرج ضحيها ۝ والارض بعد ذلك دحيها ۝
و تاریک گردانید شب را و بیرون آورد روز آنرا و زمین را بعد از آفرینش آسمان بگسترد

اخرج منها ماءها ومرعيها ۝ والجبال ارسيها ۝ متاعا لكم
بیرون آورد از زمین گسترده آب او را و بیرون آورد گیاه زار او و کوهها ثابت گردانید از برای برخورداری شما

ولانعامكم ۝ فاذا جاءت الطامة الكبرى ۝ يوم يتذكر
و چهارپایان شما پس چون بیاید داهیه بزرگتر روزی که یاد آرد

الانسان ما سعى ۝ وبرزت الجحيم لمن يرى ۝ فاما من طغى
آدمی آنچه سعی کرده و ظاهر گردانیده شود دوزخ مر کسی که ببیند پس اما هر که از حد برده باشد

واثر الحيوة الدنيا ۝ فان الجحيم هي المأوى ۝ واما من
و برگزیند زندگانی دنیا پس دوزخ جای اوست و اما هر کس که

خاف مقام ربه ونهى النفس عن الهوى ۝ فان الجنة هي المأوى ۝
ترسیده باشد از ایستادن نزد پروردگار خود و نهی کرده باشد نفس خود را از هوا پس بدرستی که بهشت آرامگاه اوست

يسئلونك عن الساعة ايان مرسيها ۝ فيم انت من ذكريها ۝ الى
میپرسند ترا ای محمد از روز رستاخیز کی باشد اقامت آن در چه چیزی تو از یاد کردن آن علم قیامت نزد

ربك منتهيها ۝ انما انت منذر من يخشيها ۝ كانهم

پروردگار تست منتهای آن — جز این نیست که تو بیم کننده هر که ترسد از قیامت — گوییا کافران که

يوم يرونها لم يلبثوا الا عشية او ضحيها ۝

روزی که ببینند درنگ نکرده اند در دنیا — مگر شبانگاه — یا روزی یا چاشت آن روز

سورة عبس اثنان واربعون آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

عبس وتولى ۝ ان جاءه الاعمى ۝ وما يدريك لعله يزكى ۝

ترش کرد روی خود را و روی بگردانید — که آمد سوی او نابینا — و چه چیز دانا کرد ترا شاید که پاک شود

او يذكر فتنفعه الذكرى ۝ اما من استغنى ۝ فانت له تصدى ۝

یا پند گیرد پس سود دارد او را پند دادن تو — اما آنکس که توانگری دارد — پس تو بر او روی می آری

وما عليك الا يزكى ۝ واما من جاءك يسعى ۝ وهو يخشى ۝

و نیست بر تو وزری در آنکه آن مستغنی پاک نشود — و اما آنکه آید بسوی تو می شتابد — و او می ترسد از خدای

فانت عنه تلهى ۝ كلا انها تذكرة ۝ فمن شاء ذكره ۝ في

پس تو از او مشغول میشوی — حقا که این آیات قرآنی پندیست مر خلق — پس هر که خواهد یاد کند آنرا — در

صحف مكرمة ۝ مرفوعة مطهرة ۝ بايدي سفرة ۝ كرام بررة ۝

صحیفهاء گرامی کرده شده — برداشته شده پاکیزه از همه — در دست نویسندگان — بزرگان نزد خدای نیکان

قتل الانسان ما اكفره ۝ من اي شيء خلقه ۝ من نطفة خلقه

لعنت کرده باد انسان یعنی کافر چه کافرتر [illegible] — از چه چیز بیافرید او را — از مقداری آب منی بیافرید او را

فقدره ۝ ثم السبيل يسره ۝ ثم اماته فاقبره ۝ ثم اذا شاء انشره ۝

پس اندازه بدید کرد پس راه بیرون آمدن آسان گردانید پس بمیرانید او را پس بخاک در آورد او را پس چون خواهد خدای زنده گرداند

كلا لما يقض ما امره ۝ فلينظر الانسان الى طعامه ۝ انا صببنا

حقا که نگذارد آنچه خدای فرمود — پس باید که نظر کند آدمی به خوردنی خود — بدرستی که ما ریختیم

الماء صبا ۝ ثم شققنا الارض شقا ۝ فانبتنا فيها حبا ۝

آب را از ابر — پس شکافتیم از زمین شکافتنی — پس برویانیدیم در زمین دانه

وعنبا وقضبا ۝ وزيتونا ونخلا ۝ وحدائق غلبا ۝ وفاكهة وابا ۝

و تاک انگور و اسپست — و زیتون و خرماستان — و باغها دیوار بست — و میوها تر و خشک

متاعا لكم ولانعامكم ۝ فاذا جاءت الصاخة ۝ يوم يفر

برای خوردنی شما و چارپایان شما — پس چون بیاید آوازی کر کننده — روزی که بگریزد

المرء من اخيه ۝ وامه وابيه ۝ وصاحبته وبنيه ۝ لكل

مرد از برادر خود — و از مادر خود و پدر خود — و از زن خود و از پسر خود — مر هر

امرئ منهم يومئذ شان يغنيه ۝ وجوه يومئذ مسفرة ۝

مردی از اهل قیامت در آن روز کاریست که مشغول میدارد — روبها باشد آن روز تابان

ضاحكة مستبشرة ۝ ووجوه يومئذ عليها غبرة ۝

و خندان — فرخناک و شادان — و روبها باشد آن روز — بر آن غبار

ترهقها قترة ۝ اولئك هم الكفرة الفجرة ۝

و تاریکی از کفر فرو گیرد آنرا — تاریکی و سیاهی آن گروه روسیاه ایشان دروغ گویانند و تبه کاران

سورة كورت تسع وعشرون آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

اذا الشمس كورت ۝ واذا النجوم انكدرت ۝ واذا الجبال

چون آفتاب در هم پیچیده شود — و آنگاه که ستارگان تیره شوند — و آنگاه که کوهها

سُيِّرَتْ ۝ وَاِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ ۝ وَاِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ ۝ وَاِذَا
روانه شوند وچون ناقه ده ماهه فروگذاشته شود والكاه كه جانوران وحشى حشر كرده شوند والكاه

الْبِحَارُ سُجِّرَتْ ۝ وَاِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ ۝ وَاِذَا الْمَوْءُدَةُ سُئِلَتْ ۝
كه درياها خشك گرداند والكاه كه بعضها جفت شود والكاه كه دختر زنده درخاك كرده پرسيده شود

بِاَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ ۝ وَاِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ ۝ وَاِذَا السَّمَآءُ
بكدام گناه كشته شد والكاه كه نامهاى اعمال بازكرده شود والكاه كه آسمان بركنده ودرهم پيچيده شود

كُشِطَتْ ۝ وَاِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ ۝ وَاِذَا الْجَنَّةُ اُزْلِفَتْ ۝ عَلِمَتْ
ودرهم پيچيده شود والكاه كه دوزخ افروخته شود والكاه كه بهشت نزديك گردانيده شود بداند

نَفْسٌ مَا اَحْضَرَتْ ۝ فَلَا اُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ ۝ الْجَوَارِ الْكُنَّسِ ۝ وَاللَّيْلِ
هر نفسى آنچه حاضر ساخته باشد پس سوگند ميخورم بستارها پنهان شده درروز بمغارب خود پنهان شدگان وسوگند

اِذَا عَسْعَسَ ۝ وَالصُّبْحِ اِذَا تَنَفَّسَ ۝ اِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ۝
الكاه كه پيش آيد وبصبح الكاه كه دم زند بدرستى كه قرآن هر آينه خوانده فرستاده است بزرگ

ذِى قُوَّةٍ عِنْدَ ذِى الْعَرْشِ مَكِينٍ ۝ مُطَاعٍ ثَمَّ اَمِينٍ ۝ وَمَا صَاحِبُكُمْ
خداوند قوة يعنى جبرئيل نزد خداوند عرش باجاه منزل فرمان برده شده درميان ملائكه آسمانها امانت وَنيست صاحب شما محمد

بِمَجْنُونٍ ۝ وَلَقَدْ رَاٰهُ بِالْاُفُقِ الْمُبِينِ ۝ وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ ۝
ديوانه وبدرستى كه ديد پيغمبر بافق روشن ونيست پيغمبر برخبرها پوشيده بخيل

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ ۝ فَاَيْنَ تَذْهَبُونَ ۝ اِنْ هُوَ اِلَّا ذِكْرٌ
ونيست قرآن سخن ديو رانده پس كجا ميرويد نيست قرآن مگر پندى

لِلْعَالَمِينَ ۝ لِمَنْ شَآءَ مِنْكُمْ اَنْ يَسْتَقِيمَ ۝ وَمَا تَشَآءُونَ
مرعالميان قرآن موعظه است مرهركه ميخواهد از شما آنكه مستقيم شود ونخواهيد شما استقامت

اِلَّا اَنْ يَشَآءَ اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ۝
مگر آنكه خواهد خداى پروردگار عالميان

سُورَةُ الْاِنْفِطَارِ تِسْعَ عَشْرَةَ آيَةً

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

اِذَا السَّمَآءُ انْفَطَرَتْ ۝ وَاِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ ۝ وَاِذَا الْبِحَارُ
الكاه كه آسمان شكافته شود والكاه كه كواكب فرو ريزد والكاه كه دريا

فُجِّرَتْ ۝ وَاِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ ۝ عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ وَاَخَّرَتْ ۝
روان كردد والكاه كه گورها زيرو زبر شود بداند هر نفسى آنچه از پيش فرستاده وآنچه باز پس كذاشته

يَا اَيُّهَا الْاِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ ۝ الَّذِى خَلَقَكَ فَسَوّٰيكَ
اى آدمى چه چيز ترا بفريفت پروردگار بزرگ آن خدايى كه بيافريد ترا پس راست كرد اعضاء تو

فَعَدَلَكَ ۝ فِى اَىِّ صُورَةٍ مَا شَآءَ رَكَّبَكَ ۝ كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ
پس بكردانيد ترا در هر صورتى كه خواست تركيب كرد چنين است بلكه تكذيب ميكنند شما

وَاِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ ۝ كِرَامًا كَاتِبِينَ ۝ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ ۝
وبدرستى كه برشما نگاهبانانند بزرگان نويسندگان ميدانند آنچه كنند

اِنَّ الْاَبْرَارَ لَفِى نَعِيمٍ ۝ وَاِنَّ الْفُجَّارَ لَفِى جَحِيمٍ ۝ يَصْلَوْنَهَا
بدرستى كه نيكوكاران هر آينه در بهشت اند وبدرستى كه بدكاران هر آينه در دوزخ اند درآيند در دوزخ

يَوْمَ الدِّينِ ۝ وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَآئِبِينَ ۝ وَمَا اَدْرٰيكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ ۝
در روز حساب ونيستند فجار از دوزخ گم شدگان وچه چيز ترا دانا كرد چيست روز شمار

ثُمَّ مَا اَدْرٰيكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ ۝ يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَالْاَمْرُ
روزى كه مالك نشود هيچ نفسى مرهيچ نفس چيزى وحكم وفرمان

يَوْمَئِذٍ لِلّٰهِ ۝
در آن روز خدا راست

الْمُطَفِّفِينَ سِتٌّ وَثَلٰثُونَ آيَةً

بسم الله الرحمن الرحيم

ويل للمطففين ۝ الذين اذا اكتالوا على الناس يستوفون ۝ واذا

كالوهم او وزنوهم يخسرون ۝ الا يظن اولئك انهم مبعوثون ۝

ليوم عظيم ۝ يوم يقوم الناس لرب العالمين ۝ كلا ان كتاب

الفجار لفي سجين ۝ وما ادريك ما سجين ۝ كتاب مرقوم ۝

ويل يومئذ للمكذبين ۝ الذين يكذبون بيوم الدين ۝ وما يكذب

به الا كل معتد اثيم ۝ اذا تتلى عليه اياتنا قال اساطير الاولين ۝

كلا بل ران على قلوبهم ما كانوا يكسبون ۝ كلا انهم عن ربهم

يومئذ لمحجوبون ۝ ثم انهم لصالوا الجحيم ۝ ثم يقال هذا الذي

كنتم به تكذبون ۝ كلا ان كتاب الابرار لفي عليين ۝ وما ادريك

ما عليون ۝ كتاب مرقوم ۝ يشهده المقربون ۝ ان الابرار لفي نعيم ۝

على الارائك ينظرون ۝ تعرف في وجوههم نضرة النعيم ۝ يسقون

من رحيق مختوم ۝ ختامه مسك وفي ذلك فليتنافس المتنافسون ۝

ومزاجه من تسنيم ۝ عينا يشرب بها المقربون ۝ ان الذين اجرموا

كانوا من الذين امنوا يضحكون ۝ واذا مروا بهم يتغامزون ۝ واذا

انقلبوا الى اهلهم انقلبوا فكهين ۝ واذا راوهم قالوا ان هؤلاء

لضالون ۝ وما ارسلوا عليهم حافظين ۝ فاليوم الذين امنوا

من الكفار يضحكون ۝ على الارائك ينظرون ۝ هل ثوب الكفار ما كانوا

يفعلون ۝

سورة الانشقاق خمس وعشرون

بسم الله الرحمن الرحيم

اذا السماء انشقت ۝ واذنت لربها وحقت ۝ واذا الارض مدت ۝

والقت ما فيها وتخلت ۝ واذنت لربها وحقت ۝ يا ايها الانسان

انك كادح الى ربك كدحا فملاقيه ۝ فاما من اوتي كتابه
بيمينه ۝ فسوف يحاسب حسابا يسيرا ۝ وينقلب الى اهله مسرورا
واما من اوتي كتابه وراء ظهره ۝ فسوف يدعوا ثبورا ۝ ويصلى سعيرا
انه كان في اهله مسرورا ۝ انه ظن ان لن يحور ۝ بلى ان ربه كان
به بصيرا ۝ فلا اقسم بالشفق ۝ والليل وما وسق ۝ والقمر اذا اتسق
لتركبن طبقا عن طبق ۝ فما لهم لا يؤمنون ۝ واذا قرئ عليهم
القران لا يسجدون ۝ بل الذين كفروا يكذبون ۝ والله اعلم بما يوعون
فبشرهم بعذاب اليم ۝ الا الذين امنوا وعملوا الصالحات لهم اجر غير ممنون

سورة البروج اثنتان وعشرون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

والسماء ذات البروج ۝ واليوم الموعود ۝ وشاهد ومشهود ۝ قتل

اصحاب الاخدود ۝ النار ذات الوقود ۝ اذ هم عليها قعود ۝ وهم على
ما يفعلون بالمؤمنين شهود ۝ وما نقموا منهم الا ان يؤمنوا
بالله العزيز الحميد ۝ الذي له ملك السموات والارض والله على
كل شيء شهيد ۝ ان الذين فتنوا المؤمنين والمؤمنات ثم لم يتوبوا
فلهم عذاب جهنم ولهم عذاب الحريق ۝ ان الذين امنوا وعملوا الصالحات
لهم جنات تجري من تحتها الانهار ذلك الفوز الكبير ۝ ان
بطش ربك لشديد ۝ انه هو يبدئ ويعيد ۝ وهو الغفور الودود
ذو العرش المجيد ۝ فعال لما يريد ۝ هل اتاك حديث الجنود ۝ فرعون
وثمود ۝ بل الذين كفروا في تكذيب ۝ والله من ورائهم
محيط ۝ بل هو قران مجيد ۝ في لوح محفوظ

سورة والطارق سبع عشرة آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ ۝ وَمَا أَدْرِيكَ مَا الطَّارِقُ ۝ النَّجْمُ الثَّاقِبُ ۝

إِنْ كُلُّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ ۝ فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ ۝ خُلِقَ مِنْ مَاءٍ

دَافِقٍ ۝ يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ ۝ إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ ۝

يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ ۝ فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ ۝ وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ ۝

وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ ۝ إِنَّهُ لَقَوْلٌ فَصْلٌ ۝ وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ ۝

إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا ۝ وَأَكِيدُ كَيْدًا ۝ فَمَهِّلِ الْكَافِرِينَ أَمْهِلْهُمْ رُوَيْدًا ۝

سورة الاعلى عز وجل تسع عشرة آية

بسم الله الرحمن الرحيم

سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى ۝ الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى ۝ وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى ۝

وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى ۝ فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى ۝ سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنْسَى ۝

إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى ۝ وَنُيَسِّرُكَ لِلْيُسْرَى ۝

فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعَتِ الذِّكْرَى ۝ سَيَذَّكَّرُ مَنْ يَخْشَى ۝ وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى ۝

الَّذِي يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَى ۝ ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى ۝ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ

تَزَكَّى ۝ وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى ۝ بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَوةَ الدُّنْيَا ۝ وَالْآخِرَةُ

خَيْرٌ وَأَبْقَى ۝ إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى ۝ صُحُفِ إِبْرَهِيمَ وَمُوسَى ۝

سورة الغاشية ست وعشرون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

هَلْ أَتَيكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ ۝ وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ ۝ عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ ۝

تَصْلَى نَارًا حَامِيَةً ۝ تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ آنِيَةٍ ۝ لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ ۝

لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ ۝ وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاعِمَةٌ ۝ لِسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ ۝

فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ۝ لَا تَسْمَعُ فِيهَا لَاغِيَةً ۝ فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ ۝ فِيهَا سُرُرٌ

مرفوعة ۝ واكواب موضوعة ۝ ونمارق مصفوفة ۝ وزرابي مبثوثة ۝

افلا ينظرون الى الابل كيف خلقت ۝ والى السماء كيف رفعت ۝

والى الجبال كيف نصبت ۝ والى الارض كيف سطحت ۝

فذكر انما انت مذكر ۝ لست عليهم بمصيطر ۝ الا من تولى وكفر ۝

فيعذبه الله العذاب الاكبر ۝ ان الينا ايابهم ۝ ثم ان علينا

حسابهم ۝

سورة الفجر ثلثون آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

والفجر ۝ وليال عشر ۝ والشفع والوتر ۝ والليل اذا يسر ۝ هل

في ذلك قسم لذي حجر ۝ الم تر كيف فعل ربك بعاد ۝ ارم

ذات العماد ۝ التي لم يخلق مثلها في البلاد ۝ وثمود الذين جابوا

الصخر بالواد ۝ وفرعون ذي الاوتاد ۝ الذين طغوا في البلاد ۝ فاكثروا

فيها الفساد ۝ فصب عليهم ربك سوط عذاب ۝ ان ربك

لبالمرصاد ۝ فاما الانسان اذا ما ابتليه ربه فاكرمه ونعمه

فيقول ربي اكرمن ۝ واما اذا ما ابتليه فقدر عليه رزقه

فيقول ربي اهانن ۝ كلا بل لا تكرمون اليتيم ۝ ولا تحاضون

على طعام المسكين ۝ وتاكلون التراث اكلا لما ۝ وتحبون المال

حبا جما ۝ كلا اذا دكت الارض دكا دكا ۝ وجاء ربك

والملك صفا صفا ۝ وجيء يومئذ بجهنم ۝ يومئذ يتذكر

الانسان وانى له الذكرى ۝ يقول يا ليتني قدمت لحياتي ۝

فيومئذ لا يعذب عذابه احد ۝ ولا يوثق وثاقه احد ۝ يا ايتها

النفس المطمئنة ۝ ارجعي الى ربك راضية مرضية ۝ فادخلي في

عبادي ۝ وادخلي جنتي ۝

سورة البلد عشرون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

لا اقسم بهذا البلد ۝ وانت حل بهذا البلد ۝ ووالد وما
ولد ۝ لقد خلقنا الانسان في كبد ۝ ايحسب ان لن يقدر
عليه احد ۝ يقول اهلكت مالا لبدا ۝ ايحسب ان لم يره احد
الم نجعل له عينين ۝ ولسانا وشفتين ۝ وهديناه النجدين
فلا اقتحم العقبة ۝ وما ادريك ما العقبة ۝ فك رقبة
او اطعام في يوم ذي مسغبة ۝ يتيما ذا مقربة ۝ او مسكينا
ذا متربة ۝ ثم كان من الذين امنوا وتواصوا بالصبر وتواصوا
بالمرحمة ۝ اولئك اصحاب الميمنة ۝ والذين كفروا باياتنا
هم اصحاب المشئمة ۝ عليهم نار موصدة ۝

سورة والشمس خمس عشرة آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

والشمس وضحيها ۝ والقمر اذا تليها ۝ والنهار اذا جليها ۝
والليل اذا يغشيها ۝ والسماء وما بنيها ۝ والارض وما طحيها ۝
ونفس وما سويها ۝ فالهمها فجورها وتقويها ۝ قد افلح من زكيها ۝
وقد خاب من دسيها ۝ كذبت ثمود بطغويها ۝ اذ انبعث اشقيها ۝
فقال لهم رسول الله ناقة الله وسقيها ۝ فكذبوه فعقروها ۝
فدمدم عليهم ربهم بذنبهم فسويها ۝ ولا يخاف عقبيها ۝

سورة والليل احدى وعشرون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

والليل اذا يغشى ۝ والنهار اذا تجلى ۝ وما خلق الذكر والانثى ۝
ان سعيكم لشتى ۝ فاما من اعطى واتقى ۝ وصدق بالحسنى ۝

فسنيسره لليسرى وأما من بخل واستغنى وكذب بالحسنى

فسنيسره للعسرى وما يغني عنه ماله إذا تردى إن علينا

للهدى وإن لنا للآخرة والأولى فأنذرتكم نارا تلظى لا

يصلاها إلا الأشقى الذي كذب وتولى وسيجنبها

الأتقى الذي يؤتي ماله يتزكى وما لأحد عنده من نعمة

تجزى إلا ابتغاء وجه ربه الأعلى ولسوف يرضى

سورة والضحى احدى عشرة آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

والضحى والليل إذا سجى ما ودعك ربك وما قلى وللآخرة

خير لك من الأولى ولسوف يعطيك ربك فترضى ألم يجدك

يتيما فآوى ووجدك ضالا فهدى ووجدك عائلا فأغنى

فأما اليتيم فلا تقهر وأما السائل فلا تنهر وأما بنعمة ربك فحدث

سورة ألم نشرح ثمان آيات

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

ألم نشرح لك صدرك ووضعنا عنك وزرك الذي أنقض

ظهرك ورفعنا لك ذكرك فإن مع العسر يسرا إن مع

العسر يسرا فإذا فرغت فانصب وإلى ربك فارغب

سورة والتين ثمان آيات مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

والتين والزيتون وطور سينين وهذا البلد الأمين

لقد خلقنا الإنسان في أحسن تقويم ثم رددناه أسفل

سافلين إلا الذين آمنوا وعملوا الصالحات فلهم أجر غير

ممنون ۝ فما يكذبك بعد بالدين ۝ اليس الله باحكم الحاكمين

سورة العلق تسع عشرة آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

اقرأ باسم ربك الذي خلق ۝ خلق الانسان من علق ۝ اقرأ

وربك الاكرم ۝ الذي علم بالقلم ۝ علم الانسان ما لم يعلم ۝

كلا ان الانسان ليطغى ۝ ان رآه استغنى ۝ ان الى ربك

الرجعى ۝ ارايت الذي ينهى ۝ عبدا اذا صلى ۝ ارايت ان

كان على الهدى ۝ او امر بالتقوى ۝ ارايت ان كذب وتولى ۝

الم يعلم بان الله يرى ۝ كلا لئن لم ينته لنسفعا بالناصية ۝

ناصية كاذبة خاطئة ۝ فليدع ناديه ۝ سندع الزبانية ۝

كلا لا تطعه واسجد واقترب

سورة القدر مكية خمس آيات

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

انا انزلناه في ليلة القدر ۝ وما ادراك ما ليلة القدر ۝

ليلة القدر خير من الف شهر ۝ تنزل الملائكة والروح

فيها باذن ربهم من كل امر ۝ سلام هي حتى مطلع الفجر ۝

سورة البينة ثمان آيات مدنية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

لم يكن الذين كفروا من اهل الكتاب والمشركين منفكين

حتى تاتيهم البينة ۝ رسول من الله يتلوا صحفا مطهرة ۝ فيها

كتب قيمة ۝ وما تفرق الذين اوتوا الكتاب الا من بعد

ما جاءتهم البينة ۝ وما امروا الا ليعبدوا الله مخلصين له

الدين حنفاء ويقيموا الصلوة ويؤتوا الزكوة وذلك دين

القيمة ۝ ان الذين كفروا من اهل الكتاب والمشركين في نار جهنم

خالدين فيها اولئك هم شر البرية ۝ ان الذين امنوا وعملوا الصلحت

اولئك هم خير البرية ۝ جزاؤهم عند ربهم جنات عدن تجري

من تحتها الانهار خالدين فيها ابدا رضي الله عنهم ورضوا عنه

ذلك لمن خشي ربه

بترسد از خدای

سورة الزلزال ثمان آيات

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

اذا زلزلت الارض زلزالها ۝ واخرجت الارض اثقالها ۝ وقال

الانسان ما لها ۝ يومئذ تحدث اخبارها ۝ بان ربك اوحى لها

يومئذ يصدر الناس اشتاتا ليروا اعمالهم ۝ فمن يعمل مثقال

ذرة خيرا يره ۝ ومن يعمل مثقال ذرة شرا يره ۝

سورة والعاديات احدى عشرة آية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

والعاديات ضبحا ۝ فالموريات قدحا ۝ فالمغيرات صبحا ۝

فاثرن به نقعا ۝ فوسطن به جمعا ۝ ان الانسان لربه لكنود ۝

وانه على ذلك لشهيد ۝ وانه لحب الخير لشديد ۝ افلا يعلم اذا

بعثر ما في القبور ۝ وحصل ما في الصدور ۝ ان ربهم بهم يومئذ

لخبير

سورة القارعة احدى عشرة آية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

القارعة ۝ ما القارعة ۝ وما ادريك ما القارعة ۝ يوم يكون

الناس كالفراش المبثوث ۝ وتكون الجبال كالعهن المنفوش ۝

فاما من ثقلت موازينه ۝ فهو في عيشة راضية ۝ واما من

خفت موازينه ۝ فامه هاوية ۝ وما ادريك ماهيه ۝ نار حامية ۝

سبک بود ترازو های کردار او بس جای او ناویه آست وچه دانا کرد ترا که ماهیه چیست آتشی بغایت رسیده در سوزش

سورة التكاثر مكية ثمان آيات

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

الهكم التكاثر ۝ حتى زرتم المقابر ۝ كلا سوف تعلمون ۝

مشغول کرد شمارا فخر کردن ببسیاری قوم تا آمدید بگورستانها و مردهارا شمردید نه چنانست زود باشد که بدانید

ثم كلا سوف تعلمون ۝ كلا لو تعلمون علم اليقين ۝ لترون

پس چنانست زود باشد که بدانید نه چنانست اگر بدانید دانستنی درست بیگمان بخدا که بخواهید دید

الجحيم ۝ ثم لترونها عين اليقين ۝ ثم لتسئلن يومئذ عن النعيم ۝

دوزخ را پس هرآینه بخواهید دید آنرا دیدن بچشم بیشک پس هرآینه پرسیده شوند آنروز از نعمتها

سورة والعصر مكية ثلاث آيات

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

والعصر ۝ ان الانسان لفي خسر ۝ الا الذين امنوا وعملوا

سوگند بخدای روزگار که بدرستی که همه آدمیان در زیان کارانند مگر آنانکه گرویدند و کرده اند

یا بعصر پیغمبری

الصالحات وتواصوا بالحق وتواصوا بالصبر ۝

کردارهای نیکو و وصیت کرده اند یکدیگر را براستی و وصیت کرده اند یکدیگر را بشکیبائی نمودن

سورة الهمزة مكية تسع آيات

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوندگار بخشاینده مهربان

ويل لكل همزة لمزة ۝ الذى جمع مالا وعدده ۝ يحسب ان

وای مرهر عیبت کننده آنکسی که گرد کرد مال را و شمرد آنرا می پندارد که

ماله اخلده ۝ كلا لينبذن فى الحطمة ۝ وما ادريك ما الحطمة ۝

مال او جاوید خواهد پایانید نه چنانست هرآینه انداخته شود در حطمه و چه چیز دانا کرد ترا تا بدانی که چیست حطمه

نار الله الموقدة ۝ التى تطلع على الافئدة ۝ انها عليهم موصدة ۝

آتش خدای برافروخته شده آن آتشی که بر آید بر دلها بدرستیکه آن آتش بر کافران فروبسته شده

في عمد ممددة ۝

باستونهای دراز

سورة الفيل خمس آيات مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

الم تر كيف فعل ربك باصحاب الفيل ۝ الم يجعل كيدهم

آیا ندانستی که چگونه کرد پروردگار تو بخداوندان پیل آیا نساخت و نیکند مکرایشان

في تضليل ۝ وارسل عليهم طيرا ابابيل ۝ ترميهم بحجارة

در تباهی و بطلان و فرستاد برایشان مرغان گروه گروه می افکندند برآن لشکر سنگ

من سجيل ۝ فجعلهم كعصف ماكول ۝

از گل سنگ شده پس ساخت ایشانرا چون برگ کاه خورده شده

سورة قريش مكية اربع آيات

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

لِإِيلَافِ قُرَيْشٍ إِيلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ فَلْيَعْبُدُوا
برای الفت دادن قریش با یکدیگر پیوستن ایشان سفر زمستان وتابستان پس باید که پرستند

رَبَّ هَٰذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ
خدای این خانه آن خدایی که طعام داد ایشانرا از جوع وایمن گردانید از ترس آنها

سُورَةُ الدِّينِ مَكِّيَّةٌ سَبْعُ آيَاتٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشاینده مهربان

أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالدِّينِ فَذَٰلِكَ الَّذِي يَدُعُّ الْيَتِيمَ
آیا دیدی تو الکسی که تکذیب می کند بروز جزا پس او آنکسی است که بعنف وستم دفع میکند یتیم

وَلَا يَحُضُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ
وتحریص نمیکند بر طعام دادن درویش پس سختی عذاب برای نماز گزارندگان

الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ
آنانکه ایشان از نماز خود بیخبرانند آنانکه ایشان ریا می کنند

سُورَةُ الْكَوْثَرِ ثَلَاثُ آيَاتٍ

وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ
وباز میدارند مال زکوة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشاینده مهربان

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ
ما عطا کردیم ترا بسیاری از خیرات پس نماز کن مر پروردگار خود واشتر قربان کن بدرستی که دشمن تو اوست دم بریده

سُورَةُ الْكَافِرُونَ سِتُّ آيَاتٍ مَكِّيَّةٌ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشاینده مهربان

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ وَلَا أَنْتُمْ
بگوای محمد در جواب کافران نخواهم پرستید آنچه می پرستید ونه شما

عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ وَلَا
پرستندگان آنچه می پرستم ونیستم من پرستنده آنچه شما پرستید ونباشید

أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ
شما پرستندگان آنچه من پرستش می کنم مر شمارا دین شما ومرا دین من

سُورَةُ النَّصْرِ مَدَنِيَّةٌ ثَلَاثُ آيَاتٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشاینده مهربان

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ
چون بیاید یاری کردن خدای وفتح مکه وبینی تو مردمانرا که در می آیند در دین خدای

أَفْوَاجًا فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا
گروه گروه پس تنزیه کن بستایش پروردگار تو وآمرزش طلب از او بدرستی که خدای قبول کننده توبه است

سُورَةُ الْمَسَدِ مَكِّيَّةٌ خَمْسُ آيَاتٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشاینده مهربان

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ
هلاک وتباه بوده باد دستهای ابولهب وهلاک شد ودفع نکند از او خواسته او ومال او وآنچه کسب کرده

سيصلى نارا ذات لهب وامرأته حمالة الحطب

في جيدها حبل من مسد

سورة الإخلاص اربع آيات مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

قل هو الله احد الله الصمد لم يلد

ولم يولد ولم يكن له كفوا احد

سورة الفلق خمس آيات مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

قل اعوذ برب الفلق من شر ما خلق ومن شر

غاسق اذا وقب ومن شر النفاثات في العقد

ومن شر حاسد اذا حسد

سورة الناس ست آيات مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

قل اعوذ برب الناس ملك الناس اله

الناس من شر الوسواس الخناس الذي يوسوس

في صدور الناس من الجنة والناس

صدق الله العلي العظيم وصدق رسوله النبي

الكريم ونحن على ذلك من

الشاهدين والحمد لله

رب العالمين